بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي جعل العبادة وسيلة لنيل السعادة في الآخرة

شکر و سپاس خداوندی را که گردانید عبادت را وسیله و سبب تحصیل سعادت در آن جهان

والأولى والصلوة والسلام على سيد الورى محمد وعترته ائمة الهدى

و این جهان و درود و سلام بر سرور انام محمد و اولاد او که پیشوایان هدایت

اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمد تقی عفا الله عن جرائمهما بر الواح ضمایر ارباب

ایمان و اخلاص رقم می نگارد که چون جناب مقدس ایزد تعالی شانه برای هدایت گمشدگان

بوادی ضلالت و جهالت طریق صوم و صلوة و دعا و عبادات که اشرف اسباب قرب و وصول به سعادات

اند مقرر گردانیده و از حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین ادعیه

و اعمال بسیار منقول گردیده که کتب دعا مشحون است از آنها و این حقیر در اخبار ائمه هدی

صلوات الله الملک الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار ایراد نموده و چون اکثر خلق به

اشتغال بانواع اشتغال دنیویه از تحصیل آنها و عمل به همه آنها

[illegible] در بیان فضائل ایام و لیالی شریفه و اعمال آنها که باسانید صحیحه و معتبره وارد شده است
در این رساله ایراد نماید که عامهٔ خلق از برکات آنها محروم نباشند و شاید که این بنده را بدعا مغفرت
یاد نمایند و مسمّی گردانیدم آنرا بزاد المعاد عَسَی اللهُ اَنْ یَهْدِیَنَا وَاِیَّاهُمْ اِلَی سَبِیلِ الرَّشَادِ چون
اتمام این رساله و آغاز و انجام این مجالد در زمان دولت عدالت شعار و اوان سلطنت سعادت آثار اعلی حضرت
سلاطین پناه سرور خواقین دوران شیرازه اوراق ملت و دین نقاوه احفاد سید المرسلین آب و رنگ
گلستان مصطفوی چشم و چراغ دودمان مرتضوی سلطان جم خدم خاقان فرشته حشم شجاعت آثاری
که تیغ آبدارش [illegible] های کفار زهر [illegible] دار البوار و حسام آتش بارش [illegible] خرمن حیات
منافقان [illegible] یُرْسَلُ عَلَیْکُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ دستهای اعیان مزید رفعت
شان [illegible] لبیانش بکف الخضیب [illegible] صوفیان صفوت نشان [illegible] دعا
خلود دولت ابد توامان [illegible] گنبد خلاف از نیام کین کشیده
چون [illegible] صورت مرگ خود را در آن معاینه دیده
جبین [illegible] سحاب [illegible]
[illegible] قواعد [illegible] شریعت آبای طاهرین [illegible] التقبیل
شفاه سلاطین زمان [illegible]
المصریة العزیز [illegible] السلطان الاعظم والخاقان الاعدل الاکرم [illegible] الاکاسرة وملاذ
القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغراء و مشید قواعد الملة البیضاء السلطان بن السلطان والخاقان
بن الخاقان الشاه سلطان حسین الموسوی الحسینی الصفوی بهادر خان لازالت رایات دولته
مرفوعة [illegible] تحفه آن بارگاه خلائق امیدگاه گردانیده امید که مقبول
طبع اشرف گردیده و آن اعلی حضرت از فوائد آن منتفع گردد بمحمد و آله الطاهرین والله الموفق
والمعین و آن مشتمل است بر چهارده باب و خاتمه **باب اول** در فضائل و اعمال ماه
مبارک رجب است و آن مشتمل است بر پنج فصل **فصل اول** در بیان فضائل
این ماه و عبادات است بدانکه این دو ماه و شعبان و ماه رمضان بهترین ماههای سال اند

وازحضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هرکه حرمت ماه رجب وشعبان را بدارد ووصل نماید [illegible]
بروزه ماه مبارک رمضان این ماههای مبارک در روز قیامت گواهان او باشند نزد خدای تعالی ودر آن
روز منادی از افق اعلی ندا کند که ای رجب وشعبان وماه رمضان چگونه بود عمل این بنده در شماها
وطاعت او از برای خدا آن ماهها همه گویند که این بنده توشه گرفت در ما یا ربی طاعت ترا واستمداد فضل
ورحمت از تو نمود وسعی بسیار در طلب خوشنودی تو کرد وتا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس
گواهی دهند ملائکه که موکل اند برین ماهها که ما نیز شاهدیم که این بنده اگر طلب کننده طاعت خوشنودی تو
وامیدوار رحمت وآمرزش تو بود وانچه را نهی کرده بودی ترک کرد وانچه از و طلبیده بودی بسوی
آنها مسارعت نمود وروزه کامل از برای تو داشت شکم وفرج وگوش وچشم وسایر جوارح او از انچه
بر او حرام کرده بودی اجتناب کرد وروزها را با تشنگی بشب رسانید ودر شبها خود را بتعب
انداخت برای بندگی تو وتصدق بفقرا ومساکین بسیار داد واحسان بسیار نسبت به بندگان
تو نمود وبا این ماهها مصاحبت نیکو کرد وچون از ینها جدا شد وداع نیکو کرد وبعد از رفتن آنها هم
پیرامون محرمات تو نگردید ونیکو بنده بود این بنده پس حق تعالی فرماید که ببرید این بنده را به بهشت و
استقبال کنند او را ملائکه مقربان بتحفه ها وکرامتها واو را بر شتران اسپان بهشت سوار کنند وببرید بسوی بهشتی
که هرگز زوال ندارد وخانه که فانی نمیشود وسرای که جوانانش پیر نمیشوند وشادی وخوشحالی آن زوال
ندارد وهرگز ایشان را تعب نمی باشد واز عذاب ایمن میگردند ومشقت حساب برای ایشان نیست
وایضا از انحضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست وماهی در حرمت وفضیلت
بان نمیرسد وقتال با کافران درین ماه حرام است ورجب ماه خداست وشعبان ماه منست
وماه رمضان ماه امت منست پس هرکه یک روز از ماه رجب روزه دارد مستوجب خوشنودی
بزرگ خدا گردد وغضب الهی از او دور گردد ودری از درهای جهنم بر روی او بسته گردد
وبسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقولست که هرکه یک روز از ماه رجب روزه دارد آتش جهنم
یکساله راه از او دور گردد وهرکه سه روز از آن روزه دارد بهشت از برای او واجب گردد
وایضا فرمود که رجب نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر واز عسل شیرینتر هرکه یک روز

گناهکار، و هرکه درین ماه تصدقی از برای خدا بکند خداوند غفار در بهشت نعمتی چند عطا فرماید
که چشمی ندیده باشد و گوشی نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد و ایضاً بسند معتبر از حضرت صادق علیه
السلام روایت کرده است که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور
رویهای ایشان جمیع اهل محشر را روشن گرداند و تاج پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد بیاقوت و مروارید و
و با هر یک از ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار ملک از جانب چپ و همه او را ندا کنند که گوارا باد ترا
کرامتهای حق تعالی ای بندهٔ خدا پس خداوند رحمان ندا کند ایشان را که ای بندگان و کنیزان من بحق جلال
خود سوگند یاد میکنم که شما را در ماوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت
غرفه‌ها که نهرها در زیر آنها جاری باشد و همیشه در آن غرفه‌ها باشید و نیکو مزدی است مزد کارکنان این برای آنکه
بر شما واجب کردانم روزه داشتید از برای من در ماهی که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و حق او را واجب ساخته
بودم ای ملائکه من بندگان و کنیزان مرا داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسی
است که چیزی از ماه مبارک رجب را روزه بدارد اگرچه یک روز باشد از اولش یا میانش یا آخرش و بسند معتبر از
حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هرکه روز اول ماه رجب را روزه دارد حق تعالی در قیامت
از او خوشنود باشد و هرکه دو روز روزه دارد خدا بغایت از او خوشنود و راضی گردد و او را خوشنود
گرداند و هرکه سه روز از آن روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد و خصمان او را از او راضی گرداند
در قیامت و هرکه هفت روز از آن روزه دارد چون بمیرد درهای هفت آسمان برای روح او گشوده شود تا
تا بملکوت اعلی برسد و هرکه هشت روز از آن روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او گشوده شود
و هرکه پانزده روز از آن روزه بدارد هر حاجت که از حق تعالی بطلبد بر آورده شود مگر آنکه سؤال
او برای گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هرکه تمام ماه را روزه بدارد از گناهان بیرون آید مانند
روزیکه از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت گردد با برگزیدگان
و نیکوکاران و احادیث درین باب بسیار است این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد **فصل دوم**
در بیان اعمالی است که کسی که از روزه عاجز باشد یا بر او دشوار باشد عوض آن بعمل آورد و ببعضی
از روایات معتبره وارد شده است که بدل روزه مستحب یک درهم تصدق کند که موافق [illegible] این زمانها

تقریبا هفتاد دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض روزه یکمد گندم یا جو وارد شده است و احوط

ده صد درم شاهی است و ظاهرا صد درم کهنه کافی باشد و در روایتی در خصوص روزه ماه رجب

یک گرده نان نیز وارد شده است اگر قادر بر روزه نباشد و حمل کرده اند بر کسیکه پریشان

باشد و قدرت بر درم و مد نباشد و ایضا در خصوص ماه رجب از حضرت رسول وارد شده است

که بعوض روزه اگر قادر بران نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه را بیابد

سُبْحَانَ الْاِلٰهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ

پاک است معبود بزرگوار پاک است کسی که سزاوار نیست بپاکی یاد کردن مگر برای او پاک است آنکه

الْاَعَزِّ الْاَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَهُوَ لَهُ اَهْلٌ

غالبتر و گرامی تر است پاک است آنکه پوشید بزرگی را و حال آنکه او برای پوشیدن آن سزاوار است

و در روایت معتبره وارد شده است که هر که بمنزل برادر مومن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده

باشد و او طعامی حاضر سازد و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است

هفتاد برابر و اگر اظهار نکند که روزه ام ثواب آن بیشتر است و برابر یکساله روزه است زن را روزه سنت

داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت پدر و مادر و مهمان را بی رخصت مهماندار

و مهماندار را بی رخصت مهمان از احادیث ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علما آنست که روزه سنت مملوک

بدون اذن مالک باطل است و همچنین روزه سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر و مادر مشهور آنست

روزه سنت فرزند بدون اذن ایشان مکروه است و باطل نیست و بعضی گفته اند که بی رخصت پدر باطل است

و احوط آنست که بدون اذن پدر و مادر روزه سنت ندارد و در روزه سنت مهمان بدون رخصت مهماندار

نیز خلاف است و احوط آنست که مهمان و مهماندار هیچ یک بی رخصت دیگری روزه مستحب ندارد و اگر نهی کند اظهر

آنست که مکروه است **فصل سوم** در بیان اعمال هر شب و هر روز است بسند معتبر منقول است که حضرت امام

زین العابدین علیه السلام در روز اول ماه رجب این دعا را خواندند و علما ذکر کرده اند که در هر روز خواندن سنت است

يَا مَنْ يَمْلِكُ حَوَائِجَ السَّائِلِينَ وَيَعْلَمُ ضَمِيرَ الصَّامِتِينَ لِكُلِّ مَسْأَلَةٍ مِنْكَ

ای آنکه مالک است حاجتهای درخواهندگان را و میداند اندرون دل خاموشان را برای هر سوال از تو

سمع حاضر وجواب عتيد اللهم ومواعيدك الصادقة وأياديك الفاضلة

گوشی است بینا وجوابی مهیا خداوندا وعده های تو راست است ونعمتهای تو افزون است

ورحمتك الواسعة فأسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تقضي حوائجي

ورحمت تو فراخ است پس میخواهم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد وآنکه برآوری حاجتهای مرا

للدنيا والآخرة إنك على كل شيء قدير وبسند معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام

که بجهت دنیا وآخرت است بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی در هر روز ماه رجب این دعا را میخواندند

خاب الوافدون على غيرك وخسر المتعرضون إلا لك وضاع الملمون إلا بك

ناامید شدند واردشدگان بر غیر تو وزیان کردند فرا پیش آیندگان مگر بتو وتباه شدند فرود آیندگان مگر بتو

وأجدب المنتجعون إلا من انتجع فضلك بابك مفتوح للراغبين وخيرك

وقحط زده شدند طالبان معروف مگر آنکه طلب نمود فضل ترا در تو گشوده است برای خواهش کنندگان وخیر تو

مبذول للطالبين وفضلك مباح للسائلين ونيلك متاح للآملين

بخشیده شده است برای طلب کنندگان واحسان تو حلال است برای خواهندگان وعطای تو مقدر است برای امیدواران

ورزقك مبسوط لمن عصاك وحلمك معترض لمن ناواك عادتك

وروزی تو پهن کرده شده است برای آنکه نافرمانی ورزد ترا وبردباری تو درپیش آینده است مر کسی را که دشمنی کند با تو وخوی تو

الإحسان إلى المسيئين وسبيلك الإبقاء على المعتدين اللهم

نیکوئی کردن است بسوی بدکاران وطریقه تو مدارا ورحم کردن است بر تجاوز نمایندگان خداوندا

فاهدني هدى المهتدين وارزقني اجتهاد المجتهدين ولا تجعلني

پس هدایت کن مرا مانند هدایت راه یافتگان وروزی کن مرا کوشش کوشش نمایندگان ومگردان مرا

من الغافلين المبعدين واغفر لي يوم الدين

از بی خبران ودور شدگان وبیامرز مرا در روز جزا

وایضا بسند معتبر منقولست که محمد بن ذکوان بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که فدای تو شوم این ماه رجب است

مرا دعائی تعلیم نما که حق تعالی مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز ماه رجب در صبح وشام بعد از نمازهای روز وشب این دعا را بخوان

يا من ارجوه لكل خير وآمن سخطه عند كل شر يا من يعطي

ای آنکه امید دارم از و برای هر نیکی و ایمنم از غضب او نزد هر بدی ای آنکه می بخشد

الكثير بالقليل يا من يعطي من سأله يا من يعطي من لم يسأله

بسیاری را در برابر اندک ای آنکه عطا میکند آنرا که سوال کند از و ای آنکه عطا میکند آنرا که سوال نکند از و

ومن لم يعرفه تحننا منه ورحمة اعطني بمسألتي اياك جميع خير

و آنرا که نشناسد او را بجهت عطوفت و مهربانی خود عطا کن مرا بسوال من از تو همه نیکیهای

الدنيا وجميع خير الآخرة واصرف عني بمسألتي اياك جميع شر الدنيا

دنیا و همه نیکیهای عقبی را و بگردان از من بسوال من از تو همه بدیهای دنیا

وشر الآخرة فانه غير منقوص ما اعطيت وزدني من فضلك يا كريم

و بدیهای آخرت را زیرا که بتحقیق کم نمی کردد آنچه بخشیدی و زیاده کن برای من از احسان خود ای کریم

پس حضرت ریش مبارک خود را بدست چپ گرفتند و انگشت سبابه دست راست

خود را بجانب راست و چپ حرکت میدادند و این دعا را خواندند

يا ذا الجلال والاكرام يا ذا النعماء والجود يا ذا المن والطول

ای خداوند بزرگواری و کرامت و بخشش ای خداوند نعمت و بخشش ای خداوند عطا و احسان

حرم شيبتي على النار

حرام گردان موی سفید مرا بر آتش

و دست بر نداشتند تا از آب دیده اثر بر ریش مبارکش تر شدند و شیخ طوسی بسند معتبر روایت

کرده که حضرت صادق علیه السلام به معلی بن خنیس گفت که در ماه رجب این دعا را بخوان

اللهم اني اسألك صبر الشاكرين لك وعمل الخائفين منك ويقين

خدایا سؤال میکنم از تو شکیبائی شکر کنندگان ترا و کردار ترسندگان از تو و یقین

العابدين لك اللهم انت العلي العظيم وانا عبدك البائس الفقير

پرستندگان ترا خداوندا تو بلند مرتبه بزرگ مقداری و من بنده تو بدحال محتاج

فصل سوم

وَاَنْتَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَاَنَا الْعَبْدُ الذَّلِيلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنُنْ

و تو بی نیازی و ستوده و من بندهٔ خوارم بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و منت گذار

بِغِنَاكَ عَلٰى فَقْرِي وَبِحِلْمِكَ عَلٰى جَهْلِي وَبِقُوَّتِكَ عَلٰى ضَعْفِي يَا قَوِيُّ

به بی نیازی خود بر تنگدستی من و به بردباری خود بر نادانی من و بتوانائی خود بر ناتوانی من ای توانا

يَا عَزِيزُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَاكْفِنِي

ای غالب خداوندا رحمت بفرست بر محمد و فرزندان او که جانشینان پیغمبرند پسندیده کفایت کن

مَا اَهَمَّنِي مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

آنچه را که غمگین سازد مرا از دنیا و عقبی ای مهربانی کننده‌ترین مهربانی کنندگان

و از روایت سید بن طاوس علیه الرحمه ظاهر می شود که این دعا جامع‌ترین دعاهاست و در همه

اوقات می توان خواند و شیخ طوسی و سید و دیگران بسندهای معتبر از حضرت صاحب الامر

علیه السلام روایت کرده اند که سنت است که در هر روز از روزهای ماه مبارک

رجب این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق دو فرزند متولد شده در ماه رجب محمد بن علی دوم و پسر او

عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَاَتَقَرَّبُ بِهِمَا اِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرَبِ يَا مَنْ اِلَيْهِ

علی بن محمد برگزیده و نزدیکی میجویم بوسیلهٔ آن دو بسوی تو بهترین نزدیکیها ای کسی که بسوی او

الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغِبَ اَسْاَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ

احسان طلب کرده میشود و در آنچه نزد اوست رغبت کرده میشود سوال میکنم ترا مانند سوال گناهکار

قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَاَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا دُءُوبُهُ

بتحقیق هلاک کرده باشد او را گناهان او و استوار بسته باشد او را عیبهای او پس طول کشیده باشد بر گناهان

وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ يَسْاَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ

و از مصیبتها امور عظیمهٔ او خواهد از تو توبه را و خوبی بازگشت را و باز ایستادن

عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النَّارِ فَكَاكَ رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمَّا فِي رِبْقَتِهِ

از گناه‌ها و از آتش آزادی کردن خود را و درگذشتن از آنچه در گردن بنده اوست

فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ

پس تویی ای آقای من بزرگترین آرزوی او و اعتماد او خداوندا و سوال میکنم ترا بسوالهای

الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي هَذَا الشَّهْرِ

بلند پایه و وسیلهای با رفعت تو آنکه بپوشانی مرا در این ماه

بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا

برحمتی از خود فراگیرنده و نعمتی بازدارنده و نفسی که بوده باشد بآنچه روزی گردهٔ او را

قَانِعَةٍ إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ

خشنود تا فرود آمدن در قبر و مکان آن سرای و آنچه آن نفس بسوی آن چیز بازگشت کننده است

و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که در جمیع ماه رجب هر بامداد و پسین هفتاد مرتبه بگوید

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

طلب آمرزش میکنم از خدا و رجوع میکنم بسوی او

پس دستها را بسوی آسمان بردارد و بگوید

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَتُبْ عَلَيَّ

بارخدایا بیامرز مرا و بپذیر توبهٔ مرا

و این استغفار در جمیع ایام سال سنت است هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار در آن وارد شده است اگر خواهد در یک روز بخواند و اگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد و ایضاً منقول است که هر که هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود و حق تعالی شهری در بهشت برای او بنا کند و در هر شب از شبهای این ماه هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است و صد مرتبه این استغفار نیز منقول است و در جمیع این ماه اگر چهار صد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد

اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام ربی وربک الله عز وجل

خداوندا طالع گردان این ماه را بر ما با ایمنی از بلاها و ایمان و سلامتی و اسلام پروردگار من و پروردگار تو خداست عز و جل

و در شب اول رجب زیارت حضرت امام حسین علیه السلام فضیلت بسیار دارد و در حدیث صحیح وارد شده است که هر که در اول رجب آنحضرت را زیارت کند بهشت او را واجب شود البته

و احیای شب اول رجب سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تا توانی احیا کنی شبها را شب اول ماه رمضان و شب عید قربان و شب اول محرم و شب عاشورا و شب اول رجب و شب نیمه شعبان و در آنها دعا و نماز و تلاوت قرآن بسیار بکن و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در شب اول رجب بعد از نماز عشا این دعا بخوان

اللهم انی اسالک بانک ملیک وانک علی کل شیء مقتدر وانک

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بآنکه تو پادشاهی و بآنکه بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و آنکه بتحقیق تو

ما تشاء من امر یکون اللهم انی اتوجه الیک بنبیک محمد نبی الرحمة

آنچه خواهی از امری میشود خداوندا بدرستیکه من رو آورده ام بسوی تو بوسیله پیغمبر تو محمد پیغمبر رحمت

صلواتک علیه واله یا محمد یا رسول الله انی اتوجه بک الی الله ربی وربک

رحمتهای تو بر او و آل او باد ای محمد ای فرستاده خدا بدرستیکه من رو آورده ام بسوی خدا پروردگار من و پروردگار تو

لینجح بک طلبتی اللهم بنبیک محمد وبالائمة من اهل بیته انجح طلبتی

تا برآورده شود بسبب تو حاجت مرا بار خدایا بحق پیغمبر خود محمد و بحرمت پیشوایان از خانواده او برآور حاجت مرا

پس حاجت خود را طلب نماید و شصت رکعت نماز نیز وارد شده است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت حمد و یک مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند تا از بلاهای دنیا و عذاب آخرت ایمن گردد و شیخ و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که حضرت امام موسی علیه السلام در شب اول ماه رجب بعد از آنکه از نماز شب فارغ می شدند این دعا را در سجده میخواندند

لک المحمدة ان اطعتک ولک الحجة ان عصیتک لا صنع لی ولا لغیری فی احسان

مر تراست ستودن اگر فرمان برداری کنم ترا و مر تراست حجت اگر نافرمانی کنم ترا نیست کاری مرا و نه غیر مرا در نیکوئی

فصل پنجم در آداب جامه پوشیدن و عمامه و عبا

إلّا بك يا كائناً قبل كلّ شيءٍ ويا مكوّن كلّ شيءٍ إنّك على كلّ شيءٍ

مگر بتوفیق تو ای موجود پیش از هر چیز و ای پدید آورنده هر چیز هر آینه تو بر هر چیز

قديرٌ اللّهمّ إنّي أعوذ بك من العديلة عند الموت ومن شرّ المرجع في

توانائی خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از عدیله نزد مردن و از بدی بازگشت در

القبور ومن الندامة يوم الآزفة فأسألك أن تصلّي على محمّدٍ وآله

قبرها و از پشیمانی در روز رستخیز پس میخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او

وأن تجعل عيشتي عيشةً نقيّةً وميتتي ميتةً سويّةً ومنقلبي منقلباً

و اینکه بگردانی زندگانی مرا زندگانی پاکیزه و مردن مرا مردن درست هموار و بازگشت مرا بازگشت

كريماً غير مخزٍ ولا فاضحٍ اللّهمّ صلّ على محمّدٍ وآله الأئمّة ينابيع الحكمة

گرامی که نباشد خوار سازنده و نه رسوا نماینده خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او پیشوایان چشمه های دانش

وأولي النعمة ومعادن العصمة واعصمني بهم من كلّ سوءٍ ولا تأخذني

و صاحبان نعمت و کانهای عصمت و نگاهدار مرا بسبب ایشان از هر بدی و مگیر مرا

على غرّةٍ ولا على غفلةٍ ولا تجعل عواقب أعمالي حسرةً وارض عنّي فإنّ

بر فریفتگی و نه بر غفلت و مگردان آخرهای کردارهای مرا افسوس خوشنود باش از من زیرا که بتحقیق

مغفرتك للظالمين وأنا من الظالمين اللّهمّ اغفر لي ما لا يضرّك و

آمرزش تو برای ستمکاران است و من از ستمکارانم خداوندا بیامرز برای من گناهی را که ضرر نمی رساند ترا

أعطني ما لا ينقصك فإنّك الوسيع رحمته البديع حكمته وأعطني

بده چیزی که کم نمیکند از ترا زیرا که تو آنکسی که فراخ شونده است رحمت او بی نظیر است حکمت او و ببخش مرا

السعة والدعة والأمن والصحّة والبخوع والقنوع والشكر والمعافاة

فراخی و رفاهیت و ایمنی و صحت و فروتنی و قناعت و سپاس گزاری و عافیت

والتقوى والصبر والصدق عليك وعلى أوليائك واليسر والشكر واعمم

و پرهیزکاری و شکیبائی و راست گوئی بر تو و بر دوستان تو و توانگری و شکر گزاری و فرو گیر

بِذٰلِكَ يَا رَبِّ اَهْلِي وَوَلَدِي وَاِخْوَانِي فِيكَ وَمَنْ اَحْبَبْتُ وَاَحَبَّنِي

بآن عطای ای پروردگار من اهل مرا و فرزندان مرا و برادران مرا در راه تو و آنرا که دوست دارم و آنکه دوست دارد مرا

وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و آنرا که زائیدم من و آنکه زائیده مرا از مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان گرونده و زنان گرونده ای پروردگار جهانیان

وایضاً بسند معتبر منقولست که مستحب است بعد از سلام نماز تهجد چنانچه شبشته است این دعا را بخواند

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ خَزَائِنُهُ وَلَا يَخَافُ اٰمِنُهُ رَبِّ اِنِ ارْتَكَبْتُ الْمَعَاصِيَ

سپاس مر خدایرا که بپایان نمیرسد خزانه او و نمی ترسد امان یافته او پروردگار من اگر مرتکب شوم گناهان را

فَذٰلِكَ ثِقَةً بِكَرَمِكَ اِنَّكَ تَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِكَ وَتَعْفُو عَنْ

پس آن بجهت اعتماد بکرم تست بدرستیکه تو می پذیری توبه را از بندگان خود و در میگذری از

سَيِّئَاتِهِمْ وَتَغْفِرُ الزَّلَلَ فَاِنَّكَ مُجِيبٌ لِدَاعِيكَ وَمِنْهُ قَرِيبٌ فَاَنَا

بدیهای ایشان و می آمرزی لغزش را پس بدرستیکه تو اجابت کننده مر خواننده خود را و از و نزدیکی پس

تَائِبٌ اِلَيْكَ مِنَ الْخَطَايَا وَرَاغِبٌ اِلَيْكَ فِي تَوْفِيرِ حَظِّي مِنَ الْعَطَايَا

رجوع کننده ام بسوی تو از گناهان و رغبت نماینده ام بسوی تو در وافر گردانیدن بهره من از بخششها

يَا خَالِقَ الْبَرَايَا يَا مُنْقِذِي مِنْ كُلِّ شَدِيدَةٍ يَا مُجِيرِي مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ

ای پدید آورنده خلایق ای رهاننده من از هر سختی ای پناه دهنده من از هر مخوف

وَفِّرْ عَلَيَّ السُّرُورَ وَاكْفِنِي شَرَّ عَوَاقِبِ الْاُمُورِ فَاَنْتَ اللّٰهُ عَلٰى نَعْمَائِكَ

تمام گردان بر من شادی را و دفع کن از من بد انجام کارها را زیرا که بتحقیق توئی خدا بر نعمتهای خود

وَجَزِيلِ عَطَائِكَ مَشْكُورٌ وَلِكُلِّ خَيْرٍ مَذْخُورٌ

و عطای وافر خود شکر کرده شده و برای هر نیکی ذخیره کرده شده

وایضاً از حضرت امام علی نقی صلوات اللّه علیه منقولست که بعد از نماز وتر این دعا را نیز بخواند

يَا نُورَ النُّورِ يَا مُدَبِّرَ الْاُمُورِ يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ يَا كهيعص

ای نور همه نورها ای تدبیر کننده کارها ای روان سازنده دریاها ای برانگیزنده مردگان در قبرها ای پناه من

فصل ... حرام است مردان را ... همچنین حرام است زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند کلاه و قبا و عمامه و همچنین جائز نیست پوشیدن لباسی که مخصوص کافران باشد مانند کلاه های فرنگی و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که جائز نیست زنان را ...

واعمال و ادعیه این شب بسیار است و روزه روز اول فضیلت بسیار دارد و از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که در روز اول ماه رجب حضرت نوح ع بکشتی سوار شد و امر
کرد جمیع جن و انس را که با او در کشتی بودند روزه بدارند و هر که آن روز را روزه بدارد
آتش جهنم یکساله راه از او دور گردد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که روزه
بدارد روز اول ماه رجب از برای رغبت در ثواب خدا بهشت برای او واجب شود و هر که یک روز
از وسط این ماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت او را قبول نماید در مانند ربیعه و مضر که دو قبیله
عظیم اند از قبائل عرب و هر که یک روز از آخر این ماه روزه بدارد حق تعالی او را از پادشاهان بهشت
گرداند و قبول کند شفاعت او را در حق پدر و مادر و دختر و پسر و برادر و خواهر و عمو و عمه و خالو و خاله
او و جمیع همسایگان او و آشنایان او هر چند همه مستوجب جهنم بوده باشند و شیخ طوسی و دیگران
از سلمان فارسی رضی الله عنه روایت کرده اند که گفت در آخر روز جمادی الثانی رفتم بخدمت حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت فرمود که ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مومن و زن
مومنه که در ماه رجب سی رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو
الله احد و سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی که در خردی
و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی که تمام آن ماه را روزه گرفته باشد و تا سال آینده
حق تعالی او را از نمازگزارندگان بنویسد و بهر روز آن ماه ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای
آن باسمان برند و بهر روزی که در آن ماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسند و هزار
درجه در بهشت از برای او بلند کنند و اگر تمام ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات
بدهد و بهشت را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را از برای من آورد
و گفت یا محمد این علامتست میان شما و منافقان زیرا که منافقان این نماز را نمیکنند گفتم
یا رسول الله چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده
رکعت بجا می آوری یعنی بهر دو رکعت یک سلام و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و سه مرتبه
قل هو الله احد و سه مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخوانی و بعد از هر سلام دست بسوی آسمان بلند کن و بگو

لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت و

نیست معبود بحق مگر خدا در حالیکه یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده می‌سازد و می‌میراند

هو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير اللهم لا مانع لما

او زنده است که نمی‌میرد بدست او است نیکی او بر همه چیز توانا است بار خدایا نیست باز دارنده آنچه را

أعطيت ولا معطي لما منعت ولا ينفع ذا الجد منك الجد

بخشش کنی و نه بخشنده آنچه که باز داری تو و سود نمی‌بخشد خداوند بخت را از تو بخت

پس دستها را بر روی خود می‌کشی و در روز وسط ماه یعنی روز پانزدهم ده رکعت بهمان نحو بجا

و بعد از سلام دستها بسوی آسمان بر میداری و میگوئی

لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت و

نیست معبود بحق مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس

هو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير إلها

او زنده است که نمی‌میرد بدست او است نیکی و او بر همه چیز تواناست سپاس میکنم خدا

واحدا أحدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا

که بی مانند یگانه یکتا پناه محتاجان است که فرا نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی

پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز آخر ماه یازده رکعت بهمان نحو میکنی و بعد از هر سلامی

دست بر میداری و میگوئی

لا إله إلا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت و

نیست معبود بحق مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی برای او و مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده می‌سازد و می‌میراند

هو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير وصلى الله على

او زنده است که نمی‌میرد بدست او است نیکی و او بر همه چیز تواناست و رحمت فرستد خدا

محمد وآله الطاهرين ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم

محمد و آل پاکان او و نیست باز گردیدن از گناه و نه توانائی بر طاعت مگر بتوفیق خداوند بلند قدر بزرگ

پس دستها را بر روی خود دمال و حاجت خود را بطلب که البته برآورده است و حق تعالی
میان تو و جهنم هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی بقدر ما بین آسمان و زمین بوده باشد
و بعدد هر رکعت ثواب هزار هزار رکعت در نامه عمل تو می نویسد و برات بیزاری از جهنم و گذشتن
بر صراط برای تو می نویسد و منقولست که هر که در روز جمعه اول ماه رجب صد مرتبه قل هو الله احد بخواند
حق تعالی در روز قیامت با و نوری عطا کند که بآن نور داخل بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد
شده است که حضرت امام محمد باقر در روز جمعه اول ماه رجب متولد شده موجب زیادت شرافت این
روز گردیده و در روایتی وارد شده است که ولادت حضرت امام علی نقی علیه السلام در روز
دوم ماه رجب واقع شده و بروایت دیگر روز سوم ماه رجب واقع شده و بروایت ابراهیم بن
هاشم وفات آنحضرت در روز سوم واقع شده است و ابن عیاش گفته است که ولادت آنحضرت در
روز پنجم این ماه واقع شده است و ولادت حضرت امام محمد تقی در دهم این ماه واقع شده است
و بعضی از روایت در فضیلت خصوص دهم وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث
معتبره وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که حق تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است که باحدی از امتهای
گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و سه شب باین امت داده است که بامتهای
دیگر نداده است شب سیزدهم و شب چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است
که مثل آنها با متهای پیش نداده است سوره یس و سوره تبارک الذی بیده الملک و سوره قل هو
الله احد پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضائل این امت را جمع
کرده خواهد بود پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این
سه ماه دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت بعد از حمد این سه سوره را بخواند و در شب
چهاردهم چهار رکعت نماز بگذارد بدو سلام و در هر رکعت بخواند بعد از حمد این سه
سوره را و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت بعد از
حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش آمرزیده شود

بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ایام البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی بهر روز ثواب عبادت یکساله و روزه یکساله برای او بنویسد و در قیامت او را در محل الیمان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته باشد و مشهور آنست که ولادت با سعادت حضرت امیر المومنین ع در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود و دوازده سال قبل از مبعوث شدن حضرت رسول ص و علی بن ابراهیم گفته است که ولادت حضرت امام علی نقی نیز در روز دوم ماه رجب بود در سال دویست و چهارده از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل آن سنت است و احیای آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول ص منقولست که در شب نیمه رجب حق تعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهی که در دیوان عمل مومنان باشد محو کنند و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم رجب روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت باشد از دنیا نرود مگر با توبه نصوح بهر روز که روزه داشته باشد هفتاد گناه کبیره او آمرزیده شود و هفتاد حاجت او بر آورده شود و در وقتیکه از قبر بیرون می آید و نزد میزان و نزد صراط و چنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده باشد و شفاعت او را قبول کنند در هفتاد نفر از اهلبیت و خویشان او که مستحق جهنم شده باشند و حق تعالی بنا کند برای او در جنات فردوس هفتاد هزار شهر و در هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد و در هر قصری هزار حوریه باشد و هر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد و شیخ طوسی علیه الرحمه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در شب نصف رجب دوازده رکعت نماز بجا می آوری که بشش سلام با حمد و هر سوره که خواهی چون فارغ شوی هر یک از سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس قل هو الله احد و آیة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه میگویی سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ یعنی

پاک است خدا و سپاس خدا راست و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است

اَللهُ اَللهُ رَبِّیْ لَا اُشْرِکُ بِهٖ شَیْئًا وَمَا شَاءَ اللهُ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ

خدا خدا پروردگار من است شریک نمیکنم با او هیچ چیز را آنچه میخواهد خدا نیست توانائی مگر بتوفیق خدا

و در شب و روز زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت مؤکده است و بسند صحیح از ابن ابی نصر روایت است

که از حضرت امام رضا علیه السلام سؤال کردند که زیارت امام حسین علیه السلام در کدام وقت بهتر است فرمود

که در نیمه رجب و نیمه شعبان و در روز پانزدهم نماز سلمان را باید کرد بکیفیتی که گذشت و بسند معتبر از حضرت

صادق علیه السلام منقول است که حضرت امیر المؤمنین ع در این روز چهار رکعت نماز کرد و دستهای خود را گشود

و این دعا را خواند پس فرمود که هر که بشدتی و غمی مبتلا گردد و این دعا بخواند البته کرب و شدت او زایل

میگردد و این چهار رکعت را بدو سلام کند و هر سوره که میخواهد بخواند

اَللّٰهُمَّ يَا مُذِلَّ كُلِّ جَبَّارٍ وَمُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ اَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعْيِينِي الْمَذَاهِبُ

ای خدا ای خوار سازنده هر گردنکشی و عزیز دارنده گروندگان تو پناه منی هنگامیکه عاجز کند مرا راهها

وَاَنْتَ بَارِئُ خَلْقِي رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتَ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ

و تو پدید آورنده خلقت مرا از راه مهربانی بمن حال آنکه تحقیق بودی از آفرینش من بی نیاز و اگر نبود رحمت تو هر آینه بودمی

مِنَ الْهَالِكِينَ وَاَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى اَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ اِيَّايَ

از نابودگان و تو قوت دهنده مرا بیاری دادن بر دشمنان من اگر نمی بود یاری دادن تو مرا

لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ يَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَكَةِ

هر آینه می بودم از رسوا شدگان ای فرستنده رحمت از معدنهای آن و آفریننده برکت

مِنْ مَوَاضِعِهَا يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ يَا

از جاهای آن ای آنکه مخصوص است به بلندی و رفعت پس دوستان او بعزت او عزیز اند ای

مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى اَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ

آنکه گذاشته اند برای او پادشاهان لباس خواری بر گردنهای خود پس ایشان از حملهای او ترسانند

اَسْاَلُكَ بِكَيْنُونِيَّتِكَ الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ كِبْرِيَائِكَ وَاَسْاَلُكَ بِكِبْرِيَائِكَ

درخواهم از تو بکینونیت تو که بیرون آورده آنرا از بزرگواری خود و درخواهم از تو به بزرگواری

الَّتِي اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي اسْتَوَيْتَ بِهَا عَلَى عَرْشِكَ

که بیرون آورده آنرا از عزت خود و درخواهم از تو بعزت تو که استیلا داری بآن بر عرش خود

فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِيعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ مُذْعِنُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

پس آفریدی بآن همه خلق را پس ایشان برای تو منقاد اند آنکه رحمت بفرستی بر محمد و خویشان او

پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید بدانکه عمده اعمال نصف رجب دعای ام داود است

که ابن بابویه و شیخ طوسی و سید ابن طاوس رضی الله عنهم بسندهای معتبر روایت کرده اند و برای

برآمدن حاجات و کشف کربات و رفع ظلم ظالمان مجربست و مجمل روایتش آنست که فاطمه مادر داود

بن الحسن پسرزاده حسن مجتبی علیه السلام دایه حضرت امام جعفر صادق بود و بشیر داود آنحضرت را

شیر داده بود و چون محمد بن عبد الله بن الحسن در مدینه خروج کرد و منصور دوانقی لشکر فرستاد و او را

کشتند و ابراهیم برادر محمد را نیز شهید کردند و عبد الله بن الحسن و جمعی از سادات حسنی را با غل

و زنجیر از مدینه بعراق بردند داود نیز در میان آنها بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزند من

گذشت و از و خبری بمن نرسید پیوسته دعا و تضرع میکردم و از صلحا و بزرگان و برادران مؤمن

استدعای دعا مینمودم و ایشان تقصیر نمیکردند و مطلقا اثر استجابت نمی یافتم و گاهی خبر بمن میرسید

که داود را کشتند و گاهی میگفتند که او را با پسران عم او زنده در زیر عمارت گذاشتند و روز بروز

مصیبت من عظیم تر و اندوه من بیشتر میشد تا آنکه از غم گداختم و پیر شدم و از ملاقات او نا امید شدم

تا آنکه روزی شنیدم که حضرت صادق ع را علتی عارض شده است بعیادت آنحضرت رفتم چون احوال

گرفتم و دعا کردم خواستم که برگردم حضرت فرمود که از داود چه خبر داری و من شیر داود و بدان

حضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم گریستم و گفتم فدای تو شوم داود کجا است و در عراق محبوس

است و من از ملاقات او قطع امید کرده ام و از شما التماس میکنم که او را دعا کنید و برادر رضاعی شما است

حضرت فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح و دعای اجابت و نجاح آن دعائیست که درهای آسمان

برای آن گشوده میشود و ملائکه استقبال میکنند خواننده آنرا و بشارت میدهند او را باجابت و آن

دعائیست که از حجب الهی عوات محجوب نمیگردد و خواننده آنرا ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود

گفت ای فرزند مصطفی چه چیز است کدام چگونه است آن دعا حضرت فرمود که ای ام داود ماه

محترم نزدیک رجب شده است و آن ماهی است مبارک و حرمت آن عظیم است و دعاها

دران مستجاب است چون آن ماه در آید سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم آنرا که ایام البیض اند روزه بدار
پس حضرت کیفیت آن عمل را تعلیم او نمود و فرمود که این دعا را حفظ کن و بهرکس تعلیم مکن مگر کسیکه
بدست کسی افتد که از برای امر باطل و نامشروعی این دعا را بخواند بدرستیکه این دعا بسیار شریف
است و مشتمل است بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته حاجت او برآورده میشود و اگر در یا آسمان
و زمین بسته شود یا دریا حائل باشد میان تو و حاجت تو چون این دعا را بخوانی البته
حق تعالی آسان میگرداند رسیدن ترا بمطلب تو و حاجت ترا برمی آورد هر که این دعا را بخواند
خدا مستجاب میگرداند خواه مرد باشد خواه زن و اگر جن و انس همه دشمن پسر تو باشد خداوند دفع کند
شر ایشان میکند و زبان ایشانرا می بندد و ایشانرا منقاد فرزند تو میگرداند ام داود گفت
که حضرت این دعا را برای من نوشت و بخانه برگشتم و چون ماه رجب شد آنچه حضرت فرموده
بود بعمل آوردم و در شب شانزدهم نماز شام و خفتن را ادا کردم و از روزه افطار کردم
و قدری عبادت کردم و بخواب رفتم در خواب دیدم جمیع ملائکه و پیغمبران و شهدا و عبّاد را که بر من
بر ایشان صلوات فرستاده بودم و حضرت رسول مرا خطاب فرمود که ای مادر داود
بشارت باد ترا که این جماعت که می بینی همه برادران و یاوران و شفیعان تو اند و از برای تو
طلب آمرزش میکنند و بشارت میدهند ترا بآنکه حاجت تو برآورده است پس بشارت باد ترا بآمرزش
خدا و خوشنودی خدا و خدا ترا جزای خیر دهد شاد باش که حق تعالی فرزند ترا حفظ میکند و بتو
برمیگرداند انشاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن بآن قدر زمان
که سوار تندرو از عراق بمدینه آید داود به نزد من آمد و گفت ای مادر من در عراق در زندان
بسیار تنگی و تنگی بند و زنجیر بودم و نا امید بودم از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد
در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته
بودی و بر دور تو مردانی چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود و پاهای
ایشان در زمین و تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوشروتر و خوشبوتر
بود و جامه های بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان کردم که حضرت رسالت پناه جد من است

خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزهٔ صالحه که حق تعالی دعای ترا در حق تو مستجاب گردانید چون بیدار شدم رسولان منصور دوانقی به زندان رسیده بودند مرا در میان شب از زندان بیرون بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من بر داشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب آن زمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر سواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند آمدم داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق بردم حضرت فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را در خواب دید که با او فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نکنی ترا در این آتش می اندازم چون نظر کرد دریایی آتشی در زیر پای خود دید از دهشت بیدار شد و از کردهٔ خود پشیمان گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل تعریف ام داود گفت که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدارد در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانهٔ خلوتی برو و در آن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافلهٔ زوال را بعمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را با آداب و شرائط بعمل آور و بعد از نماز فریضهٔ ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو

یَا قَاضِیَ حَوَائِجِ الطَّالِبِینَ

ای روا کنندهٔ حاجتهای درخواهندگان

پس هشت رکعت نافلهٔ عصر را با آداب و شرائط بجا می آوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافله بعد از حمد هفت مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و یک مرتبه سورهٔ انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و دعایی وارد شده است که برو روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سورهٔ حمد و صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس بعد از این سوره ها این سوره ها بخوان سورهٔ انعام و بنی اسرائیل و کهف و [illegible] یس و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت

خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای فرزند عجوزهٔ صالحه که حق تعالی دعای ترا در حق تو مستجاب گردانید چون بیدار شدم رسولان منصور رسیدند و مرا بزندان بردند پس بطلب آن آمده بودند در میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار درهم که زیاده از هزار تومان بود بحساب آن زمان بمن عطا کرد و فرمود که مرا بر شتر سواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند ام داود گفت که من داود را بخدمت حضرت صادق ع بردم حضرت فرمود که سبب خلاصی تو آن بود که منصور حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه را در خواب دید که با او فرمود که رها کن فرزند مرا و اگر نه ترا در این آتش می اندازم چون نظر کرد دریایی آتشی در زیر پای خود دید از دهشت بیدار شد و از کردهٔ خود پشیمان گردید و ترا رها کرد و اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفت که حضرت صادق علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم در وقت زوال غسل بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانهٔ خلوتی برو و سعی کن که کسی نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافلهٔ زوال را بعمل آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور پس نماز ظهر را با آداب و شرائط بعمل آور و بعد از نماز فریضهٔ ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و بعد از آن صد مرتبه بگو

یَا قَاضِیَ حَوَائِجِ الطَّالِبِینَ

ای بر آورندهٔ حاجتهای درخواهندگان

پس هشت رکعت نافلهٔ عصر را با آداب و شرائط بجا می آوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعت از نافلهٔ عصر بعد از حمد سه مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و یک مرتبه سورهٔ انا اعطیناک الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و در روایتی وارد شده است که بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سورهٔ حمد و صد مرتبه سورهٔ قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سوره ها را یک مرتبه بخوان سورهٔ انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمان و یس و الصافات و حم سجده و حم عسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت

وَلَكَ الْعَظَمَةُ وَلَكَ الرَّحْمَةُ وَلَكَ الْمَهَابَةُ وَلَكَ السُّلْطَانُ وَلَكَ الْبَهَاءُ

و مر تراست بزرگی و مر تراست مهربانی و مر تراست ترسانیدن و مر تراست پادشاهی و مر تراست نیکوئی

وَلَكَ الْاِمْتِنَانُ وَلَكَ التَّسْبِيحُ وَلَكَ التَّقْدِيسُ وَلَكَ التَّهْلِيلُ وَلَكَ

و مر تراست منت نهادن و مر تراست تسبیح و مر تراست تنزیه و مر تراست تهلیل و مر تراست

التَّكْبِيرُ وَلَكَ مَا يُرٰى وَلَكَ مَا لَا يُرٰى وَلَكَ مَا فَوْقَ السَّمٰوَاتِ الْعُلٰى

تکبیر و مر تراست آنچه دیده میشود و مر تراست آنچه دیده نمیشود و مر تراست آنچه بر آسمانهای بلند است

وَلَكَ مَا تَحْتَ الثَّرٰى وَلَكَ الْاَرَضُوْنَ السُّفْلٰى وَلَكَ الْاٰخِرَةُ وَالْاُوْلٰى وَلَكَ

و مر تراست آنچه زیر خاک است و مر تراست همه زمینهای پست و مر تراست آنجهان و این جهان و مر تراست

مَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّكْرِ وَالنَّعْمَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

آنچه دوست داری و پسندی آنرا از ستودن و ستایش و سپاس گزاری و نعمت خداوندا رحمت بفرست بر محمد

عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَاَمِيْنِكَ وَحَبِيْبِكَ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَبْرَئِيْلَ

بنده تو و فرستاده تو و امانت دار تو و دوست تو و بر آل محمد خداوندا رحمت بفرست بر جبرئیل

اَمِيْنِكَ عَلٰى وَحْيِكَ وَالْقَوِيِّ عَلٰى اَمْرِكَ وَالْمُطَاعِ فِيْ سَمٰوَاتِكَ وَمَحَالِّ

که امانت دار است بر پیغام تو و توانا است بر فرمان تو و اطاعت کرده شده بر آسمانهای تو و جاهای

كَرَامَاتِكَ الْمُتَحَمِّلِ لِكَلِمَاتِكَ النَّاصِرِ لِاَنْبِيَائِكَ الْمُدَمِّرِ لِاَعْدَائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

نوازشهای تو بردارنده کلمات تو یاری دهنده پیغمبران تو هلاک سازنده دشمنان تو خداوندا رحمت بفرست

عَلٰى مِيْكَائِيْلَ مَلَكِ رَحْمَتِكَ وَالْمَخْلُوْقِ لِرَأْفَتِكَ وَالْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِيْنِ لِاَهْلِ

بر میکائیل فرشته رحمت تو و آفریده شده برای مهربانی تو و آمرزش خواهنده و یاری دهنده مر اهل

طَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اِسْرَافِيْلَ حَامِلِ عَرْشِكَ وَصَاحِبِ الصُّوْرِ الْمُنْتَظِرِ لِاَمْرِكَ الْوَجِلِ

طاعت ترا خداوندا رحمت بفرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو و خداوند صور انتظار دارنده فرمان ترا

الْمُشْفِقِ مِنْ خِيْفَتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَزْرَائِيْلَ قَابِضِ اَرْوَاحِ جَمِيْعِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ

بیمناک از ترس تو خداوندا رحمت بفرست بر عزرائیل گیرنده جانهای همه خلق تو خداوندا

صل على حملة العرش الطاهرين وعلى ملائكة الذكر اهل التامين على دعاء

حاملان عرش که پاکانند و بر فرشتگان ذکر که گویندگان آمین اند بر دعاهای

المؤمنات وعلى السفرة الكرام البررة الطيبين وعلى ملائكتك الكرام

گروندگان و بر نویسندگان بزرگواران نیکوکاران پاکان و بر فرشتگان تو که بزرگواران

الكاتبين وعلى ملائكة الجنان وخزنة النيران وملك الموت والاعوان

نویسندگان اند و بر فرشتگان بهشتها و خازنان دوزخ و ملک الموت و مددکاران او

يا ذا الجلال والاكرام اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي

ای صاحب بزرگی و گرامی داشتن خداوندا رحمت بفرست بر پدر ما آدم نو پدید آمده آفرینش تو که

اكرمته بسجود ملائكتك واجنته جنتك اللهم صل على امنا حواء

گرامی داشتی او را بسجده فرشتگان خود و حلال کردی برای او بهشت خود را خداوندا رحمت بفرست بر مادر ما حوا

المطهرة من الرجس المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة

پاک کرده شده از هر پلیدی پاکیزه شده از هر چرکی برگزیده شده از آدمیان و آمد شد کننده

بين محال القدس اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود

میان جاهای پاک خداوندا رحمت بفرست بر هابیل پیغمبر و شیث پیغمبر و ادریس پیغمبر و نوح پیغمبر و هود پیغمبر

وصالح وابراهيم واسماعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط

و صالح پیغمبر و ابراهیم پیغمبر و اسماعیل پیغمبر و اسحق پیغمبر و یعقوب پیغمبر و یوسف پیغمبر و فرزندان یعقوب پیغمبر

ولوط وشعيب وايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين

و لوط پیغمبر و شعیب پیغمبر و ایوب پیغمبر و موسی پیغمبر و هرون پیغمبر و یوشع پیغمبر و میشا و خضر پیغمبر و ذی القرنین پیغمبر

ويونس والياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمان وزكريا

و یونس پیغمبر و الیاس پیغمبر و الیسع پیغمبر و ذی الکفل پیغمبر و طالوت پادشاه و داود پیغمبر و سلیمان پیغمبر و زکریا پیغمبر

وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير وعيسى

و شعیا پیغمبر و یحیی پیغمبر و تورخ پدر ابراهیم که آسمانی بود و متی پدر یونس و ارمیا پیغمبر و حیقوق پیغمبر و دانیال پیغمبر و عزیر پیغمبر و عیسی پیغمبر

وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة ولقمان

وشمعون پیغمبر وجرجیس پیغمبر واصحاب حضرت عیسی واتباع او وخالد پیغمبر وحنظله پیغمبر ولقمان

اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد ومهربانی کن محمد وآل محمد را وبرکت ده بر محمد

وآل محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابراهيم وآل ابراهيم انك

وآل محمد چنانچه رحمت فرستادی ومهربانی نمودی وبرکت دادی بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستیکه تو

حميد مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة

ستوده بزرگواری بارخدایا رحمت بفرست بر وصیهای پیغمبران ونیکبختان وشهیدان وپیشوایان

الهدى اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين

هدایت خداوندا رحمت بفرست بر ابدال واوتاد وروزه داران وعبادت کنندگان ودوستان خالص

والزهاد واهل الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل

و زاهدان واهل سعی وکوشش وخاص گردان محمد وخاندان او را به بهترین

صلواتك واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما

رحمتهای خود وافزونترین نوازشهای خود وبرسان روح او وتن او را از من درود وسلامی

وزده فضلا وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف

وافزون کن او را بزرگی وبلندی وبخشش تا آنکه برسانی او را به بلندترین درجه های اهل شرف

من النبيين والمرسلين والافاضل المقربين اللهم وصل على من سميت

از پیغمبران وفرستادگان وصاحبان فضل که مقربند بارخدایا رحمت بفرست بر کسی که نام بردم

ومن لم اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك

وکسی که نام نبردم از فرشتگان وپیغمبران تو وفرستادگان تو وفرمانبرداران تو

واوصل صلواتي اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على دعائك

[illegible]

يا راشد يا مالك يا رب يا مذل يا معز يا ماجد يا رازق يا ولي الافضال

ای خداوند رشد ای پادشاه ای پروردگار ای خوار سازنده ای عزیز دارنده ای بزرگوار ای روزی دهنده ای ولی خداوند

يا سبحان يا باسط يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر الاعلى يا من قرب

ای پاک ای گستراننده ای آنکه بلند گردید پس بلندی رسید پس شد در دیدگاه برتر ای آنکه نزدیک شد

فدنى وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه التدبير وله المقادير

پس نزدیک گشت و دور گشت پس دور گشت و دانست پنهان و پنهان تر را ای آنکه بسوی اوست تدبیر و اندازه ها

يا من العسير عليه سهل يسير يا من هو على ما يشاء قدير يا مرسل

ای آنکه دشوار بر او سهل و آسان است ای آنکه او بر آنچه خواهد تواناست ای فرستنده

الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح

بادها ای شکافنده صبح ای برانگیزنده روحها ای خداوند بخشش و نوازش

يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات يا رازق من يشاء

ای برگرداننده آنچه بتحقیق فوت شده ای زنده سازنده مردگان ای فراهم آورنده پراکنده ها ای روزی دهنده کسی که خواهد

بغير حساب يا فاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال والاكرام

بیشمار ای کننده آنچه خواهد بهر قسم که خواهد ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله الا

ای زنده ای پاینده ای زنده هنگامیکه نیست زنده ای زنده کننده مردگان ای زنده نیست سزاوار پرستش

انت بديع السموات والارض يا الهي وسيدي صل على محمد وال محمد

تو ای پدید آورنده آسمانها و زمین ای معبود من و سردار من رحمت فرست بر محمد و آل محمد

وارحم محمدا وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت وباركت

و رحم کن محمد و آل محمد را و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانچه رحمت فرستادی و افزودی

ورحمت وترحمت على ابراهيم وال ابراهيم انك حميد مجيد

و رحم کردی و ترحم نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری

وارحم ذلّي وفقري وفاقتي وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين

ورحم کن خواری مرا وتنگدستی مرا واحتیاج مرا وتنهائی مرا وبیکسی مرا وفروتنی مرا پیش

يديك واعتمادي عليك وتضرّعي إليك ادعوك دعاء الخاضع

تو وتکیه مرا بر تو وزاری مرا بسوی تو میخوانم ترا مانند خواندن فروتنی کننده

الذليل الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير

خوار زاری نماینده ترسان بیمناک سخت محتاج ذلیل خوار گرسنه محتاج

العائذ المستجير المقرّ بذنبه المستغفر منه المستكين لربّه دعاء

پناه گیرنده زنهار جوینده اعتراف کننده بگناه خود طلب آمرزش نماینده از گناه فروتنی کننده پروردگار

من اسلمته ثقته ورفضته احبّته وعظمت فجيعته دعاء حرق

کسی که گذاشته او را معتمد او وترک نموده باشند او را دوستان او وبزرگ باشد مصیبت او ومیخوانم دعای سوخته

حزين ضعيف مهين بائس مستكين بك مستجير اللهمّ واسألك

غمگین ناتوان خوار بسیار حاجتمند فروتنی کننده بتو پناه جوینده بار خدایا ومیخواهم از تو

بأنّك مليك وانّك ما تشاء من امر يكون وانّك على ما تشاء قدير

بسبب آنکه تو مالکی وبدرستیکه تو آنچه میخواهی از امری میشود وبدرستیکه تو بر آنچه میخواهی توانائی

واسألك بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام

ومیخواهم از تو بحرمت این ماه محترم وخانهٔ محترم وبلد محترم

والركن والمقام والمشاعر العظام وبحقّ نبيّك محمّد عليه وآله

وبحرمت رکن کعبه ومقام ابراهیم ومعبدگاههای بزرگ وبحق پیغمبر تو محمد بر او وآل او

السلام يا من وهب لآدم شيثا ولابراهيم اسمعيل واسحاق ويا

سلام ای آنکه بخشید مر آدم را شیث و ابراهیم را اسمعیل واسحاق وای

من ردّ يوسف على يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضرّ ايّوب يا رادّ

آنکه برگردانید یوسف را بر یعقوب وای آنکه زائل کرد پس از امتحان سختی ایوب را ای بازگرداننده

مُوسى عَلى اُمِّهِ وَيا زَائِدَ الْخِضْرِ فِي عِلْمِهِ وَيا مَنْ وَهَبَ لِدَاوُدَ سُلَيْمانَ

موسی بر مادر او وای زیادتی دهنده خضر در علم او وای آنکه بخشید مر داود را سلیمان

وَلِزَكَرِيّا يَحْيى وَلِمَرْيَمَ عِيسى يا حافِظَ بِنْتِ شُعَيْبٍ يا كافِلَ وَلَدِ اُمِّ

و مر زکریا را یحیی و مر مریم را عیسی ای نگاهدارنده دختر شعیب ای کفیل پسر مادر

مُوسى اَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي كُلَّها

موسی میخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای من گناه مرا همه آن

وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي كُلَّهُ وَتُجِيرَنِي مِنْ عَذابِكَ وَتُوجِبَ لِي

و بدهی مرا حاجت مرا و پناه دهی مرا از عذاب خود و لازم گردانی برای من

رِضْوانَكَ وَاَمانَكَ وَاِحْسانَكَ وَغُفْرانَكَ وَجِنانَكَ وَاَسْاَلُكَ

خشنودی خود را و امان خود را و احسان خود را و آمرزش خود را و بهشت های خود را و میخواهم از تو

اَنْ تَفُكَّ عَنِّي كُلَّ حَلْقَةٍ ضِيقٍ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ يُؤْذِينِي وَتَفْتَحَ لِي كُلَّ

اینکه بگشائی از من هر دائره تنگی که میان کسی است که ایذا میدهد مرا و اینکه بگشائی برای من هر

بابٍ وَتُلَيِّنَ لِي كُلَّ صَعْبٍ وَتُسَهِّلَ لِي كُلَّ عَسِيرٍ وَتُخْرِسَ عَنِّي

دری را و نرم کنی برای من هر سختی را و آسان گردانی برای من هر دشواری را و گنگ سازی از ذکر من

كُلَّ ناطِقٍ بِشَرٍّ وَتَكُفَّ عَنِّي كُلَّ باغٍ وَتَكْبِتَ لِي كُلَّ عَدُوٍّ لِي

هر گوینده بدی را و باز داری از من هر تجاوز کننده را و خوار سازی برای من هر دشمنی را که مرا است

وَحاسِدٍ وَتَمْنَعَ مِنِّي كُلَّ ظالِمٍ وَتَكْفِيَنِي كُلَّ عائِقٍ يَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ

و حاسدی او باز داری از من هر ستمکاری را و دفع کنی از من هر مانعی که حائل شود میان من و میان

وَلَدِي وَيُحاوِلُ اَنْ يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَ طاعَتِكَ وَيُثَبِّطَنِي عَنْ عِبادَتِكَ

فرزند من و قصد کند به اینکه جدائی بیندازد میان من و میان طاعت تو و اینکه باز دارد مرا از عبادت تو

يا مَنْ اَلْجَمَ الْجِنَّ الْمُتَمَرِّدِينَ وَقَهَرَ عُتاةَ الشَّياطِينِ وَاَذَلَّ رِقابَ

ای آنکه لجام کرد دیوان سرکشان و مغلوب کرد سرکشان شیاطین را و خوار کرد گردنهای

فصل چهارم در فضیلت ...

المتجبرين وردّ كيد المتسلطين عن المستضعفين اسألك بقدرتك

متکبران را و بازگردانید مکر دست یافتگان را از ناتوانان سیخواهم از تو بتوانائی تو

على ما تشاء وتسهيلك لما تشاء كيف تشاء ان تجعل قضاء حاجتي فيما تشاء

برانچه می خواهی و آسان کردن تو مرا آنچه را اراده نمائی بهر روشی که اراده کنی اینکه بگردانی برآوردن حاجت مرا در آنچه میخواهی

پس بسجده برو و پهلوهای روی خود را بر خاک بگذار و بگو

اللهم لك سجدت وبك آمنت فارحم ذلّي وفاقتي واجتهادي

خداوندا مر ترا سجده کرده ام و بتو تصدیق نموده ام پس رحم کن خواری مرا و تنگدستی مرا و کوشش مرا

وتضرعي ومسكنتي وفقري اليك يا رب

و زاری مرا و بیچیزی مرا و احتیاج مرا بسوی تو ای پروردگار من

پس حضرت فرمود که سعی کن که آب از دیده ات بیرون آید اگر چه بقدر سر مگسی بوده باشد

که آن علامت استجابت دعاست و در روایت دیگر وارد شده است که در سجده

این دعا را بخوان

اللهم لك سجدت وبك آمنت فارحم ذلّي وخضوعي بين يديك

خداوندا برای تو سجده کرده ام و بتو تصدیق نموده ام پس رحم کن خواری مرا و فروتنی مرا در پیش تو

وفقري وفاقتي اليك وارحم انفرادي وخشوعي واجتهادي

و درویشی مرا و احتیاج مرا بسوی تو و رحم کن تنهائی مرا و فروتنی مرا و کوشش مرا

بين يديك وتوكلي عليك اللهم بك استفتح وبك

پیش تو و اعتماد مرا بر تو خداوندا بتو طلب فتح و گشایش میکنم

استنجح وبمحمد عبدك ورسولك وآله اتوجه اليك اللهم

و بتو رستگاری میخواهم و بوسیله محمد بنده تو و فرستاده تو و آل او روی می آورم بسوی تو خداوندا

سهّل لي كل حزونة وذلّل لي كل صعوبة واعطني من الخير

هموار کن برای من هر ناهمواری را و آسان کن برای من هر دشواری را بخشش کن ... از نیک

اَكْثَرَ مِمَّا اَرْجُو وَعَافِنِي مِنَ الشَّرِّ وَاصْرِفْ عَنِّي السُّوءَ

بیشتر از آنچه امیدوارم وسالم دار مرا از هر گزندی وبگردان از من هر بدی را

وبروایت دیگر صد مرتبه در سجده بگو

يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ اقْضِ حَاجَتِي بِلُطْفِكَ يَا خَفِيَّ الْأَلْطَافِ

ای بر آورنده حاجتهای سؤال کنندگان بر آور حاجت مرا بمهربانی خود ای آنکه پنهانست الطاف او و در روایت معتبره وارد شده است که مادر داود بخدمت حضرت عرض کرد که ای سید و آقای من آیا این دعا را در غیر ماه رجب میتوان خواند حضرت فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند و اگر موافق افتد که روز جمعه باشد صاحبش فارغ نمیشود مگر آنکه خدا او را می آمرزد و در هر ماه که باشد اگر ایام البیض آنرا روزه بدارد و در روز پانزدهم این دعا بخواند بنحویکه ذکر کردم حاجتش بر آورده میشود و در روایت دیگر وارد شده که حضرت فرمود که در روز عرفه و هر روز که این دعا بخواند حاجتش بر آورده میشود مولف گوید که ازین احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایام البیض آنرا یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدارد و در روز پانزدهم این عمل را بجا آورد بمطلوب فائز میگردد و دور نیست که اگر در روز عرفه و جمعه و سائر ایام متبرکه نیز این عمل را بدون روزه بعمل آورد خوب باشد و اگر در غیر اشهر حرام که ذی القعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است این دعا را بخواند بجای بحرمة هذا الشهر الحرام بگوید بحرمة الشهر الحرام و هذا را بیندازد و بهتر باشد فصل پنجم در بیان فضائل و اعمال نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی و دیگران گفته اند که در بیست و هفتم این ماه ابراهیم پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت پس حزن و اندوه و لعن بر آنها که درین مصیبت شماتت کردند نیز مناسب است خصوصا عائشه علیها اللعنة و ابن عباس که یکی از محدثان شیعه است گفته است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها در روز بیست و یکم ماه رجب بعالم قدس ارتحال نموده اگرچه خلاف مشهور است اما لعن بر قاتلان و ظالمان آن جگر گوشه رسالت پناه که عمده آنها عمر بن الخطاب علیه اللعنة و العذاب است و زیارت آنحضرت احتیاطا مناسب است

بنحویکه مذکور خواهد شد و شیخ مفید رحمه الله گفته است که در روز بیست و دوم این ماه معویه علیه اللعنه
بجهنم واصل شده است مستحب است که این روز را روزه دارند بشکر این نعمت و در روز بیست و سوم
این ماه خارجیان بخنجر زهرآلود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه زدند زیارت
آنحضرت و لعن بر ظالمان و قاتلان آنحضرت مناسبست و در روز بیست و چهارم این ماه فتح
خیبر بدست معجزنمای اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب علیه الصلوة و السلام جاری شد و مرحب
یهودی بدست آنحضرت کشته شد گفته اند روزه آن روز بشکرانه این نعمت و زیارت آنحضرت
مستحب است و شیخ علیه الرحمه ذکر کرده است که شهادت حضرت امام موسی کاظم صلوات الله
علیه در روز بیست و پنجم این ماه واقع شد اما احادیث بسیار در فضیلت این روز و ثواب
روزه اش وارد شده است و روایتی نقل کرده اند از ابن بابویه و غیر او که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله در روز بیست و پنجم رجب مبعوث برسالت شد و این مخالف مشهور و احادیث بسیار
است که بعد ازین مذکور خواهد شد اما در فضیلت روزه اش شکی نیست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام منقولست که روزه اش کفاره دویست سال گناه است و بسند بسیار معتبر از حضرت
امام رضا مرویست که هر که روز بیست و پنجم ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره
هفتاد سال گناه کرداند و ایضاً از آنحضرت علیه السلام مرویست که هر که روز بیست و ششم ماه
رجب را روزه بدارد حق تعالی روزه او را کفاره هشتاد سال گناه کرداند و روز بیست و هفتم
این ماه از جمله اعیاد عظیمه است و روزیست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن روز برسالت
برحق مبعوث گردید و جبرئیل به پیغمبری بر آنحضرت نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکی
است بسندهای معتبر از حضرت امام محمد تقی منقولست که در ماه رجب شبی هست که بهتر است از برای
مردم از آنچه آفتاب بر آن می تابد و آن شب بیست و هفتم این ماه است و در صبح این شب حضرت
رسول الله صلی الله علیه و آله برسالت مبعوث شد و کسیکه عبادت کند این شب را اجر
شصت سال عبادت خدا باو عطا میفرمایند پرسیدند که عمل آن شب چیست فرمود که چون
نماز خفتن کردی بخواب و هر وقت از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب خواه بعد از آن

برخیزد دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از حمد یک سوره
از سوره های کوچک بعد از آن یس بخوان چون از همه فارغ شوی چنانچه نوشته شد سوره
حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون
و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه بخوان پس این دعا را بخوان

الحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی
سپاس مر خدایرا که فرا نگرفته زنی و نه فرزندی و نیست برای او شریکی در

الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا اللهم انی اسألک
پادشاهی و نیست از برای او یاوری از مذلت و بعظمت یاد کن خدا را یاد کردنی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

بمعاقد عزک علی ارکان عرشک ومنتهی الرحمة من کتابک
بجاهای انعقاد عزت تو بر اطراف عرش تو و بحق نهایت رحمتی که مستفاد میشود از کتاب تو

وباسمک الاعظم الاعظم الاعظم وذکرک الاعلی الاعلی الاعلی
و بحرمت نام تو آن نامیکه بزرگتر است بزرگتر بزرگتر و بحرمت ذکر تو که بلندتر است بلندتر بلندتر

وبکلماتک التامات کلها ان تصلی علی محمد وآل محمد
و بحرمت کلمهای تو که تمام و کامل اند همه آن کلمها آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وان تفعل بی ما انت اهله
و آنکه بکنی با من آنچه تو سزاوار آنی

پس هر حاجت که خواهی بطلب که البته هر چه بطلبی مستجاب میشود مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع رحمی
یا هلاک جمعی از مومنان را طلب کنی و روز شنبه را روزه بدار که از برای تو حساب میشود روزه
یکساله و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که در شب بیست و هفتم
رجب هر وقت که باشد دوازده رکعت نماز بجا آورد در هر رکعت بعد از حمد چهار مرتبه
قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد بخوان و چون از دوازده رکعت
فارغ شوی در همان مکان چهار مرتبه بگو

لا اله الا الله والله اکبر والحمد لله وسبحان الله ولا حول ولا

نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگ تر است و سپاس خدا را و پاک است خدا و نیست بازگردیدن از گناهان

قوة الا بالله العلی العظیم

توانائی بر طاعت مگر بتوفیق خدای برتر بزرگ

پس هر حاجت که خواهی بطلب مؤلف گوید که هر یک ازین دو روایت که عمل کند خوبست و اگر
هر دو را بکند بهتر است و اگر نماز شب نصف رجب که بسند صحیح مذکور شد درین شب بجا آورد
خوبست و دران روایت وارد شده است که درین شب نیز بجا آورند و شیخ طوسی علیه الرحمه
گفته است که غسل درین شب مستحب است و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین
علیهما السلام علی آلهما الطاهرین درین شب مناسب است و این دعا نیز وارد شده
که درین شب بخواند

اللهم انی اسألک بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر المعظم

بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بحق آن عطیه بزرگتر که عطا شده درین شب ازین ماه بزرگ کرده شده

والمرسل المکرم ان تصلی علی محمد وآله وان تغفر لنا ما انت به

و بحرمت آن فرستاده گرامی نموده شده اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی برای ما گناهی که تو بان

منا اعلم یا من یعلم ولا یعلم اللهم بارک لنا فی لیلتنا هذه التی

داناتری از ما ای آنکه میداند هر چیز را و آموخته نمیشود بار خدایا برکت ده ما را در شب ما این شب که

بشرف الرسالة فضلتها وبکرامتک اجللتها وبالمحل الشریف احللتها

بشرافت فرستادن پیغمبران زیادتی داده آنرا و بکرامت خود بزرگ گردانیده آنرا و بجایگاه بلند فرود آورده آنرا

اللهم فانا نسألک بالمبعث الشریف والسید اللطیف والعنصر

بار خدایا پس بتحقیق که ما میخواهیم از تو بحرمت آن بعثت شریف و بوسیله سید [illegible] و بوسیله اصل

العفیف ان تصلی علی محمد وآله وان تجعل اعمالنا فی هذه اللیلة

پرهیزکار اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی کردارهای ما را درین شب

وَفِی سَائِرِ اللَّیَالِی مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا مَغْفُورَةً وَحَسَنَاتِنَا مَشْكُورَةً

و در باقی شبها پذیرفته وگناهان ما را آمرزیده ونیکیهای ما را جزا داده شده

وَسَیِّئَاتِنَا مَسْتُورَةً وَقُلُوبَنَا بِحُسْنِ الْقَوْلِ مَسْرُورَةً وَاَرْزَاقَنَا مِنْ

وبدیهای ما را پوشیده ودلهای ما را بنیکو گفتار شادمان وروزیهای ما را از

لَدُنْكَ بِالْیُسْرِ مَدْرُورَةً اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرٰی وَلَا تُرٰی وَاَنْتَ بِالْمَنْظَرِ

نزد خود بآسانی روان گردیده خداوندا بدرستیکه تو می‌بینی و دیده نشوی وتو در دیدگاه

الْاَعْلٰی وَاِنَّ اِلَیْكَ الرُّجْعٰی وَالْمُنْتَهٰی وَاِنَّ لَكَ الْمَمَاتَ وَالْمَحْیَا وَاِنَّ لَكَ

بلند تری وبتحقیق که بسوی تست بازگشت ومنتهی وبدرستیکه برای تست مردن و زنده شدن وبتحقیق برای تست

الْاٰخِرَةَ وَالْاُولٰی اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوذُ بِكَ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزٰی وَاَنْ نَاْتِیَ مَا عَنْهُ

آنجهان واینجهان خداوندا بدرستیکه ما پناه میگیریم بتو از اینکه ذلیل گردیم وخوار شویم واینکه بکنیم آنچه از آن

تَنْهٰی اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَسْاَلُكَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَنَسْتَعِیذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَاَعِذْنَا

منع نموده بار خدایا بدرستیکه ما سوال میکنیم از تو بهشت را بوسیله رحمت تو وپناه میجوئیم بتو از دوزخ پس پناه ده

مِنْهَا بِقُدْرَتِكَ وَنَسْاَلُكَ مِنَ الْحُورِ الْعِینِ فَارْزُقْنَا بِعِزَّتِكَ وَاجْعَلْ

ما را از آن بتوانائی خود وسوال میکنیم ترا از سیاه دیدگان فراخ چشم پس روزی کن ما را بعزت خود وبگردان

اَوْسَعَ اَرْزَاقِنَا عِنْدَ كِبَرِ سِنِّنَا وَاَحْسَنَ اَعْمَالِنَا عِنْدَ اقْتِرَابِ

فراگیرنده ترین روزیهای ما را نزد زیادتی عمر ما ونیکوترین کردارهای ما را هنگام نزدیک شدن

اٰجَالِنَا وَاَطِلْ فِی طَاعَتِكَ وَمَا یُقَرِّبُ اِلَیْكَ وَیُحْظِی عِنْدَكَ

اجلهای ما ودراز کن در طاعت خود وآنچه نزدیک گرداند بسوی تو وبهره مند سازد نزد تو

وَیُزْلِفُ لَدَیْكَ اَعْمَارَنَا وَاَحْسِنْ فِی جَمِیعِ اَحْوَالِنَا وَاُمُورِنَا

ونزدیک گرداند نزد تو عمرهای ما را ونیکو گردان در همه حالات وکارهای ما

مَعْرِفَتَنَا وَلَا تَكِلْنَا اِلٰی اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ فَیَمُنَّ عَلَیْنَا وَتَفَضَّلْ عَلَیْنَا

شناخت ما را و وامگذار ما را بسوی هیچیک از آفریدگان خود پس منت نهد بر ما واحسان کن با

بجميع حوائجنا للدنيا والآخرة وابدأ بآبائنا وابنائنا وجميع اخواننا

بهمه حاجتهای ما که بجهت دنیا و عقبی است و ابتدا کن بپدران ما و پسران ما و همه برادران

المؤمنين في جميع ما سألناك لانفسنا يا ارحم الراحمين اللهم انا

که گرویدگان اند در تمام آنچه خواستیم ما از تو بجهت نفسهای خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا بدرستیکه ما

نسألك باسمك العظيم وملكك القديم ان تصلي على محمد وآل

سوال میکنیم از تو بحرمت نام بزرگ تو و پادشاهی دیرینه تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

محمد وان تغفر لنا الذنب العظيم انه لا يغفر الذنب العظيم

محمد و آنکه بیامرزی برای ما گناه بزرگ را بدرستیکه نمی آمرزد گناه بزرگ را

الا العظيم اللهم وهذا رجب المكرم الذي اكرمتنا به اول اشهر

مگر بزرگ خداوندا و این ماه رجب گرامی داشته شده که گرامی داشتی ما را بآن اول ماههای

الحرم اكرمتنا به من بين الامم فلك الحمد يا ذا الجود والكرم

حرام است که گرامی داشتی ما را بآن از میان امتها پس مر ترا است سپاس ای خداوند بخشش و بزرگواری

فاسألك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم

پس سوال میکنیم ترا بحرمت نام تو که بزرگترست بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر

الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك ان تصلي

که آفریدی آنرا پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از نزد تو بسوی غیر تو آنکه رحمت بفرستی

على محمد واهل بيته الطاهرين وان تجعلنا من العاملين

بر محمد و خاندان محمد که پاکانند و آنکه بگردانی ما را از عمل کنندگان

فيه بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك اللهم اهدنا الى سواء

درین ماه بطاعت تو و آرزومندان درین ماه بشفاعت تو بار خدایا هدایت کن ما را براست

السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل وملك

راه و بگردان خوابگاه ما را نزد خود بهترین خوابگاهی در سایه عظیم و

جزیل فانک حسبنا و نعم الوکیل اللهم اقلبنا مفلحین منجحین

بسیار پس بدرستیکه تو کافی مارا و نیکو کار گذاری خداوندا بگردان مارا رستگاران فیروزی یافتگان

غیر مغضوب علینا ولا الضالین برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم

نه غضب کرده شده برما و نه گمراهان به رحمت خود ای بخشنده ترین بخشایندگان خداوندا

انی اسألک بعزائم مغفرتک وبواجب رحمتک السلامة من

بدرستیکه من سوال میکنم ترا بوسیله مغفرت ثابت تو و برحمت واجب تو سلامتی از

کل اثم والغنیمة من کل بر والفوز بالجنة والنجاة من

هر گناهی و غنیمت از هر نیکی و رستگاری بهشت و خلاصی از

النار اللهم دعاک الداعون ودعوتک وسألک السائلون

دوزخ خداوندا خواندند ترا خوانندگان و خواندم من ترا و درخواستند از تو درخواهندگان

وسألتک وطلب الیک الطالبون وطلبت الیک اللهم انت

و درخواستم از تو و رغبت نمودند بسوی تو رغبت کنندگان و رغبت نمودم بسوی تو خداوندا تو

الثقة والرجاء والیک منتهی الرغبة والدعاء اللهم فصل علی

اعتماد و امید و بسوی تست منتهای رغبت و دعا بار خدایا پس رحمت بفرست

محمد واله واجعل الیقین فی قلبی والنور فی بصری والنصیحة فی

محمد و آل او و بگردان یقین را در دل من و روشنائی را در دیده من و پند را در

صدری وذکرک فی اللیل والنهار علی لسانی ورزقا واسعا غیر

سینه من و ذکر خود را در شب و روز بر زبان من و روزی فراخی که نباشد

ممنون ولا محظور فارزقنی وبارک لی فیما رزقتنی واجعل

منقطع و نه حرام پس روزی کن مرا و برکت ده برای من در آنچه روزی کرده مرا و بگردان

غنای فی نفسی ورغبتی فیما عندک برحمتک یا ارحم الراحمین

بی نیازی مرا در نفس من و رغبت مرا در آنچه نزد تست برحمت تو ای بخشنده ترین بخشایندگان

پس بسجده برود و بگوید الحمد لله الذی هدانا لمعرفته وخصّنا بولایته و
سپاس مر خدای را که رسانیده ما را بشناخت خود و مخصوص گردانیده ما را بدوستی خود

وفّقنا لطاعته پس بگوید شکراً شکراً صد مرتبه پس سر از سجده بردارد و بگوید اللهم
توفیق داد ما را برای طاعت خود ستایش میکنیم نعمتهای خداوندا

انّی قصدتک بحاجتی واعتمدت علیک بمسألتی وتوجهت الیک
بدرستیکه من قصد نموده ام ترا بحاجت خود و تکیه کرده ام بر لطف تو در سوال خود و رو آورده ام بسوی

بائمّتی وساداتی اللهم انفعنا بحبّهم واوردنا موردهم وارزقنا
تو بوسیلهٔ پیشوایان خود و بزرگان خود بار خدایا سودمند گردان ما را بمحبت ایشان و فرود آور ما را در جایگاه ایشان و روزی کن ما را

مرافقتهم وادخلنا الجنة فی زمرتهم برحمتک یا ارحم الراحمین
رفاقت ایشان و داخل گردان ما را به بهشت در گروه ایشان برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشنده

و در روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه اش ثواب بسیار دارد و بسندهای معتبر از
حضرت صادق منقولست که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت سال
و ایضاً منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق سوال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی
هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر همه روز بیست که حضرت رسول صلعم مبعوث گردید
است و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار
بفرستی و زیارت حضرت رسول و حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیهما در این روز منقولست و نماز
این روز بطرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد و آنچه اکثر احا دیث
ظاهر میشود که در هر وقت روز که کنند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که
چون حضرت امام محمد تقی ببغداد تشریف آوردند در روز نیمهٔ رجب و روز بیست و هفتم روزه
داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند
و در هر یک از این دو روز دوازده رکعت نماز کنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
را بحمد و هر سوره که خواهند بکنند و چون از نماز فارغ شوند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ

برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند

لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله

نیست معبودی بحق مگر خدا و خدا بزرگتر است و پاکست خدا و سپاس خدا را و نیست گردیدن از گناه و نه توانائی بر طاعت مگر بیاری خدای

العلی العظیم پس چهار مرتبه بگویند الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس چهار مرتبه بگویند لا اشرک بربی احدا

بلند قدر بزرگ مرتبه — خدا خدا پروردگار منست شریک نمیگردانم با او چیزی — شریک نمیگردانم با پروردگار خود احدی را

و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که در روز دوازده رکعت نماز بجای آورد و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که میسر شود بخواند و بعد از هر دو رکعت سلام میگوید این دعا بخواند

الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی

سپاس خدای راست که فرا نگرفته هیچ فرزندی و نیست برای او انبازی در پادشاهی و نیست او را یاری

من الذل و کبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی

از مذلت و به بزرگی یاد کن خدا را به بزرگی یاد کردنی ای ذخیره من در مدت عمر من ای یار من

فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی

در سختی من ای یاور من در نعمت من ای فریادرس من در خواهش من ای برآورنده من در حاجت من

یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت

ای نگاهدارنده من در پنهانی من ای پاسدارنده من در تنهائی من ای انیس من در حال رمیدن من تو

الساتر عورتی فلک الحمد و انت المقیل عثرتی فلک الحمد

پوشاننده عورت من پس مر تراست سپاس و تو درگذرنده از لغزش من پس مر تراست سپاس

و انت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد و آل محمد و استر

و توئی برانگیزنده افتادگی من پس مر تراست سپاس درود بفرست بر محمد و آل محمد و بپوشان

عورتی و آمن روعتی و اقلنی عثرتی و اصفح عن جرمی و تجاوز

عورت مرا و ایمنی بخش ترس مرا و درگذر از لغزش من و درگذر از گناه من و تجاوز کن

الله الواحد القهار

پس بسجده برو و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِمَعْرِفَتِهِ وَخَصَّنَا بِوِلَايَتِهِ وَ
سپاس مر خدا را که رسانیده ما را بشناخت خود و مخصوص کردانیده ما را به دوستی خود
وَفَّقَنَا لِطَاعَتِهِ پس بگو شُكْراً شُكْراً صد مرتبه پس سر از سجده بردار و بگو اَللّٰهُمَّ
توفیق داد ما را برای طاعت خود ستایش میکنیم ستایش خداوندا
إِنِّي قَصَدْتُكَ بِحَاجَتِي وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْأَلَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ
بدرستیکه من قصد نموده ام ترا بحاجت خود و تکیه کرده ام بر لطف تو در سوال خود و رو آورده ام بسوی
بِأَئِمَّتِي وَسَادَتِي اَللّٰهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ وَأَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ وَارْزُقْنَا
تو بوسیله پیشوایان خود و بزرگان خود خداوندا سودمند گردان ما را بمحبت ایشان و فرود آور ما را در جایگاه ایشان و روزی کن ما را
مُرَافَقَتَهُمْ وَأَدْخِلْنَا الْجَنَّةَ فِي زُمْرَتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
رفاقت ایشان و داخل گردان ما را به بهشت در گروه ایشان برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشندگان

و در روز بیست و هفتم غسل سنت است و روزه اش ثواب بسیار دارد و بسندهای معتبر از
حضرت صادق منقولست که روزه اش برابر است با روزه هفتاد سال و بروایت دیگر شصت سال
و ایضا منقولست که حسن بن راشد از حضرت صادق سوال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عید
هست حضرت فرمود بلی شریفتر و فاضلتر عیدها روزیست که حضرت رسول صلعم مبعوث گردید
است و آن بیست و هفتم ماه رجب است باید که روزه بداری و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار
بفرستی و زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیهما درین روز منقولست و نماز
این روز بطرق مختلفه وارد شده است و اکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد و از اکثر احادیث
ظاهر میشود که در هر وقت روز که بکنند خوبست و بسند معتبر از ریان بن الصلت منقولست که
چون حضرت امام محمد تقی ببغداد تشریف آوردند در روز نصف رجب و روز بیست و هفتم روزه
داشتند و جمیع ملازمان و اصحاب خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند
و در هر یک از این دو روز دوازده رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
را بحمد و هر سوره که خواهند بکنند و چون از نماز فارغ شوند سوره حمد و قل هو الله احد و قل اعوذ

برب الفلق و قل اعوذ برب الناس هر یک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار
مرتبه بگویند

لا اله الا الله و الله اکبر و سبحان الله و الحمد لله و لا حول و لا قوة الا بالله

نیست معبودی بحق مگر خدا و خدا بزرگتر است و پاک است خدا و سپاس خدا را و نیست گردیدن از گناه و نه توانائی بر طاعت مگر به یاری خدای

العلی العظیم پس چهار مرتبه بگویند الله الله ربی لا اشرک به شیئا پس چهار مرتبه بگویند لا اشرک بربی احدا

بلند قدر بزرگ مرتبه — خدا خدا پروردگار من است شریک نمیگردانم با او چیزی — شریک نمیگردانم با پروردگار خود احدی

و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که در روز جمعه دوازده رکعت نماز بجای آورد
و در هر رکعت بعد از حمد سوره که میسر شود بخواند و بعد از هر دو رکعت سلام میگوید این دعا بخواند

الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له شریک فی الملک و لم یکن له ولی

سپاس مر خدای را که فرا نگرفته هیچ فرزندی و نیست برای او انبازی در پادشاهی و نیست او را یاوری

من الذل و کبره تکبیرا یا عدتی فی مدتی یا صاحبی

از مذلت و بزرگی یاد کن خدا را به بزرگی یاد کردنی ای ذخیره من در مدت عمر من ای یار من

فی شدتی یا ولیی فی نعمتی یا غیاثی فی رغبتی یا نجاحی فی حاجتی

در سختی من ای یاور من در نعمت من ای فریادرس من در خواهش من ای فیروزی بخش من در حاجت من

یا حافظی فی غیبتی یا کالئی فی وحدتی یا انسی فی وحشتی انت

ای نگاهدارنده من در پنهانی من ای پاسدارنده من در تنهائی من ای انس من در حال رمیدن من توئی

الساتر عورتی فلک الحمد و انت المقیل عثرتی فلک الحمد

پوشاننده عورت من پس مر تراست سپاس و توئی درگذرنده از لغزش من پس مر تراست سپاس

و انت المنعش صرعتی فلک الحمد صل علی محمد و آل محمد و استر

و توئی برانگیزنده افتادگی من پس مر تراست سپاس درود بفرست بر محمد و آل محمد و بپوشان

عورتی و امن روعتی و اقلنی عثرتی و اصفح عن جرمی و تجاوز

عورت مرا و ایمنی بخش خوف مرا و درگذر از لغزش من و درگذر از گناه من و تجاوز کن

عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

از بدیهای من در حالتی که بوده باشم در زمرهٔ یاران بهشت و عده کن مرا و عدهٔ راستی که بوده اند اصحاب و عده داده میشوند

و چون از دعا و نماز فارغ شوی سوره حمد و قل هو الله و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه و آیة الکرسی هر یک را هفت مرتبه میخوانی پس هفت مرتبه میگویی

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا حَوْلَ

نیست معبودی بحق بجز خدا و خدا بزرگتر است و پاک است خدا و سپاس مر خدا را و نیست حرکتی

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ پس هفت مرتبه میگویی اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً

و نه توانائی مگر بخواست خدا خدا خدا پروردگار منست و انباز نمیگردانم با او هیچ چیزی را

پس آنچه خواهی از خدا بطلب و بسند معتبر دیگر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام منقول

که سنت است این دعا را در روز مبعث بخواند

يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ وَضَمَّنَ نَفْسَهُ الْعَفْوَ وَالتَّجَاوُزَ يَا مَنْ

ای آنکه فرمان داده بعفو و درگذشتن و ضامن کرده خود را بر عفو و درگذشتن ای آنکه

عَفَا وَتَجَاوَزَ اعْفُ عَنِّي وَتَجَاوَزْ يَا كَرِيمُ اللَّهُمَّ وَقَدْ أَكْدَى

عفو نموده و درگذشته عفو کن از من و درگذر ای بزرگوار بار خدایا بتحقیق مشکل گردید

الطَّلَبُ وَأَعْيَتِ الْحِيلَةُ وَالْمَذْهَبُ وَدَرَسَتِ الْآمَالُ وَانْقَطَعَ الرَّجَاءُ

طلب و عاجز گردید چاره و راه کسب معاش و کهنه شده آرزوها و بریده شد امید

إِلَّا مِنْكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ

مگر از تو در حالتیکه یگانه نیست شریکی برای تو خداوندا بدرستیکه من مییابم راههای مطلبها را

إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ لِمَنْ

بسوی تو گشاده و آبخورهای امید نزد تو لبریز و درهای خواندن برای کسی که

دَعَاكَ مُفَتَّحَةً وَالِاسْتِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مُبَاحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِعَبْدِكَ

خواند ترا گشوده و یاری جستن را برای آنکه یاری جست بتو حلال گشته و میدانم اینکه تحقیق تو برای خواننده خود

بموضع اجابة وللصارخ اليك بمرصد اغاثة وان في اللهف الى

در جایگاه اجابتی و برای استغاثه نماینده بسوی خود در انتظارگاه فریادرسی و آنکه بتحقیق در استغاثه بسوی

جودك والضمان بعدتك عوضا من منع الباخلين ومندوحة عما

بخشش تو و در ضامن شدن بوعده تو بسنده عوض بزرگ از منع سفلگان و وسعت و بی نیازی از آنچه است

في ايدي المستاثرين وانك لا تحتجب عن خلقك الا ان تحجبهم

در دستهای آنانکه متفرد و اندوختگری و آنکه بتحقیق که تو پنهان نمیشوی از خلق خود مگر آنکه باز دارد ایشان را

الاعمال دونك وقد علمت ان افضل زاد الراحل اليك عزم ارادة

کردارهای ایشان از رسیدن بتو و بدرستیکه دانستم آنکه بهترین توشه کوچ کننده بسوی تو اراده ثابت است

وقد ناجاك بعزم الارادة قلبي فاسالك بكل دعوة دعاك بها

وبتحقیق که رازگفته ترا با اراده ثابت دل من پس سوال میکنم ترا بهر دعائیکه خوانده باشد ترا بآن

راج بلغته امله او صارخ اليك اغثت صرخته او ملهوف

امیدواری که رسانیده باشی بآرزوی او و یا استغاثه نماینده بسوی تو که رسیده باشی بفریاد او

مكروب فرجت عن قلبه او مذنب خاطئ غفرت له او معافى

غمگینی که کشف نموده باشی از دل او یا گناهکار خطاکاری که آمرزیده باشی مراو را یا عافیت [illegible]

اتممت نعمتك عليه او فقير اهديت غناك اليه ولتلك

که تمام گردانیده باشی نعمت خود را برو یا محتاجی که تحفه فرستاده باشی بی نیازی خود را بسوی او و مر آن

الدعوة عليك حق وعندك منزلة الا صليت على محمد وآله وقضيت

دعوت را بر تو حقی و نزد تو مرتبه ایست مگر آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل او و روا کنی

حوائج الدنيا والاخرة وهذا رجب المرجب المكرم الذي اكرمتنا

حاجتهای این جهان و آن جهان را و این ماه رجب بزرگ گردانیده گرامی است که گرامی داشتی ما را

به اول اشهر الحرم واكرمتنا به من بين الامم يا ذا الجود والكرم

بآن اول ماههای حرام است و گرامی داشتی ما را بآن از میان امتها ای خداوند بخشش و بزرگوار

اشهد

اعوذ بجلال الله
اعوذ بكلمات الله
اعوذ برسول الله

فاسألك به وباسمك الاعظم الاعظم الاعظم الاجل الاكرم

پس میخواهم از تو بحرمت آن وبحرمت نام تو که بزرگترست بزرگتر بزرگتر بزرگوارتر گرامی تر

الذي خلقته فاستقر في ظلك فلا يخرج منك الى غيرك

آن نامی که آفریدی آنرا پس قرار گرفت در سایهٔ تو پس بیرون نرود از تو بسوی غیر تو

ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين وتجعلنا من العاملين

اینکه رحمت بفرستی بر محمد وخاندان او که پاکانند وبگردانی مارا از آنانکه عمل کنند

فيه بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك اللهم واهدنا الى

در نیمهٔ او بطاعت تو وامیدوار اند در نیمهٔ او مر شفاعت ترا بار خدایا وبرسان مارا بسوی

سواء السبيل واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل

راه راست وبگردان آرامگاه ما را نزد خود بهترین آرامگاهی در سایهٔ عظیم

فانك حسبنا ونعم الوكيل والسلام على عباده المصطفين

پس بدرستیکه تو کافی مارا ونیکو کارگذاری ودرود بر بندگان او که برگزیدگان اند

وصلواته عليهم اجمعين اللهم وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته

ورحمتهای او بر ایشان همه خداوندا وبرکت ده تو ما را در روز ما این روز که زیادتی دادی آنرا

وبكرامتك جللته وبالمنزل العظيم منك انزلته وصل على من فيه

وبکرامت خود بزرگ گردانیدهٔ آنرا وبمرتبهٔ بزرگی از نزد خود فرود آوردهٔ آنرا ورحمت بر آنکه درین روز

الى عبادك ارسلته وبالمحل الكريم احللته اللهم صل عليه صلوة

بسوی بندگان خود فرستادهٔ آنرا وبجایگاه گرامی فرود آوردهٔ آنرا بار خدایا رحمت بفرست بروی رحمتی

دائمة تكون لك شكرا ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا يسرا واختم

همیشه که بوده باشد برای تو شکر وبجهت ما ذخیره وبگردان برای ما از جهة امر ما توانگری وختم کن

لنا بالسعادة الى منتهى آجالنا وقد قبلت اليسير من اعمالنا وبلغنا

برای ما بنیکبختی تا آخر اجلهای ما وحال آنکه تحقیق پذیرفته باشی اندک از کردارهای ما وبرسان مارا

برحمتك افضل آمالنا انك على كل شيء قدير وصلى الله على

به مهربانی خود بهترین امیدهای ما را بدرستیکه تو بر همه چیز توانایی و رحمت کند خدا بر

سيدنا محمد و آله و سلم

سردار ما محمد و آل او و سلام فرستاد

و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که روز بیست و هشتم ماه رجب روزه
بدارد کفاره نود سال گناه او گردد و هر که روز بیست و نهم را روزه بدارد کفاره صد سال گناه
او باشد و هر که روز سی ام این ماه را روزه بدارد حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و
آخر روز نماز سلمان سنتست چنانچه در اول مذکور شد و اگر احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست و نهم
نیز احتیاط بکند و در کتب دعوات از برای هر شب این ماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند چون بسند معتبر
بنظر نرسیده نخواستم ایراد نمایم و چون بسیار مشهورست ایراد مینمایم بر سبیل اجمال و اگر کسی
بقصد آنکه مطلق صلوة خوبست بکند بدنیست نماز شب اول سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سه
مرتبه سوره جحد یعنی قل یا ایها الکافرون و سه مرتبه توحید یعنی قل هو الله احد نماز شب دوم ده رکعت
با حمد و جحد نماز شب سوم ده رکعت با حمد و پنج مرتبه سوره اذا جاء نصر الله در هر رکعت نماز شب چهارم
صد رکعت در هر دو رکعت در اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق و در دوم بعد از حمد قل اعوذ
برب الناس نماز شب پنجم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه توحید نماز شب
ششم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه آیة الکرسی نماز شب هفتم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه و بعد از نماز ده مرتبه صلوات و ده مرتبه تسبیحات
اربع نماز شب هشتم بیست رکعت در هر رکعت یک حمد و هر یک از چهار قل سه مرتبه نماز شب نهم
دو رکعت بحمد و پنج مرتبه الهیکم التکاثر نماز شب دهم دوازده رکعت بعد از مغرب با حمد و سه مرتبه
توحید نماز شب یازدهم دوازده رکعت با حمد و دوازده مرتبه آیة الکرسی نماز شب دوازدهم دو
رکعت با حمد و آیه آمن الرسول ده مرتبه نماز شب سیزدهم ده رکعت دو رکعت در رکعت اول
بعد از حمد سوره والعادیات و در دوم الهیکم التکاثر نماز شب چهاردهم سی رکعت در هر رکعت بعد از

حمد سورهٔ توحید و آیهٔ قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره نماز شب پانزدهم و شب شانزدهم و هفدهم
سی رکعت با حمد و ده مرتبه سورهٔ توحید در هر رکعت نماز شب هجدهم ده رکعت در هر رکعت بعد
از حمد توحید و معوذتین هر یک یک مرتبه نماز شب نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد
پانزده مرتبه توحید و آیة الکرسی نماز شب بیستم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه
انا انزلناه نماز شب بیست و یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر
و ده مرتبه توحید نماز شب بیست و دوم هشت رکعت در هر رکعت یک مرتبه سورهٔ حمد و هفت مرتبه
قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و ده مرتبه استغفار
نماز شب بیست و سوم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه سورهٔ والضحی نماز شب بیست و چهارم
چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد آیهٔ امن الرسول و سورهٔ توحید یک مرتبه نماز شب بیست و
پنجم بیست رکعت و میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و آیهٔ آمن الرسول و سورهٔ توحید
یک مرتبه نماز شب بیست و ششم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید نماز شب
بیست و هفتم و بیست و هشتم و بیست و نهم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ
اعلی و ده مرتبه سورهٔ انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و
آل محمد و صد مرتبه استغفار نماز شب سی ام ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه توحید
و در هر یک از این نمازها ثوابهای بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتماد بر سند ذکر نکردم و
جمیع نوافل که مذکور میشود هر دو رکعت بیک سلام است و بعضی که طولی دارد و میان شام
و خفتن واقع شده است و باید که بعد از داخل شدن وقت خفتن واقع شود و کردن [illegible] خالی
از اشکال نیست لهذا نماز شب غایب را درین رساله ایراد نمودم با آنکه بطریق معتبر نقل
شده است و معتبر نیست باب دوم در فضائل و اعمال ماه مبارک شعبان است و ایام
و لیالی آن و در آن نیز پنج فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه است و
ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان [illegible] ماه رجب است و منسوب است بحضرت
سید انبیا صلی الله علیه و آله چنانچه منقول است از حضرت صادق علیه که چون حضرت رسول صلعم

ماه شعبان را مشاهده نمود امر فرمود که منادی ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم از جانب رسول خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که از روزی که ندای منادی آنحضرت را شنیدم روزه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم کرد ان شاء الله تعالی و فرمود که روزه ماه شعبان و ماه مبارک رمضان توبه ایست از جانب خدا برای جمیع گناهان و ایضا منقولست از ام سلمه که حضرت رسول هیچ ماه را تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان که آنرا وصل میکرد بماه مبارک رمضان و ایضا منقولست که از آنحضرت سوال کردند که کدام روزه از روزهای سنت افضل است فرمود که روزه ماه شعبان برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول شعبان را روزه میداشت و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو ماه خداست و روزه هر دو کفاره گناهان گذشته و آینده است و ایضا از حضرت باقر علیه السلام منقولست که هر که ماه شعبان را روزه دارد او را پاک گرداند از هر لغزشی و از قسمهای معصیت و وسوسه‌های در وقت غضب و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که ماه شعبان ماه شریفی است و آن ماه منست و حاملان عرش الهی آنرا تعظیم مینمایند و حق حرمت آنرا میشناسند و آن ماهیست که زیاده میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت میکنند در آن بهشتها را و آنرا شعبان نام کرده اند برای آنکه تشعب بسیار میکرد در آن روزیهای مومنان و حسنه در آن ماه مضاعف میگردد هفتاد برابر و گناه در آن پست میگردد و آمرزیده میشود و اعمال خیر در آن مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت کنندگان آنماه پس مباهات میکند باینان با حاملان عرش پس در فضیلت روزه هر روز آنماه آنقدر فرمود که ذکرش موجب تطویل کلام است و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه شعبان ذخیره ایست از برای روز قیامت و هر بنده که از شعبان روزه بسیار بگیرد البته حق تعالی امر معیشت او را اصلاح آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه دار یک روز از شعبان میدهند آنست که بهشت از برای او واجب گردد و بسندهای معتبر از آنحضرت منقول است که حضرت رسول فرمود

که هر که روزه دارد شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و بهشت از برای او واجب گرداند و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین روایت کرده است که حضرت رسول فرمود که شعبان ماه من است و ماه رمضان ماه خدا است پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در روز قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی مونس او گرداند در وحشت قبر او و تنها نگذارد و از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی و نامهٔ عمل او بدست راست او دهند و نامهٔ مخلد بودن در بهشت را بدست چپ او دهند تا آنکه او را بپای عرش الهی حاضر سازند پس حق تعالی ندا کند که ای بندهٔ من او گوید لبیک ای خداوند من پس حق گوید روزه داشتی برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید دست بندهٔ مرا و به پیغمبر من بسپارید پس بیاورند او را به نزد من پس با او گویم ماه مرا روزه داشتی او گوید بلی من بگویم با او که من امروز شفاعت تو میکنم پس حق تعالی فرماید که من حقوق خود را به بندهٔ خود بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از و عفو کند من آنقدر عوض با و بدهم که او راضی شود پس من بگیرم دست او را و بیاورم نزد صراط پس ببینم که صراط لغزنده است میلرزد و با گناهکاران بران بند نمی شود پس دست او را بگیرم ملکی که موکل است بر صراط گوید کیست این مرد من گویم این فلان کس است از امت من که ماه مرا در دنیا روزه گرفته است باید شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته از برای طلب وعدهٔ خدا پس او را بگذرانم از صراط بعفو خدا تا آنکه او را به بهشت برسانم پس رضوان گوید که امروز بهشت که در را برای امت تو میگشایم و او را داخل بهشت میکنم پس حضرت امیر المؤمنین فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را تا او شفیع شما گردد در قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از شراب سر بمهر بهشت **فصل دوم** در بیان اعمال روز ماه شعبان است بسند معتبر از حضرت امام رضا منقول است که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگر چه بعدد ستاره های آسمان باشد و در کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که

ماه منست پس درین ماه بسیار بفرستید صلوات برمن و بر آل من و شعبان را ماه شفاعت گویند زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که درین ماه صلوات براو و بر آل او فرستند و از حضرت صادق منقولست که بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است و هرکه در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماه های دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد پرسیدند چگونه بگوییم فرمود که بگو

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ

طلب مغفرت میکنم خدارا و سوال میکنم از او توفیق توبه

و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست

که هرکه در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید

أَسْتَغْفِرُ اللهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ

طلب مغفرت میکنم خدارا و سوال میکنم از او توفیق توبه

بنویسد حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم و بگذراند او را از صراط و داخل بهشت گرداند و بسندهای معتبر منقولست که هرکه در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه

أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

طلب مغفرت میکنم خدائی را که نیست معبودی بجز او بخشاینده مهربان زنده توانا و رجوع میکنم بسوی او بگوید حق تعالی روح او را در افق مبین جای دهد و آن فضای وسیعی است در پیش عرش و دران فضا نهرها جاریست و قدحها در کنار آن نهرهاست بعدد [illegible] آسمان و در بعضی از روایات الحی القیوم پیش از الرحمن الرحیم است و هر دو خوبست و بسند معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین در هر روز ماه شعبان در وقت زوال و در شب نیمه آن این صلوات را میخواندند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ

خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد درخت پیغمبری و جای رسالت

وَمُخْتَلَفِ الْمَلائِكَةِ وَمَعْدِنِ الْعِلْمِ وَاَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

ومحل آمد شد فرشتگان و کان علم و خانوادهٔ وحی خداوندا درود بفرست بر محمد

وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الْفُلْكِ الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ الْغَامِرَةِ يَامَنُ مَنْ رَكِبَهَا وَيَغْرَقُ

وآل محمد کشتیهائی روان در دریاهای فراپوشنده در امان است کسیکه سوار آنها شود غرق

مَنْ تَرَكَهَا الْمُتَقَدِّمُ لَهُمْ مَارِقٌ وَالْمُتَاَخِّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ وَاللَّازِمُ لَهُمْ

کسیکه ترک کند آنرا پیشی گیرنده ایشانرا مرتد است و پس مانده از ایشان مضمحل و باطل و ملازمت نماینده مر ایشانرا

لَاحِقٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الْكَهْفِ الْحَصِيْنِ وَغِيَاثِ

پیوسته خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد پناه محکم و فریادرس

الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِيْنِ وَمَلْجَاِ الْهَارِبِيْنَ وَمَنْجَى الْخَائِفِيْنَ وَعِصْمَةِ

مضطر عاجز و پناه گریزندگان و رستگاه ترسندگان و پناه

الْمُعْتَصِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلٰوةً كَثِيْرَةً طَيِّبَةً

چنگ زنندگان خداوندا درود بفرست بر محمد وآل محمد درودی بسیار پاکیزه

تَكُوْنُ لَهُمْ رِضًى وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَدَاءً وَقَضَاءً بِحَوْلٍ مِنْكَ

که باشد مر ایشانرا موجب خوشنودی و مر حق محمد و اولاد محمد را ادا و قضا بقدرتی از تو

وَقُوَّةٍ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِيْنَ

و توانائیی ای پروردگار عالمیان خداوندا درود بفرست بر محمد وآل محمد پاکیزگان

الْاَبْرَارِ الْاَخْيَارِ الَّذِيْنَ اَوْجَبْتَ لَهُمْ حُقُوْقَهُمْ وَفَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَوِلَايَتَهُمْ

نیکوکاران برگزیدگان که واجب کردی برای ایشان حقهای ایشانرا و واجب کردی طاعت ایشانرا و دوستی ایشانرا

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاعْمُرْ قَلْبِيْ بِطَاعَتِكَ وَلَا تُخْزِنِيْ

خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و آباد کن دل مرا به بندگی خود و رسوا مگردان مرا

بِمَعْصِيَتِكَ وَارْزُقْنِيْ مُوَاسَاةَ مَنْ قَتَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ

بنافرمانی خود و روزی کن مرا همراهی کسیکه تنگ کرده باشی بر او از روزی خود بچیزی که فراخ کردی

عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَنَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَدْلِكَ وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ وَهٰذَا

بر من از فضل خود و پهن کردی بر من از عدل خود و زنده داشتی مرا در سایهٔ خود و این

شَهْرُ نَبِيِّكَ سَيِّدِ رُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَعْبَانُ الَّذِي حَفَفْتَهُ

ماه شعبان ماه پیغمبر تو سرور پیغمبران تست درود خدا باد بر او و اولاد او شعبانی که فرا گرفتی آنرا

مِنْكَ بِالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

از جانب خود به بخشش و خوشنودی آنکه بود رسول خدا درود فرستد خدا بر او و اولاد او

يَدْأَبُ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ فِي لَيَالِيهِ وَأَيَّامِهِ بُخُوعاً لَكَ فِي إِكْرَامِهِ

که کوشش مینمود در روزهٔ آن و قیام آن در شبهای آن و روزهای آن جهت فروتنی برای تو در گرامی داشتن آن

وَإِعْظَامِهِ إِلَىٰ مَحَلِّ حِمَامِهِ اللّٰهُمَّ فَأَعِنَّا عَلَى الِاسْتِنَانِ بِسُنَّتِهِ فِيهِ

و تعظیم کردن آن تا فرود آمدن موت او خداوندا پس یاری کن ما را بر جاری شدن بطریقهٔ او در آن

وَنَيْلِ الشَّفَاعَةِ لَدَيْهِ اللّٰهُمَّ فَاجْعَلْهُ لِي شَفِيعاً مُشَفَّعاً وَطَرِيقاً إِلَيْكَ مَهْيَعاً

و رسیدن به شفاعت نزد او خداوندا پس گردان او را شفاعت کننده پذیرفته شفاعت و راهی بسوی تو واضح

وَاجْعَلْنِي لَهُ مُتَّبِعاً حَتَّىٰ أَلْقَاكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَنِّي رَاضِياً وَعَنْ ذُنُوبِي

و بگردان مرا برای او تابع تا آنکه ملاقات کنم ترا در روز قیامت در حالیکه از من بوده باشی خوشنود و از گناهان من

غَاضِياً قَدْ أَوْجَبْتَ لِي مِنْكَ الرَّحْمَةَ وَالرِّضْوَانَ وَأَنْزَلْتَنِي دَارَ الْقَرَارِ

درگذرنده بتحقیق واجب ساخته باشی برای من از لطف خود رحمت و خوشنودی را و فرود آورده باشی مرا در سرای بقا

وَمَحَلَّ الْأَخْيَارِ

و در جایگاه نیکوکاران

و سید بن طاوس علیه الرحمة بسند معتبر از ابن خالویه روایت کرده است که این مناجات حضرت امیرالمؤمنین و امامان از فرزندان اوست علیهم السلام که در ماه شعبان میخواندند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْمَعْ دُعَائِي إِذَا دَعَوْتُكَ وَاسْمَعْ

بارخدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بشنو دعای مرا هرگاه بخوانم ترا و بشنو

ندائي إذا دعوتك وأقبل عليّ إذا ناجيتك فقد هربت إليك ووقفت

صدای مرا هرگاه ندا کنم ترا و رو کن بر من هرگاه راز گویم ترا پس تحقیق که گریخته ام بسوی تو و ایستاده ام

بين يديك مستكيناً لك متضرعاً إليك راجياً لما لديك

پیش تو عاجز کننده مر ترا زاری نماینده بسوی تو امیدوار بجهت آنچه نزد تست

ثوابي وتعلم ما في نفسي وتخبر حاجتي وتعرف ضميري ولا يخفى

ثواب مرا و میدانی آنچه در نفس منست و میدانی حاجت مرا و میدانی راز مرا و پوشیده نیست

عليك أمر منقلبي ومثواي وما أريد أن أبدئ به من منطقي

بر تو حال بازگشت من و آرامگاه من و آنچه خواهم که ابتدا کنم من بآن از سخن خود

وأتفوه به من طلبتي وأرجوه لعاقبتي وقد جرت مقاديرك

و تلفظ نمایم بآن از حاجت خود و امیدوارم آنرا بجهت آخرت خود و بتحقیق روان شده تقدیرهای تو

عليّ يا سيدي فيما يكون مني إلى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي

بر من ای آقای من در آنچه خواهد شد از من تا آخر زندگانی من از نهانی من و آشکار من

وبيدك لا بيد غيرك زيادتي ونقصي ونفعي وضري إلهي إن حرمتني

و بدست تست و نه بدست غیر تو بیشی من و کمی من و سود من و زیان من خدای من اگر ناامید کنی مرا

فمن ذا الذي يرزقني وإن خذلتني فمن ذا الذي ينصرني إلهي أعوذ بك

پس کیست آنکه روزی دهد مرا و اگر خوار گذاری مرا پس کیست آنکه یاری کند مرا خدای من پناه میبرم بتو

من غضبك وحلول سخطك إلهي إن كنت غير مستأهل لرحمتك

از خشم تو و فرود آمدن غضب تو خدای من اگر باشم غیر سزاوار برای رحمت تو

فأنت أهل أن تجود عليّ بفضل سعتك إلهي كأني بنفسي واقفة

پس تو سزاواری بآنکه بخشش نمائی بر من بزیادتی گشایش خود خدای من گویا می‌بینم نفس خود را ایستاده

بين يديك وقد أظلها حسن توكلي عليك فقلت ما أنت أهله

پیش تو و حال آنکه سایه افکنده بر آن نیکوئی اعتماد من بر لطف تو پس گفتی آنچه که تو سزاوار آنی

وَتَعَمَّدْتَنِي بِعَفْوِكَ إِلٰهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِذٰلِكَ وَإِنْ كَانَ

و پوشانیدی مرا بعفو خود خدای من اگر درگذری از گناهان من پس کیست سزاوارتر از تو بآن و اگر بوده

قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُدْنِنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِقْرَارَ بِالذَّنْبِ

که هر آینه نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو کردار من پس بتحقیق گردانیدم اقرار را بگناه خود

إِلَيْكَ وَسِيلَتِي إِلٰهِي قَدْ جُرْتُ عَلَى نَفْسِي فِي النَّظَرِ لَهَا فَلَهَا الْوَيْلُ

بسوی تو وسیله خود خدای من بتحقیق که ستم کردهام بر ذات خود در نظر کردن بر آن پس مر او راست عذاب

إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَهَا إِلٰهِي لَمْ يَزَلْ بِرُّكَ عَلَيَّ أَيَّامَ حَيَاتِي فَلَا تَقْطَعْ بِرَّكَ عَنِّي فِي

اگر نیامرزی او را خدای من همیشه است نیکوئی تو بر من در زندگانی من پس نیکوئی خود را از من در

مَمَاتِي إِلٰهِي كَيْفَ آيَسُ مِنْ حُسْنِ نَظَرِكَ لِي بَعْدَ مَمَاتِي

وقت مردن من خدای من چگونه نا امید شوم از حسن نظر تو مرا بعد از مردنم

وَأَنْتَ لَمْ تُوَلِّنِي إِلَّا الْجَمِيلَ فِي حَيَاتِي إِلٰهِي تَوَلَّ مِنْ أَمْرِي مَا أَنْتَ

و حال آنکه تو ندادی بمن مگر جمیل را در زندگانی من خدای من متولی شو از امر من آنچه تو

أَهْلُهُ وَعُدْ بِفَضْلِكَ عَلَى مُذْنِبٍ قَدْ غَمَرَهُ جَهْلُهُ إِلٰهِي قَدْ سَتَرْتَ

سزاوار آنی و عود کن بفضل خود بر گنهکاری که بتحقیق فرا پوشیده او را نادانی او خدای من بتحقیق پوشیدی

عَلَيَّ ذُنُوبًا فِي الدُّنْيَا وَأَنَا أَحْوَجُ إِلَى سَتْرِهَا عَلَيَّ مِنْكَ فِي الْأُخْرَى

بر من گناهان را در دنیا و من محتاج ترم بسوی پوشیدن آنها بر خود از تو در عقبی

إِلٰهِي قَدْ أَحْسَنْتَ إِلَيَّ إِذْ لَمْ تُظْهِرْهَا لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

خدای من بتحقیق که نیکوئی کردی بسوی من هنگامی که ظاهر نساختی آنها را برای هیچ یک از بندگان نیکوکاران

فَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُؤُوسِ الْأَشْهَادِ إِلٰهِي جُودُكَ بَسَطَ أَمَلِي

پس رسوا مکن مرا در روز رستخیز بر سر حاضران خدای من بخشش تو فراخ کرده امید مرا

وَعَفْوُكَ أَفْضَلُ مِنْ عَمَلِي إِلٰهِي فَسُرَّنِي بِلِقَائِكَ يَوْمَ تَقْضِي فِيهِ بَيْنَ عِبَادِكَ

و درگذشتن تو بهتر است از کردار من خدای من پس شاد گردان مرا بلقای خود در روزی که حکم کنی در آن میان بندگان

إلهي اعتذاري إليك اعتذار من لم يستغن عن قبول عذره فاقبل

خدای من عذرخواهی من بسوی تو عذرخواهی کسی است که بی نیاز نشد از پذیرفتن عذر خود پس بپذیر

عذري يا أكرم من اعتذر إليه المسيئون إلهي

عذر مرا ای بزرگوار ای گرامی‌ترین کسیکه عذرخواهی نمودند بسوی او بدکاران خدای من

لا ترد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي وأملي إلهي

رد مکن حاجت مرا و محروم مکن طمع مرا و مبر از خود امید مرا و آرزوی مرا خدای من

لو أردت هواني لم تهدني ولو أردت فضيحتي لم تعافني إلهي

اگر میخواستی خواری مرا هدایت نمیکردی مرا و اگر میخواستی رسوائی مرا عافیت نمی‌بخشیدی مرا خدای من

ما أظنك تردني في حاجة قد أفنيت عمري في طلبها منك إلهي

گمان نمی‌برم ترا که رد کنی مرا در حاجتی که بتحقیق بپایان رسانیدم عمر خود را در طلب آن از تو خدای من

فلك الحمد أبداً أبداً دائماً سرمداً يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى

پس مر تراست سپاس همیشه همیشه مدام پیوسته که زیاده شود و نیست نشود چنانچه دوست داری و بپسندی

إلهي إن أخذتني بجرمي أخذتك بعفوك وإن أخذتني بذنوبي

خدای من اگر بگیری مرا بگناه من بگیرم ترا بعفو تو و اگر بگیری مرا بگناهان من

أخذتك بمغفرتك وإن أدخلتني النار أعلمت أهلها أني

بگیرم ترا بآمرزش تو و اگر داخل کنی مرا در آتش آگاه کنم اهل آتش را اینکه همانا

أحبك إلهي إن كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد كبر في

من دوست میدارم ترا خدای من اگر حقیر شد در پهلوی طاعت تو کردار من پس بتحقیق بزرگ شد در

جنب رجائك أملي إلهي كيف أنقلب من عندك بالخيبة محروماً و

جنب امید من از تو امید من خدای من چگونه برگردم از نزد تو با زیانکاری محروم و حال آنکه

قد كان حسن ظني بجودك أن تقلبني بالنجاة مرحوماً إلهي وقد أفنيت

بتحقیق بود نیکو گمان من ببخشش تو اینکه برگردانی مرا با رستگاری رحم کرده شده خدای من و بتحقیق بپایان رسانیدم

عُمُري في شِرَّةِ السَّهوِ عَنكَ وَأَبلَيتُ شَبابي في سَكرَةِ

عمر خود را در نشاط بی خبری از تو و کهنه ساختم جوانی خود را در مستی

التَّباعُدِ مِنكَ إلهي فَلَم أَستَيقِظ أَيّامَ اغتِراري بِكَ وَرُكوني

دوری از تو خدای من پس بیدار نشدم در روزهای فریفتگی من بتو و مایل بودنم

إلى سَبيلِ سَخَطِكَ إلهي وَأَنا عَبدُكَ وَابنُ عَبدِكَ قائِمٌ بَينَ

بسوی راه خشم تو خدای من و من بنده تو و پسر بنده توام ایستاده‌ام میان

يَدَيكَ مُتَوَسِّلٌ بِكَرَمِكَ إلَيكَ إلهي أَنا عَبدٌ أَتَنَصَّلُ إلَيكَ

دو دست تو توسل جوینده‌ام بکرم تو بسوی تو خدای من من بنده‌ام عذرخواهی مینمایم بسوی تو

مِمّا كُنتُ أُواجِهُكَ بِهِ مِن قِلَّةِ استِحيائي مِن نَظَرِكَ

از آنچه بودم که مواجهه میکردم ترا بآن از راه کمی شرم از اطلاع تو

وَأَطلُبُ العَفوَ مِنكَ إذِ العَفوُ نَعتٌ لِكَرَمِكَ إلهي لَم يَكُن لي

و میخواهم در گذشتن را از تو زیرا که درگذشتن وصفی است برای بزرگواری تو خدای من نبود مرا

حَولٌ فَأَنتَقِلَ بِهِ عَن مَعصِيَتِكَ إلّا في وَقتٍ أَيقَظتَني لِمَحَبَّتِكَ وَكَما

توانائی پس بگردم بسبب آن از نافرمانی تو مگر در وقتی که بیدار کنی مرا بمحبت دوستی خود و چنانچه

أَرَدتَ أَن أَكونَ كُنتُ فَشَكَرتُكَ بِإدخالي في كَرَمِكَ وَلِتَطهيرِ

خواستی که شوم شدم پس شکر کردم ترا بسبب داخل گردانیدن تو مرا در کرم خود و پاک گردانیدن

قَلبي مِن أَوساخِ الغَفلَةِ عَنكَ إلهي انظُر إلَيَّ نَظَرَ مَن نادَيتَهُ

دل مرا از چرکهای بی خبری از تو خدای من نظر کن بسوی من مانند نگریستن بکسیکه خوانده باشی او را

فَأَجابَكَ وَاستَعمَلتَهُ بِمَعونَتِكَ فَأَطاعَكَ يا قَريباً لا يَبعُدُ

پس اجابت کرده باشد ترا و بکار داشته باشی او را بیاری خود پس فرمان برده باشد ترا ای نزدیکی که دور نباشد

عَنِ المُغتَرِّ بِهِ وَيا جَواداً لا يَبخَلُ عَمَّن رَجا ثَوابَهُ إلهي هَب لي قَلباً يُدنيهِ

از فریفته بخود و ای بخشنده که بخل نمیورزد از کسیکه امید داشته باشد ثواب او را خدای من ببخش مرا دلی که نزدیک کند

حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل است که هر که در دنیا از ظرف طلا و نقره آب خورد در آخرت از ظرف طلا و نقره در بهشت محروم شود و بسند معتبر منقول است که محمد بن اسمعیل بن بزیع از حضرت امام رضا علیه السلام سوال کرد از ظرف طلا و نقره [illegible]

[illegible]

مِنْكَ شَوْقُهُ وَلِسَاناً يُرْفَعُ اِلَيْكَ صِدْقُهُ وَنَظَراً يُقَرِّبُهُ مِنْكَ حَقُّهُ اِلٰهِي

آرزومندی او و زبانی که بالا برود بسوی تو راستی او و نظری که نزدیک گرداند مرا او را بتو درستی او خدایا

اِنَّ مَنْ تَعَرَّفَ بِكَ غَيْرُ مَجْهُولٍ وَمَنْ لَاذَ بِكَ غَيْرُ مَخْذُولٍ وَمَنْ

بدرستیکه کسی که معروف شد بتو غیر مجهول است وکسیکه پناه برد بتو غیر زیانکار است وآنکه

اَقْبَلْتَ عَلَيْهِ غَيْرُ مَمْلُوكٍ اِلٰهِي اِنَّ مَنِ انْتَهَجَ بِكَ لَمُسْتَنِيرٌ وَاِنَّ

رو کردی تو براو نیست مغلوب خدای من بتحقیق آنکه راه یافت بتو هر آینه روشنی یافته است وبتحقیق

مَنِ اعْتَصَمَ بِكَ لَمُسْتَجِيرٌ وَقَدْ لُذْتُ بِكَ يَا اِلٰهِي فَلَا تُخَيِّبْ ظَنِّي

کسیکه چنگ زد بتو هر اینه امان جوینده است وبتحقیق که پناه گرفتم بتو ای خدای من پس محروم مکن گمان مرا

مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْجُبْنِي عَنْ رَأْفَتِكَ اِلٰهِي اَقِمْنِي فِي اَهْلِ وِلَايَتِكَ

از رحمت خود ومنع مکن مرا از مهربانی خود خدای من برپا دار مرا در میان اصحاب ولایت خود

مُقَامَ مَنْ رَجَا الزِّيَادَةَ مِنْ مَحَبَّتِكَ اِلٰهِي وَاَلْهِمْنِي وَلَهاً بِذِكْرِكَ

در جای کسیکه امید داشته باشد زیادتی از دوستی تو خدای من وبدل انداز مرا حرص بذکر خود

اِلَى ذِكْرِكَ وَاجْعَلْ هِمَّتِي فِي رَوْحِ نَجَاحِ اَسْمَائِكَ وَمَحَلِّ قُدْسِكَ

بسوی ذکر خود وبگردان آهنگ مرا بسوی راحت فیروزی نامهای خود وجایگاه قدس خود

اِلٰهِي بِكَ عَلَيْكَ اِلَّا اَلْحَقْتَنِي بِمَحَلِّ اَهْلِ طَاعَتِكَ وَالْمَثْوَى

خدای من بذات تو قسم برتو مگر آنکه برسانی مرا بجایگاه فرمانبرداران خود وجایگاه

الصَّالِحِ مِنْ مَرْضَاتِكَ فَاِنِّي لَا اَقْدِرُ لِنَفْسِي دَفْعاً وَلَا اَمْلِكُ لَهَا

شایسته از خوشنودیهای خود زیرا که بتحقیق من توانا نیستم برای نفس خود دفع کردن و مالک نیستم برای آن

نَفْعاً اِلٰهِي اَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الْمُذْنِبُ وَمَمْلُوكُكَ الْمُنِيبُ الْمَعِيبُ

نفعی را خدای من منم بنده تو ناتوان گنه کار ومنم بنده تو رجوع نماینده عیب دار

فَلَا تَجْعَلْنِي مِمَّنْ صَرَفْتَ عَنْهُ وَجْهَكَ وَحَجَبَهُ سَهْوُهُ عَنْ عَفْوِكَ اِلٰهِي

پس مگردان مرا از آنان که گردانیده از ایشان روی خود را وبازداشته ایشان را غفلت ایشان از عفو تو خدای من

هب لي كمال الانقطاع اليك وانر ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك

ببخش مرا كمال بريدگى بسوى خود و روشن كن ديدهاى دلهاى ما را بروشنائى نگريستن آنها

حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن العظمة

تا آنكه بدرد ديدهاى دلها حجابهاى نور را پس برسد بسوى قرارگاه بزرگوارى

وتصير ارواحنا معلقة بعز قدسك الهي واجعلني ممن ناديته

و بگردد نفوس ما درآويخته بعزت پاكى تو خداى من و بگردان مرا از آنانكه خواندى ايشان را

فاجابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجيته سرا وعمل لك

پس اجابت نمودند ترا و نگريستى بآنها پس بيهوش شدند بهيبت بزرگوارى تو پس گفتى با آنها راز را و كار كردند

جهرا الهي لم اسلط على حسن ظني قنوط الاياس ولا انقطع

آشكارا خداى من مسلط نساختم بر نيكوئى اعتقاد خود شدت نوميدى را و بريده نشد

رجائي من جميل كرمك الهي ان كانت الخطايا قد اسقطتني

اميد من از كرم نيك تو خداى من اگر بوده باشند گناهان كه بتحقيق انداختند مرا

لديك فاصفح عني بحسن توكلي عليك الهي ان حطتني

نزد تو پس درگذر از من بسبب نيكوئى توكل من بر تو خداى من اگر فرو آورد مرا

الذنوب من مكارم لطفك فقد نبهني اليقين الى كرم

گناهان از نوازشهاى مهربانى تو پس بتحقيق بلند گردانيده مرا اخرم داشتن بسوى بزرگى

عطفك الهي ان انامتني الغفلة عن الاستعداد للقائك فقد

لطف تو خداى من اگر خوابانيده مرا بى خبرى از آماده شدن براى ملاقات تو پس بتحقيق

نبهتني المعرفة بكرم آلائك الهي ان دعاني الى النار عظيم عقابك

بيدار كرد مرا شناختن بزرگى نعمتهاى تو خداى من اگر بخواند مرا بسوى آتش عقاب بزرگ تو

فقد دعاني الى الجنة جزيل ثوابك الهي فلك اسأل واليك

پس بتحقيق بخواند مرا بسوى بهشت ثواب وافر تو خداى من پس تو سوال ميكنم و بسوى تو

اَبْتَهِلُ وَاَرْغَبُ وَاَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَنْ

تضرع میایم و رغبت میکنم و سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تَجْعَلَنِیْ مِمَّنْ یُدِیْمُ ذِکْرَکَ وَلَا یَنْقُضُ عَهْدَکَ وَلَا یَغْفُلُ عَنْ

بگردانی مرا از آنانکه همیشه دارند ذکر ترا و نشکنند پیمان ترا و غافل نمیشوند از

شُکْرِکَ وَلَا یَسْتَخِفُّ بِاَمْرِکَ اِلٰهِیْ وَاَلْحِقْنِیْ بِنُوْرِ عِزِّکَ الْاَبْهَجِ

سپاس گزاری تو و سبک نشمارند فرمان ترا خدایا من برسان مرا به روشنی عزت خود که نیکوتر است

فَاَکُوْنَ لَکَ عَارِفًا وَّعَنْ سِوَاکَ مُنْحَرِفًا وَّمِنْکَ خَآئِفًا مُّرَاقِبًا

پس بوده باشم مر ترا شناسا و از غیر تو میل کننده و از تو ترسان هیمناک

یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ رَّسُوْلِهٖ

ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و رحمت فرستد خدا بر محمد فرستادهٔ خود

وَاٰلِهِ الطَّاهِرِیْنَ وَسَلَّمَ تَسْلِیْمًا کَثِیْرًا

و خاندان او که پاکانند و درود فرستد درود بسیار

و این از مناجاتهای جلیل القدر ائمه علیهم السلام است و بر مضامین عالیه مشتمل است و در همه

اوقات که حضور قلبی باشد خواندن مناسب است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله

منقول است که هر که در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَا نَعْبُدُ اِلَّا اِیَّاهُ مُخْلِصِیْنَ لَهُ الدِّیْنَ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُوْنَ

نیست خدایی سزاوار پرستش مگر خدا و نمی پرستیم مگر او را در حالتیکه خالص کردانیم برای او دین را هر چند ناخوش دارند آنرا کافران

حق تعالی عبادت هزار ساله در نامهٔ عمل او بنویسد و گناهان هزار ساله از او محو کند و از قبر بیرون آید

باروی نورانی مانند ماه شب چهارده و او را صدیق بنویسند و بسند معتبر منقول است که از حضرت صادق

علیه السلام سوال کردند از فضیلت روزهٔ رجب حضرت فرمود چرا غافل گردیده اید از روزهٔ شعبان

راوی گفت یا ابن رسول الله چه ثواب دارد کسیکه یکروز شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت

ثواب اوست گفت یا ابن رسول الله بهترین عملها درین ماه چیست فرمود تصدق کردن و طلب آمرزش

نمودن هر که در این ماه تصدق کند حق تعالی آن را تربیت میکند چنانچه یکی از شما شتر بچه خود را تربیت کند تا آنکه روز قیامت مانند کوه احد بصاحبش برسد **فصل سوم** در بیان اعمال و فضائل ایام مخصوصه اول ماه است تا ایام بیض بسندهای معتبر منقول است از حضرت صادق علیه السلام که هر که روز اول ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد البته و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است استحباب روزه سه روز اول و سه روز میان و سه روز آخر ماه و از حضرت امیر المؤمنین منقول است که حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که در هر پنجشنبه ماه شعبان زینت میکنند آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران این روز را و دعای ایشان را مستجاب گردان روز سوم ماه شعبان روز بسیار مبارک است و موافق مشهور روز ولادت حضرت امام حسین صلوات الله علیه است و از حضرت صاحب الامر فرمانی بیرون آمد که روز سوم ماه شعبان روز ولادت حضرت امام حسین است پس روزه بدارید و این دعا را بخوانید

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلالِهِ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق آنکه متولد شده درین روز وعده داده شد بشهادت او پیش از متولد شدن

وَوِلادَتِهِ بَکَتْهُ السَّماءُ وَمَنْ فیها وَالْاَرْضُ وَمَنْ عَلَیْها وَلَمّا یَطَأْ لابَتَیْها

و ولادت او گریست برو آسمان و آنکه در آنست و زمین و هر چه بر آنست و حال آنکه قدم ننهاده بود در دو سنگستان

قَتیلِ الْعَبْرَةِ وَسَیِّدِ الْاُسْرَةِ الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ یَوْمَ الْکَرَّةِ

آن شهید سرشک و بزرگ قوم و مدد کرده شده بیاری در روز رجعت

الْمُعَوَّضِ مِنْ قَتْلِهِ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ نَسْلِهِ وَالشِّفاءَ فی تُرْبَتِهِ

عوض داده شده از کشتن خود اینکه پیشوایان از فرزندان اویند و شفا در خاک مدفن اوست

وَالْفَوْزَ مَعَهُ فی اَوْبَتِهِ وَالْاَوْصِیاءَ مِنْ عِتْرَتِهِ بَعْدَ قائِمِهِمْ

و رستگاری با او در وقت بازگشت او و اوصیا که از فرزندان اوست بعد از ظهور قائم ایشان

وَغَیْبَتِهِ حَتّی یُدْرِکُوا الْاَوْتارَ وَیَثْاَرُوا الثّارَ وَیُرْضُوا الْجَبّارَ

و غیبت او تا آنکه دریابند عوض خونها را و مطالبه کنند خون را و خشنود سازند خدای جبار

شعبان

وتكونوا خير انصار صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار

و بوده باشند بهترین یاران رحمت فرستد خدا بر ایشان با آمد و شد شب و روز

اللهم فبحقهم اليك نتوسل ونسئل سؤال مقترف معترف

بار خدایا پس بحق ایشان بسوی تو توسل میجوییم و سوال میکنیم مانند سوال گنهکار اعتراف کننده

مسيء الى نفسه مما فرط في يومه وامسه يسألك العصمة الى

بدی کننده بسوی خود از آنچه تقصیر کرده در روز حاضر خود و روز گذشته خود می خواهد از تو عصمت را بسوی

محل رمسه اللهم صل على محمد وعترته واحشرنا في زمرته

جایگاه دفن خود بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و برانگیز ما را در گروه ایشان

وبوئنا معه دار الكرامة ومحل الاقامة اللهم وكما

و ساکن گردان ما را با او در سرای نوازش و جایگاه اقامت بار خدایا و چنانکه

اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته

گرامی داشتی ما را بشناخت او پس گرامی دار ما را به نزدیکی او و روزی کن ما را رفاقت او و پیشی گرفتن را

واجعلنا ممن يسلم لامره ويكثر الصلوة عليه عند ذكره وعلى

و بگردان ما را از آنکه گردن می نهند برای فرمان او و بسیار می فرستند رحمت بر او نزد ذکر او و بر

جميع اوصيائه واهل اصطفائه الممدودين منك بالعدد

همه اوصیای او و برگزیدگان او که کشیده شده اند از لطف تو بعدد

الاثنى عشر النجوم الزهر والحجج على جميع البشر اللهم وهب لنا

دوازده ستارگان روشن و حجت ها بر همه آدمیان خداوندا و ببخش ما را

في هذا اليوم خير موهبة وانجح لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين

در این روز بهترین بخششی و برآور برای ما درین روز هر حاجتی را چنانچه بخشیدی حسین را

لمحمد جده وعاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده

برای محمد جد او و پناه گرفت فطرس بمهد او پس ما یان پناه گیرنده ایم بقبر او از پس او

فصل سوم در بیان

نَشْهَدُ تُرْبَتَهُ وَنَنْتَظِرُ اَوْبَتَهُ آمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ

حاضر می‌شویم قبر او را و انتظار میکشیم بازگشت او را. بپذیر ای پروردگار جهانیان

و زیارت آنحضرت و غسل زیارت درین روز مستحب است و کیفیت زیارت بعد ازین مذکور خواهد شد

انشاء الله تعالی و شیخ طوسی رحمه الله روایتی نقل کرده است که حضرت امام حسین صلوات الله علیه در روز

پنجم این ماه متولد شده اگر احتیاطا ظاهر در روز را حرمت بدارند و اعمال را درین روز نیز بعمل آورند خصوصا

زیارت آنحضرت و ایضا شیخ بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت

امیر المؤمنین صلوات الله علیه در روز هفتم ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه در

ماه رجب مذکور شد اما بر وفق این روایت اگر روزه و زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر را درین روز

بعمل آورند مناسب است **فصل چهارم** در اعمال ایام البیض ماه شعبان است اعنی سیزدهم

چهاردهم و پانزدهم چنانچه در اعمال ماه رجب مذکور شد که سنت است که شب سیزدهم دو رکعت

و در شب چهاردهم چهار رکعت و شب پانزدهم شش رکعت بجا آورند و در هر رکعت بعد

از حمد سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و نماز سلمت سورها که از حفظ

نتواند خواند از روی قرآن میتوان خواند در روزه هر سه روز سنت است و فضائل و اعمال شب پانزدهم

زیاده از آنست که درین رساله احصا توان نمود و اکتفا مینمائیم بآنچه صحیح تر است از حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که چون نصف شعبان شود

شب را بعبادت باستید و روزش را روزه بدارید بدرستی که از اول تا آخر این شب ندا میرسد از جانب

حق تعالی که آیا استغفار کننده هست که طلب آمرزش از گناهان خود کند که گناهان او را بیامرزیم

آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند و روزی او را فراخ کردانیم و غسل درین شب سنت است

و از حضرت صادق منقول است که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل کنید که

باعث تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال این شب زیارت

حضرت امام حسین علیه السلام است و از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که هر که

خواهد با او مصافحه کنند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام

را در شب نصف ماه شعبان پس اگر ملائکه و پیغمبران درین شب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت
آنحضرت بیایند و رخصت می یابند پس خوشا حال کسیکه این بزرگواران با او مصافحه کنند و از
جمله ایشانند پنج پیغمبر اولو العزم نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین
که مبعوث گردیده اند بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق علیه
السلام منقولست که در شب نیمه شعبان می آمرزند جمیع گناهان کسی را که زیارت آنحضرت
کند در آن شب و اقل زیارت آنحضرت آنست که بامی یا بصحن گشاده در آید و بجانب راست
آسمان و بجانب چپ و بالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره کند بجانب قبر و بگوید

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ
درود باد بر تو ای ابا عبدالله درود باد بر تو ای فرزند
رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
رسول خدا درود بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

والرکسی از زیارات مبسوطه را بعمل آورد بهتر است و از جمله آنها این است

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
درود بر تو باد ای میراث برنده آدم برگزیده خدا سلام بر تو باد
يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ
ای میراث برنده نوح پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای میراث برنده ابراهیم
خَلِيلِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللهِ السَّلامُ
دوست خدا سلام بر تو باد ای وارث موسی هم سخن خدا سلام
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ
بر تو باد ای وارث عیسی روح الله سلام بر تو باد ای وارث محمد
حَبِيبِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
حبیب خدا سلام بر تو باد ای وارث پادشاه گروندگان دوست خدا سلام بر تو باد

يا ابن محمد المصطفى السلام عليك يا ابن علي المرتضى السلام

ای پسر محمد مصطفی سلام بر تو باد ای پسر علی مرتضی سلام

عليك يا ابن فاطمة الزهراء السلام عليك يا ابن خديجة الكبرى

بر تو باد ای پسر فاطمه زهرا سلام بر تو باد ای فرزند خدیجه کبری

السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انك

سلام بر تو باد ای خون طلب خدا و فرزند خون طلب خدا و ای کشته که گرفته نشده عوض خون

قد اقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت

تحقیق تو برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را و امر فرمودی به نیکی و منع نمودی

عن المنكر واطعت الله ورسوله حتى اتاك اليقين فلعن الله

از بدی و فرمان برداری نمودی خدا و رسول او را تا آنکه آمد ترا موت پس دور کند خدا از رحمت خود

امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك

گروهی که کشتند ترا و دور کند خدا از رحمت خود گروهی که ستم کردند بر تو و دور کند خدا گروهی که شنیدند این را

فرضيت به يا مولاي يا ابا عبد الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب

پس خوشنود شدند به آن ای آقای من ای اباعبدالله گواهی میدهم اینکه تحقیق تو بودی نور در صلبهای

الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها و

بلند و رحمهای پاک نجس نگردانید ترا جاهلیت بنجاستهای خود و

لم تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد انك من دعائم الدين

نپوشانید ترا از جامه‌های تیره خود و گواهی میدهم باینکه تحقیق تو از ستونهای دینی

واركان المؤمنين واشهد انك الامام البر التقي الرضي الزكي

و رکنهای گروندگانی و گواهی میدهم اینکه تحقیق تو پیشوای نیکوکار پرهیزکار پسندیده پاک

الهادي المهدي واشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام

رهنما راه یافته و گواهی میدهم باینکه پیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای

الهدی والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا واشهد الله و

هدایت ودست آویز محکم وحجت بر اهل دنیا اند وگواه میگیرم خدا را و

ملائکته وانبیاءه ورسله انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرائع دینی

فرشتگان او را وپیغمبران او را ورسولان او را بآنکه من بشما ایمان آورنده ام وبرجعت شما یقین دارنده ام بقواعد دین خود

وخواتیم عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع صلوات

وخاتمه های کردار خود ودل من دل شما را گردن نهنده است وامر من امر شما را پیروی کننده رحمتهای

الله علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی اجسامکم وعلی

خدا بر شما وبر نفوس شما وبر بدنهای شما وبر تنهای شما وبر

شاهدکم وعلی غائبکم وعلی ظاهرکم وعلی باطنکم

حاضر شما وبر غائب شما وبر ظاهر شما وبر باطن شما

پس دو رکعت نماز زیارت میکند واگر نماز را پیش از زیارت بکند نیز خوبست واگر

از دور زیارت کند پس قصد زیارت حضرت علی بن الحسین شهید علیه السلام بکند وبگوید

السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن نبی الله السلام

سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند پیغمبر خدا سلام

علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک یا ابن الحسین الشهید السلام

بر تو ای فرزند پادشاه مومنان سلام بر تو ای فرزند حسین شهید سلام

علیک ایها الشهید السلام علیک ایها المظلوم وابن المظلوم

بر تو ای شهید سلام بر تو ای ستم رسیده ای ستم رسیده

لعن الله امة قتلتک ولعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة

لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا ولعنت کند خدا گروهی را که ستم کردند بر تو ولعنت کند خدا گروهی

سمعت بذلک فرضیت به

که شنیدند آنرا پس خشنود شدند بآن

پس قصد زیارت سائر شهدا رضی الله عنهم بکند و بگوید

اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَوْلِیَاءَ اللهِ وَاَحِبَّاءَهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَصْفِیَاءَ

سلام بر شما ای محبان خدا و دوستان او سلام بر شما ای برگزیدگان

اللهِ وَاَوِدَّاءَهُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَنْصَارَ دِیْنِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ

خدا و دوستداران او سلام بر شما ای یاوران دین خدا سلام بر شما

یَا اَنْصَارَ رَسُوْلِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَنْصَارَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ

ای یاوران رسول الله سلام بر شما ای یاوران امیر المؤمنین سلام

عَلَیْکُمْ یَا اَنْصَارَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ

بر شما ای یاوران فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان سلام بر شما

یَا اَنْصَارَ اَبِیْ مُحَمَّدِ نِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الزَّکِیِّ النَّاصِحِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ

ای یاوران ابی محمد حسن بن علی پاک نصیحت نماینده سلام بر شما

یَا اَنْصَارَ اَبِیْ عَبْدِ اللهِ بِاَبِیْ اَنْتُمْ وَاُمِّیْ طِبْتُمْ وَطَابَتِ الْاَرْضُ الَّتِیْ فِیْهَا

ای یاوران ابی عبد الله فدا باد پدر من شما را و مادر من خوشا حال شما و خوشا حال زمینی که در آن

دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ فَوْزًا عَظِیْمًا فَیَا لَیْتَنِیْ کُنْتُ مَعَکُمْ فَاَفُوْزَ مَعَکُمْ

مدفون شدید و فیروزی یافتید فیروزی بزرگ پس ای کاش من بودمی با شما پس فیروزی یافتمی با شما

و در شب اول و پانزدهم شهر رجب و در سوم و پنجم ماه شعبان و شبهای ماه مبارک رمضان و شبهای عید و سائر ایامیکه زیارت آنحضرت مستحب است بهمین طریق زیارت آنحضرت میتوان کرد و زیارات مخصوصه در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام هر که خواهد بآن کتاب رجوع نماید و از جمله کار این شب سنت است ولادت با سعادت حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در این شب واقع شده و سنت است در این شب این دعا را بخوانند که بمنزله زیارت آنحضرت است

اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ لَیْلَتِنَا هٰذِهِ وَمَوْلُوْدِهَا وَحُجَّتِکَ وَمَوْعُوْدِهَا الَّتِیْ قَرَنْتَ

خداوندا بحق این شب ما و بحق زاییده شده در آن و بحق حجت تو و وعده داده شده که نزدیک

إلی فضلها فضلاً فتمت کلماتک صدقاً وعدلاً لا مبدل لکلماتک

بسوی فضل آن فضل بزرگ را پس تمام شد کلمه تو از روی راستی و انصاف نیست بدل کننده مر کلمه های ترا

ولا معقب لآیاتک نورک المتألق وضیاؤک المشرق والعلم النور

و نه باز پس دارنده مر نشانه های ترا نور تو درخشنده و روشنی تو روشن شونده و نشان روشن

فی طخیاء الدیجور الغائب المستور جل مولده وکرم محتده والملائکة

در شب تیره و تار پنهان پوشیده بزرگ است ولادت او و گرامی است اصل او و فرشتگان

شهده والله ناصره ومؤیده إذا آن میعاده والملائکة

شاهدان اویند و خدا یاری دهنده او و توانائی دهنده او هرگاه نزدیک شود زمان وعده ظهور و فرشتگان

أمداده سیف الله الذی لا ینبو ونوره الذی لا یخبو وذو الحلم

مددکنندگان اویند شمشیر خدا که برنگردد و روشنائی او که فرو ننشیند و خداوند بردباری

الذی لا یصبو مدار الدهر ونوامیس العصر وولاة الأمر والمنزل

که میل نمیکند مدار زمانه و رازدار روزگار و صاحبان فرمان و آنانکه فرو فرستاده شد

علیهم الذکر وما ینزل فی لیلة القدر وأصحاب الحشر والنشر تراجمة

بر ایشان ذکر و آنچه فرود می آید در شب قدر و خداوندان روز قیامت بیان کنندگان

وحیه وولاة أمره ونهیه اللهم فصل علی خاتمهم وقائمهم المستور

وحی و والیان امر او و نهی او بار خدایا پس رحمت بفرست بر آخر ایشان و قائم ایشان پنهان

عن عوالمهم وأدرک بنا أیامه وظهوره وقیامه واجعلنا من

از عالمهای ایشان و برسان ما را به روزگار دولت او و ظاهر شدن او و برپا شدن او و بگردان ما را از

أنصاره واقرن ثارنا بثاره واکتبنا فی أعوانه وخلصائه وأحینا

یاوران او و نزدیک گردان خون ما را بخون او و بنویس ما را در مددکاران او و خالصان او و زنده گردان ما را

فی دولته ناعمین وبصحبته غانمین وبحقه قائمین ومن السوء

در زمان دولت خوش عیش شوندگان و بصحبت او غنیمت گیرندگان و بحق او برپا شوندگان و از هر بدی

سائلين يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد

ای رحم کنندگان ای بخشاینده ترین بخشایندگان و ستایش مر خدای را که پروردگار عالمیان است و رحمت فرستد بر محمد

خاتم النبيين والمرسلين وعلى اهل بيته الصادقين وعترته الناطقين

آخر پیغمبران و فرستادگان و بر خاندان او که راستگویانند و خویشان او که سخن گویانند

والعن جميع الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا احكم الحاكمين

و لعنت کن همه ستمکاران را و حکم کن میان ما و میان ایشان ای حکم کننده ترین حکم کنندگان

و زید شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین علیه السلام ما همه را در شب نیمه شعبان نزد خود جمع میکرد و شب را سه حصه میکرد در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دوم دعا میکرد ما آمین میگفتیم بر دعای او و ثلث آخر را استغفار و طلب آمرزش میکرد و ما نیز استغفار میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب و نمازهای این شب بسیار است و از جمله آنها چهار رکعت است هر دو رکعت بیک سلام و سی نفر از اصحاب حضرت صادق علیه السلام این نماز را از آنحضرت روایت کرده اند و در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند و بعد از نماز این دعا را بخوانند

اللهم اني اليك فقير ومن عذابك خائف وبك مستجير رب لا تبدل

خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و از عذاب تو ترسانم و بتو پناه جوینده ام پروردگارا تبدیل مکن

اسمي ولا تغير جسمي رب لا تجهد بلائي رب لا تشمت بي اعدائي

نام مرا و تغییر مده بدن مرا پروردگارا بغایت مرسان بلای مرا پروردگارا شاد مگردان بمن دشمنان مرا

اعوذ بعفوك من عقابك واعوذ برحمتك من عذابك واعوذ

پناه میبرم بعفو تو از عقاب تو و پناه میبرم برحمت تو از عذاب تو و پناه میبرم

برضاك من سخطك واعوذ بك منك جل ثناؤك

بخشنودی تو از خشم تو و پناه میبرم بتو از تو بزرگست ستایش تو

انت كما اثنيت على نفسك وفوق ما يقول القائلون فيك

تو چنانی که ستوده تو بآن خود را و بالاتری از آنچه گویند گویندگان در باره تو

و بروایت دیگر نماز چهار رکعت است بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد و ... و

پنجاه مرتبه قل هو الله احد یا صد مرتبه یا پنجاه مرتبه بخوانند و بعد از نماز این دعا را بخوانند

اللهم انی الیک فقیر و انی من عذابک خائف و بک مستجیر رب

خداوندا بدرستیکه من بسوی تو محتاجم و بدرستیکه من از عذاب تو ترسانم و بتو زنهار جوینده ام پروردگار من

لا تبدل اسمی و لا تغیر جسمی رب لا تجهد بلائی اللهم انی اعوذ

بدل مکن نام مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگار من بنهایت مرسان بلای مرا خداوندا بتحقیق که من پناه میبرم

بعفوک من عقوبتک و اعوذ برضاک من سخطک و اعوذ برحمتک من

بعفو تو از عقوبت تو و پناه میبرم بخشنودی تو از خشم تو و پناه میبرم برحمت تو از

عذابک و اعوذ بک منک لا اله الا انت جل ثناؤک و لا احصی

عذاب تو و پناه میبرم بتو از تو نیست سزاوار پرستش بغیر تو بزرگست ثنای تو و نمی توانم شمرد

مدحتک و لا الثناء علیک انت کما اثنیت علی نفسک و فوق

ستایش ترا و نه ستودن ترا تو چنانی که ستوده بر ذات خود و بالاتر

ما یقول القائلون رب صل علی محمد و آل محمد و افعل بی کذا و کذا

آنچه گویند گویندگان پروردگار من رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من چنان و چنان

و بجای کذا و کذا حاجات خود را یاد کنند و اگر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد بجا آورد

موافق میشود با نماز حضرت امیر المؤمنین علیه الصلوة و السلام و در فضیلت آن احادیث بسیار

است و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که شب نیمه شعبان بهترین شبها

است بعد از شب قدر و حق تعالی فضل خود را درین شب ببندگان عطا مینماید و باحسان

خود گناهان ایشان را می آمرزد پس سعی کنید در عبادت درین شب که این شبی است که حق تعالی

بذات مقدس خود سوگند یاد کرده است که سائلی را از درگاه خود رد نکند مگر آنکه

معصیتی از خدا طلب نماید و این شب را خدای تعالی برای ما اهل بیت قرار داده است

برابر شب قدر که از برای پیغمبر ما قرار داده است پس اهتمام نمائید درین شب در دعا

وثنا کردن بر خدای تعالی بدرستیکه هر که درین شب صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد هر چه خواهد طلب نماید و خواهد نماید. آدمی پرسید که بهترین دعاها درین شب کدام است فرمود که بعد از نماز خفتن دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگو و اگر بترتیب تسبیح حضرت فاطمه زهرا صلوات الله علیها بخواند ظاهرا خوب باشد پس این دعا بخواند

يَا مَنْ إِلَيْهِ مَلْجَأُ الْعِبَادِ فِي الْمُهِمَّاتِ وَإِلَيْهِ يَفْزَعُ الْخَلْقُ فِي الْمُلِمَّاتِ يَا عَالِمَ

ای آنکه بسوی اوست پناه بردن بندگان در کارهای سخت و بسوی او پناه می‌گیرند آفریدگان بلاهای گران ای دانا

الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ وَتَصَرُّفُ الْخَطَرَاتِ

آشکارا و نهانیها ای آنکه پنهان نیست براو اندیشه‌های وهمها و گردش خیالات

يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ الْأَرَضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ

ای پروردگار خلایق و آفریدگان ای آنکه بدست اوست پادشاهی زمینها و آسمانها

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَمُتُّ إِلَيْكَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ فَيَا لَا إِلَهَ

تویی خدا نیست خدایی مگر تو توسل میجویم بسوی تو به کلمه لا اله الا انت پس ای آنکه نیست خدایی

إِلَّا أَنْتَ اجْعَلْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ وَسَمِعْتَ

مگر تو بگردان مرا درین شب از آنانکه نظر افکندی بسوی او پس رحم کردی او را و شنیدی

دُعَاءَهُ فَأَجَبْتَهُ وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ فَأَقَلْتَهُ وَتَجَاوَزْتَ عَنْ سَالِفِ

دعای او را پس اجابت کردی او را و دانستی طلب گذشتن او را پس درگذشتی از او و تجاوز نمودی از گذشته

خَطِيئَتِهِ وَعَظِيمِ جَرِيرَتِهِ فَقَدِ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي وَلَجَأْتُ

گناه او و بزرگ خطای او پس بتحقیق امان خواسته‌ام بتو از گناهان خود و پناه آورده‌ام

إِلَيْكَ فِي سَتْرِ عُيُوبِي اللَّهُمَّ فَجُدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ وَاحْطُطْ

بسوی تو در پوشانیدن عیبهای خود خداوندا پس بخشش کن بمن بزرگواری و بخشش خود و فرو ریز

خطایای بحلمک وعفوک وتغمدنی فی هذه اللیلة بسابغ کرامتک

گناهان مرا به بردباری خود و در گذشتن خود و بپوشان مرا در این شب بنوازش کامل خود

واجعلنی فیها من اولیائک الذین اجتبیتهم لطاعتک واخترتهم

و بگردان مرا درین شب از دوستان خود که برگزیدی ایشان را برای طاعت خود و اختیار کردی ایشان را

لعبادتک وجعلتهم خالصتک وصفوتک اللهم اجعلنی ممن سعد

از برای عبادت خود و گردانیدی ایشان را دوست خالص خود و برگزیده خود بار خدایا بگردان مرا از آنانکه نیکو شد

جده وتوفر من الخیرات حظه واجعلنی ممن سلم فنعم وفاز فغنم

بخت ایشان و وافر گشته از نیکیها بهره ایشان و بگردان مرا از آنانکه سلامتی یافتند پس مرفه شدند و فیروزی یافتند

واکفنی شر ما اسلفت واعصمنی من الازدیاد فی معصیتک وحبب

و دفع کن از من کردار آنچه پیش فرستاده ام و نگاه دار مرا از زیادتی در نافرمانی خود و دوست گردان

الی طاعتک وما یقربنی منک ویزلفنی عندک سیدی الیک

بسوی من فرمان برداری خود و آنچه را که نزدیک گرداند مرا بتو و نزدیک نماید مرا نزد تو ای آقای من بسوی تست

ملجأ الهارب ومنک ملتمس الطالب وعلی کرمک یعول المستقیل

پناه آوردن گریزنده و از تست درخواستن طلب کننده و بر بزرگواری تو اعتماد میکند طلب عفو نماینده

التائب ادبت عبادک بالتکرم وانت اکرم الاکرمین وامرت

رجوع کننده ادب آموختی بندگان خود را به بزرگواری و تو بزرگوارترین بزرگوارانی و فرمان دادی

بالعفو عبادک وانت الغفور الرحیم اللهم فلا تحرمنی

بدر گذشتن بندگان خود را و توئی بغایت آمرزنده مهربان بار خدایا پس محروم مکن مرا

ما رجوت من کرمک ولا تؤیسنی من سابغ نعمک ولا تخیبنی من

از آنچه امید داشته ام از بزرگواری تو و نا امید مکن مرا از نعمتهای کامل خود و بی بهره مکن مرا از

جزیل قسمک فی هذه اللیلة لاهل طاعتک واجعلنی فی جنة

قسمتهای وافر خود که تقدیر کرده درین شب برای اهل طاعت خود و بگردان مرا در حفظ

مِنْ شَرِّ بَرِيَّتِكَ رَبِّ اِنْ لَمْ اَكُنْ مِنْ اَهْلِ ذٰلِكَ فَاَنْتَ اَهْلُ الْكَرَمِ

از بدی تمامی خلق خود پروردگارا اگر نبوده باشم از اهل آن پس تو سزاوار بخشش

وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ لَا بِمَا اَسْتَحِقُّهُ فَقَدْ

و درگذشتن و آمرزشی و بخشش کن بر من بانچه تو سزاوار آنی نه بانچه من سزاوار آنم پس تحقیق

حَسُنَ ظَنِّي بِكَ وَتَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ وَعَلِقَتْ نَفْسِي بِكَرَمِكَ وَاَنْتَ

نیکوست گمان من و ثابت است امید من مر ترا و درآویخته است نفس من بزرگواری تو و تو

اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَاَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ اَللّٰهُمَّ وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ

بخشنده ترین بخشندگانی و بزرگوارترین بزرگوارانی بارخدایا و مخصوص گردان مرا از کرم خود

بِجَزِيلِ قِسَمِكَ وَاَعِذْنِي بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَاغْفِرْ لِيَ الذَّنْبَ الَّذِي

بفراوان قسمتهای خود و پناه ده مرا بعفو خود از عقوبت خود و بیامرز برای من گناهی را که

يَحْبِسُ عَلَيَّ الْخُلُقَ وَيُضَيِّقُ عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتّٰى اَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ وَاَنْعَمَ

بازمیدارد از من خلق را و تنگ میکند بر من روزی را تا آنکه برپا شوم بشایسته خشنودی تو و تنعم کنم

بِجَزِيلِ عَطَائِكَ وَاَسْعَدَ بِسَابِغِ نَعْمَائِكَ فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ وَتَعَرَّضْتُ

به بسیاری عطای تو و نیکبخت شوم به نعمتهای کامل تو پس بتحقیق پناه آورده ام بحرم تو و در پیش آمده ام

لِكَرَمِكَ وَاسْتَعَذْتُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ

به بزرگواری تو و پناه می جویم بعفو تو از عقوبت تو و به بردباری تو از غضب تو

فَجُدْ لِي بِمَا سَاَلْتُكَ وَاَنِلْ مَا الْتَمَسْتُ مِنْكَ اَسْاَلُكَ بِكَ لَا بِشَيْءٍ هُوَ

پس ببخش مرا آنچه سوال کردم ترا و عطا کن آنچه درخواستم از تو سوال میکنم از تو به تو نه بچیزی که

اَعْظَمُ مِنْكَ پس بسجده میروی و میگوئی یَا رَبِّ بیست مرتبه یَا اَللّٰهُ هفت مرتبه لَا حَوْلَ وَلَا

بزرگتر از تو ای پروردگار من ای خدا نیست گردیدنی و

قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ هفت مرتبه مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ ده مرتبه لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ

توانائی مگر بتوفیق خدا هرچه خدا میخواهد میشود نیست توانائی مگر بتوفیق خدا نیست توانائی مگر بتوفیق خدا

شعبان

ده مرتبه بفرست صلوات بر محمد و آل محمد بفرست آنچه خواهی حاجت خود را از خدا طلب که خدا

کند که اگر بعدد قطرات باران حاجت طلبی ... آنها را بکرم و فضل خود برآورد و دیگر بعد از ...

يَا اَللّٰهُ ‌ سفت مرتبه بگوید یا رب یا محمد و شیخ گفته است پس بگو اِلٰهِي تَعَرَّضَ لَكَ فِي

ای خدا ... ای پروردگار محمد ... خدایا من فرا پیش آمدند مر ترا در این

هٰذَا اللَّيْلِ الْمُتَعَرِّضُونَ وَقَصَدَكَ الْقَاصِدُونَ وَاَمَّلَ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ

شب فرا پیش آیندگان و قصد کردند ترا قصد کنندگان و آرزو نمودند فضل ترا و احسان ترا

الطَّالِبُونَ وَلَكَ فِي هٰذَا اللَّيْلِ نَفَحَاتٌ وَجَوَائِزُ وَعَطَايَا وَمَوَاهِبُ تَمُنُّ

طلب کنندگان و مر تراست درین شب عطیه‌ها و صله‌ها و عطاها و بخشش‌ها که بخشش میکنی

بِهَا عَلٰى مَنْ تَشَاءُ مِنْ عِبَادِكَ وَتَمْنَعُهَا مَنْ لَمْ تَسْبِقْ لَهُ الْعِنَايَةُ مِنْكَ

بآنها بر هر که میخواهی از بندگان خود و باز میداری آنها را از آنکه پیشی نگرفته او را عنایت از تو

وَهَا اَنَا ذَا عُبَيْدُكَ الْفَقِيرُ اِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَمَعْرُوفَكَ

و آگاه باش که من بنده حقیر تو محتاج بسوی تو امید وار فضل تو و احسان توام

فَاِنْ كُنْتَ يَا مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ

پس اگر بوده باشی ای آقای من که بخشش نموده باشی درین شب بر یکی از خلق خود

وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ

و نفع رسانیده باشی باو نفعی از مهربانی خود پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد پاکان

الطَّاهِرِينَ الْخَيِّرِينَ الْفَاضِلِينَ وَجُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَمَعْرُوفِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

پاکیزگان نیکان زیادتی یافتگان و بخشش کن بر من بانعام خود و احسان خود ای پروردگار جهانیان

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ

و درود فرستد خدا بر محمد آخر پیغمبران و آل او که پاکانند آنانکه دور داشته خدا از ایشان

الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا اِنَّ اللّٰهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

پلیدی را و پاک کرد ایشان را پاک کردانیدنی و درود فرستد درود فرستادنی بدرستیکه خدا ستوده و بزرگوار است

اللّهُمَّ اِنّی اَدْعُوکَ کَمَا اَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِی کَمَا وَعَدْتَ اِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ

بارخدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده تو پس مستجاب کن برای من چنانچه وعده فرموده بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را

مولف گوید این دعا بسیار مجرب است و از دعاهای عجیب است نادرا اثر آن ظاهر و آن عمل سابق نیست و ابن بابویه از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام روایت کرده است که جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت یا محمد امت خود را امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند

اللّهُمَّ لَکَ سَجَدَ سَوَادِی وَ خَیَالِی وَ بَیَاضِی یَا عَظِیمَ کُلِّ عَظِیمٍ اِغْفِرْ لِی

بارخدایا مر ترا سجده کرده سیاهی من و خیال من و سفیدی من ای بزرگ هر بزرگ بیامرز برای من

ذَنْبِیَ الْعَظِیمَ فَاِنَّهُ لَا یَغْفِرُهُ غَیْرُکَ یَا عَظِیمُ

گناه مرا که بزرگ است زیرا که بتحقیق نیامرزد آن را غیر تو ای بزرگ مرتبه

پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از و هفتاد و دو هزار گناه او و مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو کند از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نماز است که عامه و خاصه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان در خواب بودم جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و گفت ای محمد آیا بخواب میروی در این شب گفتم این چه شب است گفت شب نیمه شعبان است پس برخیز ای محمد و برو بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستیکه این شبی است که درهای آسمان درین شب گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی خدا و درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان و درگاه توبه و درگاه نعمت و درگاه جود و بخشش و می آمرزد حق تعالی از بندگان درین شب بعدد موهای چهارپایان و شبهای ایشان ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن

اللّهُ اَکْبَرُ وَ سُبْحَانَ اللّهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ وَ لَا اِلهَ اِلَّا اللّهُ

و نماز کردن و قرآن خواندن و طلب آمرزش و استغفار نمودن بهشت در آخرت جای او باشد و گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود ای محمد هر که درین شب صد رکعت نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند

چون از ... شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره ... بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی صد کس ... هلاک کند او را یا صد ... بعدد هر سوره و تسبیح قصری در بهشت او عطا کند و شفاعت او را قبول کند ... از اهل ... خویشان او و شریک گرداند او را در ثواب شهیدان و ثواب روزه داران این ماه و عبادت کنندگان این ماه را با و عطا کند بلی آنکه از ثواب آنها چیزی کم شود بسبب

احیا کن این شب را ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند او را و تقرب جویند بسوی خدا بعبادت آن بدرستیکه این شبی است بسیار شریف یا محمد من حین بزیر تو می آیدم جمیع ملائکه آسمانها پاهای خود در اصف کرده بودند و نزد خدا بعبادت مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند و بعضی در سجده بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار یا محمد بدرستیکه حق تعالی درین شب نظر رحمت بسوی بندگان می افکند و می آمرزد هر مومنی را که بنماز ایستاده باشد یا نشسته مشغول بتسبیح شده یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول بیاد خدا باشد و این شبی است که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که سوال کند با و عطا کرده میشود و هر که استغفار کند آمرزیده شود و هر که توبه کند توبه اش مقبول میشود و محروم کسی است که از خیر این شب محروم گردد و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت نماز بکند یا هزار مرتبه سوره قل هو الله احد یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او در روزیکه دلها از ترس مرده باشند و نمیرد تا آنکه صد ملک را ببیند که او را ایمن گردانند از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر آنها با که در دنیا او را از شر شیطان نگاه میدارند و سی نفر آنها باشند که در شب و روز برای او استغفار میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که حفظ میکردند او را از شر دشمنان و منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله درین شب این دعا میخواندند

اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنَا مِنْ خَشْيَتِكَ مَا يَحُولُ بَيْنَنَا وَبَيْنَ مَعْصِيَتِكَ وَمِنْ

بار خدایا قسمت کن ما را از ترس خود آنچه حائل شود میان ما و میان نافرمانی تو و از

طَاعَتِكَ مَا تُبَلِّغُنَا بِهِ رِضْوَانَكَ وَمِنَ الْيَقِينِ مَا يَهُونُ عَلَيْنَا بِهِ مُصِيبَاتُ

فرمان برداری خود آنچه برساند ما را بسبب آن بخشنودی خود و از یقین آنچه آسان شود بر ما بسبب آن مصیبتهای

الدنیا اللهم امتعنا باسماعنا وابصارنا وقوتنا ما احییتنا واجعلها

دنیا بارخدایا بهره ورکن ما را بگوشهای ما و دیدهای ما و قوتهای ما تا وقتیکه زنده داری ما را و بگردان آنها را

الوارث منا واجعل ثارنا علی من ظلمنا وانصرنا علی من عادانا

میراث برنده از ما و بگردان خون ما را بر کسیکه ستم کرده ما را و یاری ده ما را بر آنکه دشمنی کرده ما را

ولا تجعل مصیبتنا فی دیننا ولا تجعل الدنیا اکبر همنا ولا مبلغ

و مگردان مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگترین قصد ما و نه منتهای

علمنا ولا تسلط علینا من لا یرحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

دانش ما و دست مده بر ما آنرا که رحم نکند ما را برحمت خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

واین دعا جامع کاملیست و متضمن جمیع مطالب دنیا و آخرت است و چون دعای کمیل بن زیاد
که از خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است بهترین دعاهاست از دعاهای این
شب است و در اوقات دیگر نیز میتوان خواند با ترجمه در اینجا ایراد مینمایم که در وقت خواندن متذکر
معانی آن باشند تا فائده اش تمامتر و ثوابش عظیم تر باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب
اقبال روایت کرده است که کمیل ابن زیاد گفت روزی با مولای خود حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده
که آن شب را احیا کند و دعای خضر علیه السلام را بخواند البته دعای او مستجاب گردد و چون حضرت بمنزل
مراجعت نمود شب بخدمتش رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کمیل گفتم یا امیر المؤمنین بطلب
دعای خضر علی نبینا و علیه السلام آمده ام فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی
در هر شب جمعه یا در هر ماه یک مرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمری یک مرتبه بخوان تا کفایت شر
دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی داده شوی البته آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت
و خدمت تو موجب آن شد که ترا چنین نعمتی کرامت نمایم و سر فراز گردانم پس گفت بنویس دعا [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اللّهمّ انّی اسئلك برحمتك الّتی وسعت كلّ شیءٍ وبقوّتك الّتی قهرت

خداوندا بدرستیکه سوال میکنم ترا بحق رحمت تو که فرا گرفته است هر چیز را و بتوانائی تو که غلبه کردی

بها كلّ شیءٍ وخضع لها كلّ شیءٍ وذلّ لها كلّ شیءٍ وبجبروتك الّتی

بآن هر چیز را و فروتنی کرده برای آن هر چیز و خوار شده برای آن هر چیز و بجبروت و بزرگواری تو که

غلبت بها كلّ شیءٍ وبعزّتك الّتی لا یقوم لها شیءٌ وبعظمتك الّتی

غالب گردیدی بآن هر چیزی را و بعزت تو که نمی ایستد در برابر آن چیزی و به بزرگواری تو که

ملأت كلّ شیءٍ وبسلطانك الّذی علا كلّ شیءٍ وبوجهك الباقی

پر کرده هر چیزی را و به پادشاهی تو که برتر شد هر چیز را و بذات مقدسش که باقیست

بعد فناء كلّ شیءٍ وباسمائك الّتی ملأت اركان كلّ شیءٍ وبعلمك

بعد از فانی شدن هر چیز و بنامهای تو که پر کرده اند اجزا و ارکان هر چیز را و بدانش تو

الّذی احاط بكلّ شیءٍ وبنور وجهك الّذی اضاء له كلّ شیءٍ یا نور

که فرا گرفته است هر چیز را و بروشنی ذات تو که روشن شده برای آن هر چیز ای نور

یا قدّوس یا اوّل الاوّلین ویا آخر الآخرین اللّهمّ اغفر لی الذّنوب

ای بسیار منزه ای اول پیشینیان و ای آخر پسینیان خداوندا بیامرز برای من گناهانی را

الّتی تهتك العصم اللّهمّ اغفر لی الذّنوب الّتی تنزل النّقم اللّهمّ

که می درد عصمتها را خداوندا بیامرز برای من گناهانی که فرو میآرد عذابها را خداوندا

اغفر لی الذّنوب الّتی تغیّر النّعم اللّهمّ اغفر لی الذّنوب الّتی تحبس

بیامرز برای من گناهانی که تغییر میدهند نعمتها را بار خدایا بیامرز برای من گناهانی را که حبس میکنند

الدّعاء اللّهمّ اغفر لی الذّنوب الّتی تقطع الرّجاء اللّهمّ اغفر لی

دعا را بار خدایا بیامرز برای من گناهانی که قطع میکنند امید را بار خدایا بیامرز برای من

الذّنوب الّتی تنزل البلاء اللّهمّ اغفر لی كلّ ذنبٍ اذنبته وكلّ

گناهانی را که نازل میگردانند ... بار خدایا بیامرز برای من هر گناهی که کرده ام آن را و هر

خطيئة اخطأتها اللهم اني تقربت اليك بذكرك واستشفعت بك

خطائيكه بآن كردم آنرا بارخدايا بدرستيكه من نزديكي ميجويم بسوي تو بياد تو و شفيع ميگردانم ترا

الى نفسك واسألك بجودك ان تدنيني من قربك وان توزعني

بسوي تو وسوال ميكنم بسبب بخشش تو آنكه نزديك گرداني مرا بقرب خود و توفيق دهي مرا

شكرك وان تلهمني ذكرك اللهم اني اسألك سؤال خاضع

شكر خود و آنكه الهام نمائي مرا ذكر خود خداوندا بدرستيكه من سوال ميكنم از تو مانند سوال فروتني كننده

متذلل خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا

خوار لرزان آنكه مسامحه نمائي با من و رحم كني و بگرداني مرا بقسمت خود خشنود شونده و قناعت كننده

وفي جميع الاحوال متواضعا اللهم واسألك سؤال من اشتدت

و در تمام احوال تواضع كننده خداوندا و سوال ميكنم از تو سوال كسيكه سخت شده است

فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته

فقر او و فرود آورده است بتو در سختيها حاجت خود را و بزرگ شده است در آنچه نزد تست خواهش او

اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك وخفي مكرك وظهر امرك

خداوندا بزرگ شد پادشاهي تو و بلند شد مكان تو و منزلت تو و پنهان شد مكر تو و هويدا شد امر تو

وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك

و غالب شد قهر تو و جاري شد قدرت تو و ممكن نميشود گريختن از حكومت تو

اللهم لا اجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي

بارخدايا نمي يابم براي گناهان خود آمرزنده و نه براي قبائح خود پوشنده و نه براي چيزي از اعمال خود

القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي

كه بد است بعمل نيك بدل كننده غير تو نيست خدائي بجز تو بپاكي ياد ميكنم ترا و بحمد تو مشغولم ستم كردم بنفس خود

وتجرأت بجهلي وسكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي اللهم مولاي

و جرات كردم بناداني خود و اعتماد كردم بسوي ديرين ياد كردن تو مرا و انعام تو بر من خداوندا اي آقاي من

كم من قبيح سترته وكم من فادح من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته

و چه بسیار قبیح که پوشانیدی آنرا و چه گران از بلاها که زایل کردی آنرا و چه بسیار لغزشها که نگاه داشتی از آن

وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللهم عظم

و چه بسیار ناخوشی که دفع کردی آنرا و چه بسیار ثنای نیکو که نبودم سزاوار آن پهن کردی آنرا خداوندا بزرگ شده است

بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت بي اعمالي وقعدت بي اغلالي و

بلای من و از حد گذشته است بدی حال من و نارسا است از جانب من کردارهای من و عاجز کرده است مرا غلهای من و

حبسني عن نفعي بعد أمالي وخدعتني الدنيا بغرورها ونفسي

منع کرده است مرا از نفع خود دوری آرزوهای من و بازی داده است مرا دنیا بفریب خود و فریب داده مرا نفس من

بجنايتها ومطالي يا سيدي فاسألك بعزتك ان لا يحجب عنك

بجنایات خود و پس انداختن من ای آقای من پس سؤال میکنم از تو بعزت تو که منع نکند از تو

دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري

دعای مرا بدی عمل من و کردار من و رسوا مکن مرا به پنهان آنچه مطلع شده بر آن از راز من

ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي

و زود مگیر مرا بعقوبت بر آنچه کرده ام آنرا در خلوتهای خود از بدی کردار خود و بد کردن خود

ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللهم

و همیشگی تقصیر خود و نادانی خود و بسیاری شهوتهای خود و غفلت خود و باش خداوندا

بعزتك لي في الاحوال كلها رؤوفا وعلي في جميع الامور عطوفا الهي وربي

بعزت خود برای من در احوال همه آن رحم کننده و بر من در همه امور مهربان ای خداوند من و پروردگار

من لي غيرك اسأله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي

کیست مرا غیر تو که سؤال کنم از او گشودن بدحالی خود را و نظر کردن در کار خود ای خداوند من و آقای من

اجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين

جاری ساختی بر من حکمی را که پیروی کردم در آن خواهش نفس خود را و نگاه داری نکردم خود را در آن از آراستن

عدوّي بغريبي بما اهوى واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى

دشمن خود پس فریب داد مرا بانچه خواست و یاری او کرد بر آن امر قضای خدا پس ... جاری شد

علّي من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي

بر من از قضا پاره از حدهای تو و مخالفت کردم پاره از امرهای تو پس برای توست حمد لازم است بر من

في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك

در جمیع این احوال و نیست حجتی برای من در آنچه جاری شد بر من در آن قضای تو و لازم کرد بر من حکم تو

وبلاؤك وقد اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي

و امتحان تو و بتحقیق آمده ام بنزد تو ای خدای من بعد از تقصیر خود و بسیار ضرر رسانیدن بنفس خود

معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا منيبا مقرا مذعنا

عذر خواهنده پشیمان شکسته خواهان عفو طلب کننده آمرزش توبه کننده اقرار کننده تصدیق کننده

معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه في امري غير

اعتراف کننده نیابم گریزگاهی از آنچه صادر شده از من و نه پناهی که ... در کار خود بغیر

قبولك عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك اللهم فاقبل

قبول کردن تو عذر مرا و داخل کردن تو مرا در گشادگی از رحمت خود خداوندا پس قبول کن

عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم

عذر مرا و رحم کن شدت بدحالی مرا و رها کن مرا از بستن بند گناهان مرا ای پروردگار رحم کن

ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري

ضعف بدن مرا و تنکی پوست مرا و باریکی استخوان مرا ای آنکسی که ابتدا کردی آفریدن مرا و یاد کردن

وتربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي

و تربیت کردن مرا و نیکی مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا برای ابتدا کردن کرم خود و برای نیکیهای پیش

يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد

ای خدای من و آقای من و پروردگار آیا می بینی ترا که عذاب کننده من باتش خود بعد از اقرار کردن ...

مَا انْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَلَهِجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَاعْتَقَدَهُ

آنچه پیچیده شده است بر آن دل من از شناخت تو و گویا شده است به آن زبان من از یاد تو و محکم کرده

ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعاً

دل من از محبت تو و بعد از راستی اعتراف من بگناه خود و دعا کردن من از روی خضوع

لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تُبْعِدَ

برای پروردگاری تو دور است این سخن تو کریم تری از آنکه ضایع گردانی کسی را که خود تربیت کرده یا دور

مَنْ أَدْنَيْتَهُ أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ

کنی کسی را که نزدیک کرده او را یا برانی کسی را که جا داده او را یا بگذاری بسوی بلا کسی را که دفع شر از او کرده و او را رحم کرده

وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلايَ أَتُسَلِّطُ النَّارَ عَلَى وُجُوهٍ خَرَّتْ

وکاش میدانستم ای بزرگ من و خدای من و آقای من آیا مسلط خواهی کرد آتش را بر رویها که افتاده اند

لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلَى أَلْسُنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَ

نزد عظمت تو سجده کنندگان و بر زبانها که گویا شده اند بیگانگی تو راست گویان و

بِشُكْرِكَ مَادِحَةً وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَعَلَى

بشکر تو مدح گویان و بر دلها که اعتراف کرده اند بخدائی تو از روی یقین و بر

ضَمَائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلَى جَوَارِحَ

خاطرها که احاطه کرده اند از دانائی تو تا آنکه گردیده اند با خشوع و بر عضوها که

سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً

سعی کرده اند بسوی محلهای عبادت تو بطوع و رغبت و آواز برداشته اند بطلب آمرزش تو از روی اذعان

مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلا أُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَ

نیست چنین گمان با تو و چنین خبر داده شده ایم بفضل تو از تو ای صاحب کرم ای پروردگار من و تو

أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا وَمَا يَجْرِي فِيهَا

میدانی ناتوانی مرا از اندکی از بلاهای دنیا و عقوبتهای آن و آنچه جاری میشود در آن

مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى اَهْلِهَا عَلَى اَنَّ ذٰلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْثُهُ

از مکروهات بر اهل آن با آنکه این بلا و ناخوشی سبب کم است ماندن آن

يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ

و کمست بقای آن و کوتاه است مدت آن پس چگونه باشد تاب آوردن من بلای آخرت را و بزرگ

وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ

واقع شدن ناخوشیهای که در آن میباشد و حال آنکه آن بلائیست که طولانیست مدت آن و دائم است اقامت آن و سبک کرده نشود

اَهْلِهِ لِاَنَّهُ لَا يَكُونُ اِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ وَهٰذَا

اهل آن زیرا که آن نمیباشد مگر از غضب تو و انتقام کشیدن تو و خشم تو و چنین

مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ يَا سَيِّدِي فَكَيْفَ بِي وَاَنَا عَبْدُكَ

امری که نتواند در برابر آن ایستادن و تاب آوردن آسمانها و زمین ای آقای من پس چگونه من تاب آورم و حال آنکه من بنده توام

الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا اِلٰهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ

ناتوان و خوار و بیمقدار و تنگدست و شکسته کننده ای خدای من و پروردگار من و سید من و آقای من

لِاَيِّ الْاُمُورِ اِلَيْكَ اَشْكُو وَلِمَا مِنْهَا اَضِجُّ وَاَبْكِي لِاَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ

برای کدام یک امور بسوی تو شکایت کنم و برای کدام یک نعره زنم و بگریم آیا برای عذاب دردناک و سختی آن

اَوْ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي فِي الْعُقُوبَاتِ مَعَ اَعْدَائِكَ

یا برای درازی بلا و مدت آن پس اگر بگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان خود

وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَهْلِ بَلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ اَحِبَّائِكَ وَاَوْلِيَائِكَ

و جمع کنی میان من و میان اهل بلای خود و جدائی افکنی میان من و میان دوستان خود و اولیای خود

فَهَبْنِي يَا اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ

پس گرفتم ای خدای من و سید من و آقای من و پروردگار من که صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه

اَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَهَبْنِي صَبَرْتُ عَلَى نَارِكَ فَكَيْفَ اَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ

صبر کنم بر مفارقت تو و گرفتم که صبر کردم بر آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی از نظر

الی کرامتک ام کیف تسکنه فی النار و رجائه عفوک فبعزتک یا سیدی

بسوی کرم ای دوستی تو آیا چگونه ساکن شود در آتش و حال آنکه امید او آنست که عفو کنی او را پس بعزت تو ای آقای من

و مولای اقسم صادقا لئن ترکتنی ناطقا لاضجن الیک بین اهلها

و صاحب اختیار من قسم میخورم براستی که اگر رها کنی مرا گویا هر آینه خروش برآورم بسوی تو میان اهل جهنم

ضجیج الاملین و لاصرخن الیک صراخ المستصرخین و لابکین

خروش امیدواران و هر آینه ناله کنم بسوی تو ناله استغاثه کنندگان و هر آینه بگریم

علیک بکاء الفاقدین و لانادینک این کنت یا ولی المؤمنین

بر تو مانند گریستن گم کردگان و هر آینه ندا کنم ترا که کجائی ای صاحب اختیار مؤمنان

یا غایة آمال العارفین یا غیاث المستغیثین یا حبیب قلوب الصادقین

ای نهایت آرزوهای عارفان ای فریادرس یاری جویان ای دوست دلهای راستگویان

و یا اله العالمین افتراک سبحانک یا الهی و بحمدک تسمع فیها صوت

و ای خداوند عالمیان آیا پس تو منزه میکنم ترا ای خدای من و بحمد تو مشغولم که بشنوی در جهنم صدای

عبد مسلم سجن فیها بمخالفته و ذاق طعم عذابها بمعصیته و حبس

بنده مسلمانی را که انداخته شده باشد در آن بسبب مخالفت و چشیده باشد مزه عذاب آنرا بنافرمانی خود و بند کرده شده

بین اطباقها بجرمه و جریرته و هو یضج الیک ضجیج مؤمل لرحمتک

در میان طبقات جهنم بجرم او و جنایت او و او خروش کند بسوی تو خروش کسیکه امیدوار رحمت تو باشد

و ینادیک بلسان اهل توحیدک و یتوسل الیک بربوبیتک یا مولای

و ندا کند ترا بزبان یگانه پرستان تو و توسل جوید بسوی تو به پروردگاری تو ای آقای من

فکیف یبقی فی العذاب و هو یرجو ما سلف من حلمک و رأفتک و

پس چگونه باقی ماند در عذاب و حال آنکه امیدوار است به آنچه پیش گذشته است از بردباری تو و مهربانی تو

رحمتک ام کیف تؤلمه النار و هو یأمل فضلک و رحمتک ام کیف

رحم کردن تو آیا چگونه او را بدرد آورد آتش و او امیدوار فضل ترا و رحمت ترا آیا چگونه

تحرقه لهبها وانت تسمع صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه

بسوزد او را زبانه اش و تو شنوی صدای او را و بینی جای او را آیا چگونه مشتمل شود بر وی

زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف يتقلقل بين اطباقها وانت

زبانه های صدای آن و تو دانی ناتوانی او را آیا چگونه مضطرب شود در میان طبقات جهنم و تو

تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه ام كيف

دانی راستگوئی او را آیا چگونه زجر نمایند او را زبانیه جهنم و او ندا کند ترا ای پروردگار من آیا چگونه

يرجو فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن بك

امیدوار فضل ترا در آزاد کردن خود از جهنم پس خواهی گذاشت او را در آن دور است این خیال و چنین نیست گمان به تو

ولا المعروف من فضلك ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من

و نه شناخته شده است از فضل تو و نه شبیه است بآنچه معامله کرده بآن یگانه پرستان از

برك واحسانك فباليقين اقطع لولا ما حكمت به من تعذيب

نیکی تو و احسان تو پس به یقین قطع دارم که اگر نه آن بودی که حکم کرده بآن که عذاب کنی

جاحديك وقضيت به من اخلاد معانديك لجعلت النار كلها

منکران خداوندی خود را و مقدر کرده ای بآنکه همیشه در جهنم بدارد معاندان خود را هر آینه میگردانیدی آتش را تمام

بردا وسلاما وما كانت لاحد فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست

برد و سلامت و نه بودی برای احدی محل قرار و نه جای اقامت ولیکن تو که مقدس است

اسماؤك اقسمت ان تملأها من الكافرين من الجنة والناس اجمعين

نامهای تو قسم یاد کرده که پر کنی جهنم را از کافران از جنیان و آدمیان همه

وان تخلد فيها المعاندين وانت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت

و آنکه همیشه بدارد در جهنم معاندان را و تو که بزرگست ستایش تو گفته ابتدا کننده بخشش کردی

بالانعام متكرما افمن كان مؤمنا كمن كان فاسقا لا يستوون

به نعمت دادن کرم کننده آیا کسیکه بود مومن مانند کسی است که بود فاسق مساوی نیستند

إلهي وسيدي فأسألك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها

ای الهی و آقای من پس سؤال میکنم از تو بقدرتی که مقدر کرده آنرا و بحکمی که واجب کردی آنرا

وحكمتها وغلبت من عليه أجريتها أن تهب لي في هذه الليلة و

و حکم کردی بآن و غالب شده بر کسیکه آنرا جاری کرده اینکه ببخشی بمن در این شب و

في هذه الساعة كل جرم أجرمته وكل ذنب أذنبته وكل

در این ساعت هر جرمی که کسب کرده ام آنرا و هر گناهی که مرتکب آن شده ام و هر کار

قبيح أسررته وكل جهل عملته كتمته أو أعلنته أخفيته أو أظهرته

زشتی که پنهان کرده ام و هر نادانی که بعمل آورده ام خواه پنهان کرده باشم آنرا خواه آشکار خواه مخفی کرده باشم

وكل سيئة أمرت بإثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم

و هر بدی که امر کرده نوشتن آنها بزرگواران نویسندگانرا که موکل گردانیدهٔ

بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت

آنهارا که حفظ کنند آنچه صادر میشود از من و گردانیده ایشانرا گواهان بر من با اعضای من و بودی

أنت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك

تو نگهبان بر من بغیر ایشان و گواه بر آنچه پنهانست از ایشان و برحمت خود

أخفيته وبفضلك سترته وأن توفر حظي من كل خير

پنهان کردی آنرا و بفضل خود پوشانیدی آنرا و اینکه فراوان گردانی بهره مرا از هر نیکی

تنزله أو إحسان تفضله أو بر تنشره أو رزق تبسطه أو ذنب

که فرو فرستی یا احسانی که تفضل نمائی یا خوبی که پهن کنی آنرا یا روزی که گشایش دهی آنرا یا گناهی

تغفره أو خطأ تستره يا رب يا رب يا رب يا إلهي وسيدي ومولاي

که بیامرزی آنرا یا خطائی که بپوشی آنرا ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدای من و آقای من و صاحب اختیار

ومالك رقي يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي

و مالک بندگی من ای آنکسی که بدست اوست موی پیش سر من ای دانا به بدحالی من و بیچارگی من

ای مطلع بر فقر من و احتیاج من ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو بحق تو و به پاکی تو

يا خبيرا بفقري وفاقتي يا ربّ يا ربّ يا ربّ اسألك بحقك وقدسك

و به بزرگترین صفات تو و بنامهای تو اینکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز

واعظم صفاتك واسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار

بیاد خود آبادان و بخدمت تو پیوند شده و اعمال مرا نزد خود پسندیده

بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة واعمالي عندك مقبولة

تا آنکه بوده باشد کارهای من و اورادهای من همه یک ورد و حال من در خدمت تو

حتّى تكون اعمالي واورادي كلّها وردا واحدا وحالي في خدمتك

پیوسته بی نهایت ای آقای من ای آنکه بر اوست اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت کردم

سرمدا يا سيّدي يا من عليه معوّلي يا من اليه شكوت

احوال خود را ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من توانا گردان بر خدمت خود اعضای مرا و سخت گردان

احوالي يا ربّ يا ربّ يا ربّ قوّ على خدمتك جوارحي واشدد

بر عزم بندگی خود دل مرا و ببخش مرا جهد در ترس خود و مداومت در

على العزيمة جوانحي وهب لي الجدّ في خشيتك والدّوام في

متصل بودن در خدمت تو تا آنکه روانه شوم بسوی تو در میدانهای پیش روندگان

الاتّصال بخدمتك حتّى اسرح اليك في ميادين السّابقين

و تندروم بسوی تو در پیشی گیرندگان و مشتاق گردم بسوی قرب تو در میان مشتاقان

واسرع اليك في المبادرين واشتاق الى قربك في المشتاقين

و نزدیک شوم از تو نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو ترسیدن صاحبان یقین و گرد آیم در

وادنو منك دنوّ المخلصين واخافك مخافة الموقنين واجتمع في

همسایگی قرب تو با مؤمنان بار خدایا و هر که اراده کند مرا به بدی پس تو اراده کن او را و هر که مکر کند

جوارك مع المؤمنين اللّهمّ ومن ارادني بسوء فارده ومن كادني

فَکِّدْهُ وَاجْعَلْنِی مِنْ اَحْسَنِ عِبَادِکَ نَصِیباً عِنْدَکَ وَاَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً

پس تو بگردان مکر او را و بگردان مرا از نیکوترین بندگان خود در بهره نزد خود و نزدیکترین ایشان در منزلت

مِنْکَ وَاَخَصِّهِمْ زُلْفَةً لَدَیْکَ فَاِنَّهُ لَا یُنَالُ ذٰلِکَ اِلَّا بِفَضْلِکَ

نسبت بخود و مخصوص‌ترین ایشان در قرب نزد خود زیرا که نمی‌توان رسید باین مرتبه مگر بفضل تو

وَجُدْ لِی بِجُودِکَ وَاعْطِفْ عَلَیَّ بِمَجْدِکَ وَاحْفَظْنِی بِرَحْمَتِکَ وَاجْعَلْ

و بخشش کن برای من بجود خود و مهربانی کن بر من به بزرگواری خود و نگاهدار مرا برحمت خود و بگردان

لِسَانِی بِذِکْرِکَ لَهِجاً وَقَلْبِی بِحُبِّکَ مُتَیَّماً وَمُنَّ عَلَیَّ بِحُسْنِ اِجَابَتِکَ

زبان مرا بیاد خود گویا و دل مرا بدوستی خود بیتاب و منت نه بر من به نیکی اجابت خود

وَاَقِلْنِی عَثْرَتِی وَاغْفِرْ لِی زَلَّتِی فَاِنَّکَ قَضَیْتَ عَلٰی عِبَادِکَ بِعِبَادَتِکَ

و درگذر از لغزش من و بیامرز لغزش مرا بدرستیکه تو حکم کرده بر بندگان خود به بندگی خود

وَاَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِکَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْاِجَابَةَ فَاِلَیْکَ یَا رَبِّ

و امر کرده ایشانرا بدعای خود و ضامن شده برای ایشان مستجاب کردن پس بسوی تو پروردگارا

نَصَبْتُ وَجْهِی وَاِلَیْکَ یَا رَبِّ مَدَدْتُ یَدِی فَبِعِزَّتِکَ

پیش کرده‌ام روی خود را و بسوی تو پروردگارا کشیده‌ام دست خود را پس بعزت تو سوگند میدهم

اسْتَجِبْ لِی دُعَائِی وَبَلِّغْنِی مُنَایَ وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِکَ رَجَائِی وَاکْفِنِی

که مستجاب کن برای من دعای مرا و برسان آرزوی من و قطع مکن از فضل خود امید مرا و دفع کن از من

شَرَّ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ مِنْ اَعْدَائِی یَا سَرِیعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا یَمْلِکُ اِلَّا الدُّعَاءَ

بدی جنیان و آدمیان از دشمنان من ای زود خشنود شونده بیامرز کسی که از دست او نمی‌آید کاری بجز دعا

فَاِنَّکَ فَعَّالٌ لِمَا تَشَاءُ یَا مَنِ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِکْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنًی

پس بدرستیکه تو کننده آنچه که خواهی ای آنکه نام او دوای دردهاست و یاد او شفای بیماریهاست و فرمانبرداری او توانگری است

اِرْحَمْ مَنْ رَاْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُکَاءُ یَا سَابِغَ النِّعَمِ یَا دَافِعَ النِّقَمِ

رحم کن کسی را که سرمایه او امید است و حربه او گریستن است ای تمام کننده نعمت‌ها ای دفع کننده عذابها

يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ يَا عَالِماً لَا يُعَلَّمُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای روشنائی وحشت یافتگان در تاریکیها ای دانائی که نیاموخته از کسی درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَئِمَّةِ

محمد و بکن بمن انچه تو لی سزاوار آن درود فرستد خدا بر رسول خود و بر پیشوایان

الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً

صاحب میمنت که آل اویند و سلام فرستد سلام فراوان

فصل پنجم در اعمال بقیهٔ ماه است از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که سه روز آخر ماه شعبان روزه بدارد و بماه مبارک رمضان وصل کند حق تعالی ثواب روزهٔ دو ماه متوالی برای او بنویسد و ابو الصلت هروی روایت کرده است که در جمعهٔ آخر ماه شعبان بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام رفتم حضرت فرمود که ای ابو الصلت اکثر ماه شعبان رفت و این جمعهٔ آخر آنست پس تدارک و تلافی کن در انچه ازین ماه مانده است از تقصیرها که در ایام گذشتهٔ این ماه کرده و بر تو باد که روی آوری بر انچه نافعست برای تو در آخرت و دعا و استغفار بسیار بکن و تلاوت قرآن مجید بسیار بکن و توبه کن بسوی حق تعالی از گناهان خود تا آنکه چون ماه مبارک در آید خالص گردانیده باشی خود را از برای خدا و مگذار در گردن خود امانت و حق کسی را مگر آنکه ادا کنی و مگذار در دل خود کینهٔ کسی را مگر آنکه بیرون کنی و مگذار گناهی را که میکردی مگر آنکه ترک کنی و از خدا بترس و توکل کن بر خدا در پنهان و آشکار امور خود و هر که بر خدا توکل کند بس است او را و بسیار بخوان در بقیهٔ این ماه این دعا را

اَللّٰهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ

بار خدایا اگر نبوده باشی که آمرزیده باشی ما را در انچه گذشته است از شعبان پس بیامرز ما را در انچه باقی مانده است از آن بدرستیکه حق تعالی در این ماه آزاد میکرداند بندهای بسیار را از آتش جهنم برای حرمت این ماه مبارک رمضان بسند بسیار معتبر منقولست که حضرت صادق علیه السلام در شب آخر ماه شعبان و شب اول ماه مبارک رمضان این دعا

شعبان

اللهم إن هذا الشهر المبارك الذي أنزلت فيه القرآن هدى للناس

بار خدایا بدرستیکه این ماه بابرکت که فرو فرستادی در ان قرآن را در حالتیکه راهنمای مردمانست

وبينات من الهدى والفرقان قد حضر فسلمنا فيه وسلمه لنا و

و نشانهای روشن از راه نمائی و جدا کننده حق و باطل تحقیق حاضر شد پس سالم دار ما را در ان و سالم دار آنرا از برای ما

تسلمه منا في يسر منك وعافية يا من أخذ القليل وشكر الكثير

سالم دار آنرا از ما حال آنکه بوده باشیم در آسانی از جانب تو و عافیت ای آنکه فرا گرفته عمل اندک را و جزا داده بسیار

اقبل مني اليسير اللهم إني أسألك أن تجعل لي إلى كل خير سبيلا

بپذیر از من عمل اندک بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو آنکه بگردانی از برای من بسوی هر نیکی راهی

ومن كل ما لا تحب مانعا يا أرحم الراحمين يا من عفى عني وعما

و از هرچه دوست نداری باز دارنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای آنکه درگذشت از من و از آنچه

خلوت به من السيئات يا من لم يؤاخذني بارتكاب المعاصي عفوك

پوشیده داشتم آنرا از گناهان ای آنکه مواخذه نکرد مرا بسبب مرتکب شدن نافرمانیها طلب میکنم عفو ترا

عفوك عفوك يا كريم إلهي وعظتني فلم أتعظ وزجرتني عن محارمك

عفو ترا عفو ترا ای بزرگوار ای خدای من پند دادی مرا پس پند نگرفتم و منع کردی مرا از محرمات خود

فلم أنزجر فما عذري فاعف عني يا كريم عفوك عفوك اللهم

پس منع نگشتم پس چیست عذر من پس درگذر از من ای بزرگوار میخواهم عفو ترا عفو ترا بار خدایا

إني أسألك الراحة عند الموت والعفو عند الحساب عظم

بدرستیکه سوال میکنم از تو آسایش را نزد مردن و درگذشتن را نزد حساب بزرگ است

الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك يا أهل التقوى ويا أهل

گناه از بنده تو پس باید که نیکو باشد درگذشتن از نزد تو ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار

المغفرة عفوك عفوك اللهم إني عبدك ابن عبدك ابن أمتك ضعيف

آمرزش امید دارم عفو ترا عفو ترا بار خدایا بدرستیکه من بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز توام ناتوانم

فقير الى رحمتك وانت منزل الغنى والبركة على العباد قاهر مقتدر

محتاجیم بسوی رحمت تو و تو فرود آورنده بی نیازی و برکتی بر بندگان غالبی توانائی

احصيت اعمالهم وقسمت ارزاقهم وجعلتهم مختلفة السنتهم

شمردی کردارهای ایشانرا و قسمت کردی روزیهای ایشانرا و گردانیدی ایشانرا مختلف زبانهای ایشان

والوانهم خلقا من بعد خلق لا يعلم العباد علمك ولا يقدر العباد

و رنگهای ایشان گروهی پس از گروهی ندانند بندگان دانش ترا و اندازه نتوانند کرد بندگان

قدرتك وكلنا فقراء الى رحمتك فلا تصرف عني وجهك واجعلني

قدرت ترا و همه ما محتاجیم بسوی رحمت تو پس مگردان از من روی خود را و بگردان مرا

من صالحي خلقك في العمل والامل والقضاء والقدر اللهم ابقني خير البقاء

از شایسته خلق خود در کردار و امید و قضا و قدر خدایا من زنده دار مرا از زندگی نیکو

وافنني خير الفناء على موالاة اوليائك ومعاداة اعدائك والرغبة

و بمیران مرا بمردن نیکو بر دوستی دوستان خود و دشمنی دشمنان خود و خواهش

اليك والرهبة منك والخشوع والوفاء والتسليم لك والتصديق

بسوی خود و ترسیدن از خود و فروتنی کردن و وفا نمودن و فرمان بردار گردیدن برای تو و باور داشتن

بكتابك واتباع سنة رسولك صلواتك عليه وآله اللهم

بکتاب تو و پیروی نمودن طریقه رسول تو رحمت تو باد برو و بر اولاد او بار خدایا

ما كان في قلبي من شك او ريبة او جحود او قنوط او فرح

آنچه باشد در دل من از شک یا تهمت یا انکار یا نومیدی یا شادی

او بذخ او بطر او خيلاء او رياء او سمعة او شقاق او نفاق او كفر

یا سرکشی یا طغیان یا کبر یا نمودن یا شنوانیدن یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی

او فسوق او عصيان او عظمة او شيء لا تحب فاسألك يا رب

یا گناه یا نافرمانی یا نخوت یا چیزی که دوست نداری پس سوال میکنم از تو ای پروردگار

اَنْ تُبَدِّلَنِی مَكَانَهُ اِیمَاناً بِوَعْدِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَرِضاً بِقَضَائِكَ

اگر بدل نمائی برای ما بجای آن تصدیق بوعدهٔ تو و وفا کردن به پیمان تو و خوشنودی بحکم تو

وَزُهْداً فِی الدُّنْیَا وَرَغْبَةً فِیمَا عِنْدَكَ وَاَثَرَةً وَطُمَاْنِینَةً وَتَوْبَةً نَصُوحاً

و بی رغبتی در دنیا و خواهش در آنچه نزد تست و اطمینان که منفرد باشیم بآن و آرام و توبهٔ خالص

اَسْاَلُكَ ذٰلِكَ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ اِلٰهِی اَنْتَ مِنْ حِلْمِكَ تُعْصٰی فَكَاَنَّكَ

سؤال میکنیم از تو این ای پروردگار جهانیان خدای من تو از بردباری خود عصیان کرده میشوی پس گویا

لَمْ تُرَ وَمِنْ كَرَمِكَ وَجُودِكَ تُطَاعُ فَكَاَنَّكَ لَمْ تُعْصَ وَاَنَا وَمَنْ

ندیده آنرا و از بزرگواری خود و بخشش خود اطاعت کرده میشوی پس گویا تو عصیان کرده نشده و من و آنکه

لَمْ یَعْصِكَ سُكَّانُ اَرْضِكَ فَكُنْ عَلَیْنَا بِالْفَضْلِ جَوَاداً وَبِالْخَیْرِ

نافرمانی نکرده ترا ساکنان زمین تواَم پس باش بر ما بفضل و عطیه بخشنده و به نیکی

عَوَّاداً یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَصَلَّی اللهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلٰوةً دَائِمَةً

بسیار بازگردنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او رحمتی همیشه

لَا تُحْصٰی وَلَا تُعَدُّ وَلَا یَقْدِرُ قَدْرَهَا غَیْرُكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

که دریافته نشود و شمرده نشود و اندازه نکند اندازهٔ آنرا غیر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و طلب نمازهای مخصوص شبها که باسانید معتبره وارد نشده است علما ذکر کرده اند شب اول صد رکعت با حمد و توحید یک مرتبه و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه سورهٔ حمد دوم پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین هر یک سه مرتبه سوم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهارم چهل رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید هفتم دو رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید هشتم دو رکعت در رکعت اول حمد و آیهٔ امن الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه توحید و در دوم حمد و آیهٔ قل انما انا بشر و پانزده مرتبه توحید نهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه اذا جاء نصر الله دهم چهار رکعت در هر

رکعت حمد و آیة الکرسی یک مرتبه و سورهٔ انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه پانزدهم هشت رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه سورهٔ الهیکم التکاثر سیزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ والتین چهاردهم چهار رکعت در سر رکعت حمد و پنجمرتبه سورهٔ والعصر پانزدهم چهار رکعت درمیان نماز شام و خفتن در سر رکعت حمد و ده مرتبه توحید و بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه

ای پروردگار من بیامرز مرا — ای پروردگار من رحم کن مارا

یا رب تب علینا و بیست یکمرتبه توحید و ده مرتبه سبحان الله الذی یحیی

ای پروردگار من بپذیر توبه مرا — پاک است خدا که زنده میکرداند

الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شیء قدیر

مردگان را و می میراند زندگان را و او بر همه چیز تواناست

شانزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و یکمرتبه آیة الکرسی پانزده مرتبه توحید هفدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و هفتاد و یک مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار هیجدهم ده رکعت در سر رکعت حمد و پنجمرتبه توحید نوزدهم دو رکعت در سر رکعت حمد و پنجمرتبه آیة قل اللهم مالک الملک بیستم چهار رکعت در سر رکعت حمد و پانزده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و یکم هشت رکعت در سر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوذتین بیست و دوم دو رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید بیست و سوم سی رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه سورهٔ اذا زلزلت بیست و چهارم دو رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله بیست و پنجم ده رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه الهیکم التکاثر بیست و ششم دو رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه آیه آمن الرسول بیست و هفتم دو رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی بیست و هشتم چهار رکعت در سر رکعت حمد و یک مرتبه توحید و معوذتین بیست و نهم دو رکعت در سر رکعت حمد یک مرتبه و هر یک از الهیکم التکاثر و توحید و معوذتین سی ام دو رکعت در سر رکعت حمد و ده مرتبه سبح اسم ربک الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد باب سیم در بیان مجملی از فضائل و اعمال ماه مبارک رمضان است و در آن

...شت فصل است فصل اول در بیان فضیلت این ماه مبارک است بدانکه ماه مبارک
رمضان ماه خداوند عالمیان است و شریفترین ماهها است چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند ایها
الناس بتحقیق که رو کرده بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهی است که نزد خدا بهترین ماهها
است و روزهایش بهترین روزها است و شبهایش بهترین شبها است و ساعتهایش بهترین ساعتها است
آن ماهی است که خوانده اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و گردیده اید در آن از اهل کرامت خدا نفسهای
شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما در آن ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبول است و دعاهای
شما در آن مستجاب است پس سؤال کنید از پروردگار خود به نیتهای درست و به دلهای پاکیزه از گناهان
و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن در آن بدرستیکه
شقی و بدعاقبت کسی باشد که محروم گردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم و یاد کنید بگرسنگی و تشنگی
شما در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را و تصدق کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم نمائید پیران
خود را و رحم کنید کوچکان خود را و نوازش نمائید خویشان خود را و نگاهدارید زبانهای خود را
از آنچه نباید گفت و بپوشید دیده های خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آنها و بپوشانید
دارید گوشهای خود را از آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی
کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود و بلند کنید بسوی خدا دستهای
خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین ساعتها است نظر میکند حق تعالی
در این اوقات برحمت بسوی بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هرگاه او را مناجات کنند و لبیک
میگوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند و مستجاب میگرداند هرگاه او را دعا کنند ای گروه مردمان
بدرستیکه جانهای شما در گرو کردههای شما است پس آنها را بدر آورید بطلب آمرزش از خدا و پشتهای شما
گرانبار است از گناهان شما پس سبک گردانید آنها را بطول دادن سجده ها و بدانید که حق تعالی
سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نمازگذارندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را
باتش جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از شما افطار نماید روزه داری مومنی را در این ماه از برای

رمضان

او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند یا رسول الله همه ما قدرت بر آن نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم بافطار فرمودن روزه دار اگرچه به نصف دانه خرما باشد و اگرچه به یک شربت آب باشد بدرستیکه خدا این ثواب را میدهد بکسی که چنین کند اگر قادر بر زیاده ازین نباشد ایها الناس هر که خلق خود را درین ماه نیکو کند بر صراط بگذرد در روزی که قدمها بر آن بلغزد و هر که سبک گرداند درین ماه خدمت غلام و کنیز خود را حق تعالی در قیامت حساب او را بر و آسان گرداند و هر که درین ماه شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از و باز دارد و هر که درین ماه یتیم بی پدری را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و هر که درین ماه صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند او را برحمت خود در قیامت و هر که درین ماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدای عز و جل در قیامت قطع رحمت خود از و بکند و هر که نماز سنتی درین ماه بکند حق تعالی برای او برات بیزاری از آتش جهنم بنویسد و هر که درین ماه نماز واجبی ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده باشد و هر که درین ماه بسیار صلوات فرستد بر من و آل من خدا سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزیکه ترازوهای اعمال سبک شده باشد و کسیکه یک آیه از قرآن درین ماه بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس بدرستیکه درهای بهشت درینماه گشاده است پس سوال کنید از پروردگار خود که بر روی شما نه بندد و درهای جهنم درینماه بسته است از خدا سوال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را درینماه غل میکنند پس سوال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند و ایضاً از حضرت امیر المومنین صلوات الله وسلامه علیه منقول است که در ماه رمضان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس این ماهی است که خدا آنرا بر سائر ماهها فضیلت و زیادتی داده است مانند فضیلت اهل بیت بر سائر مردم و درین ماه گشوده میشود درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت و بسته میشود درهای جهنم و درینماه شنیده میشود نداهای مومنان مستجاب میگردد دعاهای ایشان و رحم میکند گریه های ایشان را و درینماه شبی است که در آن شب ملائکه از آسمان بزمین می آیند و سلام میکنند بر مردان و زنان روزه دار بر خصت پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حق تعالی مقدر کرده است در آن شب ولایت و امامت

رمضان

پیش از آنکه آدم علیه السلام را خلق کند هزار سال عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار
ماه و روزه روزش بهتر است از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتابهای ماه مبارک
رمضان از ماههای آن طالع میشود بر مردان و زنان روزه دار بدرستیکه این ماه سایر ماهها
بهشت روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست دیوان و شیاطین را
غل کرده در زندان بند و زنها بکرد اند خداوند درین ماه [illegible]
درین ماه حاجیان [illegible] و درین ماه حق تعالی نظر میکند بسوی اهل ایمان بنظر فیروزی و رحمت و
خشنودی خداوند [illegible] ای روزه دار پس تدبیر کار خود بکن [illegible] درین ماه مهمان پروردگار
خودی نظر کن و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و روز خود و چگونه نگاه میداری اعضا
و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که شبها در خواب نباشی و روزها غافل از یاد
خدا نباشی پس بیرون رود اینماه و گناهان تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنگامیکه روزه داران
مزدهای خود را بگیرند تو از جمله زیان کاران باشی و در وقتیکه بکرامت آقای خود فائز گردند تو از
جمله محرومان باشی و در روزی که سعادتمند گردند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از رانده
شده ها باشی ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه خود برگرداند بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر
محروم گرداند ترا پروردگار تو که روزی خواهد داد ترا و اگر او ترا خوار کند که ترا گرامی خواهد داشت
و اگر او ترا ذلیل گرداند که ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واگذارد که ترا یاری خواهد کرد و اگر
او ترا از بندگان خود قبول نکند بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر او لغزشها و گناهان
ترا نیامرزد امید بکه خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر حق خود را که بر تو واجب گردانیده
از تو طلب نماید چه جواب در برابر او خواهی گفت ای روزه دار تقرب بجوی بسوی خدا بتلاوت
کردن کتاب خدا در شبها و روزهای اینماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده ایست که
شفاعت او را قبول میکنند و در قیامت شفاعت میکند برای آنها که تلاوت آن کرده اند
پس بالا میروند بر درجات بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد
ترا که هر نفسی که درین ماه میکشی ثواب تسبیحی در نامه عمل تو می نویسند و خواب تو درین ماه

عبادتست و طاعت تو در این ماه مقبولست و گناهان تو در این ماه آمرزیده است و آواز تو
در این ماه شنیده شده است بمناجات و زاری که با خدا میگوئی و تو رحم میکنند بدرستیکه شنیدم از
حبیب خود حضرت رسول صلی الله علیه و آله که خداوند عالمیان آزاد در هر شب از شبهای ماه مبارک
رمضان آزاد کرده است از آتش جهنم که عدد ایشانرا بغیر از خدا کسی نمیداند و چون شب آخر ماه شود
در آن شب می آمرزد مثل آنچه در جمیع ماه آمرزیده است بدرستیکه هر که ماه مبارک رمضان را روزه
بدارد و نفس خود را از چیزها که خدا حرام کرده است نگاه دارد بهشت را البته او را واجب گرداند و هر که
در این ماه روزه بدارد و در هیچ شب از شبهای آن افطار نکند بحرام البته داخل بهشت شود و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که شنیدم از سید انبیا صلی الله علیه و آله که فرمود که بهترین اوصیای
پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود
بهترین ماهها ماه رمضانست و بهترین اوصیا توئی یا علی گفتم یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود
بحق پروردگارم بدرستیکه برانگیخته میشود بدبخت ترین امت من شقی مانند کشنده ناقه صالح و ضربتی
بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سرت خضاب شود پس مردم شروع بگریه و زاری و فغان کردند
و حضرت از منبر بزیر آمد و ایضا از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست بسندهای معتبر که فرمود
ایها الناس کسی که وارد شود بر او ماه مبارک رمضان پس روزه دارد روز آنرا و بایستد بنماز
و عبادت قدری از شب آنرا و نمازها را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعه
آن و بامداد آن بنماز عید آن حاضر شود پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فائز گردیده بجایزه‌ها
و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان نیست **فصل دوم** در بیان
حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر است بدانکه روزه باز داشتن خود است از چیزی چند که روزه
را می شکند از طلوع صبح تا برطرف شدن سرخی از جانب مشرق بنابر مشهور یا پنهان شدن قرص
آفتاب یعنی برطرف شدن شعاع آن از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول احوط است و باید بنیت
قربت پس باید که بداند آن چیزها را تا نیت تواند کرد و چون میان علما اختلاف بسیار است در بسیاری از آنها
اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا کافی باشد اما بهتر آنست که آنچه متیقن باشد

وجوب ترک آنها قصد ترک آنها کند بعنوان وجوب وآنچه خلافی باشد قصد ترک آنها کند احتیاطاً
وآنچه بعید عدم کرده باشد قصد ترک آنها کند استحباباً واگر قصد ترک جمیع محرمات الله ضم کند بهتر است
واما آنها که واجب است ترک آنها کردن اول و دوم چیزی خوردن و چیز آشامیدن است وچیزی که خوردن
وآشامیدن آن متعارف معتاد باشد دران خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو
میشود واگر بعنوان معتاد نخورد واگر غیر معتاد باشد مانند آنکه در دماغ یا گوش بچکاند چیزی را که بحلق
داخل شود محل خلافست و همچنین خلاف است در خوردن و آشامیدن چیزی چند که معتاد مردم نباشد
خوردن و آشامیدن آنها مانند سنگ و چوب و خاک و گیاهها و آب افشره شده از گیاههای غیر معتاد و ا
آنست که اگر بعنوان معتاد باشد اجتناب از آن واجب است و احوط آنست که اگر بکند قضا و کفاره
بعمل آورد سوم جماع کردن در قبل زنست مطلقا خواه انزال شود و خواه نه و فعل آن موجب قضا و
کفاره میشود بخلاف و جماع در دبر زن هرگاه انزال شود روزه را باطل میکند و قضا و کفاره
لازم میشود و مشهور آنست که جماع در دبر بدون انزال نیز مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است و
بعضی مبطل نمیدانند و اول اقوی است چهارم باقی ماندن است بر جنابت تا صبح و اشهر و اقوی آنست که
مبطل است و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضا تنها واجب دانسته اند و
احوط آنست که اگر زن از حائض پاک شود پیش از صبح غسل نکند و اگر نکند احوط آنست که غسل کند بعد از صبح و
آن روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط آنست که تیمم کند و نخوابد تا
صبح شود و خواب اول بعد از جنابت در حالی که نیت غسل کردن داشته باشد و احتمال بیدار شدن
داشته باشد جائز است و مشهور آنست که اگر تا صبح بیدار نشود قضای آن روز بر وی واجب نیست و بعضی
واجب دانسته اند و آن احوط است و مشهور آنست که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد
بر او قضا و کفاره لازم است و این احوط است اگرچه دلیلش ضعیف است و مشهور در خواب دوم
وجوب قضاست و این قول قوی است بلکه خلافی دران ظاهر نیست و جمعی از اصحاب را اعتقاد
آنست که در خواب سوم جنب هرگاه بصبح رسد قضا و کفاره هر دو واجب است و اقوی
عدم وجوب کفاره است و بعضی از متاخرین را اعتقاد آنست که خواب بعد از

بیدار شدن از احتلام حکم خواب دوم دارد چنانچه والد مرحوم اختیار نموده و این احوط است
بلکه خالی از قوت نیست و بدانکه در روزه های دیگر غیر ماه مبارک رمضان نیز خلافست که آیا باید که
صبح را پاک دریابد یا نه و حق آنست که در قضای ماه رمضان نیز باید صبح جنب نباشد و در غیر قضا احوط آنست
که اگر صبح طاهر نباشد و واجب معین باشد آن روز را روزه ندارد و اگر معین نباشد آن روز [illegible]
و قضا نیز بکند اما اگر عمدا کرده باشد و در نیت که کفاره در کار باشد و شک نیست که احوط است روزه
سنت اگر عمدا در جنابت بماند تا صبح و پیش از زوال غسل کند و نیت روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است
و در واجب معین اگر شب عمدا نیت را ترک کند و پیش از زوال نیت کند مشهور در میان است که روزه اش باطل
است و قضا میکند و کفاره واجب نمیشود و اگر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال میتواند کرد
و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد و اگر چه قضای ماه رمضان باشد و در روزه سنت خلافی
نیست که اگر در شب نیت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده باشد تا اول زوال نیت میتواند کرد و بعد
از زوال خلافست بعضی گفته اند تا نزدیک بشام نیت میتوان کرد و جمعی از محققین علما باین قائل اند
و نزد فقیر اقوی است و بعضی گفته اند که بعد از زوال نیت نمی تواند کرد و بعضی گفته اند که پیش از زوال
نیت کند ثواب روزه تمام روز را می یابد و اگر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام
را می یابد و رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی از موجب قضا و کفاره میدانند و بعضی قضا
تنها و بگمان فقیر مبطل نیست و احوط رعایت مشهور است و بعضی از متاخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود
غلیظ و بخار غلیظ را اگر از آن اجزا منفصل شود چون دود تنور و بخار و یک اظهر عدم بطلانست و احوط
اجتناب است حتی از دود تنباکو هشتم استمناست یعنی طلب نزول منی کردن با حصول آن موجب قضا
و کفاره است و مشهور آنست که هر گاه ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود در روزه او باطل میشود و قضا و کفاره
لازم است و بعضی در این تامل نموده اند خصوصا وقتی که نسبت بحلال خود باشد و عادتا او انزال
نباشد و احوط بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن بزن حلال یا حرام یا صدای
آن را شنیدن یا بخیال خود در آوردن هر گاه باعث آمدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد
و بآن معتاد نباشد خلافست و اظهر عدم وجوب قضا و کفاره است [illegible] کردن عمدا او اکثر

مولب قضا تنها میدانند وبعضی قضا وکفاره هردو را واجب میدانند وبعضی هیچیک را واجب نمیدانند
ومسئله مشکل است ووجوب قضا تنها خالی از قوتی نیست ومشهور آنست که هرگاه قی بی اختیار آید روزه
قضا ندارد وبعضی قضا را واجب دانسته اند واین قول ضعیف است هشتم حقنه است وبعضی موجب
قضا وکفاره هردو دانسته اند وبعضی موجب قضا تنها وبعضی حرام دانسته اند وموجب هیچیک
ندانسته اند وبعضی حقنه مایع را موجب قضا دانسته اند وحقنه جامد را مانند شیاف مکروه دانسته
اند وبعضی مطلقا مکروه دانسته اند واین قول اقوی است واحوط آنست که بدون ضرورت
حقنه بمایع نکند واگر بکند قضا بکند واشهر واقوی آنست که چکانیدن دوا در گوش موجب فساد
صوم نمی شود وسعوط در بینی هرگاه تعدی بحلق نکند ایضا اقوی آنست که جایز است وبعضی موجب
قضا وکفاره دانسته اند واگر بحلق رسد احوط اجتناب است نهم دروغ گفتن بر خدا ورسول خدا و
ائمه هدی صلوات الله علیهم است بانکه حدیث دروغی نقل کند یا مسئله خلاف واقعی بگوید بلکه کسیکه اهلیت
مسئله گفتن نداشته باشد مسئله بگوید ودر حرمت آن شکی نیست وبعضی در روزه موجب قضا و
کفاره میدانند وبعضی میگویند موجب فساد صوم نمی شود وخالی از قوتی نیست واحوط آنست که
اگر بکند قضا بکند وکفاره بدهد دهم سر فرو بردن در آبست وجمعی آنرا موجب قضا وکفاره میدانند
وبعضی موجب قضا تنها میدانند وبعضی حرام میدانند وموجب هیچیک نمیدانند وبعضی مکروه میدانند
واظهر حرمت است وعدم وجوب قضا وکفاره وبعضی گفته اند که اگر سر را بآب فرو برد تا گردن
وبدن بیرون آب باشد باز حکم ارتماس دارد واین احوط است وبعضی گفته اند که اگر فرو برد منافذ
سر را دفعة هر چند منابت مو بیرون باشد باز حکم ارتماس دارد واین احوط است واحوط آنست که
در روزه سنت نیز سر را بآب فرو نبرد وبعضی تجویز کرده اند واحوط ترک است یازدهم بلغمی که
از سینه برآید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن علما را سه قول است اول جواز
ابتلاع آنچه بیرون می آید از سینه مادام که از دهن منفصل نشود وعدم جواز آن قسم دیگر دوم جواز
ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد وتحریم ابتلاع هر دو هرگاه بدهن برسد سوم جواز کشیدن
از سینه وسر وجواز فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود وجمعی حکم بفساد کرده اند وبعضی بقضا

تنها قائل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب دانسته اند و بعضی بکفاره جمع قائل شده اند و گمان فقیر آنست که هیچ یک لازم نمی شود اما احتیاط آنست که بعد از آنکه قضای غسل بجا آورد کفاره نیز بدهد و از مشهور میان علما آنست که مکروه است که زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی گفته اند که اگر در آب نشیند قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم دانسته اند و اول اظهر است و در خائیدن مصطکی که آتش را فرو برد بعضی حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است و مشهور میان علما آنست که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقیست بلکه اگر شک هم داشته باشد جائز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود که صبح بوده است آن وقت که خورده یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد و خورده باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده و خورده باشد قضا واجب است و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهت وضوی نماز واجب و آب بی اختیار بحلق او رود قضا بر او واجب نیست و اگر جهت نماز نافله باشد بعضی گفته اند قضا بر او واجب است و اگر عبث مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب دانسته اند و این احوط است و اظهر عدم وجوب است مطلقا و در روایتی وارد شده است که بعد از مضمضه سه مرتبه آب دهان بیندازد و این احوط است

فصل سوم در سنتها و آداب روزه است مکروه است روزه دار را بوسیدن زنان و دست به بدن ایشان مالیدن و دست بازی کردن با ایشان و اقرب آنست که کراهیت مخصوص بصورتیست که اینها محرک شهوت او باشند و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است همچنین کشیدن چیزی که آنرا طعمی باشد که بحلق رسد یا در آن شکی باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن خونیست از بدن که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که مضعف باشد و مکروه است بوئیدن گلها خصوصا نرگس و بهتر آنست که مشک اسم بوید و سائر بوها خوش مکروه نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که طیب تحفه صائم است و فرمود که هر روزه دار که در اول روز خود را خوشبو کند عقلش زائل نگردد و اشهر و اقوی آنست که بوئیدن رائحه غلیظه منظر نیست و بعضی گفته اند که بوئیدن رائحه غلیظه که بجوف رسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط آنست که بوی خوش سائیده که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در روایتی وارد شده است

وکلزوه است که صائم جامه که ملاصق بدنست ترکند و مکروه است زن صائمه را که در آب نشیند چنانچه
گذشت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه روزه داری میباید روزه باشد گوش تو
و چشم تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضای تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات و فرمود که باید که روز
روزهٔ تو مانند روز افطار تو نباشد و ایضاً از آن حضرت منقول است که فرمود روزه همین از
خوردن و آشامیدن نیست تنها بلکه باید که در روز روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ و بپوشانید
دیده های خود را از حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند دروغ
مخورید بلکه سوگند راست نیز و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی مکنید و دل
تنگ مشوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از آنچه نباید گفت و صبر کنید
و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت
کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت
دانید و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه و آله باشید و آرزومند ثوابهای آخرت
باشید و توشهٔ اعمال صالحه برای سفر آخرت بردارید و بر شما باد آرام دل و آرام تن و
خضوع و خشوع و شکستگی و مذلت بنده که از آقای خود ترسد و ترسان باشید از عذاب
خدا و امیدوار باشید رحمت او را و باید پاک باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو
از حیله ها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوئی بسوی خدا از آنچه غیر اوست در
روزه ولایت خود را خالص گردانی از برای او و خاموش باشی از آنچه حق تعالی نهی کرده است
ترا از آن در آشکار و پنهان و بترسی از خداوند قهار آنچه سزاوار ترسیدن اوست در پنهان
و آشکار و ببخشی روح و بدن خود را بخدا عز و جل در ایام روزهٔ خود و فارغ گردانی دل خود را
از برای محبت او و یاد او و بدن خود را بکار فرمائی در آنچه خدا ترا امر کرده است بآن و خوانده
است بسوی آن اگر همهٔ اینها را بعمل آوری آنچه سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده و فرموده
خدا را اطاعت کرده و آنچه کم کنی از آنها که بیان کردم از برای تو بقدر آن از روزهٔ تو کم میشود
از فضل آن و ثواب آن و پدرم گفت که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شنید که زنی

در روزه جاریهٔ خود را دشنام داد حضرت طعامی طلبید و آن زن گفت بخدا که من روزه‌ام
حضرت گفت چگونه روزه و جاریهٔ خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست
حق تعالی روزه را حجابی گردانیده است از سائر امور قبیحه از کردار بد و گفتار بد چه بسیار کم اند روزه داران
و بسیار اند گرسنگی کشندگان و حضرت امیر المومنین علیه السلام فرمود که چه بسیار روزه دار که بهره
نیست او را از روزه بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادت بغیر
تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقانست و خوشا افطار کردن زیرکان
که بهتر از روزه داشتن بیخبر دانست زیرا که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از
جمله عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم قدس با ارواح انبیا و اوصیا و خلص مومنان
محشور میگردند و بر اسرار غیب و رویای صادقه مطلع میگردند و راهی از راههای قرب ایشانست و
افطار خردمندان چون از روی دانایست و بوجهی که حق تعالی خواسته افطار مینمایند بهتر است
از روزه‌های احمقان که روزه را دستگاه خود فروشی خود کرده اند و برایا و عجب [illegible]
و شرائط صوم عمل نمیکنند فصل چهارم در بیان آداب و شرائط دخول ماه مبارک رمضان سنت
است طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته‌اند و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که چون هلال
رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله کن و دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب با ماه کن و بگو
رَبِّیْ وَرَبُّكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَیْنَا بِالْاَمْنِ وَ
پروردگار من و پروردگار تو خداست پروردگار جهانیان ای خدا یا طالع گردان هلال را بر ما با ایمنی و
الْاِیْمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ اِلٰی مَا تُحِبُّ
ایمان و سلامتی و اسلام و شتافتن بسوی آنچه دوست داری
وَتَرْضٰی اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِیْ شَهْرِنَا هٰذَا وَارْزُقْنَا خَیْرَهٗ وَعَوْنَهٗ
و بپسندی خداوندا برکت ده برای ما در ماه ما این ماه و روزی کن مرا نیکوئی آن و مدد آن
وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهٗ وَشَرَّهٗ وَبَلَاءَهٗ وَفِتْنَتَهٗ
و بگردان از ما بدحالی آنرا و شر آنرا و بلای آنرا و آشوب آنرا

بهترین دعاهای هلال دعای صحیفهٔ کامله است و ابن ابی عقیل رحمه الله این دعا را در وقت
رویت هلال ماه مبارک رمضان واجب دانسته‌اند

الحمد لله الذی خلقنی وخلقک وقدّر منازلک وجعلک مواقیت

سپاس مر خدای را که آفریده مرا و آفرید ترا و تقدیر کرد منزلهای ترا و گردانید ترا نشانهای اوقات

للناس اللّهم اهلّه علینا اهلالا مبارکا اللّهم ادخله علینا

برای آدمیان خداوندا داخل کن آنرا بر ما داخل کردنی با برکت خداوندا داخل کن آنرا بر ما

بالسلامة والاسلام والیقین والایمان والبرّ والتقوی والتوفیق لما تحبّ وترضی

با سلامتی و اسلام و یقین و ایمان و نیکوئی و پرهیزکاری و توفیق برای آنچه دوست داری و می‌پسندی آنرا

و در شب اول ماه جماع سنت است و غسل در شب اول سنت است و از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و سی کف آب بر سر بریزد با طهارت
معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر فرمود که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش
بدن در آن سال باو نرسد و ایضا منقول است که چون ماه رمضان داخل شد حضرت صادق علیه
السلام فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمائید در این ماه در عبادت که در این ماه روزیها
قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان در این ماه مقدر میشوند و در این ماه شبی هست که
بهتر است از هزار ماه و از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است که بر شما باد در ماه رمضان
باستغفار و دعا بدرستیکه دعا دفع میکند بلاها را از شما و استغفار محو میکند گناهان شما را و زیارت
حضرت امام حسین علیه السلام در شب اول ماه سنت است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که هر که در شب اول ماه رمضان یا شب میان یا شب آخر زیارت آنحضرت بکند گناهان از او
بریزد مانند برگ از درختان و از گناه بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده است و ثواب
حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضا از آنحضرت منقول است که هر که در شب اول ماه سوره
انّا فتحنا در نماز نافله بخواند در آن سال از بلاها محفوظ گردد و بروایت دیگر از آنحضرت
منقولست که هر که در شب اول ماه مبارک دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد

سورهٔ انعام بخواند و سوال کند که حق تعالی او را کفایت شرّ و کید کند خدا او را کفایت کند از آنچه می ترسد در این ماه و حفظ کند او را از آنچه می ترسد از بیماریها و دردها و ترسها و این نماز را تا شب آخر ماه می توان کرد و سوره را اگر قرآن بتوان خواند و اگر در شب اول ماه نیت روزهٔ تمام ماه را بکند و باز هر شب نیت کند بهتر است و نیت چنین بکند که فردا روزهٔ ماه رمضان میداریم واجب قربة الی الله و در روز اول ماه سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف آب بسر بریزد و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت منقول است که هر که در روز اول این ماه کفی از گلاب بر رو بریزد از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر هر روز بکند در آن روز از این بلاها ایمن گردد و هر که یک کف از گلاب در روز اول ماه بر سر بریزد در آن سال از مرض برسام ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که در اول هر ماه دو رکعت نماز بکند در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق بکند بانچه میسر شود سلامتی آن ماه را خریده است و در روز اول ماه این دعا سنت است

اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَاَنْزَلْتَ

خداوندا بتحقیق حاضر شده ماه رمضان و بتحقیق واجب ساختی بر ما روزه داشتن آنرا و فرو آوردی

فِيهِ الْقُرْاٰنَ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا

در آن قرآن را در حالیکه رهنمای آدمیان است و آیتهای روشن است از راهنمائی و جدا کننده حق از باطل یاری ده ما را

عَلٰى صِيَامِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا وَتَسَلَّمْهُ مِنَّا وَسَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ

بر روزه داشتن آن و بپذیر آنرا از ما و قبول کن آنرا از ما و سالم دار آنرا برای ما در آسانی از خود و عافیت

اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

و ایضا از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا میخواندند

اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِیْ

بارخدایا بتحقیق داخل شده ماه رمضان بارخدایا ای پروردگار ماه رمضان که

اَنْزَلْتَ فِیْهِ الْقُرْاٰنَ وَجَعَلْتَهُ بَیِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰی وَالْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ فَبَارِكْ

فرو فرستادی دران قرآن را و گردانیدی آنرا معجزه‌های روشن از راهنمائی جدا کردن حق از باطل خداوندا

لَنَا فِیْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَاَعِنَّا عَلٰی صِیَامِهِ وَصَلٰوتِهِ وَتَقَبَّلْهُ مِنَّا

برکت ده جهت ما در ماه رمضان و مدد کن ما را بر روزه داشتن آن و نماز آن و بپذیر آنرا از ما

وایضا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که نزد داخل شدن ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دوم هر سوره که خواهد بخواند حق تعالی جمیع بدیها را دران سال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال اینده و در شب اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاهاست و کلینی و شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند صحیح روایت کرده‌اند که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمود که در ماه مبارک رمضان که اول سال یعنی در روز اول ماه چنانچه علما فهمیده‌اند این دعا را بخوانند و فرمود که هر که این دعا را از برای رضای خدای تعالی بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند دران سال نرسد باو فتنه و گمراهی و نه آفتی ضرر رساند بدین او یا بدن او و حق تعالی او را حفظ کند از شر آنچه دران سال واقع میشود از بلاها و دعا اینست

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِیْ دَانَ لَهُ كُلُّ شَیْءٍ وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِیْ وَسِعَتْ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامیکه ذلیل نموده برای او هر چیز و بحرمت تو که فرا گرفته است

كُلَّ شَیْءٍ وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِیْ تَوَاضَعَ لَهَا كُلُّ شَیْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِیْ قَهَرَتْ

هر چیزی را و بعظمت تو که فروتنی نموده برای آن هر چیزی و بعزت تو که قهر و غلبه نموده

كُلَّ شَیْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِیْ خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَیْءٍ وَبِجَبَرُوْتِكَ الَّتِیْ غَلَبَتْ كُلَّ

هر چیزی را و بتوانائی تو که پستی نموده برای آن هر چیز و بحرمت بزرگواری تو که غلبه نموده هر

شَیْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّذِیْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ یَا نُوْرُ یَا قُدُّوْسُ یَا اَوَّلُ

چیزی را و بدانش تو که فرا گرفته هر چیزی را ای هویدا ای بغایت پاک ای اول

رمضان

كه كافي در اكو سيد ورارد... كافي ببين كند در وعن ... كه بر ... وصداع را بر طرف ميكند وحضرت صادق عليه السلام فرمود كه كاسني سبزي رسول الله صلى الله عليه وآله است وباذروج سبزي امير المؤمنين عليه السلام است ... سبزي حضرت فاطمه عليها السلام است

قبل كل شيء ويا باقي بعد كل شيء يا الله يا رحمن صل على محمد وآل

پيش از هر چيز واي باقي بعد از هر چيز اي خدا اي بخشاينده رحمت بفرست بر محمد وآل

محمد واغفر لي الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي

محمد وبيامرز براي من گناهاني را كه تغيير ميدهند نعمتها را وبيامرز براي من گناهاني را كه

تنزل النقم واغفر لي الذنوب التي تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي

فرو مي آورند عذابها را وبيامرز براي من گناهاني را كه مي برند اميد را وبيامرز براي من گناهاني را كه

تديل الاعداء واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي

غالب ميكردانند دشمنان را وبيامرز براي من گناهاني را كه بر مي گردانند دعا را وبيامرز براي من

الذنوب التي يستحق بها نزول البلاء واغفر لي الذنوب التي تحبس

گناهاني را كه سزاوار كرديده ميشود بسبب آن فرود آمدن بلا را وبيامرز براي من گناهاني را كه باز ميدارد

غيث السماء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل

باران آسمان را وبيامرز براي من گناهاني را كه زائل ميكند پرده را وبيامرز براي من گناهاني را كه [illegible]

الفناء واغفر لي الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب التي

نيستي را وبيامرز براي من گناهاني را كه تيره ميسازد جهان را وبيامرز براي من گناهاني را كه

تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم واغفر لي

در عقب دارد پشيماني را وبيامرز براي من گناهاني را كه مي درد [illegible] عصمت وبيامرز براي

الذنوب التي ترفع القسم والبسني درعك الحصينة التي لا ترام و

گناهاني را كه زائل ميكند روزي را وبپوشان مرا زره محكم خود كه قصد كرده نشود و

عافني من شر ما احاذر بالليل والنهار في مستقبل سنتي هذه اللهم رب السموات

عافيت بخش مرا از شر آنچه مي ترسم در شب و روز در وقت [illegible] سال من [illegible]

السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم

هفتگانه واي پروردگار زمينهاي هفتگانه وآنچه در آنهاست وآنچه در ميان آنهاست پروردگار عرش بزرگ

وربّ السبع المثانی والقرآن العظیم وربّ اسرافیل ومیکائیل وجبرئیل

ای پروردگار سبع المثانی و قرآن بزرگ و ای پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل

وربّ محمّد صلّی الله علیه وآله سیّد المرسلین وخاتم النبیّین اسألك

و ای پروردگار محمد رحمت فرستاد خدا بر او و بر آل او بزرگ فرستادگان و آخر پیغامبران درخواهم از تو

بك وبما سمّیت به یا عظیم انت الذی تمنّ بالعظیم وتدفع کلّ محذور

بحرمت تو و بحرمت آنچه نامیده شده بآن ای بزرگ مرتبه توئی آنکه بخشش میکنی بخشش بزرگ و دفع مینمائی هر مخوفی را

وتعطی کلّ جزیل وتضاعف من الحسنات بالقلیل وبالکثیر

و عطا میفرمائی هر عطای وافری را و دوچند میکنی نیکیها را در مقابل عمل کم و مقابل عمل بسیار

وتفعل ما تشاء یا قدیر یا الله یا رحمن صلّ علی محمّد واهل بیته

و میکنی آنچه خواهی ای توانا ای خدا ای بخشاینده رحمت بفرست بر محمد و خاندان او

والبسنی فی مستقبل سنتی هذه سترك ونضّر وجهی بنورك واحبنی

و بپوشان مرا در آینده سال من این سال پرده خود و درخشان کن روی مرا بروشنائی خود و دوست دار مرا

بمحبّتك وبلّغنی رضوانك وشریف کرامتك وجسیم عطیّتك

بدوستی خود و برسان مرا بخشنودی خود و نوازش بلند پایه خود و عطیه بزرگ مرتبه خود

واعطنی من خیر ما عندك ومن خیر ما انت معطیه احدا من

و عطا کن مرا از بهترین آنچه نزد تست و از بهترین آنچه تو عطا فرمائی آنرا بیکی از

خلقك والبسنی مع ذلك عافیتك یا موضع کلّ شکوی ویا شاهد

آفریدگان خود و بپوشان مرا با وجود آن عافیت خود ای قرارگاه هر شکایت و ای دانای

کلّ نجوی ویا عالم کلّ خفیّة ویا دافع ما تشاء من بلیّة یا کریم العفو

هر راز و ای دانای هر نهان و ای زائل نماینده آنچه خواهی از بلا ای کریم عفو

یا حسن التجاوز توفّنی علی ملّة ابراهیم وفطرته وعلی دین محمّد

ای نیکو تجاوز بمیران مرا بر ملت ابراهیم و دین او و بر دین محمد

صلى الله عليه وآله وسنّته وعلى خير الوفاة فتوفني

رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و طریقه او و بر بهترین مردن

معاديا لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل او قول او فعل

دشمن باشم مر دشمنان ترا خداوندا و دور گردان مرا درین سال از هر کردار یا گفتاری یا فعلی

يباعدني منك واجلبني الى كل عمل او قول او فعل يقربني

که دور سازد مرا از تو و بکشان مرا بسوی هر عملی یا قولی یا فعلی که نزدیک گرداند مرا

منك في هذه السنة يا ارحم الراحمين وامنعني من كل عمل

بتو درین سال ای بخشنده ترین بخشایندگان و باز دار مرا از هر عملی

او قول او فعل يكون مني اخاف ضرر عاقبته واخاف مقتك

یا قولی یا فعلی که باشد از من که می ترسم ضرر عاقبت آنرا و می ترسم دشمن داشتن تو

اياي عليه حذار ان تصرف وجهك الكريم عني فاستوجب به

مرا بر آن بجهت خوف از آنکه بگردانی روی لطف کرامی خود را از من پس مستحق گردم بسبب آن

نقصا من حظ لي عندك يا رؤف يا رحيم اللهم اجعلني في

کم شدن از بهره که مراست نزد تو ای مهربان ای مهربان بار خدایا بگردان مرا در

مستقبل سنتي هذه في حفظك وفي جوارك وفي كنفك وجللني

آینده سال من این سال در حفظ خود و در سایه خود و در پناه خود و بپوشان مرا

ستر عافيتك وهب لي كرامتك عز جارك وجل ثناؤك ولا اله

بپوشش عافیت خود و ببخش مرا انواع تشریف و ارجمند است همسایه تو و بزرگست ستایش تو و نیست معبودی

غيرك اللهم اجعلني تابعا لصالحي من مضى من اوليائك والحقني

غیر تو خداوندا بگردان مرا پیروی کننده مر نیکوکاری که گذشت از دوستان تو و در رسان مرا

بهم واجعلني مسلما لمن قال بالصدق عليك منهم واعوذ بك

با ایشان و بگردان مرا انقیاد برای آنکه گویا شده براستی بر تو از ایشان و پناه میگیرم بتو

بي خطيئتي وظلمي وإسرافي على نفسي واتباعي لهواي

آنکه فرو گیرد مرا گناه من و ستم من و تعدی من بر نفس خود و پیروی من خواهش خود را

واشتغالي بشهواتي فيحول ذلك بيني وبين رحمتك ورضوانك فأكون

و مشغول شدن من بخواهشهای خود پس حائل شود آن میان من و میان رحمت تو و خوشنودی تو پس بوده باشم

منسياً عندك متعرضاً لسخطك ونقمتك اللهم وفقني لكل عمل

فراموش شده نزد تو و پیش آینده مر غضب ترا و عذاب ترا خداوندا توفیق ده مرا از برای هر کردار

صالح ترضى به عني وقربني إليك زلفى اللهم كما كفيت نبيك

شایسته که خوشنود شوی بسبب آن از من و نزدیک گردان بسوی خود مرتبهٔ نزدیکی خداوندا چنانچه دفع کردی از پیغمبر خود

محمداً صلى الله عليه وآله هول عدوه وفرجت همه وكشفت غمه

محمد رحمت فرستد خدا برو و بر آل او شدت دشمن او را و کشودی اندوه او را و زائل کردی غم او را

وصدقته وعدك وأنجزت له عهدك اللهم فبذلك فاكفني

و راست نمودی برای او وعدهٔ خود را و روا کردی برای او عهد خود را خداوندا پس بآن وجه دفع کن از من

هول هذه السنة وآفاتها وأسقامها وفتنتها وشرورها وأحزانها

خوف این سال را و بلاهای آنرا و بیماریهای آنرا و آشوب آنرا و گزندهای آنرا و اندوههای آنرا

وضيق المعاش فيها وبلغني برحمتك كمال العافية بتمام دوام النعمة

و تنگی معاش را در آن و برسان مرا بسبب رحمت خود بکمال عافیت بتمامی همیشه بودن نعمت

عندي إلى منتهى أجلي أسألك سؤال من أساء وظلم واستكان واعترف

نزد من تا آخر مدت عمر من سوال میکنم ترا مانند سوال کسیکه بد کرده و ستم کرده و فروتنی کرده و اعتراف کرده

وأسألك أن تغفر لي ما مضى من الذنوب التي حصرتها حفظتك و

و میخواهم از تو آنکه بیامرزی برای من آنچه گذشته از گناهانی که فرا گرفته آنها را فرشتگان نویسندگان تو

أحصتها كرام ملائكتك علي وأن تعصمني اللهم من الذنوب فيما بقي

شمرده آنرا بزرگواران فرشتگان تو بر من و آنکه نگاه داری مرا خداوندا من از گناهان در آنچه باقی ماند

من عمري الى منتهى اجلي يا الله يا رحمن يا رحيم صلّ على

از عمر من تا آخر اجل من ای خدا ای بخشاینده ای مهربان رحمت فرست بر

محمد وآل محمد وآتني كل ما سألتك ورغبت اليك فيه فانك امرتني

محمد وعطا کن مرا هرانچه سوال کردم از تو و رغبت نمودم بسوی تو دران پس بدرستی که تو امر کردی مرا

بالدعاء وتكفلت لي بالاجابة يا ارحم الراحمين

بدعا وضامن شدی باجابت کردن ای مهربانترین بخشایندگان

وفصل پنجم در اعمال هر شب و روز ماه مبارک رمضان است از حضرت صادق و حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیهما منقولست که بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان این دعا بخواند

يا علي يا عظيم يا غفور يا رحيم انت الرب العظيم الذي ليس كمثله

ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان توئی پروردگار بزرگ مرتبه که نیست مانند او

شيء وهو السميع البصير وهذا شهر عظّمته وكرّمته وشرّفته

چیزی و اوست شنوا بینا و این ماه ماهی است که بزرگ گردانیدی آنرا و گرامی داشتی آنرا و بلند گردانیدی

وفضّلته على الشهور وهو الشهر الذي فرضت صيامه عليّ

وفضیلت دادی آنرا بر همه ماهها و آن ماهی است که واجب کردی روزه داشتن آنرا بر من

وهو شهر رمضان الذي انزلت فيه القرآن هدى للناس و

و آن ماه رمضان است که فرو آوردی دران قرآن را در حالتیکه راهنمای آدمیانست و

بينات من الهدى والفرقان وجعلت فيه ليلة القدر وجعلتها

معجزهاست از راهنمائی و جدا کننده حق از باطل و گردانیدی در آن شب قدر را و گردانیدی

خيرا من الف شهر فيا ذا المنّ ولا يمنّ عليك منّ عليّ بفكاك

بهتر از هزار ماه پس ای خداوند احسان و حالیکه منت گذاشته نمیشود بر تو بخشش کن بر من بخلاص

رقبتي من النار فيمن تمنّ عليه وادخلني الجنة برحمتك يا ارحم الراحمين

گردن من از آتش در زمره آنانکه بخشش نمائی بر ایشان و داخل کن مرا در بهشت برحمت خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

رمضان

و دعای [illegible] خوبست اقلاً شبی یکمرتبه خوبست که خوانده شود و بسند صحیح منقول است که هر که
در هر شب این ماه مبارک این دعا بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود

اَللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذَا الشَّهْرِ رَمَضَانَ الَّذِیْ اَنْزَلْتَ فِیْهِ الْقُرْاٰنَ وَافْتَرَضْتَ
خداوندا پروردگار این ماه رمضان که فرو آوردی دران قرآن را و واجب ساختی
عَلٰی عِبَادِكَ فِیْهِ الصِّیَامَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّارْزُقْنِیْ
بر بندگان خود دران روزه داشتن رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا
حَجَّ بَیْتِكَ الْحَرَامِ فِیْ عَامِیْ هٰذَا وَفِیْ كُلِّ عَامٍ وَّاغْفِرْ لِیْ تِلْكَ
حج خانه محترم خود در سال من این سال و در هر سالی و بیامرز برای من آن
الذُّنُوْبَ الْعِظَامَ فَاِنَّهٗ لَا یَغْفِرُهَا غَیْرُكَ یَا رَحْمٰنُ یَا عَلَّامُ
گناهان بزرگ را زیرا که بتحقیق نمی آمرزد آن گناهان را غیر تو ای بخشاینده ای بغایت دانا

و ایضاً هر شب هزار مرتبه سوره انا انزلناه سنت است خواندن و صد مرتبه سوره حم دخان اگر میسر شود و سحور خوردن در سحر هر شب ماه مبارک مستحب است و از حضرت رسول صلعم منقول است که ترک نکنید امت من سحور خوردن را اگرچه بیک دانه خرمائی بوده باشد و ایضاً از آنحضرت منقول است که حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که استغفار میکنند در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه بیک شربت آب باشد و بهترین سحورها قاووت است و خرما و ایضاً فرمود که سحور بخورید اگرچه بجرعه آبی باشد و خدا صلوات و رحمت میفرستد بر سحور خورندگان و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که سوره انا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند در ما بین این دو حالت ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته اند که اگر نیت روزه را بعد از سحور بکند بهتر است و از اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و همین که میداند و قصد دارد که فردا روزه میدارد و از برای خدا میکند بس است و اما آداب افطار سنت است که اول نماز شام را بکند و بعد از آن افطار کند مگر آنکه جمعی منتظر او بوده باشند یا آنکه گرسنگی و تشنگی بر او غالب باشد که مانع حضور قلب او باشد در نماز که درین دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است

و در وقت افطار سورهٔ انا انزلناه خواندن سنت است چنانچه و ...
رسول صلی الله علیه و آله و سلم منقول است که در وقت افطار ...

یا عظیم یا عظیم انت الهی لا اله لی غیرک اغفر لی

ای بزرگوار ای بزرگوار تو خدای منی نیست خدائی مرا غیر تو بیامرز برای من گناه

العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم

بزرگ را بدرستیکه نمی آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ

از گناهان بیرون رود مانند روزیکه از مادر متولد شده و از حضرت امام حسن علیه السلام منقول است که هر روزه داری اور در وقت افطار دعا مستجاب است پس باید در لقمهٔ اول بگوید

بسم الله الرحمن الرحیم یا واسع المغفرة اغفر لی

بنام خدای بخشایندهٔ مهربان ای فراگیرندهٔ آمرزش بیامرز مرا

و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام منقول است که در وقت افطار بگوید

اللهم لک صمت و علی رزقک افطرت و علیک توکلت

بارخدایا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو روزه گشودم و بر تو کذاشتم کار خود را

تا خدای تعالی عطا کند با و ثواب هر کس را که درین روز روزه داشته است و در روایت دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در وقت افطار بدو زانو می نشستند و

چون خوان را می گذاشتند می گفتند

اللهم لک صمنا و علی رزقک افطرنا فتقبله منا انک

بارخدایا برای تو روزه داشتیم و بر روزی تو روزه گشودیم پس بپذیر آنرا از ما بدرستیکه

انت السمیع العلیم

توئی شنوا و دانا

و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله افطار میکردند بر خرما و آب یا رطب و آب و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت در وقت افطار ابتدا

واگر نبی یافتند به نبات یا قند یا خرما افطار میکردند واگر حاضر نبود به آب
[illegible] میفرمودند که آب نیکو پاک میکند معده او قوت میدهد جگر را و بینائی را زیاده
میکند [illegible] و عروق را ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو می نشاند و قطع می کند
بلغم را و اطفای حرارت میکند و صداع را برطرف میکند وایضاً از حضرت رسول صلی الله علیه
وآله منقولست که هر که بر خرمای حلال افطار کند ثواب نمازش چهارصد برابر مضاعف گردد وازحضرت
صادق علیه السلام منقولست که افطار کردن با آب گناهان دل را میشوید در حدیث دیگر فرمود
حضرت امیر المومنین علیه السلام دوست میداشت که افطار فرماید بشیر وازحضرت امام رضا علیه
السلام منقولست که هر که در وقت افطار یک گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا گناهان او را بیامرزد
و ثواب یک بنده آزاد کردن از فرزندان اسمعیل در نامهٔ عمل او نوشته شود وبهترین اعمال در
روزها و شبهای ماه مبارک رمضان تلاوت قرآنست بسیار باید خواند چون در این
ماه نازل شده است ودر حدیث است که هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه مبارک رمضان
است ودر ماههای دیگر در ماهی یک ختم سنت است واقلش شش روز است ودر ماه مبارک
هر سه روز یک ختم سنت است واگر هر روز یک ختم تواند کرد خوب است ودر حدیث است
که بعضی از ائمه علیهم السلام در این ماه چهل ختم و زیاده میکرده اند واگر ختمی تواند
را بروح مقدس یکی از ائمه علیهم السلام و رسول خدا و فاطمه زهرا صلوات الله علیهما هدیه میکنند ثواب
مضاعف میگردد وصلوات بر محمد وآل محمد بسیار باید فرستاد واستغفار بسیار
باید کرد ولا اله الا الله بسیار باید گفت ونافله های شب و روز را ترک نباید کرد و
در شبهای طاق ماه مبارک رمضان غسل سنت است خصوصاً شب اول و پانزدهم و هفدهم
و نوزدهم وبیست و یکم وبیست و سوم ودر دهه آخر در شبهای جفت نیز غسل سنت است
خصوصاً شب آخر و در روایتی وارد شده است که در جمیع ماه هر شب غسل مستحب است و معتبر و سند
از حضرت صادق الامام علیه السلام منقول است که شیعیان نوشته اند که در هر شب ماه مبارک رمضان این
دعا را بخوانند اند دعای این ماه را ملائکه می شنوند و برای صاحبش استغفار میکنند و دعا این است

اللهم إني أفتتح الثناء بحمدك وأنت مسدد للصواب بمنك وأيقنت

خداوندا ابتدا میکنم ستایش را بثنای خود در ستایش تو و تو توفیق میدهی بصواب

أنت أرحم الراحمين في موضع العفو والرحمة وأشد المعاقبين في

تو بخشنده ترین بخشایندگانی در جایگاه عفو و رحمت و سخت گیرنده ترین عقوبت کنندگانی در جای

النكال والنقمة وأعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة اللهم

عقوبت و عذاب و بزرگترین بزرگوارانی در جایگاه بزرگواری و عظمت خدایا

أذنت لي في دعائك ومسألتك فاسمع يا سميع مدحتي وأجب

دستوری دادی مرا در دعای خود و خواستن از خود پس بشنو ای شنوا ثنای مرا و بپذیر

يا رحيم دعوتي وأقل يا غفور عثرتي فكم يا إلهي من كربة قد فرجتها

ای مهربان دعای مرا و درگذر ای آمرزنده از لغزش من چه بسیار خدای من اندوه که گشودی آنرا

وهموم قد كشفتها وعثرة قد أقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء

و غمها که بتحقیق زایل نمودی آنها را و لغزش که بتحقیق درگذشتی از آنها و رحمت که بتحقیق پهن کردی آنرا و حلقه بلا که

قد فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك

بتحقیق گشودی آنرا سپاس خدای را که نگرفته همسری را و نه فرزندی و نیست برای او انبازی

في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله بجميع محامده

در پادشاهی و نیست او را یاوری بجهت مذلت و بزرگ یاد کن او را بزرگ یاد کردنی سپاس خدا را بستایشهای

كلها على جميع نعمه كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه

تمام آنها بر همه نعمتهای او همه آنها سپاس مر خدای را که نیست مخالفت کننده مر او در پادشاهی

ولا منازع له في أمره الحمد لله الذي لا شريك له في خلقه ولا شبيه له

و نه خصومت نماینده برای او در امر او سپاس مر خدای را که نیست انبازی برای او در آفرینش و نه مانندی او را

في عظمته الحمد لله الفاشي في الخلق أمره وحمده الظاهر بالكرم

در بزرگی و سپاس مر خدای را که منتشر است در خلق فرمان او و سپاس او هویداست به بزرگی

امام محمد باقر علیه السلام فرمود که

رسول صلی الله علیه و آله

رمضان

ـنِهِ الباسِطِ بالجودِ يَدَهُ الَّذي لا تَنقُصُ خَزائِنُهُ ولا تَزيدُهُ كَثرَةُ

دستها وگشاده است به بخشش دست او آنخدائیکه کم نمیکرد خزانه های او و زیاده نمیکند او را بسیاری

العَطاءِ اِلّا جوداً وكَرَماً اِنَّهُ هُوَ العَزيزُ الوَهّابُ اللّهُمَّ اِنّي اَسأَلُكَ قَليلاً

عطا مگر بخشش و احسان بدرستیکه او است ارجمند بسیار بخشنده خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اندکی

مِن كَثيرٍ مَعَ حاجَةٍ بي اِلَيهِ عَظيمَةٍ وغِناكَ عَنهُ قَديمٌ وهُوَ عِندي كَثيرٌ

از بسیار با احتیاج من بسوی آن بسیار و بی نیازی تو از آن دیرینه است و از نزد من بسیار است

وهُوَ عَلَيكَ سَهلٌ يَسيرٌ اللّهُمَّ اِنَّ عَفوَكَ عَن ذَنبي وتَجاوُزَكَ عَن خَطيئَتي

و آن بر تو سهل و اندک است خداوندا بدرستیکه عفو تو از گناه من و تجاوز تو از خطای من

وصَفحَكَ عَن ظُلمي وسَترَكَ عَلى قَبيحِ عَمَلي وحِلمَكَ عَن كَثيرِ جُرمي عِندَ ما كانَ

و درگذشتن تو از ظلم من و پوشیدن تو برکردار زشت من و بردباری تو از گناه بسیار من و آنچه یافت شده

مِن خَطائي وعَمدي اَطمَعَني في اَن اَسأَلَكَ ما لا اَستَوجِبُهُ مِنكَ الَّذي

از خطای من و عمد من بطمع انداخته مرا در آنکه سوال کنم ترا آنچه را که مستحق سزاوار آن نیستم بچیزی که

رَزَقتَني مِن رَحمَتِكَ واَرَيتَني مِن قُدرَتِكَ وعَرَّفتَني مِن اِجابَتِكَ

روزی کردی مرا از رحمت خود و نمودی مرا از توانائی خود و شناسانیدی مرا از اجابت خود

فَصِرتُ اَدعوكَ آمِناً واَسأَلُكَ مُستَأنِساً لا خائِفاً ولا وَجِلاً مُدِلّاً

پس گردیدم که میخوانم ترا با ایمنی و درمیخواهم ترا انس دارنده نه ترسان نه بیمناک نازکننده

عَلَيكَ فيما قَصَدتُ فيهِ اِلَيكَ فَاِن اَبطَأَ عَنّي عَتَبتُ بِجَهلي عَلَيكَ

بر تو در آنچه آهنگ کردم در آن بسوی تو پس اگر درنگ شود از من عتاب نمودم بنادانی خود بر تو

ولَعَلَّ الَّذي اَبطَأَ عَنّي هُوَ خَيرٌ لي لِعِلمِكَ بِعاقِبَةِ الاُمورِ فَلَم اَرَ مَولىً

و شاید که آنچه درنگ رسیده از من آن بهتر باشد برای من بسبب علم تو بآخر کارها پس ندیدم سیدی

كَريماً اَصبَرَ عَلى عَبدٍ لَئيمٍ مِنكَ عَلَيَّ يا رَبِّ اِنَّكَ تَدعوني فَاُوَلّي عَنكَ

بزرگواری بردبار کننده تر بر بنده سفله از تو بر من ای پروردگار من بتحقیق تو میخوانی مرا پس میگردانم از تو

و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که از جمله حق مؤمن بر مؤمن آنست که چون بضیافت او را طلبد قبول کند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که وصیت میکنم حاضران و غایبان امت خود را که دعوت مسلمانان را قبول کنند اگرچه پنج میل راه باشد که این از دین لازم است

فصل دوم در فضیلت طعام دادن و از حضرت صادق علیه السلام منقول است

وتحبّب إليّ فأتبغّض إليك وتتودّد إليّ فلا أقبل منك كأنّ

و دوستی میکنی بسوی من پس دشمنی میکنم بسوی تو و مهربانی میکنی بسوی من پس نمی‌پذیرم از تو گویا

لي التطوّل عليك فلم يمنعك ذلك من الرحمة لي والإحسان إليّ

مر احسان است بر تو پس باز نداشت ترا آن از مهربانی بمن و احسان بسوی من

والتفضّل عليّ بجودك وكرمك فارحم عبدك الجاهل وجد عليه

و بخشش بر من ببخشش خود و بزرگواری خود پس رحم کن بنده خود را بخشش کن بر او

بفضل إحسانك إنّك جواد كريم الحمد لله مالك الملك مجري

بزیادتی بخشش خود بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری سپاس مر خدای را پادشاه پادشاهی روان کننده

الفلك مسخّر الرياح فالق الإصباح ديّان الدين ربّ العالمين الحمد

کشتیها رام سازنده بادها شکافنده سپیده دم جزا دهنده روز جزا پروردگار جهانیان سپاس

لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد

مر خدا را بر بردباری او بعد از علم او و سپاس خدا را بر عفو او پس از توانائی او و سپاس

لله على طول أناته في غضبه وهو قادر على ما يريد الحمد لله خالق الخلق

مر خدا را بر درازی درنگ او در غضب او و او توانا است بر آنچه اراده نماید سپاس مر خدا را آفریننده خلق

باسط الرزق فالق الإصباح ذي الجلال والإكرام والفضل والإنعام

و فراخ سازنده روزی شکافنده صبح خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و بخشش و نعمت را

الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى الحمد لله الذي

آنچنان که دور است پس دیده نمیشود و نزدیک است پس آگاه است از راز

ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير يعاضده

نیست برای او نزاع کننده که برابری کند او را و نه مانندی که ماند او را و نه یاری که مدد کند او را

قهر بعزّته الأعزّاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته ما يشاء

قهر و غلبه کرد بعزت خود بر عزیزان و فروتنی نمودند برای بزرگی او بزرگان پس رسید بتوانائی خود بآنچه خواهد

الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة وانا

سپاس خدایرا که اجابت میکند هنگامیکه بخوانم او را و می پوشد بر من هر زشتی را و حال آنکه من

اعصيه ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة قد اعطاني

نافرمانی میکنم او را و بزرگ میکند نعمت را بر من پس شکر نمی کنم او را پس چه بسیار از بخشش گوارا که بتحقیق بخشید مرا

وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني وبلية موبقة

و بلائی بزرگ بیم نموده شده که بتحقیق دفع نمود از من و نکوئی خوش آینده که بتحقیق نمود مرا و بلای هلاک کننده

قد درأ عني فاثني عليه حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي

که بتحقیق دفع کرد از من پس ستایش میکنم او را ثناگویان و یاد میکنم او را به پاکیزگی یادکنان سپاس خدایرا

لا يهتك حجابه ولا يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله

دریده نمی شود پرده او و بسته نمی شود درگاه او و برگردانیده نمی شود خواهنده از و نا امید گردانیده نمی شود

الحمد لله الذي يؤمن الخائفين وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين

سپاس خدایرا که ایمنی بخشد ترسندگان را و برهاند شایستگان را و برمیدارد ناتوانان را

ويضع المستكبرين ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين والحمد لله قاصم

و پست میسازد گردنکشان را و نیست میکند پادشاهان را و جانشین میکند دیگران را و سپاس خدایرا درهم شکننده

الجبارين مبير الظالمين مدرك الهاربين نكال الظالمين صريخ

ستمگران هلاک سازنده ستمکاران دریابنده گریزندگان عذاب کننده ستمکاران دادرس

المستصرخين موضع حاجات الطالبين معتمد المؤمنين الحمد لله الذي

دادخواهان قرارگاه حاجتهای سوال کنندگان اعتماد کرده شده گرویدگان سپاس خدایرا که

من خشيته ترعد السماء وسكانها وترجف الارض وعمارها

از ترس او مضطرب است آسمان و قرار گرفتگان او و می لرزد زمین و ساکنان او

وتموج البحار ومن يسبح في غمراتها الحمد لله الذي هدانا لهذا

و موج میزند دریاها و آنکه شناوری میکند در گردابهای آن سپاس خدایرا که راه نمود ما را باین

وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّٰهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يُخْلَقْ

و نبودیم ما که راه یابیم اگر نمی بود آنکه راه نمود ما را خدا سپاس خداوندی را که می آفریند و آفریده نشده

وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتىٰ

و روزی میدهد و روزی داده نشده و میخوراند و خورانیده نشده و می میراند زندگان را و زنده میسازد مردگان را

وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ

و او زنده ایست که نمی میرد بدست اوست هر نیکی و او بر همه چیز توانا است خداوندا رحمت فرست بر

مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ

محمد بندهٔ تو و رسول تو و امانت دار تو و برگزیدهٔ تو و دوست تو و اختیار کرده شدهٔ تو

مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسَالَاتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ

از خلق تو و نگاه دارندهٔ راز تو و رسانندهٔ پیغام تو زیاده تر و نیکوتر و بهتر

وَأَكْمَلَ وَأَزْكىٰ وَأَنْمىٰ وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنىٰ وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ

و تمام تر و طاهر تر و افزایش کننده تر و پاکیزه تر و بلند پایه تر و بیشتر آنچه رحمت فرستادی

وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلىٰ أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ

و برکت دادی و ترحم نمودی و مهربانی کردی و درود دادی بر یکی از بندگان خود و پیغمبران خود

وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكَرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و فرستادگان خود و برگزیدگان خود و آنانکه گرامی اند بر تو از خلق خود خداوندا رحمت فرست

عَلىٰ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ

بر علی پادشاه گروندگان و وصی رسول پروردگار جهانیان بندهٔ تو و دوست تو

وَأَخِي رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ عَلىٰ خَلْقِكَ وَآيَتِكَ الْكُبْرىٰ وَالنَّبَإِ الْعَظِيمِ

و برادر رسول تو و حجت تو بر آفریدگان تو و نشان بزرگ تو و خبر بزرگ

وَصَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

و رحمت فرست بر راست گوی پاک فاطمه زهرا بزرگ زنان عالمیان

وصلّ علی سبطی الرحمة وامامی الهدی الحسن والحسین سیّدی شباب

ورحمت بفرست بر دو فرزند زادهٔ رحمت و دو پیشوای راه نما حسن وحسین دو بزرگ جوانان

اهل الجنة وصلّ علی ائمة المسلمین علی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر

اهل بهشت ورحمت بفرست بر پیشوایان مسلمانان زین العابدین علیه السلام وامام محمد باقر ع وامام جعفر صادق

بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد

فرزند محمد باقر وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد

والحسن بن علی والخلف الهادی المهدی حججک علی عبادک

وحسن بن علی وجانشین راه نما راه یافته حجت های تو بر بندگان تو

وامنائک فی بلادک صلوة کثیرة دائمة اللهم وصلّ علی ولیّ امرک

وامانت داران تو در شهرهای تو رحمت بسیار پیوسته خداوندا رحمت بفرست بر خداوند امر خود

القائم المؤمّل والعدل المنتظر وحفّه بملائکتک المقربین وایده بروح

برپا ایستاده امید داشته شده وداد خواه انتظار کرده شده فرو گیر او را به فرشتگان خود که نزدیکانند وقوت ده او را بروح

القدس یا ربّ العالمین اللهم اجعله الداعی الی کتابک والقائم

قدس ای پروردگار جهانیان خداوندا بگردان او را خوانندهٔ بسوی کتاب خود و برپا دارندهٔ

بدینک استخلفه فی الارض کما استخلفت الذین من قبله مکّن له

دین خود خلیفه گردان او را در زمین چنانچه خلیفه گردانیدی آنانرا که بودند پیش از او جای ده برای او

دینه الذی ارتضیته له ابدله من بعد خوفه امنا یعبدک لا یشرک

دین او را که پسندیدی آنرا برای او بدل کن برای او پس از بیم وامنی را پرستد ترا شریک نگرداند

بک شیئا اللهم اعزّه واعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصرا عزیزا

با تو چیزی را خداوندا غالب گردان او را وغالب گردان بسبب او ویاری کن او را وانتقام کش بسبب او ویاری کن او را یاری

وافتح له فتحا یسیرا واجعل له من لدنک سلطانا نصیرا اللهم اظهر به

وبگشا برای او گشودن آسان وبگردان برای او از نزد خود حجتی یاری نماینده خداوندا ظاهر کن بسبب او

دينك وسنة نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من

دين خود را وطريقه پيغمبر خود را تا آنكه پنهان ندارد چيزی از حق بجهت بيم كسی از

الخلق اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله

آفريدگان خداوندا بدرستيكه ما خواهشمنديم بسوی تو در دولت گرامی كه عزيز داری بآن اسلام و اهل آن را

وتذل بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك

وخوار گردانی بآن نفاق و اهل نفاق را وبگردانی ما را در آن از خوانندگان بسوی طاعت خود

والقادة الى سبيلك وترزقنا بها كرامة الدنيا والآخرة اللهم ما

وكشندگان بسوی راه خود وروزی كن ما را بسبب آن كرامت اين جهان وآن جهان خداوندا آنچه

عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا عنه فبلغناه اللهم المم به

شناسانيدی ما را از حق پس توفيق عمل آن را عطا فرما و آنچه باز مانديم از آن پس برسان ما را بآن خداوندا جمع كن

شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا وكثر به قلتنا واعزز به

پراكندگی ما را و بهم آور بسبب او شكاف ما را و التيام ده بحرمت او جدا شدگی ما را و بسيار كن بسبب او كمی ما را

ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا واجبر به فقرنا وسد به

خواری ما را و بی نياز كن با او نيازمند ما را و ادا كن بسبب او قرض ما را و تدارك كن با او احتياج ما را و سد كن

خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك به اسرنا وانجح

حاجت ما را و آسان كن بسبب او مشكل ما را و سفيد كن بسبب او روی ما را و دور كن بسبب او گرفتاری ما را و روا

به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا واعطنا

با او حاجت ما را و روا كن بسبب او وعده های ما را و بپذير بحرمت او دعای ما را و عطا كن

به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والآخرة آمالنا واعطنا به فوق

با او سؤل ما را و برسان ما را بسبب او از دنيا و آخرت آرزوهای ما و عطا كن ما را بحرمت او بالاتر

رغبتنا يا خير المسئولين واوسع المعطين اشف به صدورنا

خواهش ما ای بهترين سؤال شدگان و فراگيرنده ترين بخشندگان شفا ده بسبب او سينه های

وَاذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا وَاهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتُلِفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ

و برسبب او خشم دلهای ما را و راه نمائی کن ما را بآنچه اختلاف کرده شده در آن از حق بحضرت

إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَانْصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ

بدرستیکه تو راه نمائی کنی هر کرا خواهی بسوی راه راست و یاری ده ما را بسبب او بر دشمن خود

وَعَدُوِّنَا إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا صَلَوَاتُكَ

و دشمن ما ای خدای حق دعا را اجابت کن خداوندا بدرستیکه ما شکایت میکنیم بسوی تو از فقد پیغمبر خود رحمتهای تو

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ

بر او و بر آل او و پنهانی صاحب اختیار ما و بسیاری دشمن ما و کمی شمار ما و سخت شدن

الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنَّا عَلَى

آشوبهای ما و یاری دادن زمانه بر ما پس رحمت فرست بر محمد و آل او و مدد کن ما را

ذَلِكَ بِفَتْحٍ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانِ حَقٍّ تُظْهِرُهُ

آن بگشایش که بشتاب آوری و بدفع گزندی که رفع نمائی آن را و یاری که غالب گردانی آن را و پادشاه حق که ظاهر گردانی اورا

وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و رحمت از خود که فرو گیری ما را بآن و عافیت از خود که بپوشانی ما را بآن بخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

وبسند بسیار معتبر بلکه صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در هر شب

این ماه مبارک این دعا بخوانند

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ

خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی در آنچه حکم کرده و تقدیر نموده از امر حتم کرده شده

فِي الْأَمْرِ الْحَكِيمِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي

در امر موافق حکمت از آن حکمی که رد کرده نشود و بدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا

مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ

از حج کنندگان خانه محترم که پذیرفته باشد حج ایشان جزا داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود

وآله وسلم و تشغلنا عن رحمته
برحمتك يا ارحم الراحمين

حضرت صادق علیه السلام فرمود
که آب بسیار مخورید که ماده همه دردها است

و حضرت امام رضا علیه السلام فرمود
که بالای طعام آب بسیار خوردن

ذُنُوبَهُمُ الْمُكَفِّرَ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ وَاَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ اَنْ

گناهان ایشان و گذشته شود از بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در جمله آنچه حکم کنی و اندازه کنی آنکه

تُطِيلَ عُمْرِي فِي خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ وَتُوَسِّعَ فِي رِزْقِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ

دراز کنی عمر مرا در نیکویی و عافیت و آنکه گشادگی بخشی در روزی من بگردانی مرا از آنانکه

تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي

انتقام کشی بسبب ایشان از برای دین خود و بدل مکن از غیر مرا

و این دعا عالیة المضامین نیز در هر
شب وارد شده است

اللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِي الصَّالِحِينَ فَاَدْخِلْنَا وَفِي عِلِّيِّينَ فَارْفَعْنَا وَ

خداوندا برحمت خود در زمره شایستگان پس داخل کن ما را و در علیین پس بلند کن ما را و

بِكَاْسٍ مِنْ مَعِينٍ مِنْ عَيْنٍ سَلْسَبِيلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِينِ

بجامی از شراب شیرین از چشمه سلسبیل پس آب ده ما را و از دیدگان فراخ چشم

بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِينَ كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ

برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاویدان که گویا ایشان مروارید پوشیده اند

فَاَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ وَلُحُومِ الطَّيْرِ فَاَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِيَابِ

پس خادم بخش ما را و از میوه های بهشت و گوشت های مرغ پس بخوران ما را و از جامه های

السُّنْدُسِ وَالْحَرِيرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ فَاَلْبِسْنَا وَلَيْلَةَ الْقَدْرِ وَحَجَّ

دیبای نازک و ابریشمی و دیبای سطبر پس بپوشان ما را و برکت در یافت شب قدر و حج

بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِي سَبِيلِكَ فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْئَلَةِ

خانه محترم خود و کشته شدن در راه قرب خود پس توفیق ده ما را و شایسته دعا و سوال را

فَاسْتَجِبْ لَنَا وَاِذَا جَمَعْتَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَارْحَمْنَا

پس مستجاب کن برای ما و هرگاه جمع آوری پیشینیان و پسینیان در روز رستخیز پس رحم کن ما را

رمضان

بسیار مخور و در وقت طعام خوردن آب بسیار مخور

وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا وَفِي جَهَنَّمَ فَلَا تَغُلَّنَا وَفِي عَذَابِكَ وَ

و بیزاری از آتش بنویس برای ما و در دوزخ پس غل مکن ما را و در عذاب خود و

هَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّرِيعِ فَلَا تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّيَاطِينِ

خواری خود پس مبتلا مکن ما را و از درخت زقوم و خار خشک زهردار پس مخوران ما را و با دیوان پلید

فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِي النَّارِ عَلَى وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُبْنَا وَمِنْ ثِيَابِ

پس مگردان ما را و در آتش بر روهای ما پس میفکن ما را و از جامه های

النَّارِ وَسَرَابِيلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ يَا لَا إِلٰهَ

آتش و پیراهن های قطران میوشان ما را و از هر بدی ای آنکه نیست خدا

إِلَّا أَنْتَ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ فَنَجِّنَا

مگر تو بحق لا اله الا انت پس برهان ما را

اما دعای سحر بسند بسیار معتبر وارد شده است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که این دعائیست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام در سحر میخواندند و میفرمودند که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آنرا هر آینه بشمشیر برای طلب این دعا با یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا درین دعاست هر آینه راست گفته ام پس چون این دعا را بخوانند باهتمام تمام و تضرع بخوانند و از غیر اهلش پنهان دارند و دعا اینست

اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِأَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ إِنِّي

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستیکه

أَسْأَلُكَ بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ

سوال میکنم از تو به نیکوئی تو سر نیکوئی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی

جَمِيلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

نیکوست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به نیکوئی تو سر نیکوئی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

مِنْ جَلَالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ جَلِيلٌ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَلَالِكَ

از بزرگواری تو به بزرگوارترین آن و هر بزرگواری تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به بزرگواری

كُلِّه اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظیمَةٌ

بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از بزرگی تو به بزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگ است

اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعَظَمَتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ نُورِكَ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو به بزرگی تو بهر بزرگی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نور تو

بِاَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ نَیِّرٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اللّهُمَّ اِنّی

به روشن ترین آن و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بنور تو بهر نوری خداوندا بدرستیکه

اَسْئَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ بِاَوْسَعِها وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

سؤال میکنم ترا از رحمت تو بفراگیرنده ترین آن و هر رحمتی از تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بِرَحْمَتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِاَتَمِّها وَكُلُّ كَلِماتِكَ

برحمت تو بهر رحمتی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از کلمهای تو بتمام ترین آنها و هریک از کلمات تو

تامَّةٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ كَمالِكَ

تمام است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکلمهای تو بهریک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از صفات کمال تو

بِاَكْمَلِهِ وَكُلُّ كَمالِكَ كامِلٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ اللّهُمَّ اِنّی

به کاملترین آن و هر کمال تو کامل است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بکمال تو بهر کمالی خداوندا بدرستیکه

اَسْئَلُكَ مِنْ اَسْمائِكَ بِاَكْبَرِها وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبیرَةٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

سؤال میکنم ترا از نامهای تو به بزرگترین آنها و هریک از نامهای تو بزرگ است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بِاَسْمائِكَ كُلِّها اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِاَعَزِّها وَكُلُّ عِزَّتِكَ

بنامهای تو بهریک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از ارجمندی تو بارجمندترین آن و هر ارجمندی تو

عَزیزَةٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

ارجمند است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بارجمندی تو بهر ارجمندی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

مِنْ مَشِیَّتِكَ بِاَمْضاها وَكُلُّ مَشِیَّتِكَ ماضِیَةٌ اللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

از خواهش تو بگذرنده ترین آن و هر خواهشی از تو گذرنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

بمشيتك كلها اللهم اني اسألك من قدرتك بالقدرة التي استطلت

بمشیت تو همه مشیتی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از توانائی تو بآن توانائی که استیلا دادی

بها على كل شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم اني اسألك

بسبب آن بر هر چیز و هر توانائی از تو مستولی است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

بقدرتك كلها اللهم اني اسألك من علمك بانفذه وكل علمك

به توانائی تو هر توانائی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از دانش تو روان ترین آن و هر دانش تو

نافذ اللهم اني اسألك بعلمك كله اللهم اني اسألك من قولك

روانست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بعلم تو هر علمی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از گفتار تو

بارضاه وكل قولك رضي اللهم اني اسألك بقولك كله

پسندترین آن و هر گفتاری از تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بگفتار تو همه آن

اللهم اني اسألك من مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از سوالهای تو بدوست ترین آنها بسوی تو و هر یک از سوالهای تو

اليك حبيبة اللهم اني اسألك بمسائلك كلها اللهم اني اسألك

بسوی تو دوست است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسوالهای تو هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم اني اسألك بشرفك

از رفعت تو برفیع ترین آن و هر رفعتی از تو رفیع است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا برفعت تو

كله اللهم اني اسألك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم

همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از سلطنت تو بهمیشه ترین آن و سلطنتی از تو همیشه است

اللهم اني اسألك بسلطانك كله اللهم اني اسألك من ملكك بافخره وكل

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از ملک تو بفخرترین آن و هر

ملكك فاخر اللهم اني اسألك بملكك كله اللهم اني اسألك من علوك باعلاه

ملک تو فاخر است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بملک تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بلندی تو بلندترین آن

رمضان

فضیلت باشد این نماز را که از فضل خدا و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که زن عثمان بن مظعون بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله عثمان روزها روزه می باشد و شبها نماز می کند

عُلُوِّكَ عَالٍ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِعُلُوِّكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ

بلندی تو بلند است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانعام تو بهر انعامی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

مَنِّكَ بِاَقْدَمِهِ وَكُلُّ مَنِّكَ قَدِیمٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ كُلِّهِ

انعام تو باو پیشترین آن و هر انعامی از تو دیرینه است خداوندا بدرستیکه سوال میکنم بانعام تو بهر انعامی

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ مِنْ آیَاتِكَ بِاَكْرَمِهَا وَكُلُّ آیَاتِكَ كَرِیمَةٌ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نشانهای تو بگرامی ترین آن و هر یک از نشانهای تو گرامی است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِآیَاتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِمَا اَنْتَ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنشانهای تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانچه تو

فِیهِ مِنَ الشَّاْنِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَاْنٍ وَحْدَهُ وَجَبَرُوتٍ

در آنی از بزرگواری و بزرگواری و سوال میکنم ترا بهر کاری که یگانه است آن و بزرگواری

وَحْدَهَا اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُكَ بِمَا تُجِیبُنِی حِینَ اَسْأَلُكَ فَاَجِبْنِی یَا اَللّٰهُ

که یگانه است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بانچه اجابت کنی مرا هنگامیکه سوال میکنم پس اجابت کن مرا ای خدا

پس هر حاجت که خواهد از حق تعالی بخواهد که البته بر آورده می شود و از جمله دعاهای

مشهوره سحر دعائیست که شیخ طوسی و دیگران از ابو حمزهٔ ثمالی روایت کرده اند

که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب را

نماز میکردند و چون سحر می شد این دعا میخواندند

اِلٰهِی لَا تُؤَدِّبْنِی بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمْكُرْ بِی فِی حِیلَتِكَ مِنْ اَیْنَ لِیَ الْخَیْرُ

خدای من ادب مکن مرا بعقوبت خود و مکر مکن با من در مکر خود از کجاست مرا نیکی

یَا رَبِّ وَلَا یُوجَدُ اِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ اَیْنَ لِیَ النَّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ

ای پروردگار من و حال آنکه یافت نمیشود مگر از نزد تو و از کجاست مرا رستگاری و حال آنکه مقدور نیست

اِلَّا بِكَ لَا الَّذِی اَحْسَنَ اسْتَغْنٰی عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِی اَسَاءَ

مگر بلطف تو نه آنکه نیکوئی کرده بی نیاز است از یاری تو و رحمت تو و نه آنکه گناه کرد

حضرت غضنفر که نزد عثمان آمد و فرمود که ای عثمان خدا مرا نفرستاده است برهبانیت و لیکن مرا فرستاده است بشریعت سهل و آسان من روزه میگیرم و نماز میکنم و با زنان خود نزدیکی میکنم پس کسیکه دوست دارد سنت مرا باید که بسنت من عمل نماید و از جمله سنت من نکاح زنان است

وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و دليری نمود بر تو و خشنود نساخته ترا بيرون رفت از قدرت تو ای پروردگار من ای پروردگار من

انقدر بگويد که نفس منقطع شود

و بعد از ان بگويد

بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ

بتو شناختم ترا و تو راه نمودی مرا بر خود و خواندی مرا بسوی خود و اگر نمی بود راهنمائی تو

لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئاً

نميدانستم که چيستی تو سپاس مر خدائرا که ميخوانم اورا اجابت ميکند مرا و اگرچه بوده باشم درنگ کننده

حِينَ يَدْعُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلاً

هنگاميکه ميخواند مرا و سپاس مر خدائرا که درميخواهم از او پس بخشش ميکند مرا و اگرچه بوده باشم بخل نماينده

حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي

هنگاميکه وام خواهد از من و سپاس مر خدايرا که ميخوانم اورا هرگاه خواهم برای حاجت خود

وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي

و خلوت ميکنم با او آنجا که خواهم بجهت راز خود بی شفاعت کننده پس وا ميکند برای من حاجت من

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَلَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي

و سپاس مر خدائرا که ميخوانم اورا و نميخوانم غير اورا و اگر ميخواندم غير اورا نمی پذيرفت برای من

دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَرْجُوهُ وَلَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ

دعای مرا و سپاس مر خدائرا که اميدوارم اورا و اميد ندارم از سوای او و اگر اميد داشتم غير اورا هر آينه خلاف ميکرد

رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ

اميد مرا و سپاس مر خدائرا که واگذاشته مرا بسوی خود پس گرامی داشت مرا و وانگذاشت مرا بسوی آدميان

فَيُهِينُونِي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

پس خوار نمايند مرا و سپاس مر خدائرا که دوستی نمود بسوی من در حال آنکه او بی نياز است از من سپاس مر خدائرا که

رمضان

فصل سوم

يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنْ لَا ذَنْبَ لِي فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ

بردباری مینماید از من تا بجدیکه گویا نیست گناهی پس پروردگار من ستوده ترین چیزیست نزد من و سزاوارتر

بِحَمْدِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ

بسپاس من خداوندا بدرستیکه من مییابم راههای مطلبها را بسوی تو گشوده و آبخورهای

الرَّجَاءِ لَدَيْكَ مُتْرَعَةً وَالِاسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَّلَكَ مُبَاحَةً

امید را نزد تو پر آب و یاری جستن را بجبخشش تو برای آنکه امید دارد ترا حلال کرده

وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِخِينَ مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِينَ

و درهای دعا بسوی تو برای استغاثه نمایندگان گشوده و میدانم که بتحقیق تو برای امیدواران

بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى

در جایگاه اجابتی و برای ستم رسیدگان در جایگاه فریادرسی و آنکه بتحقیق در استغاثه بسوی

جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عِوَضاً عَنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً

بخشش تو و خوشنودی بحکم تو عوضیست از منع بخیلان و وسعت و بی نیازیست

عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ

از آنچه در دستهای غصب کنندگانست و آنکه بتحقیق کوچ نماینده بسوی تو نزدیک راهست

وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ

و بتحقیق تو پنهان نمی باشی از خلق خود مگر آنکه حائل شود ایشان را آرزوها بغیر تو و بتحقیق

قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ

قصد کردم بسوی تو بمطلب خود و رو آوردم بسوی تو بحاجت خود و گردانیدم بتو

اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسُّلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي

دادجوئی خود را و بخواندن تو وسیله جوئی خود را بی آنکه سزاوار باشم شنیدن ترا از من

وَلَا اسْتِيجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِثِقَتِي بِكَرَمِكَ وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ

و نه آنکه مستوجب باشم درگذشتن ترا از من بلکه بجهت اعتماد من به بزرگواری تو و آرام گرفتن من بسوی راستی

رمضان

وعدك وألجأني إلى الإيمان بتوحيدك ويقيني بمعرفتك مني

وعده تو ویاد آوردن من بسوی تصدیق بیگانگی تو وجزم داشتن من بشناخت تو از من

أن لا رب لي غيرك ولا إله إلا أنت وحدك لا شريك لك اللهم

انکه نیست پروردگاری برای من غیر تو ونیست سزاوار پرستش مگر تو در حالیکه یگانه نیست شریکی برای تو خداوندا

أنت القائل وقولك حق ووعدك صدق واسألوا الله من فضله

توئی گوینده وگفتار تو درست است ووعده تو راست است وسوال کنید خدارا از بخشش او

إن الله كان بكم رحيما وليس من صفاتك يا سيدي أن تأمر

بدرستیکه خدا است بشما مهربان ونیست از خصلتهای تو ای بزرگ من انکه امر کنی

بالسؤال وتمنع العطية وأنت المنان بالعطيات على أهل مملكتك

بسوال وبازداری بخشش را وتوئی بسیار بخشنده بخششها براهل مملکت خود

والعائد عليهم بتحنن رأفتك إلهي ربيتني في نعمك وإحسانك

ومنفعت رساننده برایشان بزیادی مهربانی خود خدای من پروردی مرا در نعمتهای خود واحسان خود

صغيرا ونوهت باسمي كبيرا فيا من رباني في الدنيا بإحسانه وتفضله

حال انکه خورد بودم وبلند کردی آوازه نام مرا در حال بزرگی من پس ای انکه پرورد مرا در دنیا بنیکوئی خود وتفضل او

ونعمه وأشار لي في الآخرة إلى عفوه وكرمه معرفتي يا مولاي دليلي عليك

ونعمتهای خود واشاره کرد مرا در آخرت بسوی درگذشتن خود وبخشش خود شناختن من ای آقای من دلیل من است بر تو

وحبي لك شفيعي إليك وأنا واثق من دليلي بدلالتك وساكن

ودوستی من شفاعت کننده است بسوی تو ومن اعتماد دارم از دلیل خود بدلالت تو واطمینان دارم

من شفيعي إلى شفاعتك أدعوك يا سيدي بلسان قد أخرسه

از شفیع خود به پذیرفتن تو میخوانم ترا ای بزرگ من بزبانی که بتحقیق گنگ نموده اورا

ذنبه رب أناجيك بقلب قد أوبقه جرمه أدعوك يا رب راهبا راغبا

گناه او پروردگار من آهسته میگویم ترا بدلی که بتحقیق هلاک کرده اورا گناه او میخوانم ترا ای پروردگار من ترسناک

راجياً خائفاً اذا رأيت مولاي ذنوبي فزعت واذا رأيت كرمك

امیدوار ترسان هرگاه می‌بینم ای آقای من گناهان خود را می‌ترسم و هرگاه می‌بینم بزرگواری ترا

طمعت فان عفوت فخير راحم وان عذبت فغير ظالم حجتي يا الله في

امیدوار میگردم پس اگر درگذری پس تو بهترین بخشندگانی و اگر عذاب کنی پس نیستی ستمکار حجت من خداوندا

جرأتي على مسألتك مع اتياني ما تكره جودك وكرمك وعدتي

دلیری من بر سوال کردن از تو با بجا آوردن من چیزی که ناخوش داری آن بخشش تو و بزرگواری تست و ذخیره من

في شدتي مع قلة حيائي رأفتك ورحمتك وقد رجوت ان لا تخيب

در حال سختی من با کمی شرم من مهربانی تو و بخشش تست بتحقیق امیدوارم که نا امید نگردانی

بين ذين وذين منيتي فحقق رجائي واسمع دعائي يا خير من دعاه داع

میانه آن و آن آرزوی مرا پس ثابت دار امید مرا و بپذیر دعای مرا ای نیکوتر کسیکه خوانده او را خواننده

وافضل من رجاه راج عظم يا سيدي املي وساء عملي فاعطني من

و بهتر کسیکه امید داشته او را امیدوار بزرگست ای آقای من آرزوی من و بد است کردار من پس عطا کن مرا از

عفوك بمقدار املي ولا تؤاخذني باسوء عملي فان كرمك يجل عن

درگذشتن خود باندازه آرزوی من و فرا مگیر مرا به بدترین کردار من پس براستی بزرگواری تو بزرگوار است

مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة المقصرين وانا يا سيدي

از جزا دادن گناهکاران و بردباری تو بزرگتر است از پاداش دادن تقصیر کنندگان و من ای آقای من

عائذ بفضلك هارب منك اليك متنجز ما وعدت من الصفح عمن

پناه گیرنده ام ببخشش تو گریزنده ام از تو بسوی تو خواهانم روا کردن آنچه را که وعده فرمودی از گذشتن

احسن بك ظناً وما انا يا رب وما خطري هبني بفضلك وتصدق علي

نیک پندارنده بتو گمان و چیستم من ای پروردگار من و چیست خطر من ببخش مرا ببخشش خود و نوازش کن

بعفوك اي رب جللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك

مرا بگذشتن خود ای پروردگار من بپوشان مرا به پوشش خود و درگذر از سرزنش کردن من به بزرگواری ذات خود

فلو اطّلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلته ولو خفت تعجيل العقوبة

پس اگر آگاه میشد امروز بر گناه من غیر تو نمیکردم آن را و اگر می‌ترسیدم شتابی نمودن بعقوبت

لاجتنبته لا لانك اهون الناظرين اليّ واخفّ المطّلعين عليّ بل

هر اینه دوری میکردم از گناه نه از جهت آنکه تو خوارترین نگرندگانی بسوی من و سبکترین اطلاع دارندگانی بر من بلکه

لانك يا ربّ خير الساترين واحكم الحاكمين واكرم الاكرمين

بجهت آنکه بتحقیق تو ای پروردگار من بهترین پوشندگانی و حکم کننده‌ترین حکم کنندگانی و بزرگترین بزرگوارانی

ستّار العيوب غفّار الذنوب علّام الغيوب تستر الذنب بكرمك

بسیار پوشنده ناپسندیهائی و بغایت آمرزنده گناهانی بسیار دانا بنهانیهائی می‌پوشانی گناهان را به بزرگواری خود

وتؤخّر العقوبة بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك

و پس میداری عقوبت را ببردباری خود پس مر تراست سپاس بر بردباری تو بعد از علم تو و بر درگذشتن تو

بعد قدرتك ويحملني ويجرّئني على معصيتك حلمك عنّي ويدعوني

پس از توانائی تو و میدارد مرا و دلیر میکند مرا بر نافرمانی تو بردباری تو از من و میخواند مرا

الى قلّة الحياء سترك عليّ ويسرعني الى التوثّب على محارمك معرفتي

بسوی کم شرمی پوشیدن تو بر من و شتاب می‌آورد بسوی دست یافتن بر چیزهائیکه حرام کرده‌ئی شناختن من

بسعة رحمتك وعظيم عفوك يا حليم يا كريم يا حيّ يا قيّوم يا غافر

فراخی بخشش ترا و درگذشتن بزرگ ترا ای بردبار ای بزرگوار ای زنده ای پاینده ای آمرزنده

الذنب يا قابل التوب يا عظيم المنّ يا قديم الاحسان اين سترك

گناه ای پذیرنده توبه ای بزرگ بخشش ای دیرینه احسان کجاست پوشیدن

الجميل اين عفوك الجليل اين فرجك القريب اين غياثك السريع

نیکوی تو کجاست درگذشتن بزرگ تو کجاست گشایش نزدیک تو کجاست فریادرسی شتابان تو

اين رحمتك الواسعة اين عطاياك الفاضلة اين مواهبك الهنيئة

کجاست رحمت فراگیرنده تو کجاست بخششهای نیکوی تو کجاست بخششهای گوارای تو

فصل سوم

در آداب نکاح و اراده آن در صورت حسن از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه کسی اراده تزویج کند دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی

أَيْنَ صَنَائِعُكَ السَّنِيَّةُ أَيْنَ فَضْلُكَ الْعَظِيمُ أَيْنَ مَنُّكَ الْجَسِيمُ أَيْنَ إِحْسَانُكَ

کجاست کارهای بلند پایه تو کجاست بخشش بزرگ تو کجاست عطای بزرگ تو کجاست احسان

الْقَدِيمُ أَيْنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي

دیرینه تو کجاست بزرگواری تو ای بزرگوار بآن و بمحمد و آل محمد پس برهان مرا

وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي النَّجَاةِ

و برحمت خود پس خلاص کن مرا ای احسان نماینده ای نیکوکردار ای نعمت دهنده ای بخشنده نیستم که اعتماد کنم در نجات

مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ

از عقاب تو بر کردارهای خود بلکه بخشش تو بر ما زیرا که بتحقیق تو اهل پرهیزکاری و اهل

الْمَغْفِرَةِ تُبْدِئُ بِالْإِحْسَانِ نِعَماً وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَماً فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ

آمرزشی ابتدا میکنی بخشیدن از راه توانگری و درمیگذری از گناه از راه بزرگواری پس نمیدانیم که چه چیز را شکر کنیم

أَجَمِيلَ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرَ

آیا امر خوبی را که پهن میکنی یا کردار زشتی که میپوشی یا عطیه بزرگی را که عطا فرمودی و بخشش نمودی یا بلاهای بسیاری

مَا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَيَا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لَاذَ بِكَ

که از آن رهانیدی و عافیت بخشیدی ای دوست کسیکه دوستی کند بسوی تو و ای روشنی دیده کسیکه پناه گیرد بتو

وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا

و بریده شود بسوی تو تو نیکوکرداری و مائیم بدکرداران پس درگذر ای پروردگار من از زشت آنچه نزد ماست

بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلُ

بنیکوئی آنچه نزد تست و کدام نادانی ای پروردگار من فرا نگرفته است او را بخشش تو یا کدام زمان درازتر

مِنْ أَنَاتِكَ وَمَا قَدْرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالاً نُقَابِلُ

از درنگ تو و چیست قدر کردارهای ما در مقابل نعمتهای تو و چگونه بسیار شماریم کردارها را که مقابل کنیم

بِهَا كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ

بآن بزرگواری ترا بلکه چگونه تنگ میگردد بر گناهکاران آنچه فرا گرفته است ایشان را از بخشش تو ای فراخ

الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوَعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوِ انْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ

آمرزش ای گشاده دستها بخشش پس قسم بعزت تو ای آقای من اگر منع کنی مرا دور نکردم

مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ

از درگاه تو و نه باز ایستم از چاپلوسی تو بجهت چیزی که رسید بسوی من از شناخت بخشش تو

وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ

و بزرگواری تو و توئی کننده آنچه را که خواهی عذاب میکنی آنرا که خواهی بآنچه خواهی هرگونه

تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَلَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ

که خواهی و مهربانی مینمائی آنرا که خواهی بآنچه خواهی هرگونه که خواهی و سوال کرده نمیشوی از کردار خود

وَلَا تُنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارَكُ فِي أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ

و خصومت کرده نمیشوی در پادشاهی خود و یار کرده نمیشوی در کار خود و دشمنی کرده نشوی در حکم خود

وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ

و اعتراض نمیکند بر تو هیچکس در تدبیر تو مر تراست آفرینش و فرمان پاک است خدا پروردگار

الْعَالَمِينَ يَا رَبِّ هٰذَا مَقَامُ مَنْ لَاذَ بِكَ وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَأَلِفَ إِحْسَانَكَ

جهانیان ای پروردگار من این جایگاه کسی است که پناه گرفته بتو و زنهار جسته ببزرگواری تو و خو گرفته باحسان تو

وَنِعَمَكَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا تَقِلُّ

و نعمتهای او و توئی بخشنده که تنگ نمیشود عفو تو و کم نمیگردد فضل تو و اندک نمیگردد

رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ

رحمت تو بتحقیق که اعتماد داریم ما از جانب تو به درگذشتن دیرینه و بخشش بزرگ

وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ أَفَتُرَاكَ يَا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُخَيِّبُ آمَالَنَا

و رحمت فراگیرنده آیا پس گمان کرده میشوی ای پروردگار من که ضایع کنی گمانهای ما یا قطع کنی آرزوهای ما را

كَلَّا يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هٰذَا ظَنُّنَا بِكَ وَلَا هٰذَا طَمَعُنَا فِيكَ يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا

حاشا که چنین کنی ای کریم نیست این گمان ما بتو و نیست طمع ما از لطف تو ای پروردگار من بدرستیکه ما را

فيك املا طويلا كثيرا ان لنا فيك رجاء عظيما عصيناك

در لطف تو آرزوی دراز بسیار است بدرستیکه برای ما در بخشش تو امید بزرگ است نافرمانی کردیم

ونحن نرجو ان تستر علينا ودعوناك ونحن نرجو ان تستجيب لنا فحقق

و حال آنکه امیدواریم آنکه بپوشی بر ما و میخوانیم ترا و حال آنکه امیدواریم آنکه بپذیری از ما پس درست گردان

رجاءنا يا مولانا فقد علمنا ما نستوجب باعمالنا ولكن علمك

امید ما را ای آقای من پس بتحقیق میدانیم آنچه را که سزاواریم بسبب کردارهای خود ولیکن دانش تو

فينا وعلمنا بانك لا تصرفنا عنك حثنا على الرغبة اليك

در ما و دانش ما بآنکه بتحقیق تو برنمی گردانی ما را از خود حرص داد ما را بر خواهش بسوی تو

وان كنا غير مستوجبين لرحمتك فانت اهل ان تجود علينا

و اگر بوده باشیم که مستحق نباشیم بخشش ترا پس تو سزاواری که بخشش نمائی بر ما

وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما انت اهله

و بر گناهکاران بزیادتی گشایش خود پس احسان کن بر ما بآنچه تو سزاوار آنی

وجد علينا فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا

و بخشش نما بر ما زیرا که بتحقیق ما محتاجیم بسوی عطای تو ای بسیار آمرزنده بسبب روشنائی تو راه یافتیم

وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا

و بخشش تو بی نیاز شدیم و بنعمت تو صبح کردیم و شام کردیم گناهان ما

بين يديك نستغفرك اللهم منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم

در پیش تست طلب آمرزش میکنیم ترا خداوندا از گناهان رجوع مینمائیم بسوی تو دوستی میکنی بسوی ما بنعمتها

ونعارضك بالذنوب خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد

و برابری میکنیم نعمتهای ترا بگناهان نیکوئی تو بسوی ما فرود آینده است و بدی ما بسوی تو بالا رونده است

لم يزل ولا يزال ملك كريم ياتيك عنا في كل يوم بعمل قبيح

همیشه بوده است و همیشه خواهد بود که فرشته بزرگواری می آید ترا از ما در هر روز با کردار زشت

فَلا يَمْنَعُكَ ذٰلِكَ مِنْ اَنْ تَحُوطَنا بِنِعَمِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنا بِآلائِكَ فَسُبْحانَكَ

پس باز نمیدارد ترا آن از آنکه فرو گیری ما را بنعمتهای خود و بخشش نمائی برما بعطاهای خود پس پاک تو

ما اَحْلَمَكَ وَاَعْظَمَكَ وَاَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَمُعيداً تَقَدَّسَتْ اَسْماۤؤُكَ

چه بردباری تو و چه بزرگی تو و چه بزرگواری تو درحالیکه پدید آورنده و بازگرداننده پاک است نامها

وَجَلَّ ثَناۤؤُكَ وَكَرُمَ صَناۤئِعُكَ وَفِعالُكَ اَنْتَ اِلٰهي اَوْسَعُ فَضْلاً وَاَعْظَمُ

و بزرگست ستایش تو و گرامی است عطیه‌های تو و کارهای تو تو ای خدای من فراخ‌تر بخشش و بزرگتر

حِلْماً مِنْ اَنْ تُقايِسَني بِفِعْلي وَخَطيۤئَتي فَالْعَفْوَ الْعَفْوَ الْعَفْوَ

از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا بکردار من و خطای من پس درگذر درگذر درگذر

سَيِّدي سَيِّدي سَيِّدي اَللّٰهُمَّ اشْغَلْنا بِذِكْرِكَ وَاَعِذْنا مِنْ

ای آقای من ای آقای من ای آقای من بارخدایا مشغول گردان ما را بیاد خود و پناه ده ما را از

سَخَطِكَ وَاَجِرْنا مِنْ عَذابِكَ وَارْزُقْنا مِنْ مَواهِبِكَ وَاَنْعِمْ عَلَيْنا مِنْ

غضب خود و امان ده ما را از عذاب خود و روزی ده ما را از بخشش خود و بخشش کن برما از

فَضْلِكَ وَارْزُقْنا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ وَرَحْمَتُكَ

فضل خود و روزی کن ما را حج خانه خود و زیارت قبر پیغمبر خود درودهای تو و رحمت تو

وَمَغْفِرَتُكَ وَرِضْوانُكَ عَلَيْهِ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ اِنَّكَ قَريبٌ مُجيبٌ وَارْزُقْنا

و آمرزش تو و خوشنودی تو بر او باد و بر خاندان او بدرستیکه تو نزدیکی پذیرنده و روزی کن ما را

عَمَلاً بِطاعَتِكَ وَتَوَفَّنا عَلٰى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

عمل کردن بطاعت خود و بمیران ما را بر دین خود و طریقه پیغمبر خود رحمت فرستد خدا بر او و آل او

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي وَلِوالِدَيَّ وَارْحَمْهُما كَما رَبَّياني صَغيراً

خداوندا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و رحمت کن ایشان را چنانچه تربیت نمودند مرا در اول حال که خورد بودم

وَاجْزِهِما بِالْاِحْسانِ اِحْساناً وَبِالسَّيِّئاتِ غُفْراناً اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ

و جزا ده ایشان را در مقابل نیکوئی نیکوئی و در مقابل بدیها آمرزش خداوندا بیامرز

المؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم والاموات وتابع بيننا وبينهم

مردان گروندہ و زنان گروندہ از زندگان ایشان را و مردگان ایشان را و پی درپی کن میان ما و میان ایشان

بالخيرات اللهم اغفر لحينا وميتنا وشاهدنا وغائبنا ذكرنا

بنیکیہا خداوندا بیامرز زندہ ما را و مردہ ما را و حاضر ما را و غائب ما را و مرد ما را

وانثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا ومملوكنا كذب العادلون

و زن ما را خورد ما را و بزرگ ما را آزاد ما را و بندہ ما را کاذب اند شریک گردانندگان

بالله وضلوا ضلالا بعيدا وخسروا خسرانا مبينا اللهم صل

از برای خدا و گمراہ شدند گمراہی دوری و زیان کردند زیانی روشنی بار خدایا رحمت بفرست

على محمد وآل محمد واختم لي بالخير واكفني ما اهمني من امر دنياي

بر محمد و آل محمد و ختم کن برای من بنیکی و کارگذاری کن برای من آنچہ مہم است مرا از امر دنیای من

وآخرتي ولا تسلط علي من لا يرحمني واجعل علي منك جنة واقية

و آخرت من و دست مدہ بر من آنرا کہ رحم نکند مرا و بگردان بر من از جانب خود سپری نگاہ دارندہ

باقية ولا تسلبني صالح ما انعمت به علي وارزقني من فضلك رزقا

باقی ماندہ و دور مکن از من شایستہ آنچہ بخشش نمودی بآن بر من و روزی کن مرا از فضل خود روزی

واسعا حلالا طيبا اللهم واحرسني بحراستك واحفظني

فراخ حلال پاکیزہ خداوندا و نگہبانی کن مرا بہ نگہبانی خود و حفظ کن مرا

بحفظك واكلأني بكلائتك وارزقني حج بيتك الحرام في عامنا

بحفظ خود و نگہدار مرا بہ نگاہداری خود و روزی کن مرا حج خانہ محترم خود در سال

هذا وفي كل عام وزيارة قبر نبيك والائمة عليهم السلام

ہمین سال و در ہر سالی و زیارت قبر پیغمبر خود و پیشوایان دین برایشان باد درود

ولا تخلني يا رب من تلك المشاهد الشريفة والمواقف الكريمة

خالی مگردان مرا ای پروردگار من از آن مشاہد شریفہ و موقفہای بزرگوار

رمضان

اللهم تب علي حتى لا اعصيك والهمني الخير والعمل به وخشيتك

خدایا توفیق توبه ده مرا تا آنکه نافرمانی نکنم ترا و بدل انداز مرا خیر و عمل کردن بآن و ترس از خود

بالليل والنهار ابدا ما ابقيتني يا رب العالمين اللهم اني كلما

در شب و روز همیشه تا وقتیکه باقی داری مرا ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستیکه من هرگاه

قلت قد تهيأت وتعبأت وقمت للصلاة بين يديك وناجيتك

گفتم که بتحقیق مهیا شدم و آماده گشتم و استادم بجهت نماز در پیش تو و راز گفتم ترا

القيت علي نعاسا اذا انا صليت وسلبتني مناجاتك اذا انا

افگندی بر من پینکی را هنگامیکه من نماز میکردم و رفع کردی از من راز گوئی خود را هنگامیکه من

ناجيتك ما لي كلما قلت قد صلحت سريرتي وقرب من مجالس التوابين

راز گفتم ترا چیست مرا که هرگاه گفتم که بتحقیق نیک شده امر نهانی من و نزدیک شده از مجالس توبه کنندگان

مجلسي عرضت لي بلية ازالت قدمي وحالت بيني وبين خدمتك

مجلس من عارض شد بلائیکه زائل کرد قدم مرا و حائل شد میان من و میان خدمت تو

سيدي لعلك عن بابك طردتني وعن خدمتك نحيتني اولعلك

آقای من شاید که تو از درگاه خود رانده باشی مرا و از خدمت خود دور کرده باشی مرا یا شاید که تو

رأيتني مستخفا بحقك فاقصيتني اولعلك رأيتني معرضا عنك

دیده باشی مرا سبک شمارنده حق ترا پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا رو گرداننده از خود

فقليتني اولعلك وجدتني في مقام الكاذبين فرفضتني اولعلك

پس دشمن داشته باشی مرا یا شاید که تو یافته باشی مرا در جایگاه دروغگویان پس واگذاشته باشی مرا یا شاید که تو

رأيتني غير شاكر لنعمائك فحرمتني اولعلك فقدتني من مجالس

دیده باشی مرا ناسپاس گذار نعمتهای ترا پس ناامید کرده باشی مرا یا شاید که تو نیافته باشی مرا در مجالس

العلماء فخذلتني اولعلك رأيتني في الغافلين فمن رحمتك

علما پس خوار گذاشته باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا در زمره بیخبران پس از رحمت خود

أيستني أو لعلك رأيتني آلف مجالس البطالين فبيني وبينهم

ناامید کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا که الفت گرفته‌ام مجلس بیکاران پس میان من و میان ایشان

خليتني أو لعلك لم تحب أن تسمع دعائي فباعدتني أو لعلك بجرمي

واگذاشته باشی مرا یا شاید که تو دوست نداشته باشی آنکه بشنوی دعای مرا پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو بگناه

وجريرتي كافيتني أو لعلك بقلة حيائي منك جازيتني فإن

و خیانت من پاداش داده باشی مرا یا شاید که تو بکمی شرم من از تو سزا داده باشی مرا پس اگر

عفوت يا رب فطالما عفوت عن المذنبين قبلي لأن كرمك

درگذری ای پروردگار پس بسیار اوقات عفو نمودی از گناهکاران پیش از من زیرا که تحقیق بزرگواری

أي رب يجل عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن

ای پروردگار من بزرگوار است از سزا دادن گناهکاران و بردباری تو بزرگ است از

مكافاة المقصرين وأنا عائذ بفضلك هارب منك إليك

سزا دادن تقصیر نمایندگان و من پناه گیرنده‌ام بخشش تو گریزانم از تو بسوی تو

متنجز ما وعدت من الصفح عمن أحسن بك ظنا إلهي أنت أوسع

خواهانم انجاز آنکه وعده دادی از درگذشتن از آنکه نیکو کرده بتو گمان ای خدای من تو فراخ‌تری

فضلا وأعظم حلما من أن تقايسني بعملي أو أن تستزلني

از روی فضل و بزرگتری از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا بکردار من یا آنکه بلغزانی مرا

بخطيئتي وما أنا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي

بگناه من و چیستم من ای آقای من و چیست قدر من ببخش مرا بفضل خود ای آقای من

وتصدق علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم

و تصدق کن بر من بعفو خود و بپوشان مرا بپوشش خود و درگذر از سرزنش کردن من ببزرگواری

وجهك سيدي أنا الصغير الذي ربيته وأنا الجاهل الذي

ذات خود بزرگ من منم آن خردی که پروردی او را و منم آن نادانی که

رمضان

علمته وأنا الضال الذي هديته وأنا الوضيع الذي رفعته وأنا

نادانكه دانا كردي اورا و منم آن گمراهي كه راه نمودي اورا و منم آن پستي كه بلند كردي اورا و منم

الخائف الذي آمنته وأنا الجائع الذي أشبعته وأنا العطشان

آن ترساني كه ايمن كردي اورا و منم آن گرسنه كه سير كردي اورا و منم آن تشنه

الذي أرويته وأنا العاري الذي كسوته والفقير الذي أغنيته

كه سيراب نمودي اورا و منم برهنه كه پوشيدي اورا و نيازمندي كه بي نياز كردي اورا

والضعيف الذي قويته والذليل الذي أعززته والسقيم الذي

و ناتواني كه توانا كردي اورا و ذليل و خواري كه ارجمند كردي اورا و بيماري كه

شفيته والسائل الذي أعطيته والمذنب الذي سترته والخاطئ

شفا بخشيدي اورا و درخواهنده كه عطا فرمودي اورا و گناهكاري كه پوشانيدي اورا و خطاكاري

الذي أقلته وأنا القليل الذي كثرته والمستضعف الذي نصرته

كه درگذشتي ازو و منم آن كم ياوري كه بسيار ياوري كردي اورا و ضعيف شمرده كه ياري كردي اورا

وأنا الطريد الذي آويته أنا يا رب الذي لم أستحيك في الخلاء

و منم آن رانده شده كه جا دادي اورا و منم اي پروردگار من كه شرم نكردم ترا در خلوت

ولم أراقبك في الملاء أنا صاحب الدواهي العظمى أنا الذي على سيده

و نترسيدم ترا در حضور مردمان منم صاحب شدائد بزرگ منم آنكه بر آقاي خود

اجترى أنا الذي عصيت جبار السماء أنا الذي أعطيت على المعاصي

دليري نمود منم آنكه نافرماني ورزيده بزرگوار آسمان را منم آنكه بخشش نمودم بر گناهان

الجليل الرشى أنا الذي حين بشرت بها خرجت إليها أسعى

بزرگ رشوتها را منم آنكه هنگاميكه مژده داده شدم بگناهان بيرون شدم بسوي آنها شتابان

أنا الذي أمهلتني فما ارعويت وسترت علي فما استحييت

منم آنكه مهلت دادي مرا پس پشيمان نگشتم و پوشيدي بر من پس شرم نكردم

وعملتُ بالمعاصي فتعدّيتُ واسقطتني من عينك فما باليتُ

و عمل نمودم بگناهان پس درگذشتم از حد و افکندی مرا از دیده خود پس باک نکردم

فبحلمك امهلتني وبسترك سترتني حتى كانّك اغفلتني ومن

پس به بردباری خود مهلت دادی مرا و به پوشش خود پوشیدی مرا تا آنکه گویا واگذاشتی مرا و از

عقوبات المعاصي جنّبتني حتى كانّك استحييتني الهي لم اعصك

پادشاهای گناهان دور کردی مرا تا بحدیکه گویا شرم کردی از من خداوندا نافرمانی نکردم ترا

حين عصيتك وانا بربوبيتك جاحدٌ ولا بامرك مستخفٌّ

هنگامیکه نافرمانی کردم ترا در حالیکه بوده باشم پروردگاری ترا انکار نماینده و نه فرمان ترا سبک شمارنده

ولا لعقوبتك متعرّضٌ ولا لوعيدك متهاونٌ ولكن خطيئةٌ

و نه عقوبت ترا فراپیش آینده و نه وعید ترا خوار دارنده ولیکن خطایی

عرضت وسوّلت لي نفسي وغلبني هواي واعانني عليها شقوتي

عارض شد و بفریفت مرا نفس من و غالب شد مرا خواهش من و مدد کرد مرا بر آن بدبختی من

وغرّني سترك المرخى عليّ فقد عصيتك وخالفتك بجهدي

و بفریفت مرا پرده تو که فرو گذاشته شده است بر من پس تحقیق نافرمانی نمودم ترا و مخالفت ورزیدم ترا بکوشش خود

فالآن من عذابك من يستنقذني ومن ايدي الخصماء غداً من

پس حالا از عذاب تو که میرهاند مرا و از دستهای دشمنان فردا که

يخلّصني وبحبل من اتّصل ان انت قطعت حبلك عنّي فواسوأتاه

نجات میدهد مرا و بریسمان که در میپیوندد مرا اگر تو ببری ریسمان خود را از من پس وای بدی

على ما احصى كتابك من عملي الذي لولا ما ارجو من كرمك وسعة

بر آنچه شمرده کتاب تو از کردار من آن کردار که اگر نمیبود آنچه امید میدارم از بزرگواری تو و

رحمتك ونهيك اياي عن القنوط لقنطت عند ما اتذكّرها

بخشش تو و منع تو مرا از نومیدی هر آینه نومید میشدم نزد آنکه یاد کنم

يا خير من دعاه داعٍ وافضل من رجاه راجٍ اللهم بذمة الاسلام

ای بهترین کسی که خوانده آن را خواننده و بهترین کسی که امید داشته او را امیدوار خداوندا بامان اسلام

اتوسل اليك وبحرمة القرآن اعتمد عليك وبحبي النبي الامي

وسیله می جویم بسوی تو و بحرمت قرآن اعتماد مینمایم بر تو و بدوست داشتن من مر پیغمبر را که امی

القرشي الهاشمي العربي التهامي المكي المدني ارجو الزلفة لديك

قرشی هاشمی عربی تهامی مکی مدنی است امید دارم نزدیکی را نزد تو

فلا توحش استيناس ايماني ولا تجعل ثوابي ثواب من عبد سواك

پس پشیمان مکن خو گرفتن ایمان مرا و مگردان پاداش مرا مانند پاداش آنکه پرستید غیر ترا

فان قوما آمنوا بالسنتهم ليحقنوا به دمائهم فادركوا ما املوا

زیرا که بتحقیق گروهی گرویدند بزبانهای خود تا آنکه باز دارند خونهای خود را از ریخته شدن پس رسیدند

وانا آمنا بك بالسنتنا وقلوبنا لتعفو عنا فادرك بنا ما

وبتحقیق ما گرویدیم بتو بزبانهای خود و دلهای خود تا آنکه درگذری از ما پس برسان ما را آنچه

املنا وثبت رجائك في صدورنا ولا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا

امید داریم و ثابت دار امید خود را در دلهای ما و میل مده دلهای ما را پس از آنکه راه نمودی ما را

وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب فوعزتك لو انتهرتني

و ببخش ما را از نزد خود بخشش بزرگی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده پس قسم بعزت تو اگر منع کنی مرا

ما برحت من بابك ولا كففت عن تملقك لما الهم قلبي من المعرفة

دور نمیگردم از درگاه تو و باز نمی ایستم از دوستی کردن بتو بجهت آنچه افکنده شد در دلم از شناخت

بكرمك وسعة رحمتك الى من يذهب العبد الا الى مولاه والى

بزرگواری تو و گشادگی بخشش تو بسوی که میرود بنده مگر بسوی آقای خود و بسوی

من يلتجئ المخلوق الا الى خالقه الهي لو قرنتني بالاصفاد ومنعتني

که پناه میبرد آفریده مگر بسوی آفریدگار خود خدایا اگر ببندی مرا بغلها و باز داری

سيئاتك من بين الاشهاد وذلت على فضائحي عيون العباد وامرت

از من عطاي خود را از ميان حاضران و در راه نمائي بر رسوائيهاي من ديدهاي بندگان و فرمودي

بي الى النار وحلت بيني وبين الابرار ما قطعت رجائي منك وما صرفت

مرا بسوي آتش و حائل شوي ميان من و ميان نيكوكاران نمي برم اميد خود را از تو و نميگردانم

وجه تاميلي للعفو عنك ولا خرج حبك عن قلبي انا لا انسى

روي آرزو داشتنم عفو را از تو و بيرون نرود دوستي تو از دل من من فراموش نميكنم

اياديك عندي وسترك علي في دار الدنيا يا سيدي ... صل على

نعمتهاي ترا كه نزد منست و پوشانيدن ترا بر من در سراي دنيا اي بزرگ من رحمت فرست

محمد وال محمد واخرج حب الدنيا من قلبي واجمع بيني وبين

محمد و آل محمد و بيرون كن دوستي دنيا را از دل من و جمع كن ميان من و ميان

المصطفى واله خيرتك من خلقك وخاتم النبيين محمد صلى الله عليه

مصطفى و آل او برگزيده تو از خلق تو و آخر پيغمبران محمد رحمت فرستد خدا بر او

واله وانقلني الى درجة التوبة اليك واعني بالبكاء على نفسي فقد

و آل او و نقل فرما مرا بسوي مرتبه بازگشت بسوي تو و ياري كن مرا بگريستن بنفس خود پس بتحقيق

افنيت بالتسويف والامال عمري وقد نزلت منزلة الايسين

بپايان رسانيدم بدرنگي و تاخير و آرزوها عمر خود را و بتحقيق فرود آمدم در درجه نااميدان

من خيري فمن يكون اسوء حالا مني ان انا نقلت على مثل حالي

از خير من پس كه باشد بدحالتر از من اگر من نقل كرده شوم بر مانند حال خودم

الى قبر لم امهده لرقدتي ولم افرشه بالعمل الصالح لضجعتي

بسوي قبري كه نياراستم آنرا از براي خفتن خود و فرش نكردم آنرا بعمل شايسته بجهت خوابيدن خود

وما لي لا ابكي ولا ادري الى ما يكون مصيري وارى نفسي

و چيست مرا كه نمي گريم و حال آنكه نميدانم بسوي چه خواهد بازگشت من و مي بينم نفس خود

تخادعني وايامي تخاتلني وقد خفقت عند راسي اجنحة الموت فما لي

کرمی فریبد مرا و روزگار حیله در کار است و بتحقیق لرزان شده نزد سر من بالهای مرگ پس چیست مرا که

لا ابكي ابكي لخروج نفسي ابكي لظلمة قبري ابكي لضيق لحدي ابكي لسؤال

نگریم میگریم بجهت بیرون شدن نفس من میگریم بجهت تاریکی قبر خود میگریم بجهت تنگی قبر خود میگریم بجهت سؤال کردن

منكر ونكير اياي ابكي لخروجي من قبري عريانا ذليلا حاملا ثقلي

منکر و نکیر مرا میگریم بجهت بیرون آمدنم از قبر خود برهنه خوار بر دارنده بار گران

على ظهري انظر مرة عن يميني واخرى عن شمالي اذ الخلائق في

بر پشت خود حال آنکه نظر کنم یکبار از جانب راست خود و بار دیگر از جانب چپ خود هنگامیکه آفریدگان باشند در

شأن غير شأني لكل امرئ منهم يومئذ شأن يغنيه وجوه يومئذ

حالت غیر حالت من برای هر مردی از ایشان در آن روز حالتی است که کافیست او را و روهایی در آن روز

مسفرة ضاحكة مستبشرة ووجوه يومئذ عليها غبرة ترهقها

نورانی خندان شادمانند و روهای گروهی در آن روز بر آنهاست گرد غم و اندوه فرا گیرد آنها را

قترة وذلة سيدي عليك معولي ومعتمدي ورجائي وتوكلي و

غبار و خواری آقای من بر تست شوق من و اعتماد من و واگذاشتن من کار خود را و

برحمتك تعلقي تصيب برحمتك من تشاء وتهدي بكرامتك

برحمت تست در آویختن من میرسانی برحمت خود آنرا که خواهی و راه مینمائی به بزرگواری خود

من تحب فلك الحمد على ما نقيت من الشرك قلبي ولك الحمد على بسط

آنرا که دوست داری پس تراست سپاس بر پاک کردن تو از شرک دل مرا و تراست سپاس بر گشادن

لساني افبلساني هذا الكال اشكرك ام بغاية جهدي في عملي

زبان مرا پس آیا بزبان خود این زبان کند سپاس گذاری کنیم ترا یا بنهایت کوشش در کردار خود

ارضيك وما قدر لساني يا رب في جنب شكرك وما قدر عملي في جنب

خشنود میسازم ترا و چیست مرتبه زبان من ای پروردگار من در جنب سپاس گذاری تو و چیست قدر کردار من در جنب

حجتي وكلّ عن جوابك لساني وطاش عند سؤالك إيّاي لبّي فيا عظيم

حجت من و کند شود از جواب تو زبان من و بستید شود نزد سوال کردن تو مرا عقل من پس ای امید بزرگ

رجائي لا تخيّبني إذا اشتدّت فاقتي إليك ولا تردّني لجهلي ولا تمنعني

من نا امید مکن مرا هرگاه سخت شود احتیاج من بسوی تو و برمگردان مرا بجهت نادانی من و منع مکن مرا

لقلّة صبري أعطني لفقري وارحمني لضعفي سيّدي عليك معتمدي

بجهت کم بودن شکیبائی من بخشش کن مرا بجهت تنگدستی من رحم کن مرا بجهت ناتوانی من ای بزرگ من بر تست اعتماد من

ومعوّلي ورجائي وتوكّلي وبرحمتك تعلّقي وبفنائك

و شوق من امید من و توکل من و برحمت تست چسپیدن و در پیش درگاه تو

أحطّ رحلي وبجودك أقصد طلبتي وبكرمك أي ربّ أستفتح

فرو می آورم بار خود را و بجهت بخشش تو طلب میکنم حاجت خود را و به بزرگواری تو ای پروردگار من طلب

دعائي ولديك أرجو سدّ فاقتي وبغناك أجبر عيلتي وتحت ظلّ عفوك

دعای خود را و نزد تو امیدوارم حاجت خود را و به بی نیازی تو تدارک میکنم بسیار مندی خود را و در زیر سایه عفو تست

قيامي وإلى جودك وكرمك أرفع بصري وإلى معروفك أديم نظري

ایستادن من و بسوی بخشش تو و بزرگواری تو بلند میکنم دیده خود را و بسوی احسان تو همیشه میدارم نظر خود را

فلا تحرقني بالنار وأنت موضع أملي ولا تسكنّي الهاوية فإنّك

پس مسوزان مرا بآتش و تو قرارگاه امید منی و ساکن مگردان مرا در دوزخ زیرا که بتحقیق تو

قرّة عيني يا سيّدي لا تكذّب ظنّي بإحسانك ومعروفك فإنّك

روشنی دیده منی ای آقای من غلط مساز گمان مرا باحسان خود و عطای خود زیرا که بتحقیق تو معتمد

ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فإنّك العارف بفقري إلهي إن كان

و امیدگاه منی و نا امید مکن مرا از ثواب خود زیرا که بتحقیق تو شناسائی باحتیاج من خدای من اگر بوده باشد

قد دنا أجلي ولم يقرّبني منك عملي فقد جعلت الاعتراف إليك

که بتحقیق نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو کردار من پس بتحقیق گردانیده ام اقرار کردن را بسوی تو

بذنبي وسائل علمي الهي ان عفوت فمن اولى منك بالعفو وان عذبت

فمن اعدل منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت

كربتي وفي القبر وحدتي وفي اللحد وحشتي واذا نشرت للحساب بين

يديك ذل موقفي واغفر لي ما خفي على الادميين من عملي وادم

لي ما به سترتني وارحمني صريعا على الفراش تقلبني ايدي احبتي

وتفضل علي ممدودا على المغتسل يغسلني صالح جيرتي وتحنن

علي محمولا قد تناول الاقرباء اطراف جنازتي وجد علي منقولا

قد نزلت بك وحيدا في حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد

غربتي حتى لا استانس بغيرك يا سيدي فانك ان وكلتني الى

نفسي هلكت سيدي فبمن استغيث ان لم تقلني عثرتي والى من افزع

ان فقدت عنايتك في ضجعتي والى من التجي ان لم تنفس كربتي

سیدی من لی ومن یرحمنی ان لم ترحمنی وفضل من اؤمل ان عدمت

بزرگ من کیست مرا و که رحم کند مرا اگر رحم نکنی تو مرا و بخشش کرا آرزو کنم اگر نیابم

فضلک یوم فاقتی والی من الفرار من الذنوب اذا انقضی اجلی سیدی

فضل ترا در روز احتیاج خود و بسوی کیست گریز از گناهان هرگاه بپایان رسد اجل من بزرگ من

لا تعذبنی وانا ارجوک اللهم حقق رجائی وآمن خوفی فان کثرة

عذاب مکن مرا و من امیدوارم ترا خداوندا درست کن امید مرا و ایمن گردان بیم مرا زیرا که بتحقیق بسیاری

ذنوبی لا ارجو فیها الا عفوک سیدی انا اسألک ما لا استحق وانت

گناهان من امید ندارم درباره آنها مگر عفو ترا آقای من من میخواهم آنچه اگر سزاوار نیستم و تو

اهل التقوی واهل المغفرة فاغفر لی والبسنی من نظرک ثوبا یغطی

سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی پس بیامرز مرا و بپوشان مرا از لطف خود جامه که بپوشد

علی التبعات وتغفرها لی ولا اطالب بها انک ذو من قدیم وصفح عظیم

بر من وبالها را و می آمرزی آنها را برای من و مطالبه کرده نشوم بآنها بدرستیکه تو صاحب عطای دیرین و درگذشتن بزرگی

وتجاوز کریم الهی انت الذی تفیض سیبک علی من لا یسألک وعلی

و تجاوز کرامی خدایا توئی آنکه روان سازی عطای خود را برآنکه سوال نکند از تو و بر

الجاحدین بربوبیتک فکیف سیدی بمن سألک وایقن ان الخلق

آنانکه انکار کنند پروردگاری ترا پس چگونه آقای من نسبت بآنکه سوال کند از تو و یقین دارد که بتحقیق آفرینش

لک والامر الیک تبارکت وتعالیت یا رب العالمین الهی وسیدی

مر تراست و هر کاری بسوی تست پاکی تو و بلندی تو ای پروردگار جهانیان خدای من و بزرگ من

عبدک ببابک اقامته الخصاصة بین یدیک یقرع باب احسانک

بنده تست بدرگاه تو برپا داشته او را احتیاج در پیش تو میکوبد در احسان ترا

بدعائه ویستعطف جمیل نظرک بمکنون رجائه فلا تعرض بوجهک

بدعای خود و طلب مهربانی میکند از نیکی نگرش تو با امید پوشیده خود پس مگردان روی خود از

فِی آنَاءِ اللَّیْلِ وَاَطْرَافِ النَّهَارِ رِیَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا اَشَرًا وَلَا بَطَرًا وَاجْعَلْنِی

در ساعتهای شب و طرفهای روز نه ریا و نه سمعه و نه زیادتی خوشی و نه طغیان و بگردان مرا

لَكَ مِنَ الْخَاشِعِینَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِی السَّعَةَ فِی الرِّزْقِ وَالْاَمْنَ فِی الْوَطَنِ

از برای خود از جمله فروتنی کنندگان خداوندا عطا کن مرا فراخی در روزی و ایمنی در وطن

وَقُرَّةَ الْعَیْنِ فِی الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَالْمُقَامَ فِی نِعَمِكَ عِنْدِی وَالصِّحَّةَ

و روشنی دیده در اهل و مال و فرزندان و درنگ کردن در نعمتهای تو که نزد من است و صحت

فِی الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِی الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِی الدِّینِ وَاسْتَعْمِلْنِی بِطَاعَتِكَ

در جسد و توانائی در بدن و سلامتی در دین و بکار دار مرا بطاعت خود

وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاَهْلِ بَیْتِهِ اَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِی

و طاعت رسول خود محمد رحمت فرستد خدا بر او و بر خاندان او همیشه تا مادام که زنده داری مرا

وَاجْعَلْنِی مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِیبًا فِی كُلِّ خَیْرٍ اَنْزَلْتَهُ وَتُنْزِلُهُ فِی شَهْرِ

و بگردان مرا از وافرترین بندگان خود نزد خود از روی بهره در هر نیکی که فرو فرستادی آنرا و فرو فرستی آنرا در ماه

رَمَضَانَ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا اَنْتَ مُنْزِلُهُ فِی كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِیَةٍ

رمضان در شب قدر و آنچه تو فرود آورنده آنرا در هر سال از رحمتی که پراکنده کنی آنرا و عافیتی

تُلْبِسُهَا وَبَلِیَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَیِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِی

که بپوشانی آنرا و بلائی که دفع کنی آنرا و نیکیهائی که بپذیری آنرا و بدیها که درگذری از آنها و روزی کن مرا

حَجَّ بَیْتِكَ الْحَرَامِ فِی عَامِنَا هٰذَا وَفِی كُلِّ عَامٍ وَارْزُقْنِی رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ

حج خانه محترم خود در سال ما این سال و در هر سالی و روزی کن مرا روزی فراخی از

فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ عَنِّی یَا سَیِّدِی الْاَسْوَاءَ وَاقْضِ عَنِّی الدَّیْنَ وَالظُّلَامَاتِ

فضل فراخ خود و بگردان از من ای آقای من بدیها را و قضا کن از من قرضها و ستمها را

حَتّٰی لَا اَتَاَذّٰی بِشَیْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّی بِاَسْمَاعِ اَعْدَائِی وَاَبْصَارِ اَعْدَائِی

تا آنکه آزرده نشوم به هیچ چیز از آن و فرا گیر از من گوشهای مخالفان مرا و دیدهای دشمنان مرا

لا تكرم الا اهل الوفاء لك فمن يستغيث المسيئون الهى ان ادخلتنى

کرکرامی نداری مگر آنان را که وفا کردند بعهد تو پس بکه استغاثه نمایند بدکاران خداے من اگر در آوری مرا

النار ففى ذلك سرور عدوك وان ادخلتنى الجنة ففى ذلك سرور

در آتش پس در ان شادے دشمن تست واگر در آوری مرا در بهشت پس در ان شادے

نبيك وانا والله اعلم ان سرور نبيك احب اليك من سرور عدوك

پیغمبر تست و من قسم بخدا میدانم که تحقیق شادی پیغمبر تو دوست تر است بسوی تو از شادی دشمن تو

اللهم انى اسئلك ان تملأ قلبى حبا لك وخشية منك وتصديقا

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آنکه پر کنی دل مرا از دوستی خود و ترس از خود و باور داشتن

بكتابك وايمانا بك وفرقا منك وشوقا اليك يا ذا الجلال والاكرام

کتاب خود و گرویدن بخود و بیم نمودن از خود و آرزومندی بسوی خود ای خداوند بزرگواری و کرامی

حبب لى لقائك واحبب لقائى واجعل لى فى لقائك الراحة

دوست گردان بسوی من ملاقات خود را و دوست دار ملاقات مرا و بگردان برای من در ملاقات خود آسایش

والفرج والكرامة اللهم الحقنى بصالح من مضى واجعلنى من صالح

و گشادگی و نوازش بار خدایا ملحق ساز مرا به نیکوکارانیکه گذشته و بگردان مرا از جمله نیکوکاران

من بقى وخذ بى سبيل الصالحين واعنى على نفسى بما تعين به

که باقی مانده و بدار مرا براه شایستگان و یاری کن مرا بر نفس من بآنچه یاری میکنی بآن

الصالحين على انفسهم ولا تردنى فى سوء استنقذتنى منه واختم

شایستگان را بر نفسهای ایشان و مگردان مرا در بدیهایی که خلاصی و نجات دادی مرا از آن و ختم کن

عملى باحسنه واجعل ثوابى منه الجنة برحمتك يا رب

کردار مرا به نیکوترین آن و بگردان پاداش مرا از آن بهشت را برحمت خود ای پروردگار

العالمين واعنى على صالح ما اعطيتنى وثبتنى يا رب ولا تردنى

عالمیان و مدد کن مرا بر شایسته آنچه عطا کردی مرا و ثابت دار مرا ای پروردگار من برمگردان مرا

فِي سُوءٍ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ اِيمَانًا لَا اَجَلَ لَهُ دُونَ

در ناخوشی که رهانیدی مرا از آن خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو ایمانی که نباشد نهایتی

لِقَائِكَ اَحْيِنِي مَا اَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَفَّنِي اِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي اِذَا

ملاقات تو زنده دار مرا تا وقتیکه زنده داری مرا بر آن و بمیران مرا هرگاه بمیرانی مرا بر آن و برانگیز مرا هرگاه

بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَاَبْرِءْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتّٰى

برانگیزانی مرا بر آن و پاک گردان دل مرا از ریا کردن و شک نمودن و سمعه کردن در دین تو تا آنکه

يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ

بوده باشد کردار من خالص برای تو خداوندا ببخش مرا بینائی در دین خود و دریافتی در حکم خود

وَفِقْهًا فِي عِلْمِكَ وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ

و دانشی در علم خود و دو نصیب از رحمت خود و پرهیزکاری که باز دارد مرا از نافرمانی تو

وَبَيِّضْ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ وَتَوَفَّنِي فِي

و سفید کن روی مرا بروشنائی خود و بگردان رغبت مرا در آنچه نزد تست بمیران مرا در

سَبِيلِكَ وَعَلٰى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

راه خود و بر دین فرستاده خود رحمت فرستاد خدا بر او و بر آل او خداوندا بدرستیکه

اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَ

پناه میگیرم بتو از کاهلی و ناتوانی و اندوه و بددلی و بخیلی و بیخبری و

الْقَسْوَةِ وَالذِّلَّةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ وَكُلِّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ

سخت دلی و خواری و بیچیزی و حاجتمندی و تنگدستی و هر بلائی و هر زشتی

كُلِّهَا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ

همه آن آنچه آشکار باشد از آن و آنچه پنهان باشد و پناه میبرم بتو از نفسی که قناعت نکند و شکمی که

لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَصَلٰوةٍ لَا تُرْفَعُ

سیر نشود و دلی که نترسد و دعائی که شنیده نشود و عملی که نفع نبخشد و نمازی که بالا برده نشود

واعوذ بك يا رب على نفسي وولدي وديني ومالي وعلى جميع

و پناه میگیرم بتو ای پروردگار من بر نفس خود و فرزند خود و دین خود و مال خود و بر همه

ما رزقتني من الشيطان الرجيم انك انت السميع العليم اللهم انه

آنچه روزی کردی مرا از شیطان رانده شده بدرستیکه تو توئی شنوای دانا خداوندا بتحقیق

لا يجيرني منك احد ولا اجد من دونك ملتحدا فلا تجعل نفسي

امان نمیدهد مرا از تو هیچکس و نمی یابم از غیر تو پناهی پس مگردان نفس مرا

في شيء من عذابك ولا تردني بهلكة ولا تردني بعذاب

در چیزی از عذاب خود و برمگردان مرا بهلاکت و برمگردان مرا بعذاب

اليم اللهم تقبل مني واعل ذكري وارفع درجتي وحط وزري

دردناک خداوندا بپذیر از من و بلند کن ذکر مرا و رفیع کن مرتبه مرا و فرو گذار بار گران مرا

ولا تذكرني بخطيئتي واجعل ثواب مجلسي وثواب منطقي و

و نه یاد کن مرا بخطای من و بگردان ثواب نشستن مرا و ثواب گفتار مرا و

ثواب دعائي رضاك والجنة واعطني يا رب جميع ما سألتك وزدني

جزای دعای مرا خوشنودی خود و بهشت را و ببخش مرا ای پروردگار من همه آنچه سوال کردم ترا و زیاده گردان مرا

من فضلك اني اليك راغب يا رب العالمين اللهم انك انزلت في

از بخشش خود بدرستیکه من بسوی تو خواهشمندم ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستیکه تو فرو فرستادی در

كتابك العفو وامرتنا ان نعفو عمن ظلمنا وقد ظلمنا انفسنا فاعف

کتاب خود عفو را و امر کردی ما را که درگذریم از آنکه ستم کرده ما را و بتحقیق ستم کردیم ما بر نفسهای خویش پس درگذر

عنا فانك اولى بذلك منا وامرتنا ان لا نرد سائلا عن ابوابنا

از ما پس بتحقیق تو سزاوارتری باین گذشتن از ما و امر کردی ما را که برنگردانیم خواهنده را از درهای خود

وقد جئتك سائلا فلا تردني الا بقضاء حاجتي وامرتنا

و بتحقیق آمده ام ترا خواهنده پس مگردان مرا مگر بروا کردن حاجت من و امر کردی ما را

رمضان

بما سألک به زکریا رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین اللهم هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء

بالاحسان الی ما ملکت ایماننا ونحن ارقاؤک فاعتق رقابنا من

به نیکوئی کردن بسوی آنچه مالک است دست راست ما و ما بندگان توئیم پس آزاد کن گردنهای ما را از

النار یا مفزعی عند کربتی ویا غوثی عند شدتی الیک

آتش ای پناه من نزد اندوه من وای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو

فزعت وبک استغثت ولذت لا الوذ بسواک ولا اطلب الفرج

پناه آورده ام و بتو استغاثه نموده ام و پناه گرفتم پناه نمیگیرم بغیر تو و سوال نمیکنم گشایش را

الا منک فاغثنی وفرج عنی یا من یقبل الیسیر ویعفو عن

مگر از تو پس بفریاد رس مرا و زائل کن از من ای آنکه می پذیرد اندک را و در میگذرد از

الکثیر اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت الرحیم الغفور

گناه بسیار بپذیر از من اندک را و درگذر از گناه بسیار بدرستیکه توئی مهربان آمرزنده

اللهم انی اسألک ایمانا تباشر به قلبی ویقینا صادقا حتی

بار خدایا بدرستیکه من می خواهم از تو ایمانی که مباشر آن گردد دل مرا و یقین راست و درستی تا اینکه

اعلم انه لن یصیبنی الا ما کتبت لی ورضنی من العیش بما قسمت

بدانم اینکه نمیرسد مرا مگر آنچه تقدیر نموده برای من و خوشنود ساز مرا از زندگی بآنچه قسمت کرده

لی یا ارحم الراحمین

ومختصر ترین دعاهای سحر این است

برای بنای بخشنده ترین بخشندگان

یا مفزعی عند کربتی ویا غوثی عند شدتی الیک فزعت و

ای پناه من نزد اندوه من و ای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو پناه آورده ام و

بک استغثت وبک لذت لا الوذ بسواک ولا اطلب الفرج

بتو استغاثه نموده ام و بتو پناه آورده ام پناه نمی برم بغیر تو و طلب نمیکنم گشایش

الا منک فاغثنی وفرج عنی یا من یقبل الیسیر ویعفو عن الکثیر

مگر از تو پس بفریاد رس مرا و زائل کن از من غم را ای آنکه می پذیرد اندک را و درگذرد از گناه بسیار

اقبل منی الیسیر واعف عنی الکثیر انک انت الغفور الرحیم اللهم انی

بپذیر از من اندک را و عفو کن از من گناه بسیار بدرستیکه توئی آمرزنده مهربان خداوندا بدرستیکه من

اسألک ایماناً تباشر به قلبی ویقیناً صادقاً حتی اعلم انه لن یصیبنی

درخواهم از تو ایمانی که مباشر آن گردد دل مرا و یقینی راست تا آنکه بدانم اینکه بتحقیق نمیرسد مرا

الا ما کتبت لی ورضنی من العیش بما قسمت لی یا ارحم الراحمین

مگر آنچه تقدیر کرده برای من خوشنود ساز مرا از زندگانی بآنچه قسمت کرده برای من ای بخشاینده ترین بخشایندگان

یا عدتی فی کربتی ویا صاحبی فی شدتی ویا ولیی فی نعمتی ویا

ای ذخیره من در اندوه من و ای یار من در سختی من و ای کفایت کننده من در نعمت من و ای

غایتی فی رغبتی انت الساتر عورتی والامن روعتی والمقیل

منتهای مطلب من در خواهش من توئی پوشاننده امر زشت مرا و ایمنی بخشنده خوف مرا و درگذرنده

عثرتی فاغفرلی خطیئتی یا ارحم الراحمین

لغزش مرا پس بیامرز گناه مرا ای بخشاینده ترین بخشایندگان

و اما دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان بسند معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین

و امام محمد باقر صلوات الله علیهما در هر روز ماه مبارک این دعا میخواندند

اللهم هذا شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس

بارخدایا این ماه رمضان است که فرو فرستادی در آن قرآن را در حالیکه راهنمای است مردمان

وبینات من الهدی والفرقان وهذا شهر الصیام وهذا شهر القیام

و نشانهای روشن است از راه نمائی و جدا کننده حق از باطل و این ماه روزه داشتن است و این ماه برپا

وهذا شهر الانابة وهذا شهر التوبة وهذا شهر المغفرة والرحمة

و این ماه بازگشت است و این ماه توبه است و این ماه آمرزش و بخشایش است

وهذا شهر العتق من النار والفوز بالجنة وهذا شهر فیه

و این ماه آزادی از آتش و رستگاری به بهشت و این ماهی است که در آن

إنّك أنت الغفور الرحيم … وأنت خير الوارثين

رمضان

ابن عباس … از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هرگاه …

لَيلَةِ القَدرِ الَّتي هِيَ خَيرٌ مِن أَلفِ شَهرٍ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

شب قدر است که آن بهتر است از هزار ماه خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَعِنّي عَلىٰ صِيامِهِ وَقِيامِهِ وَسَلِّمهُ لي وَسَلِّمني فيهِ وَأَعِنّي عَلَيهِ

محمد و مدد کن مرا بر روزه داشتن و بر ایستادن در آن و سالم دار آن را برای من و سالم دار مرا در آن و مدد کن مرا بر آن

بِأَفضَلِ عَونِكَ وَوَفِّقني فيهِ لِطاعَتِكَ وَطاعَةِ رَسولِكَ وَأَولِيائِكَ

به نیکوترین مدد خود و توفیق ده مرا در آن بطاعت خود و طاعت رسول خود و دوستان خود

صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيهِ وَعَلَيهِم وَفَرِّغني فيهِ لِعِبادَتِكَ وَدُعائِكَ وَتِلاوَةِ

رحمتهای خدا بر او و بر ایشان و فارغ دار دل مرا در آن بجهت عبادت خود و دعا خواندن و خواندن

كِتابِكَ وَعَظِّم لي فيهِ البَرَكَةَ وَأَحسِن لي فيهِ العافِيَةَ وَأَحرِز لي

کتاب خود و بزرگ گردان برای من در آن برکت را و نیکو گردان برای من در آن عافیت را و نگاهدار برای

فيهِ التَّوبَةَ وَأَصِحَّ لي فيهِ بَدَني وَأَوسِع لي فيهِ رِزقي وَاكفِني فيهِ

در آن توبه او سالم دار برای من در آن بدن مرا و فراخ کن برای من در آن روزی مرا و دفع کن از من در آن

ما أَهَمَّني وَاستَجِب فيهِ دُعائي وَبَلِّغني فيهِ رَجائي اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ

آنچه غمگین نماید مرا و بپذیر در آن دعای مرا و برسان مرا در آن با امید من خداوندا رحمت بفرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَذهِب عَنّي فيهِ النُّعاسَ وَالكَسَلَ وَالسَّأمَةَ وَالفَترَةَ

محمد و آل محمد و ببر از من در آن خواب سبک و کاهلی و ملال و سستی

وَالقَسوَةَ وَالغَفلَةَ وَالغِرَّةَ وَجَنِّبني فيهِ العِلَلَ وَالأَسقامَ وَالهُمومَ

و سختی دل و بیخبری و فریفتگی را و دور گردان از من در آن علتها و بیماری ها و غم ها

وَالأَحزانَ وَالأَعراضَ وَالأَمراضَ وَالخَطايا وَالذُّنوبَ وَاصرِف عَنّي فيهِ

و اندوه ها و حوادث و مرض ها و خطاها و گناهان را و بگردان از من در آن

السّوءَ وَالفَحشاءَ وَالجَهدَ وَالبَلاءَ وَالتَّعَبَ وَالعَناءَ إِنَّكَ سَميعُ الدُّعاءِ

بدی و زشتی و مشقت و بلا و رنج و رنجوری بدرستیکه تو اجابت کننده دعائی

اللّهم صلّ على محمّد وآل محمّد واعذني فيه من الشيطان الرجيم و

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و پناه ده مرا در آن از دیو رانده شده و

همزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته وتثبيطه وبطشه وكيده ومكره

بدگوئی و عیب جوئی او و دمیدن او و وسوسه او و کاهلی گردانیدن او و حمله کردن او و حیله او و مکر او

وحبائله وخدعه واماني وغروره وفتنته وشركه واحزابه

و دامهای او و فریبهای او و آرزوهای او و فریفتن او و آشوب او و دامهای او و یاران او

واتباعه واشياعه واوليائه وشركائه وجميع مكائده اللّهم

و تابعان او و پیروان او و دوستان او و انبازان او و همه مکرهای او بار خدایا

صلّ على محمّد وآل محمّد وارزقنا قيامه وصيامه وبلوغ الامل

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را نماز آن و روزه آن و رسیدن بآرزو

فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عنّي صبرا واحتسابا

در آن و در نماز آن و تمام کردن آنچه خوشنود سازد ترا از من از روی شکیبائی خالص کردن

وايمانا ويقينا ثم تقبّل ذلك منّي بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم

و گرویدن و یقین پس پذیر آنرا از من باضعاف بسیار و مزد بزرگ

يا ربّ العالمين اللّهم صلّ على محمّد وآل محمّد وارزقني الحجّ والعمرة

ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره

والجدّ والاجتهاد والقوّة والنشاط والانابة والتوبة والتوفيق

و سعی کردن و کوشش نمودن و توانائی و خرمی و بازگشت و توبه و نیک مهیا کردن اسباب طاعت

والقربة والخير المقبول والرهبة والرغبة والتضرّع والخشوع

و نزدیکی و نیکی پذیرفته و ترس و خواهشمندی و زاری نمودن و فروتنی

والرقّة والنيّة الصادقة وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك

و نرم دلی و نیت درست و راستی زبان و بیم داشتن از تو و امید داشتن مر ترا

والتوكل عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول

و توكل نمودن بر تو و اعتماد داشتن بتو و پرهيزيدن از محرمات تو با كلام شايسته

ومقبول السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء

و حركت پذيرفته و عمل بالا برده شده و دعاى اجابت كرده شده حائل مگردان ميان من و ميان چيزى

من ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان بل

از آنچه درخواستم من حادثه و نه بيمارى و نه اندوهى و نه غمى و نه بيمارى و نه فراموشى بلكه

بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك

معامله بكن با من بتوفيق ملاحظه كردن خود و نگاهداشتن براى تو و در راه تو و رعايت كردن حق تو و وفا نمودن بپيمان تو

ووعدك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد

و وعده تو برحمت تو اى بخشاينده ترين بخشايندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

واقسم لي فيه افضل ما تقسمه لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل

و قسمت كن مرا در اين ماه بهترين آنچه قسمت ميكنى آنرا براى بندگان شايسته خود و ببخش مرا در آن بهترين

ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة

آنچه ببخشى مر دوستان نزديك خود را از بخشش و آمرزش و مهربانى و پذيرفتن

والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من النار والفوز

و درگذشتن و آمرزش هميشه و عافيت و معافات و آزادى از آتش و رستگارى

بالجنة وخير الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد واجعل

ببهشت و خير اينجهان و آن جهان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان

دعائي فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك الي فيه نازلا وعملي فيه

دعاى مرا در اين بسوى خود رسنده و رحمت خود را و خير خود را بسوى من در آن فرود آينده و كردار مرا در آن

مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون نصيبي

پذيرفته و كوشش مرا در آن جزا داده شده و گناه مرا در آن آمرزيده تا آنكه بوده باشد نصيب من

فيه الاكبر وحظى فيه الاوفر اللهم صل على محمد وآل محمد ووفقنى

دران بزرگتر و بهره من دران تمام تر خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و توفیق ده مرا

فيه لليلة القدر على افضل حال تحب ان يكون عليها احد من اوليائك

دران از برای شب قدر بر بهترین حالی که دوست میداری که بوده باشد بران حال یکی از دوستان تو

وارضاها لك ثم اجعلها لى خيرا من الف شهر وارزقنى فيها افضل

وپسندیده ترین آن برای تو پس گردان آن شب را برای من بهتر از هزار ماه و روزی کن مرا دران شب بهتر

ما رزقت احدا ممن بلغته اياها واكرمته بها واجعلنى فيها من

از انچه روزی کرده کسی را از انکه رسانیدی ایشان را بآن شب قدر و گرامی داشتی ایشان را بآن شب و بگردان مرا دران از

عتقائك من جهنم وطلقائك من النار وسعداء خلقك بمغفرتك

آزاد شدگان خود از دوزخ و رها کردگان خود از آتش و نیکبختان خلق خود بآمرزش خود

ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد وارزقنا

و خوشنودی خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن ما را

فى شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة والنشاط وما تحب وترضى

درین ماه ما این ماه سعی و کوشش و توانایی و خرمی و انچه دوست داری و بپسندی

اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع والوتر ورب شهر رمضان وما

خداوندا ای پروردگار سپیده دم و شبهای ده گانه و شفع و وتر و صاحب ماه رمضان و انچه

انزلت فيه من القرآن ورب جبرئيل وميكائيل واسرافيل وعزرائيل

فرو فرستادی دران که قرآن است و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل

وجميع الملائكة المقربين ورب ابراهيم واسماعيل واسحاق

و همه فرشتگان نزدیکان و پروردگار ابراهیم و اسمعیل و اسحق

ويعقوب ورب موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين ورب محمد

و یعقوب و پروردگار موسی و عیسی و همه پیغمبران و فرستادگان و پروردگار محمد

ولا تردّ يدي الى نحري حتى تفعل ذلك بي وتستجيب لي جميع ما سألتك

وبر مگردان دست مرا بسوی سینه من تا آنگه بکنی آنرا که درخواستم با من و برآری مرا همه آنچه سوال کردم از تو

وتزيدني من فضلك فانك على كل شيء قدير ونحن اليك راغبون

وزیاده کنی مرا از بخشش خود زیرا که تحقیق تو بر همه چیز توانائی و ما بسوی تو خواهشمندیم

اللهم لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء

خداوندا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری

والآلاء اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان كنت قضيت

و نعمتها سوال میکنم از تو بنام تو بنام خدای بخشاینده مهربان اگر بوده باشی که حکم کرده

في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها ان تصلي على محمد وآل

دراین شب فرود آمدن فرشتگان و روح را در آن آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

محمد وان تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في

محمد و آنکه بگردانی نام مرا در دیوان نیکبختان و نفس مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در

عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي

علیین و بدی مرا آمرزیده و آنکه ببخشی مرا یقینی که مباشرت کند با آن دل من

وايمانا لا يشوبه شك ورضى بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنة وفي

و ایمانی که نیامیزد آنرا هیچ شکی و خوشنودی بانچه قسمت کرده برای من بده مرا در این جهان نیکوئی

الآخرة حسنة وقني عذاب النار وان لم تكن قضيت في هذه الليلة

و در آخرت نیکوئی و نگاهدار مرا از عذاب آتش و اگر نبوده باشی که حکم کرده باشی دراین شب

تنزل الملائكة والروح فيها فاخرني الى ذلك وارزقني فيها ذكرك

فرود آمدن ملائکه و روح در آن پس تاخیر کن مرا تا آن شب و روزی کن مرا در آن یاد خود

وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك وصل على محمد وآل محمد بافضل

و سپاس گذاری خود و فرمانبرداری خود و نیکو پرستیدن خود و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد بهترین

واذا قيل لهم انفقوا مما رزقكم الله قال الذين كفروا للذين آمنوا انطعم من لو يشاء الله اطعمه ان انتم الا في ضلال مبين ويقولون متى هذا الوعد ان كنتم صادقين ما ينظرون الا صيحة واحدة تأخذهم وهم يخصمون فلا يستطيعون توصية ولا الى اهلهم يرجعون ونفخ في الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون

رمضان

صلواتك يا ارحم الراحمين يا احد يا صمد يا رب محمد وال محمد اغضب

رحمتهای خود ای بخشنده ترین بخشایندگان ای یگانه ای پناه نیازمندان ای پروردگار محمد و آل محمد خشم گیر امروز

اليوم لمحمد ولابرار عترته واقتل اعداءهم بددا واحصهم عددا

برای محمد و بجهت نیکوکاران از عترت او و بکش دشمنان ایشان را حال آنکه متفرق باشند و در آر ایشان را بشمار

ولا تدع على ظهر الارض منهم احدا ولا تغفر لهم ابدا يا حسن

و وامگذار بر پشت زمین از ایشان کسی و میامرز ایشان را هرگز ای نیکو

الصحبة يا خليفة النبيين انت ارحم الراحمين البدئ البديع الذي

مصاحب ای خلیفه پیغمبران تو بخشنده ترین بخشایندگانی آفریدگاری پدید آورنده که

ليس كمثله شيء والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت انت كل يوم

نیست مانند او هیچ چیز و همیشه موجودی که نیست بی خبر و زنده که نمیرد تو هر روز

في شأن انت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد اسألك ان تنصر

در کاری تو خلیفه محمد و یاور محمد و زیادتی دهنده محمدی سوال میکنم از تو آنکه یاری کنی

وصي محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من اوصياء محمد صلواتك

وصی محمد و جانشین محمد و آنرا که بر پا است بعدل از اوصیای محمد رحمتهای تو

عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا اله الا انت بحق لا اله الا

براو و بر ایشان بگردان بر ایشان یاری خود را ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بحق آنکه الا

انت صل على محمد وال محمد واجعلني معهم في الدنيا والاخرة

انت رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بگردان مرا با ایشان در دنیا و آخرت

واجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين

و بگردان آخر کار مرا بسوی آمرزش خود و بخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

وكذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطف بلى انك لطيف

و همچنین ... ذات خود را ای آقای من بمهربانی بلی بدرستیکه تو مهربانی کننده

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ لَطِيفٌ لِمَا تَشَاءُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَالْطُفْ بِي

پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و لطف کن با من بدرستیکه تو لطف کننده‌ای آنچه را که خواهی خداوندا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِي الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج و عمره در سال ما این سال و در هر سالی

وَتَطَوَّلْ عَلَيَّ بِجَمِيعِ حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ

و احسان کن بر من بهمه حاجتهای من که بجهت دنیا و آخرت است طلب آمرزش میکنم از خدا

رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ

پروردگار من و رجوع میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگار من نزدیک است پذیرنده است طلب آمرزش میکنم خدا را که پروردگار

اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ اِنَّهُ كَانَ

بسوی او بدرستیکه پروردگار من مهربان دوست است طلب آمرزش میکنم خدا را که پروردگار من است و رجوع میکنم بسوی او بدرستیکه او

غَفَّارًا اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي اِنَّكَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ رَبِّ اِنِّي عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ

آمرزگار خداوندا بیامرز مرا بدرستیکه تو بخشنده‌ترین بخشایندگانی پروردگار من بدرستیکه من کردم بدی و ستم کردم

نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

نفس خود را پس بیامرز مرا بدرستیکه شان اینست که نمی‌آمرزد گناهان را کسی سوای تو طلب آمرزش میکنم خدا را که نیست خدائی سوای او

الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْعَلِيمُ الْكَرِيمُ الْغَفَّارُ لِلذَّنْبِ الْعَظِيمِ وَاَتُوبُ

زنده پاینده بردبار بزرگ دانا بزرگوار آمرزنده گناه بزرگ و رجوع میکنم

اِلَيْهِ اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ـ مرتبه ـ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ

بسوی او طلب آمرزش میکنم از خدا بدرستیکه خدا هست آمرزنده مهربان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ

که رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و بگردانی در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر

الْعَظِيمِ الْمَحْتُومِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ

أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ

آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته شود حج ایشان و پاداش شود کسب ایشان آمرزیده

ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَأَنْ تَجْعَلَ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ

گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و آنکه بگردانی در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی آنکه

تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ رِزْقِي وَتُؤَدِّيَ عَنِّي أَمَانَتِي وَدَيْنِي آمِينَ رَبَّ

دراز کنی عمر مرا و فراخ کنی روزی مرا و ادا کنی از جانب من امانت مرا و قرض مرا بپذیر ای پروردگار

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ

جهانیان بار خدایا بگردان برای من از امر من گشادگی و بیرون شدن و روزی ده مرا از آنجا که

أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ وَاحْرُسْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَرِسُ وَ

گمان می برم و از آنجا که گمان نمی برم و نگهبانی کن مرا از آنجا که خود را نگه دارم و

مِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَرِسُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً كَثِيراً

از آنجا که خود را نگه ندارم و رحمت کناد خدا بر محمد و آل محمد و درود فرستاد درود بسیار

و این تسبیحات نیز بسند معتبر از حضرت صادق صلوات الله علیه منقول است که در

هر روز از این ماه بخوانند

سُبْحَانَ اللهِ الْبَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا آفریننده

الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ

انواع مخلوقات همه آنها پاک است خدا خلق کننده تاریکیها و روشنی پاک است خدا شکافنده دانه

وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى

و هسته خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود

سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ السَّمِيعِ

تنزیه میکنم خدا را بشماره کلمهای او پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا شنوا

الذی لیس شیء اسمع منه یسمع من فوق عرشه ما تحت سبع ارضین

کسیکه نیست هیچ چیز شنواتر ازو میداند از بالای عرش خود آنچه در زیر زمین هفتگانه است

ویسمع ما فی ظلمات البر والبحر ویسمع الانین والشکوی ویسمع السر واخفی

ومیداند آنچه را در تاریکیهای بیابان و دریا و میشنود نالیدن و شکایت را و میشنود سر را و آنچه پنهانتر از آن

ویسمع وساوس الصدور ولا یصم سمعه صوت سبحان الله باریء النسم

و میداند اندیشه های سینه را و کر نمیسازد گوش او را صدائی پاکست خدا پدید آورنده

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل

پاکست خدا بخشنده صورت پاکست خدا آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاکست خدا ... کننده

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل

ظلمت ها و روشنی پاکست خدا شکافنده دانه و هسته های خرما پاکست خدا آفریننده

شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان

چیز پاکست خدا خالق آنچه دیده میشود و آنچه دیده نشود ...

الله رب العالمین سبحان الله البصیر الذی لیس شیء ابصر منه یبصر

من فوق عرشه ما تحت سبع ارضین ویبصر ما فی ظلمات البر والبحر

لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار وهو اللطیف الخبیر

لا تغشی بصره الظلمة ولا یستتر منه بستر ولا یواری منه جدار

ولا یغیب عنه بر ولا بحر ولا یکن منه جبل ما فی اصله ولا قلب ما فی ...

ولا جنب ما فی قلبه ولا یستتر منه صغیر ولا کبیر ولا یخفی علیه

و نه پهلوی آنچه را که در دل اوست و پوشیده نشود از و خوردی و نه بزرگی و پنهان نیست بر او

شیء فی الارض ولا فی السماء هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء

چیزی در زمین و نه در آسمان اوست آنکه بصورت در می آورد شما را در رحمها هر روش که خواهد

لا اله الا هو العزیز الحکیم سبحان الله باری النسم سبحان الله المصور

نیست سزاوار پرستش مگر او غالب است کردار درست پاک است خدا پدید آورنده آدمیان پاک است خدا که بخشنده صورت است

سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان

پاک است خدا آفریننده جفتها همه آنها پاک است خدا پدید آورنده ظلمتها و نور پاک است

الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق کل شیء سبحان الله خالق ما یری

خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود

وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان

و آنچه دیده نشود تنزیه میکنم خدا را مثل سواد کلمات او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است

الله الذی ینشئ السحاب الثقال ویسبح الرعد بحمده والملائکة من

خدا که بر می انگیزاند ابرهای گران را و تنزیه میکند رعد بسپاس او و فرشتگان از

خیفته ویرسل الصواعق فیصیب بها من یشاء ویرسل الریاح بشری

بیم او و میفرستد صاعقه ها را پس میرساند آنرا بهر که خواهد و میفرستد بادها را در حالتی که مژده دهنده

بین یدی رحمته ویرسل الماء من السماء بکلمته وینبت النبات بقدرته

پیش رحمت او یعنی باران و میفرستد آب از آسمان بکلمه خود و میرویاند گیاه را به توانائی خود

ویسقط الورق بعلمه سبحان الله الذی لا یعزب عنه مثقال ذرة

و فرو میریزاند برگ درخت را بعلم خود پاک است خدا آن خدائی که پنهان نیست از او قدر ذره خوردی

فی الارض ولا فی السماء ولا اصغر من ذلک ولا اکبر الا فی کتاب مبین

در زمین و نه در آسمان و نه خردتر از آن و نه بزرگتر مگر آنکه در کتابی است آشکارا

سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ

پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح پاک است خدا صورت بخشنده و پاک است خدا آفریننده انواع آفریدگان

كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللهِ فَالِقِ الْحَبِّ

همه آنها پاک است خدا خالق تاریکیها و روشنائی پاک است خدا شکافنده دانه

وَالنَّوَى سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى

و هسته خرما پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا پیدا کننده آنچه دیده میشود و آنچه دیده نمیشود

سُبْحَانَ اللهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللهِ الَّذِي

تنزیه میکنم خدا را بشمار سواد کلمهای او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است خدائی که

يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ

میداند آنچه که بر میدارد در رحم هر زنی و آنچه کم باد آرد آن را رحمها و آنچه میفزاید آن را رحمها و هر چیز نزد او

بِمِقْدَارٍ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ

باندازه است دانای هر نهان و آشکار است بزرگ بلند مرتبه است یکسانست نزد او کسیکه از شما

أَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ

نهان دارد سخن و هر که آشکار کند و کسی که او پوشاننده خود است در شب و آشکار نماینده است در روز

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللهِ سُبْحَانَ

مر او راست فرشتگان از پیش روی او و از پس سر او نگاه میدارند او را بسبب امر الهی پاک است

اللهِ الَّذِي يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَيَعْلَمُ مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ

خدائی که میمیراند زندگان را و زنده میکند مردگان را و میداند آنچه کم میکند زمین

مِنْهُمْ وَيُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا يَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى سُبْحَانَ اللهِ بَارِئِ النَّسَمِ

از ایشان و ثابت میدارد در رحمها آنچه میخواهد تا مدتی معین پاک است خدا پدید آورنده جانداران

سُبْحَانَ اللهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا سُبْحَانَ اللهِ جَاعِلِ

پاک است خدا صورت بخشنده پاک است خدا آفریننده انواع خلق همه آنها پاک است خدا قرار دهنده

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهٖ ... عَنَّا الشَّيْطَانَ ... سَفَكْتَ الدِّمَاءَ ... لَحْمُهَا بِلَحْمِهٖ وَدَمُهَا بِدَمِهٖ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهٖ وَشَعْرُهَا بِشَعْرِهٖ وَجِلْدُهَا بِجِلْدِهٖ اللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا وِقَاءً لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ

تاریکی و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده هر

شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى سُبْحَانَ اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهٖ سُبْحَانَ

چیز پاک است خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنیم خدا را بشماره کلمهای او پاک است

اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ مَالِكِ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ

خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی را بانکه خواهی و بگیری

الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

پادشاهی را از انکه میخواهی و عزیز میداری آنرا که میخواهی و خوار میسازی آنرا که میخواهی بدست تست نیکی بدرستیکه تو بر همه چیز

قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ

توانائی درمی آوری شب را در روز و درمی آوری روز را در شب و بیرون می آوری زنده را از مرده

وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ

و بیرون می آوری مرده را از زنده و روزی میدهی آنرا که خواهی بیشمار پاک است خدا

بَارِئِ النَّسَمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمُصَوِّرِ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا

پدید آورنده مردمی و روح پاک است خدا بخشنده صورت پاک است خدا آفریننده انواع مخلوقات همها

سُبْحَانَ اللّٰهِ جَاعِلِ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ سُبْحَانَ اللّٰهِ فَالِقِ الْحَبِّ وَالنَّوٰى

پاک است خدا آفریننده ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما

سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللّٰهِ خَالِقِ مَا يُرٰى وَمَا لَا يُرٰى سُبْحَانَ

پاک است خدا آفریننده هر چیز پاک است خدا پیدا کننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود تنزیه میکنیم

اللّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهٖ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ سُبْحَانَ اللّٰهِ الَّذِي عِنْدَهٗ مَفَاتِحُ

خدا را بشماره کلمهای او پاک است خدائیکه پروردگار جهانیان است پاک است خدائیکه نزد اوست کلیدهای

الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا

خزانه های غیبی نمیداند آنها را مگر او و میداند آنچه که در خشکی و دریا است و نمی افتد هیچ برگی از درختی مگر آنکه میداند آنرا

ابن فلان ... فلان ... یا قوم انی بریء مما تشرکون انی وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما وما انا من المشرکین ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت وانا من المسلمین اللهم منک ولک بسم الله وبالله والله اکبر اللهم صل علی محمد وآل محمد وتقبل من فلان بن فلان

بجای فلان بن فلان نام فرزند و پدرش را بر زبان براند ... و ختنه کردن پسران و سوراخ کردن گوش ایشان از آداب ...

... ختنه کردن پسران سنت است و ... در روز هفتم ...

وما لا یری سبحان الله مداد کلماته سبحان الله رب العالمین سبحان

وانچه دیده نشود و تنزیه میکنم خدا را بشمار کلمهای او پاک است خدا پروردگار عالمیان پاک است

الله الذی یعلم ما یلج فی الارض وما یخرج منها وما ینزل من السماء وما

خدا که میداند انچه را که داخل میشود در زمین وانچه بیرون می آید از ان وانچه فرود می آید از آسمان وانچه

یعرج فیها ولا یشغله ما یلج فی الارض وما یخرج منها عما ینزل من

بالا رود در ان و باز نمیدارد در انچه داخل می شود در زمین وانچه بیرون می آید از ان از انچه فرود می آید از

السماء وما یعرج فیها ولا یشغله ما ینزل من السماء وما یعرج فیها عما

آسمان وانچه بالا رود در ان و باز نمیدارد در انچه فرود می آید از آسمان وانچه بالا رود در ان از انچه

یلج فی الارض وما یخرج منها ولا یشغله علم شیء عن علم شیء ولا یشغله خلق

داخل شود در زمین وانچه بیرون آید از ان و باز ندارد او را دانش چیزی از دانش چیزی و باز ندارد او را

شیء عن خلق شیء ولا حفظ شیء عن حفظ شیء ولا یساویه شیء ولا یعدله

چیزی از آفرینش چیزی و نه نگاهبانی چیزی از نگاهبانی چیزی و مساوی نیست او را چیزی و برابری نمیکند او را

شیء لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر سبحان الله باریء النسم

چیزی نیست مانند او هیچ چیز و اوست شنوای دانا پاک است خدا پدید آورنده هر ذی روح

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج کلها سبحان الله جاعل

پاک است خدا نگارنده صورت پاک است خدا آفریننده اقسام مخلوقات همه آنها پاک است خدا آفریننده

الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوی سبحان الله خالق

ظلمتها و نور پاک است خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاک است خدا آفریننده

کل شیء سبحان الله خالق ما یری وما لا یری سبحان الله مداد کلماته

هر چیز پاک است خدا آفریننده انچه دیده شود وانچه دیده نمیشود و تنزیه میکنم خدا را بشماره کلمهای

سبحان الله رب العالمین سبحان الله فاطر السموات والارض جاعل

پاک است خدا پروردگار جهانیان پاک است خدا خلق نماینده آسمانها و زمین گرداننده

وَسَلِّمُوا تَسْلِيماً لَبَّيْكَ يَا رَبِّ وَسُبْحَانَكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

و درود فرستید درود فرستادنی اجابت می کنم ای پروردگار من پاکی تو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و

بَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ

برکت ده بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی و برکت دادی بر ابراهیم و آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ اِبْرٰهِيمَ وَآلَ اِبْرٰهِيمَ

بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا ترحم کن بر محمد و آل محمد چنانچه ترحم نمودی بر ابراهیم و آل ابراهیم

اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلٰى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ

بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانکه درود فرستادی بر نوح در میان عالمیان

اَللّٰهُمَّ امْنُنْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلٰى مُوسٰى وَهٰرُونَ اَللّٰهُمَّ

خداوندا بخشش نما بر محمد و آل محمد چنانکه بخشش نمودی بر موسی و هارون خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه راه نمائی کردی ما را باو خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانکه

شَرَّفْتَنَا بِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً

شرافت دادی ما را بسبب او خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز او را در جایگاه ستوده

يَغْبِطُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَالْاٰخِرُونَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا

که رشک برند او را بسبب آن پیشینیان و پسینیان بر محمد و آل او باد درود هرگاه

طَلَعَتْ شَمْسٌ اَوْ غَرَبَتْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ اَوْ بَرَقَتْ

برآید آفتاب یا فرو رود بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلک را چشمی یا خیره شود

عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا طَرَفَتْ عَيْنٌ اَوْ ذَرَفَتْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ

بر محمد و آل او باد درود هرگاه برهم زند پلکها را دیده یا اشک ریزد بر محمد و آل او باد درود

كُلَّمَا ذُكِرَ السَّلَامُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ السَّلَامُ كُلَّمَا سَبَّحَ اللّٰهَ مَلَكٌ اَوْ قَدَّسَهُ

هرگاه ذکر کرده شود سلام بر محمد و آل او باد درود هرگاه تسبیح کند خدا را فرشته یا تنزیه کند او را

السّلام على محمّد وآله في الاوّلين السّلام على محمّد وآله في الآخرين السّلام

درود بر محمد وآل او در زمرهٔ پیشینیان درود بر محمد وآل او در زمرهٔ پسینیان درود

على محمّد وآله في الدّنيا والآخرة السّلام على محمّد وآله ورحمة الله وبركاته

بر محمد وآل او در جهان وآنجهان درود بر محمد وآل او ورحمت خدا وبرکتهای

اللّهمّ ربّ البلد الحرام وربّ الرّكن والمقام وربّ الحلّ والحرام ابلغ

بار خدایا ای پروردگار بلدهٔ محترم وای پروردگار رکن ومقام ابراهیم وای پروردگار حل وحرم برسان

نبيّك محمّدا وآله عنّا السّلام اللّهمّ اعط محمّدا من البهاء والسّرور

پیغمبر خود محمد وآل او از ما درود خداوندا ببخش محمد را از نکوئی وشادی

والنّضرة والكرامة والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام والشّرف

وتازگی وبزرگواری وخوشحالی ووسیله ومرتبه وجایگاه وشرافت و

والرّفعة والشّفاعة عندك يوم القيمة افضل ما تعطي احدا من خلقك

بلندی وشفاعت کردن نزد تو روز قیامت بهتر از آنچه عطا کنی کسی را از خلق خود

واعط محمّدا فوق ما تعطي الخلائق من الخير اضعافا كثيرة لا يحصيها

وعطا کن محمد را بالای آنچه عطا کنی آفریدگان را از نیکی اضعاف بسیار که شماره نکند آنها را

غيرك اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد اطيب واطهر وازكى وانمى وافضل ما صلّيت

غیر تو خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد پاکیزه‌تر وپاک‌تر [illegible]

على احد من الاوّلين والآخرين وعلى احد من خلقك يا ارحم الرّاحمين

[illegible]

اللّهمّ صلّ على عليّ امير المؤمنين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف

[illegible]

العذاب على من شرك في دمه اللّهمّ صلّ على فاطمة بنت نبيّك محمّد

عذاب را بر آنکه شریک شد در خون او خداوندا رحمت فرست بر فاطمه دختر پیغمبر خود محمد

عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَالْعَنْ مَنْ آذَىٰ نَبِيَّكَ فِيهَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ وَ

بر او و آل او باد درود و دور کن از رحمت خود کسی که آزرد پیغمبر ترا در باره او خداوندا رحمت فرست بر حسن و

الْحُسَيْنِ إِمَامَيِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُمَا وَعَادِ مَنْ عَادَاهُمَا وَضَاعِفِ الْعَذَابَ

حسین دو پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد ایشانرا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد ایشانرا

عَلَى مَنْ شَرِكَ فِي دَمِهِمَا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ

بر آنکه شرکت نموده در خون ایشان خداوندا رحمت فرست بر علی بن حسین پیشوای گردن نهندگان

وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب بر کسیکه ستم کرده او را

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ

خداوندا رحمت فرست بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا

مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ

که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر کسیکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست بر جعفر بن محمد

إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ

پیشوای اطاعت کنندگان دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را

عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ

بر کسیکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر موسی بن جعفر پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا

وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ

که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست

عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ وَضَاعِفِ

بر علی بن موسی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن

الْعَذَابَ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ وَوَالِ

عذاب را بر کسیکه ستم کرد او را خداوندا رحمت فرست بر محمد بن علی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا

مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ وضاعِفِ العذابَ على مَن ظَلَمَهُ اللّٰهُمَّ

ازآنکه دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد او را خداوندا

صَلِّ على عليّ بن محمّدٍ إمامِ المسلمين ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ

رحمت فرست بر علی بن محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار آنرا که دشمن دارد او را

وضاعِفِ العذابَ على مَن ظَلَمَهُ اللّٰهُمَّ صلِّ على الحسنِ بنِ عليٍّ إمامِ المسلمين

و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرده او را خداوندا رحمت فرست بر حسن بن علی پیشوای مسلمانان

ووالِ مَن والاهُ وعادِ مَن عاداهُ وضاعِفِ العذابَ على مَن ظَلَمَهُ

و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار کسی را که دشمن دارد او را و مضاعف گردان عذاب را بر کسیکه ستم کرد او را

اللّٰهُمَّ صلِّ على الخَلَفِ مِن بعدِه إمامِ المسلمين ووالِ مَن والاهُ وعادِ

خداوندا رحمت فرست بر جانشین پس از وی پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد او را و دشمن دار

مَن عاداهُ وعجِّل فَرَجَهُ اللّٰهُمَّ صلِّ على القاسمِ والطاهرِ ابنَي نبيِّك

آنکه دشمن دارد او را و بشتاب گشایش او را خداوندا رحمت فرست بر قاسم و طاهر دو پسر پیغمبر خود

اللّٰهُمَّ صلِّ على رُقَيّةَ بنتِ نبيِّك والعَن مَن آذى نبيَّك فيها اللّٰهُمَّ

خداوندا رحمت فرست بر رقیه دختر پیغمبر خود و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا درباره او خداوندا

صلِّ على أُمِّ كُلثومٍ بنتِ نبيِّك والعَن مَن آذى نبيَّك فيها اللّٰهُمَّ صلِّ على ذُرِّيّةِ

رحمت فرست بر ام کلثوم دختر پیغمبر تو و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا درباره او خداوندا رحمت فرست بر فرزندان

نبيِّك اللّٰهُمَّ اخلُف نبيَّك في أهلِ بيتِه اللّٰهُمَّ مكِّن لهم في الأرضِ اللّٰهُمَّ

پیغمبر خود خداوندا جانشین باش پیغمبر خود را در خاندان او خداوندا جای ده ایشان را در زمین خداوندا

اجعلنا مِن عَدَدِهم ومَدَدِهم وأنصارِهم على الحقِّ في السِّرِّ والعلانيةِ

بگردان ما را از شماره ایشان و یاوری ایشان و یاری نمایندگان ایشان بر حق در نهان و آشکارا

اللّٰهُمَّ اطلُب بذَحلِهم ووِترِهم ودمائِهم وكُفَّ عنّا وعنهم وعن

خداوندا طلب کن خون ایشان و خون ایشان را و خونهای ایشان را و باز دار از ما و از ایشان و از

فرمود که خدا رحم کند پدر و مادری را که یاری کنند فرزندان خود را در نیکی کردن با ایشان و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که خدا رحم کند کسی را که اعانت نماید فرزند خود را بر نیکی [illegible] عرض کرد که چگونه اعانت کند فرمود که کار آسانی را از او قبول کند و کار دشوار را [illegible]

حضرت امام موسی علیه السلام فرمود که شوخی [illegible] کودکی علامت [illegible]

كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ بَأْسَ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَكُلِّ دَابَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا

هر مرد گروندهٔ و زن گروندهٔ ترس هر ستم کننده و از حد گذرنده و هر جنبنده که تو فرا گیرنده موی پیشانی او

اِنَّكَ اَنْتَ اَشَدُّ بَأْسًا وَاَشَدُّ تَنْكِيلًا

بدرستیکه تو توانا تری بعذاب کردن و توانا تری از روی عقوبت

و در اقبال و بعضی از نسخهای دیگر دعا از حضرت علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری صلوات الله علیهم بجای علی بن ظلمه چنین است علی من شرک فی دمه و از جملهٔ دعاهای هر روز ماه مبارک رمضان دعائی است که سید بن طاوس فضیلت بسیار از جهت آن روایت کرده و در استجابت دعوات مجرب است و بر مضامین عالیه مشتمل است دعا این است

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِیْ فَاسْتَجِبْ لِیْ كَمَا وَعَدْتَنِیْ سه بار اَللّٰهُمَّ

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس قبول کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا

اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِاَبْهَاهُ وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ

بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

بِبَهَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ جَلَالِكَ بِاَجَلِّهِ وَكُلُّ جَلَالِكَ

بنیکوئی تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو به بزرگوارترین آن و هر بزرگواری تو

جَلِیْلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِجَلَالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ

بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا به بزرگواری تو همهٔ آن بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از نیکوئی

بِاَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِیْلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ

به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکست بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا به نیکوئی تو همهٔ آن

پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَدْعُوْكَ كَمَا اَمَرْتَنِیْ فَاسْتَجِبْ لِیْ كَمَا وَعَدْتَنِیْ

خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس قبول کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا

پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ مِنْ عَظَمَتِكَ بِاَعْظَمِهَا وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظِیْمَةٌ

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از بزرگی تو به بزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگ است

اللّهمّ انّی اسألک بعظمتک کلّها اللّهمّ انّی اسألک من نورک بانوره
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ببزرگی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نور تو بروشن ترین آن

وکلّ نورک نیّر اللّهمّ انّی اسألک بنورک کلّه اللّهمّ انّی اسألک
و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنور تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

من رحمتک باوسعها وکلّ رحمتک واسعة اللّهمّ انّی اسألک
از رحمت تو بفراخ ترین آن و هر رحمت تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

برحمتک کلّها پس سه مرتبه بگوید اللّهمّ انّی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی
برحمت تو هر یک از آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا پس قبول کن از من

کما وعدتنی پس بگوید اللّهمّ انّی اسألک من کمالک باکمله وکلّ کمالک
چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از صفات کمال تو بکامل ترین آن و جمیع کمال تو

کامل اللّهمّ انّی اسألک بکمالک کلّه اللّهمّ انّی اسألک من
کامل است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از تو بکمال تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از

کلماتک باتمّها وکلّ کلماتک تامّة اللّهمّ انّی اسألک بکلماتک
کلمهای تو بتمام ترین آنها و هر یک از کلمهای تو تام است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بکلمهای تو

کلّها اللّهمّ انّی اسألک من اسمائک باکبرها وکلّ اسمائک کبیرة
هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از نامهای تو ببزرگ ترین آن و هر یک نامهای تو بزرگ است

اللّهمّ انّی اسألک باسمائک کلّها پس سه مرتبه بگوید اللّهمّ انّی ادعوک کما
خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بنامهای تو هر یک آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه

امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی پس بگوید اللّهمّ انّی اسألک من عزّتک
فرمان دادی مرا پس اجابت کن برای من چنانکه وعده کردی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از عزت تو

باعزّها وکلّ عزّتک عزیزة اللّهمّ انّی اسألک بعزّتک کلّها
بارجمندترین آن و هر عزتی از تو ارجمند است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از تو بعزت تو همه آن

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ بِاَمْضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از خواستن تو بگذرنده ترین آن و همه خواستن تو گذرنده است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ الَّتی

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بخواستن تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بقدرت تو که

اسْتَطَلْتَ بِها عَلی كُلِّ شَیْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی

استیلا داری بآن بر هر چیز و هر قدرت تو مستولی است خداوندا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها پس مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی

سوال میکنم از تو بتوانائی تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه فرمان دادی مرا

فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِاَنْفَذِهِ

پس اجابت کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از علم تو بروان ترین آن

وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

و هر علمی از تو روان است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بعلم تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

مِنْ قَوْلِكَ بِاَرْضاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ رَضِیٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ

از گفتار تو به پسندیده ترین آن و هر گفتار تو پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بگفتار تو همهٔ آن

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ مَسائِلِكَ بِاَحَبِّها اِلَيْكَ وَكُلُّ مَسائِلِكَ حَبيبَةٌ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از سوالهای تو بدوست داشته ترین آنها بسوی تو و هر یک از سوالهای تو دوست داشته است

اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَسائِلِكَ كُلِّها پس مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَدْعُوكَ كَما اَمَرْتَنی

بسوی تو خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسوالهای تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه امر کردی مرا

فَاسْتَجِبْ لی كَما وَعَدْتَنی پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِاَشْرَفِهِ

پس اجابت کن برای من چنانکه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بزرگواری تو ببزرگوارترین آن

وَكُلُّ شَرَفِكَ شَريفٌ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِشَرَفِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ

و هر بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ببزرگواری تو همهٔ آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم

بِرِزْقِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ عَطَائِكَ بِاَهْنَئِهِ وَكُلُّ عَطَائِكَ

بروزی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از بخشش تو بگواراترین آن و همه بخشش تو

هَنِيءٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِعَطَائِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ

گواراست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا ببخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از نیکی تو

بِاَعْجَلِهِ وَكُلُّ خَيْرِكَ عَاجِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِخَيْرِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

بشتابترین آن و هر نیکی تو شتابانست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به نیکی تو همه آن خداوندا بدرستیکه من

اَسْأَلُكَ مِنْ اِحْسَانِكَ بِاَحْسَنِهِ وَكُلُّ اِحْسَانِكَ حَسَنٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ

سوال میکنم از تو از نیکوئی تو بنیکوترین آن و هر احسان تو نیکوست خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

بِاِحْسَانِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي بِهِ حِينَ اَدْعُوكَ فَاَجِبْنِي

باحسان تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بآنچه اجابت میکنی مرا بآن هنگامیکه میخوانم ترا اجابت کن مرا

يَا اَللّٰهُ نَعَمْ دَعَوْتُكَ يَا اَللّٰهُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَا اَنْتَ فِيهِ مِنَ الشُّؤُونِ

ای خدا بلی خواندم ترا ای خدا خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بآنچه تو در آنی از کارها

وَالْجَبَرُوتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِكُلِّ شَأْنٍ وَجَبَرُوتٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ

و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بهر کار و بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا

بِشَأْنِكَ وَجَبَرُوتِكَ كُلِّهَا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَا تُجِيبُنِي حِينَ اَسْأَلُكَ بِهِ

بکار تو و بزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بآنچه اجابت میکنی مرا هنگامیکه سوال میکنم ترا بآن

فَاَجِبْنِي يَا اَللّٰهُ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ پس هر حاجت که داری طلب بکن

پس اجابت کن مرا ای خدا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْنِي عَلَى الْاِيمَانِ بِكَ وَالتَّصْدِيقِ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر گرویدن بتو و باور داشتن

بِرَسُولِكَ وَالْوِلَايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْاِيتِمَامِ بِالْاَئِمَّةِ

رسول تو و دوستی علی ابن ابیطالب را او باد درود و اقتدا به پیشوایان

مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ فَإِنِّي قَدْ رَضِيتُ بِذَلِكَ يَا رَبِّ

از خاندان محمد و بیزاری از دشمنان ایشان پس بتحقیق من خوشنودم بآن ای پروردگار من

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و میخواهم از تو بهتر بهتری خوشنودی ترا و بهشت را

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ سَخَطِكَ وَالنَّارِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و پناه میگیرم بتو از بدتر بدتری که غضب تو است و آتش خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ

محمد و نگاهدار مرا از هر مکروهی و از هر رنجی و از هر عقوبتی و از

كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ

هر آشوبی و از هر بلائی و از هر گزندی و از هر ناخوشی و از هر رنجی

نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در این ساعت و در این شب

وَفِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذَا الشَّهْرِ وَفِي هَذِهِ السَّنَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و در این روز و در این ماه و در این سال خداوندا رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي مِنْ كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ

محمد و آل محمد و بخش برای من از هر شادی و از هر نیکوئی و از هر

اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ كُلِّ عَافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ

اعتدالی و از هر گشادگی و از هر عافیتی و از هر سلامتی

وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ طَيِّبٍ وَمِنْ كُلِّ نِعْمَةٍ

و از هر بزرگواری و از هر روزی فراخ حلال پاک و از هر نعمت

وَمِنْ كُلِّ حَسَنَةٍ نَزَلَتْ أَوْ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ

و از هر نیکی که فرود آمده یا فرود آید از آسمان بسوی زمین در این ساعت

وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذَا الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اللّٰهُمَّ

ودرین شب ودرین روز ودراین ماه ودراین سال خداوندا

إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَغَيَّرَتْ

اگر بوده باشد گناهان من که تحقیق کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو وحائل باشد میان من ومیان تو وتغییر داده

حَالِي عِنْدَكَ فَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الَّذِي لَمْ يُطْفَأْ

حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنور ذات بزرگوار تو که فرونشانیده نشده

وَبِوَجْهِ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَبِوَجْهِ وَلِيِّكَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَبِحَقِّ

وبجاه دوست تو محمد برگزیده وبجاه دوست تو علی پسندیده وبحق

أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ انْتَجَبْتَهُمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي

دوستان تو که برگزیدی ایشانرا اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد واینکه بیامرزی برای من

وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مَا تَوَالَدُوا ذُنُوبَنَا

وبرای پدر ومادر من وانچه زائیده اند ایشان از مرد وزن برای مردان گرونده وزنان گرونده وانچه زائیده اند ایشان گناهان ما را

كُلَّهَا صَغِيرَهَا وَكَبِيرَهَا وَأَنْ تَخْتِمَ لَنَا بِالصَّالِحَاتِ وَأَنْ تَقْضِيَ

همه گناهان را خورد آنها وبزرگ آنها واینکه ختم کنی برای ما بکردارهای شایسته واینکه روا کنی

لَنَا الْحَاجَاتِ وَالْمُهِمَّاتِ وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا

برای ما حاجتها را وکارهای سخت را وشایسته از دعا وسؤال را پس بپذیر برای ما

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ آمِينَ آمِينَ آمِينَ

بحق محمد وآل محمد خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد بپذیر بپذیر بپذیر

مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ

آنچه خواسته خدا میشود نیست هیچ طاقتی وقدرتی مگر بخدا پاکست پروردگار تو پروردگار

الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

عزت از آنچه میستانید ودرود بر فرستادگان وسپاس مر خدا را که پروردگار جهانیان است

پس دستها را بسوی آسمان بلند کن و پشت دستها را بسوی روی خود کن و بگو

اگر بتواند خود را بگریه بدارد پس بگو

یا لا اله الا انت اسألك بحق من حقه علیك عظیم یا لا اله الا انت

ای نیست سزاوار پرستش مگر تو میخواهم از تو بحق آنکه حق او بر تو بزرگ است برکت کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا انت

اسألك بهاء لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بجلال لا اله

سوال میکنم ترا به نیکوئی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو به بزرگواری لا اله

الا انت یا لا اله الا انت اسألك بجمال لا اله الا انت یا لا اله الا انت

الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو به نیکوئی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو

اسألك بنور لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بکمال لا اله الا انت

سوال میکنم از تو بروشنائی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو بتمامی لا اله الا انت

یا لا اله الا انت اسألك بعزة لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك

ای آنکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم از تو بعزت لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم از تو

بعظمة لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بقول لا اله الا انت

به بزرگی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم از تو بوسیلهٔ گفتن لا اله الا انت

یا لا اله الا انت اسألك بشرف لا اله الا انت یا لا اله الا انت

ای آنکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم از تو بشرافت لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو

اسألك بعلاء لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بلا اله الا

سوال میکنم از تو به بلندی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو سوال میکنم از تو بحرمت لا اله الا

انت یا لا اله الا انت یا رباه یا رباه یا رباه

انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار

آنقدر بگوید که یک نفس وفا کند پس بگوید به زبان حال آنچه بخواهد و گردانیده گردد بسوی دوستی

چندانکه یک نفس وفا کند

أَسْأَلُكَ يَا سَيِّدِي پس بگو يا الله يا الله ده بار يك نفس و فا آن گاه پس بگو يا سيّداه

سوال میکنم از تو ای بزرگ من ای خدا ای پروردگار ای بزرگ

يَا مَوْلَاهُ يَا غِيَاثَاهُ يَا مَلْجَأَهُ يَا مُنْتَهَى غَايَةِ رَغْبَتَاهُ يَا أَرْحَمَ

ای آقا ای فریادرس ای پناهگاه ای منتهای نهایت خواهش ای بخشاینده‌ترین

الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ دَعْوَةٍ مُسْتَجَابَةٍ

بخشایندگان سوال میکنم از تو پس نیست مانند تو هیچ چیز و سوال میکنم ترا بهر دعای پذیرفته

دَعَاكَ بِهَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ

که خواند ترا بآن پیغمبر مرسلی یا فرشته مقربی یا بنده گرونده که آزمودی دل او را

لِلْإِيمَانِ وَاسْتَجَبْتَ دَعْوَتَهُ مِنْهُ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ

برای ایمان و پذیرفتی دعای او را از وی و روی آورم بسوی تو بوسیله محمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت

وَأُقَدِّمُهُ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي

و پیش میدارم او را در پیش حاجتهای خود ای محمد ای رسول خدا پدرم فدای تو و مادرم

أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى رَبِّكَ وَرَبِّي وَأُقَدِّمُكَ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي

روی آورم بوسیله تو بسوی پروردگار تو و پروردگار من و پیش میدارم ترا پیش حاجتهای خود

يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ أَسْأَلُكَ بِكَ فَلَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ وَأَتَوَجَّهُ

ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار میخواهم از تو بحق تو پس نیست مانند تو هیچ چیز و روی آورم

إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ وَبِعِتْرَتِهِ الْهَادِيَةِ وَأُقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيْ حَوَائِجِي

بسوی تو بوسیله محمد دوست تو و بوسیله خویشان نزدیک او که راه نماینده‌اند و پیش میدارم ایشان را پیش حاجتهای خود

وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَيَاتِكَ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُطْفَأُ

و سوال میکنم از تو خداوندا بهستی تو که زایل نمیشود و بروشنائی ذات تو که فرونشانیده نمیشود

وَبِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَأَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عَلَيْكَ عَظِيمٌ

و بدیده تو که نمی خوابد و سوال میکنم از تو خداوندا بحق آنکه حق او بر تو بزرگ است

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِعَدَدِ كُلِّ شَيْءٍ وَعَدَدَ

اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد بهر چیز و بعدد از هر چیز و بشماره

كُلِّ شَيْءٍ وَبِزِنَةِ كُلِّ شَيْءٍ وَمِلْأَ كُلِّ شَيْءٍ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

هر چیز و بسنجش هر چیز و پری هر چیز خداوندا بدرستیکه سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی

عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُصْطَفَى وَرَسُولِكَ الْمُرْتَضَى وَأَمِينِكَ الْمُصْطَفَى وَنَجِيبِكَ

بر محمد بنده برگزیده تو و رسول پسندیده تو و معتمد برگزیده تو و اختیار کرده شده تو

دُونَ خَلْقِكَ وَحَبِيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ النَّذِيرِ الْبَشِيرِ

نزد خلق تو و دوست تو و اختیار کرده شده تو از خلق تو همه بیم نماینده مژده دهنده

السِّرَاجِ الْمُنِيرِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُطَهَّرِينَ الْأَخْيَارِ

چراغ روشن و بر خاندان او که پاکیزگان پاکان پاک گردیدگان نیکان

الْأَبْرَارِ وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَحَجَبْتَهُمْ عَنْ

نیکوکاران و بر فرشتگان تو که خالص گردانیدی ایشان را برای ذات خود و بازداشتی ایشان را از

خَلْقِكَ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ الَّذِينَ يُنْبِئُونَ بِالصِّدْقِ عَنْكَ وَعَلَى عِبَادِكَ

خلق خود و بر پیغمبران تو که خبر دهند براستی از تو و بر بندگان تو

الصَّالِحِينَ الَّذِينَ أَدْخَلْتَهُمْ فِي رَحْمَتِكَ الْأَئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ الرَّاشِدِينَ

که شایسته اند آنکه درآورده ایشان را در رحمت خود که پیشوایان راه یافتگان

الْمُطَهَّرِينَ وَعَلَى جَبْرَئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَمَلَكِ الْمَوْتِ وَ

پاک گردیدگان و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ملک موت و

رِضْوَانَ خَازِنِ الْجَنَّةِ وَمَالِكٍ خَازِنِ النَّارِ وَالرُّوحِ الْقُدُسِ وَحَمَلَةِ

رضوان خزانه دار بهشت و مالک خزانه دار دوزخ و روح القدس بردارندگان

الْعَرْشِ وَمُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَعَلَى الْمَلَكَيْنِ الْحَافِظَيْنِ عَلَيَّ بِالصَّلَاةِ الَّتِي تُحِبُّ

عرش و منکر و نکیر و بر آن دو فرشته که موکل اند بحفظ اعمال من با آن رحمتی که دوست داری

رمضان

و بلغم را دفع میکند و حافظه را زیاده میکند و دندانها را سفید میکند و حسنات را مضاعف میکند و بوست اندا ختن و بوسیدن دندان ... میکند و اشتهای طعام را زیاده میکند و ملائکه خوشحال میشوند و در حدیث دیگر فرمود که ... را زیاده میکند

أن تصلي بها عليهم صلوة كثيرة طيبة مباركة زكية نامية

اگر رحمت بفرستی بآن بر ایشان رحمت بسیار پاکیزه با برکت پاک فزایش کننده

طاهرة شريفة فاضلة تبين بها فضلهم على الأولين والآخرين

طاهر با رفعت نیکو که ظاهر سازی بآن زیادتی ایشان را بر پیشینیان و پسینیان

اللهم إني أسألك أن تسمع صوتي وتجيب دعوتي وتغفر ذنوبي

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه بشنوی صدای مرا و اجابت کنی دعای مرا و بیامرزی گناهان مرا

وتنجح طلبتي وتقضي حاجاتي وتقبل قصتي وتنجز لي ما وعدتني و

و برآوری حاجت مرا و روا کنی حاجتهای مرا و بپذیری کار مرا یا حکایت مرا و روا کنی برای من آنچه را که وعده داده

تقيلني عثرتي وتتجاوز عن خطيئتي وتصفح عن ظلمي وتعفو عن جرمي

درگذری از لغزش من و تجاوز کنی از خطای من و درگذری از ستم من و عفو کنی از گناه من

وتقبل علي ولا تعرض عني وترحمني ولا تعذبني وتعافيني ولا تبتليني

و رو کنی بر من و رو نگردانی از من و رحم کنی مرا و عذاب نکنی مرا و عافیت بخشی مرا و مبتلا نسازی

وترزقني من أطيب الرزق وأوسعه وأهنأه وأمرأه وأسبغه و

و روزی دهی مرا از پاکیزه ترین روزیها و فراگیرنده ترین آن و گواراترین آن و گوارنده ترین آن و سعه تمام

أكثره ولا تحرمني يا رب النظر إلى وجهك الكريم والفوز بالجنة

و بیشترین آن و نا امید نکنی مرا ای پروردگار من از نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو و از رسیدن به بهشت

والعتق من النار واقض عني يا رب ديني وأمانتي وضع عني وزري

و آزادی از آتش و قضا کن از من ای پروردگار من قرض مرا و امانت مرا و بگذار از من بار گران

ولا تحملني ما لا طاقة لي به يا مولاي وأدخلني في كل خير

و بار مکن مرا آنچه نیست توانائی مرا بآن ای صاحب اختیار من و درآور مرا در هر نیکی

أدخلت فيه محمدا وآل محمد وأخرجني من كل سوء أخرجتهم منه

که درآوردی در آن محمد و آل محمد را و بیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی ایشان را از آن

رمضان

ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابداً في الدنيا والآخرة پس سه مرتبه بگويد

وجدائی مفكن ميان من وميان ايشان بقدر برهم زدن چشم هرگز در اين جهان وآن جهان

اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگويد اللهم اني

بار خدايا بدرستيكه من ميخوانم ترا چنانكه امر كردي مرا پس دعا مرا اجابت كن چنانكه وعده كردي مرا بار خدايا بدرستيكه من

اسألك قليلاً من كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه

سوال ميكنم از تو اندكی از بسيار با حاجت من بسوی آن بيشمار و بی نيازی تو از آن

قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير فامنن به علي انك على

ديرينه است وآن نزد من بسيار است وآن بر تو سهل و اندك است پس بخشش كن بآن بر من بدرستيكه تو بر

كل شيء قدير اللهم برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين

هر چيز توانائی خداوندا برحمت خود در زمره نيكوكاران پس در آور مرا و در عليين

فارفعنا وبكاس من معين من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين

پس بلند كن مارا وبجامی از شراب شيرين از چشمه سلسبيل پس آب ده مارا واز حوريان فراخ چشم

برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون

برحمت خود پس زن ده مارا واز كودكان جاويد ماندگان كه گويا ايشان مرواريد پوشيده اند

فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس

پس خادم بخش مارا واز ميوه های بهشت وگوشتهای مرغ پس بخوران مارا واز جامهای ديبای نازك

والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا

وابريشمين وديبای سطبر پس بپوشان مارا وبرای دريافت شب قدر وحج خانه محترم خود وكشته شدن

في سبيلك مع وليك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسئلة فاستجب

در راه خود با دوستان خود پس توفيق ده مارا وشايسته دعا وسوال را پس اجابت كن

لنا يا خالقنا اسمع واستجب لنا واذا جمعت الاولين والآخرين

برای ما ای آفريننده ما بشنو واجابت كن برای ما وهرگاه جمع كنی پيشينيان وپسينيان را

رمضان

يوم القيمة فارحمنا وبراءة من النار وامانا من العذاب فاكتب لنا وفي

در روز رستخیز پس رحم کن مارا و بیزاری از آتش و ایمنی از عذاب پس بنویس برای ما و در

جهنم فلا تجعلنا ومع الشياطين في النار فلا تقرنا وفي هوانك

دوزخ پس مگردان مارا و با دیوان پلید در آتش پس ثابت مدار مارا و در خواری خود

عذابك فلا تقلبنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا وفي

عذاب خود پس مگردان مارا و از میوه زقوم و خار خشک پس خوراک مده مارا و در

النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن ثياب النار وسرابيل القطران

آتش بر روهای ما پس میفکن مارا و از جامهای آتش و پیراهنهای قطران

فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت بحق لا اله الا انت فنجنا

پس مپوشان مارا و از هر بدی ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بحق کلمه لا اله الا انت پس رهائی ده مارا

اللهم اني اسألك ولم يسأل مثلك وارغب اليك ولم يرغب الى

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا و درخواسته نشده است مانند تو و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشده است بسوی

مثلك يا رب انت موضع مسألة السائلين ومنتهى رغبة

مثل تو ای پروردگار تو قرارگاه سوال خواهندگانی و منتهای رغبت

الراغبين اسألك اللهم بافضل اسمائك كلها وانجحها يا الله يا

خواهشمندانی درمیخواهم از تو خداوندا به بهترین نامهای تو همه آنها و فیروزترین آنها ای خدا ای

رحمن وباسمك المخزون المصون الاعز الاجل الاعظم الذي تحبه

بخشاینده و بحرمت نام تو که پنهان داشته نگاهداشته ارجمندتر بزرگوارتر بزرگترست آن نام که دوست میداری او را

وتهواه وترضى عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك

و میخواهی آنرا و خشنود میشوی از آنکه بخواند ترا بآن و می پذیری برای او دعای او را و لازم است بر تو

يا رب ان لا تحرم سائلك اللهم اني اسألك بكل اسم هو لك دعاك

ای پروردگار من آنکه ناامید نسازی سوال کننده خود را خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا به هر نامی که آن از تو است

بِهِ عَبْدٌ هُوَ لَكَ فِي بَرٍّ أَوْ بَحْرٍ أَوْ سَهْلٍ أَوْ جَبَلٍ أَوْ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ

بآن بنده که او برای تست در بیابان یا دریا یا زمین هموار یا کوه یا نزد خانهٔ حرم محترم تو

أَوْ فِي شَيْءٍ مِنْ سُبُلِكَ فَأَدْعُوكَ يَا رَبِّ دُعَاءَ مَنْ قَدِ اشْتَدَّتْ

یا در چیزی از راههای قرب تو پس میخوانم ترا ای پروردگار من خواندن کسیکه تحقیق سخت شد

فَاقَتُهُ وَعَظُمَ جُرْمُهُ وَضَعُفَ كَدْحُهُ وَأَشْرَفَ عَلَى الْهَلَكَةِ نَفْسُهُ

احتیاج او و بزرگ باشد گناه او و سست باشد کوشش او و مشرف گشته باشد بر هلاکت ذات او

وَلَمْ يَثِقْ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِهِ وَلَمْ يَجِدْ لِمَا هُوَ فِيهِ سَادًّا وَلَا لِذَنْبِهِ غَافِرًا

و اعتماد نکرده باشد بچیزی از کردار خود و نیافته باشد برای آنچه او در آنست باز دارنده و نه برای گناه خود آمرزنده

وَلَا لِعَثْرَتِهِ مُقِيلًا غَيْرَكَ هَارِبًا إِلَيْكَ مُتَعَوِّذًا بِكَ مُتَعَبِّدًا لَكَ

و نه برای لغزش خود درگذرنده غیر تو حال آنکه بوده باشد گریزان بسوی تو پناه گیرنده بتو پرستش کننده ترا

غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَحْسِرٍ وَلَا مُتَجَبِّرٍ وَلَا مُتَعَظِّمٍ بَلْ بَائِسٌ

نه عار دارنده از عبادت تو و نه گردن کش و نه صاحب ماندگی و صاحب کبر و نخوت نماینده بوده باشد بدحال

فَقِيرٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ أَسْأَلُكَ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا بَدِيعَ

محتاج ترسان امان جوینده درمیخواهم از تو ای خدای بخشنده ای بغایت مهربان ای بسیار بخشنده ای پدید آورنده

السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ

آسمانها و زمین ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن آنکه رحمت بفرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوٰةً كَثِيرَةً طَيِّبَةً مُبَارَكَةً نَامِيَةً زَاكِيَةً شَرِيفَةً أَسْأَلُكَ

و آل محمد رحمت بسیار پاک بابرکت فزایش نماینده پاکیزه بلند پایه سوال میکنم ترا

اللّٰهُمَّ أَنْ تَغْفِرَ لِي فِي شَهْرِي هٰذَا وَتَرْحَمَنِي وَتُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

خداوندا آنکه بیامرزی مرا در ماه من این ماه و رحم کنی مرا و آزاد کنی گردن مرا از آتش

وَتُعْطِيَنِي فِيهِ خَيْرَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ وَخَيْرَ مَا أَنْتَ

و عطا کنی مرا در آن بهتر از آنچه عطا فرمودی یکی را از خلق خود و بهتر از آنچه تو

رمضان

مُعْطِيهِ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمْتُهُ لَكَ مُنْذُ أَسْكَنْتَنِي

عطا کنندهٔ آن و مگردان آنرا آخر ماه رمضانی که روزه داشتم آنرا بجهت تو از آن وقت که ساکن گردانیدی مرا

أَرْضَكَ إِلَى يَوْمِي هٰذَا بَلِ اجْعَلْهُ عَلَيَّ أَتَمَّهُ نِعْمَةً وَأَعَمَّهُ عَافِيَةً

در زمین خود تا روز من این روز بلکه بگردان آنرا بر من تمام ترین آن از روی نعمت و فرو گیرنده ترین آن از روی عافیت

وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا وَأَجْزَلَهُ وَأَهْنَاهُ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ وَبِوَجْهِكَ

و فراگیرنده ترین آن در روزی و وافرترین آن و گوارا ترین آن خدا وندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو و بذات

الْكَرِيمِ وَمُلْكِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تَغْرُبَ الشَّمْسُ مِنْ يَوْمِي هٰذَا أَوْ تَنْقَضِيَ بَقِيَّةُ

بزرگوار تو و پادشاهی بزرگ مرتبهٔ تو از اینکه غروب کند آفتاب از روز من این روز یا بپایان رسد باقی ماندهٔ

هٰذَا الْيَوْمِ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هٰذِهِ أَوْ يَخْرُجَ هٰذَا الشَّهْرُ وَلَكَ

این روز یا بر آید صبح از شب من این شب یا بیرون این ماه و حال آنکه باشد مر ترا

قِبَلِي تَبِعَةٌ أَوْ ذَنْبٌ أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا أَوْ تُؤَاخِذَنِي

نزد من وبالی یا گناهی یا خطای که خواهی آنکه در مشقت افکنی بآن یا مواخذه نمائی مرا

بِهَا أَوْ تُوقِفَنِي بِهَا مَوْقِفَ خِزْيٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْ تُعَذِّبَنِي يَوْمَ

بآن یا برپا داری مرا بسبب آن در جایگاه خواری در دنیا و آخرت و آنکه عذاب کنی مرا روزیکه

أَلْقَاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ لِهَمٍّ لَا يُفَرِّجُهُ غَيْرُكَ

ملاقات نمایم ترا ای بخشنده ترین بخشایندگان خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا بجهت غمی که نمی گشاید آنرا غیر تو

وَلِرَحْمَةٍ لَا تُنَالُ إِلَّا بِكَ وَلِكَرْبٍ لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا أَنْتَ وَلِرَغْبَةٍ

و بجهت بخششی که رسیده نمیشود مگر بتو و بجهت اندوهی که زائل نمیکند آنرا مگر تو و بجهت خواهشی

لَا تُبْلَغُ إِلَّا بِكَ وَلِحَاجَةٍ لَا تُقْضَى دُونَكَ اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ

که رسیده نمیشود مگر بخواست تو و بجهت حاجتی که روا کرده نمیشود از غیر تو بار خدایا پس چنانچه بوده از کار تو

مَا أَرَدْتَنِي بِهِ مِنْ مَسْأَلَتِكَ وَرَحِمْتَنِي بِهِ مِنْ ذِكْرِكَ فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ

آنکه قصد کردی مرا بآن از سوال کردن تو و رحم نمودی مرا بآن از یاد کردن تو پس باید که بوده باشد از کار تو

الا استجابة لي فيما دعوتك به والنجاة لي فيما فزعت اليك منه

اجابت کردن برای من درانچه خواندم ترا بان و رستگاری برای من درانچه استغاثه نمودم بسوی تو از ان

يا ملين الحديد لداود عليه السلام اي كاشف الضر والكرب

ای نرم سازنده آهن بجهت داود براو باد درود ای رفع نماینده بدحالی واندوههای

العظام عن ايوب ومفرج غم يعقوب ومنفس كرب يوسف صل

بزرگ از ایوب ای گشاینده غم یعقوب وای زائل کننده اندوه یوسف رحمت بفرست

على محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله فانك اهل التقوى

بر محمد وال محمد وبکن با من انچه تو سزاوار آنی زیرا که بتحقیق تو سزاوار پرهیزکاری

واهل المغفرة اللهم انت ثقتي في كل كرب ورجائي في كل شدة

وسزاوار آمرزشی بارخدایا تو معتمد منی در هر اندوهی وامیدگاه منی در هر سختی

وانت لي في كل امر نزل بي ثقة وعدة كم من كرب يضعف

وتو برای من در هر امری که فرود می آید بمن معتمدی وذخیره چه بسیار از اندوه که ناتوان میشود

منه الفؤاد وتقل فيه الحيلة ويخذل فيه الصديق ويشمت

از برداشتن آن دل وکم میشود در ان راه چاره وخوار میگردد در ان دوست وشماتت میکند

فيه العدو وانزلته بك وشكوته اليك رغبة مني فيه اليك

در ان دشمن وفرود آوردم آنرا بدرگاه تو وشکایت نمودم از ان بسوی تو از راه رغبت من

عمن سواك ففرجته وكشفته وكفيتنه فانت ولي كل نعمة

از غیر تو پس گشودی تو آنرا وزائل کردی آنرا ودفع نمودی آنرا پس توئی خداوند هر نعمتی

وصاحب كل حسنة ومنتهى كل رغبة اعوذ بكلمات الله

وصاحب هر نیکی ونهایت هر رغبتی پناه میبرم بکلمات خدا

التامات من شر ما خلق من شيء اللهم عافني في يومي هذا

که تمام وکامل اند از شر انچه آفریده از هر چیزی خداوندا عافیت بخش مرا در روز این

أُمسي اللّٰهُمَّ إنّي أسألُكَ بركةَ يومي هذا وما نزلَ فيه من عافيةٍ ومغفرةٍ

شام کنم خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو برکت روز مرا این روز وآنچه فرود آمده در من از عافیت و آمرزش

ورحمةٍ ورضوانٍ ورزقٍ واسعٍ حلالٍ تبسطُهُ عليَّ وعلى والدَيَّ

و بخشش و خوشنودی و روزی فراخ حلالی که پهن کنی بر من و بر پدر و مادر من

وولدي وأهلي وعيالي وأهلِ حزانتي ومن أحببتُ وأحبَّني وولدَ

و فرزندان من و عیال من و خاندان من و آنکه غمخواری نمایم و آنکه دوست دارم و دوست دارد مرا و زائیدم من

وولدَتني اللّٰهُمَّ إنّي أعوذُ بكَ من الشكِّ والشركِ والحسدِ والبغيِ

و زائید مرا خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از شک نمودن و شرک آوردن و بدخواهی و ستم کردن

والحميّةِ والغضبِ اللّٰهُمَّ ربَّ السماواتِ السبعِ وربَّ الأرضينَ السبعِ

و غیرت و خشم گرفتن خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفت گانه وای پروردگار زمینهای هفتگانه

وما فيهنَّ وما بينهنَّ وربَّ العرشِ العظيمِ صلِّ على محمدٍ وآلهِ و

وآنچه در اینهاست وآنچه میان اینهاست وای پروردگار عرش بزرگ رحمت بفرست بر محمد وآل او و

اكفني المهمَّ من أمري بما شئتَ وكيفَ شئتَ پس بخوان سوره

کارگذاری کن برای من مهم از امر مرا بانچه خواهی و بهر روشی که خواهی

حمد و آیة الکرسی را بگو اللّٰهُمَّ إنّكَ قلتَ لنبيّكَ صلّى اللهُ عليه وآله

خداوندا بتحقیق که تو گفتی به پیغمبر خود رحمت فرستاد خدا بر او و آل او

ولسوفَ يعطيكَ ربُّكَ فترضى اللّٰهُمَّ إنَّ نبيَّكَ ورسولَكَ و

که هر آینه زود باشد که عطا کند ترا پروردگار تو پس خوشنود شوی خداوندا بدرستیکه پیغمبر تو و رسول تو و

حبيبَكَ وخيرتَكَ من خلقكَ لا يرضى بأن تعذّبَ أحداً من أمّتهِ دانَ

دوست تو و برگزیده تو از خلق تو خشنود نمیشود بآنکه عذاب کنی یکی از امت او را که گرویده است

بموالاتهِ وموالاةِ الأئمّةِ من أهلِ بيتهِ وإن كانَ مذنباً خاطئاً

بوسیله دوست داشتن او و دوست داشتن پیشوایان از خاندان او اگرچه بوده باشد گناهکار خطاکار

فصل ششم در بیان فضیلت [illegible]

فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَأَجِرْنِي يَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَعَذَابِهَا وَهَبْنِي لِمُحَمَّدٍ

در آتش دوزخ پس زنهار ده مرا ای پروردگار من از دوزخ و عذاب آن و ببخش مرا بمحمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى تَأَلُّفٍ

و آل محمد ای بخشنده‌ترین بخشایندگان ای جمع کننده میان اهل بهشت بنابر آشتگی

مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ الْمَحَبَّةِ وَنَازِعَ الْغِلِّ مِنْ صُدُورِهِمْ وَجَاعِلَهُمْ إِخْوَاناً

از دلها و شدت دوستی وای برکننده کینه از سینه‌های ایشان و گرداننده ایشان برادران

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ طَاعَتِهِ وَبَيْنَ مَنْ خَلَقَهَا لَهُ

بر کرسیها روبروی یکدیگر ای جمع کننده میان اهل طاعت خود و میان آنکه خلق نموده آنها را برای او

وَيَا مُفَرِّجَ حُزْنِ كُلِّ مَحْزُونٍ وَيَا مُنْهِلَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا رَاحِمِي فِي

وای زائل کننده اندوه هر اندوهناک وای [illegible] هر بیکسی ای رحم کننده من در

غُرْبَتِي وَفِي كُلِّ أَحْوَالِي بِحُسْنِ الْحِفْظِ وَالْكَلَاءَةِ لِي يَا مُفَرِّجَ مَا بِي مِنَ

بیکسی من و در همه حالات من بخوبی محافظت نمودن و نگهبانی کردن مرا ای گشاینده آنچه باشد بمن از

الضِّيقِ وَالْخَوْفِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّتِي

تنگی و بیم رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و جمع کن میان من و میان دوستان من

وَقَادَتِي وَسَادَتِي وَهُدَاتِي وَمَوَالِيَّ يَا مُؤَلِّفاً بَيْنَ الْأَحِبَّاءِ صَلِّ عَلَى

و کشندگان من و پیشوایان من و راه نمایان من و صاحب اختیاران من ای الفت دهنده میان دوستان رحمت بفرست بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَفْجَعْنِي بِانْقِطَاعِ رُؤْيَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنِّي وَلَا

محمد و آل محمد و بدرد میاور مرا بسبب بریده شدن دیدن محمد و آل محمد از من و

بِانْقِطَاعِ رُؤْيَتِي عَنْهُمْ فَبِكُلِّ مَسَائِلِكَ يَا رَبِّ أَدْعُوكَ إِلَهِي

بسبب بریدگی دیدن من از ایشان پس بهمه سوالهای تو ای پروردگار من میخوانم ترا خدای من

فَاسْتَجِبْ دُعَائِي إِيَّاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِانْقِطَاعِ

پس بپذیر خواندن مرا مر ترا ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو بسبب بریدگی

مُجِبّی وَوُجُوبِ حُجَّتِکَ اَنْ تَغْفِرَ لِی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِکَ مِنْ خِزْیِ یَوْمِ
دلیل من و لازم بودن حجت تو انیکه بیامرزی مرا بارخدایا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از خواری روز
اَلْمَحْشَرِ وَمِنْ شَرِّ مَا بَقِیَ مِنَ الدَّهْرِ وَمِنْ شَرِّ الْاَعْدَاءِ وَصَغِیرِ الْفَنَاءِ
محشر و از شر آنچه باقی مانده از زمانه و از گزند دشمنان و نیستی خورد
وَعُضَالِ الدَّاءِ وَخَیْبَةِ الرَّجَاءِ وَزَوَالِ النِّعْمَةِ وَفُجَاءَةِ النِّقْمَةِ اَللّٰهُمَّ
و درد عاجز گردانیده و بی بهره شدن از امید و زائل شدن نعمت و ناگاه در رسیدن عقوبت خداوندا
اِجْعَلْ لِی قَلْباً یَخْشَاکَ کَاَنَّهُ یَرَاکَ اِلی یَوْمِ یَلْقَاکَ
بگردان برای من دلی که بترسد ترا چندانکه گویا او می بیند ترا تا روزی که ملاقات نماید ترا
و دور نیست که در اوقات دیگر هرگاه شدتی رو دهد یا حاجتی در پیش باشد این دعا را توان خواند

فصل ششم

در اعمال مخصوصهٔ شبها و روزهای مخصوص این ماه مبارک است در روایتی وارد شده که انجیل بر
حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام در سیم این ماه نازل شد و بروایت دیگر در ششم و بروایت معتبرهٔ
دیگر در روز دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمه نقل کرده است که در روز ششم این ماه مامون خائن
ملعون با حضرت امام رضا علیه السلام بیعت کرد و روایت شده است که هرکه در آن دو رکعت نماز
بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت
را ادا کرده خواهد بود و بروایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در شب سیزدهم
این ماه دو رکعت نماز بگذارند و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ یس و تبارک الذی بیده الملک و
قل هو الله احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام
بهمین کیفیت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام مستحب
است و فضیلت آن پیش مذکور شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت
رسول فرمود که هرکه در شب نیمهٔ ماه رمضان صد رکعت نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت
بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند حقتعالی ده ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از وی ضرر

دشمنان او را از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او شصت ملک بفرستند که او را بشارت دهند به بهشت و شصت ملک که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضاً از آنحضرت منقولست که هرکه در شب نصف ماه رمضان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بکند و بعد از نماز عشا ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعت سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که بشارت دهند او را به بهشت و ملکی چند را که ایمن گردانند او را از جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار بسیار بزرگی است و دران شب لشکر حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر و در روزش جنگ بدر شد و حق تعالی لشکر آنحضرت را بر کافران ظفر داد و آن اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و عبادت دران شب فضیلت عظیم دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدرست و حق تعالی میفرماید اِنّا اَنزَلناهُ فی لَیلَةِ القَدرِ یعنی ما فرو فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی قدر و منزلت عظیم دارد یا تقدیر امور سال درین شب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه وَما اَدریٰکَ ما لَیلَةُ القَدرِ و چه چیز ترا اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر لَیلَةُ القَدرِ خَیرٌ مِن اَلفِ شَهرٍ شب قدر بهترست از هزار ماه یعنی عبادت دران بهترست از عبادت هزار ماه تَنَزَّلُ المَلائِکَةُ وَالرُّوحُ فیها فرو می آیند ملائکه و روح که از همه ملائکه اعظم است بِاِذنِ رَبِّهِم مِن کُلِّ اَمرٍ برخصت پروردگار ایشان بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار وارد شده است که ملائکه و روح بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر کس درین شب مقدر شده است بر امام علیه السلام عرض میکنند سَلامٌ هِیَ حَتّیٰ مَطلَعِ الفَجرِ سلامتی است این شب از جمیع بدیها تا طلوع صبح یا سلام می کنند بر امام و بر مومنان که درین شب عبادت می کنند تا طلوع صبح و میان سنی و شیعه در شب قدر اختلاف بسیار است بعضی از سنیان گفته اند شب قدر در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و بعد از آنحضرت برطرف شد و اکثر ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقی است پس بعضی گفته اند در تمام ماه پنهان است در همه سال تا مردم عبادت بیشتر کنند و بعضی گفته اند در ماه رمضان پنهان است بعضی گفته اند شب نیمه شعبان است بعضی گفته اند شب [illegible] بعضی گفته اند شب هفدهم بعضی

بیست و یکم و بعضی بیست و سوم و بعضی بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته اند و اکثر سنیان در زمان
اتفاق کرده اند بر شب بیست و هفتم و علمای شیعهٔ امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست
و سوم بیرون نیست و بعضی مردم میان شب بیست و یکم و بیست و سوم میدانند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند
بر آنکه ازین سه شب بیرون نیست و این سه شب یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم را احیا باید کرد تا فضیلت
شب قدر را دریابند و در بعضی احادیث معتبره تعیین بیست و یکم و بیست و سوم وارد شده است و در بعضی
تعیین بیست و سوم واقع شده است و منقولست که آن شب جهنی است و آن اعرابی بود که بحضرت رسول
صلی الله علیه و آله عرض کرد که منزل من دور است از مدینه و میخواهم شبی برای من تعیین کنی که بهترین شبها
باشد که در آن شب بخدمت تو برسم حضرت شب بیست و سوم برای او تعیین فرمود و او پیوسته در آن
شب با خیل و اهل و خدم و حشم خود داخل مدینه می‌شد و چون صبح میشد برمیگشت و از بعضی احادیث
ظاهر میشود که شب قدر ... و در شب اول التقدیر امور میشود و در شب دوم بکثرت دعا و عبادت ممکن
است بعضی تغیر بیابد و در شب سوم ختم میشود و تغیر نمی یابد یا بسیار کم تغیر می یابد بلا تشبیه مانند
ارقام پادشاهان که اول تعلیقه میشود و تغیرش آسان است بعد از آن شب فاتر میشود و تغیرش
دشوارتر است اما تا بمهر مهر آثار مزین نگردیده باز ممکن است تغیر بیابد و چون بمهر اشرف رسید بمنزلهٔ
حتم است تغیرش در غایت صعوبت است و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی از امور هست مانند
اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین نمازهاست و ساعت استجابت
دعا در همه شب و روز جمعه و عمل مقبول در میان اعمال و امثال اینها و یک حکمت در مبهم ساختن اینها
آنست که بر همه اسمای مقدسهٔ الهی مواظبت نمایند و اهتمام در همه نمازها کنند و در همه ساعات
شب و روز جمعه دعا کنند و سعی در همه اعمال خیر کنند شاید یکی مقبول گردد و همچنین در شب قدر
شبهایی که احتمال آن دارد همه را احیا کنند و حکمت دیگر در بعضی از اینها میتواند بود مثل آنکه اگر
اسم اعظم را ... دانند گاه باشد بعضی از نفوس شریره آنرا وسیلهٔ حصول مطالب دنیه کنند چنانچه
از بلعم نقل کرده اند ... و همچنین شب قدر و ساعت ... اگر خصوص آنها را بدانند ممکن
است که ... غیر مشروعه یا ضررهای عظیم ... ایشان ... دعا کنند اگر خصوص ...

دانند باید البته مستجاب کردد دیگر آنکه مغرور باعمال خود نگردند و حکمتهای دیگر بسیار است که این رساله ذکر گنجایش آنها ندارد پس باید که مومن این شب را احیا کند و اهتمام در عبادت و دعا کند تا فضیلت شب قدر را دریابد و در شب آخر اهتمام بیشتر کنند و در شب بیست و سوم که احادیث معتبره بسیار در تخصیص آن وارد شده است که شب قدر است سعی بیشتر کنند و فوائد عبادت شب قدر بسیار است از انجمله آنکه چون عبادت شب قدر را دریابد بنص قرآن زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است ثواب از برای او منظور میفرمایند دیگر آنکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر و مال و فرزند و عزت و صحت و توفیق اعمال خیر و سایر امور درین شب میشود اصلاح احوال تمام سال خود را درین شب کرده خواهد بود و ممکن است که نام او در دیوان اشقیا نوشته بوده درین شب تغییر یابد و از زمره سعادتمندان نوشته شود چنانچه این مضمون در اکثر دعاها و احادیث معتبره وارد شده است دیگر آنکه چون امام او حضرت صاحب الامر علیه السلام در تمام این شب با ملائکه مقربین محشور است و فوج فوج بخدمت او می آیند و بر او سلام میکنند و تقدیرات که از برای او و سایر خلق شده است بر او عرض میکنند سزاوار آنست که در چنین شبی آدمی با امام خود بگذرد و بغفلت بسر نیاورد و از حضرت رسول منقولست که چون شب قدر میشود فرود می آیند ملائکه که در سدرة المنتهی ساکنند و از جمله ایشان جبرئیل علیه السلام است و جبرئیل با خود علمها می آورد و یک علم را بر سر قبر منور من نصب میکند و یکی را بر بیت المقدس و یکی را در مسجد الحرام و یکی را در طور سینا و نمیگذارند مرد و مومن و زن مومنه را مگر آنکه بر او سلام میکنند و ایضا از حضرت رسول منقولست که بهشت را هر سال از برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند چون شب اول ماه میشود نسیمی از زیر عرش می وزد که آنرا مثیره میگویند و بصدا می آورد درختان و حلقه های درهای بهشت پس نغمه از و می شنوند که هرگز شنوندگان از آن خوشتر نشنیده اند پس حوریان از غرفه های بهشت بیرون می آیند و ندا می کنند که آیا کسی هست که ما را خواستگاری کند از خدا با عمال صالحه خود پس از رضوان خازن بهشت می پرسند که این چه شب است رضوان میگوید لبیک ای نیکورویان نیکوکاران این شب اول ماه رمضانست درهای بهشت گشوده شده [illegible] امت محمد پس حقتعالی [illegible] آن بگشا درهای بهشت را [illegible] بر بند درهای

جهنم را از روزه داران امت محمد ای جبرئیل رو و کسبور زمین در زنجیر کن شیاطین متمرد را و غلها در
گردن ایشان گذار و ایشانرا در لجه‌های دریا بینداز تا فاسد نکردانند بر امت حبیب من محمد روزهای ایشانرا
و حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان سه مرتبه ندا میفرماید که آیا سوال کننده
هست که سوال کند او را عطا کنم آیا توبه کننده هست که توبه او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهانش
را بیامرزم کیست که قرض دهد بخداوند مالداری که هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است بوعدهای خود و ستم
نمی کند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای ماه مبارک رمضان در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را
از آتش جهنم آزاد می کند و چون شب جمعه و روز جمعه میشود در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند
که هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه در تمام ماه آزاد کرده است
آزاد میکند و چون شب قدر میشود حق تعالی امر میکند جبرئیل را که بر زمین می آید با لشکر عظیمی از ملیکه و با خود
علم سبزی می آورد و بر بالای کعبه معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بالش را نمی گشاید مگر در شب
قدر و چون در شب قدر آن دو بال را میگشاید از مشرق و مغرب میگذرند و پهن میکند جبرئیل آن ملائکه
را درین شب در اطراف زمین پس سلام میکنند بر هر ایستاده و نشسته که مشغول نماز و ذکر خدا باشند و با ایشان
مصافحه می کنند و چون ایشان دعا می کنند ملائکه آمین میگویند و پیوسته مشغول
این کار اند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملائکه روانه شوید جانب
آسمان شوید پس ملائکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مومنان از امت محمد جبرئیل میگوید خدا
گناهان همه را آمرزید مگر کسیکه همیشه شراب خورد یا عاق پدر و مادر باشد یا قطع رحم کند یا با مومنان
عداوت کند و چون شب عید فطر میشود و آنرا شب جوائز گویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان ماه مبارک
رمضان را بی حساب و چون بامداد روز عید میشود حق تعالی ملائکه بسیار در جمیع شهرها میفرستد که به
زمین می آیند و بر سر کوچها و بازارها می ایستند و میگویند ای امت محمد بیرون روید بسوی درگاه
پروردگار کریم که عطاهای بزرگ می بخشد و گناهان عظیم را می آمرزد پس چون به مصلی بیرون میروند
برای نماز عید حق تعالی بملائکه میگوید ای ملائکه چیست مزد مزدوری که عمل خود را بکند ملائکه میگویند
ای خداوند ما و آقای ما جزای او آنست که مزدش تمام داده شود حق تعالی میفرماید ای ملائکه من شما را

پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که انشاء الله تعالی بر آورده است و این دعا از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام منقول است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که مصحف را بگیر

اللهم بحق هذا القرآن وبحق من ارسلته به وبحق کل مؤمن مدحته

خداوندا بحق این قرآن و بحق آنکه فرستاده قرآن را باو و بحق هر گرونده که ستوده او را

فیه وبحقک علیهم فلا احد اعرف بحقک منک پس ده مرتبه بگو

در قرآن و بحق تو بر ایشان پس نیست هیچکس شناساتر بحق تو از تو

بک یا الله و ده مرتبه بمحمد و ده مرتبه بعلی و ده مرتبه بفاطمة و ده مرتبه

بالحسن و ده مرتبه بالحسین و ده مرتبه بعلی بن الحسین و ده مرتبه بمحمد بن علی

و ده مرتبه بجعفر بن محمد و ده مرتبه بموسی بن جعفر و ده مرتبه بعلی بن موسی و ده مرتبه

بمحمد بن علی و ده مرتبه بعلی بن محمد و ده مرتبه بالحسن بن علی و ده مرتبه بالحجة پس حاجت

که داری طلب کن و زیارت حضرت امام حسین ع در یک از این سه شب سنت موکده است

و در هر یک خصوصا شب بیست و سوم صد رکعت نماز سنت است دو رکعت بیک سلام در

رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد میخوانند و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است که هفت

مرتبه یا پنج مرتبه یا سه یا یک مرتبه قل هو الله احد گفته بتوان کرد و احادیث بسیار در فضیلت آن

صد رکعت وارد شده و باید که این صد رکعت غیر نافله شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد

نشسته هم [illegible] بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت

خود است و [illegible] پدر و مادر و خویشان و برادران [illegible] و اذکار و صلوات بر محمد

و آل محمد آنچه مقدور شود و در بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک

ازین سه شب بخوانند و اما دوم پس اعمال مخصوصهٔ شب بیست و یکم آنست که صد مرتبه بگوید

أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وصد مرتبه اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

طلب آمرزش میکنم از خدا پروردگار من رجوع میکنم بسوی او خداوندا دور گردان از رحمت کشندگان پیشوای گروندگانرا

و این دعا بخوانند اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا

خداوندا بگردان در جمله آنچه حکم کنی و تقدیر میکنی از امر واجب دیده و در آنچه

تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ

جدا کنی از امر موافق حکمت در شب قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و

لَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ

تبدیل کرده نشود و آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانهٔ محترم خود که پسندیده شده حج ایشان و

سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان بگردان در آنچه حکم کنی

وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَتَفْعَلَ بِي فِي جَمِيعِ

و تقدیر مینمائی آنکه دراز کنی عمر مرا و گشاده گردانی بر من روزی من و بکنی بمن در همه

أُمُورِي مَا هُوَ خَيْرٌ لِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

امور من آنچه را که او خیر است برای من در دنیای من و آخرت من ای بخشنده ترین بخشایندگان

[illegible] حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید در شب بیست و یکم فضیلت او زیاده از شب نوزدهم است و غسل
و اعمال سابقه بعمل آورد و در این دههٔ آخر اعتکاف در مساجد جامع سنت است و مستحبات
بسیار [illegible] از حضرت امام موسی کاظم منقول است که در شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت
نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقول است
که حضرت امام محمد باقر [illegible] این دو شب [illegible] و [illegible] اول شب [illegible]
آخر مشغول نماز [illegible]
ماه رمضان [illegible] رکعت نماز [illegible] سیزده رکعت [illegible]

باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی در شبیکه امید شب قدر در یکی از آنهاست و شب قدر
بهتر است از هزار ماه یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که دران سال واقع میشود در شب قدر
مقدر میکردد و دعای این شب در ضمن دعاهای دیگر مذکور خواهد شد انشا الله تعالی و اما شب
بیست و سوم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب قدر است و دران دو غسل سنت
است یکی اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سوم شب
جهنی است و دران شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میکردد و دران شب مقدر میشود مرگها و بلاها
و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه دران سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده
که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود
را در برابر دیده های خود ممثل گرداند و بر آنها بگرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب
قدر محروم نگردد انشا الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز
ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب
قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنیم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم مگر کسی
که روزه را افطار کند بر مست کننده یا کینه مومنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره عنکبوت را و روم را در شب بیست و سوم بخواند
والله که او از اهل بهشت است و استثنائی نمیکنم دران احدی را و نمی ترسم که خدا درین سوگند برمن
گناهی بنویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم است و ایضا از آنحضرت بسند معتبر
منقولست که هر که در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند
برابیه صبح کند با یقین شدید باعتراف بآنچه مخصوص ماست از کرامتها که درین شب بیست آنچه در خواب
ببیند و سوره حم دخان را نیز سنت است که درین شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم که
امید شب قدر دران است و دران هر امری مقدر میشود مصافحه کنند با او روح صد و بیست
و چهار هزار پیغمبر که همه درین شب بحضرت مصطفی صلی الله علیه و آله در زیارت آنحضرت

از این سه شب بخوانند و اما دوم پس اعمال مخصوصهٔ شب بیست و یکم آنست که صد مرتبه بگوید

اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَاَتُوبُ اِلَيْهِ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

طلب آمرزش میکنم از خدا پروردگار من و رجوع میکنم بسوی او — خداوندا دور کن از رحمت خود کشندگان پادشاه گروندگان را

و این دعا بخوانند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا

خداوندا بگردان در جمله آنچه حکم کنی و تقدیر میکنی از امر واجب دیده و در آنچه

تَفْرُقُ مِنَ الْاَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ

جدا کنی از امر موافق حکمت در شب قدر — از آن حکمی که — برگردانیده نشود و

لَا يُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ

و بدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانهٔ محترم خود که پذیرفته شود حج ایشان جزا داده شود

سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان بگردان در آنچه حکم کنی

وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِيلَ عُمْرِي وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَتُقَدِّرَ لِي فِي جَمِيعِ

و تقدیر می نمائی آنکه دراز کنی عمر مرا و گشایش دهی بر من در روزی من و تقدیر کنی برای من در همه

اُمُورِي مَا هُوَ خَيْرٌ لِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

امور من آنچه را که او خیر است برای من در دنیای من و آخرت من ای بخشنده ترین بخشایندگان

[illegible] حوائج خود را از حق تعالی طلب نماید و شب بیست و یکم فضیلت او زیاده از شب سابق است و غسل

و اعمال سابقه همه بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است و دهه استجابت دعا

و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی کاظم منقول است که در شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت

نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقول است

که حضرت امام محمد باقر این دو شب را احیا میکرد و در نصف اول شب مشغول [illegible] بود و در نصف

آخر مشغول نماز و بسند موثق از صادق آل محمد [illegible] منقول است که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سوم

ماه رمضان در هر یک صد رکعت نماز بکن بغیر از سیزده رکعت نماز نافله شب با فلا [illegible] صبح بیدار [illegible]

باش و مستحبست که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی در شبیکه امید شب قدر در یکی از انهاست و شب قدر
بهتر است از هزار ماه یعنی بهتر است از عمل در هزار ماه و هر امری که دران سال واقع میشود در شب قدر
مقدر میکردد و دعای این شب در ضمن دعاهای همه آخر مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و اما شب
بیست و سوم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر انکه آن شب قدر است و دران دو غسل سنت
است یکی اول شب و دیگری در آخر شب و حضرت صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سوم شب
جهنی است و در ان شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میکردد و دران شب مقدر میشود مرگها و بلاها
و اجلها و روزیها و قضاها و انچه دران سال واقع میشود تا شب قدر آینده پس خوشا حال بنده
که احیا کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گناهان خود
را در برابر دیده های خود ممثل کرداند و بر آنها بکرید چون چنین کند امیدوارم که از فضیلت شب
قدر محروم نکردد انشاء الله تعالی و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا میکند در هر روز
ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم گناهان گذشته شما را و در شب
قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنیم و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میکردانم مگر کسی
که روزه را افطار کند بر مست کننده یا کینه مومنی را در دل داشته باشد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که هر که سوره عنکبوت را و روم را در شب بیست و سوم بخواند
والله که او از اهل بهشت است و استثنا نمی کنم دران احدی را و نمی ترسم که خدا در بن بنویسد کند بر من
گناهی نویسد و این دو سوره را نزد حق تعالی منزلت عظیم است و ایضاً از انحضرت بسند معتبر
منقولست که هر که در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند
هر اینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بانچه مخصوص ماست از کرامتها که در بن شب بیست انچه در خواب
به بیند و سوره حم دخان را نیز سنت است که درین شب بخواند و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام
منقولست که هر که زیارت کند حضرت امام حسین علیه السلام را در شب بیست و سوم که
امید شب قدر دران هست و دران هر امری مقدر میشود مصافحه کنند با او روح صد و بیست
و چهار هزار پیغمبر که همه درین شب از حضرت مطلب میکنند که رخصت دهد بزیارت انحضرت

وبسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که هر که احیا کند شب بیست
وسوم ماه مبارک را وصد رکعت نماز بکند حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان
را از و کفایت کند وپناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سر خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن و
از شر درندگان و دفع کند از و هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون آید و او را نوری باشد که روشنی
بخشد اهل محشر را و نامه اش را بدست راست او دهند و بنویسند برای او برات بیزاری از
آتش جهنم را و گذشتن بر صراط را و ایمنی از عذاب را و داخل بهشت شود بی حساب و در شب
او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان گردانند و نیکو رفیقانند
ایشان و دعای این شب را از جمله دعاهای دهه آخر بخوانند و ایضاً این دعا را بخوانند

اَللّٰهُمَّ امْدُدْ لِی فِی عُمْرِی وَاَوْسِعْ لِی فِی رِزْقِی وَاَصِحَّ جِسْمِی وَبَلِّغْنِی اَمَلِی
خداوندا درازی بخش برای من در عمر من گشایش ده برای من در روزی من و سالم دار بدن مرا و برسان مرا به آرزوی من
وَاِنْ كُنْتُ مِنَ الْاَشْقِيَاءِ فَامْحُنِی مِنَ الْاَشْقِيَاءِ وَاكْتُبْنِی مِنَ السُّعَدَاءِ
واگر بوده باشم از بدبختان پس محو کن مرا از دیوان بدبختان و بنویس مرا از نیکبختان
فَاِنَّكَ قُلْتَ فِی كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰی نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ يَمْحُو
زیرا که بتحقیق تو گفته در کتاب خود که فرو آورده شده است بر پیغمبر تو رحمتهای تو بر او و بر آل او محو میکند
اللّٰهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ اُمُّ الْكِتَابِ و ایضاً بگوید اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِنْ
خدا آنچه را میخواهد و ثابت میدارد آنچه را میخواهد و نزد اوست اصل کتاب بار خدایا بگردان مرا از
اَوْفَرِ عِبَادِكَ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ فِی هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اَوْ اَنْتَ مُنْزِلُهُ
وافرترین بندگان خود از روی بهره از هر نیکی که فرو فرستادی او را در این شب و تو فرود آورنده آنی
مِنْ نُورٍ تَهْدِی بِهِ اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ رِزْقٍ تَقْسِمُهُ اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ
از روشنائی که رهنمائی میکنی بآن یا رحمتی که پراکنده سازی آنرا یا روزی که قسمت کنی آنرا یا بلائی که دفع کنی آنرا
اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَاكْتُبْ لِی مَا كَتَبْتَ لِاَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ الَّذِينَ اسْتَوْجَبُوا
یا گزندی که زائل کنی آنرا و بنویس برای من آنچه نوشته برای دوستان شایسته خود که سزاوار شدند

مِنْكَ الثَّوابَ وَآمِنُوا بِرِضاكَ عَنْهُمْ مِنْكَ الْعِقابَ يا كَرِيمُ

از تو پاداش نیک و ایمن گشتند بسبب خوشنودی تو از ایشان از تو عقوبت را ای بزرگوار ای بزرگوار

صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بي ذلِكَ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آنرا بخشایش تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

مقداری که از قرآن ممکن باشد درین شب بخواند و دعاهای صحیفهٔ کامله را بخواند خصوصاً دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه و روزهای این شبها را نیز حرمت باید داشت و بعبادت و تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر نیز در فضیلت مثل شب قدر است و در شب بیست و چهارم نیز بخصوص غسل سنت است و در شب بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب غسل در آن وارد شده است و منقول است که خدای عز و جل درین شب دفع میکند بدیها و گناهان و جمیع انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند حق تعالی بایشان نوری در گوشها و دیدهای ایشان و در شب بیست و هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده است و منقول است که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه و علی آبائه الطاهرین

درین شب مکرر این دعا میخواندند از اول شب تا آخر شب

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْني التَّجافِيَ عَنْ دارِ الْغُرُورِ وَالْإِنابَةَ إِلى دارِ الْخُلُودِ وَالْاِسْتِعْدادَ

بارخدایا روزی کن مرا کناره گرفتن از سرای فریبندگی و بازگشت بسوی سرای همیشگی و مهیا شدن

لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُولِ الْفَوْتِ

برای مردن پیش از فرود آمدن موت

و در شب بیست و نهم نیز غسل بخصوص وارد شده است و همچنین در شب آخر غسل سنت و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت و وداع ماه رمضان سنت موکده است برای اظهار آنکه روزه و عبادت این ماه ... بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان او بودیم و از مفارقت آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادات الهی را یافته است و فوائد آنرا در دنیا و عقبی دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد پس باید که این ماه کثیر البرکات را بنحوی وداع کند که مشتمل بر تزیین اهل خود و انکسار مفارقت ...

ومعلوم است که غلامی که از خدمت آقای خود شاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر باشد مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بآن راضی نباشد و دعاهای وداع را در شب آخر سنت است خواندن و اگر در روز آخر نیز بخواند خوبست و در حدیث است که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست ونهم احتیاطاً سنت است خواندن و دعاهای وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است و بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام این دعای وداع منقول است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِيْ كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلٰى لِسَانِ نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ

بارخدایا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که فرو د آورده شده بر لغت پیغمبر فرستاده تو رحمتهای تو بر او و آل او باد

وَقَوْلُكَ حَقٌّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيْ اُنْزِلَ فِيْهِ الْقُرْاٰنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدٰى وَ

سخن تو راست و درست که این ماه رمضان که فرو فرستاده شده است در آن قرآن حالیکه راه نماینده مردمان است و نشانهای روشن از راه راست

الْفُرْقَانِ وَهٰذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ تَصَرَّمَ وَانْقَضَتْ اَيَّامُهٗ وَلَيَالِيْهِ فَاَسْئَلُكَ بِوَجْهِكَ

جدا کننده حق از باطل و این ماه رمضان بتحقیق بریده شد و بپایان رسید روزها و شبهای آن پس میخواهم از تو بحق ذات تو

الْكَرِيْمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ اِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَّمْ تَغْفِرْهُ لِيْ اَوْ تُرِيْدُ اَنْ تُعَذِّبَنِيْ

بزرگوار تو و کلمهای تو که تمام و کامل اند اگر هست که باقی بوده بر من گناهی یا مرزیده باشی آنرا از برای من خواهی که عذاب کنی مرا

عَلَيْهِ اَوْ تُقَايِسَنِيْ بِهٖ اَنْ يَّطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اَوْ يَتَصَرَّمَ هٰذَا الشَّهْرُ اِلَّا

بآن یا عوض کنی مرا بآن تا طلوع کند صبح این شب یا منقطع شود این ماه مگر

وَقَدْ غَفَرْتَهٗ لِيْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِدِكَ كُلِّهَا اَوَّلِهَا

اینکه بتحقیق بیامرزی آنرا از برای من ای بخشنده ترین بخشایندگان خداوندا مر تراست سپاس بسپاسهائی تو همهٔ آنها اول آنها

وَاٰخِرِهَا مَا قُلْتَ لِنَفْسِكَ مِنْهَا وَمَا قَالَ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُوْنَ

و آخر آنها آنچه خود گفته بر ستایش خود از آنها و آنچه گفته اند برای تو آفریدگان سپاس گذاران

المجتهدون المعددون المؤثرون في ذكرك والشكر لك الذين اعنتهم

کوشش نمایندگان شمارندگان برگزینندگان در یاد کردن تو و سپاس گذاری برای تو آنانکه مدد کردی ایشان را

على اداء حقك من اصناف خلقك من الملائكة المقربين والنبيين

بر ادا کردن حق خود از اقسام خلق خود از فرشتگان نزدیکان و پیغمبران

والمرسلين واصناف الناطقين المسبحين لك من جميع العالمين

و فرستادگان و انواع ستایندگان تنزیه کنندگان مر ترا از همه عالمیان

على انك بلغتنا شهر رمضان وعلينا من نعمك وعندنا من جزيل

بر آنکه بتحقیق تو رسانیدی ما را به ماه رمضان و حال آنکه بر ماست از نعمتهای تو و نزد ماست از بخششهای

قسمك واحسانك وتظاهر امتنانك بذلك لك منتهى الحمد

وافر تو و احسان تو و پی در پی آمدن انعام تو بانجهت مر تراست نهایت سپاس

الخالد الدائم الراكد المخلد السرمد الذي لا ينفد طول الامد

جاوید پیوسته ثابت جاوید مانده همیشه که بپایان نرسد تا دراز مدت

جل ثناؤك اعنتنا عليه حتى قضيت عنا صيامه وقيامه من صلوة

بزرگست ستایش تو مدد کردی ما را بر ماه رمضان تا آنکه ادا کردی از ما روزه داشتن آنرا و ایستادن آنرا از نماز

وما كان منا فيه من بر او شكر او ذكر اللهم فتقبله منا

و آنچه یافت شده از ما در آن از نیکی یا سپاس گذاری یا ذکر خداوندا پس بپذیر آنرا از ما

باحسن قبولك وتجاوزك وعفوك وصفحك وغفرانك وحقيقة

به نیکوترین پذیرفتن خود و تجاوز خود و عفو خود و درگذشتن خود و آمرزش خود و خوشنودیهای

رضوانك حتى تظفرنا فيه بكل خير مطلوب وجزيل عطاء موهوب

ثابت خود تا آنکه فیروزی دهی ما را در وی بهر نیکی که طلب کرده شود و عطای وافری که بخشیده شود

وتؤمننا فيه من كل امر مرهوب او ذنب مكسوب اللهم اني اسئلك

و ایمن گردانیدی ما را در آن از هر امری که ترسیده شود و گناهی که کسب کرده شود خداوندا بتحقیق سوال میکنم ترا

بِعَظِيمِ مَا سَأَلَكَ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ اَسْمَائِكَ وَجَزِيلِ ثَنَائِكَ

بحرمت بزرگ انچه سوال کرد ترا بآن کسی از آفریدگان تو از گرامی نامهای تو و ثنای بسیار تو

وَخَاصَّةِ دُعَائِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هٰذَا

و دعای خاص تو انکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی ماه ما را این ماه

اَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّ عَلَيْنَا مُنْذُ اَنْزَلْتَنَا اِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي

بزرگترین ماه رمضانی که گذشته بر ما از ان وقتیکه فرو فرستادی ما را بسوی دنیا از روی زیادتی در

عِصْمَةِ دِينِي وَخَلَاصِ نَفْسِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَتُشَفِّعَنِي فِي مَسَائِلِي وَتَمَامِ

نگاهداشتن دین من و رهائی نفس من و روا کردن حاجت من و انکه بپذیری شفاعت مرا در سوالهای من و تمام

النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ السُّوءِ عَنِّي وَلِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي وَاَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ

نعمت بر من و گردانیدن هر بد از من و پوشش عافیت مرا و انکه بگردانی مرا برحمت خود

مِمَّنْ حُزْتَ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ فِي اَعْظَمِ

از آنانکه گردانی جمع برای ایشان شب قدر را و گردانیدی آنرا برای او بهتر از هزار ماه در بزرگترین

الْاَجْرِ وَكَرَائِمِ الذُّخْرِ وَطُولِ الْعُمْرِ وَحُسْنِ الشُّكْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ

مزدی و گرامی ذخیره و درازی عمر و نیک سپاس گزاری و همیشگی آسانی

اَللّٰهُمَّ وَاَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَنَعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ

خداوندا و سوال میکنم ترا بوسیله رحمت تو و احسان تو و درگذشتن تو و نعمتهای تو و بزرگواری تو

وَقَدِيمِ اِحْسَانِكَ وَامْتِنَانِكَ اَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ

و دیرینه احسان تو و انعام تو انکه نگردانی آنرا آخر دیدن ما مر ماه

رَمَضَانَ حَتّٰى تُبَلِّغَنَاهُ مِنْ قَابِلٍ عَلَى اَحْسَنِ حَالٍ وَتُعَرِّفَنِي هِلَالَهُ مَعَ

رمضان را تا انکه برسانی ما را بآن از سال آینده بر نیکوترین حالی و بشناسانی بمن هلال آنرا با

النَّاظِرِينَ اِلَيْهِ وَالْمُعْتَرِفِينَ لَهُ فِي اَعْفَى عَافِيَتِكَ وَاَنْعَمِ نِعْمَتِكَ وَاَوْسَعِ

نظر کنندگان بسوی او و شناسندگان مر آنرا در بزرگترین عافیت خود و تمام ترین نعمت خود و فراگیرنده‌ترین

رحمتك فتمم اجزل قسمك اللهم يا ربي الذي ليس لي رب غيره لا يكون

رحمت خود و وافر ترین قسمتهای خود خداوندا ای پروردگاری که نیست مرا پروردگاری غیر او نباشد

هذا الوداع مني وداع فناء ولا آخر العهد من اللقاء حتى ترينيه من

این وداع از من وداع نیستی و نه آخر ملاقاتی از ملاقات من تا آنکه بنمائی بمن آنرا از

قابل في اسبغ النعم وافضل الرخاء وانا لك على احسن الوفاء انك

سال آینده در تمام ترین نعمتها و بهترین فراخی و حال آنکه من بوده باشم بنیکوترین وفای بدرستیکه تو

سميع الدعاء اللهم اسمع دعائي وارحم تضرعي وتذللي لك واستكانتي

پذیرنده دعائی خداوندا بپذیر دعای مرا و رحم کن زاری مرا و پستی نمودن برای تو و فروتنی مرا

لك وتوكلي عليك وانا لك مسلم لا ارجو نجاحا ولا معافاة ولا تشريفا

بجهت تو و اعتماد مرا بر تو و من برای تو منقادم امید ندارم رستگاری را و نه عافیت را و نه گرامی را

ولا تبليغا الا بك ومنك فامنن علي جل ثناؤك وتقدست اسماؤك

و نه رسانیدن را مگر بتو و از تو پس انعام کن بر من بزرگ است ستایش تو و پاک است نامهای تو

بتبليغي شهر رمضان وانا معافا من كل مكروه ومحذور ومن جميع

برسانیدن من بماه رمضان و حال آنکه من عافیت بخشیده شوم از هر ناخوش و ترسیده شده از همه

البوائق الحمد لله الذي اعاننا على صيام هذا الشهر وقيامه حتى بلغنا

سختیها سپاس مر خدا را که مدد کرد ما را بر روزه داشتن این ماه و ایستادن در آن تا آنکه رسانید ما را

آخر ليلة منه اللهم اني اسألك باحب ما دعيت به وارضى

بآخر شبی از آن بار خدایا بدرستیکه من درمیخواهم از تو بدوست ترین چیزی که خوانده شدی بآن و پسندیده تر

ما رضيت عن محمد صلى الله عليه واله ان تصلي على محمد وآل محمد

چیزی که خوشنود شدی بآن از محمد رحمت فرستاد خدا بر او و آل او آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

ولا تجعله وداعي شهر رمضان وداع خروجي من الدنيا ولا وداع

و مگردان وداع مرا خداوندا من ماه رمضان را وداع بیرون شدن من از دنیا و نه وداع

آخِرَ عِبَادَتِكَ فِيهِ وَلَا آخِرَ صَوْمِي لَكَ وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ
آخر عبادت تو دران ونه آخر روزه داشتن من برای تو وروزی کن مرا بازگشت دران پس بازگشت

فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ
دران پس بازگشت دران برحمت خودای دوست گروندگان وتوفیق ده مرا دران برای دریافت شب قدر

وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ رَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْجِبَالِ وَالْبِحَارِ
وبگردان شب قدر را برای من بهتر از هزار ماه ای خداوند شب وروز وکوهها ودریاها

وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ يَا بَارِئُ يَا مُصَوِّرُ يَا حَنَّانُ
وتاریکیها وروشنائی ها وزمین وآسمان ای آفریدگار ای صورت بخش ای بغایت مهربان

يَا مَنَّانُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا بَدِيعَ السَّمٰوَاتِ وَ
ای بسیار بخشنده ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای زنده ای بذات خود موجود وای نو پدید آورنده آسمانها و

الْأَرْضِ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ
زمین مر تراست نامهای نیک وداستانهای بلند وبزرگواری

وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
ونعمتها درمیخواهم از تو بنام تو بنام خدای بخشاینده مهربان که رحمت فرستی بر محمد وآل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ
محمد وانکه بگردانی نام مرا درین شب در دیوان نیکبختان وروح مرا با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ
ونیکوئی مرا در علیین وبدی مرا آمرزیده وآنکه بخشی مرا یقینی که بیاشر آن کنی

قَلْبِي وَإِيمَانًا لَا يَشُوبُهُ شَكٌّ وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَأَنْ تُؤْتِيَنِي فِي الدُّنْيَا
دل مرا وایمانی که نیامیزد آنرا شکی وخشنودی بآنچه قسمت کردی برای من وآنکه بدهی مرا در اینجهان

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَأَنْ تَقِيَنِي عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ
نیکی ودران جهان نیکی وآنکه نگاهداری از عذاب آتش سوزان

فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي

در جمله آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر لازم گردیده و در آنچه جدا میکنی از امر محکم در

لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ وَلَا يُغَيَّرُ أَنْ تَكْتُبَنِي

شب قدر از آن حکمی که برگردانیده نشود و بدل کرده نشود و تغییر داده نشود آنکه بنویسی مرا

مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ

از حج کنندگان خانهٔ محترم خود که مقبول باشد حج ایشان پاداش داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود گناه ایشان

الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ فِي عُمْرِي

محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر می نمائی اینکه دراز کنی عمر مرا

وَأَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلِ

وآنکه آزاد کنی گردن مرا از آتش ای بخشاینده ترین بخشایندگان بارخدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو و سوال نکرده اند

الْعِبَادُ مِثْلَكَ جُوداً وَكَرَماً وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَى مِثْلِكَ وَأَنْتَ

بندگان مانند ترا از روی بخشش و بزرگواری و رغبت میکنم بسوی تو و رغبت کرده نشده بسوی مانند تو و تو

مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ أَسْأَلُكَ بِأَعْظَمِ

محل سوال سوال کنندگانی و منتهای رغبت رغبت نمایندگانی سوال میکنم از تو ببزرگترین

الْمَسَائِلِ كُلِّهَا وَأَفْضَلِهَا وَأَنْجَحِهَا الَّتِي يَنْبَغِي لِلْعِبَادِ أَنْ يَسْأَلُوكَ بِهَا

سوالها همه آنها و بهترین آنها و روا شده ترین آنها که سزاوار است مر بندگان را آنکه سوال کنند از تو بآنها

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ وَبِأَسْمَائِكَ مَا عَلِمْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ أَعْلَمْ وَبِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى

ای خدا ای بخشاینده و بنامهای تو آنچه دانسته ام از آنها و آنچه ندانسته ام و بنامهای نیک تو

وَأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا وَنِعَمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى وَبِأَكْرَمِ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ وَ

و داستانهای بلند تو و نعمتهای تو که شمرده نشود و بگرامی ترین نامهای تو بر تو و

أَحَبِّهَا إِلَيْكَ وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَأَقْرَبِهَا مِنْكَ وَسِيلَةً

بدوست داشته شده ترین آنها بسوی تو و بلندترین آنها نزد تو از روی مرتبه و نزدیکترین آنها از روی وسیله بودن

وَاَجزَلِهَا مِنكَ ثَوَابًا وَاَسرَعِهَا لَدَيكَ اِجَابَةً وَبِاسمِكَ المَكنُونِ

و وافرترین آنها بتو از روی پاداش وشتابنده ترین آنها نزد تو از روی اجابت و بنام تو که پوشیده

المَخزُونِ الحَيِّ القَيُّومِ الاَكبَرِ الاَجَلِّ الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهوَاهُ وَتَرضَى بِهِ عَمَّن

پنهان داشته شده زنده پاینده بزرگتر بزرگوارتر آن نامیکه دوست میداری او را و میخواهی او را و خشنود میگردی از کسیکه

دَعَاكَ بِهِ وَتَستَجِيبُ لَهُ دُعَاءَهُ وَحَقٌّ عَلَيكَ اَن لَا تُخَيِّبَ سَائِلَكَ

خواند ترا بآن و می پذیری بجابت دعای او را و لازم است بتو آنکه نا امید نگردانی سوال کننده خود را

وَاَسأَلُكَ بِكُلِّ اسمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّورَاةِ وَالاِنجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالفُرقَانِ

و میخواهم از تو بحرمت هر نامیکه او برای تست در توریت وانجیل وزبور وفرقان

وَبِكُلِّ اسمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةُ عَرشِكَ وَمَلَائِكَةُ سَمٰوَاتِكَ وَجَمِيعُ

وبهر نامیکه خوانده اند ترا بآن بردارندگان عرش تو وفرشتگان آسمانهای تو وهمه

الاَصنَافِ مِن خَلقِكَ مِن نَبِيٍّ اَو صِدِّيقٍ اَو شَهِيدٍ وَبِحَقِّ الرَّاغِبِينَ

اقسام از خلق تو از پیغمبری یا راستگویی یا شهیدی وبحق رغبت کنندگان

اِلَيكَ الفَرِقِينَ مِنكَ المُتَعَوِّذِينَ بِكَ وَبِحَقِّ مُجَاوِرِي بَيتِكَ الحَرَامِ

بسوی تو ترسناکان از تو پناه گیرندگان بتو وبحق همسایگان خانه محترم تو

حُجَّاجًا وَمُعتَمِرِينَ وَمُقَدِّسِينَ وَالمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِكَ وَبِحَقِّ كُلِّ

حال آنکه باشند حج کنندگان عمره گذاران تنزیه کنندگان و کارزار نمایندگان در راه رضای تو وبحق هر

عَبدٍ مُتَعَبِّدٍ لَكَ فِي بَرٍّ اَو بَحرٍ اَو سَهلٍ اَو جَبَلٍ اَدعُوكَ دُعَاءَ مَن

بنده پرستنده مر ترا در خشکی یا دریا یا زمین هموار یا کوه میخوانم ترا مانند خواندن کسی

قَدِ اشتَدَّت فَاقَتُهُ وَكَثُرَت ذُنُوبُهُ وَعَظُمَ جُرمُهُ وَضَعُفَ كَدحُهُ

بتحقیق سخت باشد احتیاج او و بسیار باشد گناهان او و بزرگ باشد جنایت او و سست باشد کوشش او

دُعَاءَ مَن لَا يَجِدُ لِنَفسِهِ سَادًّا وَلَا لِضَعفِهِ مُقَوِّيًا وَلَا لِذَنبِهِ

دعای کسی که نیابد جهت نفس خود بازدارنده و نه بجهت ناتوانی خود قوت دهنده

غافر المعبود هارباً اليك متعوّذاً بك متعبّداً لك غير مستكبر

آمرزنده غیر تو حال آنکه گریزان باشد بسوی تو پناه گیرنده باشد بتو عبادت کننده باشد مر ترا نه گردن کش

ولا مستنكف خاشعاً خائفاً بائساً فقيراً مستجيراً بك أسألك بعزّتك و

و نه ننگ دارنده بلکه باشد ترسان محتاج درویش زنهار جوینده بتو سوال میکنم از تو بارجمندی تو و

عظمتك وجبروتك وسلطانك وبملكك وبهائك وجودك

بزرگی تو و غلبه تو و سلطنت تو و پادشاهی تو و نیکوئی تو و بخشش تو

وكرمك وبآلائك وحسنك وجمالك وبقوّتك على ما أردت

و بزرگواری تو و نعمتهای تو و خوبی تو و نیکوئی تو و بتوانائی تو بر آنچه اراده نمائی

من خلقك أدعوك يا ربّ خوفاً وطمعاً ورهبةً ورغبةً وتخشّعاً

از مخلوقات خود میخوانم ترا ای پروردگار من از روی بیم و امید و ترس و خواهش و فروتنی

وتملّقاً وتضرّعاً والحافاً والحاحاً خاضعاً لك لا اله الّا انت وحدك

و دوستی و زاری نمودن و مبالغه نمودن و الحاح کردن حال آنکه فروتنی کننده ام مر ترا نیست معبودی مگر تو تنها

لا شريك لك يا قدّوس يا قدّوس يا قدّوس يا الله يا الله يا الله

نیست انبازی مر ترا ای بغایت پاک ای بغایت پاک ای بغایت پاک ای خدا ای خدا ای خدا

يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا ربّ يا ربّ

ای بخشاینده ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای مهربان ای پروردگار ای پروردگار

يا ربّ أعوذ بك يا الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتكبّر المتعال وأسألك

ای پروردگار پناه میگیرم بتو ای خدای یگانه یکتا پاک که از همه بی نیاز است یکتای بزرگوار بلند مرتبه و میخواهم از تو

بجميع ما دعوتك به وبأسمائك التي تملأ أركانك كلّها أن تصلّي

بهمه آنچه خواندم من ترا بآن و بحرمت نامهای تو که پر میکنند اطراف مملکت ترا همه آنها آنکه رحمت فرستی

على محمّد وآل محمّد واغفر لي ذنبي وارحمني واوسع عليّ من فضلك

بر محمد و آل محمد و بیامرز گناه مرا و رحم کن مرا و گشایش ده بر من از بخشش خود

فصل دوم در فضیلت

العظیم وتقبل منی شهر رمضان وصیامه وقیامه وفرضه ونوافله

که بزرگ است وبپذیر از من ماه رمضان را وروزهٔ آنرا ونماز آنرا و واجب آنرا ومستحبات آنرا

واغفر لی وارحمنی واعف عنی ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك

وبیامرز مرا ورحم کن مرا ودرگذر از من ومگردان آخر ماه رمضان که روزه داشتم آنرا برای تو

وعبدتك فیه ولا تجعل وداعی ایاه وداع خروجی من الدنیا اللهم

وعبادت کردم ترا در آن ومگردان وداع کردن من آنرا وداع بیرون شدن من از دنیا خداوندا

اوجب لی من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشیتك افضل

واجب کن برای من از بخشش خود وآمرزش خود وخشنودی خود وترس از خود بهتر از

ما اعطیت احدا ممن عبدك فیه اللهم لا تجعلنی اخسر من سالك

آنچه بخشیدی یکی از آنانرا که پرستیدند ترا در آن خداوندا مگردان مرا زیانکارتر از کسی که سوال کرده از تو

فیه واجعلنی ممن اعتقته فی هذا الشهر من النار وغفرت له

در آن وبگردان مرا از آنانکه آزاد کرده او را درین ماه از آتش وآمرزیدی برای او

ما تقدم من ذنبه وما تأخر واوجبت له افضل ما رجاك وامل منك

آنچه را که پیش گذشته باشد از گناه او وآنچه باز پس ماند و واجب ساختی برای او بهتر آنچه امید داشت از تو

یا ارحم الراحمین اللهم ارزقنی العود فی صیامه لك وعبادتك فیه

ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان خداوندا روزی کن مرا بازگردیدن در روزه داشتن آن برای تو وعبادت تو در آن

واجعلنی ممن کتبته فی هذا الشهر من حجاج بیتك الحرام المبرور

وبگردان مرا از آنانکه نوشتی او را درین ماه از حج کنندگان خانهٔ محترم خود که مقبول باشد

حجهم المغفور لهم ذنبهم المتقبل عملهم آمین آمین آمین رب

حج ایشان آمرزیده شده باشد برای ایشان گناه ایشان پذیرفته شود برای ایشان کردار ایشان بپذیر بپذیر بپذیر ای پروردگار

العالمین اللهم لا تدع لی فیه ذنبا الا غفرته ولا خطیئة الا محوتها

جهانیان خداوندا در مگذار برای من در آن گناهی مگر آنکه بیامرزی آنرا ونه خطائی مگر محو کنی خداوندا گناه خود

وَلَا عَثْرَةً إِلَّا أَقَلْتَهَا وَلَا دَيْناً إِلَّا قَضَيْتَهُ وَلَا عَيْلَةً إِلَّا أَغْنَيْتَهَا وَلَا

و نه لغزشی را مگر آنکه درگذری از آن و نه قرضی را مگر آنکه ادا کنی آنرا و نه نیازمندی را مگر آنکه بی نیاز گردانی آنرا

هَمّاً إِلَّا فَرَّجْتَهُ وَلَا فَاقَةً إِلَّا سَدَدْتَهَا وَلَا عُرْيَاناً إِلَّا كَسَوْتَهُ وَلَا مَرِيضاً إِلَّا

اندوهی را مگر آنکه بگشائی آنرا و نه راه حاجتی را مگر آنکه ببندی آنرا و نه برهنگی را مگر آنکه بپوشانی او را و نه بیماری را مگر آنکه

شَفَيْتَهُ وَلَا دَاءً إِلَّا أَذْهَبْتَهُ وَلَا حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا

شفا بخشی او را و نه دردی را مگر آنکه ببری آنرا و نه حاجتی را از حاجتهای این جهان و آنجهان مگر آنکه

قَضَيْتَهَا عَلَى أَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا

روا کنی آنرا بر بهترین آرزوی من و امید من در تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان بار خدایا میچان دلهای ما را

بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَلَا تُذِلَّنَا بَعْدَ إِذْ أَعْزَزْتَنَا وَلَا تَضَعْنَا بَعْدَ إِذْ

پس از آنکه راه نمودی ما را و خوار مکن ما را پس از آنکه ارجمند کردی ما را و پست مکن ما را پس از آنکه

رَفَعْتَنَا وَلَا تُهِنَّا بَعْدَ إِذْ أَكْرَمْتَنَا وَلَا تُفْقِرْنَا بَعْدَ إِذْ أَغْنَيْتَنَا

بلند کردی ما را و ذلیل مگردان پس از آنکه گرامی داشتی ما را و نیازمند مکن ما را پس از آنکه بی نیاز کردی ما را

وَلَا تَمْنَعْنَا بَعْدَ إِذْ أَعْطَيْتَنَا وَلَا تَحْرِمْنَا بَعْدَ إِذْ رَزَقْتَنَا وَلَا تُغَيِّرْ

و منع مکن ما را پس از آنکه بخشش نمودی ما را و نا امید مکن ما را پس از آنکه روزی دادی ما را و تغییر مده

شَيْئاً مِنْ نِعَمِكَ عَلَيْنَا وَإِحْسَانِكَ إِلَيْنَا لِشَيْءٍ كَانَ مِنْ ذُنُوبِنَا

هیچ چیز از نعمتهای خود را بر ما و احسان خود را بسوی ما بجهت چیزی که یافت شده از گناهان ما

وَلَا لِمَا هُوَ كَائِنٌ مِنَّا فَإِنَّ فِي كَرَمِكَ وَعَفْوِكَ وَفَضْلِكَ سَعَةً

و نه بجهت آنچه یافت شود از ما زیرا که بتحقیق در بزرگواری تو و در گذشتن تو و فضل تو هست گشادگی

لِمَغْفِرَةِ ذُنُوبِنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَتَجَاوَزْ عَنَّا وَلَا تُعَاقِبْنَا عَلَيْهَا يَا أَرْحَمَ

بجهت آمرزش گناهان پس بیامرز ما را و درگذر از ما و عقوبت مکن ما را بر گناهان ای بخشاینده ترین

الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَكْرِمْنِي فِي مَجْلِسِي هَذَا كَرَامَةً لَا تُهِينُنِي بَعْدَهَا

بخشایندگان خداوندا گرامی دار مرا در مجلس من این مجلس گرامی داشتنی که خوار نگردانی مرا پس از آن

رمضان

ابدًا واعزّنی عزًّا لا تذلّنی بعده ابدًا وعافنی عافیةً لا تبتلینی بعدها

هرگز و بزرگی بخش مرا بزرگی که خوار نگردانی مرا پس از آن هرگز و تندرستی بده مرا تندرستی که مبتلا نکنی مرا بعد از آن

ابدًا وارفعنی رفعةً لا تضعنی بعدها ابدًا واصرف عنّی شرّ کلّ

هرگز و بلند کن مرا به بلندی که پست نسازی مرا پس از آن هرگز و بگردان از من گزند

شیطانٍ مریدٍ وشرّ کلّ جبّارٍ عنیدٍ وشرّ کلّ قریبٍ او بعیدٍ

شیطان سرکشی را و شر هر متکبر ستیزه گری را و شر هر نزدیک یا دور را

وشرّ کلّ صغیرٍ او کبیرٍ وشرّ کلّ دابّةٍ انت اخذٌ بناصیتها انّک

و شر هر خرد یا بزرگی را و شر هر جنبنده را که تو گیرنده موی پیش سر او را بدرستی که تو

علی صراطٍ مستقیمٍ اللّهمّ ما کان فی قلبی من شکٍّ او ریبةٍ او

بر راه راست است خداوندا آنچه بود در دل من از شک یا تهمت یا

جحودٍ او قنوطٍ او فرحٍ او مرحٍ او بطرٍ او بذخٍ او خیلاءٍ او ریاءٍ

انکار یا نومیدی یا شادی یا نازیدن یا حیرانی یا گردنکشی یا کبر یا ریا

او سمعةٍ او شقاقٍ او نفاقٍ او کفرٍ او فسوقٍ او معصیةٍ او شیءٍ

یا سمعه یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی یا نافرمانی یا عصیان یا چیزی که

لا تحبّ علیه ولیًّا لک فاسئلک ان تصلّی علی محمّدٍ وآل محمّدٍ وان

دوست نداری بر آن دوستی را برای خود پس سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه

تمحوه من قلبی وتبدّلنی مکانه ایمانًا بوعدک ورضًا بقضائک

محو کنی آنرا از دل من و بدل آوری برای من بجای آن تصدیق نمودن بوعده تو و خشنود شدن بحکم تو

ووفاءً بعهدک ووجلًا منک وزهدًا فی الدّنیا ورغبةً فیما عندک

و وفا نمودن به پیمان تو و ترسیدن از تو و بی رغبتی در دنیا و رغبت در آنچه نزد تست

وثقةً بک وطمأنینةً الیک وتوبةً نصوحًا الیک اللّهمّ ان کنت

و اعتماد بتو و آرام گرفتن بسوی تو و بازگشت خالص بسوی تو بار خدایا اگر بوده باشی

بَلَّغْتَنَاهُ وَاِلَّا فَاَخِّرْ عَنَّا اٰجَالَنَا اِلٰی قَابِلٍ حَتّٰی تُبَلِّغَنَاهُ فِیْ یُسْرٍ مِّنْكَ وَ

کہ رسانیدہ باشی ما را بآن اگر چہ شدنیست شدہ و اگر نیست باز پس انداز ما اجلہای ما تا سال آیندہ تا آنکہ برسانی ما را بآن فراخی کہ از تو باشد

عَافِیَةٍ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهٖ کَثِیْرًا وَّرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهٗ

و عافیتی ای بخشندہ ترین بخشایندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او رحمت بسیار و رحمت خدا و برکتهای او

و در جمعہ آخر نیز وداع جمعہ ما بدنیست و از جابر بن عبد اللہ انصاری منقول است کہ گفت رفتم

بخدمت رسول در جمعہ آخر ماہ رمضان چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود کہ این آخر جمعہ است

از ماہ رمضان پس وداع کن او را و بگو

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیَامِنَا اِیَّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهٗ فَاجْعَلْنِیْ

بار خدایا مگردان آنرا آخر عہدی از روزہ داشتن ما آنرا پس اگر گردانیدہ باشی آنرا پس گردان مرا

مَرْحُوْمًا وَّلَا تَجْعَلْنِیْ مَحْرُوْمًا

بخشیدہ شدہ و مگردان مرا ناامید

زیرا کہ ہر کہ این دعا را درین روز بخواند یکی از دو خصلت نیکو ظفر بیابد یا برسیدن ماہ

رمضان آیندہ یا بآمرزش خدا و رحمت بی انتہا و بسند معتبر از حضرت صادق علیہ السلام

منقول است کہ ہر کہ در شب آخر ماہ رمضان این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِیَامِیْ لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَاَعُوْذُ بِكَ اَنْ

بار خدایا مگردان آنرا آخر رسیدنی از روزہ داشتن من مر ماہ رمضان را و پناہ میگیرم بتو از آنکہ

یَّطْلُعَ فَجْرُ هٰذِهِ اللَّیْلَةِ اِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِیْ

طلوع کند صبح این شب مگر آنکہ بتحقیق آمرزیدہ باشی مرا

حق تعالی پیش از طلوع صبح او را بیامرزد و او را توبہ و انابت روزی کند و ایضا سنت است

کہ این دعا را بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْاَلُكَ بِاَحَبِّ مَا دُعِیْتَ بِهٖ وَاَرْضٰی مَا رَضِیْتَ بِهٖ

خداوندا بدرستیکہ من سوال میکنم از تو بدوست ترین آنچہ خواندہ شدہ بآن و پسندیدہ ترین آنچہ خوشنود شدہ بسبب آن

عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ
از محمد و از خانوادهٔ محمد برو و برایشان باد درود آنکه رحمت بفرستی براو

وَعَلَيْهِمْ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعَ شَهْرِي هٰذَا وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا
و برایشان و مگردان وداع ماه مرا این ماه وداع بیرون شدن من از دنیا

وَلَا وَدَاعَ اٰخِرِ عِبَادَتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا
و نه وداع آخر عبادت کردن تو و توفیق ده مرا در آن برای دریافت شب قدر و بگردان آنرا

لِي خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ مَعَ تَضَاعُفِ الْاَجْرِ وَالْاِجَابَةِ وَالْعَفْوِ
برای من بهتر از هزار ماه بمضاعف شدن مزد و اجابت کردن و درگذشتن

عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَى الرَّبِّ
از گناه بخشنودی پروردگار

واز جمله چیزها که سنت است در شب آخر آزاد کردن بنده‌هاست زیرا که شبی است که حق تعالی بنده‌های بسیار از آتش جهنم آزاد میکند هرگاه بندهٔ ضعیف فرمایه بندگان را از قید رقیت آزاد کند امید هست که خداوند قادر بی زوال با آن سعت و کمال او را از آتش جهنم آزاد کرداند و نام او را از جریدهٔ عاصیان محو نماید چنانچه منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام بنده‌ها که در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست نفر و زیاده و کم در شب آخر ماه رمضان آزاد مینمود و میفرمود که شماها را آزاد کردم بامید آنکه خداوند رحیم از تقصیرات من درگذرد و مرا از عذاب جهنم آزاد کرداند و چون روز عید میشد جایزه‌های عظیم بایشان می‌بخشید که ایشان بی نیاز باشند از سوال کردن از مردم و میگفت که حق تعالی در هر شب ماه مبارک رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار کس را آزاد میکند از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد کرده است آزاد میکند و حضرت شیخ غلامی و کنیزی را زیاده از یکسال خدمت نفرموده و در روز عید و در عرفات نیز بنده‌های خود را آزاد میفرموده و در روایتی وارد شده است که سنت است که در شب آخر سورهٔ انعام و کهف و یس بخواند و صد مرتبه بگوید

اَستَغفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیهِ

طلب آمرزش میکنم از خدا و رجوع میکنم بسوی او

فصل هفتم در دعای

مخصوص دهه آخر ماه مبارک است بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است

که آنحضرت در هر شب از شبهای دهه آخر این دعا می خواندند

اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ قُلتَ فی کِتابِکَ شَهرُ رَمَضانَ الَّذی اُنزِلَ فیهِ

بارخدایا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که این ماه رمضانی است که فرو فرستاده شده در ان

اَلقُرآنُ هُدًی لِلنّاسِ وَبَیِّناتٍ مِنَ الهُدیٰ وَالفُرقانِ فَعَظَّمتَ حُرمَةَ

قرآن حال آنکه راه نمای است مردمان را و دلائل روشن است از آنچه راه نما و جدا کننده حق از باطل پس بزرگ کردی حرمت

شَهرِ رَمَضانَ بِما اَنزَلتَ فیهِ القُرآنَ وَخَصَصتَهُ بِلَیلَةِ القَدرِ

ماه رمضان بسبب آنکه فرو فرستادی در ان قرآن را و مخصوص گردانیدی آنرا به شب قدر

وَجَعَلتَها خَیرًا مِن اَلفِ شَهرٍ اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ اَیّامُ شَهرِ رَمَضانَ

و گردانیدی آنرا بهتر از هزار ماه بارخدایا و این روزهای ماه رمضان

قَدِ انقَضَت وَلَیالیهِ قَد تَصَرَّمَت وَقَد صِرتُ یا اِلٰهی مِنهُ اِلیٰ ما اَنتَ

تحقیق بپایان رسید و شبهای آن تحقیق منقطع شد و تحقیق گردیدم ای خدای من از ان بسوی آنچه

اَعلَمُ بِهِ مِنّی وَاَحصیٰ لِعَدَدِهِ مِنَ الخَلقِ اَجمَعینَ فَاَسئَلُکَ بِما سَئَلَکَ

دانا تری بآن از من و ضبط نماینده تری مر شمار آنرا از همه آفریدگان پس سوال میکنم از تو بآنچه سوال کردند

بِهِ مَلائِکَتُکَ المُقَرَّبونَ وَاَنبِیاؤُکَ المُرسَلونَ وَعِبادُکَ الصّالِحونَ

بآن فرشتگان مقرب تو و پیغمبران مرسل تو و بندگان شایسته تو

اَن تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَفُکَّ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَتُدخِلَنِی الجَنَّةَ

که رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه رهائی کردن مرا از آتش و درآوری مرا در بهشت

بِرَحمَتِکَ وَاَن تَتَفَضَّلَ عَلَیَّ بِالاَمنِ یَومَ الخَوفِ مِن کُلِّ هَولٍ اَعدَدتَهُ

برحمت خود و آنکه بخشش نمائی بر من بایمنی در روز ترس از هر ترسی که آماده کرده آنرا

و بسند معتبر از آنحضرت علیه السلام منقول است که در هر شب دهه آخر این دعا را بخوانند

اعوذ بجلال وجهک الکریم ان ینقضی عنی شهر رمضان او یطلع

پناه می برم به بزرگواری ذات بزرگوار تو از آنکه بسر آید از من ماه رمضان یا طلوع کند

الفجر من لیلتی هذه و یبقی لک عندی تبعة او ذنب تعذبنی علیه یوم القاک

صبح از شب من این شب و باقی ماند برای تو نزد من وبالی یا گناهی که عذاب کنی مرا بآن در روزیکه ملاقاتم

و بسندهای معتبر در هر شب از دهه آخر دعای مخصوصی از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است و بر مطالب دنیا و آخرت مشتمل است در این فصل ایراد نمودیم دعای شب بیست و یکم

یا مولج اللیل فی النهار و یا مولج النهار فی اللیل و مخرج الحی من المیت

ای درآورنده شب در روز و ای درآورنده روز در شب و ای بیرون آورنده زنده از مرده

و مخرج المیت من الحی یا رازق من یشاء بغیر حساب یا الله یا رحمن یا الله

و ای بیرون آورنده مرده از زنده ای روزی دهنده هرکه خواهد بی شمار ای خدا ای بخشاینده ای خدا

یا رحیم یا الله یا الله یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی

ای مهربان ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک

والامثال العلیا و الکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد

و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو آنکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد

و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء و روحی مع الشهداء و احسانی

و آنکه بگردانی نام مرا درین شب در دیوان نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوکاری مرا

فی علیین و اسائتی مغفورة و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی

در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده و آنکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا

و ایمانا یذهب بالشک عنی و ترضینی بما قسمت لی و آتنا فی الدنیا

و ایمانی که ببرد شک از من و آنکه خشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا

و در روایتی وارد شده است که امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام ... از حمام بیرون می آمدند ...

کسی داخل حمام شود ... عذاب ... از حمام بیرون ...

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا

نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار مرا از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در این شب

ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا

ذکر خود و سپاس گذاری خود و رغبت بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای چیزی

وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و دوم يَا سَالِخَ

که توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد درود ای بازکننده

النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ فَإِذَا نَحْنُ مُظْلِمُونَ وَمُجْرِيَ الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ

روز از شب پس ناگهان ما در تاریکی در آئیم و ای روان سازنده آفتاب تا بجائیکه قرارگاه اوست باندازه کردن خود

يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ وَمُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ يَا نُورَ

ای غالب ای دانا و تقدیر کننده حرکت ماه در منزلهای معلوم تا آنکه گردد در آخر منازل مانند شاخ خرمای کهنه ای نور

كُلِّ نُورٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ وَوَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللهُ يَا قُدُّوسُ

هر نور و منتهای هر خواهش و خداوند هر نعمت ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاک

يَا أَحَدُ يَا وَاحِدُ يَا فَرْدُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ

ای یگانه ای یکتا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای

الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

بلند و بزرگواری و نعمتها درمیخواهم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و خاندان او

وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَ

و آنکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و

إِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ

نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر کنی

بِهِ قَلْبِي وَإِيمَاناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي

بان دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و آنکه خشنود سازی مرا بآنچه بهره داده مرا و بده ما را در این

فصل سوم در بیان آنچه در حمام باید کرد ...

الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الحَرِيقِ وَارْزُقْنِي
اینجهان نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار مرا از عذاب آتش سوزان و روزی کن مارا
فِيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِما
درین شب یاد کردن خود و سپاس گذاری خود و خواهش بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه
وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ دعای شب بیست و سوم
توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد درود
يا رَبَّ لَيْلَةِ القَدْرِ وَجاعِلَها خَيْراً مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَرَبَّ اللَّيْلِ وَالنَّهارِ
ای خداوند شب قدر و گرداننده آن بهتر از هزار ماه و پروردگار شب و روز
وَالجِبالِ وَالبِحارِ وَالظُّلَمِ وَالأَنْوارِ وَالأَرْضِ وَالسَّماءِ يا بارِئُ يا مُصَوِّرُ
و کوهها و دریاها و تاریکیها و روشنیها و زمین و آسمان ای آفریدگار ای نگارنده
يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا اللهُ يا رَحْمنُ يا اللهُ يا قَيُّومُ يا اللهُ يا بَدِيعُ يا اللهُ يا اللهُ
ای مهربان ای بخشاینده ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پاینده ای خدا ای نو پدید آورنده ای خدا ای خدا
يا اللهُ لَكَ الأَسْماءُ الحُسْنى وَالأَمْثالُ العُلْيا وَالكِبْرِياءُ وَالآلاءُ
ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي
سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در
السُّعَداءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ وَإِحْسانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِساءَتِي مَغْفُورَةً
زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده
وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيماناً يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي
و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خوشنود کنی مرا
بِما قَسَمْتَ لِي وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةً
بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را درین جهان نیکی و در آن جهان نیکی

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ اِلَيْكَ

ونگاه دار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا درین شب یاد کردن خود و سپاسگذاری خود و رغبت و خواهش بسوی خود

وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ

و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو براو

وَعَلَيْهِمْ دعای شب بیست و چهارم يَا فَالِقَ الْاِصْبَاحِ وَيَا جَاعِلَ اللَّيْلِ سَكَناً

و برایشان باد ای شکافنده سپیده دمها و ای گرداننده شب موجب آرام

وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ حُسْبَاناً يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ

و آفتاب و ماه وسیله شمار ای غالب ای دانا ای خداوند انعام و خداوند توانائی و قدرت

وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا اللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللّٰهُ يَا فَرْدُ يَا وِتْرُ

و بخشش و نعمت دادن ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای یگانه ای یکتا

يَا اللّٰهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ يَا حَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا اللّٰهُ يَا اللّٰهُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى

ای خدا ای پیدا ای پنهان ای زنده نیست سزاوار پرستش مگر تو ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک

وَالْاَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وَاَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي

و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در زمرهٔ نیک بختان و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا

فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِيناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَاناً يُذْهِبُ

در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد

الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

شک را از من و خشنودی بآنچه بهره داده مرا و بده ما را در جهان نیکوئی و در آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ

نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا درین شب ذکر خود و سپاسگذاری خود و خواهش

فصل

إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ

بسوی خود و بازگشت و رجوع و توفیق برای انچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای شب بیست و پنجم يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا وَالنَّهَارِ

براو و بر ایشان درود ای گرداننده شب را پوشش و روز را

مَعَاشًا وَالْأَرْضِ مِهَادًا وَالْجِبَالِ أَوْتَادًا يَا اللهُ يَا قَاهِرُ يَا اللهُ يَا جَبَّارُ يَا اللهُ

وقت کسب معیشت و زمین را فراشی کسترده و کوهها را میخها ای خدا ای خداوند قهر و غلبه ای خدا ای بزرگوار ای خدا

يَا سَمِيعُ يَا اللهُ يَا قَرِيبُ يَا اللهُ يَا مُجِيبُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

ای شنوا ای خدا ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک

وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

و داستانهای بلند پایه و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ

محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان

وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي

و احسان مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه بخشی مرا یقینی که مباشران کنی دل مرا

وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً

و ایمانی که ببرد شک را از من و خشنودی بانچه قسمت کرده برای من بده ما را در اینجهان نیکی

وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ

و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی بده مرا درین شب یاد خود

وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا

و سپاس گذاری خود و خواهش نمودن بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای انچه توفیق دادی برای آن محمد

وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ دعای بیست و ششم يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ

و آل محمد را رحمتهای تو براو و بر ایشان باد سلام ای گرداننده شب

وَالنَّهارَ آيَتَيْنِ يا مَنْ مَحا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْهُ

و روز دو نشان قدرت ای آنکه زائل کرده نشان شب و گردانید نشان روز را روشن تا طلب کنید بخشش را از او

وَرِضْوانًا يا مُفَصِّلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلًا يا اللهُ يا ماجِدُ يا وَهّابُ يا اللهُ يا جَوادُ

و خوشنودی را ای تمیز دهنده هر چیز تمیز دادنی ای خدای بزرگوار ای بسیار بخشنده ای خدای بخشاینده

يا اللهُ يا اللهُ يا اللهُ لَكَ الْأَسْماءُ الْحُسْنى وَالْأَمْثالُ الْعُلْيا وَالْكِبْرِياءُ وَالْآلاءُ

ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَداءِ

سوال میکنم از تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی نام مرا درین شب در زمره نیکبختان

وَرُوحِي مَعَ الشُّهَداءِ وَإِحْسانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِساءَتِي مَغْفُورَةً وَأَنْ تَهَبَ لِي

و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و آنکه ببخشی مرا

يَقِينًا تُباشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِما قَسَمْتَ لِي

یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و خوشنود سازی مرا بآنچه قسمت کردی برای من

وَآتِنا فِي الدُّنْيا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنا عَذابَ النّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي

و بده ما را در اینجهان نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده و روزی کن مرا

فِيها ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِما وَفَّقْتَ

و درین شب یاد کردن تو و سپاس گذاری تو و خواهش بسوی تو و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی

لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلامُ دعای شب بیست و هفتم يا مادَّ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ

برای آن محمد و آل محمد را بر او و بر ایشان باد سلام ای کشنده سایه و اگر میخواستی

جَعَلْتَهُ ساكِنًا وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ثُمَّ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضًا يَسِيرًا

میگردانی آنرا ساکن و گردانیدی آفتاب را بر وجود سایه دلیل پس گرفتی آنرا بسوی خود گرفتنی اندک

يا ذَا الْحَوْلِ وَالطَّوْلِ وَالْكِبْرِياءِ وَالْآلاءِ لا إِلهَ إِلّا أَنْتَ عالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ

ای خداوند توانائی و انعام و بزرگواری و نعمتهاست نیست سزاوار پرستش غیر تو دانای هر نهان و آشکار

الرحمن الرحیم لا اله الا انت یا قدوس یا سلام یا مؤمن یا مهیمن

بخشاینده مهربان نیست سزاوار پرستش مگر تو ای پاک ای سالم از هر نقص ای امان دهنده و گواه دانا بهر چیز

یا عزیز یا جبار یا متکبر یا الله یا خالق یا باری یا مصور یا الله یا الله

ای غالب ای کار فرمای بقهر ای بزرگوار ای خدا ای آفریدگار ای پدید آورنده ای نگارنده ای خدا ای خدا

یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسألک

ای خدا مر تراست نامهای نیکو و مثلهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو

ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی

آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه بگردانی نام مرا درین شب در

السعداء وروحی مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة

زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وان تهب لی یقینا تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشک عنی وترضینی

وانکه بخشی مرا یقینی که مباشر آن گنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و آنکه خشنود سازی مرا

بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب

بانچه قسمت کرده برای من بده مارا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار مارا از عذاب

النار الحریق وارزقنی فیها ذکرک وشکرک والرغبة الیک والانابة

آتش سوزنده و روزی کن مارا درین شب ذکر خود و شکر خود و خواهشمندی بسوی خود و بازگشت

والتوبة والتوفیق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلی الله علیه وعلیهم

و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را رحمت فرستاد خدا بر او و بر ایشان

دعای شب بیست و سیم

یا خازن اللیل فی الهواء وخازن النور فی السماء

ای نگاهدارنده ظلمت شب در هوا و نگاهدارنده روشنائی در آسمان

ومانع السماء ان تقع علی الارض الا باذنه وحابسهما ان تزولا یا علیم

و منع کننده آسمان از آنکه فرود آید بر زمین مگر بدستوری خود و باز دارنده آسمان و زمین از آنکه نابود شوند ای دانا

فصل هفتم

يا عظيم يا عفو يا دائم يا الله يا وارث يا باعث من في القبور يا الله

ای بزرگ ای آمرزگار ای همیشه موجود ای خدا ای میراث برنده ای برانگیزندهٔ آنانکه در قبرهایند ای خدا

يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء

ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها

أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة في

سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا درین شب در

السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة

زمرهٔ نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده

وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت

و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و اینکه خوشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده

لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق

برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده

وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والرهبة منك والتوبة

و روزی کن مرا درین شب ذکر خود و شکر خود و رغبت بسوی خود و ترس از خود و توبه

والانابة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد صلواتك عليه

و بازگشت و توفیق برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد را رحمتهای تو بر او

وعليهم اجمعين دعای شب بیست و نهم يا مكور الليل على النهار ومكور

و بر ایشان همهٔ ایشان ای درآورندهٔ شب در روز و درآورندهٔ

النهار على الليل يا عليم يا حكيم يا رب الارباب وسيد السادات

روز در شب ای دانا ای درست کردار ای پروردگار پروردگاران و بزرگ بزرگان

لا اله الا انت يا من هو اقرب الي من حبل الوريد يا الله يا الله يا الله

نیست سزاوار پرستش مگر تو ای آنکه او نزدیکتر است بسوی من از رگ گردن ای خدا ای خدا ای خدا

رمضان

لك الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والآلاء اسألك ان

مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سوال میکنم از تو اینکه

تصلی علی محمد وآل محمد وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء وروحی

رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا

مع الشهداء واحسانی فی علیین واسائتی مغفورة وان تهب لی یقینا

با شهیدان ونیکی مرا در علیین وبدی من آمرزیده شده واینکه ببخشی مرا یقینی

تباشر به قلبی وایمانا یذهب الشك عنی وترضینی بما قسمت لی وآتنا فی الدنیا

که مباشر آن کنی دل مرا وایمانی که ببرد شك را از من واینکه خوشنود سازی مرا بانچه قسمت کردی برای من

حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحریق وارزقنی فیها

نیکی ودر آن جهان نیکی ونگاهدار ما را از عذاب آتش سوزنده وروزی کن مرا در این

ذکرك وشکرك والرغبة الیك والتوبة والانابة والتوفیق لما وفقت

ذکر خود وسپاس گذاری خود وخواهشمندی بسوی خود وتوبه وبازگشت وتوفیق برای آنچه توفیق داد

له محمدا وآل محمد صلواتك علیه وعلیهم دعای شب سیم الحمد لله

برای آن محمد وآل محمد را رحمتهای تو براو وبر ایشان سپاس مر خدا را

لا شریك له الحمد لله کما ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله وکما هو

که نیست انبازی برای او وسپاس مر خدا را چنانچه سزاوار است مر بزرگواری ذات او را وارجمندی بزرگواری او وچنانچه او

اهله یا قدوس یا نور یا نور القدس یا سبوح یا منتهی التسبیح یا رحمن

سزاوار است ای پاك ای هویدا ای نور پاك ای منزه ای منتهای تنزیه ای بخشاینده

یا فاعل الرحمة یا الله یا علیم یا کبیر یا الله یا لطیف یا جلیل یا الله یا سمیع

ای کننده بخشش ای خدا ای دانا ای بزرگ ای خدا ای مهربان ای بزرگوار ای خدا ای شنوا

یا بصیر یا الله یا الله یا الله لك الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء

ای بینا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیك وداستانهای بزرگ وبزرگواری

فصل نهم در دعاهای روزه

وَالْاٰلَاءِ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ اِسْمِي فِي هٰذِهِ

ونعمتها سوال میکنم از تو انیکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد وانیکه بگردانی نام مرا در این

اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَاِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَاِسَاءَتِي

شب در زمرهٔ نیک بختان و روح مرا با شهیدان و نیکی مرا در علیین و بدی مرا

مَغْفُورَةً وَاَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَاِيمَانًا يَذْهَبُ بِالشَّكِّ عَنِّي

آمرزیده وانیکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من

وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَاٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا

وخوشنود سازی مرا بانچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی ونگاهدار ما را

عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ

از عذاب آتش سوزنده وروزی کن مرا درین شب ذکر خود وسپاسگذاری خود وخواهشمندی

اِلَيْكَ وَالتَّوْبَةَ وَالْاِنَابَةَ وَالتَّوْفِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَاٰلَ مُحَمَّدٍ

بسوی خود و توبه و بازگشت و توفیق برای انچه توفیق دادی برای آن محمد وآل محمد را

صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ

رحمتهای تو براو وبر ایشان همه

فصل هشتم در بیان نمازهای شبها و دعاهای روزهاست که مشهور است و علما در کتب دعا ذکر کرده اند و نیز در تقویم معتبر منیست نماز شب **اول** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید **دوم** چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه **سوم** ده رکعت در هر رکعت حمد وپنجاه مرتبه توحید **چهارم** هشت رکعت در هر رکعت حمد وبیست مرتبه انا انزلناه **پنجم** دو رکعت در هر رکعت حمد وپنجاه مرتبه توحید وبعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد وآل محمد **ششم** چهار رکعت در هر رکعت حمد وسورهٔ تبارک الذی بیده الملک **هفتم** چهار رکعت در هر رکعت حمد وسیزده مرتبه انا انزلناه **هشتم** دو رکعت در هر رکعت حمد وده مرتبه توحید وبعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله **نهم** شش رکعت میان نماز شام وخفتن در هر رکعت حمد وهفت مرتبه

آیة الکرسی و بعد از اتمام پنجاه مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد دهم بیست رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه انا اعطیناک الکوثر دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلناه سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهاردهم شش رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت پانزدهم چهار رکعت در دو رکعت اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر پنجاه مرتبه توحید شانزدهم دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهیکم التکاثر هفدهم دو رکعت در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله هیجدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر نوزدهم پنجاه رکعت با حمد و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یک مرتبه بخوانند زیرا که مشکل است در یک شب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت الارض خواندن بستم و بیست و یکم و بیست و دوم و بیست و سوم و بیست و چهارم در هر یک هشت رکعت بهر سوره که میسر شود بیست و پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید بیست و ششم هشت رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و تبارک الذی اگر نتوانند بیست و پنج مرتبه توحید بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید سی ام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها چنانچه مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است و اما دعاهای روزها از ابن عباس روایت کرده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فضیلت بسیار از برای روزه هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرموده و از برای هر روز دعای مخصوصی با فضیلت و ثواب بسیار برای آن دعا ذکر کرده اند و ما باصل دعاها اکتفا نمودیم دعای روز اول اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین و قیامی فیه خداوندا بگردان روزه مرا درین ماه مانند روزه داشتن روزه داران ایستادن مرا در ان

قیام القائمین ونبهنی فیه عن نومة الغافلین وهب لی جرمی فیه یا اله

ایستادن ایستادگان و بیدار کن مرا در آن از خواب بیخبران و ببخش من گناه مرا در آن ای خدای

العالمین واعف عنی یا عافیا عن المجرمین دعای روز دوم اللهم قربنی فیه

جهانیان و درگذر از من ای درگذرنده از گناه کاران خداوندا نزدیک گردان مرا در این ماه

الی مرضاتک وجنبنی فیه من سخطک ونقماتک ووفقنی فیه لقراءة

بسوی خوشنودیهای خود و دور گردان مرا در آن از غضب خود و عقوبتهای خود و توفیق ده مرا در آن برای تلاوت

آیاتک برحمتک یا ارحم الراحمین دعای روز سوم اللهم ارزقنی فیه الذهن

آیتهای خود برحمتهای خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا روزی کن مرا در این ماه زیرکی

والتنبیه وباعدنی فیه من السفاهة والتمویه واجعل لی نصیبا من

و آگاه گردانیدن و دور گردان مرا در آن از کم خردی و پوشانیدن حق و بگردان بجهت من بهره از

کل خیر تنزل فیه بجودک یا اجود الاجودین دعای روز چهارم اللهم قونی

هر نیکی که فرو فرستی در آن ببخشش خود ای بخشنده ترین بخشایندگان بار خدایا توانائی بخش مرا

فیه علی اقامة امرک واذقنی فیه حلاوة ذکرک واوزعنی فیه لاداء

در این ماه برای آنکه برپا دارم فرمان ترا و بچشان مرا در آن شیرینی یاد کردن خود و توفیق ده مرا در آن برای بجای آوردن

شکرک بکرمک واحفظنی بحفظک وسترک یا ابصر الناظرین دعای روز پنجم

شکر خود به بزرگواری خود و نگاهدار مرا به نگاهداری خود و پرده خود ای بیناترین نگرندگان

اللهم اجعلنی فیه من المستغفرین واجعلنی فیه من عبادک الصالحین

خداوندا بگردان مرا در این ماه از جمله آمرزش طلبان و بگردان مرا در آن از بندگان نیکوکاران خود

القانتین واجعلنی فیه من اولیائک المقربین برأفتک یا ارحم الراحمین

که فرمان برند و بگردان مرا در آن از دوستان مقرب خود به مهربانی خود ای بخشنده ترین بخشایندگان

دعای روز ششم اللهم لا تخذلنی فیه لتعرض معصیتک ولا تضربنی

خداوندا خوار مگذار مرا در این ماه بجهت در پیش آمدن معصیت و نافرمانی تو و مزن مرا

بِبِساطِ نِقْمَتِكَ وَزَحْزِحْنِي فِيهِ مِنْ مُوجِباتِ سَخَطِكَ بِمَنِّكَ وَاَيادِيكَ

تا بزیانهای عقوبت خود و دور گردان مرا دران از امور یکه واجب میگرداند غضب ترا بخشش خود و نعمتهای

يا مُنْتَهى رَغْبَةِ الرّاغِبِينَ دعای روز هفتم اَللّٰهُمَّ اَعِنِّي عَلى صِيامِهِ وَقِيامِهِ

ای منتهای خواهش خواهشمندان بار خدایا مدد کن مرا بر روزه داشتن این ماه و بیدار بودن دران

وَجَنِّبْنِي فِيهِ مِنْ هَفَواتِهِ وَآثامِهِ وَارْزُقْنِي فِيهِ ذِكْرَكَ بِدَوامِهِ بِتَوْفِيقِكَ

و دور گردان مرا دران از لغزشهای آن و گناهان او و روزی کن مرا دران یاد کردن خود به همیشگی آن به توفیق خود

يا هادِيَ الْمُضِلِّينَ دعای روز هشتم اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ رَحْمَةَ الْاَيْتامِ وَاِطْعامَ

ای راهنمای گمراهان بارخدایا روزی ده مرا درین ماه مهربانی یتیمان و خورانیدن

الطَّعامِ وَاِفْشاءَ السَّلامِ وَمُجانَبَةَ اللِّئامِ وَصُحْبَةَ الْكِرامِ بِطَوْلِكَ يا مَلْجَاَ

طعام و ظاهر ساختن سلام و پرهیز کردن از لئیمان و صحبت بزرگواران باحسان خود ای پناه

الْآمِلِينَ دعای روز نهم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيباً مِنْ رَحْمَتِكَ الْواسِعَةِ

امیدواران خداوندا بگردان برای من درین ماه بهره از بخشش فراگیرنده خود

وَاهْدِنِي فِيهِ لِبَراهِينِكَ السّاطِعَةِ وَخُذْ بِناصِيَتِي اِلى مَرْضاتِكَ الْجامِعَةِ

و راهنما مرا دران بدلائل بلند خود و فراگیر موی پیش سر مرا حال اگر برسانی بخشنودی همه جانبه خود

بِمَحَبَّتِكَ يا اَمَلَ الْمُشْتاقِينَ دعای روز دهم اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُتَوَكِّلِينَ

بدوستی خود ای امیدگاه آرزومندان خداوندا بگردان مرا درین ماه از توکل کنندگان

عَلَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْفائِزِينَ لَدَيْكَ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

بر تو و بگردان مرا دران از رستگاران نزد خود و بگردان مرا درین ماه از نزدیک گشتگان

اِلَيْكَ بِاِحْسانِكَ يا غايَةَ الطّالِبِينَ دعای روز یازدهم اَللّٰهُمَّ حَبِّبْ اِلَيَّ فِيهِ

بسوی تو به نیکویی خود ای منتهای مطلب طلب کنندگان خداوندا دوست دار بسوی من دران ماه

الْاِحْسانَ وَكَرِّهْ اِلَيَّ فِيهِ الْفُسُوقَ وَالْعِصْيانَ وَحَرِّمْ عَلَيَّ فِيهِ السَّخَطَ وَالنِّيرانَ

نیکوکاری را و دشمن گردان بسوی من دران بدکرداری و نافرمانی را و حرام گردان بر من دران غضب آتشها

اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين

بعونك یا غیاث المستغیثین دعای روز دوازدهم اللهم زینی فیه بالستر
بیاری خودای فریادرس دادخواهان خداوندا آراسته کن مرا در این ماه از پوشش خود
والعفاف واسترنی فیه بلباس القنوع والکفاف واحملنی فیه علی
و پرهیزکاری و بپوشان مرا در آن بجامهٔ قناعت و روزی و برانگیز مرا در آن بر
العدل والانصاف وآمنّی فیه من کل ما اخاف بعصمتک یا عصمة
عدالت و انصاف و ایمن گردان مرا در آن از هرچه می ترسم به نگاهداری خودای نگاهدارندهٔ
الخائفین دعای روز سیزدهم اللهم طهرنی فیه من الدنس والاقذار
ترسناکان بارخدایا پاک گردان مرا در این ماه از هر چرکی و همه قاذورات
وصبرنی فیه علی کائنات الاقدار ووفقنی فیه للتقی وصحبة الابرار
و شکیبائی ده مرا در آن بر تقدیراتی که ثابت است و توفیق ده مرا در آن برای پرهیزکاری و صحبت نیکوکاران
بعونک یا قرة عین المساکین دعای روز چهاردهم اللهم لا تؤاخذنی فیه بالعثرات
بیاری خودای روشنائی دیده بیچارگان بارخدایا مواخذه مکن مرا در این ماه بلغزشها
واقلنی فیه من الخطایا والهفوات ولا تجعلنی فیه غرضا للبلایا والآفات
و درگذر مرا در آن از گناهان و لغزشهای و مگردان مرا در آن نشانه برای تیرهای بلاها و آفتها
بعزتک یا عز المسلمین دعای روز پانزدهم اللهم ارزقنی فیه طاعة الخاشعین
بعزت خودای ارجمندی گردن نهندگان بارخدایا روزی کن مرا در این ماه فرمانبرداری فروتنی کنندگان
واشرح فیه صدری بانابة المخبتین بامانک یا امان الخائفین
و گشاده گردان سینهٔ مرا بازگشت فروتنی کنندگان بامان خودای ایمنی بخش ترسناکان
دعای روز شانزدهم اللهم وفقنی فیه لموافقة الابرار وجنبنی فیه مرافقة الاشرار
خداوندا توفیق ده مرا در این ماه برای موافقت نیکوکاران و دور گردان مرا در آن از همراهی بدکرداران
وآونی فیه برحمتک الی دار القرار بالهیتک یا اله العالمین دعای روز هفدهم اللهم
و فرود آور مرا در آن برحمت خود بسوی سرای درنگ بخدائی خود ای خدای جهانیان بارخدایا

اهدنی فیه لصالح الاعمال واقض لی فیه الحوائج والآمال یا من لا یحتاج

راهنمائی کن مرا در این ماه بکردارهای شایسته و روا کن بجهت من در آن حاجتها و آرزوها ای آنکه محتاج

الی التفسیر والسؤال یا عالما بما فی صدور العالمین دعای روز هیجدهم اللهم

بسوی اظهار کردن و سوال نمودن ای دانا بانچه در دلهای جهانیان است خداوندا

نبهنی فیه لبرکات اسحاره ونور فیه قلبی بضیاء انواره وخذ بکل

بیدار کن مرا در این ماه برای برکتهای سحرهای آن و روشن کن در آن دل مرا بروشنائی روشنیهای آن و بدار همه

اعضائی الی اتباع آثاره بنورک یا منور قلوب العارفین دعای روز

اعضای مرا بسوی پیروی نشانهای آن بروشنائی خود ای روشن کننده دلهای شناسندگان

نوزدهم اللهم وفر فیه حظی من برکاته وسهل سبیلی الی خیراته

خداوندا وافر کن در این ماه بهره مرا از برکتهای آن و آسان کن راه مرا بسوی نیکوئیهای آن

ولا تحرمنی قبول حسناته یا هادیا الی الحق المبین دعای روز بیستم اللهم

و نا امید مکن مرا از پذیرفتن نیکیهای آن ای راهنمای بسوی دین حق روشن بار خدایا

افتح لی فیه ابواب الجنان واغلق عنی فیه ابواب النیران ووفقنی

بگشا برای من در این ماه درهای بهشت را و ببند از من در آن درهای دوزخ را و توفیق ده مرا

فیه لتلاوة القرآن یا منزل السکینة فی قلوب المؤمنین دعای روز بیست و یکم

در آن برای تلاوت قرآن ای فرود آورنده آرام در دلهای گروندگان

اللهم اجعل لی فیه الی مرضاتک دلیلا ولا تجعل للشیطان فیه علی

بار خدایا بگردان برای من در این ماه بسوی خشنودیهای خود راهنمائی و مگردان برای شیطان در آن بر من

سبیلا واجعل الجنة لی منزلا ومقیلا یا قاضی حوائج الطالبین دعای روز بیست و دوم

راهی و بگردان بهشت را برای من فرودگاه و آرامگاه ای برآورنده حاجتهای سوال کنندگان

اللهم افتح لی فیه ابواب فضلک وانزل علی فیه برکاتک ووفقنی فیه

خداوندا بگشا برای من در این ماه درهای فضل خود را و فرود آور بر من در آن برکتهای خود را و توفیق ده مرا

لموجبات مرضاتك واسكنّي فيه بحبوحة جنّاتك يا مجيب دعوة

برای امور یکه واجب سازند خوشنودیهای ترا وساکن کن مارا دران میان بستانهای خود ای اجابت کننده دعای

المضطرين روز بيست وسوم اللّهمّ اغسلني فيه من الذنوب وطهّرني فيه من العيوب

درماندگان خداوندا بشوی مرا درینماه از گناهان وپاک گردان مرا دران از عیب

وامتحن قلبي فيه بتقوى القلوب يا مقيل عثرات المذنبين روز بيست وچهارم

وآزمایش کن دل مرا دران بپرهیزگاری دلها ای درگذرنده از لغزشهای گنهکاران

اللّهمّ انّي اسألك فيه ما يرضيك واعوذ بك ممّا يؤذيك واسألك

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو درینماه انچیزی را که خوشنود سازد ترا وپناه میبرم بتو از انچه آزرده گرداند ترا وسوال میکنم از تو

التوفيق فيه لان اطيعك ولا اعصيك يا جواد السائلين روز بيست وپنجم

توفیق را دران برای آنکه فرمانبرداری کنم ترا ونافرمانی نورزم ترا ای بخشش کننده سوال کنندگان

اللّهمّ اجعلني فيه محبّا لاوليائك ومعاديا لاعدائك مستنّا بسنّة

خداوندا بگردان مرا درینماه دوستدار مر دوستان ترا ودشمن دارنده مر دشمنان ترا جاری شونده بطریقه

خاتم انبيائك يا عاصم قلوب النبيّين روز بيست وششم اللّهمّ اجعل سعيي فيه

آخر پیغمبران تو ای نگاهدارنده دلهای پیغمبران خداوندا بگردان کوشش مرا درینماه

مشكورا وذنبي فيه مغفورا وعملي فيه مقبولا وعيبي فيه مستورا

جزاداده شده وگناه مرا دران آمرزیده وکردار مرا دران پذیرفته وعیب مرا دران پوشیده شده

يا اسمع السامعين روز بيست وهفتم اللّهمّ ارزقني فيه فضل ليلة القدر

ای شنواترین شنوندگان خداوندا روزی کن مارا درینماه فضیلت شب قدر

وصيّر اموري فيه من العسر الى اليسر واقبل معاذيري وحطّ عنّي الوزر

وبگردان کارهای مرا دران از دشواری بسوی آسانی وبپذیر عذرهای مرا وفرود آور از من بار گناه

يا رؤفا بعباده الصالحين روز بيست وهشتم اللّهمّ وفّر حظّي فيه من النوافل

ای مهربان به بندگان نیکوکار خود خداوندا کامل گردان بهره مرا درینماه از زیادتیها

وأكرمني فيه بإحضار المسائل وقرّب فيه وسيلتي إليك من بين الوسائل

وگرامی دار مرا در آن به حاضر ساختن سوالها و نزدیک گردان مرا در آن وسیله مرا بسوی خود از میان وسیله‌ها

یا من لا یشغله إلحاح الملحّین روز بیست و نهم اللهم غشّني فيه بالرحمة

ای آنکه باز نمیدارد او را مبالغه مبالغه کنندگان خداوندا بپوشان مرا در این ماه برحمت

وارزقني فيه التوفيق والعصمة وطهّر قلبي من غياهب التهمة يا رحيماً

و روزی کن مرا در آن توفیق و نگهداری و پاک کن دل مرا از تیرگیهای دروغ بربستن ای مهربان

بعباده المؤمنين روز سی ام اللهم اجعل صيامي فيه بالشكر والقبول على

به بندگان گرونده خود خداوندا بگردان روزه مرا درین ماه مقرون بسپاس گذاری و پذیرائی

ما ترضاه ويرضاه الرسول محكمة فروعه بالأصول بحق سيدنا محمد

وجهی که بپسندی آنرا و پسندد آنرا رسول حال آنکه محکم باشد فرعهای آن با اصلها بحق سرور ما محمد

وآله الطاهرين والحمد لله رب العالمين

وآل او که پاکانند و سپاس مر خدا را که پروردگار عالمیانست

مولف گوید که در تقدیم و تاخیر دعاها و عبادات هر یک در کتب دعوات مختلف ذکر کرده اند چون روایتش را معتبر نمیدانم متعرض ذکر آنها نشدم و دعای روز بیست و هفتم را کفعمی در روز بیست و نهم ذکر کرده است و موافق مذهب شیعه در روز بیست و سوم خواندن در روز بیست که آن شب باشد والله اعلم

باب چهارم

در اعمال لیالی و ایام متبرکه ماه شوال و ماه ذیقعده است و از جمله ایام متبرکه ماه شوال روز عید فطر است و شبش از جمله لیالی شریفه است و در فضیلت و ثواب عبادت و احیای آن احادیث بسیار است و از حضرت رسول منقول است که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس بمیرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که گفت پدرم علی بن الحسین علیه السلام شب عید را احیا میکرد و نماز تا صبح و در تمام آن شب در مسجد می ماند و میگفت که ای فرزند من شبی کمتر از شب قدر نیست و غسل درین شب سنت است و شخصی بخدمت حضرت صادق

عرض کرد که مردم میگویند آمرزش نازل میشود بر کسیکه روزه دارد ماه رمضان را در شب قدر
حضرت فرمود که کارگر را مزد پس نمیدهند مگر بعد از فارغ شدن از کار و آن در شب عید است
راوی گفت چه کار سزاوار است که در آن شب بکنیم فرمود که چون آفتاب غروب کند
غسل بکن و چون فریضه مغرب و نافله آنرا بجا آوری دستها بسوی آسمان بلند کن و بگو

يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ يَا مُصْطَفِي مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ای خداوند انعام و احسان ای خداوند بخشش ای برگزیننده محمد و یاری دهنده او رحمت بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

و آل محمد و بیامرزی برای من هر گناهی که شمرده تو آنرا و او نزد تو در کتابی است روشن

پس بسجود برو و صد مرتبه در سجده بگو أَتُوبُ إِلَى اللهِ پس هر حاجت که داری از حق تعالی
بطلب که انشاء الله تعالی بر آورده است و بسند معتبر منقول است که حضرت امیر المومنین علیه السلام
در شب عید فطر دو رکعت نماز میکردند در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره توحید و در
رکعت دوم یکمرتبه میخواندند پس بر کوع و سجود میرفتند و بعد از سلام بسجده میرفتند و صد مرتبه میگفتند

أَتُوبُ إِلَى اللهِ پس می گفتند

يَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ يَا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ يَا مُصْطَفِي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ

ای خداوند انعام و بخشش ای خداوند انعام و احسان ای برگزیننده محمد رحمت فرستاد خدا بر او و

آلِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

آل او رحمت بفرست بر محمد و آل او

پس حاجات خود را از خدا می طلبیدند پس سر از سجده بر میداشتند و میفرمودند بحق خداوندی
که جانم بدست قدرت اوست که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از خدا بطلبد البته او را عطا کند
و اگر گناهان او بعدد ریگهای بیابان باشد خدا البته او را بیامرزد و بعد از نماز عید فطر این دعا را بخواند

يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللهُ يَا مَلِكُ يَا اللهُ يَا قُدُّوسُ يَا اللهُ يَا سَلَامُ يَا اللهُ

ای خدا ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای خدا ای پادشاه ای خدا ای پاک ای خدا ای سالم از نقص ای خدا

یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله یا عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله

ای امان دهنده ای خدا ای دانا بهر چیز ای خدا ای ارجمند ای خدا ای کار ور آ که بقهر ای خدا ای بزرگوار ای خدا

یا خالق یا الله یا باری یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله یا عظیم یا الله

ای آفریدگار ای خدا ای پیدا آورنده ای خدا ای نگارنده ای خدا ای دانا ای خدا ای بزرگوار ای خدا

یا کریم یا الله یا حلیم یا الله یا حکیم یا الله یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله

ای بزرگوار ای خدا ای بردبار ای خدا ای راست گفتار درست کردار ای خدا ای شنوا ای خدا ای بینا ای خدا

یا قریب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا واحد یا الله یا ولی یا الله

ای نزدیک ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای یگانه ای خدا ای دوست ای خدا

یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله یا سریع یا الله یا شدید یا الله

ای وفا کننده ای خدا ای آقا ای خدا ای حکم کننده ای خدا ای زود اجابت کننده ای خدا ای توانا ای خدا

یا رؤف یا الله یا رقیب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا ماجد

ای مهربان ای خدا ای نگهبان ای خدا ای اجابت کننده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بزرگوار

یا الله یا علی یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا الله یا سید السادات یا الله

ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای نگاهدارنده ای خدا ای فراگیرنده ای خدا ای سرور سروران ای خدا

یا اول یا الله یا آخر یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله یا فاخر یا الله یا قاهر

ای اول ای خدا ای آخر ای خدا ای هویدا ای خدا ای نهان ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای چیره

یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار

یا الله یا رباه یا الله یا ودود یا الله یا نور یا الله یا دائم یا الله یا مانع

ای خدا ای پروردگار ای خدا ای دوست ای خدا ای هویدا ای خدا ای دفع کننده ای خدا ای بازدارنده ای خدا

یا فاتح یا الله یا نفاع یا الله یا جلیل یا الله یا جمیل یا الله یا شهید یا الله یا شاهد

ای گشاینده ای خدا ای سود بخش ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای نکو ای خدا ای حاضر ای خدا ای دانا

يا الله يا حبيبُ يا الله يا فاطرُ يا الله يا مُطهّرُ يا الله يا مالكُ يا الله يا مقتدرُ

ای خدا ای دوست ای خدا ای آفریننده ای خدا ای پاک سازنده ای خدا ای خداوند ای خدا ای توانا

يا الله يا قابضُ يا الله يا باسطُ يا الله يا مُحيي يا الله يا مُميتُ يا الله يا مُجيبُ

ای خدا ای گیرنده ای خدا ای گستراننده ای خدا ای زنده سازنده ای خدا ای میراننده ای خدا ای اجابت کننده

يا الله يا باعثُ يا الله يا مُعطي يا الله يا مُفضلُ يا الله يا مُنعمُ يا الله

ای خدا ای برانگیزنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای بخشنده ای خدا ای نعمت دهنده ای خدا

يا حقُّ يا الله يا مُبينُ يا الله يا طبيبُ يا الله يا مُحسنُ يا الله يا مُبدئُ يا الله

ای ثابت ای خدا ای جدا سازنده ای خدا ای دانا ای خدا ای نیکوکار ای خدا ای ابتدا کننده ای خدا

يا مُعيدُ يا الله يا بارئُ يا الله يا بديعُ يا الله يا هادي يا الله يا كافي

ای بازگرداننده ای خدا ای فریدگار ای خدا ای نو پدید آورنده ای خدا ای راه نما ای خدا ای کار گذار

يا الله يا شافي يا الله يا عليُّ يا الله يا حنّانُ يا الله يا منّانُ يا الله يا ذا الطَّولِ

ای خدا ای شفا بخشنده ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای مهربان ای خدا ای انعام کننده ای خدا ای خداوند بخشش

يا الله يا متعالي يا الله يا عدلُ يا الله يا ذا المعارج يا الله يا صادقُ يا الله

ای خدا ای بلند مرتبه ای خدا ای دادخواه با انصاف ای خدا ای خداوند بلند بها ای خدا ای راست گو ای خدا

يا ديّانُ يا الله يا باقي يا الله يا ذا الجلالِ يا الله يا ذا الاكرامِ يا الله

ای جزا دهنده ای خدا ای بی زوال ای خدا ای خداوند بزرگوار ای خدا ای خداوند گرامی داشتن ای خدا

يا معبودُ يا الله يا محمودُ يا الله يا صانعُ يا الله يا مُعينُ يا الله يا مُكوّنُ

ای پرستیده شده ای خدا ای ستوده شده ای خدا ای آفریدگار ای خدا ای مدد کننده ای خدا ای ایجاد کننده

يا الله يا فعّالُ يا الله يا لطيفُ يا الله يا جليلُ يا الله يا غفورُ يا الله يا شكورُ

ای خدا ای بغایت توانا ای خدا ای مهربان ای خدا ای بزرگوار ای خدا ای آمرزگار ای خدا ای جزا دهنده

يا الله يا نورُ يا الله يا حنّانُ يا الله يا قديرُ يا الله يا ربّاهُ يا الله يا ربّاهُ يا الله

ای خدا ای روشن ای خدا ای بغایت مهربان ای خدا ای توانا ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا

یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله

ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا

یا الله اسالک ان تصلی علی محمد وال محمد وتمن علی برضاک وتعفو

ای خدا سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و منت گذاری بر من بخوشنودی خود و در گذر

عنی بحلمک وتوسع علی من رزقک الحلال الطیب من حیث احتسب

از من به بردباری خود و فراخی بخش بر من از روزی حلال پاکیزه خود از انجا که گمان بردم

ومن حیث لا احتسب فانی عبدک لیس احد سواک ولا احد اساله

و از انجا که گمان نبردم زیرا که بتحقیق من بندهٔ توام نیست مرا هیچکس غیر تو و نه احدی که در خواهم از

غیرک یا ارحم الراحمین ماشاء الله لا قوة الا بالله العلی العظیم پس سجده

غیر تو ای بخشنده ترین بخشندگان آنچه خواسته خدا میشود و نیست توانائی مگر بتوفیق خدا بلند قدر بزرگ مرتبه

میرود و میگوید یا الله یا الله یا رب یا الله یا رب یا الله یا رب یا الله یا منزل

ای خدا ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای پروردگار ای خدا ای فرود آورنده

البرکات بک تنزل کل حاجة اسالک بکل اسم فی مخزون الغیب عندک

برکتها بتو فرود آورده میشود هر حاجتی سوال میکنم از تو بهر نامی که پنهان است در خزینه غیب تو نزد تو

والاسماء المشهورات عندک المکتوبة علی سرادق عرشک ان تصلی

و نامهای فاش کرده شده نزد تو که نوشته شده است بر سراپرده عرش تو اینکه رحمت بفرستی

علی محمد وال محمد وان تقبل منی شهر رمضان وتکتبنی فی الوافدین

بر محمد و آل محمد و اینکه بپذیری از من ماه رمضان را و بنویسی مرا در زمرهٔ واردشدگان

الی بیتک الحرام وتصفح لی عن الذنوب العظام وتستخرج یا رب کنوزک یا رحمن

بسوی خانهٔ محترم و درگذری برای من از گناهان بزرگ و بیرون آوری ای پروردگار من دفینه های خود را ای بخشاینده

و در روایت دیگر بجای هزار مرتبه توحید صد مرتبه نیز وارد شده است و ایضا سنت موکده است که بعد از نماز شام و خفتن و صبح شب عید و نماز عید این تکبیرات را بخوانند

اللهُ اَکْبَرُ اللهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ

خدا بزرگترست خدا بزرگترست خدا بزرگتر است نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگترست

اللهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اللهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدَانَا

خدا بزرگترست و مر خدای راست سپاس خدا بزرگترست بر آنچه راه نمود ما را

و اما اعمال روز عید پس زکوة فطره واجب موکد است و ترکش با تحقق شرائط و جوب گناه کبیره است و شرط قبول روزه ماه مبارک است چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقولست که از تمامی روزه دادن زکوة است یعنی فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد از تمامی نماز است زیرا که هر که روزه بگیرد و زکوة فطره ندهد روزه او مقبول نیست هرگاه عمداً ترک کند و اگر صلوات بر محمد و آل محمد را ترک کند در تشهد نمازش مقبول نیست و خدا زکوة را پیش از نماز ذکر کرده است در آنجا که فرموده است قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَکّٰی وَذَکَرَ اسْمَ رَبِّهٖ فَصَلّٰی یعنی بتحقیق رستگاری یافت هر که زکوة فطره داد و پروردگار خود را یاد کرد با آن تکبیرات که مذکور شد پس نماز عید را بجا آورد و چنانچه زکوة مال باعث پاکیزگی مال میشود و مال از تلف شدن محفوظ می ماند چنانچه منقول است که هیچ مالی در دریا و صحرا تلف نمی شود مگر بسبب ندادن زکوة همچنین فطره زکوة بدن است و بدن را پاکیزه میکند از بخل و سایر کثافات معنویه و او را تا سال دیگر از بلاها حفظ میکند چنانچه بسند معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام با معتب وکیل خرج خود فرمود که برو و فطره جمیع عیال ما و غلامان و کنیزان ما را بده و یکی از ایشان را ترک مکن که زکوة ایشان را ندهی زیرا که اگر یکی را ترک کنی می ترسم که در عرض سال بمیرد و بدانکه زکوة فطره بر مال نابالغ و دیوانه و بنده واجب نمی شود و اگر نابالغ و دیوانه عیال دیگری باشند بر او واجب است که فطره ایشان را بدهد و زکوة بنده را آقا میدهد بنابر مشهور مگر آنکه در آن شب عیال دیگری باشد و اشهر و اقوی آنست که در وجوب فطره توانگری شرط است و آن موافق مشهور آنست که قوت سالیانه خود و عیال خود را داشته باشد یا قادر بر کسبی باشد که وفا بمعیشت او

وعیال او کند و بعضی گفته اند که اگر در شب عید زائد بر قوت خود و عیال خود بقدر فطره داشته
باشد بر او واجب است و اظهر آنست که بر او سنت است و اگر فقیر یک سیر فطره را با عیال خود دست
بدست بگرداند بعد از آن به فقیر دیگر بدهد همه ثواب فطره می یابند و باید که غنی اخراج فطره کند
از خود و از هر کس که واجب النفقهٔ او باشد بشرط آنکه در شب عید فطر عیال دیگری نباشد
که اگر عیال دیگری شده باشد بر او واجب است و همچنین واجب است که بدهد از هر کس
که در خانهٔ او باشد از مهمان و غیر آن که آخر روز آخر ماه رمضان پیش از شام در آن خانه باشد
و افطار کند و اگر بعد از شام داخل شود و افطار از مال او کند یا نکند واجب نیست بر
صاحب خانه و اگر پیش از شام داخل شود و افطار از مال او نکند احوط آنست که هر دو بدهند
یا یکی از ایشان باذن دیگری بمستحق بدهد قربةً الی الله و اگر شخصی عیال او نباشد اما نفقه
و کسوت او را بدهد و در خانهٔ دیگر باشد زکوة او بر معطی نیست و همچنین اگر در شب عید پیش از
شام از جهت همسایه ها طعامی بفرستد یا فقیر را چیزی بدهد یا شخصی در ماه رمضان مهمان باشد
و در شب عید جای دیگر افطار کند یا بعد از شام عید افطار کرده بخانه او آید یا چیزی نخورده باشد
و بعد از شام بیاید زکوة بر او واجب نیست و احوط آنست که در صورت آخر هر دو بدهند بلکه
مطلق مهمان اگر غنی باشد خود نیز بدهد که بهتر است و وقت بیرون کردن فطره موافق مشهور
شام عید است تا ظهر روز عید و بعضی گفته اند تا شام روز عید و احوط آنست که در شب جدا
کنند و پیش از نماز عید بدهند و اگر در صبح جدا کنند نیز خوب است و اگر پیش از نماز جدا کند
و بعد از نماز در آن روز یا روز دیگر برای حاضر نبودن مستحق یا عذر دیگر تاخیر کند قصور ندارد
و اگر جدا نکند تا ظهر روز عید احوط آنست که تا شام قصد ادا و قضا نکند و اگر روز عید نکند زود
بقصد قربت بدهد و قصد خصوص فطره نکند یا آنکه قصد کند که این را میدهم که اگر قضای فطره بر من واجب
باشد فطره باشد و الا تصدق باشد و پدر و مادر و جد و جده و فرزندان و فرزندزادگان هر گاه فقیر
باشند نفقهٔ ایشان بر او واجب است پس اگر نفقهٔ او را خورند فطره بر او است و اگر عیال
شخص دیگر باشند بر آن شخص دیگر است و اگر عیال دیگری نیز نباشند اشهر و احوط آنست

که او فطرهٔ ایشان را بدهد و اما جنس فطره مشهور آنست که هرچه قوت غالب او باشد می تواند او
و احوط آنست که جو یا گندم یا خرما یا مویز یا کشمش بدهد و بهتر آنست که خرما بدهد و بعد از آن
مویز و بعد از آن هرچه قوت غالب باشد چنانچه مردم شهر چون قوت غالب ایشان گندم
است بهتر آنست که گندم بدهند و مردم دهات که غالباً نان جو میخورند جو بدهند و در حدیث
است که اگر یک صاع خرما در فطره بدهم دوست تر میدارم از آنکه یک صاع طلا بدهم اما مقدار
فطره از هر شخصی یک صاع باید داد و صاع موافق حساب مشهور ظاهراً یک من تبریز و چهار ده
مثقال و ربع مثقال است و احوط آنست که یک من و نیم تبریز بدهند و نهایت احتیاط آنست که
یک من شاه بدهند و نباید بکسی بدهند که قوت سالیانه خود و عیال خود را نداشته باشد بلکه
خود نباشد و احوط آنست که متظاهر بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط آنست که در زمان غیبت
امام علیه السلام بمجتهد جامع الشرائط عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون مصارف را او بهتر
میداند و بعضی از علما این را واجب دانسته اند و احوط آنست که بفقیر کمتر از یک صاع ندهند و بیک
کس چند سیر میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمی توان داد و بخویشان غیر واجب النفقه دادن
بهتر است و بعد از آن همسایگان بیشان و بعد از آن بکسانیکه فاضل تر و صالح تر و پریشان تر باشند
و فطرهٔ غیر سید را بسید نمی توان داد و فطرهٔ سید را بسید و غیر سید هر دو می توان داد و سنت
است که در روز عید پیش از نماز عید اول روز افطار کند و سنت است که بخرما افطار کند و غسل
روز عید سنت موکده است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق ع منقول است که
غسل را در زیر سقفی بکن و در زیر آسمان بکن پیش از غسل بگو

اَللّٰهُمَّ اِيمَانًا بِكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بار خدایا تصدیق نموده ام ترا و باور دارم کتاب ترا و پیروی نموده ام طریقهٔ پیغمبر ترا رحمت فرستد خدا بر او و آل او

پس بسم الله بگو و غسل بکن چون از غسل فارغ شوی بگو

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِذُنُوبِي وَطَهِّرْ دِينِي اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الدَّنَسَ

خداوندا بگردان این غسل را محو نماینده مر گناهان مرا و پاک کن دین مرا خداوندا ببر از من چرک را

وزیارت حضرت امام حسین علیه السلام نیز سنت موکده است و ثواب بسیار در ان ارشد

است و نماز عید در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و در زمان غیبت امام اکثر علما

سنت میدانند و بجماعت کردن را سنت میدانند و میگویند تنها نیز میتوان کرد و بگمان

فقیر واجب است که بجماعت بکنند و بنماز مجتهد عادل حاضر شوند و اگر نتوانند حاضر شد تنها کردن

سنت است و نماز عید دو رکعت است در رکعت اول بعد از قرائت پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیری

یک قنوت میخواند و در رکعت دوم بعد از قرائت چهار تکبیر میگوید و چهار قنوت میخواند و قنوت

مخصوصی واند و اگر کسی او را نداند انچه در نمازهای واجبی قنوت میخوانند بخواند و هرگاه بجا

بیتین نماز بد و خطبه بعد از نماز می خوانند و قنوت مخصوص نماز عید این است

اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَاَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَاَهْلَ الْعَفْوِ

بار خدایا ای سزاوار بزرگواری و عظمت وای سزاوار بخشش و جبروت وای سزاوار درگذشتن

وَالرَّحْمَةِ وَاَهْلَ التَّقْوٰى وَالْمَغْفِرَةِ اَسْاَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ

و بخشش وای سزاوار پرهیزکاری و آمرزش سوال میکنم از تو بحق این روز که گردانیده آنرا

لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَمَزِيدًا اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

برای مسلمانان عید و برای محمد رحمت فرستد خدا برا و و آل او ذخیره و زیادتی که رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ

محمد و آل محمد و انکه در آوری مرا در هر نیکی که در آورده در آن محمد و آل محمد را

وَاَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ

وانکه بیرون کنی مرا از هر بدی که بیرون کردی از ان محمد و آل محمد را رحمتهای تو

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ خَيْرَ مَا سَاَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ

براو و برایشان بار خدایا بدرستیکه سوال میکنم از تو بهترین چیزی که سوال کرده اند بندگان

الصَّالِحُونَ وَاَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلَصُونَ

شایسته تو و پناه میگیرم بتو از انچه پناه جسته ازان بندگان مخلص تو

وبعد از نماز عید دعای بسیار وارد شده وبهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است وبسند صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در روز جمعه وعید فطر وعید قربان در هنگامیکه مهیای رفتن بسوی نماز جمعه وعید میشوی این دعا بخوان

اللّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ إِلَى
بارخدایا کسیکه مهیا کردیده دراین روز یا ساخته خود را یا آماده کردیده ومستعد شده برای وارد شدن بسوی

مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ فَإِنَّ إِلَيْكَ يَا سَيِّدِي
آفریده بجهت امید بخشش او وزیادتیهای او ونیکیهای او وعطاهای او پس بدرستیکه بسوی تست ای آقای من

تَهْيِئَتِي وَتَعْبِئَتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ وَجَوَائِزِكَ
مهیا کشتن من وساخته شدن من وخودسازی من وآماده شدن من بجهت امید بخشش تو وصلههای تو

وَنَوَافِلِكَ وَفَوَاضِلِكَ وَفَضَائِلِكَ وَعَطَايَاكَ وَقَدْ غَدَوْتُ إِلَى
وزیادتیهای تو ونیکیهای تو ومزایای تو وبخششهای تو وبتحقیق بامداد آمدم بسوی

عِيدٍ مِنْ أَعْيَادِ أُمَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَمْ أَفِدْ
عیدی از عیدهای امت پیغمبر تو محمد رحمتهای تو براو وبر آل او وفرود نیامده ام

إِلَيْكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ أَثِقُ بِهِ قَدَّمْتُهُ وَلَا تَوَجَّهْتُ بِمَخْلُوقٍ
بسوی تو امروز با کردار نیکی که اعتماد کنم بان پیش داشته باشم آنرا ونه رو کردم بمخلوقی

أَمَّلْتُهُ وَلٰكِنْ أَتَيْتُكَ خَاضِعًا مُقِرًّا بِذُنُوبِي وَإِسَاءَتِي إِلَى نَفْسِي
که امید داشته باشم اورا ولکن آمدم ترا فروتنی کننده اقرار نماینده بگناهان خود وبه بدکرداری بسوی نفس خود

فَيَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ اغْفِرْ لِيَ الْعَظِيمَ مِنْ ذُنُوبِي فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ
پس ای بزرگ ای بزرگ بیامرز برای من بزرگ را از گناهان من زیرا که بتحقیق نمی آمرزد

الذُّنُوبَ الْعِظَامَ إِلَّا أَنْتَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
گناهان بزرگ را مگر تو ای آنکه نیست خدائی مگر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان

ودر حدیث معتبر از حضرت امام صاحب العصر علیه السلام منقولست که بعد از نماز صبح عید فطر این دعا را بخوانند

اللهم انی توجهت الیک بمحمد امامی وعلی من خلفی وعن یمینی

بار خدایا بدرستیکه من رو کرده ام بسوی تو بوسیلهٔ محمد از پیش روی خود وعلی از پس خود واز جانب راست خود

وائمتی عن یساری استتر بهم من عذابک واتقرب الیک زلفی

وپیشوایان از جانب چپ خود پنهان میشوم بایشان از عذاب تو ونزدیکی میجویم بسوی تو نزدیکی

لا اجد احدا اقرب الیک منهم فهم ائمتی فآمن بهم خوفی

نمی یابم هیچکس را نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشان پیشوایان من اند پس ایمنی بخش بسبب ایشان ترس مرا

من عقابک وسخطک وادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین

از عقوبت تو وخشم تو ودر آور مرا برحمت خود در زمرهٔ بندگان شایستهٔ خود

اصبحت بالله مؤمنا موقنا مخلصا علی دین محمد وسنته وعلی

صبح کردم حال آنکه هستم بخدا ایمان آورنده یقین دارنده اخلاص ورزنده بر دین محمد وطریقهٔ او وبر

دین علی وسنته وعلی دین الاوصیاء وسنتهم آمنت بسرهم

دین علی وطریقهٔ او وبر دین اوصیا وطریقهٔ ایشان تصدیق نمودم بپنهان ایشان

وعلانیتهم وارغب الی الله فیما رغب فیه الیه محمد وعلی والاوصیاء

وآشکار ایشان ورغبت میکنم بسوی خدا در آنچه رغبت نموده در آن بسوی آن محمد وعلی و اوصیا

ولا حول ولا قوة الا بالله ولا عزة ولا منعة ولا سلطان الا لله الواحد القهار

ونیست قدرتی ونه توانائی مگر بتوفیق خدا ونیست ارجمندی ونه بزرگی ونه سلطنتی مگر برای خدای یگانهٔ غلبه دارنده

العزیز الجبار توکلت علی الله ومن یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ

ارجمند بزرگوار اعتماد کردم بر خدا وآنکه اعتماد کند بر خدا پس او بس است او را بدرستیکه خدا رساننده

امره اللهم انی اریدک فاردنی واطلب ما عندک فیسره لی واقض

امر خود است بار خدایا بدرستیکه من آهنگ میکنم ترا پس آهنگ کن مرا ومیجویم آنچه نزد تست پس آسان کن آنرا برای من وروا کن

لی حوائجی فانک قلت فی کتابک وقولک الحق شهر رمضان الذی انزل

برای من حاجتهای مرا پس بدرستیکه تو گفتی در کتاب خود وگفتار تو حق است ماه رمضانیست که فرو فرستاده شده

فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ

دران فرو آن حال آنکه رهنماست آدمیان راست و نشانها روشن است از راه نمائی وجدا کردن حق از باطل پس بزرگ کردی حرمت

شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا أَنْزَلْتَ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ وَخَصَّصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ

ماه رمضان را بانچه فرو فرستادی دران که قرآنست و مخصوص کردانیدی آنرا و بزرگ کردی آنرا

بِتَصْيِيرِكَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَقُلْتَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ

بکردانیدن خود دران شب قدر را پس گفتی که شب قدر بهترست از هزار

شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

ماه فرو می آیند فرشتگان و روح دران شب بفرمان پروردگار خود از هر کاری

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ اللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ قَدِ انْقَضَتْ

سلامتی آن شب تا وقت طلوع صبح بار خدایا واین روزهای ماه رمضان بتحقیق بپایان رسید

وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ يَا إِلَهِي إِلَى مَا أَنْتَ أَعْلَمُ

وشبهای آن بتحقیق منقطع گردید وبتحقیق گردیدم از ان ای خدای من بسوی آنچه تو داناتری

بِهِ مِنِّي وَأَحْصَى لِعَدَدِهِ مِنْ عَدَدِي فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِمَا سَأَلَكَ

بان از من و شمارنده تری مر شمار آن از شمار من پس سوال میکنم از تو ای خدای من بانچه سوال کردند

بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ

بان بندگان نیکوکار تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَتَقَبَّلَ مِنِّي مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضْعِيفِ

محمد وانکه بپذیری از من آنچه را که نزدیکی جستم بان بسوی تو و انکه بخشش کنی بر من بدو چندان کردن

عَمَلِي وَقَبُولِ تَقَرُّبِي وَقُرُبَاتِي وَاسْتِجَابَةِ دُعَائِي وَهَبْ لِي مِنْكَ عِتْقَ

کردار من و پذیرفتن نزدیکی جستن من موجبات قرب من واجابت کردن دعای من و بخش مرا از جانب خود آزاد کردن

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَمُنَّ عَلَيَّ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ فَزَعٍ

کردنم از آتش و منت گذار بر من برستگاری بهشت و بایمنی در روز ترس از هر ترسی

وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَعُوْذُ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ

واز هر شدتی که آماده کرده آنرا برای روز رستخیز پناه میگیرم بحرمت ذات بزرگوار تو

وَحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ الصَّالِحِيْنَ اَنْ يَنْصَرِمَ هٰذَا الْيَوْمُ

و حرمت پیغمبر تو و حرمت نیکوکاران از آنکه بپایان رسد این روز

وَلَكَ قِبَلِيْ تَبِعَةٌ تُرِيْدُ اَنْ تُؤَاخِذَنِيْ بِهَا اَوْ ذَنْبٌ تُرِيْدُ اَنْ

حال آنکه بوده باشد مر ترا نزد من گناهی که اراده کنی آنکه مواخذه کنی مرا بآن یا گناهی که قصد کنی آنکه

تُقَايِسَنِيْ بِهِ وَتُشْقِيَنِيْ وَتَفْضَحَنِيْ بِهِ اَوْ خَطِيْئَةٌ تُرِيْدُ اَنْ تُقَايِسَنِيْ

بسنجی مرا بآن و بدبخت سازی و رسوا نمائی مرا بآن یا خطائی که اراده کنی آنکه مقایسه کنی مرا

بِهَا وَتَقْتَصَّهَا مِنِّيْ لَمْ تَغْفِرْهَا لِيْ وَاَسْاَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيْمِ

بآن و بگیری آنرا از من تا مرزیده باشی آنرا برای من سوال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو

الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيْدُ الَّذِيْ تَقُوْلُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُوْنُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

که بنهایت تواناست بر کردن آنچه خواهد که میگوئی برای هر چیزی که بشو پس میشود و نیست سزاوار پرستش مگر او

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْاَلُكَ بِلَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِنْ كُنْتَ رَضِيْتَ عَنِّيْ فِيْ

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحرمت لا اله الا انت اگر بوده باشی که خشنود باشی از من در

هٰذَا الشَّهْرِ اَنْ تَزِيْدَ فِيْمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِيْ رِضًى فَاِنْ كُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنِّيْ

این ماه زیاده کنی در آنچه باقی مانده از عمر من خشنودی را پس اگر بوده باشی که خشنود نباشی از من

فِيْ هٰذَا الشَّهْرِ فَمِنَ الْاٰنَ فَارْضَ عَنِّي السَّاعَةَ السَّاعَةَ وَاجْعَلْنِيْ فِيْ هٰذِهِ

درین ماه پس از حالا خوشنود شو از من در این ساعت در این ساعت و بگردان مرا در این

السَّاعَةِ وَفِيْ هٰذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عُتَقَائِكَ مِنَ النَّارِ وَطُلَقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ

ساعت و در این مجلس از آزاد کردگان خود از آتش و از رها کردگان خود از دوزخ

وَسُعَدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ

و نیکبختان خلق خود بآمرزش خود و بخشش خود ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا بدرستیکه من

علی بن ابی طالب والحسن والحسین وعلی بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة القائم صلوات الله علیهم اجمعین

اسألك بحرمة وجهك الكريم ان تجعل شهري هذا خير شهر

سؤال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو اینکه بگردانی ماه مرا اینماه بهترین ماه

رمضان عبدتك فيه وصمته لك وتقربت به اليك منذ

رمضانی که عبادت کردم ترا دران و روزه داشتم آنرا از برای تو و نزدیکی جستم بسوی تو از آن وقت

اسكنتني فيه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه مغفرة واكمله

که ساکن کردی مرا دران بزرگترین آن از روی مزد و تمام ترین آن از روی نعمت و فراگیرنده ترین آن از روی آمرزش و کاملترین آن از روی

رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله آخر شهر

از روی خوشنودی و نزدیکترین آن بسوی آنچه دوست داری و پسندی خداوندا مگردان آنرا آخر ماه

رمضان صمته لك وارزقني العود فيه ثم العود حتى ترضى وبعد

رمضانی که روزه داشتم آنرا بجهت تو و روزی کن مرا بازگشت دران پس بازگشت تا آنکه خوشنود شوی و پس از

الرضا وحتى تخرجني من الدنيا سالما وانت عني راض وانا لك

خوشنودی و تا آنکه بیرون بری مرا از دنیا سالم و حال آنکه تو از من خوشنود باشی و من برای تو

مرضي اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم الذي

پسندیده باشم خداوندا بگردان درانچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر لازمی که

لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام في هذا

رد و کرده نشود و مبدل کرده نشود آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود درین

العام وفي كل عام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور

سال و در هر سالی که پذیرفته حج ایشان جزا داده سعی ایشان آمرزیده

ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم المتقبل مناسكهم المعافين

گناهان ایشان ازاله کرده از ایشان بدیهای ایشان قبول کرده عبادتهای ایشان عافیت بخشیده

على اسفارهم المقبلين على نسكهم المحفوظين في انفسهم واموالهم

بر سفرهای ایشان و آورنده بر اعمال حج خود نگاهداشته شده در نفسهای خود و مالهای خود

وذراريهم وبكل ما انعمت به عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا

و فرزندان شان و بهر چه انعام کردی با آن بر ایشان بار خدایا بازگردان مرا از مجلس من این مجلس

في شهري هذا في يومي هذا في ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا

در ماه من این ماه در روز من این روز در ساعت من این ساعت فیروز رستگار پذیرفته

لي دعائي مغفورا ذنبي معافا من النار ومعتقا منها عتقا لا رق

برای من دعای من آمرزیده شده گناه من عافیت بخشیده شده از آتش و آزاد کرده شده از آن آزادی که نباشد بندگی

بعده ابدا ولا رهبة يا رب الارباب اللهم اني اسالك ان تجعل

پس از آن هرگز و نه ترسی ای پروردگار پروردگاران خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اینکه بگردانی

فيما شئت واردت وقضيت وقدرت وحتمت وانفذت ان تطيل

از جمله آنچه خواستی و اراده نمودی و حکم کردی و تقدیر نمودی و واجب ساختی و روان ساختی اینکه دراز کنی

عمري وتنسي في اجلي وان تقوي ضعفي وان تغني فقري وان تجبر

عمر مرا و پس اندازی اجل مرا و اینکه توانا کنی ناتوانی مرا و اینکه بی نیاز کنی نیازمندی مرا و اینکه تدارک کنی

فاقتي وان ترحم مسكنتي وان تعز ذلي وان ترفع ضعتي وان تغني

احتیاج مرا و اینکه رحم کنی درویشی مرا و اینکه ارجمند سازی خواری مرا و اینکه بلند گردانی پستی مرا و اینکه بی نیاز کنی

عائلتي وان تونس وحشتي وان تكثر قلتي وان تدر رزقي في عافية

نیازمندی مرا و اینکه رام کنی رمیدگی مرا و اینکه بسیار کنی کمی مرا و اینکه روان سازی روزی مرا در عافیت

ويسر وخفض وان تكفيني ما اهمني من امر دنياي وآخرتي ولا تكلني

و توانگری و رفاهیت و اینکه رفع کنی از من آنچه غمگین نماید مرا از امر دنیای من و عقبای من و وامگذار مرا

الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني وان تعافيني

بسوی نفس خودم پس عاجز شوم از او و نه بسوی آدمیان پس واگذارند مرا و اینکه عافیت بخشی مرا

في ديني وبدني وجسدي وروحي وولدي واهلي واهل مودتي

در دین من و بدن من و جسد من و روح من و فرزندان من و اهل من و دوستان من

[illegible] الملک وله الحمد یحیی ویمیت [illegible] بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر [illegible]

واخوانی وجیرانی من المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات الاحیاء

و برادران من و همسایگان من از مردان گرونده و زنان گرونده و مردان مسلم و زنان مسلمه زندگان

منهم والاموات وان تمنّ علیّ بالامن والایمان ما ابقیتنی فانک

از ایشان و مردگان و اینکه منت گذاری بر من بامن و ایمان مادام که باقی داری مرا زیرا که بتحقیق تو

ولیّی ومولای وثقتی ورجای ومعدن مسألتی وموضع شکوای

ولی من و آقای من و معتمد من و امید من و قرارگاه سؤال من و جایگاه شکایت من

ومنتهی رغبتی فلا تخیّبنی فی رجای یا سیّدی ومولای وثقتی

و منتهای رغبت من پس ناامید مکن مرا در امید من ای بزرگ من و آقای من و معتمد من

ولا تبطل طمعی ورجائی فقد توجّهت الیک بمحمّد وآل محمّد

و ناچیز مکن طمع مرا و امید مرا پس بتحقیق روآوردم بسوی تو بوسیله محمد و آل محمد

وقدّمتهم الیک امامی وامام حاجتی وطلبتی وتضرّعی ومسألتی

و پیش داشتم ایشان را بسوی تو در پیش خود و پیش حاجت خود و مطلب خود و زاری کردن خود و سؤال کردن خود

فاجعلنی بهم وجیهاً فی الدنیا والآخرة ومن المقرّبین فانک مننت

پس بگردان مرا بحرمت ایشان آبرومند و شناسا در اینجهان و در آنجهان و از نزدیکان زیرا که بتحقیق منت گذاردی

علیّ بهم فاختم لی بالسعادة والسلامة والامن والایمان والمغفرة

بر من بسبب ایشان پس ختم کن برای من بنیک بختی و سلامتی و ایمنی و ایمان و آمرزش

والرضوان والسعادة والحفظ یا الله انت لکل حاجة لنا فصلّ

و خوشنودی و سعادت و حفاظت ای خدا توئی از برای هر حاجتی که مراست پس رحمت کن

علی محمّد وآله وعافنا ولا تسلّط علینا احداً من خلقک لا طاقة

بر محمد و آل او و عافیت بخش ما را و مسلط مکن بر ما هیچکس را از خلق خود که نباشد توانائی

لنا به واکفنا کل امر من امر الدنیا والآخرة یا ذا الجلال والاکرام

ما را باو و کفایت کن ما را هر امری از امر دنیا و عقبی ای خداوند بزرگواری و کرم

[illegible] ومن الاحلام ومن سوء الاحلام [illegible] فی الیقظة والمنام [illegible] بما عاذت به ملائکة الله المقربون وانبیاء الله المرسلون وعباد الله الصالحون من شر ما رأیت فی منامی [illegible] من الشیطان الرجیم [illegible]

صلّ علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد و ترحم

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برکت بفرست بر محمد و آل محمد و ترحم کن

علی محمد و آل محمد و سلّم علی محمد و آل محمد کافضل

بر محمد و آل محمد و درود بفرست بر محمد و آل محمد مثل بهترین

ما صلیت و بارکت و ترحمت و تحننت علی ابراهیم و آل

رحمت که فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی و مهربانی کردی بر ابراهیم و آل

ابراهیم انک حمید مجید

ابراهیم بدرستیکه ستوده بزرگواری

و استحباب روزه داشتن شش روز بعد از عید در بعضی از روایات وارد شده است
و نهی از ان نیز وارد شده است و ظاهر روزه داشتن محمول بر تقیه است چنانچه در میان
سنیان مشهور است و ترکش بهتر است و همچنین کراهت نکاح کردن در میان عید فطر و عید
قربان اصلی ندارد و شاید اصلش از عامه بوده باشد و در ماه شوال چون عقد عائشه در آن
واقع شده است و اکثر مفاسد بران مترتب شد و از بعضی روایات کراهت
معلوم می شود اگر خصوص شوال را احتراز کنند بهتر است و اما اعمال ماه ذیقعده
بدانکه آن اول ماههای حرام است که حق تعالی در قرآن یاد فرموده است و
آنها ذیقعده و ذی الحجه و محرم و ماه رجب است و در ین ماهها ابتدای قتال با
کافران نباید کرد و شیخ مفید ره و غیر او از حضرت رسول صلعم روایت کرده
اند که هر که در یکی از ماههای حرام پنجشنبه و جمعه و شنبه را متوالی روزه دارد
ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته می شود و در روایت دیگر از حضرت
رسول منقولست که در شب پانزدهم ماه ذیقعده حق تعالی بسوی
بندگان مومن نظر رحمت میکند کسی که آن شب را بعبادت بسر آورد ثواب
صد عابد با و عطا کند که در یک چشم بر هم زدن معصیت خدا نکرده باشند و چون

نصف شب بکذرد شروع کن در دعا و عبادت و نماز و حاجات خود را از حق تعالی
طلب کن که هر حاجتی که طلب کنی مستجاب میکردد و بعضی از علما گفته اند که در روز بیست و سوم
ماه ذیقعده زیارت حضرت امام رضا علیه السلام از نزدیک و دور سنت است
و روز بیست و پنجم ذیقعده روز دحو الارض است یعنی پهن شدن زمین از زیر کعبه معظمه بر
روی آب روز بسیار مبارکی است و کلینی از محمد بن عبد الله روایت کرده
که حضرت امام رضا علیه السلام در شهر مرو در روز بیست و پنجم ذیقعده بیرون آمدند
و فرمودند که امروز را روزه بدارید که من نیز روزه ام گفتیم فدای تو شویم امروز چه روز
است فرمود روزی است که رحمت درین روز منتشر گردیده است و زمین درین روز پهن
شده است و کعبه درین روز نصب شده است و حضرت آدم علیه السلام درین روز
بزمین فرود آمده است و ابن بابویه رحمه الله روایت کرده است از حسن وشا که گفت
من با پدرم در خدمت امام رضا علیه السلام شام خوردیم در شب بیست و پنجم ماه
ذیقعده پس فرمود که امشب حضرت ابراهیم و حضرت عیسی علیهما السلام متولد شده اند
و زمین از زیر کعبه پهن شده است پس هر کسی که روزش را روزه بدارد چنانست که شصت
ماه را روزه داشته باشد و حضرت قائم علیه السلام درین روز ظاهر خواهد شد و از حضرت
رسول صلعم منقول است که حق تعالی رحمت خود را درین روز بر بندگان فرستاده است
و روزه اش مثل روزه هفتاد سال است و بروایت دیگر رحمت از آسمان درین شب
نازل شده است و تعظیم کعبه بر آدم درین روز نازل شده است هر که درین روز روزه
دارد و هر چه در میان آسمان و زمین است برای او [illegible] کنند و طلب آمرزش
نمایند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مروی است که اول رحمتی که از آسمان
بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذیقعده بود هر که درین روز روزه
دارد و شب آنرا بعبادت بایستد از برای او عبادت صد ساله نوشته شود که روزها
را روزه داشته باشد و شبها را بعبادت بسر آورده باشد و هر جماعتی که درین روز

جمع شوند برای تحصیل کرد پروردگار خود پیش از انکه متفرق شوند حاجت ایشان بر آورده شود و درین روز هزار هزار رحمت از جانب حق تعالی بر بندگان نازل میگردد و نود و نه رحمت از آنها مخصوص جمعی است که مجتمع گردند و بذکر خدا مشغول شوند و روزش را روزه بدارند و شبش را عبادت کنند و در روایتی وارد شده است که مستحب است که درین روز در وقت چاشت دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سوره حمد پنج مرتبه سوره والشمس بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ يَا مُقِيْلَ الْعَثَرَاتِ اَقِلْنِيْ

نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه ای درگذرنده لغزشها درگذر از

عَثْرَتِيْ يَا مُجِيْبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ دَعْوَتِيْ يَا سَامِعَ الدَّعَوَاتِ

لغزش من ای اجابت کننده دعاها اجابت کن دعای مرا ای شنونده دعاها

اِسْمَعْ صَوْتِيْ وَارْحَمْنِيْ وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِيْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ

بشنو آواز مرا و رحم کن مرا و درگذر از بدیهای من ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

و شیخ رحمه الله گفته است که مستحب است

که درین روز این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ دَاحِيَ الْكَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ وَكَاشِفَ

خداوندا ای گستراننده کعبه و شکافنده دانه و برگرداننده سختی و زائل کننده

كُلِّ كُرْبَةٍ اَسْاَلُكَ فِيْ هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ اَيَّامِكَ الَّتِيْ اَعْظَمْتَ حَقَّهَا

هر اندوه سؤال میکنم از تو درین روز از روزهای تو که بزرگ گردانیدی حق آنرا

وَاَقْدَمْتَ سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَدِيْعَةً وَاِلَيْكَ ذَرِيْعَةً

و پیش داشتی پیشی آنرا و گردانیدی آنرا نزد ایمان داران امانت و بسوی خود وسیله

وَبِرَحْمَتِكَ الْوَسِيْعَةِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيْثَاقِ

و برحمت فراگیرنده تو انکه رحمت بفرستی بر محمد بنده خود که برگزیده شده است در روز پیمان

القریب یوم التلاق فاتق کل رتق وداع الی کل حق علی آله الطیبین

نزدیک در روز ملاقات گشاینده هر بسته و خواننده بسوی هر حقی و بر خاندان او

الاطهار الهداة المنار دعائم الجبار وولاة اهل الجنة والنار

که پاکان و راه نمایندگان نشانهای هدایت ستونهای خدا و والیان اهل بهشت و دوزخ اند

واعطنا فی یومنا هذا من عطائك المخزون غیر مقطوع ولا ممنون

و عطا کن مارا در روز ما این روز از عطای پنهان داشته خود حال آنکه نباشد بریده شده و نه منت نهاده شده

تجمع لنا به التوبة وحسن الاوبة یا خیر مدعو واکرم مرجو یا کفی

در حالیکه جمع کنی برای ما بسبب آن توبه نیکوئی بازگشت را ای بهترین کسیکه خوانده شود و بزرگوارترین کسیکه امید داشته شود ای کافی

یا وفی یا من لطفه خفی الطف لی بلطفك واسعدنی بعفوك وایدنی

ای وفا کننده ای آنکه لطف او پنهانست مهربانی کن با من بلطف خود و نیکبخت کن مرا بعفو خود و قوت ده مرا

بنصرك ولا تنسنی کریم ذکرك بولاة امرك وحفظة سرك

بیاری خود و فراموش گردان از من یاد کردن گرامی خود بحرمت والیان امر خود و نگهدارندگان سر خود

احفظنی من شوائب الدهر الی یوم الحشر والنشر واشهدنی اولیاءك

نگاهدار مرا از آلودگیهای زمانه تا روز برانگیختن و زنده کردن و حاضر گردان دوستان خود را

عند خروج نفسی وحلول رمسی وانقطاع عملی وانقضاء اجلی

نزد بیرون شدن روح من و فرود آوردن من در قبر خود و بریدگی کردار من و منقضی شدن زندگی من

اللهم واذکرنی علی طول البلی اذا حللت بین اطباق الثری

بار خدایا و یاد کن مرا بر درازی زمان پوسیدگی هرگاه فرود آیم میان طبقه های خاک

ونسینی الناسون من الوری واحللنی دار المقامة وبوئنی منزل

و فراموش کنند مرا فراموش کنندگان از خلق و فرود آور مرا در سرای اقامت و جای ده مرا در منزل

الکرامة واجعلنی من مرافقی اولیائك واهل اجتبائك واصطفائك

نوازش و بگردان مرا از رفقای دوستان خود و برگزیدگان خود و اختیار شدگان خود

حبب الیّ لقائک وارزقنی حسن العمل قبل حلول الاجل مبرءً من

و برکت ده مرا و در ... نات خود و روزی کن مرا نیکوئی کردار پیش از رسیدن اجل حال آنکه بیزار باشم از

الزلل وسوء الخطل اللهم واوردنی حوض نبیک محمد صلی الله

لغزش و زشتی سخن زشت خداوندا وارد ساز مرا در کنار حوض پیغمبر خود محمد رحمت فرستد خدا

علیه واله واسقنی منه مشربا رویّا سائغا هنیئا لا اظمأ بعده ولا

براو و بر آل او و بنوشان مرا از آن حوض نوشانیدنی کامل آسان گوارا که تشنه نگردم پس از آن نه

أُحلّأ وِرده ولا عنه أُذاد واجعله لی خیر زاد واوفی میعاد یوم

منع کرده شوم از آبخور آن نه از آن رانده شوم و بگردان آن را برای من بهترین توشه و وفا کننده ترین وعده در روزی

یقوم الاشهاد اللهم والعن جبابرة الاولین والآخرین وبحقوق

که برپا شوند حاضران خداوندا لعنت کن سرکشان پیشینیان و پسینیان را و بحقوق

اولیائک المستأثرین اللهم واقصم دعائمهم واهلک اشیاعهم

دوستان تو اختیار کنندگان برای خود خداوندا بشکن ستونهای ایشان را و هلاک کن پیروان ایشان را

وعاملهم وعجّل مهالکهم واسلبهم ممالکهم وضیّق علیهم

و دارای ایشان را و زود کن هلاکهای ایشان را و بازگیر از ایشان مملکتهای ایشان را و تنگ کن بر ایشان

مسالکهم والعن مساهمهم ومشارکهم اللهم وعجّل فرج اولیائک

راههای ایشان را و لعنت کن سهیم ایشان را و شریک ایشان را خداوندا زود کن گشایش دوستان خود را

واردد علیهم مظالمهم واظهر بالحق قائمهم واجعله لدینک منتصرا

و برگردان بر ایشان مظلمه‌های ایشان را و ظاهر ساز براستی و درستی قائم ایشان را و بگردان او را برای دین خود انتقام کشنده

وبامرک فی اعدائک مؤتمرا اللهم احففه بملائکة النصر وبما

و بفرمان خود درباره دشمنان خود فرمان برنده خداوندا فرو گیر او را بفرشتگان یاری و بانچه

القیت علیه من الامر فی لیلة القدر منتقما لک حتی ترضی ویعود

فرستی براو از امر در شب قدر حال آنکه بوده باشد انتقام کشنده برای تو تا آنکه خوشنود شوی و برگردد

دِینَكَ بِهِ وَعَلٰی یَدَیْهِ جَدِیداً غَضّاً وَیَمْحَضُ الْحَقَّ مَحْضاً وَیَرْفُضُ
دین تو بسبب او و بر دستهای او نو تازه و خالص نماید حق را خالص کردنی و بر اندازد
اَلْبَاطِلَ رَفْضاً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَعَلٰی جَمِیعِ آبَائِهِ وَاجْعَلْنَا
باطل را بر انداختنی خداوندا رحمت بفرست بر او و بر آل او و بر همه پدران او و بگردان ما را
مِنْ صَحْبِهِ وَاُسْرَتِهِ وَابْعَثْنَا فِی كَرَّتِهِ حَتّٰی نَكُونَ فِی زَمَانِهِ مِنْ
از یاران او و گروه او و بر انگیز ما را در رجعت او تا آنکه بوده باشیم در زمان او از
اَعْوَانِهِ اَللّٰهُمَّ اَدْرِكْ بِنَا قِیَامَهُ وَاَشْهِدْنَا اَیَّامَهُ وَصَلِّ عَلَیْهِ
یاوران او خداوندا برسان ما را بزمان بر پا شدن او و حاضر گردان ما را در روزهای دولت او و رحمت بفرست بر او
وَارْدُدْ اِلَیْنَا سَلَامَهُ وَالسَّلَامُ عَلَیْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
و بگردان بسوی ما سلام او را و درود بر ایشان و رحمت خدا و برکتهای او

باب پنجم در بیان فضائل و اعمال ماه مبارک ذیحجه است و در این پنج فصل است فصل اوّل
در بیان فضائل ماه ذیحجه و دهه اول و اعمال آنست ایام این دهه در نهایت فضیلت و
برکت اند و حق تعالی میفرماید وَاذْكُرُوا اللّٰهَ فِی اَیَّامٍ مَعْدُودَاتٍ
یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند شمرده شده یعنی کم و باز فرموده است
وَیَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ فِی اَیَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلٰی مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِیمَةِ الْاَنْعَامِ
یعنی اعلام کن مردم را که بیایند بحج تا آنکه بیابند منفعتهای دنیا و آخرت را و یاد کنند خدا را در
روز چند معلوم برای آنکه روزی کرده است بایشان از گوشت چهار پایان که گاو و گوسفند
و شتر و بز است و در احادیث معتبره بسیار از ائمه اطهار صلوات الله علیهم منقول که
ایام معلومات ده روز اول ماه ذیحجه است و ایام معدودات روز دهم و
یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذیحجه است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقول است که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی محبوب تر نیست از ده روز اول ماه
ذیحجه چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند

وبسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که پدرم امام محمد باقر علیه السلام
با من گفت ای فرزند گرامی البته در هر شب ده روز اول ماه ذیحجه دو رکعت نماز بجا آور در میان
نماز شام و خفتن و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سوره قل هو الله و این آیه را بخوان وَوَاعَدْنَا
مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ
لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا
تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون چنین کنی با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود
هر چند حج نروی و روز اول ذیحجه روز مبارکی است و روایتی وارد شده است که
حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام درین روز متولد شده است و درین روز حق تعالی
حضرت ابراهیم را خلیل خود گردانید و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام
منقول است که هر که روز اول ماه ذیحجه را روزه بدارد حق تعالی برای او ثواب
هشتاد ماه روزه بنویسد و از حضرت امام موسی علیه السلام منقول است که هر که روز
اول ماه ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام عمر او از برای
او بنویسد و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که از روز اول ذی الحجه تا روز نهم روزه
مستحب است و اگر نتواند روز اول را روزه بدارد و در روز اول حضرت رسالت پناه
صلی الله علیه و آله حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بحضرت امیر المومنین علیه السلام
تزویج نمود و بروایت دیگر در روز ششم تزویج نمودند و بدانکه روزه قضای ماه
مبارک رمضان را از اول ماه تا روز عرفه می توان گرفت چنانچه علما گفته اند و احادیث
صحیحه بران دلالت دارد و بعضی از روایات که بر منع وارد شده است سند آنها
معتبر نیست و محمول است بر تقیه چنانچه در کتب مبسوطه دلائل آنرا ایراد کرده ام و بابویه و شیخ
ره گفته است که مستحب است که در روز اول نماز حضرت فاطمه علیها السلام
را بجا آورد و روایت شده است که آن چهار رکعت است مثل نماز حضرت امیر المومنین
علیه السلام بدو سلام و در هر رکعت بعد از حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد می خواند

و بعد از سلام تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و تسبیح این است

سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ
پاک است خداوند عزت با رفعت بلند پایه پاک است خداوند بزرگواری بلند مرتبه بزرگ
سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلَةِ
پاک است خداوند پادشاهی عظیم دیرینه پاک است آنکه می بیند نشان پای مورچه را
فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ
در سنگهای هموار پاک است آنکه می بیند فرود آمدن مرغ در هوا پاک است کسیکه
هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ
او چنین است و نیست چنین غیر او

مؤلف گوید که بعد از این ان شاء الله مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم صد مرتبه توحید و اگر هر دو را بعمل آورد و آن دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از سلام اول تسبیح مشهور حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند و بعد از آن این دعا را شاید بهتر باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که مستحب است که در روز اول نیم ساعت پیش از زوال دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی ترسد در روز اول ذی الحجه بگوید

حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي
بس است مرا بس است مرا بس است مرا از سؤال نمودن دانستن تو بحال من

حق تعالی کفایت شر آن ظالم از او بکند و شیخ کفعمی و سید ابن طاوس بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در روز اول ذی الحجه تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب آفتاب پیش از نماز شام این دعا می خواندند

اللهم هذه الايام التي فضلتها على غيرها من الايام وشرفتها

بار خدایا این روزهاست که زیادتی دادی انها را بر غیر آنها از روزها و بلند کردی پایه آنها

قد بلغتنيها بمنك ورحمتك فانزل علينا من بركاتك

رسانیدی مرا بآنها باحسان خود و رحمت خود پس فرو فرست بر ما از زیادتیهای خود

واسبغ علينا فيها من نعمائك اللهم اني اسألك ان تصلي

و تمام کن بر ما از نعمتهای خود بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی

على محمد وآل محمد فيها وان تهدينا فيها سبيل الهدى و

بر محمد و آل محمد در آنها و اینکه راه نمائی ما را در آنها راه هدایت و

ترزقنا فيها التقوى والعفاف والغنى والعمل فيها بما تحب

روزی کنی ما را در آنها پرهیزکاری و عفت و بی نیازی و کار کردن در آنها بانچه دوست داری

وترضى اللهم اني اسألك يا موضع كل شكوى ويا سامع كل نجوى

و بپسندی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ای جای هر شکایتی و ای شنونده هر رازی

ويا شاهد كل ملأ ويا عالم كل خفية ان تصلي على محمد وآل محمد

و ای حاضر هر جمعی و ای دانای هر پنهانی اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد

وان تكشف عنا فيها البلاء وتستجيب لنا فيها الدعاء وتقوينا

و اینکه زائل کنی از ما در آنها بلا را و بپذیری برای ما در آنها دعا را و قوت دهی ما را

فيها وتعيننا وتوفقنا فيها لما تحب ربنا وترضى وعلى ما افترضت

در آنها و مدد کنی ما را و توفیق دهی ما را در آنها برای انچه دوست میداری ای پروردگار ما و

علينا من طاعتك وطاعة رسولك واهل ولايتك اللهم اني

بر ما از فرمان برداری خود و فرمان برداری رسول خود و دوستان خود خداوندا بدرستیکه من

اسألك يا ارحم الراحمين ان تصلي على محمد وآل محمد وان تهب لنا

سوال میکنم از تو ای بخشنده ترین بخشایندگان اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه ببخشی ما را

فيها الرضا انك سميع الدعاء ولا تحرمنا خير ما نزل فيها من السماء

درآنها خوشنودی بدرستیکه تو بذیرنده دعائی وناامید مکن مارا از خیر انچه فرود آید در آنها از آسمان

وطهرنا من الذنوب يا علام الغيوب واوجب لنا فيها دار الخلود

وپاک کن مارا از گناهان ای دانای پنهانها و واجب گردان برای ما در آنها سرای همیشگی را

اللهم صل على محمد وآل محمد ولا تترك لنا فيها ذنبا الا غفرته

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد و وامگذار برای ما در آنها گناهی را مگر آنکه بیامرزی آنرا

ولا هما الا فرجته ولا دينا الا قضيته ولا غائبا الا اديته ولا

ونه غمی مگر آنکه بگشائی آنرا ونه قرضی را مگر آنکه اداکنی آنرا ونه گم شده را مگر آنکه برسانی آنرا ونه

حاجة من حوائج الدنيا والاخرة الا سهلتها ويسرتها انك على

حاجتی از حاجتهای اینجهان وآنجهان مگر آنکه سهل کنی آنرا وآسان گردانی آنرا بدرستیکه تو بر

كل شيء قدير اللهم يا عالم الخفيات يا راحم العبرات يا مجيب

هرچیز توانائی بارخدایا ای دانای پنهانها ای رحم کننده سرشک دیده ها ای بذیرنده

الدعوات يا رب الارضين والسموات يا من لا تتشابه عليه

دعاها ای پروردگار زمینها وآسمانها ای آنکه مشتبه نمیشود براو

الاصوات صل على محمد وآل محمد واجعلنا فيها من عتقائك و

آوازها رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبگردان مارا درین روزها از آزاد کردگان خود

طلقائك من النار والفائزين بجنتك الناجين برحمتك

ورها کردگان خود از آتش وفیروزی یافتگان بهشت تو رستگاران برحمت تو

يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد وآله اجمعين وسلم تسليما

ای بخشنده ترین بخشندگان و رحمت فرستد خدا بر محمد وآل او همه و درود فرستد درود فراوانی

وشیخ مفید وسید ابن طاوس رحمهما الله بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده اند که جبرئیل علیه السلام از جانب خداوند جلیل برای حضرت عیسی علیه السلام پنج دعا هدیه آورد وگفت یا عیسی این پنج دعا را در دهه اول

ماه ذی الحجه بخوان بدرستیکه هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوب‌تر نیست از عبادت کردن درین ده اول

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است انباز نیست او را و مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش

بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر دوم اشهد ان لا اله الا الله

بدست اوست نیکی و او بر همه چیز تواناست گواهی میدهم آنکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا

وحده لا شریک له احدا صمدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا سوم

حال آنکه یگانه است نیست انبازی برای او یکتاست پناه نیازمندان فرا نگرفته است هیچ زنی نه فرزندی

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له احدا صمدا لم یلد

گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا در حالتیکه یگانه است نیست شریکی برای او یکتاست مقصود محتاجان است نزاده

ولم یولد ولم یکن له کفوا احد چهارم اشهد ان لا اله الا الله وحده

و زائیده نشده و نیست مر او را مانند هیچکس گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا در حالتیکه یگانه است

لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی ویمیت وهو حی لا یموت بیده

نیست انبازی مر او را مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میکند و میمیراند و او زنده است که نمیرد بدست اوست

الخیر وهو علی کل شیء قدیر پنجم حسبی الله وکفی سمع الله لمن دعا

هر نیکی و او بر همه چیز تواناست بس است مرا خدا و کافی است شنید خدا مر آنکه خواند او را

لیس وراء الله منتهی اشهد لله بما دعا وانه بری ممن تبرأ وان

نیست غیر خدا منتهای گواهی میدهم برای خدا با آنچه خوانده خدا و بانکه بتحقیق او بیزار است از آنکه بیزاری جوید

لله الآخرة والاولی

برای خداست آنجهان و این جهان

پس حواریون گفتند یا روح الله چه ثواب دارد کسیکه این کلمات را بگوید حضرت عیسی علیه السلام گفت که هر که دعای اول صد مرتبه بخواند عمل هیچیک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در آن روز و در روز قیامت حسنات او زیاده از همه کس باشد و هر که دعای دوم

صد مرتبه بخواند چنان باشد که دوازده مرتبه توریت و انجیل خوانده باشد و ثواب آنها را باو دهند حضرت عیسی گفت ای جبرئیل ثواب خواندن توریت و انجیل چیست جبرئیل گفت طاقت بر داشتن بحرف توریت و انجیل ندا شت هر که در آسمانهای هفت گانه است از ملائکه تا آنکه مبعوث شدم من و اسرافیل زیرا که اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول و لا قوة الا بالله و هر که دعای سوم را صد مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد از برای او باین دعا ده هزار حسنه و محو کند از و ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار هزار درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها بر داشته باشند و صلوات فرستند بر کسیکه این کلمات را باین عدد خوانده است پس عیسی گفت که ای جبرئیل آیا ملائکه صلوات می فرستند بر غیر پیغمبران جبرئیل گفت که هر که ایمان آورد بانچه پیغمبران از جانب خدا آورده اند و تغییری ندهد شریعت ایشانرا حق تعالی ثواب پیغمبران را باو عطا میفرماید و هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند آن دعا را استقبال نماید ملکی و بالا برد بسوی حق تعالی پس خدا نظر رحمت کند بسوی گوینده آن دعا برحمت و هر که خدا نظر رحمت بر و کند هرگز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب دعای پنجم چیست جبرئیل گفت آن دعای من است و حق تعالی مرا رخصت نداده است که ثواب آنرا بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز هر یک ازین دعا را ده مرتبه بخواند و در نسبت که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر خواهد بود و شیخ

و ابن بابویه و سید ابن طاوس رضی الله عنهم از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده اند که هر که در هر روز از دهه اول ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حق تعالی عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و ازمیان هر درجه تا درجه دیگر صد ساله راه باشد برفتار سواری که تیاز رود و در هر درجه شهری بوده باشد و دران شهر قصری باشد از یک جوهر که دران فصلی نباشد و در هر شهری از ان شهرها از انواع جواهر و غرفه ها و خانه ها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و نهالیها و تکیه ها و خانها

و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حله‌ها بوده باشد که وصف کننده قادر بر وصف آنها
نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر موی بدن او نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی
آن هفتاد هزار ملک و از پیش رو و جانب راست و چپ او راه روند تا او را بدر بهشت برسانند و
چون داخل بهشت شود او را مقدم دارند و ملائکه از عقب آورند تا آنکه بشهری برسد که بیرونش از
یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و در آن شهر بوده باشد هر نعمتی که حق تعالی در بهشت
خلق کرده است پس باو گویند ای دوست خدا میدانی که این شهر چیست گوید نه و شما کیستید گویند
ما ملکی چندیم که حاضر بودیم در هنگامیکه تو آن تهلیلات را میخواندی در دنیا و این شهر و آنچه در آن
هست از نعمتهای الهی یک ثواب تست بر خواندن آن تهلیلات و بشارت باد ترا به بهترین
از این ثوابها و پیوسته در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلائی و غمی و مکروهی
در آن نمی باشد و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از و منقطع نمیگردد و تهلیلات اینست

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اللَّیَالِیْ وَالدُّهُوْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ اَمْوَاجِ
نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار شبها و زمانها نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار موجهای
الْبُحُوْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَرَحْمَتُهُ خَیْرٌ مِمَّا یَجْمَعُوْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
دریاها نیست سزاوار پرستش مگر خدا و رحمت او بهتر است از آنچه جمع کنند مردم نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار
الشَّوْکِ وَالشَّجَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الشَّعْرِ وَالْوَبَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ
خارها و درختها نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار مو و پشم شتر نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار
الْحَجَرِ وَالْمَدَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ لَمْحِ الْعُیُوْنِ وَالْبَصَرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِی
سنگ و کلوخ نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار نگریستن چشمها و بینائی نیست سزاوار پرستش مگر خدا در
اللَّیْلِ اِذَا عَسْعَسَ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ عَدَدَ الرِّیَاحِ
شب چون تاریک گردد و صبح هرگاه بدمد نیست سزاوار پرستش مگر خدا بشمار بادها در
الْبَرَارِیْ وَالصُّخُوْرِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنَ الْیَوْمِ اِلٰی یَوْمِ یُنْفَخُ فِی الصُّوْرِ
بیابانها و کوهها نیست سزاوار پرستش مگر خدا از این روز تا روزیکه دمیده شود در صور

و از بعضی روایات مستفاد می‌شود که بغیر شیر نیز اکتفا می‌توان کرد والله یعلم **فصل دوم** در اعمال روز ترویه و روز عرفه است روز ترویه روز هشتم ذی حجه است و روز مبارکی است و ابن بابویه از حضرت موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها چهار روز را جمعه و روز ترویه و روز عرفه و روز عید قربان و ایضا از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که روزه روز ترویه کفاره شصت سال گناه است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و از حضرت رسول صلعم منقول است که در شب عرفه دعا مستجاب است و کسیکه آن شب را بعبادت بسر آورد اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آن شب مناجات با قاضی الحاجات است و هر که در آن شب توبه کند توبه اش مقبول است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در شب عرفه یا در شبهای جمعه این دعا را بخواند حق تعالی گناهانش را بیامرزد

اللهم یا شاهد کل نجوی و موضع کل شکوی و عالم کل خفیة و منتهی کل
بارخدایا ای دانای هر راز و قرارگاه هر شکایت و دانای هر پنهان و منتهای هر
حاجة یا مبتدئا بالنعم علی العباد یا کریم العفو یا حسن التجاوز یا جواد یا من
حاجت ای ابتدا کننده بنعمتها بر بندگان ای گرامی عفو ای نیکو تجاوز ای بخشنده ای آنکه
لا یواری منه لیل داج و لا بحر عجاج و لا سماء ذات ابراج و لا ظلم ذات ارتتاج
نمی پوشاند از وی شب تار و نه دریای بسیار آب و نه آسمان صاحب برجها و نه تاریکیهای صاحب حرکت
یا من الظلمة عنده ضیاء اسئلک بنور وجهک الکریم الذی تجلیت به للجبل
ای آنکه تاریکی نزد او روشنی است سوال میکنم از تو بروشنائی ذات بزرگوار تو که تابان شدی بآن بسوی کوه
فجعلته دکا و خر موسی صعقا و باسمک الذی رفعت به السموات
پس گردانیدی آن کوه را خورد خورد و افتاد موسی بیهوش و بحرمت نام تو آن نامیکه بلند کردی بسبب آن آسمانها را
بلا عمد و سطحت به الارض علی وجه ماء جمد و باسمک المخزون المکنون
بی ستونی و گستردی بسبب آن زمین را بر روی آب ایستاده و بحرمت نام تو پنهان داشته شده پوشیده

المکتوب الطاهر الذی اذا دعیت به اجبت واذا سئلت به

نوشته شده است پاک است آن نامیکه هرگاه خوانده شوی باو اجابت کنی و هرگاه سوال کرده شوی باو

اعطیت وباسمک السبوح القدوس البرهان الذی هو نور علی کل

بخشش نمائی و بنام تو که پاک است بغایت منزه است دلیل روشن است نامی که آن نور است بر هر

نور ونور من نور یضیئ منه کل نور اذا بلغ الارض انشقت واذا بلغ

نوری و نوری است از نور روشن میشود از و هر نوری چون برسد بزمین بر اشکافته شود و هرگاه برسد

السموات فتحت واذا بلغ العرش اهتز وباسمک الذی ترتعد

آسمانها را گشوده شود و چون برسد عرش را بحرکت درآید بنام تو آن نامیکه بلرزان شوند

منه فرائص ملائکتک واسألک بحق جبرئیل ومیکائیل واسرافیل

از آن شانه های فرشتگان تو و سوال میکنیم از تو بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل

وبحق محمد المصطفی صلی الله علیه واله وعلی جمیع الانبیاء وجمیع

وبحق محمد برگزیده رحمت فرستد خدا براو و آل او و بر همه پیغمبران و همه

الملائکة وبالاسم الذی مشی به الخضر علی قلل الماء کما مشی به علی

فرشتگان و بحرمت آن نامی که رفتار نمود بسبب آن خضر بر اعالی آب چنانچه رفتار نمود بسبب او بر

جدد الارض وباسمک الذی فلقت به البحر لموسی واغرقت

روی زمین و بحرمت نام تو آن نامیکه شکافتی بسبب آن دریا را بجهت موسی و غرق نمودی

فرعون وقومه وانجیت به موسی بن عمران ومن معه وباسمک

فرعون و گروه او و رهانیدی بسبب آن موسی ابن عمران و آنرا که با او بود و بحرمت نام تو

الذی دعاک به موسی بن عمران من جانب الطور الایمن فاستجبت

آن نامیکه خواند ترا بآن موسی ابن عمران از طرف راست کوه طور پس اجابت کردی

له والقیت علیه محبة منک وباسمک الذی احیی به عیسی بن مریم

اورا و افکندی بر او محبتی از جانب خود و بحرمت نام تو آن نامی که زنده کرد بسبب او عیسی ابن مریم

الموتی وتکلم فی المهد صبیا وابرأ الاکمه والابرص باذنک
مردگان را و سخن گفت در گهواره حال آنکه کودک بود و عافیت بخشید کور را در زاد و پیس را بدستوری تو

وباسمک الذی دعاک به حملة عرشک وجبرئیل ومیکائیل
وبنام تو آن نامی که خواندند ترا بآن بردارندگان عرش تو و جبرئیل و میکائیل

واسرافیل وحبیبک محمد صلی الله علیه واله وملائکتک المقربون
و اسرافیل و دوست تو محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او و فرشتگان مقربان

وانبیاؤک المرسلون وعبادک الصالحون من اهل السموات
و پیغمبران فرستادگان و بندگان نیکان تو از اهل آسمانها

والارضین وباسمک الذی دعاک به ذو النون اذ ذهب مغاضبا
و زمینها و بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا با خداوند ماهی چون رفت خشمگین

فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک
پس گمان کرد که هرگز تنگ نگیریم بر او پس خواند در تاریکیها بآنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو

انی کنت من الظالمین فاستجبت له ونجیته من الغم وکذلک ننجی
بدرستیکه من هستم از ستمکاران پس اجابت کردی دعای او را و رهانیدی او را از اندوه و چنین میرهانیم

المؤمنین وباسمک العظیم الذی دعاک به داود وخر لک ساجدا
مومنان را و بنام بزرگ تو که خواند ترا بآن داود و در افتاد برای تو سجده کنان

فغفرت له ذنبه وباسمک الذی دعتک به آسیة امرأة فرعون
پس آمرزیدی برای او گناه او را و بنام تو که خواند ترا بآن آسیه زن فرعون

اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة ونجنی من فرعون وعمله
بیکبارگیکه گفت ای پروردگار من بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت و برهان مرا از فرعون و کردار او

ونجنی من القوم الظالمین فاستجبت لها دعاءها وباسمک الذی
و خلاص ده مرا از گروه ستمکاران پس پذیرفتی برای او دعای او را و بحرمت نام تو که خواند ترا

بِهِ اَيُّوبُ اِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاۤءُ فَعَافَيْتَهُ وَاٰتَيْتَهُ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ

با آن ایوب هنگامیکه فرود آمد بر او بلا پس عافیت بخشیدی در او و دادی او را خاندان او را و مانند ایشان با ایشان

رَحْمَةً مِنْ عِنْدِكَ وَذِكْرٰى لِلْعَابِدِيْنَ وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوْبُ

بخشایشی از نزد خود و پندی برای عبادت کنندگان و بحرمت نام تو که خواندترا با آن یعقوب

فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ يُوْسُفَ وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ وَبِاسْمِكَ

پس گردانیدی بر او بینائی او را و خنکی چشم او را یوسف و فراهم آوردی پراکندگی او را و بحرمت نام تو

الَّذِيْ دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمَانُ فَوَهَبْتَ لَهُ مُلْكًا لَا يَنْبَغِيْ لِاَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

که خواندترا با آن سلیمان پس بخشیدی مر او را پادشاهی که سزاوار نیست هیچکس را پس از او

اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ سَخَّرْتَ بِهِ الْبُرَاقَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ

بدرستیکه تو توئی بسیار بخشنده و بحرمت نام تو که رام کردی بسبب آن براق را جهت محمد رحمت فرستد

وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ اِذْ قَالَ تَعَالٰى سُبْحَانَ الَّذِيْ اَسْرٰى بِعَبْدِهٖ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

و آل او و درود هرگاه گفت خدای برتر پاک است آن خدائی که بسیر آورد بنده خود را در شب از مسجد الحرام

اِلَى الْمَسْجِدِ الْاَقْصٰى وَقَوْلُهٗ سُبْحَانَ الَّذِيْ سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِيْنَ

تا مسجد اقصی که در شام است و قول رسول خدا که پاک است آنکه رام گردانید برای ما این و نبودیم مر او را

وَاِنَّا اِلٰى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُوْنَ وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ تَنَزَّلَ بِهٖ جَبْرَئِيْلُ عَلٰى مُحَمَّدٍ

و بدرستیکه ما بسوی پروردگار خود هر آینه بازگردندگانیم و بحرمت نام تو که فرود آمد با آن جبرئیل بر محمد

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَبِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهٖ اٰدَمُ فَغَفَرْتَ

رحمت فرستد خدا بر او و آل او و بحرمت نام تو که خواند ترا با آن آدم پس آمرزیدی

لَهٗ ذَنْبَهٗ وَاَسْكَنْتَهٗ جَنَّتَكَ وَاَسْئَلُكَ بِحَقِّ الْقُرْاٰنِ الْعَظِيْمِ وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ

برای او گناه او را و ساکن کردی او را در بهشت خود و سؤال میکنم بحق قرآن بزرگ مرتبه و بحق محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّيْنَ وَبِحَقِّ اِبْرَاهِيْمَ وَبِحَقِّ فَصْلِكَ يَوْمَ الْقَضَاۤءِ وَبِحَقِّ الْمَوَازِيْنِ

آخر پیغمبران و بحق ابراهیم و بحق جدا کردن تو حق از باطل در روز حکم کردن و بحق ترازوهای

إِذَا نُصِبَتْ وَالصُّحُفُ إِذَا نُشِرَتْ وَبِحَقِّ الْقَلَمِ وَمَا جَرَى وَاللَّوْحِ وَمَا

هرگاه برپا کرده شوند ترازوها و نامهای اعمال هرگاه واکرده شوند و بحق قلم و آنچه روان شده بآن ولوح وآنچه

أَحْصَى وَبِحَقِّ الْاِسْمِ الَّذِي كَتَبْتَهُ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ قَبْلَ خَلْقِكَ

احاطه کرد آنرا و بحق نامی که نوشتی آنرا بر سراپرده عرش پیش از آفریدن تو

الْخَلْقَ وَالدُّنْيَا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ بِأَلْفَيْ عَامٍ وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا

خلق و دنیا و آفتاب را و ماه را بدو هزار سال و گواهی میدهم آنکه نیست خدا مگر

اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَسْأَلُكَ

خدا حال آنکه یگانه است نیست انبازی برای او وآنکه بتحقیق محمد بندهٔ او و رسول اوست وسوال میکنم از تو

بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ فِي خَزَائِنِكَ الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ

بحرمت نام تو آن نامیکه پنهانست در خزانه های تو آن نامیکه برگزیدی آنرا در جملهٔ علم نهانی که نزد تست

لَمْ يَظْهَرْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ لَا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا عَبْدٌ

مطلع نشده بر آن هیچکس از خلق تو نه فرشته مقربی و نه پیغمبر مرسلی و نه بندهٔ

مُصْطَفًى وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي شَقَقْتَ بِهِ الْبِحَارَ وَقَامَتْ بِهِ الْجِبَالُ

برگزیده وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو که شکافتی بسبب آن دریاها را و برپاست بسبب آن کوهها

وَاخْتَلَفَ بِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَبِحَقِّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ

وآمد ورفت کرد بسبب آن شب وروز وبحق سورهٔ فاتحه وقرآن بزرگ مرتبه

وَبِحَقِّ الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ وَبِحَقِّ طٰهٰ وَيٰسٓ وَكٓهٰيٰعٓصٓ وَحٰمٓعٓسٓقٓ

وبحق نویسندگان نامهٔ اعمال وبحق طه ویس وکهیعص وحمعسق

وَبِحَقِّ تَوْرَاةِ مُوسٰى وَإِنْجِيلِ عِيسٰى وَزَبُورِ دَاوُدَ وَفُرْقَانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى

وبحق توریت موسی وانجیل عیسی وزبور داؤد وقرآن محمد رحمت فرستد

اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلٰى جَمِيعِ الرُّسُلِ وَبِأَهْيَا شَرَاهِيَا اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ

خدا بر او وآل او وبر همه پیغمبران وبحرمت خداوند ازلی ابدی خدایا بدرستیکه سوال میکنم ترا

بحق تلك المناجاة التي كانت بينك وبين موسى بن عمران فوق

بحق آن راز گوئی که بود میان تو و میان موسی پسر عمران بالای

جبل طور سيناء واسألك باسمك الذي علمته ملك الموت لقبض

کوه طور سینا وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو که آموختی آنرا بملک موت برای گرفتن

الارواح واسألك باسمك الذي كتب على ورق الزيتون فخضعت

جانها وسوال میکنم از تو بحرمت نامی که نوشته شد بر برگ درخت زیتون پس فروتنی نمود

النيران لتلك الورقة فقلت يا نار كوني بردا وسلاما

آتشها برای آن برگ پس گفتی ای آتش بشو سرد و سلامت

واسألك باسمك الذي كتبته على سرادق المجد والكرامة يا من

وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو که نوشتی آنرا بر سراپرده بزرگواری و کرامت ای آنکه

لا يحفيه سائل ولا ينقصه نائل يا من به يستغاث واليه يلجأ

نیرنجاند او را سوال کننده و کم نمی سازد خزانه او را عطای ای آنکه باو داد خواهی کرده میشود و بسوی او پناه برده میشود

اسألك بمعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك و

سوال میکنم ترا بحرمت جاهای بستن عزت از عرش تو و نهایت بخشایش که ظاهرست از کتاب تو و

باسمك الاعظم وجدك الاعلى وكلماتك التامات العلى

بحرمت نام تو که بزرگست و عظمت تو که بلندتراست و سخنهای کامل بلند پایه تو

اللهم رب الرياح وما ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت

خداوندا ای پروردگار بادها و انچه پراکنده نمود آنرا و آسمان و انچه سایه فگنده است آن و زمین و انچه برداشت

والشياطين وما اضلت والبحار وما جرت وبحق كل حق هو عليك

و دیوان پلید و انچه گمراه نموده اند آنرا و دریاها و انچه روان گردیده اندران و بحق هر حقی که آن بر تو

حق وبحق ملائكة المقربين والروحانيين والكروبيين والمسبحين

ثابت و لازم است و بحق فرشتگان نزدیکان و روحانیان و کروبیان و تنزیه کنندگان

بالليل والنهار لا يفترون وبحق ابراهيم خليلك وبحق كل ولي يناديك

در شب و روز در حالیکه سست نمی شوند و بحق ابراهیم دوست تو و بحق هر دوستی که میخواند ترا

بين الصفا والمروة وتستجيب له دعاءه يا مجيب اسألك بحق هذه الاسماء

میان صفا و مروه و می پذیری برای او دعای او را ای پذیرنده سوال میکنم از تو بحق این نامها

وبهذه الدعوات ان تغفر لنا ما قدمنا وما اخرنا وما اسررنا وما

و بحرمت این دعاها آنکه بیامرزی برای ما آنچه پیش داشتیم و آنچه از پس داشتیم و آنچه پنهان کردیم و آنچه

اعلنا وما ابدينا وما اخفينا وما انت اعلم به منا انك على كل

آشکارا نمودیم و آنچه ظاهر ساختیم و آنچه پنهان نمودیم و آنچه تو داناتری بآن از ما بدرستیکه تو بر هر

شيء قدير برحمتك يا ارحم الراحمين يا حافظ كل غريب يا مونس كل

چیز توانائی ببخشایش خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای نگاهدارنده هر غریبی ای انس دهنده هر

وحيد يا قوة كل ضعيف يا ناصر كل مظلوم يا رازق كل محروم يا مونس

تنهائی ای توانائی هر ناتوانی ای یاور هر ستم رسیده ای روزی دهنده هر ناامیدی ای آرام

كل مستوحش يا صاحب كل مسافر يا عماد كل حاضر يا غافر كل ذنب

هر وحشت زده ای یار هر سفر کننده ای اعتماد کرده شده هر حاضری ای آمرزنده هر گناه

وخطيئة يا غياث المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا كاشف كرب

و خطائی ای فریادرس فریادجویان ای دادرس دادخواهان ای زائل کننده اندوه

المكروبين يا فارج هم المهمومين يا بديع السموات والارضين

اندوهناکان ای گشاینده غم غمناکان ای نو پدید آورنده آسمانها و زمینها

يا منتهى غاية الطالبين يا مجيب دعوة المضطرين يا ارحم الراحمين

ای منتهای نهایت خواهندگان ای پذیرنده دعای بیچارگان ای بخشنده ترین بخشایندگان

يا رب العالمين يا ديان يوم الدين يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين

ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز جزا ای بخشنده ترین بخشندگان ای بزرگوارترین بزرگواران

يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا اقدر القادرين اغفر لي

ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین بینندگان ای تواناترین توانایان بیامرز برای من

الذنوب التي تغير النعم واغفر لي الذنوب التي تورث الندم

گناهانی را که تغییر میدهند نعمتها را و بیامرز برای من گناهانی را که باعث میشوند پشیمانی را

واغفر لي الذنوب التي تورث السقم واغفر لي الذنوب التي

و بیامرز برای من گناهانی را که باعث میشوند بیماری را و بیامرز برای من گناهانی را که

تهتك العصم واغفر لي الذنوب التي ترد الدعاء واغفر لي

میدرند پرده های عصمت را و بیامرز برای من گناهانی را که برمیگردانند دعا را و بیامرز برای من

الذنوب التي تحبس قطر السماء واغفر لي الذنوب التي

گناهانی را که باز میدارند باران آسمان را و بیامرز برای من گناهانی را که

تعجل الفناء واغفر لي الذنوب التي تجلب الشقاء واغفر لي

شتاب می آورند نیستی را و بیامرز برای من گناهانی را که میکشند بدبختی را و بیامرز برای من

الذنوب التي تظلم الهواء واغفر لي الذنوب التي تكشف الغطاء

گناهانی را که تاریک می کنند هوا را و بیامرز برای من گناهانی را که برمیدارند پرده را

واغفر لي الذنوب التي لا يغفرها غيرك يا الله واحمل عني كل

و بیامرز برای من گناهانی را که نمی آمرزد آنها را غیر تو ای خدا و بردار از من هر

تبعة لاحد من خلقك واجعل لي من امري فرجا ومخرجا ويسرا

وبالی را که باشد برای یکی از خلق تو و بگردان برای من از امر خود گشایشی و بیرون شدنی و آسانی

وانزل يقينك في صدري ورجاءك في قلبي حتى لا ارجو غيرك

و فرو فرست یقین خود را در سینه من و امید خود را در دل من تا آنکه امید ندارم غیر ترا

اللهم احفظني وعافني في مقامي هذا واصحبني في ليلي ونهاري

خداوندا نگاهدار مرا و عافیت بخش مرا در جایگاه من این جایگاه و یار باش مرا در شب من و روز من

وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ

و از پیش روی من و از عقب من و از جانب راست من و از جانب چپ من و از بالای سر من و از

تَحْتِي وَيَسِّرْ لِيَ السَّبِيلَ وَاحْسِنْ لِيَ التَّيْسِيرَ وَلَا تَخْذُلْنِي فِي الْعَسِيرِ

زیر پای من و آسان کن برای من راه را و نیکو گردان برای من آسان نمودن را و ترک یاری مکن مرا در امر مشکل

وَاهْدِنِي يَا خَيْرَ دَلِيلٍ وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِي الْأُمُورِ وَلَقِّنِي كُلَّ

و راه بنمای مرا ای بهترین راه نمایان و وا مگذار مرا بسوی نفس من در کارها و پیش آور مرا هر

سُرُورٍ وَاقْلِبْنِي إِلَى أَهْلِي بِالْفَلَاحِ وَالنَّجَاحِ مَحْبُورًا فِي الْعَاجِلِ وَالْآجِلِ

شادی و باز گردان مرا بسوی اهل من با فیروزی و رستگاری شادان در دنیا و آخرت

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ طَيِّبَاتِ

بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی و روزی کن مرا از بخشش خود و گشایش ده بر من از روزیهای

رِزْقِكَ وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَأَجِرْنِي مِنْ عَذَابِكَ وَنَارِكَ

پاکیزه خود و بکار آر مرا در فرمان برداری خود و پناه ده مرا از عذاب خود و آتش خود

وَاقْلِبْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي إِلَى جَنَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

و بگردان مرا هرگاه بمیرانی بسوی بهشت خود برحمت خود خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از

زَوَالِ نِعْمَتِكَ وَمِنْ تَحْوِيلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ حُلُولِ نَقِمَتِكَ وَمِنْ نُزُولِ

زائل شدن نعمت تو و از برگردانیدن تو عافیت خود را و از فرود آمدن عقوبت تو و از نازل شدن

عَذَابِكَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلَاءِ وَدَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ

عذاب تو و پناه میگیرم بتو از مشقت بلاها و دریافتن بدبختی و از بدی قضا

وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْكِتَابِ

و شادی کردن دشمنان و از بدی آنچه فرود می آید از آسمان و از بدی آنچه در کتاب

الْمُنْزَلِ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ وَلَا مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَلَا تَحْرِمْنِي

فرستاده شده است خداوندا مگردان مرا از بدان و نه از یاران آتش و محروم مکن مرا

صُحبَةَ الاَخیارِ وَاَحیِنی حَیوةً طَیِّبَةً وَتَوَفَّنی وَفاةً طَیِّبَةً تُلحِقُنی بِالاَبرارِ

صحبت نیکوکاران و زنده دار مرا زندگی پاکیزه و بمیران مرا مردن پاکیزه که برساند مرا به نیکوکاران

وَارزُقنی مُرافَقَةَ الاَنبیاءِ فی مَقعَدِ صِدقٍ عِندَ مَلیکٍ مُقتَدِرٍ

و روزی کن مرا رفاقت پیغمبران در نشستگاه راستی نزد پادشاه توانا

اَللّهُمَّ لَکَ الحَمدُ عَلی حُسنِ بَلائِکَ وَصُنعِکَ وَلَکَ الحَمدُ عَلَی الاِسلامِ

خداوندا پس مر تراست همه سپاس نیکوئی انعام تو و آفرینش تو و معروف تو و مر تراست همه سپاس بر اسلام

وَالسُّنَّةِ یا رَبِّ کَما هَدَیتَهُم لِدینِکَ وَعَلَّمتَهُم کِتابَکَ فَاهدِنا وَعَلِّمنا

و بر راه پیغمبر ای پروردگار من چنانچه راه نمودی ایشانرا بدین خود و آموختی ایشانرا کتاب خود پس راه نما ما را و بیاموز ما را

وَلَکَ الحَمدُ عَلی حُسنِ بَلائِکَ وَصُنعِکَ عِندی خاصَّةً کَما

و مر تراست همه سپاس نیکوئی انعام تو و معروف تو نزد من بخصوص چنانچه

خَلَقتَنی فَاَحسَنتَ خَلقی وَعَلَّمتَنی فَاَحسَنتَ تَعلیمی وَهَدَیتَنی فَاَحسَنتَ

آفریدی مرا پس نیک کردی آفرینش مرا و آموختی مرا پس نیک کردی آموختن مرا و راه نمودی مرا پس نیک کردی

هِدایَتی فَلَکَ الحَمدُ عَلی اِنعامِکَ عَلَیَّ قَدیماً وَحَدیثاً فَکَم مِن کَربٍ یا سَیِّدی قَد

راه نمائی مرا پس مر تراست همه سپاس انعام تو بر من انعام کهنه و نو پس بسیار اندوه ای آقای من تحقیق

فَرَّجتَهُ وَکَم مِن غَمٍّ یا سَیِّدی قَد نَفَّستَهُ وَکَم مِن هَمٍّ یا سَیِّدی قَد کَشَفتَهُ وَکَم مِن بَلاءٍ

گشودی آنرا و چه بسیار از غم ای آقای من تحقیق زائل کردی آنرا و بسا اندوه ای آقای من تحقیق دفع نمودی آنرا و بسا از بلا

یا سَیِّدی قَد صَرَفتَهُ وَکَم مِن عَیبٍ یا سَیِّدی قَد سَتَرتَهُ فَلَکَ الحَمدُ عَلی کُلِّ

ای آقای من که تحقیق باز گردانیدی آنرا و بسا از عیب ای آقای من تحقیق پوشانیدی آنرا پس مر تراست همه سپاس بر هر

حالٍ فی کُلِّ مَثویً وَزَمانٍ وَمُنقَلَبٍ وَمَقامٍ وَعَلی هذِهِ الحالِ وَکُلِّ

حالتی در هر آرامگاهی و زمانی و بازگشتن گاهی و جای ایستادن و بر این حالت و بر هر

حالٍ اَللّهُمَّ اجعَلنی مِن اَفضَلِ عِبادِکَ نَصیباً فی هذَا الیَومِ مِن خَیرٍ

حال خداوندا بکن مرا از افزونترین بندگان خود در بهره در این روز از نیکی

تَقْسِمُهُ اَوْ ضُرٍّ تَكْشِفُهُ اَوْ سُوءٍ تَصْرِفُهُ اَوْ بَلَاءٍ تَدْفَعُهُ اَوْ خَيْرٍ تَسُوقُهُ

که قسمت کنی آنرا یا گزندی که زایل نمائی آنرا یا بدی که بازگردانی آنرا یا بلائی که دفع کنی آنرا یا خیری که برسانی آنرا

اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا فَاِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِيَدِكَ

یا رحمتی که پراگنده سازی آنرا یا عافیتی که بپوشانی آنرا زیرا که بتحقیق تو بر همه چیز توانائی و بدست تست

خَزَائِنُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِي الَّذِي

گنجینه‌های آسمانها و زمین و توئی یگانه بزرگوار بخشنده که

لَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيَّبُ اٰمِلُهُ وَلَا يَنْقُصُ نَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ

برگردانیده نمی‌شود سؤال کننده او و ناامید نمیگردد امیدوار او و کم نمیگردد عطای او و نیست نمی‌شود آنچه نزد اوست

بَلْ يَزْدَادُ كَثْرَةً وَطِيبًا وَعَطَاءً وَجُودًا وَارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ

بلکه زیاده میشود به بسیاری و پاکیزگی و بخشش و جود و روزی کن مرا از خزانه‌های خود

الَّتِي لَا تَفْنٰى وَمِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ اِنَّ عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُورًا

که فانی نمیشود و از رحمت خود که فراگیرنده است بدرستیکه عطای تو نیست ممنوع

وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و تو بر همه چیز توانائی برحمت خود ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان

و احادیث بسیار در فضیلت زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب و روز عرفه وارد شده است و زیارت نزدیک را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده‌ام و زیارت دیگر انشاء الله تعالی بعد ازین مذکور خواهد شد و پیشتر نیز زیارت آنحضرت مذکور شده اما روز عرفه از اعیاد عظیمه است و کسیکه توفیق یابد که در عرفات باشد ادعیه و اعمال بسیار وارد شده است و بهترین اعمال در این روز دعاست حتی مستحب است که جمع کنند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافله و اذان عصر ساقط می‌شود و بعد از نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقول است که ابراهیم بن هاشم گفت که من عبدالله بن جندب را دیدم در موقف عرفات

وحال مجلس را از و بهتر بدیدم پیوسته دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده بود و آب
دیده اش بر روی زمین جاری بود تا بزمین میرسید چون از موقف فارغ شدند گفتم در موقف مجلسی را
بهتر از موقف تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر برای برادران مومن خود زیرا که
از حضرت موسی کاظم علیه السّلام شنیدم که هر که دعا کند برای برادران مومن خود
در غیبت او از عرش ندا میرسد که از برای تو صد هزار برابر او باد پس من نخواستم که دست
برآورم از صد هزار برابر دعای ملک که البته مستجابست برای یک دعای خود که نمیدانم مستجاب
خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق یابد که در روز عرفه در تحت قبه مقدسه حضرت امام حسین
علیه السّلام باشد ثوابش کمتر از کسیکه در عرفات باشد نخواهد بود بلکه زیاده است چنانچه از
حضرت صادق منقولست که هر که در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود و حق او را بشناسد
و او را امام وجب الاطاعه داند بنویسد حق تعالی برای او ثواب هزار حج و هزار عمره
مقبوله و هزار جهاد که با پیغمبر مرسل باشد یا امام عادلی راوی گفت کجاست ثواب موقف
عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود بدرستیکه بنده مومن چون در روز عرفه
نزد قبر آنحضرت حاضر شود و در نهر فرات غسل کند و متوجه زیارت آنحضرت شود بهر گامی که بر میدارد
ثواب یک حج و یک عمره بجهت او نوشته می شود و در روایت دیگر فرمود که در روز عرفه حق
سبحانه تعالی اول نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین علیه السّلام میکند و گناهان ایشان را
می آمرزد و حاجات ایشان را بر می آورد و بعد از آن متوجه اهل عرفات میشود زیرا که در میان ایشان اولاد
آنحضرت حرامزاده و فرزند زنا نیست و در میان عرفات هست و کسیکه توفیق هیچ یک از اینها نیافته
باشد باید که در سایر بلاد غسل کند و در مجمع مومنان حاضر شود و زیارت آنحضرت بکند و اگر در بام
بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند و تا شام مشغول ذکر و دعا
باشند تا در ثواب آنها شریک گردند چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول
است و احادیث در باب روزه روز عرفه مختلف است و اکثر علما جمع میان احادیث
باین روش کرده اند که اگر اشتباهی در ماه نباشد و او را از دعا کردن ضعیف نگرداند سنت است

والاکرده است یعنی ثوابش کمتر است و در روایتی واقع شده است که روزه روز عرفه برابر است با روزه یکسال و اگر اشتباهی در ماه باشد یا با روزه از دعا ضعیف شود روزه نگرفتن بهتر است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که در روز عرفه پیش از آنکه متوجه دعا شود دو رکعت نماز بکند در زیر آسمان و اعتراف کند نزد خدا بگناهان خود و اقرار کند بخطاهای خود فائز گردد بثواب اهل عرفات و گناه گذشته و آینده اش آمرزیده شود و شیخ مفید ره این نماز را بعد از نماز عصر ذکر کرده است و گفته که این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف باشند و در عرفات نباشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و در روایتی دیگر فرمود که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند و صد مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله بگوید و صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد بگوید پس مشغول دعا شود و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است آنرا با خضوع و خشوع و تأنّی و رقت بخواند که مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا و آخرت و شیخ طوسی ره بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را و آن دعای پیغمبران پیش از من است میگوئی

لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و یمیت

نیست معبودی سزاوار پرستش مگر خداوند یگانه است نیست شریکی برای او و مر او راست پادشاهی و مر او راست ستایش زنده میگرداند و میمیراند

وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم لک الحمد

و او زنده است که نمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر هر چیز تواناست خداوندا مر تراست همه سپاس

کالذی تقول وخیرا مما نقول وفوق ما یقول القائلون اللهم لک

مانند آنچه میگوئی و بهتر از آنچه میگوئیم و بالای آنچه میگویند گویندگان خداوندا برای تست

صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی ولک براءتی وبک حولی ومنک قوتی

نماز من و عبادت من و زندگی من و مردن من و برای تست بیزاری من و بتست قدرت من و از تست توانائی من

اللهم انی اعوذ بک من الفقر ومن وسواس الصدر ومن شتات الامر

بارخدایا بدرستیکه من پناه می برم بتو از احتیاج و از اندیشهٔ باطل سینه و از پراکندگی کار

ومن عذاب القبر اللهم انی اسألک خیر الریاح واعوذ بک من شر

و از عذاب قبر بارخدایا بدرستیکه من میخواهم از تو بهترین بادها و پناه میبرم بتو از بدی

ما تجیء به الریاح واسألک خیر اللیل وخیر النهار اللهم اجعل

انچه می آورد آنرا بادها و میخواهم از تو نیکی شب و نیکی روز را بارخدایا بگردان

فی قلبی نورا وفی سمعی نورا وفی بصری نورا وفی لحمی نورا وفی دمی

در دل من روشنائی و در گوش من روشنائی و در چشم من روشنائی و در گوشت من روشنائی و در خون من

وعظامی وعروقی ومقامی ومقعدی ومدخلی ومخرجی نورا واعظم

و استخوان من و رگهای من و ایستادنگاه من و نشستنگاه من و جای درآمدن من و جای بیرون آمدن من روشنائی و بزرگ گردان

لی النور یا رب یوم القاک انک علی کل شیء قدیر

برای من روشنائی ای پروردگار من در روزیکه ملاقات کنم ترا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

و از حضرت امام رضا علیه الصلوة والسلام منقول است که این دعا را در روز عرفه بخوانند

اللهم کما سترت علی ما لم اعلم فاغفر لی ما تعلم وکما وسعنی علمک

خداوندا چنانچه پوشانیدی بر من انچه را ندانستم از گناهان پس بیامرز برای من گناهی را که تو میدانی و چنانچه فرو گرفت مرا دانش تو

فلیسعنی عفوک وکما بدأتنی بالاحسان فاتمم نعمتک بالغفران وکما

پس باید که فرا گیرد مرا در گذشتن تو و چنانچه آغاز کردی مرا بنیکوئی پس تمام کن نعمت خود را بآمرزش و چنانچه

اکرمتنی بمعرفتک فاشفعها بمغفرتک وکما عرفتنی وحدانیتک

گرامی داشتی مرا بشناختن خود پس جفت کن آنرا بآمرزش خود و چنانچه شناسانیدی بمن یگانگی خود را

فاکرمنی بطاعتک وکما عصمتنی مما لم اکن اعتصم منه الا بعصمتک

پس گرامی دار مرا بفرمانبرداری خود و چنانچه نگاهداشتی مرا از انچه نبودم من نگاهدارم خود را از آن مگر به نگاهداری تو

فاغفر لی ما اوحشت عصمتنی منه یا جواد یا کریم یا ذا الجلال والاکرام

پس بیامرز برای من آنچه را که بیجا استی نگاه میداشتی مرا از آن ای بخشنده ای بزرگوار ای خداوند بزرگواری

و از حضرت امام موسی علیه السلام این دعا منقول است

اللهم انی عبدک وابن عبدک ان تعذبنی فبامور قد سلفت

خداوندا بدرستیکه من بنده تو و پسر بنده توام اگر عذاب کنی مرا پس باعتبار کارهائیست که بتحقیق پیش گذشته

منی وانا بین یدیک برمتی وان تعف عنی فاهل العفو انت یا اهل

از من و من پیش توام بتمام اعضای خود و اگر درگذری از من پس سزاوار درگذشتن توئی ای سزاوار

العفو یا احق من عفا اغفر لی ولاخولی

درگذشتن ای سزاوارتر کسیکه درگذشت بیامرز مرا و برادران مرا

و از جمله دعاهای مشهوره در عرفه دعای حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام است

بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت

آنحضرت بودیم پس از خیمه خود بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان خود

با نهایت تذلل و خشوع پس از جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه کردانیدند

و دستها را برابر رو برداشتند مانند کسیکه با نهایت مذلت و مسکنت طعام طلبد این دعا را خواندند

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی لیس لقضائه دافع ولا لعطائه

بنام خدای بخشاینده مهربان همه سپاس خدائی را که نیست مر حکم او را دفع نماینده و نه بخشش او را

مانع ولا کصنعه صنع صانع وهو الجواد الواسع فطر اجناس البدائع

بازدارنده و نه مانند کار او کار کارکننده و اوست بخشنده فراگیرنده آفرید انواع پدیدهای تازه را

واتقن بحکمته الصنائع ولا تخفی علیه الطلائع ولا تضیع عنده

و محکم نمود بدانش خود کارها را و پنهان نیست بر او جاسوسها و تلف نگردد نزد او

الودائع جازی کل صانع ورائش کل قانع وراحم کل ضارع ومنزل

امانتها اوست جزا دهنده هر کارکننده عطا کننده هر قناعت نماینده رحم کننده هر زاری نماینده و فرو فرستنده

المنافع والكتاب الجامع بالنور الساطع وهو للدعوات سامع وللطمع

سود ها و کتابی که جامع همه چیز است بنور درخشان و او دعاها را شنونده و فرمان دارا

نافع وللدرجات رافع وللكربات دافع وللجبابرة قامع وراحم عبرة

سود بخشنده و مرتبه ها را بلند کننده و اندوه ها را دفع کننده و متکبران را خوار سازنده و رحم کننده اشک

كل ضارع ودافع ضرعة كل ضارع فلا اله غيره ولا شىء يعدله وليس

هر زاری کننده و زائل سازنده زاری هر زاری کننده پس نیست سزاوار پرستش غیر او و نه چیزی که برابری کند با او

كمثله شىء وهو السميع البصير اللطيف الخبير وهو على كل شىء قدير

مانند او چیزی و او ست شنوا بینا مهربان آگاه و او بر هر چیز تواناست

اللهم انى ارغب اليك واشهد بالربوبية لك مقرا بانك ربى وان

خداوندا بدرستیکه من خواهش دارم بسوی تو و گواهی میدهم به پروردگاری برای تو حال آنکه اقرار کننده ام که تو پروردگار منی

اليك مردى ابتدأتنى بنعمتك قبل ان اكون شيئا مذكورا وخلقتنى

بسوی تست بازگشت من آغاز کردی مرا به نعمت خود پیش از آنکه بوده باشم چیزی نام برده شده و آفریدی مرا

من التراب ثم اسكنتنى الاصلاب امنا لريب المنون واختلاف الدهور

از خاک پس قرار دادی مرا در پشتهای پدران ایمن از شدائد زمانه و آمد و رفت روزگارها

فلم ازل ظاعنا من صلب الى رحم فى تقادم الايام الماضية والقرون

پس همیشه بودم منتقل از پشت پدری بسوی رحم مادری در پیشین روزهای گذشته و زمانهای

الخالية لم تخرجنى لرأفتك بى ولطفك لى واحسانك الى فى دولة ايام

رفته بیرون نیاوردی مرا بجهت مهربانی خود بمن و نوازش خود مرا و نیکو کردن بسوی من در دولت روزگار

الكفرة الذين نقضوا عهدك وكذبوا رسلك لكنك اخرجتنى رأفة

کافران آنانکه شکستند پیمان ترا و دروغ نسبت دادند فرستادگان ترا لکن تو بیرون آوردی مرا بجهت مهربانی

منك وتحننا على للذى سبق لى من الهدى الذى يسرتنى وفيه

خود و ترحم نمودن بمن برای آنچه پیشی گرفته است مرا از راه نمائی که مهیا کرده برای آن مرا و در آن

انشاتني ومن قبل ذلك رأفت بي بجميل صنعك وسوابغ نعمك

پدید آوردی مرا و پیش از آن مهربانی کردی بمن به کار نیکوی خود و نعمتهای کامل از جمله نعمت خود

فابتدعت خلقي من مني يمنى ثم اسكنتني في ظلمات ثلث بين لحم

پس پدید آوردی خلقت مرا از آب منی که ریخته شود در رحم پس قرار دادی در تاریکیهای سه گانه میان گوشت

ودم وجلد لم تشهرني بخلقي ولم تجعل الي شيئا من امري ثم اخرجتني الى

و خون و پوست و مشهور نساختی مرا بخلقت من و نگردانیدی بسوی من چیزی از کار مرا پس بیرون آوردی مرا بسوی

الدنيا تاما سويا وحفظتني في المهد طفلا صبيا ورزقتني من الغذاء

دنیا کامل درست اعضا و نگاه داشتی مرا در گهواره حال آنکه طفل صغیر بودم و روزی کردی مرا از جمله

لبنا طريا وعطفت على قلوب الحواضن وكفلتني الامهات

شیر تازه گوارا و مهربان کردی بر من دلهای تربیت کنندگان را و کارگذار نمودی برای من مادران

الرحائم وكلاتني من طوارق الجان وسلمتني من الزيادة والنقصان

مهربان را و حراست نمودی مرا از سختیهای که میرسد از جن و سالم داشتی مرا از زیادتی و نقصان

فتعاليت يا رحيم يا رحمن حتى اذا استهللت ناطقا بالكلام اتممت

پس برتری تو ای مهربان ای بخشاینده تا آنکه چون بآواز آمدم در حالیکه گویا بودم بسخن تمام کردی

على سوابغ الانعام وربيتني زائدا في كل عام حتى اذا كملت فطرتي

بر من انعامهای کامل خود را پس پروردی مرا زیاده شونده در هر سالی تا آنکه چون کامل شد خلقت من

واعتدلت سريرتي اوجبت على حجتك بان الهمتني معرفتك

و درست شد پنهانی امر من لازم کردی بر من حجت خود را بانکه الهام کردی بمن شناختن خود را

وروعتني بعجائب فطرتك وانطقتني لما ذرات في سمائك وارضك من

و بشگفت آوردی مرا بغرائب آفرینش خود و گویا کردی مرا برای آنچه خلق کردی در آسمان خود و زمین خود از

بدائع خلقك ونبهتني لذكرك وشكرك واوجبت طاعتك وعبادتك

عجائب خلق خود و آگاه کردی مرا برای یاد کردن خود و سپاسگذاری خود و فرمانبرداری خود و پرستیدن

وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنَنْتَ عَلَيَّ

وفهمانیدی مرا آنچه آورده اند آنرا فرستادگان تو و آسان کردی برای من پذیرفتن خوشنودیها خود را و منت نهادی بر من

فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ تَرْضَ لِي

در همه آنها بمدد کاری خود و مهربانی خود پس چون آفریدی مرا از خالص خاک نپسندیدی برای من

يَا إِلَهِي بِنِعْمَةٍ دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ بِمَنِّكَ

ای خدای من نعمتی را بغیر نعمت دیگر و روزی کردی مرا از انواع روزیها و اقسام پوششها بانعام

الْعَظِيمِ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا أَتْمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ

بزرگ خود بر من و نیکوئی دیرینه خود بسوی من تا آنگه وقتیکه تمام کردی بر من همه نعمتها را و گردانیدی

عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي عَلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ

از من تمام ناخوشیها را باز نداشت ترا نادانی من و دلیری من بر تو از آنکه راه نمائی مرا بر آنچه نزدیک گرداند مرا بسوی تو

وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزْلِفُنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي

و توفیق دهی مرا برای آنچه نزدیک سازد مرا نزد تو پس اگر بخوانم ترا اجابت میکنی مرا و اگر خواهم از تو عطا میکنی مرا

وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالاً لِأَنْعُمِكَ

و اگر فرمان برداری کنم ترا جزا میدهی مرا و اگر سپاس گذاری کنم ترا افزون میکنی مرا همه اینها بجهت تمام کردن نعمتهای تو

عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِئٍ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ تَقَدَّسَتْ

بر من و نیکوئی کردن تو بسوی من پس منزهی تو منزهی تو پدید آورنده باز گرداننده ستوده بزرگوار پاکست

أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ آلَاؤُكَ فَأَيُّ نِعَمِكَ يَا إِلَهِي أُحْصِي عَدَداً وَذِكْراً أَمْ أَيُّ

نامهای تو و بزرگست نعمتهای تو پس کدام نعمت ای خدای من بشمارم بشمار یا بیاد آوردن یا کدام

عَطَايَاكَ أَقُومُ بِهَا شُكْراً وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ أَوْ يَبْلُغَ عِلْماً

بخششهای ترا قیام نمایم بآنها از روی سپاس گذاری و آن ای پروردگار من بیشتر از آنکه بشمارند آنها را شمار کنندگان یا

بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا دَرَأْتَ وَصَرَفْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا

بآنها ضبط کنندگان پس آنچه دفع کردی و گردانیدی از من خداوندا از بدحالی و ناخوشی بیشتر است از آنچه

ظهر لی من العافیة والسرّاء وانا اشهد یا الهی بحقیقة ایمانی

ظاهر شده برای من از عافیت و خوشی و من گواه میگیرم ترا ای خدای من بکنه خالص ایمان خود

وعقد عزمات یقینی وخالص صریح توحیدی وباطن مکنون ضمیری

بستن تصمیمهای ثابت خود و خالص محض توحید خود و نهان پوشیده دل خود

وعلائق مجاری نور بصری واساریر صفحة جبینی وخرق مسارب

و در آویخته های روان شدن نور دیده من و خطهای صفحه پیشانی من و سوراخهای راههای

نفسی وخذاریف مارن عرنینی ومسارب صماخ سمعی وما ضمّت

نفس من و پاره های نرمه بینی من و راههای سوراخ گوش من و آنچه بهم آورده شد

واطبقت علیه شفتای وحرکات لفظ لسانی ومغرز حنک فمی

و پوشانیده شده بر آن لبهای من و جنبشهای سخن زبان من و جای فرو بردن [illegible]

وفکّی ومنابت اضراسی وبلوغ حبائل بارع عنقی ومساغ مأکل

و طرف بالا و پائین من و جاهای روئیدن دندانهای من [illegible]

ومطعمی ومشربی وحمالة ام راسی وجمل حمائل حبل وتینی وما

و طعام من و آشامیدن من و بردارنده دماغ من و همه رشتههای رگ دل من و آنچه

اشتمل علیه تامور صدری ونیاط حجاب قلبی وافلاذ حواشی

مشتمل است بر آن [illegible] که در سینه من است و رگ پرده دل من و قطعهای کناره های

کبدی وما حوته شراسیف اضلاعی وحقاق مفاصلی واطراف

جگر من و آنچه فرا گرفته آنرا سرهای استخوانهای پهلوی من و جاهای [illegible] من و کنارههای

اناملی وقبض عواملی ولحمی ودمی وشعری وبشری وعصبی وقصبی

انگشتان من [illegible] و گوشت من و خون من و موی من و پوست من و پی من و استخوان [illegible]

وعظامی ومخی وعروقی وجمیع جوارحی وما انتسج علی ذلک ایام

و استخوان من و مغز استخوان من و رگهای من و همه عضوهای من و آنچه بافته شده بر آنها در روزگار

رضاعی و ما اقلّت الارض منّی و نومی و یقظتی و سکونی و حرکتی و

شیر خوردن من و آنچه برداشت زمین از من و خواب من و بیداری من و آرام من و جنبش من و

حرکات رکوعی و سجودی ان لو حاولت و اجتهدت مدی الاعصار

حرکتهای رکوع من و سجده من اگر قصد کنم و کوشش نمایم تا درازای زمانها

و الاحقاب لو عمّرتها ان اؤدّی شکر واحدة من انعمك ما استطعت ذلك

و روزگارها اگر زنده داشته شوم در آنها آنکه ادا کنم شکر یکی از نعمتهای تو نتوانم آن را

الّا بمنّك الموجب علیّ شکرا آنفا جدیدا و ثناء طارفا عتیدا اجل و لو

مگر بانعام تو که واجب سازد بر من سپاس … تازه ستایش تازه مهیا بلی و اگر

حرصت انا و العادّون من انامك ان نحصی مدی انعامك سالفه و آنفه

حرص کنم من و شمارندگان از خلق تو آنکه بشماریم نهایت انعام ترا گذشته آن را و حاضر آن را

لما حصرناه عددا و لا احصیناه ابدا هیهات انّی ذلك و انت المخبر عن نفسك فی

هر آینه احاطه نتوانیم کرد بشمار و نتوانیم شمرد آن را هرگز و دور است کجاست آن حال و آنکه تو خبر دهنده از ذات خود

کتابك الناطق و النبأ الصادق و ان تعدّوا نعمة الله لا تحصوها صدق

در کتاب گویای خود و خبر درست خود و اگر خواهید بشمارید نعمت خدا را نتوانید شمرد آن را راست است

کتابك اللّهمّ و نبؤك و بلّغت انبیاؤك و رسلك ما انزلت علیهم من

کتاب تو خدایا و خبر تو و رسانیدند پیغمبران تو و رسولان تو آنچه که فرو فرستادی بر ایشان از

وحیك و شرعت لهم من دینك غیر انّی یا الهی اشهد بجدّی و جهدی

… خود و … برای ایشان از دین خود مگر آنکه بدرستیکه من ای خدای من گواهی میدهم بسعی خود و کوشش خود

و مبالغ طاقتی و وسعی و اقول مؤمنا موقنا الحمد لله الذی لم یتّخذ ولدا فیکون

و منتهای طاقت خود و توان خود و میگویم باور دارنده تصدیق نماینده سپاس خدای را که فرا نگرفته فرزند تا باشد

موروثا و لم یکن له شریك فی الملك فیضادّه فیما ابتدع و لا ولیّ من الذلّ

میراث برده شده و نیست او را انباز در پادشاهی پس مخاصمه کند او را در آنچه پدید آورده و نه یاوری از زبونی

فيعرفه فيما صنع سبحانه سبحانه لو كان فيهما آلهة

پس بیابد و هر آینه ازانچه کرده است پاک است او و پاک است او اگر بودی در آسمان و زمین خدایانی

الّا الله لفسدتا و تفطرتا فسبحان الله الواحد الحق الاحد الصمد الذي

غیر از سزاوار پرستش هر آینه تباه شدندی و شکافته شدندی آسمان و زمین پس پاکست خدای یگانه ثابت یکتا پناه نیازمندان آنکه

لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً احد الحمد لله حمداً يعدل حمد ملائكته

نزاده و زائیده نشده و نیست مر او را مانند هیچکس سپاس مر خدا را سپاسی که برابری کند سپاس فرشتگان

المقربين و انبيائه المرسلين و صلّى الله على خيرته من خلقه محمد

نزدیکان و پیغمبران فرستادگان او را و رحمت فرستد خدا بر اختیار کرده خود از خلق خود محمد

خاتم النبيين و آله الطيبين الطاهرين المخلصين

آخر پیغمبران و آل او پاکیزگان و پاکان خالص گردانیده شدگان

پس شروع فرمود آنحضرت در سوال و اهتمام نمود در دعا و آب از

دیده‌های مبارکش جاری بود پس گفت

اللهم اجعلني اخشاك كأني اراك و اسعدني بتقواك و لا تشقني

خداوندا بگردان مرا که بترسم ترا که گویا می‌بینم ترا و نیکبخت کن مرا به پرهیزکاری خود و بدبخت مساز مرا

بمعصيتك و خر لي في قضائك و بارك لي في قدرك حتى لا احب تعجيل

به نافرمانی خود و عطا کن مرا خیر در حکم خود و برکت ده در تقدیر خود تا آنکه دوست ندارم شتاب کردن

ما اخرت و لا تاخير ما عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي و اليقين

آنچه را که باز پس آری و نه باز پس داشتن آنچه را که بشتاب آوری خداوندا بگردان توانگری مرا در نفس من و یقین را

في قلبي و الاخلاص في عملي و النور في بصري و البصيرة في ديني

در دل من و اخلاص در کردار من و روشنائی را در دیده من و بینائی را در دین من

و متعني بجوارحي و اجعل سمعي و بصري الوارثين مني و انصرني على

و بهره‌ور کن مرا با عضاهای من و بگردان گوش مرا و دیده مرا میراث برندگان از من و یاری ده مرا بر آنکه

ظلمني وارزقني فيه مآربي وثاري واقرر بذلك عيني اللهم اكشف

ستم نمود مرا و روزی کن مرا در این روز حاجتهای مرا و خون مرا و خنک کن بآن دیده مرا خداوندا زائل کن

كربتي واستر عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني وفك رهاني

اندوه مرا و بپوشان امر زشت مرا و بیامرز برای من گناه مرا و دور کن شیطان مرا که موکل است بمن و رهائی ده

واجعل لي يا الهي الدرجة العليا في الآخرة والاولى اللهم لك

و بگردان برای من ای خدای من مرتبه بلندی در آنجهان و این جهان خداوندا مر تراست

الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا ولك الحمد كما خلقتني فجعلتني

سپاس چنانچه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا شنوا بینا و مر تراست سپاس چنانچه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا

حيا سويا رحمة بي وكنت عن خلقي غنيا رب بما برأتني فعدلت

زنده یکسان از راه مهربانی بمن و بودی از آفرینش من بی نیاز ای پروردگار من بسبب آنچه پیدا کردی مرا پس

فطرتي رب بما انشأتني فاحسنت صورتي يا رب بما احسنت

خلقت مرا ای پروردگار من بسبب آنچه ایجاد کردی مرا پس نیکو نمودی هیئت مرا ای پروردگار من

بي وفي نفسي عافيتني رب بما كلأتني ووفقتني رب بما انعمت

بمن و در نفس من عافیت بخشیدی مرا ای پروردگار من بسبب آنچه حفظ کردی و توفیق دادی مرا ای پروردگار من

علي فهديتني رب بما اوليتني ومن كل خير اعطيتني

بر من پس راه نمودی مرا ای پروردگار من بسبب آنچه جا دادی مرا از هر نیکی که دادی مرا و بخشیدی مرا

رب بما اطعمتني وسقيتني رب بما اغنيتني واقنيتني رب

ای پروردگار من بسبب آنچه طعام دادی مرا و آب دادی مرا ای پروردگار من بسبب آنچه بی نیاز کردی مرا و سرمایه دادی

بما اعنتني واعززتني رب بما البستني من سترك الصافي ويسرت

بسبب آنچه مدد کردی مرا و ارجمند ساختی مرا ای پروردگار من بسبب آنچه پوشانیدی مرا از ستر پاکیزه خود و مهیا کردی

لي من صنعك الكافي صل على محمد وآل محمد واعني على بوائق الدهر

برای من از بخشش خود که بسند است رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا بر بلاهای روزگار

وصروف الایام واللیالی ونجنی من اهوال الدنیا وکربات الآخرة
و حوادث روزها و شبها و برهان مرا از شدائد اینجهان و اندوههای آنجهان

واکفنی شر ما یعمل الظالمون فی الارض اللهم ما اخاف فاکفنی وما
و بسنده شو مرا از بدی آنچه میکنند ستمکاران در زمین خداوندا آنچه می ترسم پس بسنده شو تو مرا و آنچه

احاذر فقنی وفی نفسی ودینی فاحرسنی وفی سفری فاحفظنی وفی
می پرهیزم پس نگاه دار مرا از آن و در نفس من و دین من پس نگاه دار مرا و در سفر من پس حفظ کن مرا و در

اهلی ومالی وولدی فاخلفنی وفیما رزقتنی فبارک لی وفی نفسی
اهل من و مال من و فرزندان من پس خلیفه باش مرا و در آنچه روزی کردی مرا پس برکت ده مرا و در نفس من

فذللنی وفی اعین الناس فعظمنی ومن شر الجن والانس فسلمنی وبذنوبی
پس خوار کن مرا و در دیده های آدمیان پس بزرگ کن مرا و از بدی پریان و آدمیان پس سالم دار مرا و بگناهان من

فلا تفضحنی وبسریرتی فلا تخزنی وبعملی فلا تبتلنی ونعمک
پس رسوا مساز مرا و بگناهان نهانی من پس رسوا مکن مرا و بکردار من پس مبتلا مکن مرا و نعمتهای خود را

فلا تسلبنی والی غیرک فلا تکلنی الهی الی من تکلنی الی القریب
پس سلب مکن از من و بسوی غیر جناب خود پس مگذار مرا خدایا بسوی که میگذاری مرا آیا بسوی نزدیک

یقطعنی ام الی البعید یتجهمنی ام الی المستضعفین لی وانت ربی
که ببرد از من یا بسوی دور که بغلظت و ترشی پیش آید مرا یا بسوی ضعیف شمارندگان من و حال آنکه تو پروردگار منی

وملیک امری اشکو الیک غربتی وبعد داری وهوانی علی من
و مالک کار منی شکوه میکنم بسوی تو از غربت خود و دوری سرای خود و خواری خود بر آنکه

ملکته امری اللهم فلا تحلل بی غضبک فان لم تکن غضبت
کردانیدی او را مالک مر کار من خداوندا پس فرود میار بمن غضب خود را پس اگر نبوده باشی که غضب کرده باشی

علی فلا ابالی سواک غیر ان عافیتک اوسع لی فاسألک بنور وجهک
بر من پس باک ندارم از غیر تو مگر آنکه تحقیق عافیت تو فراخ تر است مرا پس میخواهم از تو بحرمت روشنائی ذات تو

الذي أشرقت له الأرض والسموات وانكشفت به الظلمات وصلح

که روشن شده است از زمین و آسمانها و زائل گشت بسبب آن تاریکیها و صلاح شد

عليه أمر الأولين والآخرين أن لا تميتني على غضبك ولا تنزل بي

بر آن کار پیشینیان و پسینیان آنکه نمیرانی مرا بر غضب خود و فرو نیاری بمن

سخطك لك العتبى حتى ترضى قبل ذلك لا إله إلا أنت رب البلد الحرام

غضب خود را مر تراست مواخذه تا آنکه خوشنود شوی پیش از آن نیست خدائی سزاوار پرستش مگر تو ای پروردگار بلد حرام

والمشعر الحرام والبيت العتيق الذي أحللته البركة وجعلته للناس

و مشعر حرام و خانه کهنه که فرود آوردی در آن برکت و گردانیدی برای مردم

أمنة يا من عفا عن العظيم من الذنوب بحلمه يا من أسبغ النعمة بفضله

وسیله ایمنی ای آنکه درگذشته از بزرگ گناهان به بردباری خود ای آنکه تمام کرده نعمت را ببخشش خود

يا من أعطى الجزيل بكرمه يا عدتي في شدتي يا صاحبي في وحدتي يا غياثي

ای آنکه بخشیده عطیه بسیار به بزرگواری خود ای ذخیره من در حال سختی من ای یار من در تنهائی من ای فریادرس من

في كربتي يا مونسي في حفرتي يا ولي نعمتي يا إلهي وإله آبائي إبراهيم

در وقت اندوه من ای انیس من در قبر من ای خداوند نعمت من ای خدای من و خدای پدران من ابراهیم

وإسماعيل وإسحاق ويعقوب ورب جبرئيل وميكائيل وإسرافيل ورب

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ای پروردگار

محمد خاتم النبيين وآله المنتجبين ومنزل التوراة والإنجيل والزبور

محمد آخر پیغمبران و خاندان برگزیدگان او و فرستنده توریت و انجیل و زبور

والفرقان ومنزل كهيعص وطه ويس والقرآن الحكيم أنت

و فرقان و فرود آورنده کهیعص و طه و یس و قرآن محکم تو

كهفي حين تعييني المذاهب في سعتها وتضيق علي الأرض برحبها

پناه منی هنگامیکه عاجز کنند مرا راهها با فراخی آنها و تنگ شود بر من زمین با گشادگی آن

وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَاَنْتَ مُقِيلُ عَثْرَتِي وَلَوْلَا سَتْرُكَ

و اگر نمی بود رحمت تو هر اینه بودم از هلاک شدگان و تو درگذرنده از لغزش منی و اگر نمی بود پوشانیدن تو

اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ وَاَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى اَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ

مرا هر اینه بودم از رسوا شدگان و توئی قوت دهنده مرا بیاری دادن بر دشمنان و اگر نمی بود یاری تو

اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِيَاؤُهُ

مرا هر اینه بودم از مغلوبان ای آنکه مخصوص کرد خود را به بلندی و رفعت پس دوستان او

بِعِزِّهِ يَعْتَزُّونَ يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمَذَلَّةِ عَلَى اَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ

بارجمندی او ارجمندند ای آنکه گذاشته اند برای او پادشاهان لیاد خواری بر گردنهای خود پس ایشان

مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ تَعْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبَ

از غضبهای او ترسانند میداند خیانت دیده ها را و آنچه را پنهان میدارند سینه ها و نهانی

مَا تَاْتِي بِهِ الْاَزْمَانُ وَالدُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ

آنچه می آورد آنرا زمانه ها و روزگارها ای آنکه نمیداند هیچکس که چگونه اوست مگر او ای آنکه نمیداند

مَا يَعْلَمُهُ اِلَّا هُوَ يَا مَنْ كَبَسَ الْاَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَنْ لَهُ

آنچه را که میداند او مگر او ای آنکه گسترد زمین را بر آب و بند کرد هوا را بآسمان ای آنکه برای اوست

اَكْرَمُ الْاَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ اَبَداً يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ لِيُوسُفَ

گرامیترین نامها ای خداوند احسانی که بریده نشود هرگز ای گمارنده سواران کاروان برای یوسف

فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكاً يَا رَادَّ يُوسُفَ

در شهر خالی از آب و گیاه و بیرون آورنده او از چاه و گرداننده او پس از بندگی پادشاهی ای گرداننده یوسف

عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ اَنِ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ

بر یعقوب پس از آنکه سفید گشته بود دیده های او از اندوه پس بود او خشم فرو خورنده ای ازاله کننده رنج

وَالْبَلَاءِ عَنْ اَيُّوبَ يَا مُمْسِكَ يَدَيْ اِبْرَاهِيمَ عَنْ ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ

و بلا از ایوب ای باز دارنده دست ابراهیم از گلو بریدن از پسر خود پس از آنکه زیاده گشته بود

وحيدا يا من استجاب لزكريا فوهب له يحيى ولم يدعه فردا

پس رسیده بود دعای او ای آنکه اجابت کرده مر زکریا را پس بخشید باو یحیی را و بگذاشت او را تنها

وحيدا يا من اخرج يونس من بطن الحوت يا من فلق البحر لبني اسرائيل

یگانه ای آنکه بیرون آورد یونس را از شکم ماهی ای آنکه شکافت دریا را جهت پسران یعقوب

فانجاهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقين يا من ارسل الرياح مبشرات

پس رهانید ایشان را و گردانید فرعون و لشکرهای او را از غرق شدگان ای آنکه فرستاد بادها را مژده دهنده

بين يدي رحمته يا من لم يعجل على من عصاه من خلقه يا من استنقذ

پیش از فرود آمدن رحمت خود ای آنکه شتاب نکرده بر مواخذه آنکه نافرمانی کرده او را از خلق او ای آنکه نجات داد

السحرة من بعد طول الجحود وقد غدوا في نعمته يأكلون رزقه و

جادوگران را پس از درازی انکار و بحقیقت صبح میکردند در نعمت او میخوردند روزی او را و

يعبدون غيره وقد حادّوه ونادّوه وكذّبوا رسله يا الله يا بديع لا بدء لك يا دائما

می پرستیدند غیر او را و بحقیقت دشمنی میکردند با او و مخالفت او را و بدروغ نسبت میدادند فرستادگان او را ای خدا ای پدید آورنده بی ابتدا ای همیشه

لا نفاد لك يا حي حين لا حي يا محيي الموتى يا من هو قائم على كل نفس

که نیست نیستی مر ترا ای زنده هنگامی که نباشد زنده ای زنده کننده مردگان ای آنکه او نگهبان است بر هر نفس

بما كسبت يا من قل له شكري فلم يحرمني وعظمت عنده خطيئتي

بآنچه کسب نمود ای آنکه اندک بود برای او سپاس گذاری من پس نا امید نکرد مرا و بزرگ بود نزد او گناه من

فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني يا من حفظني في صغري يا من

پس رسوا نکرد مرا و دید مرا بر نافرمانیها پس خوار نگذاشت مرا ای آنکه نگاه داشت مرا در حال خوردی ای آنکه

رزقني في كبري يا من اياديه عندي لا تحصى يا من نعمه عندي لا تجازى

روزی داد مرا در حال بزرگی من ای آنکه نعمتهای او نزد من شمرده نشود ای آنکه نعمتهای او نزد من شکر کرده نشود

يا من عارضني بالخير والاحسان وعارضته بالاساءة والعصيان

ای آنکه معارضه کرد مرا به نیکوئی و احسان و معارضه کردم من او را به بدی و نافرمانی

يَا مَنْ هَدَانِي بِالْإِيمَانِ قَبْلَ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْامْتِنَانِ وَيَا مَنْ دَعَوْتُهُ

ای آنکه راه نمود مرا با ایمان پیش از آنکه بشناسم شکر انعام را ای آنکه خواندم او را

مَرِيضًا فَشَفَانِي وَعُرْيَانًا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَأَطْعَمَنِي وَعَطْشَانًا فَأَرْوَانِي

در بیماری پس شفا داد و برهنه بودم پس پوشانید مرا و در گرسنگی پس اطعام کرد مرا و در تشنگی پس سیراب کرد مرا

وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا فَرَدَّنِي

و در خواری پس ارجمند ساخت مرا و در نادانی پس شناسا کرد مرا و در بیکسی پس بسیار کرد مرا و در مسافرت برگردانید

وَمُقِلًّا فَأَغْنَانِي وَمُنْتَصِرًا فَنَصَرَنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَأَمْسَكْتُ عَنْ

و در نیازمندی پس بی نیاز کرد مرا و در حال یاری خواهی پس یاری کرد مرا و در توانگری پس سلب نکرد و امساک نمودم از

جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَنَفَّسَ كُرْبَتِي

همه آنها پس آغاز کرد مرا پس تراست سپاس ای آنکه درگذشت از لغزش من و زائل کرد اندوه مرا

وَأَجَابَ دَعْوَتِي وَسَتَرَ عَوْرَتِي وَغَفَرَ ذُنُوبِي وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَنَصَرَنِي عَلَى

و پذیرفت دعای مرا و پوشانید عورت مرا و آمرزید گناهان مرا و رسانید مرا به خواهش و یاری داد مرا بر

عَدُوِّي وَإِنْ أَعُدَّ نِعَمَكَ وَمِنَنَكَ وَكَرَائِمَ مِنَحِكَ لَا أُحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ أَنْتَ

دشمن من و اگر خواهم بشمارم نعمتهای ترا و انعامهای ترا و بخششهای گرامی ترا نشمرم آنها را ای آقای من

الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ

آنکه انعام کردی تو آنکه بخشش نمودی تو آنکه نکوئی کردی تو آنکه بخشش نمودی

أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي

تو آنکه انعام کردی تو آنکه تمام و کامل نمودی تو آنکه روزی دادی تو آنکه

وَفَّقْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَغْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ

توفیق دادی تو آنکه عطا فرمودی تو آنکه بی نیاز کردی تو آنکه سرمایه دادی

أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ

تو آنکه جا دادی تو آنکه کفایت نمودی تو آنکه راه نمودی تو آنکه نگاه داشتی

يا من هداني بالإيمان قبل أن أعرف شكر الامتنان

ای آنکه راه نمود مرا با ایمان پیش از آنکه بشناسم شکر انعام را ای آنکه

مريضاً فشفاني وعرياناً فكساني وجائعاً فأطعمني وعطشاناً فأرواني

در بیماری پس شفا داد و برهنه پس پوشانید مرا و در گرسنگی پس اطعام نمود مرا و در تشنگی پس سیراب کرد مرا

وذليلاً فأعزّني وجاهلاً فعرّفني ووحيداً فكثّرني وغائباً فردّني

و در خواری پس ارجمند ساخت مرا و در نادانی پس شناسا کرد مرا و در بیکسی پس بسیار کرد مرا و در غایب بودن بازگردانید مرا

ومقلّاً فأغناني ومنتصراً فنصرني وغنياً فلم يسلبني وأمسكت عن

و در نیازمندی پس بی‌نیاز کرد مرا و در حالی که یاری خواستم پس یاری کرد مرا و در توانگری پس سلب نکرد از من و باز ایستادم از

جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد يا من أقال عثرتي ونفّس كربتي

همه آنها پس آغاز کرد مرا پس مر تراست سپاس ای آنکه در گذشت از لغزش من و زائل کرد اندوه مرا

وأجاب دعوتي وستر عورتي وغفر ذنوبي وبلّغني طلبتي ونصرني على

و پذیرفت دعای مرا و پوشانید عورت مرا و آمرزید گناهان مرا و رسانید مرا بخواهش من و یاری داد مرا بر

عدوّي وإن أعدّ نعمك ومننك وكرائم منحك لا أحصيها يا مولاي أنت

دشمن من و اگر خواهم بشمارم نعمتهای ترا و انعامهای ترا و بخششهای گرامی ترا نتوانم شمرد آنها را ای آقای من توئی

الذي أنعمت أنت الذي أحسنت أنت الذي أجملت أنت الذي أفضلت

آنکه انعام کردی توئی آنکه نکوئی کردی توئی آنکه بخشش نمودی

أنت الذي مننت أنت الذي أكملت أنت الذي رزقت أنت الذي

توئی آنکه انعام کردی توئی آنکه تمام و کامل نمودی توئی آنکه روزی دادی توئی آنکه

وفّقت أنت الذي أعطيت أنت الذي أغنيت أنت الذي أقنيت

توفیق دادی توئی آنکه عطا فرمودی توئی آنکه بی‌نیاز کردی توئی آنکه سرمایه دادی

أنت الذي آويت أنت الذي كفيت أنت الذي هديت أنت الذي عصمت

توئی آنکه جا دادی توئی آنکه کارگذاری نمودی توئی آنکه راه نمودی توئی آنکه نگاه داشتی

فانتصر فبأي شيء أستقبلك يا مولاي أبسمعي أم ببصري أم بلساني

پس انتقام کشم پس بکدام چیز از چیزها پیش آیم ترا ای آقای من آیا بگوش خود یا بچشم خود یا بزبان خود

أم بيدي أم برجلي أليس كلها نعمك عندي وبكلها عصيتك يا مولاي

یا بدست خود یا بپای خود آیا نیست همه نعمتهای تو نزد من و بهمه آنها نافرمانی کردم ترا ای آقای من

فلك الحجة والسبيل علي يا من سترني من الآباء والأمهات أن يزجروني

پس مر تراست حجت و راه بر من ای آنکه پوشانید مرا از پدران و مادران از آنکه زجر کنند مرا

ومن العشائر والإخوان أن يعيروني ومن السلاطين أن يعاقبوني

و از خویشان و برادران از آنکه سرزنش کنند مرا و از پادشاهان از آنکه عذاب کنند مرا

ولو اطلعوا يا مولاي على ما اطلعت عليه مني إذاً ما أنظروني ولرفضوني

و اگر مطلع میشدند ای آقای من بر آنچه تو مطلع شدی از من بر آن آنوقت مهلت نمیدادند و هر آینه ترک میکردند مرا

وقطعوني فها أنا ذا بين يديك يا سيدي خاضعاً ذليلاً حصيراً حقيراً

و می بریدند از من پس اینک من پیش توام ای سرور من فروتنی کننده خوار شکسته دل بیمقدار

لا ذو براءة فأعتذر ولا ذو قوة فأنتصر ولا حجة لي فأحتج بها ولا قائل

نه خداوند بیزاری از گناهان پس عذر خواهی کنم و نه خداوند توانائی پس انتقام کشم و نه حجتی برای من پس حجت آرم و نه گوینده

لم أجترح ولم أعمل سوءاً وما عسى الجحود لو جحدت يا مولاي ينفعني فكيف

که کسب نکردم گناهی و نکردم بدی و نشاید انکار اگر انکار کنم ای آقای من سود بخشد مرا پس چگونه

وأنى ذلك وجوارحي كلها شاهدة علي بما قد عملت يقيناً غير ذي شك أنك

و کجاست آن و عضوهای من همه آنها گواه اند بر من بآنچه تحقیق کرده ام از روی یقین حال آنکه نیستم شک دارنده که تو

سائل عن عظائم الأمور وأنك الحكيم العدل الذي لا يجور وعدلك مهلكي

سؤال کننده از کارهای بزرگ و آنکه بتحقیق توئی رب گفتار عادلی که ستم نکند و عدالت تو هلاک کننده است مرا

ومن كل عدلك مهربي فإن تعذبني فبذنوبي يا إلهي بعد حجتك علي وإن تعف عني

و از همه عدالت تو گریختن من پس اگر عذاب کنی مرا پس بسبب گناهان است ای خدای من بعد از حجت گرفتن تو بر من و اگر بگذری

لما قدرت ولا هو على ذلك تقدست وتعاليت من رب عظيم

هر اینه قدرت نداشتی بر نه ایشان بر آن پاکی تو و برتری که پروردگار بزرگ مرتبه

لا نحصي آلاءك ولا نبلغ ثناءك ولا نكافي نعماءك صل على محمد وآل محمد

شمره نشود نعمتهای تو و نرسد به ستایش تو و شکر کرده نشود نعمتهای تو رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و

أتمم علينا نعمك وأسعدنا بطاعتك سبحانك لا إله إلا أنت اللهم إنك

تمام کن بر ما نعمتهای خود را و نیکبخت کن ما را بفرمان برداری خود پاکی تو نیست سزاوار پرستش مگر تو بار خدایا بدرستیکه تو

تجيب دعوة المضطر إذا دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي

می پذیری دعای درمانده را هر گاه بخواند ترا و زائل میکنی بدحالی را و بفریاد میرسی غمناک را و شفا میبخشی

السقيم وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس

بیمار را و غنی میکنی نیازمند را و درست میکنی شکسته را و مهربانی میکنی خرد را و مدد میکنی بزرگ را و نیست

دونك ظهير ولا فوقك قدير وأنت العلي الكبير يا مطلق المكبل

غیر تو یاوری و برتر از تو توانایی و توئی بلند مرتبه بزرگوار ای رها کننده بند بر پا

الأسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك له

گرفتار ای روزی دهنده طفل خرد ای نگاهدارنده ترسنده زینهار جوینده ای آنکه نیست انبازی برای او

ولا وزير صل على محمد وآل محمد وأعطني في هذه العشية أفضل ما أعطيت

و نه وزیری و یاوری رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و ببخش مرا درین شبانگاه بهتر از آنچه بخشیدی

وأنلت أحدا من عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها وبلية تصرفها وكربة

و رسانیدی یکی از بندگان خود را از نعمتی که انعام میکنی آنرا و نعمتهای تازه میکنی آنها را و بلایی که میگردانی آنرا

تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها وسيئة تغفرها إنك لطيف خبير

و زائل میکنی آنرا و دعایی که میشنوی آنرا و نیکویی که قبول میکنی آنرا و بدی که میآمرزی آنرا بدرستیکه تو مهربان آگاهی

وعلى كل شيء قدير اللهم إنك أقرب من دعي وأسرع من أجاب وأكرم من عفا

و بر همه چیز توانایی بار خدایا بدرستیکه تو نزدیکتری از هر که خوانده شود و شتابنده تری از هر که جواب دهد و کریمتری از هر که عفو کند

وَاَوْسَعُ مَنْ اَعْطٰى وَاَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ يَا رَحْمٰنَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَرَحِيْمَهُمَا

و فراگیرنده تر از هر که بخشش نموده و شنواتر از هر که سوال کرده شده ای مهربان دنیا و مهربان آخرت و مهربان هر دو

لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُوْلٌ وَلَا سِوَاكَ مَاْمُوْلٌ دَعَوْتُكَ فَاَجَبْتَنِيْ وَسَاَلْتُكَ فَاَعْطَيْتَنِيْ

نیست مانند تو هیچ سوال کرده شده و نیست غیر تو امید داشته شده خواندم ترا پس قبول کردی دعای مرا و خواستم از تو پس عطا کردی

وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِيْ وَوَثِقْتُ بِكَ فَنَجَّيْتَنِيْ وَفَزِعْتُ اِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِيْ اَللّٰهُمَّ

و رغبت نمودم بسوی تو پس رحم کردی و اعتماد کردم بتو پس نجات دادی مرا و پناه بردم بسوی تو پس کفایت کردی مرا خداوندا

فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُوْلِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلٰى اٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ

پس رحمت فرست بر محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تو و بر آل پاکیزگان پاکان او

اَجْمَعِيْنَ وَتَمِّمْ لَنَا نَعْمَاۤءَكَ وَهَنِّئْنَا عَطَاۤءَكَ وَاجْعَلْنَا لَكَ شَاكِرِيْنَ

همگی و تمام کن برای ما نعمتهای خود را و گوارا کن برای ما بخشش خود را و بگردان ما را برای خود سپاس گذاران

وَلِاٰلَاۤئِكَ ذَاكِرِيْنَ اٰمِيْنَ اٰمِيْنَ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقَدَرَ

و نعمتهای ترا یاد کنندگان قبول کن قبول کن ای پروردگار جهانیان بار خدایا ای آنکه مالک شد پس توانا شد

وَقَدَرَ فَقَهَرَ وَعُصِيَ فَسَتَرَ وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ يَا غَايَةَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِيْنَ

و توانا شد پس غلبه کرد و نافرمانی کرده شد پس پوشید و طلب آمرزش نموده شد پس آمرزید ای نهایت خواهش خواهندگان

وَمُنْتَهٰى اَمَلِ الرَّاجِيْنَ يَا مَنْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيْلِيْنَ رَاْفَةً

و ای منتهای امید امیدواران ای آنکه فرو گرفته هر چیزی را بدانش و فرا گرفته آمرزش طلبان را از روی مهربانی

وَرَحْمَةً وَحِلْمًا اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ فِيْ هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِيْ شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا

و بخشایش و بردباری خداوندا بدرستیکه ما روی آوریم بسوی تو در این شبانگاه که مشرف کردی آن را و بزرگ کردی آن را

بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُوْلِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَاَمِيْنِكَ عَلٰى وَحْيِكَ الْبَشِيْرِ

بوسیله محمد پیغمبر تو و برگزیده تو از خلق تو و معتمد تو بر پیغام تو مژده دهنده

النَّذِيْرِ السِّرَاجِ الْمُنِيْرِ الَّذِيْ اَنْعَمْتَ بِهٖ عَلَى الْمُسْلِمِيْنَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِيْنَ

بیم نماینده چراغ روشن آنکه انعام کردی بآن بر مسلمانان و گردانیدی او را بخشایش برای جهانیان

غیرك نافذ فینا حكمك محیط بنا علمك عدل فینا قضاؤك اقض لنا

غیر تو روان است درباره ما حکم تو فرا گرفته است ما را دانش تو عادل است درباره ما حکم تو مقدر کن برای ما

الخیر واجعلنا من اهل الخیر اللهم اوجب لنا بجودك عظیم الاجر وكریم

نیکی را و بگردان ما را از اهل نیکی خداوندا واجب گردان برای ما ببخشش خود مزد بزرگ

الذخر ودوام الیسر واغفر لنا ذنوبنا اجمعین ولا تهلكنا مع الهالكین و

و ذخیره گرامی و آسانی دائمی و بیامرز برای ما گناهان ما را همه ما را و هلاک مکن ما را با هلاک شوندگان و

لا تصرف عنا رأفتك برحمتك یا ارحم الراحمین اللهم اجعلنا فی هذا الوقت

بگردان از ما مهربانی خود ببخشش خود ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا بگردان ما را در این وقت

ممن سألك فاعطیته وشكرك فزدته وتاب الیك فقبلته وتنصل

از آنکه درخواست از تو پس عطا کردی او را و سپاس کرد ترا پس افزون نمودی او را و رجوع کرد بسوی تو پس پذیرفتی او را و بیزاری جست

الیك من ذنوبه كلها فغفرتها له یا ذا الجلال والاكرام اللهم وفقنا

بسوی تو از گناهان خود همه آنها پس آمرزیدی آنها را برای او ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن خداوندا توفیق ده ما را

وسددنا واعصمنا واقبل تضرعنا یا خیر من سئل ویا ارحم من استرحم

و درست کن کار ما را و نگاه دار ما را و بپذیر زاری ما را ای بهترین کسیکه سوال کرده شده و ای بخشنده ترین کسیکه طلب رحم کرده شده

یا من لا یخفی علیه اغماض الجفون ولا لحظ العیون ولا ما استقر فی

ای آنکه پنهان نیست بر او برهم نهادن پلکها و نه نگریستن بگوشه دیده ها و نه آنچه ثابت است در

المكنون ولا ما انطوت علیه مضمرات القلوب الا كل ذلك قد احصاه

امور پوشیده و نه آنچه در نوردیده شده بر آن نهانهای دلها مگر همه آنها بحقیقت احاطه کرده آن را

علمك ووسعه حلمك سبحانك وتعالیت عما یقول الظالمون علوا

دانش تو و فرا گرفته آنها را بردباری تو پاکی تو و برتری تو از آنچه میگویند ستمکاران برتری

كبیرا تسبح لك السموات السبع والارضون ومن فیهن وان من شیء الا یسبح

بغایت تسبیح میکنند مر ترا آسمانهای هفتگانه و زمین و آنکه در آنهاست و نیست هیچ چیز مگر آنکه تسبیح میکند

بِحَمْدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ مَجْدُكَ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ وَالْفَضْلِ

بسپاس تو مر تراست سپاس بزرگوار و بلندی عظمت ای خداوند بزرگوار و گرامی و احسان و بخشش

وَالْاِنْعَامِ وَالْاَيَادِي الْجِسَامِ وَاَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ

و نعمت دادن و نعمتهای بزرگ و توئی بخشنده بزرگوار مهربان رحمت کننده

اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَاٰمِنْ

خداوندا فراخ کن بر من از روزی حلال خود و عافیت ده مرا در بدن و دین من و ایمن دار

خَوْفِي وَاَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ لَا تَمْكُرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي

ترس مرا و آزاد کن گردن مرا از آتش خداوندا مکر کن با من و مستدرج کن با من

وَلَا تَخْدَعْنِي وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ

و خوار مگذار مرا و دفع کن از من بدی بدکاران دیوان و آدمیان

پس رو و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرده از دیده های مبارکش آب میریخت مانند دو مشک که بعد

يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ وَيَا اَبْصَرَ النَّاظِرِينَ وَيَا اَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا اَرْحَمَ

ای شنواترین شنوندگان و ای بیناترین نگرندگان ای زودترین حساب کنندگان ای رحم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ وَاَسْئَلُكَ اَللّٰهُمَّ حَاجَتِي

رحم کنندگان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد سرداران با برکت و میخواهم از تو خداوندا حاجت خود را

الَّتِي اِنْ اَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَاِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا اَعْطَيْتَنِي

آن حاجتی که اگر عطا کنی مرا آنها ضرر نرساند مرا آنچه باز داری از من و اگر باز داری از من نفع ندهد مرا آنچه بمن دهی

اَسْئَلُكَ فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

سوال میکنم از تو آزادی گردن خود را از آتش نیست سزاوار پرستش مگر تو حال آنکه یگانه نیست شریکی برای تو

لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

مر تراست پادشاهی و مر تراست سپاس و تو بر همه چیز توانائی ای پروردگار من ای پروردگار من

پس مکرر میگفت یا رب و صدا بگریه بلند شده بود که روانه جانب مشعر الحرام شدند

وسید ابن طاوس رضی الله عنه بسند معتبر روایت کرده اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام که در روز عرفه چون زوال شمس بشود نماز ظهر و عصر را بکن پس بر بجل و توقف و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه سوره قل هو الله احد و صد مرتبه سوره انا انزلناه بخوان پس این دعا را بخوان

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ

نیست سزاوار پرستش مگر خدای بردبار بزرگوار نیست سزاوار پرستش مگر خدای بلند مرتبه بزرگ پاک است خداوند پروردگار

السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَهُوَ رَبُّ

آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و او پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ اَعْبُدُ وَاِيَّاكَ

عرش بزرگ است و سپاس مر خدای راکه پروردگار جهانیان است خداوندا ترا می پرستم و از تو

اَسْتَعِينُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اُرِيدُ اَنْ اُثْنِيَ عَلَيْكَ فَمَا عَسٰى اَنْ اَبْلُغَ مِنْ مَدْحِكَ

یاری میجویم خداوندا بدرستیکه میخواهم اینکه ستایش کنم ترا و نزدیک نیست که بتوانم رسید به نهایت ستایش تو

مَعَ قِلَّةِ عَمَلِي وَقِصَرِ رَاْيِي وَاَنْتَ الْخَالِقُ وَاَنَا الْمَخْلُوقُ وَاَنْتَ الْمَالِكُ وَاَنَا

با کمی کردار خود و کوتاهی فکر خود و توئی آفریدگار و منم آفریده شده و توئی خداوند و منم

الْمَمْلُوكُ وَاَنْتَ الرَّبُّ وَاَنَا الْعَبْدُ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ وَاَنَا الذَّلِيلُ وَاَنْتَ الْقَوِيُّ

مملوک و توئی پروردگار و منم بنده و توئی ارجمند و منم ذلیل و خوار و توئی توانا

وَاَنَا الضَّعِيفُ وَاَنْتَ الْغَنِيُّ وَاَنَا الْفَقِيرُ وَاَنْتَ الْمُعْطِي وَاَنَا السَّائِلُ

و منم ناتوان و توئی بی نیاز و منم نیازمند و توئی بخشنده و منم خواهنده

وَاَنْتَ الْغَفُورُ وَاَنَا الْخَاطِئُ وَاَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَاَنَا خَلْقٌ اَمُوتُ

و توئی آمرزگار و منم گنهکار و توئی زنده که نمی میری و منم آفریده که می میرم

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

خداوندا توئی خدا نیست معبودی جز تو پروردگار جهانیان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

غالب است کردار و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو بلند مرتبه بزرگ و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو

الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ مَالِكُ يَوْمِ الدِّينِ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ

آمرزگار مهربان و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو صاحب روز جزا و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر

اَنْتَ مِنْكَ بَدْءُ الْخَلْقِ وَاِلَيْكَ يَعُودُ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ لَمْ تَزَلْ وَلَا تَزَالُ

تو از تست نخستین آفرینش خلق و بسوی تو باز میگردد خلق و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو همیشه بودی و همیشه خواهی بود

وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ خَالِقُ

و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده بهشت و دوزخ و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده

الْخَيْرِ وَالشَّرِّ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْوَاحِدُ الْاَحَدُ الْفَرْدُ الصَّمَدُ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ

نیک و بد و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو یگانه یکتای تنهای بی‌نیاز نزاده و نزائیده شده

وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُواً اَحَدٌ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ

و نیست مر ترا مانند هیچ کس و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو دانای نهان و آشکار بخشاینده

الرَّحِيمُ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ

مهربان و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو پادشاهی پاکی از نقصها سالمی از عیبها امان دهنده

الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْخَالِقُ

غالبی کار فرمائی بقهر و غلبه بزرگواری منزه است خدا از آنچه شریک می‌دانند و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو آفریننده

الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَكَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَ

پدید آورنده نگارنده صورتی مر تراست نامهای نیک تنزیه میکند ترا آنچه در آسمانهاست و زمین و

اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَنْتَ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِي وَالْكِبْرِيَاءُ

تویی غالب درست کردار و تویی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو بزرگواری بلند مرتبه و بزرگواری

رِدَاؤُكَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ سَابِغُ النَّعْمَاءِ حَسَنُ الْبَلَاءِ جَزِيلُ الْعَطَاءِ مُقْسِطُ الْقَضَاءِ

ردای تست خداوندا بدرستیکه تو کامل نعمتی نیکو انعامی بسیار بخشش عدالت کننده در حکم

باسطُ الیدین بالرّحمة نفّاعٌ بالخیرات کاشفُ الکربات رفیعُ الدّرجات

کشاده دستها بخشایش بغایت سود بخشی به نیکیها زائل کننده غمها بلند گرداننده مرتبها

منزلُ الآیات من فوق سبع سماوات عظیمُ البرکات مخرجُ من فی

فرو فرستنده آیات و نشانهای قدرت از بالای هفت آسمان صاحب برکتها و فرا یا بزرگی بیرون آورنده آنرا که

الظّلمات الی النّور مبدّلُ السّیّئات حسنات و جاعلُ الحسنات

تاریکیهاست بسوی روشنائی بدل کننده گناهان به نیکیها و گرداننده نیکوییها را

درجات اللّهمّ انّک دنوت فی علوّک و علوت فی دنوّک فدنوت

مرتبها خداوندا بدرستیکه تو نزدیک شدی در بلندی خود و بلند شدی در نزدیکی خود پس نزدیک شدی

فلیس دونک شیءٌ و ارتفعت فلیس فوقک شیءٌ تری و لا تُری و

پس نیست نزدیک تر از تو چیزی و بغایت بلند شدی پس نیست بالای تو هیچ چیزی می بینی و دیده نمیشوی و

انت بالمنظر الاعلی فالق الحبّ و النّوی لک ما فی السّماوات العلی

تو در دیدگاه بلندتری شکافنده دانه و هستهای خرما مر تراست آنچه در آسمانهای بلند است

و لک الکبریاء فی الآخرة و الاولی اللّهمّ انّک غافر الذّنب شدید

و مر تراست بزرگواری در آنجهان و اینجهان خداوندا بدرستیکه تو آمرزنده گناهی سخت

العقاب ذو الطّول لا اله الّا انت الیک المصیر وسعت رحمتک

عقوبتی خداوند انعامی نیست خدایی مگر تو بسوی تست بازگردیدن فرا گرفته رحمت تو

کلّ شیءٍ و بلغت حجّتک و لا معقّب لحکمک و انت لا تخیّب

هر چیزی را و در رسید حجت تو و نیست بازپس دارنده مر حکم ترا و تو نا امید نمی سازی

سائلک انت الّذی لا رافع لما وضعت و لا واضع لما رفعت انت

سوال کننده خود را توئی آنکه نیست بلند سازنده مر آنچه را که پست کنی تو و نیست پست کننده مر آنچه را که بلند کنی تو

الّذی ثبّت کلّ شیءٍ بحکمتک و احصیت کلّ شیءٍ بعلمک و ابرمت

آنکه ثابت داشتی هر چیز را بحکمت و مصلحت خود و احاطه کردی هر چیز را بدانش خود و محکم نمودی

كُلُّ شَيْءٍ بِحُكْمِكَ وَلَا يَفُوتُكَ شَيْءٌ بِعِلْمِكَ وَلَا يَمْتَنِعُ عَنْكَ شَيْءٌ

هر چیزی را بحکم خود و فوت نشود از تو چیزی بدانش تو و ممتنع نشود از تو چیزی

اَنْتَ الَّذِي لَا يُعْجِزُكَ هَارِبُكَ وَلَا يَنْفَعُ صَرِيعُكَ وَلَا يَحْيَى قَتِيلُكَ اَنْتَ

توئی آنکه عاجز نسازد ترا گریزنده از تو و بر نمیخیزد افکنده تو و زنده نگردد کشته تو تو

عَلَوْتَ فَقَهَرْتَ وَمَلَكْتَ فَقَدَرْتَ وَبَطَنْتَ فَخَبَرْتَ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ

بلند شدی پس غلبه کردی مالک شدی پس توانا شدی و دانا باطن امور شدی پس با خبر شدی و بر هر چیز

ظَهَرْتَ عَلِمْتَ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَتَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ

ظاهر شدی و دانستی خیانت دیده ها را و آنچه را که پنهان دارند سینه ها و میدانی آنچه را که بر میدارد هر

اُنْثٰى وَمَا تَضَعُ وَمَا تَغِيضُ الْاَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَكَ

زنی و آنچه مینهاید و آنچه را کاهد رحمها از اعضا و آنچه بیفزاید بر اعضا و هر چیز نزد تو

بِمِقْدَارٍ اَنْتَ الَّذِي لَا تَنْسٰى مَنْ ذَكَرَكَ وَلَا تُضَيِّعُ مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ

باندازه ایست توئی آنکه وانمیگذاری آنرا که یاد کرده ترا و ناچیز نمیکنی آنرا که توکل نموده بر تو

اَنْتَ الَّذِي لَا يَشْغَلُكَ مَا فِي جَوِّ اَرْضِكَ عَمَّا فِي جَوِّ سَمٰوَاتِكَ وَلَا يَشْغَلُكَ

توئی آنکه باز نمیدارد ترا آنچه در فضای زمین تست از آنچه در فضای آسمان تست باز نمیدارد ترا

مَا فِي جَوِّ سَمٰوَاتِكَ عَمَّا فِي جَوِّ اَرْضِكَ اَنْتَ الَّذِي تَعَزَّزْتَ فِي مُلْكِكَ

آنچه در فضای آسمان تست از آنچه در زمین تست توئی آنکه بغایت عزیزی در پادشاهی خود

وَلَمْ يُشْرِكْكَ اَحَدٌ فِي جَبَرُوتِكَ اَنْتَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ مُلْكُكَ وَ

و شریک نیست ترا هیچکس در بزرگواری تو توئی آنکه برتر است هر چیزی را پادشاهی تو و

مَلَكَ كُلَّ شَيْءٍ اَمْرُكَ اَنْتَ الَّذِي مَلَكْتَ الْمُلُوكَ بِقُدْرَتِكَ وَاسْتَعْبَدْتَ

مالک است هر چیز را فرمان تو توئی آنکه مالک شدی پادشاهان را بتوانائی خود و بنده گرفتی

الْاَرْبَابَ بِعِزَّتِكَ وَاَنْتَ الَّذِي قَهَرْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُوَّتِكَ وَعَلَوْتَ كُلَّ شَيْءٍ

مهتران را بغلبه خود توئی آنکه مغلوب کردی هر چیز را به توانائی خود و برتر شدی هر چیز را

بفضلك انت الذي لا يستطاع كنه وصفك ولا منتهى لما عندك

ببزرگی خود توئی آنکه مقدور نیست رسیدن بپایان ستایش تو و نیست نهایتی مرانچه نزد تست

انت الذي لا يصف الواصفون عظمتك ولا يستطيع المؤملون

توئی آنکه نمی ستایند ستایندگان بزرگی ترا و طاقت ندارند امیدواران

تحويلك انت شفاء لما في الصدور وهدى ورحمة للمؤمنين انت

گردانیدن ترا توئی شفا بخشنده مر چیزی را که در سینه هاست راه نمائی و نیکوئی مر گروندگان را توئی

الذي لا يخيبك سائل ولا ينقصك نائل ولا يبلغ مدحتك

آنکه نرنجاند ترا سوال کننده و کم نمیکند خزانه ترا عطائی و نمیرسد ستایش ترا

مادح ولا قائل انت الكائن قبل كل شيء والمكون لكل شيء و

ستاینده و نه گوینده توئی موجود پیش از هر چیز و پدید آورنده هر چیز را و

الكائن بعد كل شيء انت الواحد الصمد الذي لم تلد ولم تولد و

موجود پس از هر چیز توئی یگانه پناه نیازمندان آنکه نزاده و نزائیده شده و

لم يكن لك كفوا احد ولم تتخذ صاحبة ولا ولدا السموات ومن

نیست مر ترا مانند هیچ کس و نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی آسمانها و آنچه

فيهن لك والارضون ومن فيهن لك وما بينهن احصيت كل شيء

در آنهاست برای تست زمینها و آنکه در آنهاست مر تراست و آنچه میان آنهاست شمردی تو هر چیز را

واحطت به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء وانت لا تسئل

و احاطه کردی بهر چیز از روی دانش و تو زیاده میکنی در آفرینش آنچه میخواهی و تو پرسیده نمیشوی

عما تفعل وهم يسئلون وانت الفعال لما تريد وانت القريب

از آنچه میکنی و آفریدگان پرسیده میشوند و توئی کننده مر آنچه را که اراده میکنی توئی نزدیک

وانت البعيد وانت السميع وانت البصير وانت الواحد وانت الماجد

و توئی دور و توئی شنوا و توئی بینا و توئی یگانه و توئی بزرگوار

وَانْتَ الْوَاجِدُ وَانْتَ الْعَلِيمُ وَانْتَ الْحَكِيمُ وَانْتَ الْغَنِيُّ وَانْتَ الْكَرِيمُ

وتویی توانگر وتویی دانا وتویی درست کردار وتویی بی نیاز وتویی بزرگوار

وَانْتَ الْبَارُّ وَانْتَ الرَّحِيمُ وَانْتَ الْقَادِرُ وَانْتَ الْقَاهِرُ لَكَ الْاَسْمَاءُ

وتویی نیکو کردار وتویی مهربان وتویی توانا وتویی غالب مر تراست نامهای

الْحُسْنٰى كُلُّهَا وَانْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا تَبْخَلُ وَانْتَ الْعَزِيزُ الَّذِي

نیک همه آنها وتویی بخشنده که بخل نمی کنی وتویی ارجمند که

لَا تَذِلُّ وَانْتَ مُمْتَنِعٌ لَا تُرَامُ يُسَبِّحُ لَكَ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَانْتَ

خوار نمیگردی وتویی امتناع کننده که قصد کرده نمی شوی تنزیه میکنند ترا آنچه در آسمانها و زمین است وتو

بِالْخَيْرِ اَجْوَدُ مِنْكَ بِالشَّرِّ اَنْتَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِيَ الْاَوَّلِينَ اَنْتَ تُجِيبُ

بنیکیها بخشنده تری از خود بگزندها و آزارهای پروردگار منی پروردگار پدران پیشینیان منی تو اجابت میکنی

الْمُضْطَرَّ اِذَا دَعَاكَ اَنْتَ نَجَّيْتَ نُوحًا مِنَ الْغَرَقِ وَانْتَ غَفَرْتَ

درماندگان را هرگاه بخوانند ترا تو رهانیدی نوح را از غرق شدن وتو آمرزیدی

لِدَاوُدَ ذَنْبَهُ وَانْتَ نَفَّسْتَ عَنْ ذِي النُّونِ كَرْبَهُ وَانْتَ كَشَفْتَ

برای داود گناه او را وتو زائل کردی از خداوند ماهی اندوه را وتو کشودی

عَنْ اَيُّوبَ ضُرَّهُ وَانْتَ رَدَدْتَ مُوسٰى عَلٰى اُمِّهِ وَانْتَ صَرَفْتَ قُلُوبَ

از ایوب بدحالی او را وتو برگردانیدی موسی را بسوی مادرش وتو گردانیدی دلهای

السَّحَرَةِ اِلَيْكَ حَتّٰى قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَانْتَ وَلِيُّ نِعْمَةِ الصَّالِحِينَ

جادوگران را بسوی خود تا آنکه گفتند ایمان آوردیم به پروردگار جهانیان تو متولی و متکفل نعمت نیکوکارانی

لَا يُذْكَرُ مِنْكَ اِلَّا الْحَسَنُ الْجَمِيلُ وَمَا لَا يُذْكَرُ اَكْثَرُ لَكَ الْآلَاءُ

یاد کرده نمی شود از تو مگر خوب نیک وآنچه یاد کرده نمیشود بیشتر است مر ترا نعمتها

وَالنِّعَمُ وَانْتَ الْمُحْسِنُ الْمُجْمِلُ لَا تُبْلَغُ مِدْحَتُكَ وَلَا الثَّنَاءُ عَلَيْكَ

وعطاهاست وتویی احسان کننده نیکو کردار نرسیده شود بستایش تو ونه ثنایی بر تو

وَاَحْصَيْتَ الْاَعْمَالَ وَعَلِمْتَ الْاَخْيَارَ وَبِيَدِكَ الْمَقَادِيرُ وَالْقُلُوبُ

شمرده کردارهای ما و دانستی نیکوکاران را و بدست تست اندازه ها و دلها

اِلَيْكَ مُقْتَصِدَةٌ وَالسِّرُّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةٌ وَالْمُهْتَدِي مَنْ هَدَيْتَ وَالْحَلَالُ

بسوی تو میل داده شده اند و پنهان نزد تو آشکار است و راه یافته کسیست که راه نمودی او را و حلال

مَا حَلَّلْتَ وَالْحَرَامُ مَا حَرَّمْتَ وَالدِّينُ مَا شَرَعْتَ وَالْاَمْرُ مَا قَضَيْتَ

چیزیست که حلال نمودی و حرام چیزیست که حرام کردی و دین چیزیست که تو روا داده و امر چیزیست که فرمان دادی

تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ اللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ

حکم میکنی و حکم کرده نمی شود بر تو خداوندا توئی اول پس نیست پیش از تو هیچ چیزی و توئی

الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْبَاطِنُ

آخر پس نیست پس از تو چیزی و توئی ظاهر پس نیست بالای تو چیزی و توئی باطن

فَلَيْسَ دُونَكَ شَيْءٌ وَاَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللّٰهُمَّ بِيَدِكَ مَقَادِيرُ اللَّيْلِ

پس نیست نزدیک تر از تو چیزی و توئی غالب راست گفتار درست کردار خداوندا بدست تست اندازه های شب

وَالنَّهَارِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ النَّصْرِ وَالْخِذْلَانِ وَبِيَدِكَ

و روز و بدست تست اندازه های آفتاب و ماه و بدست تست اندازه های یاری و خوار کردن

مَقَادِيرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَبِيَدِكَ مَقَادِيرُ الْمَوْتِ وَالْحَيٰوةِ وَبِيَدِكَ

اندازه های جهان و آن جهان و بدست تست اندازه های مرگ و زندگی و بدست تست

مَقَادِيرُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ

اندازه های نیک و بد رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من هر گناهی را

اَذْنَبْتُهُ فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ عَمْدًا اَوْ خَطَأً سِرًّا اَوْ عَلَانِيَةً اِنَّكَ

که کردم آن را در تاریکیهای شب و روشنائی روز از روی دانستگی یا خطا در پنهان یا آشکارا بدرستیکه تو

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

بر هر چیز توانائی و آن بر تو سهل آسان است و نیست قدرتی و نه توانائی

الا بالله العلي العظيم اللهم اني اثني عليك باحسن ما اقدر عليه

مگر بتوفیق خدا بلند مرتبه بزرگ خداوندا بدرستیکه من ستایش میکنم ترا به نیکوترین ستایشی که قادرم

واشكرك بما مننت به علي وعلمتني من شكرك اللهم لك الحمد

و سپاس میکنم ترا بانچه انعام کردی آن بر من و تعلیم کردی از سپاس گذاری خداوندا مر تراست سپاس

بمحامدك كلها على نعمائك كلها وعلى جميع خلقك حتى ينتهي الحمد

بسپاسهای تو همه آنها بر نعمتهای تو همه آنها و بر همه آفریدهای تو تا آنکه رسد سپاس

لك الى ما تحب ربنا وترضى اللهم لك الحمد عدد ما خلقت

ترا بانچه دوست میداری پروردگارا و پسندی خداوندا مر تراست سپاس بشمار انچه آفریدی

وعدد ما اردت وعدد ما ذرأت ولك الحمد عدد ما برأت

و بشمار انچه خواستی و بشمار انچه پیدا کردی و مر تراست حمد بشمار انچه خلق کردی

ولك الحمد عدد ما احصيت ولك الحمد عدد ما في السموات والارضين

و مر تراست سپاس بشمار انچه شمردی و مر تراست سپاس بشمار انچه در آسمانها و زمینها

ولك الحمد ملأ الدنيا والآخرة پس ده مرتبه بگوید لا اله الا الله وحده

و مر تراست سپاس بقدر پری دنیا و آخرت نیست سزاوار پرستش مگر خدا تنها

لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حي لا يموت

نیست شریکی برای او و مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میکند و میمیراند و او زنده است که نمی میرد

بيده الخير وهو على كل شيء قدير ده مرتبه بگوید استغفر الله الذي

بدست اوست همه خیر و او بر همه چیز تواناست طلب آمرزش میکنم از خدایی که

لا اله الا هو الحي القيوم واتوب اليه پس بگوید یا الله یا الله ده مرتبه

نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده و بازگشت میکنم بسوی او ای خدا ای خدا

یا رحمن یا رحمن ده مرتبه یا رحیم یا رحیم ده مرتبه یا بدیع السموات

ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای پدید آورنده آسمانها

وَالْاَرْضِ ده مرتبه يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ده مرتبه يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ

و زمين اى خداوند بزرگوارى و گرامى داشتن اى نعمت بخش مهربان اى بسيار بخشنده

ده مرتبه يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ ده مرتبه بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ده مرتبه اَللّٰهُمَّ

اى زنده اى پايدار بنام خداى بخشاينده مهربان خداوندا

صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ ده مرتبه پس گويد اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَاِلَيْكَ الْحَمْدُ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد خداوندا مر تراست سپاس و بسوى تست سزاوار سپاس

مُنْتَهَى الْحَمْدِ وَفِيَّ الْعَهْدِ عَزِيزَ الْجُنْدِ قَدِيمَ الْمَجْدِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

نهايت سپاس اى وفا كننده پيمان خداوند لشكر غالب بزرگوارى سپاس مر خدا را كه

كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ حِينَ لَا شَمْسٌ تُضِيءُ وَلَا قَمَرٌ يَسْرِي وَلَا بَحْرٌ يَجْرِي

بود علم او بر آب هنگاميكه نبود آفتابى كه روشنى بخشد و نه ماهى كه حركت كند و نه دريائى كه روان گردد

وَلَا رِيَاحٌ تَذْرِي وَلَا سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا اَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ وَلَا لَيْلٌ يَجْرِي وَلَا

و نه بادهاى كه بهوا برد و نه آسمانى برافراشته شده و نه زمينى گسترده و نه شبى كه بپوشاند و نه

نَهَارٌ يَكُنُّ وَلَا عَيْنٌ تَدْمَعُ وَلَا صَوْتٌ يُسْمَعُ وَلَا جَبَلٌ مُرْسًى وَلَا سَحَابٌ

روزى كه نگاهدارد و نه چشمى كه سرشك ريزد و نه صداى كه شنيده شود و نه كوهى ثابت داشته شده و نه ابرى

مُنْشَأٌ وَلَا اِنْسٌ مَبْرُوءٌ وَلَا جِنٌّ مَذْرُوءٌ وَلَا مَلَكٌ كَرِيمٌ وَلَا شَيْطَانٌ رَجِيمٌ

برانگيخته شده و نه آدمى آفريده شده و نه ديوى خلق كرده شده و نه فرشته بزرگوارى و نه شيطان رانده شده

وَلَا ظِلٌّ مَمْدُودٌ وَلَا شَيْءٌ مَعْدُودٌ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَحْمَدَ اِلٰى مَنِ اسْتَحْمَدَهُ

و نه سايه كشيده شده و نه چيزى شمرده شده سپاس مر خداى را كه حمد فرستاده بسوى آنكه ستايش كرده

مِنْ اَهْلِ مَحَامِدِهِ بِمَحَامِدِهِ عَلٰى مَا بَذَلَ مِنْ نَوَافِلِهِ الَّذِي

از اهل ستايشهاى او تا آنكه ستايش كنند او را بر آنچه بخشش فرمود از زيادتيهاى خود آن خداى كه

فَاقَ مَدْحَ الْمَادِحِينَ بِمَآثِرِ مَحَامِدِهِ وَعَلَا وَصْفَ الْوَاصِفِينَ

بالا شتافت ستايش نمايندگان از مكارم صفات او و در گذشت از ستايش ستايش كنندگان

هيبة جلاله هو اهل لكل حمد ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة

هيبت جلال او سزاوار هر سپاسی و منتهای هر خواهشی است و روا کننده هر حاجت

الواحد الذي لا بدأ له الملك الذي لا زوال له الرفيع الذي ليس فوقه

یکانه است که نیست ابتدایی برای او پادشاهی که نیست زوالی او را با رفعتی که نیست بالای او

ناظر ذو المغفرة والرحمة المحمود لبذل نواله المعبود لهيبة

نظر کننده خداوند آمرزش و بخشش ستوده شده بجهت بخشیدن عطای خود پرستیده شده بجهت هیبت

جلاله المذكور بحسن آلائه المنان بسعة فواضله المرغوب

جلالت خود یاد کرده شده به نیکوئی نعمتهای خود بسیار بخشنده بگشایش زیادتیهای خود رغبت کرده شده است

اليه في تمام المواهب من خزائنه العظيم الشان الكريم في

بسوی او در تمامی بخششها از خزانه های خود بزرگ مرتبه بزرگوار در

سلطانه العلي في مكانه المحسن في امتنانه الجواد في فواضله الحمد

سلطنت خود بلند در جایگاه خود نیکوئی کننده در انعام خود بخشنده در فزایای خود و سپاس

لله بارئ خلق المخلوقين بعلمه ومصور اجساد العباد بقدرته

از برای خدای پدید آورنده آفرینش آفریدگان بدانش خود و صورت بخشنده تنهای بندگان بتوانائی خود

ومخالف صور من خلق من خلقه ونافخ الارواح في خلقه بعلمه

و امتیاز دهنده میان صورتهای آنانکه آفریده از خلق خود و دمنده روحها در خلق خود بدانش خود

ومعلم من خلق من عباده اسمه ومدبر خلق السموات والارض

و آموزاننده آنانکه آفریده از بندگان خود نام خود را و تدبیر کننده آفرینش آسمانها و زمین

بعظمته الذي وسع كل شيء خلق كرسيه وعلا بعظمته فوق

به بزرگی خود آنخدایی که فراگرفته هر چیز را خلق کرسی او و برتر شد به بزرگی خود بالای

الاعلين وقهر الملوك بجبروته الجبار الاعلى المعبود في سلطانه

هر برتری و غالب شد پادشاهان را ابر بزرگواری خود کار فرمای بلند مرتبه پرستیده شده در سلطنت خود

المتسلط بقوته المتعالي في دنوه المتداني من كل شيء في ارتفاعه الذي

خداوند سلطنت بتوانائی خود بلند در نزدیکی خود نزدیک بهر چیزی در بلندی خود آنچنان خدائی

نفذ بصره في خلقه وحارت الابصار بشعاع نوره الحمد لله الحليم

که روان شد بینائی و علم او در خلق او و حیران گشته دیده ها بجهت روشنائی او سپاس مر خدای بردبار

الرشيد القوي الشديد المبدئ المعيد الفعال لما يريد الحمد

راه نما توانا سخت عقاب پدید آورنده نخستین باز گرداننده هر آنچه که خواهد سپاس

لله منزل الآيات وكاشف الكربات ومؤتي السؤلات الحمد لله في

مر خدای را که فرو فرستنده آیات و معجزات و زائل کننده اندوهها و دهنده حاجتها سپاس مر خدای را در

كل مكان وفي كل زمان وفي كل اوان الحمد لله الذي لا ينسى

هر جای و در هر زمانی و در هر وقتی سپاس مر خدای را که فراموش نمیکند از

من ذكره ولا يخيب من دعاه ولا يذل من والاه الذي يجزي

کسی که یاد کند او را و نا امید نمیکند کسی را که بخواند او را و خوار نمی سازد کسی را که دوست دارد او را آنچنان که

بالاحسان احسانا وبالصبر نجاة الحمد لله الذي له ما في السموات

در مقابل نیکوئی نیکوئی را و در مقابل شکیبائی رستگاری سپاس مر خدای را که برای اوست آنچه در آسمانها

وما في الارض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير الحمد لله

و آنچه در زمین است و مر او راست سپاس در آن جهان و اوست درست کردار آگاه سپاس مر خدای

فاطر السموات والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى

آفریننده آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان پیغامبران خداوندان بالهای دو دو

وثلاث ورباع يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير

و سه سه و چهار چهار افزاید در آفرینش آنچه بخواهد بدرستیکه خدا بر هر چیز توانا است

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة

پاکیست خدا را و سپاس خدا را و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتر است و نه گردیدنی و نه توانائی

إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَسُبْحَانَ اللهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه و مستحق تنزیه ظاهر است هنگامیکه شام کنید و هنگامیکه صبح کنید

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ وَسُبْحَانَ اللهِ

و مر او راست سپاس در آسمانها و زمین و در آخر روز و هنگامیکه بهم رسانید و مستحق تنزیه خداست

آنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ وَسُبْحَانَ اللهِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَسُبْحَانَ

در ساعتهای شب و طرفهای روز و مستحق تنزیه خداست در بامداد و شبانگاه و پاک است

رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

پروردگار تو صاحب عزت از آنچه می‌ستایند کافران و درود بر فرستادگان و سپاس خدای

رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَكَمَا يَرْضَى حَمْدًا كَثِيرًا

پروردگار جهانیان را و سپاس خدا را چنانکه دوست بدارد پروردگار ما و چنانچه می‌پسندد سپاس بسیار

طَيِّبًا وَسُبْحَانَ اللهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُسَبَّحَ

پاکیزه و تنزیه میکنم خدا را هرگاه تنزیه کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه تنزیه کرده شود

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كُلَّمَا حَمِدَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُحْمَدَ وَلَا إِلٰهَ

و سپاس مر خدا را هرگاه سپاس گذاری کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه سپاس گذارده شود

إِلَّا اللهُ كُلَّمَا هَلَّلَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَاللهُ أَكْبَرُ

مگر خدا هرگاه تهلیل کند خدا را چیزی و چنانکه دوست میدارد خدا آنکه تهلیل کرده شود و خدا بزرگتر است

كُلَّمَا كَبَّرَ اللهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُكَبَّرَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ

هرگاه بزرگی یاد کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا آنکه تعظیم کرده شود و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدا

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ [illegible] اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ

بلند قدر بزرگ مرتبه خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو ای خدا ای بخشنده

بِأَسْمَائِكَ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ الْمَكْنُونَةِ يَا اللهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي

بحرمت نامهای خوش آینده پسندیده پوشیده تو ای خدا خداوندا بدرستیکه

اسألك باسمائك الكبيرة الكبرياء بائية اللهم انی اسألك باسمائك

سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که بزرگ و بزرگوار اند خداوندا بدستیکه من سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو

العزيزة المنيعة واسألك باسمائك التامة الكاملة المشهورة

که ارجمند و غالب اند و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که تمام و کامل و مشهور اند

يا الله واسألك باسمائك التي هي رضاك يا الله واسألك باسمائك

ای خدا و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که آنها پسندیده تست ای خدا و سوال میکنم از تو بحرمت نامهای تو

التي لا يردها دونك احد يا الله واسألك من مسائلك بما عاهدت

که بر نمیگرداند آنها را غیر تو هیچکس ای خدا و سوال میکنم از تو از سوالهای تو بسوالی که عهد کردی

اوفى العهد يا الله ان لا تخيب سائلك يا الله واسألك بجملة

بوفا کرده ترین عهدی ای خدا اینکه نا امید نسازی سوال کننده خود را ای خدا و سوال میکنم از تو بهمه

مسائلك التي لا يفي بحملها شيء غيرك يا الله هفت مرتبه واسألك

سوالهای تو سوالهایی که وفا نمیکند به برداشتن و اجابت آنها چیزی غیر تو ای خدا و سوال میکنم از تو

بكل اسم اوجبته وكل اسم هو لك وكل مسئلة حتى ينتهي الى

بحرمت هر نامی که لازم گردانیدی بخود و هر نامیکه آن بجهت تست و هر سوالی تا آنکه برسد بسوی تو آن

اسمك الاعظم الاعظم الاكبر الاكبر العلي الاعلى الذي استويت

نامیکه عظیم تر است عظیم تر بزرگتر است بزرگتر بلند است بلند تر آن نامیکه استیلا یافتی

به على عرشك واستقللت به على كرسيك وهو اسمك الفاضل

بآن بر عرش خود و مستقل گردیدی بسبب آن بر کرسی خود و آن نام نیک

الكامل الذي فضلته على جميع اسمائك يا رحمن هفت مرتبه واسألك

کامل تست آن نامیکه زیادتی دادی آنرا بر همه نامهای خود ای بخشاینده و سوال میکنم

بما لا اعلمه ولو علمته لسئلتك به يا الله وبكل اسم استاثرت به في علم

بحرمت آنچه نمیدانم آنرا آن چیز که اگر دانستمی هر اینه سوال کردمی با آن ای خدا و بهر نامیکه متفرد شدی تو با آن در علم

الغيب عندك يا رحمن يا رحيم ان تصلي على محمد عبدك ورسولك

نهانی که نزد تست ای بخشاینده ای بخشاینده اگر رحمت بفرستی بر محمد بنده تو و فرستاده تو

ونبيك واميتك وحبيبك وصفوتك من خلقك وخاصتك من

و پیغمبر تو و امین تو و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو و مخصوص تو از

بريتك ونجيك ونجيبك وحبيبك وصفيك وعلى اهل بيت محمد

جمله خلق تو و همراز تو و اختیار کرده شده و دوست تو و بنده خالص تو و بر خاندان محمد

وترحم على محمد واهل بيت محمد كافضل واجمل واكمل واطهر واعظم واكثر

و ترحم کن بر محمد و اهل بیت محمد مانند افزون تر و نیکوتر و افزاینده تر و پاکتر و بزرگتر و بیشتر

واتم ما صليت على احد من انبيائك ورسلك يا ذا الجلال والاكرام

و تمام تر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از پیغمبران خود و فرستادگان خود ای خداوند بزرگوار و گرامی

اللهم صل على محمد وآل محمد في الاولين وصل على محمد وآل محمد في الآخرين

خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پیشینیان و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پسینیان

وصل على محمد وآل محمد في الملأ الاعلى وصل على محمد وآل محمد في النبيين

و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره بزرگان محل برتر و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد در زمره پیغمبران

والمرسلين اللهم اعط محمدا صلواتك عليه وآله الوسيلة والفضيلة

و فرستادگان خداوندا ببخش محمد را رحمتهای تو بر او و آل او وسیله را و زیادتی را

والشرف والدرجة الرفيعة اللهم اكرم مقامه وشرف بنيانه

و شرف را و مرتبه بلند را خداوندا گرامی دار جای اقامت او را و بلند کن اساس او را

وعظم نوره وبرهانه وبيض وجهه واعل كعبه وافلج حجته واظهر

و بزرگ گردان روشنائی او را و حجت او را و سفید کن روی او را و بلند کن قدر او را و غالب کن حجت او را و آشکار

عذره ودعوته وتقبل شفاعته كما بلغ رسالاتك وتلا آياتك

عذر او را و دعوت او را و بپذیر شفاعت او را چنانکه رسانید پیغامهای ترا و تلاوت نمود آیات ترا

وَأَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَائْتَمَرَ بِهَا وَنَهَى عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَانْتَهَى عَنْهَا فِي سِرِّهِ

و امر کرد باطاعت تو و پذیرفت آنرا و منع نمود از نافرمانی تو و باز ایستاد ازان در نهانی

وَعَلَانِيَتِهِ وَجَاهَدَ حَقَّ الْجِهَادِ فِيكَ وَعَبَدَكَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاهُ

و آشکار و کارزار نمود حق کارزار در راه تو و پرستید ترا خالص گرداننده تا آنکه رسید او را

الْيَقِينُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِهِ اللَّهُمَّ ابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً

مرگ رحمتهای تو بر او و بر خاندان او خداوندا برانگیز او را در مقام ستوده

يَغْبِطُهُ عَلَيْهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ

که رشک برند او را بران پیشینیان و پسینیان از پیغمبران و فرستادگان خداوندا

اسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَابْعَثْنَا فِي شِيعَتِهِ وَاحْشُرْنَا فِي

بکار دار ما را بطریقهٔ او و بمیران ما را بر دین او و برانگیز ما را در زمرهٔ پیروان او و زنده کن ما را در

زُمْرَتِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَتَّبِعُهُ وَلَا تَحْجُبْنَا عَنْ رُؤْيَتِهِ وَلَا تَحْرِمْنَا مُرَافَقَتَهُ

گروه او و بگردان ما را از آنانکه پیروی کنند او را و دور مکن ما را از دیدن او و محروم مکن ما را از رفاقت او

حَتَّى تُسْكِنَنَا غُرَفَهُ وَتُخَلِّدَنَا فِي جِوَارِهِ رَبِّ إِنِّي أُحِبُّهُ فَأَحِبَّنِي لِذَلِكَ

تا آنکه جا دهی ما را بغرفهای او و جاوید گردانی ما را در همسایگی او پروردگار من دوست میدارم او را

وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُ طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

جدائی مکن میان من و میان او بقدر بهم زدن چشم در این جهان و آن جهان خداوندا رحمت کن بر محمد و

وَآلِ مُحَمَّدٍ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُمْ

و آل محمد آنانکه برد خدا از ایشان ناپاکی و پاک کرد ایشانرا پاک کردنی خداوندا بگشا برای

فَتْحاً يَسِيراً وَانْصُرْهُمْ نَصْراً عَزِيزاً وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَاناً نَصِيراً

ایشان گشودن آسان و یاری کن ایشانرا یاری با عزت و بگردان برای ایشان از نزد خود غلبهٔ یاری دهنده

اللَّهُمَّ مَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَاجْعَلْهُمْ أَئِمَّةً وَاجْعَلْهُمُ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ

خداوندا جا ده ایشانرا در زمین بگردان ایشانرا پیشوایان بگردان ایشانرا وارثان خداوندا

أَرِهِمْ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَأْمَلُونَ وَأَرِ عَدُوَّهُمْ مِنْهُمْ مَا يَحْذَرُونَ اللّٰهُمَّ اجْمَعْ

بنما ایشان را در باره دشمنان ایشان آنچه آرزو کنند و بنما دشمنان ایشان را از ایشان چیزی را که می‌ترسند خداوندا جمع کن

بَيْنَهُمْ عَلَى خَيْرٍ وَعَافِيَةٍ اللّٰهُمَّ عَجِّلِ الرَّوْحَ وَالْفَرَجَ لِآلِ مُحَمَّدٍ اللّٰهُمَّ اجْمَعْ عَلَى

میان ایشان در نیکی و عافیت خداوندا زود گردان راحت و گشایش را برای آل محمد خداوندا جمع کن

الْهُدَى أَمْرَهُمْ وَاجْعَلْ قُلُوبَهُمْ عَلَى قُلُوبِ خِيَارِهِمْ وَأَصْلِحْ ذَاتَ

بر هدایت کار ایشان را و بگردان دلهای ایشان را بر دلهای برگزیدگان ایشان و بصلاح آور حالی را

بَيْنِهِمْ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

که در میان ایشانست بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو آنکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد

وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدَا وَأَعْتِقْهُمَا مِنَ النَّارِ وَارْحَمْهُمَا

و آنکه بیامرزی مرا و پدر و مادر مرا و آنرا که زائیده‌اند ایشان آزاد کن ایشان را از آتش دوزخ و رحم کن ایشان را

وَأَرْضِهِمَا عَنِّي وَاغْفِرْ لِكُلِّ وَالِدٍ دَخَلَ فِي الْإِسْلَامِ وَلِأَهْلِي وَوُلْدِي

و خوشنود ساز ایشان را از من بیامرز هر یک از پدران مرا که در آمده‌اند در اسلام و اهل مرا و فرزندان مرا

وَجَمِيعِ قَرَابَاتِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي وَجَمِيعَ وَرَثَةِ آبَائِي

و همه خویشان مرا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی خداوندا بگردان مرا و همه وارثان پدر مرا

وَإِخْوَانِي فِيكَ مِنْ أَهْلِ وِلَايَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ

و برادران مرا در راه تو از اهل ولایت خود و دوستی خود بدرستیکه بتحقیق قدرت ندارد بر آن

غَيْرُكَ يَا رَحْمٰنُ اللّٰهُمَّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَكَ وَأَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي

غیر تو ای بخشاینده خداوندا حریص کن مرا با آنکه سپاس کنم ترا و شکر کنم نعمت ترا که

أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي

انعام کردی بمن و بر پدر و مادر من و آنکه بکنم کار نیکو که بپسندی آنرا و اصلاح کن از برای من در فرزندان من

إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَاجْزِ وَالِدَيَّ خَيْرَ مَا جَزَيْتَ [illegible] اللّٰهَ

[illegible]

عن ولده واجعل ثوابهما عليّ جنّات النعيم واغفر لنا ولاخواننا

از فرزندش وبگردان پاداش نیک ایشانرا از من بهشتها با ناز ونعمت وبیامرز مرا وبرادران

الذين سبقونا بالايمان ولا تجعل في قلوبنا غلّا للذين امنوا ربّنا

آنانکه پیشی گرفته اند مارا بایمان ومگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه ایمان آورده اند ای پروردگارا

انّك رؤف رحيم واغفر لنا وللمؤمنين والمؤمنات الاحياء منهم

بدرستیکه تو مهربان بخشنده وبیامرز مارا ومومنان را وزنان مومنه را زندگان از ایشان

والاموات اللّهمّ اصلح ذات بينهم واجمع على الهدى امرهم

ومردگان را خداوندا بصلاح آور حالتی را که میان ایشانست وجمع کن بر هدایت کار ایشان

واجعلني واياهم على طاعتك ومحبتك اللّهمّ والمم شعثهم

وبگردان مرا وایشانرا بر فرمان برداری خود ودوستی خود خداوندا فراهم آور پراکندگی ایشانرا

واحقن دماءهم وولّ امرهم خيارهم اهل الرّافة والرّحمة والمعدلة

وباز دار ریختن خونهای ایشانرا ومتولی گردان بکار ایشان نیکان ایشانرا صاحب مهربانی ورحمت وعدالت

عليهم انّك على كلّ شيء قدير يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللّهمّ

برایشان بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا

بديع السّموات والارض عالم الغيب والشّهادة ذا الجلال

ای نو پدید آورنده آسمانها وزمین ای دانای پنهان وآشکار ای خداوند بزرگواری

والاكرام والجود والقوّة والسّلطان والجبروت والملكوت

وگرامی داشتن وبخشش وتوانائی وسلطنت وبزرگواری وپادشاهی

والكبرياء والعظمة والقدرة والمدحة والرّهبة والرّغبة والجود

وبزرگواری وبزرگی وتوانائی وسپاس وترس وخواهش وبخشش

والعلوّ والحجّة والهدى والطّاعة والعبادة والامر والخلق وكلّ شيء لك

وبلندی وحجت وراه نمائی وفرمان برداری وپرستش وفرماندهی وآفرینش هر چیز که است

يا رب العالمين يا رب يا رب يا رب اسألك يا رب سؤال الضارعين

اى پروردگار جهانيان اى پروردگار من اى پروردگار من اى پروردگار من سؤال ميكنم از تو اى پروردگار من كه مانند سؤال زارى كنندگان

المتضرعين المساكين المستكينين الراغبين الراهبين الذين لا يجدون

مسكينان فروتنى نمايندگان خشوع كنندگان رغبت دارندگان ترسندگان آنانكه نمى رسند

سواك يا من يجيب المضطر ويكشف الضر ويجيب الداعى ويعطى

از غير تو اى كسيكه اجابت ميكند درمانده را و برطرف ميكند رنج را و اجابت ميكند دعا كننده را و مى بخشد

السائل اسألك يا رب سؤال من لم يجد لضعفه مقويا ولا لذنبه

سؤال كننده را درخواست ميكنم از تو اى پروردگار من مانند درخواست كسيكه نيافته است براى ناتوانى خود قوت دهنده و نه براى گناه خود

غافرا ولا لفقره سادا غيرك اسألك سؤال من اشتدت فاقته

آمرزنده و نه براى حاجت خود بسد كننده غير از تو سؤال ميكنم از تو مانند سؤال كسيكه سخت شده است فاقه او

وضعفت قوته وكثرت ذنوبه يا ذا الجلال والاكرام يا رب يا رب

و سست شده است توانائى او و بسيار شده است گناهان او اى خداوند بزرگوارى و گرامى داشتن اى پروردگار من اى پروردگار

يا رب اسألك يا رب مسألة كل سائل ورغبة كل راغب [illegible]

اى پروردگار من سؤال ميكنم از تو اى پروردگار من مانند سؤال هر سؤال كننده و خواهش هر خواهش كننده

اذا دعيت واجبت وبحق السائلين عليك وبحق صفوتك من عبادك

هرگاه خوانده ميشوى و اجابت ميكنى و بحق سؤال كنندگان بر تو و بحق برگزيدگان تو از بندگان تو

ومنتهى العز من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك ان لا تستدرجنى

و بحق نهايت بزرگى از عرش تو و بحق نهايت بخشايش تو از كتاب تو اينكه مستدرج نكنى مرا

بخطيئتى ولا تجعل مصيبتى فى دينى واذكرنى يا رب برضاك و

بگناه من و نگردانى مصيبت مرا در دين من و ياد كن مرا اى پروردگار من بخشنودى خود

لا تنسنى حين تنشر رحمتك واقبل على بوجهك الكريم

و فراموش مكن مرا وقتيكه پراكنده كنى رحمت خود را و متوجه شو بسوى من بذات خود كه كريم است

وَامْنُنْ عَلَيَّ بِكَرَامَتِكَ يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي

واحسان کن بر من بکرامت خود ای بزرگ بخشایش و بپذیر دعای مرا و رحم کن بزاری من

فَإِنِّي بَائِسٌ فَقِيرٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ مِنْ عَذَابِكَ لَا أَثِقُ بِعَمَلِي وَلَكِنِّي

پس بدرستیکه من محتاج فقیر ترسان پناه برنده از عذاب توام اعتماد ندارم بکردار خود ولکن من

أَثِقُ بِرَحْمَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ كُنْ بِي حَفِيًّا وَلَا تَجْعَلْنِي

اعتماد دارم ببخشایش تو ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا باش بمن مهربان و مگردان

بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا وَامْنُنْ عَلَيَّ بِعَافِيَتِكَ وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

بدعای خود ای پروردگار من صاحب شقاوت واحسان کن بمن بعافیت خود و آزاد کن گردن مرا از آتش دوزخ

فَإِنِّي لَا أَسْتَغِيثُ بِغَيْرِكَ وَأَسْتَجِيرُكَ فَأَجِرْنِي مِنْ كُلِّ هَوْلٍ وَ

پس بدرستیکه من استغاثه نمیکنم بغیر تو و پناه می برم بتو پس پناه ده مرا از هر ترسی و

مَشَقَّةٍ وَخَوْفٍ وَآمِنْ خَوْفِي وَشَجِّعْ جُبْنِي وَقَوِّ ضَعْفِي وَسُدَّ فَاقَتِي وَأَصْلِحْ

رنجی و بیمی و ایمن گردان ترس مرا و دلیر کن بددلی مرا و قوت ده ناتوانی مرا و ببند فاقه مرا و اصلاح نما

لِي جَمِيعَ أُمُورِي يَا رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَمِنْ شِدَّةِ الْمَوْقِفِ

برای من همه کارهای مرا ای پروردگار من پناه می برم بتو از ترس رسانیدن عرصه قیامت و از سختی

يَوْمَ الدِّينِ فَإِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ

روز جزا بدرستیکه تو پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا

لَا تُعْرِضْ عَنِّي حِينَ أَدْعُوكَ وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ حِينَ أَسْأَلُكَ

رو مگردان از من هنگامیکه بخوانم ترا و بر مگردان از من روی خود را هنگامیکه از تو سؤال نمایم

فَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ وَأَعْطِنِي مَسْأَلَتِي وَآمِنْ خَوْفِي يَوْمَ أَلْقَاكَ اللَّهُمَّ

پس نیست پروردگاری مرا غیر تو و بده مرا مسئول مرا و ایمن گردان از ترس روزیکه ببینم ترا خداوندا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ فَأَعِذْنِي فَإِنِّي ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ بَائِسٌ فَقِيرٌ

بدرستیکه من پناه می برم بتو پس پناه ده مرا پس بدرستیکه من ناتوان ترسان پناه برنده محتاج فقیرم

یَا رَبِّ یَا رَبِّ اَللّٰهُمَّ اکْشِفْ ضُرَّ مَا اسْتَعَذْتُكَ مِنْهُ وَأَلْبِسْنِی

ای پروردگار من ای پروردگار من خدایا برطرف کن ضرری که پناه بردم بتو از آن و بپوشان لباس

رَحْمَتَكَ وَجَلِّلْنِی عَافِیَتَكَ وَأَمِّنِّی بِرَحْمَتِكَ فَإِنَّكَ تُجِیرُ وَلَا یُجَارُ عَلَیْكَ

رحمت خود و بپوشان مرا عافیت خود و در امان دار مرا برحمت خود پس بدرستیکه تو پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو

اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَحْشَةِ الْقَبْرِ وَمِنْ خَلْوَتِهِ وَمِنْ ظُلْمَتِهِ وَضِیقِهِ

خداوندا بدرستیکه من پناه میآورم بتو از وحشت قبر و از تنهائی آن و از تاریکی آن و تنگی آن

وَعَذَابِهِ وَمِنْ هَوْلِ مَا أَتَخَوَّفُ بَعْدَهُ یَا رَبَّ الْعَالَمِینَ یَا رَبِّ یَا رَبِّ

و عذاب آن و از ترسیدن آنچه میترسم بعد از قبر ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من

اَللّٰهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَیْتِهِ صَفْوَتِكَ

بارخدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه رحمت کنی بر محمد و آل محمد و اهل بیت او که برگزیدگان تو

وَخِیَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَأَنْ تَسْتَجِیبَ لِی دُعَائِی وَتُعْطِیَنِی سُؤْلِی وَتَكْفِیَنِی

و نیکوکاران تواند از خلق تو و اینکه مستجاب گردانی از برای من دعای مرا و ببخشی مرا حاجتهای مرا و کفایت کن

أَمْرَ آخِرَتِی وَدُنْیَایَ وَارْحَمْ فَاقَتِی وَاغْفِرْ ذُنُوبِی مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ

کار آخرت مرا و دنیا مرا و رحم کن فاقه من و بیامرز گناهان مرا آنچه گذشته از آن و

مَا تَأَخَّرَ وَآتِنِی فِی الدُّنْیَا حَسَنَةً وَفِی الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنِی بِرَحْمَتِكَ

آنچه بعد از آن صادر شده و بده بمن در دنیا نیکوئی و در آخرت نیکوئی و نگاهدار مرا برحمت خود

عَذَابَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی صِلَةَ قَرَابَتِی وَحَجًّا مَقْبُولًا وَعَمَلًا صَالِحًا

از عذاب آتش دوزخ بارخدایا روزی کن مرا پیوند خویشی مرا و حجی که مقبول باشد و کردار نیک

مَبْرُورًا تَرْضَاهُ مِمَّنْ عَمِلَ بِهِ وَأَصِلْ إِلَی أَهْلِی وَوَلَدِی وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ

پذیرفته شده که راضی باشی بآن از کسیکه عمل کند بآن نیک کردن به اهل مرا و فرزندان او سؤال میکنم

لِی عَقِبًا صَالِحًا تُلْحِقُنِی مِنْ دُعَائِهِمْ رِضْوَانًا وَمَغْفِرَةً وَزِیَادَةً فِی كَرَامَتِكَ

از برای من فرزندان نیک که لاحق گردانی مرا از دعای ایشان خوشنودی خود و آمرزش خود و افزونی در کرامت خود

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

بدرستيكه تو بر همه چيز توانائى و تو بخشنده ترين بخشندگانى اى پروردگار من اى پروردگار من

اللّٰهُمَّ وَكُلَّمَا كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ أَوْ رِيبَةٍ أَوْ جُحُودٍ أَوْ قُنُوطٍ أَوْ فَرَحٍ

بار خدايا هرچه باشد در دل من از شك يا ريب يا انكار يا نا اميدى يا سرور

أَوْ مَرَحٍ أَوْ بَطَرٍ أَوْ بَذَخٍ أَوْ فَخْرٍ أَوْ خُيَلَاءَ أَوْ جُبْنٍ أَوْ خِيفَةٍ أَوْ رِيَاءٍ أَوْ سُمْعَةٍ

يا شادى بسيار يا شادى سخت يا طغيان يا نازش يا تكبر يا بد دلى يا ترس يا نمودن يا بگوش رسانيدن

أَوْ شِقَاقٍ أَوْ نِفَاقٍ أَوْ كُفْرٍ أَوْ فُسُوقٍ أَوْ عِصْيَانٍ أَوْ عَظَمَةٍ أَوْ شَيْءٍ مِمَّا

يا مخالفت يا بدبختى يا نفاق يا كفر يا فسق يا گناه يا نخوت يا چيزى از آنچه

لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ أَوْلِيَاءَكَ فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تَمْحُوَ

دوست ندارى بر آن دوستان خود را پس سؤال ميكنم از تو بحق محمد و آل محمد آنكه محو كردانى

ذٰلِكَ مِنْ قَلْبِي وَأَنْ تُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ إِيمَاناً وَعَدْلاً وَرِضاً بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً

آن را از دل من و آنكه بدل كنى بجاى او ايمان را و عدل را و خوشنودى بقضاى خود و وفاى

بِعَهْدِكَ وَوَجَلاً مِنْكَ وَزُهْداً فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ

بعهد خود را و ترس را از خود و زهد در دنيا و خواهش در آنچه نزد تست و اعتماد بتو

وَطُمَأْنِينَةً إِلَيْكَ وَتَوْبَةً إِلَيْكَ نَصُوحاً يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ اللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

اطمينان بسوى تو و بازگشت بسوى تو بازگشتنى خالص اى پروردگار من اى پروردگار من اى پروردگار من بار خدايا مر تراست حمد

كَمَا خَلَقْتَنِي وَلَمْ أَكُ شَيْئاً مَذْكُوراً فَأَعِنِّي عَلَى أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ

چنانچه آفريدى مرا و نبودم چيزى كه مذكور شود پس يارى كن مرا بر ترسهاى دنيا و حوادث روزگار

وَنَكَبَاتِ الزَّمَانِ وَكُرُبَاتِ الْآخِرَةِ وَمُصِيبَاتِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ وَاكْفِنِي

و نكبتهاى زمانه و اندوههاى آخرت و مصيبتهاى شبها و روزها و كفايت كن مرا

شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ اللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي قَدَرِكَ وَرَضِّنِي بِقَضَائِكَ

شر آنچه ميكنند ستمكاران در زمين بار خدايا بركت ده مرا در مقدر كرده خود و راضى كن مرا بقضاى خود

اللهم افتح مسامع قلبي لذكرك وارزقني شكراً وتوفيقاً وعبادةً وخشيةً

بار خدایا بگشا گوشهای دل مرا از جهت ذکر خود و روزی کن مرا شکر و توفیق و پرستش و ترس

يا رب العالمين يا رب يا رب يا رب اللهم اطّلع إليّ اليوم اطّلاعةً تدخلني

ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بار خدایا نظر کن بسوی من امروز نظر کردنی که داخل کنی مرا

بها الجنّة اللهم استجب دعائي واقبله مني واجعله دعاءً جامعاً

به آن در بهشت بار خدایا بپذیر دعای مرا و قبول کن آن را از من و بگردان آن را دعای جامع

يوافق بعضه بعضاً فانّ كلّ شيءٍ عندك بمقدار اللهم واجعله من شأنك

که موافق باشد بعضی از آن با بعض پس بدرستیکه هر چیز نزد تو باندازه است بار خدایا و بگردان آن را از شأن خود

فانّك كلّ يومٍ في شأن اللهم واكتبه لي في علّيين في كتابٍ لا يمحى ولا يبدّل

پس بدرستیکه تو در هر روز در شأنی هستی بار خدایا و بنویس آن را برای من در علیین در کتابی که محو کرده نشود و بدل کرده نشود

بأن تقول قد غفرت لعبدي ما تقدّم من ذنبه وما تأخّر واستجبت له

بآنکه بگوئی که بتحقیق آمرزیدم مر بنده خود را آنچه پیش شده از گناه او و آنچه بعد از آن شده و پذیرفتم برای او

دعوته ووفّقته واصطفيته لنفسي وكرّمته وفضّلته وعصمته

دعای او را و توفیق دادم او را و برگزیدم او را برای نفس خود و گرامی داشتم او را و برتری دادم او را و نگاه داشتم او را

هديته وزكّيته واصلحته واستخلصته وغفرت له وعفوت عنه

راه نمودم او را و پاک کردم او را و نیک کردم او را و خالص کردم او را و آمرزیدم او را و درگذشتم از او

آمين يا ربّ يا ربّ اللهم اني اتوجّه اليك بنبيّك نبيّ الرحمة

قبول کن ای پروردگار من ای پروردگار من بار خدایا بدرستیکه من متوجه میشوم بسوی تو به پیغمبر تو پیغمبر رحمت

محمّد صلّى الله عليه وآله في خلاصي وخلاص والديّ وما ولدا واهلي

محمد رحمت الهی بر او و آل او در رهائی خود و رهائی پدر و مادرم و آنچه زاده اند پدر و مادرم و اهل من

وولدي وجميع ذرّيتي واخواني فيك وجميع المؤمنين والمؤمنات

و فرزندان من و همه ذریت من و برادران من در راه تو و همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه

وكل والٍ لي دخل في الاسلام من اهوال يوم القيمة ومن شر عذاب

وهر يارى من كه در آمده است در دين اسلام از ترسهاى روز قيامت واز شر عذاب

القبر ومن هموم الدنيا والآخرة واهوالها واسألك ان ترزقني خيرها

قبر واز اندوههاى دنيا وآخرت وخوفهاى آن وسوال ميكنم از تو اينكه روزى كنى مرا خير آن

وتصرف عني شرها وتثبتني بالقول الثابت في الحيوة الدنيا وفي

وبگردانى از من شر آنرا وثابت دارى مرا بگفتار كه پايدار باشد در زندگانى دنيا ودر

الآخرة انك رؤف رحيم وصلى الله على محمد وآله كثيرا وسلم

آخرت بدرستيكه تو مهربان بخشنده ورحمت فرستد خدا بر محمد وآل آن بسيار وسلام فرستد

وحسبنا الله ونعم الوكيل يا رب يا رب يا رب اللهم اني

وكافيست مارا خدا وبهتر كسيست كه كار باو گذارند اى پروردگار من اى پروردگار من خدايا بدرستيكه من

اسألك ان تصرف عني شر كل جبار عنيد وشيطان مريد وشر

سوال ميكنم از تو اينكه بگردانى از من شر هر ستمگر ستيزه كننده حق وشر شيطان سركش واز شر

كل ضعيف من خلقك وشديد ومن شر السامة والهامة واللامة

هر ناتوانى از آفريدههاى خود وشر صاحب توانى ونيز از شر جانور زهردار وگزنده وچشم زخم

والخاصة والعامة ومن شر كل دابة صغيرة او كبيرة بالليل

وخاص وعام واز شر هر رونده بر زمين خرد يا بزرگ بشب

والنهار ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن والانس

ودر روز واز شر فاسقان عرب وعجم واز شر فاسقان پريان ومردم

انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى

بدرستيكه تو بر هر چيز توانائى ونيست توانائى ونه قوت بر طاعت مگر بخداى بلند مرتبه بزرگ ورحمت فرستد

الله على خير مخلوق دعا الى خير معبود اللهم ربنا آتنا في الدنيا حسنة

خدا بر بهترين مخلوق كه خواند خلق را بجانب بهترين معبود خداوندا پروردگار ما بده مارا در دنيا نيكوئى

وفی الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار یا رب یا رب یا رب

و در آخرت نیکوئی و نگاهدار ما را برحمت خود از عذاب آتش ای پروردگار من ای پروردگار من

۱۳	۲	۳	۱۶
۸	۱۱	۱۰	۵
۱۲	۷	۶	۹
۱	۱۴	۱۵	۴

اللهم وما كان من خير او عمل صالح اسألك به او كون فی رضوانك

بار خدایا آنچه شد از خیر یا عمل نیک در خواست میکنم ترا بوسیله آن و می باشم در خوشنودی تو

وعافيتك وما صلح من ذلك من البر فامنن علی به وانی الیك راغب

و عافیت تو و آنچه شایسته باشد از آن از نیکی پس منت گذار بر من بآن بدرستیکه من بسوی تو راغبم

وبك مستجير اللهم ما استعفيتك منه وما لم استعفك منه وتوجب

و بتو پناه برنده ام بار خدایا آنچه طلب عفو کردم از تو از آن و آنچه طلب عفو نکردم از تو از آن

علی به النار وسخطك فعافنی منه وما عذت من المخازی یوم القیمة

بر من بسبب آن آتش را و غضب خود را پس نگاهدار مرا از آن و آنچه پناه بردم از رسوائیها در روز قیامت

وسوء المطلع الی ما فی القبور فاعذنی منه اللهم وما انت علیه

و بدی منظر بسوی آنچه در قبرهاست پس پناه ده مرا از آن بار خدایا و آنچه پشیمان شدم از آن

من فعلی له واجازنی علیه یوم المعاد اوترانی فی الدنیا علی الحال

از کردن خود آنرا و پاداش داده شوم بر آن روز بازگشت یا ببینی مرا در دنیا بر حالیکه

التی تورث سخطك فاسألك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتی من جميع

باعث خشم تو شود پس سوال میکنم از تو بذات تو که کریم است اینکه بزرگ کنی عافیت مرا از همه

ذلك يا ولی العافية يا رب يا رب يا رب واسألك يا رب مع ذلك

این چیزها ای خداوند عافیت ای پروردگار من ای پروردگار من و سوال میکنم از تو ای پروردگار من با این

العافية من جهد البلاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء وان تجلی ما

عافیت از مشقت بلا و بدی قضا و شاد شدن دشمنان و اینکه بازگیری مرا آنچه

لا طاقة لی به وان تسلط علی ظالما او تبتلينی بما لا طاقة لی به وتناقشنی

نیست مرا طاقت آن و اینکه مسلط کنی بر من ظالمی را که گرفتار و مبتلا کند مرا بچیزیکه نیست مرا طاقت آن

فی الحساب یوم الحساب مناقشة یساوی احوج ما اکون الی عفوک

در حساب در روز حساب از روی مناقشه بدیهای من

وتجاوزک اسالک بوجهک الکریم ان تعظم عافیتی فی جمیع ذلک یا ولی

و در گذشتن تو سوال میکنم از تو بذات تو که بزرگست اینکه عظیم گردانی عافیت مرا در همه چیزها ای خداوند

العافیة ایا من عفی عن السیئات ولم یجاز بها ارحم عبدک یا رب یا رب

عافیت ای کسیکه در گذشت از بدیها و جزا نداد بان ببخشا بنده خود را ای پروردگار من ای پروردگار من

یا رب یا الله یا الله یا الله نفسی نفسی نفسی ارحم عبدک یا سیداه عبدک

ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا نفس من نفس من نفس من مهربانی کن بنده خود را ای سرور من بنده تو

بین یدیک یا رباه یا رباه یا رباه یا منتهی رغبتاه یا مجری الدم فی

در برابر تست ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای نهایت خواهش من ای جاری کننده خون در

عروق عبدک عبدک یا سیداه یا مالک عبده یا سیداه یا مالکاه

رگهای من بنده تو ام بنده تو ام ای سرور ای مالک بنده خود ای سرور ای مالک

یا هو یا رباه لا حیلة لی ولا غنی بی عن نفسی ولا استطیع لها ضرا

ای کسیکه او پروردگار من است نیست حیله مرا و نه بی نیازیست مرا از نفس من و ندارم طاقت

ولا نفعا ولا رجاء لی ولا اجد احدا اصانعه تقطعت اسباب الخدائع

نه فایده و نیست امید مرا و نمی یابم کسی را که رشوت دهم او را بریده شد سببها فریبها

واضمحل عنی کل باطل افردنی الدهر الیک فقمت هذا المقام الهی بعلمک

و ناپدید شد از من هر باطل تنها کرد مرا روزگار بسوی تو پس استادم درین مقام ای خدای من بدانستن تو

فکیف انت صانع بی لیت شعری ولا اشعر کیف تقول لدعائی

پس چگونه تو عمل کننده بمن کاشکی بدانم و نمیدانم چگونه میگوئی مر دعای مرا

اتقول نعم او تقول لا فان قلت لا فیا ویلتی یا ویلتاه یا ویلتاه

آیا میگوئی آری یا میگوئی نه پس اگر گوئی نه پس ای وای بر من ای وای بر من ای وای بر من

لا اله الا هو العزيز الحكيم الذين يقولون ربنا اننا آمنا فاغفر لنا

نیست خدایی بجز او که غالب درست کردار است آنانکه میگویند ای پروردگار ما بدرستیکه ما ایمان آوردیم پس بیامرز

ذنوبنا وقنا عذاب النار الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين

گناهان ما و نگاهدار ما از آتش دوزخ شکیبایی پیشگان و راست گویان و طاعت کاران و صدقه کنندگان

والمستغفرين بالاسحار شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم

و آمرزش طلبان در سحرگاهان گواهی میدهد خدا بانکه او است خدا نیست خدایی بجز او و فرشتگان و خداوندان دانش

قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام

حالیکه برپاست بعدالت نیست خدایی مگر او غالب صاحب حکمت بدرستیکه دین نزد خدا اسلام

الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيامة لا ريب فيه ومن اصدق

خدا نیست خدایی بجز او هر آینه جمع میکند شما را بسوی روز قیامت هیچ شکی نیست در آن و کیست راستگوتر

من الله حديثا ذلكم الله ربكم لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه

از خدا در سخن اینست خدا که پروردگار شماست نیست خدایی بجز او آفریننده هر چیز پس بپرستید او را

وهو على كل شيء وكيل اتبع ما يوحى اليك من ربك لا اله الا هو

و آن خدا بر هر چیز وکیل است پیروی کن آنچه وحی کرده شده بسوی تو از پروردگارت نیست خدایی بجز او

واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني رسول الله اليكم جميعا

و روی بگردان از مشرکان بگو ای مردمان بدرستیکه فرستاده خدا ام بسوی شما همه

الذي له ملك السموات والارض لا اله الا هو يحيي ويميت فآمنوا بالله

آن کسیکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدایی بجز او زنده میکند و می میراند پس ایمان آورید بخدا

ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله وكلماته واتبعوه لعلكم

و رسول او پیغمبر ناخوانده آنکه ایمان می آورد بخدا و کلمات او و پیروی کنید او را باشد که شما

تهتدون وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا لا اله الا هو سبحانه

راه یابید و مامور نشدند مگر آنکه عبادت کنند خدای یگانه را که نیست خدایی بجز او منزه است او

حکایت از امیر المؤمنین صلوات الله علیه [illegible]

عما يشركون لقد جاءكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص

از انچه شریک میکردانند هر اینه بتحقیق آمد شمارا رسولی از نفسهای شما سخت براو رنج شدید حریص

عليكم بالمؤمنين رءوف رحيم فان تولوا فقل حسبي الله لا اله الا هو

بر شما بمومنان مهربان بخشاینده است پس اگر اعراض کنند پس بگو که کافیست مرا خدا نیست خدای بجز او

عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق قال آمنت

براو توکل کردم واو پروردگار عرش عظیم است تا وقتیکه دریافت فرعون را غرق گفت ایمان آوردم

انه لا اله الا الذي آمنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين

بانکه نیست خدای مگر آنکه ایمان آورده اند باو بنی اسرائیل و من از جمله مسلمانانم پس اگر

فالم يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله الا هو فهل انتم

نپذیرند مر شمارا پس بدانید آنچه فرستاده شد مقرون بعلم خداست و آنکه نیست خدائی مگر او پس آیا شما

مسلمون قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ان

مسلمانانید بگو که او پروردگار منست نیست خدای بجز او براو توکل کردم و بسوی اوست بازگشت من انکه

انذروا انه لا اله الا انا فاتقون الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى

بترسانید که بدرستیکه نیست خدای بجز من پس بترسید از من خدای که نیست خدای بجز او و مر او راست نامهای

فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة

پس بشنو مر چیزیرا که وحی کرده میشود بدرستیکه منم خدا نیست خدای بجز من پس عبادت کن مرا و برپا دار نماز را

لذكري انما الهكم الله الذي لا اله الا هو وسع كل شيء علما وما ارسلنا

برای ذکر من جز این نیست که خدای شما خداییست که نیست خدای بجز او فرا گرفته است همه چیز را بعلم و نفرستادیم

من قبلك من رسول الا نوحي اليه انه لا اله الا انا فاعبدون

پیش از تو هیچ پیغمبری مگر آنکه وحی کردیم بسوی او که بدرستیکه نیست خدای بجز من پس پرستید مرا

وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات

و یاد کن صاحب ماهی را وقتیکه رفت غضبناک پس گمان کرد که ما تنگ نگیریم براو پس ندا کرد در تاریکیها

سوأتاه يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا ذلاه

ای بدکرداری من ای بدبختی من ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من

يا ذلاه يا ذلاه الى من والى عند من او كيف او بماذا او الى اى شئ

ای خواری من ای خواری من بسوی که و نزد که یا چگونه یا بکدام چیز یا بسوی چه چیز

ومن ارجوا ومن يعود على ان رفضتنى يا واسع المغفرة وان قلت نعم

وکه امید دارم یا کدام کس احسان کند بر من اگر ترک کنی مرا ای فراخ آمرزش و اگر بگوئی آری

كما الظن بك فطوبى لى انا السعيد وطوبى لى انا المرحوم يا مترحم

چنانکه گمان است بتو پس خوشا حال من منم نیکبخت پس خوشا حال من منم مرحوم ای رحم کننده

ايا مترئف ايا متعطف ايا محيى ايا متملك ايا متسلط لا عمل لى ارجوا به

ای مهربان ای مهربان ای حیات بخشنده ای مالک ای غالب نیست عملی مرا که امید دارم بآن عمل

نجاح حاجتى ولا احد انفع لى منك يا من عرفنى نفسه يا من امرنى بطاعته

برآمدن حاجت خود را و نیست کسی نفع رساننده تر بمن از تو ای کسیکه شناسانید مرا ذات خود را ای کسیکه امر کرد مرا

يا مدعو يا مسئول يا مطلوب اليه رفضت وصيتك التى اوصيتنى

ای خوانده شده ای سوال کرده شده ای طلب کرده شده بسوی او ترک کردم وصیت ترا که وصیت کردی مرا

ولو اطعتك لكفيتنى ما قمت اليك فيه من قبل ان اقوم وانا مع

و اگر اطاعت میکردم ترا کفایت میکردی آنچه را ایستادم بسوی تو در آن پیش از آن که بایستم و من با وجود

معصيتى لك راج فلا تحل بينى وبين ما رجوته واردد يدى ملأى من

گناه خود مر ترا امیدوارم پس حائل مشو میان من و میان آنچه امید دارم و برگردان دست مرا پر از

خيرك بحقك يا سيدى يا ولى انا من قد عرفت شر عبيدك وانت خير

خیر خود بحق خود ای سرور من ای یاور و مولای من منم کسی که شناختی بدتر بنده و تو بهتر

رب يا مختفى لانتقام يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله يا محيط

پروردگاری ای پوشیده شده انتقام ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا ای احاطه کننده

أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ

اینکه نیست خدائی بجز تو منزه هستی از نقصانها بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس قبول کردیم دعای او را و نجات دادیم او را

مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

از غم و همچنین می رهانیم مومنان را پس برتر است خدای پادشاه ثابت نیست خدائی بجز او

رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَهُوَ اللّٰهُ

که پروردگار عرش بزرگست خدائیکه نیست خدائی بجز او پروردگار عرش بزرگ و اوست خدائی

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

که نیست خدائی بجز او مر او راست ستایش در دنیا و آخرت و مر او راست فرمان و بسوی او برگردانیده میشوید

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ

ای مردمان یاد آورید نعمت خدا را بر شما آیا هیچ آفریننده هست غیر الله که روزی دهد شما را

مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ

از آسمان و زمین نیست معبود بحق غیر از خدا پس کجا برگردانیده میشوید بدرستیکه ایشان بودند که چون گفته میشد ایشان را

لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ يَسْتَكْبِرُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ

که نیست خدای بحق غیر از خدا تکبر میکردند این است خدای پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست خدای بجز او پس کجا

تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ

برگردانیده خواهید شد آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت پاداش صاحب نیکوئی و فضل

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ

نیست معبود بحق بجز او بسوی اوست بازگشت این است معبود پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست خدائی بجز او

فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ

پس کجا برگردانیده خواهید شد بزرگست خدای پروردگار عالمیان نیست معبود بحق مگر او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما

وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ

و پروردگار پدران شما که پیش از شما بودند پس بدانکه نیست معبود بحق بجز خدا و طلب آمرزش میکنم برای گناه خود

وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم متقلبكم ومثواكم لو انزلنا هذا

و برای مردان مومن و زنان مومنه و خدا میداند جای بازگشت شما را و جای بودن شما را اگر فرستادیم

القرآن على جبل لرايته خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال

قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی آن کوه را فروتنی کننده و کفیده شونده از بیم خدا و این مثلها اند

نضربها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو عالم

که میزنیم آنها را برای مردم که شاید ایشان تفکر نمایند اوست خدایی که نیست معبودی مگر او دانا

الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس

نهان و آشکار اوست مهربان بخشاینده اوست خدایی که نیست معبودی مگر او پادشاهی بسیار پاک

السلم المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو

سالم از عیبها امان دهنده حفظ کننده غالب صاحب جبروت و صاحب کبر منزه است خدا از آنچه شریک میگردانند او

الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات

خدایی آفریننده پیدا کننده صورت بخشنده مر او راست نامهای نیک تسبیح میکند مر او را آنچه در آسمانها

والارض وهو العزيز الحكيم الله لا اله الا هو وعلى الله فليتوكل المؤمنون

و زمین است و اوست غالب با حکمت خدا نیست خدایی بجز او و بر خدا پس باید که توکل نمایند مسلمانان

رب المشرق والمغرب لا اله الا هو فاتخذه وكيلا پس هفت مرتبه بگو

پروردگار مشرق و مغرب نیست خدایی بجز او پس بگیر او را وکیل و مددکار

وانه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل

و بدرستیکه قرآن کتابی عزیز است که نمی آید او را باطل از پیش او و نه از عقب او فرود آمده است

من حكيم حميد پس بگو آمنا بالله وما انزل الينا وما انزل الى ابراهيم

از جانب آنکه حکیم ستوده است بگو ایمان آوردیم بخدا و بآنچه فرستاده شد بسوی ما و بآنچه فرستاده شد بسوی ابراهیم

واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وما اوتي موسى وعيسى وما اوتي

و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندزادها و بآنچه داده شد موسی و عیسی و بآنچه داده شدند

الله

صنع الله الذي اتقن كل شيء انه خبير بما تفعلون

وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم

النبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون ربنا رب

انبیا از جانب پروردگار خود تفرقه نمیکنیم میان یکی از ایشان و ما مر او را فرمان برداریم پروردگار ما پروردگار

السموات والارض لن ندعو من دونه الها لقد قلنا اذا شططا الحمد

آسمانها و زمین است هرگز نخوانیم از غیر او خدایی را بتحقیق گفتیم اینک سخن بی‌اساس سپاس

لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت

مر خدای را که راه نمود ما را باین و نبودیم ما که راه بریم اگر نبودی اینکه راه نمود ما را خدا بتحقیق آمدند

رسل ربنا بالحق صلی الله علیهم اجمعین السلام علیک یا رسول الله

فرستادهای پروردگار ما براستی درود فرستد خدا بر ایشان همه ایشان سلام بر تو باد ای فرستاده خدا

السلام علیک یا نبی الله السلام علیک یا خیرة الله من خلقه وامینه

سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای برگزیده خدا از خلق او و امین خدا

علی وحیه السلام علیک یا مولای یا امیر المؤمنین السلام علیک

بر وحی او سلام بر تو باد ای مولای من ای امیر مؤمنان سلام بر تو باد

یا مولای انت حجة الله علی خلقه وامینه علی وحیه وباب علمه ووصی

ای آقای من تو حجت خدایی بر خلق او و امین خدایی بر وحی او و دروازه علم او و وصی

نبیه والخلیفة من بعده فی امته لعن الله امة غصبتک حقک

پیغمبر اویی و جانشین پیغمبر بعد از او در امت او لعنت کند خدا گروهی را که غصب کردند حق تو

وقعدت مقعدک انا بریء منهم ومن شیعتهم الیک السلام علیک

و نشستند بجای تو من بیزارم و روگردانم از ایشان و از یاران ایشان بسوی تو سلام بر تو باد

یا فاطمة البتول السلام علیک یا زین نساء العالمین السلام علیک یا بنت

ای فاطمه بتول سلام بر تو باد ای زینت زنان عالمیان سلام بر تو باد ای دختر

رسول الله رب العالمین صلی الله علیک وعلیه السلام علیکما یا سبطی

رسول خدای پروردگار عالمیان درود فرستد خدا بر تو و بر او سلام بر شما باد ای دو سبط پیغمبر

الحسن والحسین لعن الله امة غصبتك حقك ومنعتك ما جعله

حسن و حسین لعنت خدا گروهی را که غصب کردند حق تو و منع کردند ترا از آنچه گردانیده بود

الله لك حلالا انا بریء الیك منهم ومن شیعتهم السلام علیك یا مولای یا

خدا مر ترا حلال من بیزارم بسوی تو از ایشان و از یاران ایشان سلام بر تو باد ای آقای من ای

ابا محمد الحسن الزکی السلام علیك یا مولای لعن الله امة قتلتك وبایعت فی

ابو محمد حسن پاک سلام بر تو باد ای آقای من لعنت خدا گروهی را که کشتند و بیعت کردند در

امرك وشایعت انا بریء الیك منهم ومن شیعتهم السلام علیك یا مولای

کار تو و یاری هم کردند من بیزارم بسوی تو از آنها و از یاران آنها سلام بر تو باد ای مولای من

یا ابا عبد الله الحسین بن علی صلوات الله علیك وعلی ابیك وجدك محمد

ای ابو عبد الله حسین پسر علی درودهای خدا بر تو باد و بر پدر تو و جد تو محمد

صلی الله علیه وآله لعن الله امة استحلت دمك ولعن الله امة قتلتك

رحمت فرستد خدا بر او و آل او لعنت خدا گروهی را که حلال دانستند خون ترا و لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا

واستباحت حریمك ولعن الله اشیاعهم واتباعهم ولعن الله الممهدین

و مباح دانستند حریم ترا و لعنت کند خدا پیروان ایشان را و تابعان ایشان را و لعنت کند خدا تمهید کنندگان

لهم بالتمکین من قتالکم انا بریء الی الله والیك منهم السلام علیك یا مولای

مر ایشان را بتوانائی دادن از کارزار شما من بیزارم در رو کردنم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان سلام بر تو باد ای مولای من

یا ابا محمد علی بن الحسین السلام علیك یا مولای یا ابا جعفر محمد بن علی

ای ابو محمد علی پسر حسین سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو جعفر محمد پسر علی

السلام علیك یا مولای یا ابا عبد الله جعفر بن محمد السلام علیك

سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو عبد الله جعفر پسر محمد سلام بر تو باد

یا مولای یا ابا الحسن موسی بن جعفر السلام علیك یا مولای یا ابا الحسن

ای مولای من ای ابو الحسن موسی پسر جعفر سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو الحسن

عَلِیِّ بْنِ مُوسیٰ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ اَلسَّلَامُ

علی پسر موسی ملقب برضا سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو جعفر محمد پسر علی سلام

عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا الْحَسَنِ عَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ

بر تو باد ای مولای من ای ابو الحسن علی پسر محمد سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو محمد حسن

بْنَ عَلِیٍّ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا الْقَاسِمِ الْحُجَّةَ ابْنَ الْحَسَنِ صَاحِبَ الزَّمَانِ

پسر علی سلام بر تو باد ای مولای من ای ابو قاسم حجت خدا پسر حسن صاحب زمان

صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکَ وَعَلٰی عِتْرَتِکَ الطَّاهِرَةِ الطَّیِّبَةِ یَا مَوَالِیَّ کُونُوا شُفَعَائِی

رحمت فرستد خدا بر تو و بر ذریت تو که پاک و پاکیزه اند ای آقایان من باشید شفیعان من

عِنْدَ اللّٰهِ فِی حَطِّ وِزْرِی وَخَطَایَایَ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ وَبِمَا اُنْزِلَ اِلَیْکُمْ وَاَتَوَالٰی

نزد خدا در فرو آوردن گناهان من و خطاهای من و ایمان آوردم بخدا و بآنچه فرستاده شد بسوی شما و دوستی میکنم

اٰخِرَکُمْ بِمَا اَتَوَالٰی بِهِ اَوَّلَکُمْ وَبَرِئْتُ مِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزّٰی

باخر شما بآنچه پیروی میکنم بآن اول شما را و بیزار شدم از جبت و طاغوت قریش و لات و عزی آنها

یَا مَوَالِیَّ اَنَا سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَکُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَکُمْ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاکُمْ

ای آقایان من من صلح دارم با کسیکه صلح داشته باشد با شما و جنگ دارم با کسیکه جنگ کند با شما و دشمنم با کسی که دشمنی کند با شما

وَوَلِیٌّ لِمَنْ وَالَاکُمْ اِلٰی یَوْمِ الْقِیٰمَةِ وَلَعَنَ اللّٰهُ ظَالِمِیکُمْ وَغَاصِبِیکُمْ وَلَعَنَ اللّٰهُ

یارم هر کسی را که با شما یاری کند تا روز قیامت و لعنت کند خدا ستمکاران شما را و غصب کنندگان شما را و لعنت کند خدا

اَشْیَاعَهُمْ وَاَتْبَاعَهُمْ وَاَهْلَ مَذْهَبِهِمْ وَاَبْرَأُ اِلَی اللّٰهِ وَاِلَیْکُمْ مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ

دوستان ایشانرا و پیروان ایشانرا و اهل مذهب ایشانرا و بیزاری میجویم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان خداوندا

اِنِّی اُشْهِدُکَ وَکَفٰی بِکَ شَهِیدًا وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ وَعَلِیًّا

بدرستیکه گواه میگیرم ترا و کافی است که تو گواه باشی و گواهی میدهم محمد را رحمت فرستد خدا بر او و بر آل او و علی

وَالْاَوْصِیَاءَ مِنْ ذُرِّیَّتِهِمَا وَالثَّمَانِیَةَ حَمَلَةَ عَرْشِکَ وَالْاَرْبَعَةَ الْاَمْلَاکَ

و امامان را از ذریت و هشت فرشتگان حاملان عرش تو و چهار فرشتگان

يا اللهُ يا اللهُ يا ربّاهُ يا ربّاهُ يا سيّداهُ يا سيّداهُ

ای خدا ای خدا ای پروردگار من ای پروردگار من ای سرور من ای سرور من

يا مولاهُ يا مولاهُ يا عمادَ مَن لا عمادَ لهُ يا سندَ مَن لا سندَ لهُ يا

ای مولای من ای مولای من ای ستون کسیکه نیست ستونی مر او را ای تکیه گاه کسیکه نیست تکیه گاهی مر او را ای

ذُخرَ مَن لا ذُخرَ لهُ انتَ ربّي وانا عبدُكَ على عهدِكَ ووعدِكَ اللّهمّ

ذخیره کسیکه نیست ذخیره مر او را تو پروردگار منی و من بندهٔ توام بر پیمان تو و وعدهٔ تو بارخدایا

اجعلهُ موقفاً محموداً ولا تجعلهُ آخرَ العهدِ منّا واشرِكنا في صالحِ دعاءِ

بگردان این مکان را جای ستوده و مگردان آنرا آخر عهد از ما و شریک گردان ما را در نیکی های

مَن دعاكَ بمنى وعرفاتٍ ومزدلفةَ وعندَ قبرِ نبيّكَ عليهِ وآلهِ السّلامُ

کسیکه ترا دعا کند بمنی و عرفات و مزدلفه و نزد قبر پیغمبر تو بر او و بر آل او سلام باد

وعندَ زمزمَ والمقامِ اللّهمّ لكَ الحمدُ حيثُ رفعتَ اقدارَنا عن شدِّ الزّنانيرِ

و نزد زمزم و مقام ابراهیم بارخدایا مر تراست سپاس از این جهت که بلند کردی شأن ما را از بستن زنّارها

في الاوساطِ والجوامعِ في الاعناقِ ولكَ الحمدُ حيثُ لم تجعلنا زنادقةً

در میانها و جامعه ها در گردنها و مر تراست سپاس از این جهت که نگردانیدی ما را از زندیقان

مضلّينَ ولا مدّعيةً شاكّينَ مرتابينَ ولا معارضينَ ولا عن اهلِ بيتِ

گمراه کنندگان و نگردانیدی مرا از دعوی کنندگان شک آورنده ریب کننده و نه معارضه کننده و نه از اهل بیت

نبيّكَ صلّى اللهُ عليهِ وآلهِ منحرفينَ اللّهمّ كما بلّغتنا هذا اليومَ المباركَ

پیغمبر خود رحمت فرستد خدا بر او و آل او انحراف کننده بارخدایا چنانچه رسانیدی ما را این روز مبارک

مِن شهرِنا وسنتِنا هذهِ المباركةِ فبلّغنا آخرَها في عافيةٍ

از ماه و سال ما این سال مبارک پس برسان ما را آخر این سال در عافیت

وبلّغنا اعواماً كثيرةً برحمتِكَ يا ارحمَ الرّاحمينَ يا ربِّ يا ربِّ

و برسان ما را سالهای بسیار برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان ای پروردگار من ای پروردگار من

یا اللهُ یا اللهُ یا رَبّاهُ یا رَبّاهُ یا سَیِّداهُ یا سَیِّداهُ یا سَیِّداهُ

ای خدا ای خدا ای پروردگار من ای پروردگار من ای سرور من ای سرور من ای سرور من

یا مَولاهُ یا مَولاهُ یا مَولاهُ اللّهُمَّ وَما قَسَمتَ لی فی هذِهِ السّاعَةِ وَفی هذا

ای مولای من ای مولای من ای مولای من بار خدایا و آنچه قسمت کردی برای من درین ساعت و درین

الیَومِ وَفی هذَا الشَّهرِ وَفی هذِهِ السَّنَةِ مِن خَیرٍ اَو بَرَکَةٍ اَو عافِیَةٍ اَو مَغفِرَةٍ

روز و درین ماه و درین سال از خیر یا برکت یا عافیت یا آمرزش

اَو رَأفَةٍ اَو رَحمَةٍ اَو عِتقٍ مِنَ النّارِ اَو رِزقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَیِّبٍ اَو تَوبَةٍ

یا مهربانی یا بخشایش یا آزادی از آتش یا روزی فراخ حلال پاک یا توبه

نَصُوحٍ فَاجعَل لَنا فی ذلِکَ اَوفَرَ النَّصیبِ وَاَجزَلَ الحَظِّ اللّهُمَّ وَما اَنزَلتَ

راست و درست پس بگردان برای ما در آن وافرتر بهره و بزرگتر نصیب بار خدایا و آنچه فرود آوردی

فی هذِهِ السّاعَةِ وَفی هذَا الیَومِ وَفی هذَا الشَّهرِ وَفی هذِهِ السَّنَةِ مِن حَرقٍ

درین ساعت و درین روز و درین ماه و درین سال از سوختن

اَو شَرَقٍ اَو غَرَقٍ اَو هَدمٍ اَو رَدمٍ اَو خَسفٍ اَو قَذفٍ اَو رَجفٍ اَو مَسخٍ اَو

یا گلو گرفتگی یا غرق شدن یا برافتادن خانه یا افتادن دیوار یا بزمین فرو رفتن یا سنگ انداختن یا لرزیدن یا مسخ

صَیحَةٍ اَو زَلزَلَةٍ اَو فِتنَةٍ اَو صاعِقَةٍ اَو بَرَدٍ اَو جُنُونٍ اَو جُذامٍ اَو بَرَصٍ

بانگ زدن یا زلزله یا فتنه یا صاعقه یا تگرگ یا جنون یا خوره یا پیسی

اَو اَکلِ سَبُعٍ اَو مِیتَةِ سُوءٍ وَجَمیعِ اَنواعِ البَلاءِ فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ

یا خوردن درنده یا مردن بد و همه انواع بلا در دنیا و آخرت

فَاصرِفهُ عَنّا کَیفَ شِئتَ وَاَنّی شِئتَ وَعَن جَمیعِ المُؤمِنینَ فی کُلِّ دارٍ

پس بگردان آنرا از ما هر قسم که خواهی و هر جا که خواهی و از همه مؤمنان در هر خانه

وَمَنزِلٍ فی شَرقِ الاَرضِ وَغَربِها عَزَّ جارُکَ وَجَلَّ ثَناؤُکَ وَلا اِلهَ غَیرُکَ

و جایگاه در مشرق زمین و مغرب آن عزیز است پناه برنده بتو و بزرگ است ثنای تو و نیست خدایی غیر از تو

وحدك لا شريك لك فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة

يگانه تو نيست شريكي مر ترا اي پديد كننده آسمانها و زمين داناي پنهان و آشكار

رب كل شيء ومليكه اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد

پروردگار هر چيز و مالك آن شهادت ميدهم كه نيست خدايي جز خداي يگانه نيست شريكي مر او را و گواهي ميدهم

ان محمدا صلى الله عليه وآله عبده ورسوله واشهد ان الجنة حق والنار

اينكه بدرستيكه محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او بنده او و فرستاده او است و گواهي ميدهم بدرستيكه بهشت حق است و دوزخ

حق وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور واشهد

حق است و بدرستيكه قيامت آينده است نيست شكي در قيامت و بدرستيكه خدا بر مي انگيزد آنها را كه در قبرهايند و گواهي ميدهم

ان لا اله الا الله وحده لا شريك له عليها احيا وعليها اموت وعليها ابعث

كه نيست معبود بحق مگر خداي يگانه نيست انبازي مر او را بر اين شهادت زنده ام و بر اين شهادت ميميرم و بر اين برانگيخته شوم

حيا ان شاء الله رضيت بالله ربا وبالاسلام دينا وبمحمد صلى الله عليه

زنده اگر خواهد خدا راضيم بخدا از جهت پروردگار و باسلام از جهت دين و به محمد رحمت فرستد خدا بر او

وآله نبيا وبعلي وليا وبالقرآن كتابا وبالكعبة قبلة وبابراهيم عليه السلام

و آل او از جهت پيغمبري و بعلي از راه ولايت و بقرآن از راه كتاب و بكعبه از راه قبله و بابراهيم عليه السلام

لنبينا ابا وبمحمد صلى الله عليه وآله نبيا وبامير المؤمنين صلوات الله

مر نبي ما را از روي پدري و بمحمد درود فرستد خدا بر او و آل او از جهت نبي و بامير مومنان درودهاي خدا

عليه للحق موضحا وللجنة والنار قاسما وبالاوصياء من ذريته

بر او براي حق روشن كننده و مر بهشت و دوزخ را قسمت كننده و باوصيا از اولاد او

لائمة وبالمؤمنين من شيعته اخوانا لا اشرك بالله شيئا ولا

از روي پيشوايي و بمومنان از ياران او از جهت برادران شريك نميگيرم بخدا چيزي را و

اتخذ من دونه وليا ولا ادعي معه الها لا اله الا الله وحده

نميگيرم از غير او دوستي و ياوري و ادعا نميكنم با او خدايي نيست معبود بحق مگر خداي يگانه

لا شريك له الهاً واحداً فرداً صمداً لم يتخذ صاحبة ولا ولداً اللهم

نیست شریکی مر او را خدای یکتا یگانه بی همتا که نگرفته برای خود زنی و نه فرزندی بار خدایا

انی اسألك بالعظيم من آلائك والقديم من نعمائك والمخزون

بدرستیکه سوال میکنم بنعمت بزرگ از نعمتهای تو و بنعمت دیرین از نعمتهای تو و پنهان

من اسمائك وما وارت الحجب من بهائك ومعاقد العز من عرشك

از نامهای تو و آنچه پوشیده است آنرا حجابها از بزرگی تو و عقده گاههای عزت از عرش تو

ومنتهى الرحمة من كتابك وبك وحدك لا شريك لك ان تصلى

و نهایت بخشایش از کتاب تو و سوال میکنم بتو تنهائی تو که نیست شریکی مر ترا اینکه درود فرستی

على محمد وآل محمد وان ترحم هذه النفس الجزوع وهذا البدن

بر محمد و آل محمد و اینکه رحم کنی برین نفس بسیار جزع کننده و رحم کنی برین تن

الهلوع الذي لا يطيق حر شمسك فكيف حر نارك ان تعاقبني

بسیار جزع کننده که طاقت ندارد گرمی آفتاب ترا پس چگونه تاب می آرد آتش ترا اگر عقاب کنی مرا

لا يزيد في ملكك شئ وان تعف عني لا ينقص من ملكك شئ

زیاده نمی شود در ملک تو چیزی و اگر عفو کنی از من کم نمیشود از ملک تو چیزی

انت يا رب بخلقك ارحم وبعبادك اعلم وبسلطانك ارأف

تو ای پروردگار من بخلق خود مهربان تری از دیگران و به بندهای خود دانا تری و بسلطان خود مهربان تری

وبملكك اقدم وبعفوك اكرم وعلى عبادك انعم

و بپادشاهی خود قدیم تری و بعفو خود کریم تری و بر بندهای خود نعمت دهنده تری

لا يزيد في ملكك طاعة المطيعين ولا ينقص منه معصية

نمی افزاید در پادشاهی تو فرمانبری مطیعان و کم نمیکند از آن گناه

العاصين فاعف عني يا اكرم الاكرمين ويا ارحم الراحمين

گناهکاران پس عفو کن از من ای کریم ترین کرم کنندگان ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

أَلُوذُ بِعِزِّكَ وَأَسْتَظِلُّ بِفِنَائِكَ وَأَسْتَجِيرُ بِقُدْرَتِكَ وَأَسْتَغِيثُ

پناه میبرم بعزت تو و سایه میگیرم بساحت تو و پناه میگیرم بتوانائی تو و استغاثه می نمایم

بِرَحْمَتِكَ وَأَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ وَلَا أَثِقُ إِلَّا بِكَ وَلَا أَلْجَأُ إِلَّا إِلَيْكَ

بمهربانی تو و چنگ میزنم بریسمان تو و اعتماد نمیکنم مگر بر تو و پناه نمی برم مگر بسوی تو

يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا كَاشِفَ الْبَلَاءِ وَيَا أَحَقَّ مَنْ تَجَاوَزَ وَعَفَا

ای بزرگ امید ای برطرف کننده رنج و ای سزاوارتر از هر که در گذرد و ببخشد

اللّٰهُمَّ إِنَّ ظُلْمِي مُسْتَجِيرٌ بِعَفْوِكَ وَخَوْفِي مُسْتَجِيرٌ بِأَمَانِكَ وَفَقْرِي

بار خدایا بدرستیکه ظلم من پناه برنده است بعفو تو و بیم من پناه برنده است بامان تو و ناداری

مُسْتَجِيرٌ بِغِنَاكَ وَوَجْهِيَ الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيرٌ بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ

پناه برنده است بتوانگری تو و روی پوسیده فانی من پناه برنده است بذات پایدار

الْبَاقِي الَّذِي لَا يَفْنَى وَلَا يَزُولُ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ

باقی تو که فانی نمی شود و بر طرف نمی شود ای کسیکه باز نمی دارد او را کاری از کاری

لَا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنَا فِي دِينِنَا وَلَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا

مگردان مصیبت ما را در دین ما و مگردان دنیا را بزرگترین قصد ما

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا مَنْ لَا يَرْحَمُنَا وَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَى جَهْلِنَا

و مسلط مکن بر ما کسی که رحم نکند بر ما و رجوع کن بحلم خود بر جهل ما

وَبِإِحْسَانِكَ عَلَى إِسَاءَتِنَا وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعْفِنَا وَبِغِنَاكَ عَلَى

و به احسان خود بر بدی ما و بقوه خود بر ناتوانی ما و بتوانگری خود بر

فَقْرِنَا وَأَعِذْنَا مِنَ الْأَذَى وَالْقَذَى وَالضُّرِّ وَسُوءِ الْقَضَاءِ

ناداری ما و پناه ده ما را از آزار و از آنچه در چشم افتد و ضرر و بدی قضا

وَشَمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ وَسُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْمَالِ وَالدِّينِ وَالْأَهْلِ

و سرزنش دشمنان و بدی نظر در مال و دین و در حرم زنانه

والولد وعند معاينة ملك الموت اللهم يا رب نشكو اليك

و نزد مشاهده فرشته موت بار خدایا ای پروردگار من شکایت میکنیم بسوی تو

غيبة نبينا عنا وقلة ناصرنا وكثرة عدونا وشدة الزمان

غائب شدن پیغمبر خود را از ما و کمی یاری دهنده خود را و بسیاری دشمن خود را و سختی زمانه را

علينا ووقوع الفتن بنا وتظاهر الخلق علينا اللهم صل على محمد

بر ما و واقع شدن فتنه ها با ما و باهم یاری کردن خلق بر ما بار خدایا رحمت بفرست بر محمد

وآل محمد وافرج ذلك بفرج منك تعجله ونصر تعزه وحق تظهره

و آل محمد و بگشا آنرا بگشایشی از جانب خود که زود بیاری آنرا و یاری که عزیز کنی آنرا و حقیکه آشکار کنی آنرا

اللهم وابعث بقائم آل محمد صلى الله عليه وآله للنصر لدينك

بار خدایا و برانگیز قائم آل محمد را رحمت فرستد خدا بر او و آل او برای یاری دادن دین

واظهار حجتك والقيام بامرك وتطهير ارضك من ارجاسها

و آشکار کردن حجت تو و قائم بودن بکار تو و پاک کردن زمین تو از پلیدیها

برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اعوذ بك ان اوالي لك عدوا

برحمت تو ای مهربان ترین مهربانان خداوندا بدرستیکه من پناه میبرم بتو از اینکه دوستی کنم دشمن ترا

او اعادي لك وليا او اسخط لك رضا او ارضى لك سخطا او اقول

یا دشمنی کنم کسی را که دوست تست یا غضب کنم مر آنچه خوشنودی تست یا خوشنود شوم مر آنچه غضب تست یا بگویم

للحق هذا باطل واقول للباطل هذا حق واقول للذين كفروا هؤلاء

حقی که این باطل است یا بگویم مر باطل را که این حق است یا بگویم مر آنانرا که کافر شدند که این جماعت

اهدى من الذين آمنوا سبيلا اللهم صل على محمد وآله وآتنا في

راه برند از آنان که ایمان آورده اند در راه بار خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل او و بده ما را در

الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار

دنیا نیکی و در آخرت نیکی و نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب دوزخ

مولف گوید که این جزوی است از دعای طولانی که از حضرت صادق علیه السلام منقول است
و ادعیه عرفه بسیار است و در کتاب بحار الانوار و رساله علیحده جمع کرده ام و اکثر خلق را آنچه
مذکور شد درین رساله کافی است و سابقا مذکور شد که عمل استفتاح را نیز درین روز می توان کرد

فصل سوم در بیان اعمال ضروریه شب عید قربان و روز عید و ایام تشریق است یعنی یازدهم
و دوازدهم و سیزدهم بدانکه شب عید اضحی از جمله چهار شبی است که احیای آنها سنت موکده است
و منقول است که درین شب درهای آسمان بسته نمی شود برای آنکه صداها و دعای حاجیان بالا رود
و صداهای ایشان در آسمان پیچیده است مانند صدای مگس عسل در میان کندو و حق تعالی
حاجیان را ندا کند که منم پروردگار شما و شمائید بندگان من حق مرا ادا کردید و برمن لازم است
که دعای شما را مستجاب گردانم پس هرکه مستحق آمرزش است همه گناهان او را می آمرزد و هرکه
سزاوار آن نیست گناهانش را کم میکند پس هرکه با ایشان در عبادت و دعا شریک شود
در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام درین شب سنت
است و منقول است که هرکه درین شب آنحضرت را زیارت کند گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده
شود و اما اعمال روز عید غسل در آن سنت موکده است و بعضی واجب دانسته اند
و بهتر آن است که پیش از نماز غسل کند و نماز عید بنابر مشهور در زمان غیبت امام علیه
السلام سنت موکده است و بگمان فقیر واجب است بشرائط مقرره و نمازش بهمان کیفیتی است
که در عید فطر مذکور شد و دعای پیش از رفتن بنماز عید آنجا مذکور شد و دعا ...
و بعد از آن وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین دعاها ...
صحیفه کامله است که اولش اینست اللهم هذا یوم مبارک و اگر دعای چهل و ...
را که اولش یا من یرحم من لا یرحمه العباد است نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ صحیفه
استحباب خواندن آن دعا نیز وارد شده است و دعای ندبه هم از دعاها است ... درین روز
و سائر اعیاد سنت است خواندن چنانچه بعد ازین ان شاء الله تعالی در ضمن زیارات
مذکور خواهد شد و درین عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی بشود

و از جمله احکام این عید قربانی ست و آن سنت مؤکدست و بعضی از علما واجب
دانسته اند اگر قدرت بران داشته باشد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که اضحیه واجب ست بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود اضحیه بکن و از برای عیال خود
اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجه حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست
که بآنحضرت عرض کرد که عید اضحی حاضر می شود و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض کنم و اضحیه کنم
حضرت فرمود که قرض کن که آن قرض را خدا ادا میکند و بهتر آنست که در روز عید کشته شود
و در روز یازدهم و دوازدهم نیز می تواند کشت و اگر در منی باشد در روز سیزدهم نیز
می تواند کشت و بهتر آنست که در دهه ذی الحجه خریده باشد و مکروه است قربانی
کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و می باید که شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده باشد
و حیوانات دیگر را قربانی نمی توان کرد و اگر شتر باشد می باید که پنج سال تمام داخل ششم شده باشد
یا زیاده و اگر گاو و یا بز باشد می باید یکسالش تمام شده باشد و داخل سال دوم
شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد بهترست و اگر گوسفند باشد شش ماهه
کافیست و اگر هفت ماهش تمام باشد بهترست و می باید نقصی در اعضایش
نبوده باشد و کور یک چشم یا هر دو چشم نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد
که راه رفتن بران دشوار باشد و گوشش بریده نباشد و اگر شق شده باشد
و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر شق نیز نشده باشد بهترست و باید که [illegible]
شاخش شکسته نباشد بهترست و بهتر آنست که بیمار و بسیار پیر نبوده باشد
و سنت ست که فربه باشد و باید که بسیار لاغر نباشد که پیه بر گرده اش
نباشد و باید که خصی نباشد یعنی خصیه اش را نبریده باشند و مکروه است که
خصیه اش را مالیده باشند و اگر بغیر خصی بهم نرسد خصی را قربانی می توان کرد
و سنت ست که اگر قربانی شتر یا گاو باشد ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر
باشد و سنت ست که خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست قصاب بگذارد

...دوی بکند و طریق کشتن آنست که اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را مانند کارد یا نیزه
در گودال پائین گردنش فرو برد و اگر بعوض آن ذبح کند حرام می شود و واجبست
که رو بقبله بدارد آنرا و نام خدا ببرد و سنت است که آنرا ایستاده بدارد رو بقبله
هر دو دستش را از سر تا بزانو بریسمانی ببندد بر یکدیگر و آنکه نحر میکند در
جانب راست شتر بایستد و حربه را در نحرش فرو برد و اگر گاو یا گوسفند یا
بز باشد باید که چهار رگ گردن ببرد یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که در دو جانب
حلقوم است و رگی که در پشت حلقوم است که آب و علف از آن رگ بجوف آن
حیوان در آید و اگر اینها را نحر کند حرام می شوند و سنت است که دعا بخواند در
وقت کشتن چنانچه بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقول
است که چون قربانی را بخری روی آن بقبله کن و در وقت
نحر یا ذبح بگو

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
متوجه گردانیدم روی خود را بسوی آنکه پیدا کرده است آسمانها و زمین را در حالتیکه مایلم بحق مسلمانم و نیستم از مشرکان
إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ
بدرستیکه نماز من و عبادتهای من و زندگی من و مرگ من از برای خداست که پروردگار عالمیانست نیست شریکی او را و باین مأمورم
وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي
و من از مسلمانانم بار خدایا این قربانی از تست و برای تست بنام خدا و خدا بزرگترست خداوندا بپذیر از من
فرمود که تا نمیرد سرش را جدا مکن چون بمیرد پوستش بکن و سنت است که یک حصه را خود و اهل خانه
بخورند و بهتر آنست که خود از آن افطار کند و یک حصه برای همسایگان هدیه بفرستند
و اگر پریشان باشند بهتر است و یک حصه بفقرا و سؤال کنندگان بدهد و اگر اکثر را تصدق کند
بهتر باشد و سنت است که جمیع اجزای آنرا تصدق کنند و تصدق کند ... اگر فقیر باشد
... بسند صحیح منقول است که ... گوشت قربانی را ... زیاده از سه روز ...

یافت نشود سنت است که قیمت وسطش را تصدق کند و اگر یک حیوان برای خود و عیال بکشد کافیست و اگر یکی برای خود و یکی برای عیال بکشد بهتر است و اگر بعدد عیال بکشد ثوابش بیشتر خواهد بود و از برای پدر و مادر و اولاد و خویشان که مرده باشند قربانی کردن خوب است و اگر برای حضرت رسول و ائمه صلوات الله علیهم قربانی کند ظاهرا خوب است و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دو گوسفند قربانی کردند و در اول فرمودند که خداوندا این از من و از هرکه قربانی نکرده است از اهل بیت من و در دوم فرمودند که خداوندا این از من و از هرکه قربانی نکرده است از امت من و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر سال اول یک گوسفند قربانی میکرد و می فرمود خداوندا این از پیغمبر است نسبت پس گوسفند دیگر از برای خود قربانی میفرمود و اگر جمعی قادر نباشند که قربانی جدا بکنند جائز است که باهم شریک شوند تا هفت نفر بلکه هفتاد نفر حق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات یعنی در روزی چند شمرده شده و در احادیث معتبره منقول است که مراد تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هرکه در منی باشد عقیب پانزده نماز بگوید که اولش ظهر روز عید است و آخرش صبح [illegible] و در سایر شهرها عقیب ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم و مشهور استحباب است [illegible] واجب دانسته اند و اقلش بعد از هر نماز یک مرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوب است و ظاهر آن تکبیر مراد این [illegible] صحیح این است

اللّٰهُ اَکْبَرُ اللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَکْبَرُ اللّٰهُ اَکْبَرُ

خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است نیست معبودی بحق جز او و خدا بزرگتر است خدا بزرگتر است

وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ اللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی مَا هَدٰینَا اللّٰهُ اَکْبَرُ

و مر خدا راست ستایش خدا بزرگتر است بر آنچه راه نمود ما را خدا بزرگتر است

عَلٰی مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِیْمَةِ الْاَنْعَامِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اَبْلَانَا

بر آنچه روزی داد ما را از چهارپایان چرنده و حمد مر خدا راست بر آنچه آزمایش نمود ما را

فصل چهارم در فضائل و اعمال شب روز عید غدیر است و روز عید غدیر هجدهم این ماه است
و عظیم‌ترین اعیاد است و احادیث از طرق عامه و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده
از حد و احصا است و درین مقام بچند حدیث اکتفا می‌نماید بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه
السلام منقول است که چون روز قیامت شود چهار روز را بنزد عرش الهی برند با زینتها
مانند عروسی که بخانهٔ داماد برند روز عید اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر و روز عید
غدیر در میان آنها مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حق تعالی ابراهیم
خلیل علی نبینا و علیه السلام را از آتش نجات داد و این روز را روزه داشت برای شکر
حق تعالی و آن روزیست که خدا دین را در آن روز کامل گردانید بانکه حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی
بودن او را ظاهر گردانید بر مردم پس روزه داشت این روز را و این روز کامل شدن
دین است و روزی است که بینی شیطان بر خاک مالیده شده است و روزیست که اعمال
شیعیان و محبان آل محمد درین روز مقبول می‌شود و این روزیست که حق تعالی
عملهای مخالفان و سنیان را باطل میگرداند مانند ذره‌ها که در میان هوا پراکنده میشود و
این روزیست که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را که نصب کند کرسی کرامت خدا را
در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر آن کرسی بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها نزد او جمع میشوند و ثنا
می‌کنند بر محمد و آل محمد و استغفار می‌کنند برای شیعیان امیر المؤمنین و ائمه طاهرین صلوات
الله علیهم اجمعین و دوستان ایشان از فرزندان آدم و این روزیست که امر میکند
حق تعالی ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند از محبان اهل بیت و شیعیان
ایشان تا سه روز از روز غدیر و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشان را برای کرامت محمد و علی و
ائمه صلوات الله علیهم و این روزیست که خدا مخصوص محمد و آل محمد و شیعیان ایشان گردانیده
و این روزیست که خدا زیاد میگرداند مال کسی را که عبادت خدا کند درین روز و توسعه دهد
روزی بر عیال خود و برادران مؤمن خود و او را آزاد میگرداند از آتش جهنم و این روز سنت

که خدای شیعیان را شکر میکنند یعنی فرو میدهد گناه ایشان را که روز عمل ایشان را قبول میکند و این روزیست که خدای تعالی غمهای شیعیان را زایل میکرداند و گناهان ایشان را کم میکند و روز بخشش است و روز عطیه است و روز پهن کردن علم است و روز بشارت است و روز عید بزرگ است و روزیست که دعاها در آن مستجاب میکرد و روز موقف بزرگ است و روز پوشیدن جامه پاکیزه و روز بخشیدن گناهان شیعیان امیر المومنین علیه السلام است و روزیست که بسیار صلوات باید فرستاد بر محمد و آل محمد و روز خوشنودیست و روز عید اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله وسلم است و روز قبول اعمال است و روز طلب یادتی است و روز استراحت مومنان است و روز سوداگری ایشان است و روز دوستی کردن شیعیان است با یکدیگر و روز رسیدن رحمت خداست و روز ترک کبایر و گناهان است و روز عبادت و روزه افطار فرمودن روزه داران است پس که روزه داری را درین روز افطار فرماید چنانست که ده فیام را طعام کرده باشد و هر فیامی صد هزار کس است و روز تهنیت و مبارکباد است پس مومن که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید که

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين والائمة عليهم السلام

یعنی حمد و سپاس خداوندی را سزاست که گردانید ما را از آنها که چنگ زده اند و دوستی صحبت پادشاه مومنان و ائمه علیهم السلام این روز تبسم است در روی مومنان پس که تبسم کند در روی برادر مومن خود در روز عید غدیر حق تعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت و برآورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری از در مروارید سفید و روی او را نورانی کرداند و این روز زینت است پس که زینت کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد از برای او هر گناهی که کرده است صغیره یا کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که بنویسند برای او حسنات و بلند کردانند برای او درجات تا سال آینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان داشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعامی دهد درین روز مومنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که دیدن کند درین روز مومنی را داخل کرداند خدای تعالی در قبر او هفتاد نور و قبرش را

کشاده گردانند و زیارت کنند او را در قبر او و هر روز هفتاد هزار ملک بشارت دهند او را به بهشت
و در روز عید غدیر حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت و محبت ما اهل بیت را بر اهل آسمانها پس سبقت گرفتند
پس پیشی گرفتند با قرار آن اهل آسمان هفتم پس زینت داد آن را بعرش پس بعد از آن سبقت گرفتند اهل آسمان
چهارم با قرار آن پس زینت داد آن را به بیت المعمور پس سبقت گرفتند با آن اهل آسمان اول پس زینت
بخشید به ستارگان پس حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی گرفت با قرار آن
مکه معظمه پس زینت داد آن را بکعبه پس پیشی گرفت مدینه طیبه پس زینت داد آن را بمحمد مصطفی صلی الله علیه و آله
پس سبقت گرفت بسوی آن شهر کوفه پس زینت داد آن را به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس عرض
کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت و بان
سبب این جواهر بهترین جواهرها شدند پس کوههای دیگر سبقت گرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره و سایر معدنها
گردیدند و هر یک که اقرار نکرد معدن هیچ چیز نگردید باز در روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر آبها هر چه
قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر کدام قبول کرد
سخن گو و خوش آواز گردید و هر که قبول نکرد لال و بد آواز گردید و مثل مسلمانان در قبول کردن ولایت
امیر المؤمنین علیه السلام در روز عید غدیر مانند مثل ملائکه است در قبول کردن سجده حضرت آدم علیه السلام و مثل آنها که قبول
ولایت آنحضرت نکردند در روز غدیر مثل شیطان است در قبول نکردن سجده آدم علیه السلام و در روز غدیر این آیه نازل شد

اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِيْنَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِيْنًا

یعنی امروز کامل گردانیدم برای شما دین شما را و تمام گردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را برای
دین شما این حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر آنکه وصی و خلیفه خود را در این روز نصب کرده
است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی
غیر جمعه و اضحی و فطر هست فرمود عیدی هست که از همه عیدها بزرگتر است راوی گفت کدام عید است فرمود آن
روزیکه نصب کرد رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام را بخلافت خود و فرمود
که هر کس من مولا و آقای اویم پس علی مولا و آقا و پیشوای اوست آن روز هجدهم ذیحجه است راوی گفت
چه کار در آن باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را

یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المؤمنین
علیه السلام را که این روز را عید کرداند و هر پیغمبری وصی خود را وصیت میکرد که این
روز را عید کردانند و بروایت دیگر فرموده که روزهٔ روز غدیر کفارهٔ شصت سال
گناه است و بروایت دیگر منقول است که مفضل از حضرت صادق علیه السلام پرسید
که ام سکینی مرا که روز غدیر را روزه بدارم فرمود آری و الله آری و الله آری و الله بدرستیکه
که درین روز خدا توبهٔ حضرت آدم علیه السلام را قبول کرد و بشکر آن این روز را
روزه داشت و درین روز خدا حضرت ابراهیم را از آتش نجات داد و بشکر آن
این روز را روزه داشت و درین روز حضرت موسی هارون را وصی خود کردانید
و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت و درین روز حضرت عیسی علیه السلام
وصیت وصی خود شمعون الصفا را ظاهر کردانید و این روز را بشکر حق سبحانه و تعالی
روزه داشت و درین روز حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیر المؤمنین
علی علیه الصلوة و السلام را خلیفه و جانشین خود کردانید و فضیلت و وصایت
او را بر خلق ظاهر کردانید و این روز را بشکر این نعمتها روزه داشت و این روز روزه
داشتن است و روز عبادتست و روز طعام دادن است و روز نیکی کردن است
با برادران مؤمن و روزیست که خدا از مؤمنان خوشنود میکردد و بینی شیطان بخاک
مالیده میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقول است که کفت روزی در خدمت حضرت
امام رضا علیه السلام بودم و جماعت بسیاری حاضر بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد
و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود که پدرم از پدرانش روایت کرد که روز
غدیر در آسمان مشهورتر است از زمین بدرستیکه خدا را در فردوس اعلی قصری
هست که یک خشت آن از طلاست و یک خشت از نقره و دران قصر صد
هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز و خاکش
مشک و عنبر است و دران چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از آب

ونهری از شیر ونهری از عسل و در دور آن درختان است از انواع میوه ها و بر ان درختان
مرغان خوش الحان هستند بدنهای آنها از مروارید است و بالهای آنها از یاقوت و بانواع
نغمه ها خوانندگی می کنند و چون روز عید غدیر می شود در ان قصر حاضر می شوند جمیع
اهل آسمانها بتسبیح و تقدیس حق تعالی اشتغال میکنند و آن مرغان پرواز میکنند و در میان
آن آب فرو میروند و بر ان مشک و عنبر می غلطند و چون ملائکه جمع شدند پرواز می کنند و
مشک و عنبر بر ایشان می افشانند و درین روز نثار حضرت فاطمه صلوات الله علیها را
که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی درخت طوبی نثار کردند برای یکدیگر بهدیه
می فرستند و چون آخر این روز می شود ندا از جانب رب اعلی بایشان میرسد که بر
گردید بسوی درجه ها و مرتبه های خود پس بتحقیق که ایمن گردیدید از گناه و خطا
و لغزش تا مثل این روز از سال آینده برای کرامت محمد و علی صلوات الله علیهما پس
حضرت فرمود که ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام حاضر شوی بدرستیکه خدای تعالی درین روز می آمرزد از هر مرد مومن
و زن مومنه گناه شصت ساله ایشان را و درین روز آزاد میکند از آتش جهنم دو
برابر آنچه آزاد کرده است در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر و یک درهم که درین روز
به برادران مومن بدهی برابر است با هزار درهم که در اوقات دیگر بدهی و احسان کن
درین روز به برادران مومن خود و شاد گردان هر مومن و زن مومنه را بخدا سوگند که اگر مردم
فضیلت این روز را بدانند هر آینه هر روزه ده مرتبه ملائکه با ایشان مصافحه کنند
و زیارت امیر المؤمنین علیه السلام درین روز فضیلت بسیار دارد و از نزدیک و دور
موافق روایت صفوان و غیر او اگر از دور زیارت کنند دو رکعت نماز زیارت بجا
آورند و در رکعت اول سوره انا انزلنا و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخوانند پس بخوانند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی وَلِیِّكَ وَاَخِی نَبِیِّكَ وَوَزِیرِهِ وَحَبِیبِهِ وَخَلِیلِهِ

بار خدایا درود و رحمت بر ولی خود و برادر پیغمبر خود و وزیر او و دوست او و دوست او

ومَوضع سرّه وخيرته من اسرته وصفيّه وصفوته وخالصته وامينه ووليّه

ومحل راز او وبرگزیدهٔ او از گروه او وبرگزیدهٔ او وبرگزیدهٔ او ومختار او وامین او ودوست او

واشرف عترته الذين آمنوا به وابي ذرّيته وباب حكمته والناطق

وبزرگترین خویشان او که ایمان آوردند با او وپدر اولاد او ودروازهٔ حکمت او وگویا

بحجّته والداعي الى شريعته والماضي على سنّته وخليفته على امّته

بحجت او وخواننده بسوی شریعت او ورونده بر طریقهٔ او وجانشین او بر امت او

سيّد المسلمين وامير المؤمنين وقائد الغرّ المحجّلين افضل ما صلّيت

سردار مسلمانان وامیر مومنان وپیشوای مومنان تابان اعضا بهترین آنچه درود فرستادی

على احد من خلقك واصفيائك واوصياء انبيائك اللّهم انّي اشهد

بر یکی از خلق خود وبرگزیدگان خود وجانشینان پیغمبران خود بارخدایا بدرستیکه من

انّه قد بلّغ عن نبيّك صلّى الله عليه وآله ما حمّل ورعى ما استحفظ

بآنکه براستی رسانید از پیغمبر تو آنچه فرستاده خدا با او وآل او وآنچه را بر دوشش نهاده شد ورعایت کرد آنچه

وحفظ ما استودع وحلّل حلالك وحرّم حرامك واقام احكامك

ونگاهداشت آنچه امانت سپرده شد وحلال کرد حلال ترا وحرام کرد حرام ترا وبرپا داشت حکمهای ترا

ودعا الى سبيلك ووالى اولياءك وعادى اعداءك وجاهد

ودعوت کرد بسوی راه تو ودوستی کرد دوستان ترا ودشمنی کرد دشمنان ترا ومجاهده کرد

الناكثين عن سبيلك والقاسطين والمارقين عن امرك صابراً

با برگردندگان از راه تو وبا بیدادکنندگان وبرآیندگان از فرمان تو در حالی که صبر

محتسباً مقبلاً غير مدبر لا تأخذه في الله لومة لائم حتّى بلغ في ذلك

واحتساب روی آورنده نه پشت کرده نمی گرفت او را در راه خدا ملامت ملامت کننده تا آنکه رسید

الرضا وسلّم اليك القضاء وعبدك مخلصاً ونصح لك مجتهداً

رضا را وسپرد بسوی تو قضا را وپرستش کرد ترا در حال اخلاص وخیرخواهی کرد در راه تو کوشش نماینده

حَتّى اَتاهُ الْيَقينُ فَقَبَضَهُ اِلَيْكَ شَهيداً سَعيداً وَلِيّاً تَقِيّاً رَضِيّاً زَكِيّاً

تا آنکه آمد او را مرگ پس گرفتی او را بسوی خود در حالیکه بود شهید سعادتمند دوست پرهیزکار پسندیده پاک

هادِياً مَهْدِيّاً اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى اَحَدٍ

راهنما راه یافته خداوندا رحمت فرست بر محمد و بر او بهترین رحمتی که فرستادی بر یکی

مِنْ اَنْبِيائِكَ وَاَصْفِيائِكَ يا رَبَّ الْعالَمينَ

از پیغمبران خود و برگزیدگان خود ای پروردگار عالمیان

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو باد ای امیر مومنان و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو باد

يا اَمينَ اللّهِ في اَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلى عِبادِهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ جاهَدْتَ

ای امانت دار خدا در زمین او و دلیل او بر بندگان او گواهی میدهم که براستی مجاهده کردی

يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ فِي اللّهِ حَقَّ جِهادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ

ای امیر مومنان در راه خدا نهایت مجاهده او و عمل کردی بقران او و پیروی کردی طریقه پیغمبر او

صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتّى دَعاكَ اللّهُ اِلى جِوارِهِ فَقَبَضَكَ اِلَيْهِ بِاخْتِيارِهِ

درود فرستد خدا بر او و آل او تا آنکه خواند ترا خدا بسوی همسایگی خود پس گرفت ترا بسوی خود باختیار او

لَكَ كَريمَ ثَوابِهِ وَاَلْزَمَ اَعْداءَكَ الْحُجَّةَ في قَتْلِهِمْ اِيّاكَ مَعَ ما لَكَ مِنَ الْحُجَجِ

برای تو ثواب بزرگ خود را و لازم کرد بدشمنان تو حجت در کشتن ایشان ترا با آنچه برای تست از حجتها

اَلْبالِغَةِ عَلى جَميعِ خَلْقِهِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ نَفْسي مُطْمَئِنَّةً

کامله بر تمام خلق او بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان نفس مرا آرامیده

بِقَدَرِكَ راضِيَةً بِقَضائِكَ مُولَعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعائِكَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِيائِكَ

بقدر خود خوشنود شونده بقضای خود حریص بر یاد خود و بر خواندن خود دوست دارنده مر برگزیده دوستان خود

مَحْبُوبَةً في اَرْضِكَ وَسَمائِكَ صابِرَةً عِنْدَ نُزُولِ بَلائِكَ شاكِرَةً لِفَواضِلِ

دوست داشته شده در زمین و آسمان تو صبر کننده نزد فرود آمدن بلای تو شکر کننده مر عطاهای

نعمائك ذاكرةً لسوابغ آلائك مشتاقةً الى فرحة لقائك متزوّدةً التقوى ليوم جزائك

نعمتهای تو یاد آورنده برای نعمتهای کامل تو آرزومند بسوی خوشحالی ملاقات تو توشه گیرنده پرهیزکاری را برای روز جزای تو

مستنّةً بسنن اوليائك مفارقةً لاخلاق اعدائك مشغولةً

باد است تو راه گیرنده برای راههای دوستان تو گذارنده مر خویهای دشمنان ترا اعراض کننده

عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم انّ قلوب المخبتين اليك والهةٌ وسبل

از دنیا بحمد تو و ثنای تو بار خدایا بدرستیکه دلهای فروتنی کنندگان بسوی تو شیفته اند و راههای

الراغبين اليك شارعةٌ واعلام القاصدين اليك واضحةٌ وافئدة العارفين

راغبان بسوی تو گشاده است و نشانهای قصد کنندگان بسوی تو روشن است و دلهای عارفان

منك فازعةٌ واصوات الداعين اليك صاعدةٌ وابواب الاجابة لهم مفتّحةٌ

از تو ترسانست و آوازهای خوانندگان بسوی تو بلند است و درهای قبول دعا برای ایشان گشاده است

ودعوة من ناجاك مستجابةٌ وتوبة من اناب اليك مقبولةٌ وعبرة من بكى

و دعای کسیکه مناجات کند ترا مستجاب است و توبه کسیکه بازگشت کند بسوی تو پذیرفته است و اشک کسیکه گریه کند

من خوفك مرحومةٌ والاغاثة لمن استغاث بك موجودةٌ والاعانة

از خوف تو رحم کرده شده است و فریاد رسی از برای کسیکه استغاثه کند بتو موجود است و یاری دادن

لمن استعان بك مبذولةٌ وعداتك لعبادك منجزةٌ وزلل من استقالك

مر کسی را که یاری جوید از تو بذل کرده شده است و وعدهای تو مر بندهای ترا وفا کرده شده است و لغزشهای کسیکه طلب تجاوز نماید از تو

مقالةٌ واعمال العاملين لديك محفوظةٌ وارزاق الخلائق من لدنك نازلةٌ

تجاوز کرده شده است و عملهای عمل کنندگان نزد تو محفوظ است و روزیهای خلائق از نزد تو فرود آمده است

وعوائد المزيد اليهم واصلةٌ وذنوب المستغفرين مغفورةٌ وحوائج

و منافع زیادتی بسوی خلائق واصل است و گناهان مغفرت طلبان آمرزیده است و حاجتهای

خلقك عندك مقضيّةٌ وجوائز السائلين عندك موفّرةٌ

آفریدگان تو نزد تو برآورده شده است و جایزه های سوال کنندگان نزد تو بسیار است

وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَنَاهِلَ الظِّمَاءِ

و منافع زیادتی پی در پی آینده است و خوانهای طعام طلبان آماده است و آبشخور تشنگان

لَدَيْكَ مُتْرَعَةٌ اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ

نزد تو پر آب است بارخدایا پس بپذیر دعای مرا و قبول کن ثنای مرا و جمع کن میان من و میان

أَوْلِيَائِي وَأَحِبَّائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

یاران من و دوستان من بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین

وَالْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمْ

و امامان از نسل حسین درودهای خدا و رحمت او بر ایشان

إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي وَمُنْتَهَى مُنَايَ وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ

بدرستیکه تو خداوند نعمتهای منی و منتهای آرزوهای منی و نهایت امید منی در جای بازگشت و جای اقامت من

و اگر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل آورد و آخر آن دعا را بخواند شاید بهتر باشد و شب

غدیر نیز شب بسیار مبارک است و در شب نیز مناسب است که این زیارت را بعمل آورند

نمازی در این شب وارد شده است چون سندش معتبر نبود ایراد ننمودیم و اما فضیلت روزه

داشتن و تصدق کردن و افطار روزه دار نمودن در این روز در این ابواب احادیث

بسیار است از جمله آنها این روایت است که حضرت صادق علیه السلام فرمود که روزه

روز عید غدیر برابر است با روزه عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام عمر دنیا عمر بیابد

و روزه بدارد روزه این روز برابر است با ثواب او و روزه اش برابر است نزد خدا

با صد حج و صد عمره و این عید بزرگ خدا است و خدا نفرستاده است پیغمبری مگر

آنکه این روز را عید کرده است و حرمت آنرا دانسته است و نامش در آسمان روز عهد

معهود است و نامش در زمین روز میثاق ماخوذ و جمع مشهود است و هر که

در این روز مومنی را افطار فرماید ثواب کسی دارد که ده فیام را اطعام دهد که هر فیامی

صد هزار کس است و ثواب کسی دارد که طعام دهد و آب دهد باین عدد که مذکور شد

از سفیران و اوصیای ایشان و شهیدان و صالحان را در سال هشتاد و یک درهم که درین
روز تصدق کند برابرست با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کنند
پس فرمود که شاید که گمان کنی که خداوند روزی خلق کرده است که حرمتش از این روز بیشتر باشد
نه و الله نه و الله نه و الله و در روایت دیگر فرمود که روزه اش برابرست با شصت ماه
از ماههای حرام که روزه بدارند و فرمود که روز عید روز سرور و شادی است و بسند معتبر
از فیاض بن محمد منقولست که گفت در روز عید غدیر در مرو در خدمت حضرت
امام رضا علیه السلام بودم و آن حضرت در آن روز مخصوصان و خویشان و
اصحاب خود را جمع کرده بود و ایشان را نگاه داشته بود که در شب افطار کنند و بخانهای
ایشان طعامها و زرها و خلعتها فرستاده حتی انگشتر و کفش نیز فرستاده و با ایشان
خلعتهای فاخره شفقت فرموده و ملازمان و خدمتکاران خود را جامه های نو بسیار نفیس
پوشانیده بود و فضیلت این روز را برای ایشان نقل میفرمود و از جمله آنها گفت که در
بعضی از سالهای خلافت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روز جمعه با روز عید غدیر
در یک روز جمع شد پس بعد از پنج ساعت که از روز گذشت بر منبر بالا رفت و خطبه
طولانی خواند و فضائل روز غدیر بسیار بیان فرمود تا آنها که بسیار از برای این روز ذکر
کرد پس فرمود که بعد از انقضای این مجمع برگردید بخانهای خود و توسع کنید بر عیال خود
و احسان و نیکی کنید نسبت به برادران مؤمن خود و در خانه های خود برادران
مؤمن را جمع کنید و نیکوئی کنید نسبت با ایشان و یکدیگر را تهنیت و مبارکباد بگوئید و نیکی
و احسان کردن درین روز مال و عمر را زیاد می کند و مهربانی با یکدیگر کردن موجب
مزید رحمت الهی است و تا توانید بخشش و احسان کنید با عیال خود و برادران مؤمن
خود و اظهار شادی و خوشحالی کنید و هر که امید احسان از شما دارد در حق او تقصیر
مکنید و ضعیفان و فقیران و غلامان و کنیزان خود را با خود برابر کنید بدرستیکه دادن یک
درهم درین روز برابرست با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا می فرماید و روزه

این روز را حق تعالی سنت گردانیده و ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده که از اول
دنیا تا آخر دنیا عبادت کند باینکه روزها روزه بدارد و شبها بعبادت بایستد و کسیکه در
آن روز حاجت برادر مومنی را پیش از آنکه او اظهار کند و از روی رغبت و خوشحالی بر آورد
باشد که این روز را روزه داشته باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد و هر که در شبش مومنی
را افطار فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و شهید را افطار فرموده باشد و بیش
باشد ثواب کسیکه متکفل احوال چندین نفر از مردان مومن و زنان مومنه بشود و هر که چنین کند
من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن و فقیر شدن و اگر بمیرد در آن شب یا در آن روز یا بعد
از آن تا عید غدیر آینده بدون آنکه گناه بسیار بدی بکند البته آمرزیده است و هر که قرض بکند
درین روز برای برادران مومن خود من ضامنم بر خدا که او را زنده بدارد یا بمیراند آن قرض از
متحمل شود و از دوش او بردارد و چون با یکدیگر ملاقات کنید مصافحه کنید و یکدیگر را
تهنیت بگوئید و آنچه گفتم حاضران بغایبان بگویند و توانگران عیادت کنند فقیران را و بر ایشان
دستگیری کنند ضعفا از حضرت رسول صلعم مرا اینها امر فرموده و بدانکه غسل در
اول این روز سنت موکده است و اما کیفیت نماز روز عید غدیر نماز مشهورش آنست که
از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که درین روز در نیم ساعت پیش از
زوال شمس دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت سوره حمد یکمرتبه و قل هو الله احد و انا انزلنا
و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار
حج و صد هزار عمره و هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که از خدای کریم سوال کند
البته باسانی و عافیت بر آورده شود و چون برادر مومن را ملاقات کنی بگو که

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَکْرَمَنَا بِهٰذَا الْیَوْمِ وَجَعَلَنَا مِنَ الْمُوفِینَ بِعَهْدِهِ الَّذِی عَهِدَهُ

سپاس خدای را که گرامی داشت ما را باین روز و گردانید ما را از وفا کنندگان بعهد خود که عهد کرده

اِلَیْنَا وَمِیثَاقِهِ الَّذِی وَاثَقَنَا بِهِ مِنْ وِلَایَةِ وُلَاةِ اَمْرِهِ وَالْقُوَّامِ بِقِسْطِهِ

بسوی ما و پیمانی که محکم کرده است با ما آن از دوستی والیان امر او و قائمان بعدل او

ما أنزلت إليه من ولاية ولي أمرك وحذرته وأنذرته إن لم يبلغ ما

برساندی کسی که او از مولی بودن ولی امر تو وحذر فرمودی او را و ترسانیدی او را از اینکه نرساند آنچه

أمرته به أن تسخط عليه ولما بلغ رسالاتك عصمته من الناس فنادى

امر کردی او را بآن باینکه غضب کنی بر او و هرگاه تبلیغ کرد رسالتهای ترا نگاهداشتی او را از مردم پس ندا کرد

مبلغا عنك ألا من كنت مولاه فعلي مولاه ومن كنت وليه فعلي

درحالیکه رساننده بود از تو آگاه باشید هر که هستم من مولای او پس علی مولای او و هر که هستم من ولی او پس علی

وليه ومن كنت نبيه فعلي أميره ربنا قد أجبنا داعيك النذير محمدا عبدك

ولی اوست و هر که هستم من پیغمبر او پس علی امیر اوست ای پروردگار ما تحقیق اجابت کردیم دعوت کننده ترا که بیم کننده [illegible]

ورسولك إلى الهادي المهدي عبدك الذي أنعمت عليه وجعلته

و رسول تست بجانب راه نما راه یافته بنده تو آنچنان بنده که انعام کردی بر او و گردانیدی او را

مثلا لبني إسرائيل علي أمير المؤمنين ومولاهم ووليهم ربنا آمنا واتبعنا

مثل برای بنی اسرائیل علی امیر مومنان و مولای ایشان و ولی ایشان ای پروردگار ما ایمان آوردیم و پیروی کردیم

مولانا وولينا وهادينا وداعينا وداعي الأنام وصراطك المستقيم

مولای خود و ولی خود و رهنمای خود و دعوت کننده خود و دعوت کننده خلق را و راه راست ترا

وحجتك البيضاء وسبيلك الداعي إليك على بصيرة هو ومن اتبعه

و حجت روشن ترا و راه ترا که دعوت کننده است بجانب تو بر بینائی او و هر که پیروی نمود او

وسبحان الله وتعالى عما يشركون وأشهد أنه الإمام الهادي

و منزه است خدا و برتر است از آنچه شریک او میگردانند و گواهی میدهم که اوست امام [illegible]

الرشيد أمير المؤمنين الذي ذكرته في كتابك فقلت وقولك الحق

راه یابنده امیر مومنان آنکه ذکر کردی او را در کتاب خود و قول تو راست است

وإنه في أم الكتاب لدينا لعلي حكيم اللهم فإنا

و بدرستیکه تو گفتی و بدرستیکه او در لوح محفوظ نزد ما هر آینه بلند مرتبه صاحب حکمت است بار خدایا پس

نشهد بانه عبدك والهادی بعد نبیك النذیر المنذر وصراطك

شهادت میدهیم اینکه علی بنده تست و رهنماست بعد پیغمبر تو که ترساننده و بیم دهنده است و راه تو

المستقیم وامیر المؤمنین وقائد الغر المحجلین وحجتك البالغة ولسانك

راست تست و امیر مومنان و پیشوای سفید رویان و بایالها سپیدها و حجت تو که رسیده است و زبان تو

المعبر عنك فی خلقك وانه القائم بالقسط فی بریتك ودیان دینك

که تعبیر کننده است از تو در خلق تو و بدرستیکه اوست بر پا بعدل در خلق تو و حاکم دین تو

وخازن علمك وامینك المامون المأخوذ میثاقه ومیثاق رسولك

و خزانه دار علم تو و امین تو اعتماد کرده شده گرفته شده پیمان او و پیمان رسول تو

علیهما السلام من جمیع خلقك وبریتك شاهدا بالاخلاص لك و

بر هر دو سلام باد از همه خلق تو و آفریده تو گواهی دهنده باخلاص برای تو و

بالوحدانیة والربوبیة بانك انت الله لا اله الا انت وان محمدا عبدك

به یکتائی و پروردگاری باینکه تو خدا استی نیست معبودی بجز تو و اینکه محمد بنده تو

ورسولك وان علیا امیر المؤمنین جعلته ولیك والاقرار بولایته

و پیغمبر تست و اینکه علی امیر مومنانست گردانیدی او را ولی خود و گردانیدی اقرار ولایت او را

تمام وحدانیتك وكمال دینك وتمام نعمتك علی جمیع خلقك وبریتك

تمام توحید خود و کمال دین خود و تمام نعمت خود بر تمام خلق خود و آفریده های خود

فقلت وقولك الحق الیوم اكملت لكم دینكم واتممت علیكم نعمتی

پس گفتی و گفته تو درست است که امروز کامل کردانیدم برای شما دین شما را و تمام کردم بر شما نعمت خود را

ورضیت لكم الاسلام دینا فلك الحمد بموالاته واتمام نعمتك علینا

و پسندیدم برای شما اسلام را دین پس مر تست ستایش بدوستی او و تمام کردن نعمت خود بر ما

بالذی جددت لنا من عهدك ومیثاقك فذكرتنا ذلك وجعلتنا

بآنچه تازه کردی برای ما از عهد خود و پیمان خود و یاد دادی ما را آن عهد بیاد آورندگان

مِنْ اَهْلِ الْاِخْلَاصِ وَالتَّصْدِيقِ بِمِيثَاقِكَ وَمِنْ اَهْلِ الْوَفَاءِ بِذٰلِكَ

از اهل اخلاص وگرویدن به پیمان خود و از اهل وفا بآن پیمان

وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ اَتْبَاعِ الْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُحَرِّفِينَ وَالْمُبَتِّكِينَ

ومگردانید ما را از تابعان تغییر دهندگان وبدل کنندگان وتحریف نمایندگان وبرندگان

اٰذَانَ الْاَنْعَامِ وَالْمُغَيِّرِينَ خَلْقَ اللّٰهِ وَمِنَ الَّذِينَ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ

گوشهای چارپایان وتغییر دهندگان خلق خدا و از جماعت که غالب شد برایشان شیطان

فَاَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللّٰهِ وَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ اَللّٰهُمَّ

پس فراموش گردانید ایشان را از ذکر خدا و بازداشت ایشان را از راه حق وطریق راست بار خدایا

الْعَنِ الْجَاحِدِينَ وَالنَّاكِثِينَ وَالْمُغَيِّرِينَ وَالْمُبَدِّلِينَ وَالْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ الدِّينِ

لعنت کن منکران را و عهد شکنان را و تغییر دهندگان را و بدل کنندگان را و تکذیب کنندگان روز جزا را

مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ اَللّٰهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى اِنْعَامِكَ عَلَيْنَا بِالْهُدَى

از پیشینیان وپسینیان بار خدایا پس مرترا ست ستایش بر نعمت دادن تو بر ما بهدایتی

الَّذِي هَدَيْتَنَا بِهِ اِلَى وُلَاةِ اَمْرِكَ مِنْ بَعْدِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

که راهنمائی کردی ما را بآن بسوی والیان کار تو بعد از پیغمبر تو درود فرستد خدا برا و وآل او

الْاَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الرَّاشِدِينَ وَاَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ الْقُلُوبِ وَالتَّقْوَى

که امامان راه نمایان راه یابان نشانهای هدایت وجای روشنائی دلها وپرهیزکاری

وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَكَمَالِ دِينِكَ وَتَمَامِ نِعْمَتِكَ وَمَنْ بِهِمْ وَبِمُوَالَاتِهِمْ

ودست آویز محکم وکمال دین تو وتمام نعمت تو اند وکسانیکه بایشان وبدوستی ایشان

رَضِيتَ لَنَا الْاِسْلَامَ دِينًا رَبَّنَا فَلَكَ الْحَمْدُ اٰمَنَّا وَصَدَّقْنَا بِمَنِّكَ

پسندیدی برای ما اسلام را دین ای پروردگار ما پس مرترا ست سپاس ایمان آوردیم وتصدیق نمودیم

عَلَيْنَا بِالرَّسُولِ النَّذِيرِ الْمُنْذِرِ وَوَالَيْنَا وَلِيَّهُمْ وَعَادَيْنَا عَدُوَّهُمْ

بر ما به پیغمبر بیم دهنده ترساننده ودوست داشتیم دوست ایشان را ودشمن داشتیم دشمن ایشان را

وبرئنا من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما كان

و بیزار شدیم از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا بارخدایا پس چنانچه هست

ذلك من شأنك يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من هو

این از شأن تو ای راست وعده ای کسیکه خلف وعده نمینماید ای کسیکه او

كل يوم في شأن إذ أتممت علينا نعمتك بموالاة أوليائك المسؤول

هر روز در کاریست وقتیکه تمام کردی بر ما نعمت خود را بدوستی دوستان خود آنانکه سؤال کرده شده

عنهم عبادك فإنك قلت ثم لتسألن يومئذ عن النعيم وقلت

از آنها بندهای تو زیرا که تو گفتی که پس هر آینه سؤال کرده میشوید در آن روز از نعمتها و گفتی

وقولك الحق وقفوهم إنهم مسؤولون ومننت علينا بشهادة الإخلاص

و گفته تو حق است که ایستاده کنید آنها را که هر آینه ایشان سؤال کرده میشوند و منت نهادی بر ما بگواهی اخلاص

وبموالاة أوليائك الهداة بعد النذير المنذر السراج المنير فأكملت

و بدوستی دوستان خود که راه نمایندگان اند بعد از بیم دهنده ترساننده چراغ روشن پس کامل کردی

لنا بهم الدين وأتممت علينا النعمة وجددت لنا عهدك وذكرتنا

برای ما بایشان دین خود را و تمام کردی بر ما نعمت را و تازه کردی برای ما عهد خود را و یاد دادی ما را

ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء خلقك إيانا وجعلتنا من أهل الإجابة

پیمان خود را که گرفته شده از ما در ابتدای آفریدن تو ما را و گردانیدی ما را از قبول کنندگان

ولم تنسنا ذكرك فإنك قلت وإذ أخذ ربك من بني آدم من ظهورهم

و فراموش نگردانیدی ما را ذکر خود را پس بدرستیکه تو گفتی یاد کن وقتی که گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان

ذريتهم وأشهدهم على أنفسهم ألست بربكم قالوا بلى شهدنا

ذریت آنها را و گواه گردانید آنها را بر نفسهای آنها که آیا نیستم من پروردگار شما گفتند آری گواهی دادیم

بمنك ولطفك بأنك أنت الله لا إله إلا أنت ربنا ومحمد عبدك

باحسان تو و لطف تو پس بدرستیکه توئی تو خدائی که نیست معبودی بجز تو پروردگار ما و محمد بنده تو

وَرَسُولُكَ نَبِيُّنَا وَعَلِيٌّ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَبْدُكَ الَّذِي اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا

و فرستادهٔ تو پیغمبر ماست و علی پیشوای مومنان بندهٔ تو آنچنان بنده که احسان کردی بسبب او بر ما

وَجَعَلْتَهُ آيَةً لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآيَتَكَ الْكُبْرٰى وَصِرَاطَكَ

و گردانیدی او را علامتی برای پیغمبر خود درود فرستد خدا بر او و آل او و گردانیدی او را علامت بزرگ خود و راه خود

الْمُسْتَقِيمَ وَالنَّبَأَ الْعَظِيمَ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَنْهُ مَسْؤُولُونَ

که راست است و خبر بزرگی که ایشان در ان اختلاف دارند و از ان سوال کرده میشوند

اَللّٰهُمَّ فَكَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ اَنْ اَنْعَمْتَ عَلَيْنَا بِالْهِدَايَةِ اِلٰى مَعْرِفَتِهِمْ

بار خدایا پس چنانچه بود از شان تو اینکه آسان کردی بر ما براه نمائی بسوی شناختن ایشان

فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُبَارِكَ لَنَا

پس باید که باشد از شان تو اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برکت دهی ما را

فِي يَوْمِنَا هٰذَا الَّذِي اَكْرَمْتَنَا بِهِ وَذَكَّرْتَنَا فِيهِ عَهْدَكَ وَمِيثَاقَكَ

در روز ما که این روز است آن روزیکه اکرام کردی ما را بآن و یاد دادی ما را در آن روز عهد خود و پیمان خود

وَاَكْمَلْتَ لَنَا دِينَنَا وَاَتْمَمْتَ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَجَعَلْتَنَا بِمَنِّكَ مِنْ اَهْلِ

و کامل گردانیدی برای ما دین ما را و تمام کردی بر ما نعمت خود را و گردانیدی ما را باحسان خود از اهل

الْاِجَابَةِ لَكَ وَالْبَرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكَ وَاَعْدَاءِ اَوْلِيَائِكَ الْمُكَذِّبِينَ بِيَوْمِ

اجابت خود و بیزاری از دشمنان خود و از دشمنان دوستان خود که تکذیب میکنند بروز

الدِّينِ فَاَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَمَامَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْنَا وَاَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْمُوقِنِينَ

جزا پس سوال می نمایم ای پروردگار من تمام کردن آنچه انعام کرده بآن بر ما و اینکه بگردانی ما را از اهل یقین

وَلَا تُلْحِقْنَا بِالْمُكَذِّبِينَ وَاجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ مَعَ الْمُتَّقِينَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الْمُتَّقِينَ اِمَامًا

و ملحق نگردانی ما را بتکذیب کنندگان و بگردان برای ما پای راستی با پرهیزکاران و بگردان ما را با پرهیزکاران پیشوا

يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ الْاَئِمَّةِ الصَّادِقِينَ

روزیکه میخوانیم تمام آدمیان را با پیشوای ایشان و برانگیز ما را در گروه اهل بیت پیغمبر خود که امامان راستگویند

وَاجْعَلْنَا مِنَ الْبُرَآءِ مِنَ الَّذِينَ هُمْ دُعَاةٌ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ هُمْ مِنَ

و بگردان ما را از بیزار شدگان از کسانیکه ایشان دعوت کنندگانند بسوی دوزخ و روز قیامت ایشان

الْمَقْبُوحِينَ وَأَحْيِنَا عَلَى ذٰلِكَ مَا أَحْيَيْتَنَا وَاجْعَلْ لَنَا مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

زشتانند و زنده دار ما را برین مادام که زنده داری ما را و بگردان ما را با رسول خود راهی

وَاجْعَلْ لَنَا قَدَمَ صِدْقٍ فِي الْهِجْرَةِ إِلَيْهِمْ وَاجْعَلْ مَحْيَانَا خَيْرَ الْمَحْيَا وَ

و بگردان برای ما قدم راستی در مهاجرت بسوی ایشان بگردان زندگانی ما را بهتر زندگی و

مَمَاتَنَا خَيْرَ الْمَمَاتِ وَمُنْقَلَبَنَا خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ عَلَى مُوَالاةِ أَوْلِيَائِكَ وَمُعَادَاةِ

مرگ ما را بهتر مرگی و جای بازگشت ما را بهتر جای بازگشتی بر دوستی دوستان خود و دشمنی

أَعْدَائِكَ حَتَّى تَوَفَّانَا وَأَنْتَ عَنَّا رَاضٍ قَدْ أَوْجَبْتَ لَنَا جَنَّتَكَ

دشمنان خود تا آنکه بمیرانی ما را و تو از ما خوشنود باشی تحقیق واجب کرده باشی برای ما بهشت خود را

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَالْمَثْوَى مِنْ جِوَارِكَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ مِنْ

برحمت خود ای مهربانترین مهربانان و جای آرامیدن را از همسایگی خود در جای بودن از

فَضْلِكَ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا

فضل خود نرسد ما را در آنجا رنجی و نرسد ما را در آنجا ملالی ای پروردگار ما بیامرز ما را

ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا

گناهان ما را و دور کن از ما بدیهای ما و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده کردی ما را

عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ اللّٰهُمَّ احْشُرْنَا

بر زبان پیغمبران خود و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را خدایا برانگیز ما را

مَعَ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ مِنْ آلِ رَسُولِكَ نُؤْمِنُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَشَاهِدِهِمْ

با امامان راه نمایان از آل پیغمبر خود ایمان آوریم به پنهان ایشان و آشکار ایشان و حاضر ایشان

وَغَائِبِهِمْ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِالَّذِي

و غائب ایشان بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحقیکه گردانیدی آنرا نزد ایشان و

فضلتهم به على العالمين جميعا ان تبارك لنا في يومنا هذا الذي اكرمتنا
فضیلت دادی ایشان را بسبب آن بر عالمیان همه اینکه برکت دهی ما را در روز ما این روزیکه گرامی کردی
فيه بالموافاة بعهدك الذي عهدته الينا وبالميثاق الذي واثقتنا به من
در این روز بتمام کردن پیمان خود و بجا آوردن پیمانیکه عهد کردی آنرا بسوی ما و بپیمانیکه پیمان گرفتی از ما
موالاة اوليائك والبراءة من اعدائك ان تتم علينا نعمتك و
دوستی دوستان خود و بیزاری از دشمنان خود اینکه تمام کنی بر ما نعمت خود را و
لا تجعله مستودعا واجعله مستقرا ولا تسلبناه ابدا ولا تجعله
مگردان آنرا امانت گذاشته شده و بگردان آنرا ثابت و مربا از ما هرگز و مگردان آنرا
مستعارا وارزقنا مرافقة وليك الهادي المهدي الى الهدى و
عاریت و روزی کن ما را همراهی دوست خود که راه نما و راه یافته است بسوی راه راست
تحت لوائه وفي زمرته شهداء صادقين على بصيرة من دينك انك
و در زیر علم او و در گروه او که شهیدان است که باشند بر بینائی از دین خود بدرستیکه تو
على كل شيء قدير واگر این عمل بسیار دشوار باشد باین روایت عمل کند که شیخ مفید
بر همه چیز قادری علیه الرحمة و دیگران از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند
که هر که در روز عید غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد اگر نزدیک زوال بکند
که در آن ساعت حضرت رسول صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را
در غدیر خم برای مردم بامامت و خلافت نصب کرد بهتر است یعنی بهر سوره که خواند و اگر در
رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم قل هو الله احد بخواند چنانچه در روایت معتبر دیگر
وارد شده است بهتر است پس بسجده رود و صد مرتبه شکرا لله یا شکرا بگوید و چون
سر از سجده بردارد این دعا را بخواند

اللهم اني اسألك بان لك الحمد وحدك لا شريك لك
بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو باینکه مر تر است ستایش تنها نیست شریکی مر ترا

وانك واحد احد صمد لم تلد ولم تولد ولم تكن لك كفوا احد وان

و بانکه تو یگانه یکتائی پاکی نزائیدی و نزاده شدی نیست مر ترا همتائی و بانکه

محمدا عبدك ورسولك صلواتك عليه وآله يا من هو كل يوم في

محمد بنده تو و فرستاده تست درودهای تو بر او و آل او ای کسیکه او هر روز در

شأن كما كان من شأنك ان تفضلت علي بان جعلتني من اهل اجابتك

کاری است چنانچه بود از کار تو اینکه احسان کردی بر من بانکه گردانیدی تو مرا از اهل پذیرائی خود

واهل دينك واهل دعوتك ووفقتني لذلك في مبتدء خلقي تفضلا

و اهل دین خود و اهل دعوت خود و توفیق دادی مرا برای این در آغاز آفرینش من از راه فضل

منك وكرما وجودا ثم اردفت الفضل فضلا والجود جودا والكرم كرما

خود و از راه کرم و بخشش پس ردیف گردانیدی فضل را افضلی دیگر بخشش را بخششی دیگر و کرم را کرمی دیگر

رأفة منك ورحمة الى ان جددت ذلك العهد لي تجديدا بعد تجديد

از جهت مهربانی خود و رحمت خود تا آنکه تازه کردی آن عهد را برای من تازه کردنی بعد تازه کردن تو

خلقي وكنت نسيا منسيا ناسيا ساهيا غافلا فاتممت نعمتك بان ذكرتني

آفرینش مرا و بودم فراموش شده فراموش کار سهو کننده غفلت زده پس تمام کردی نعمت خود را بانکه یاد دادی مرا

ذلك ومننت به علي وهديتني له فليكن من شأنك يا الهي وسيدي

آن را و انعام کردی تو آن بر من و راه نمودی مرا برای او پس باید که باشد از شأن تو ای خدای من و سرور من

ومولاي ان تتم لي ذلك ولا تسلبنيه حتى تتوفاني على ذلك وانت عني راض

و مولای من اینکه تمام کنی برای من آن را و نربائی از من آن را تا بمیرانی مرا بر آن در حالیکه تو از من خوشنود باشی

فانك احق المنعمين ان تتم نعمتك علي اللهم سمعنا واطعنا واجبنا

پس بدرستیکه تو سزاوارترین نعمت دهندگانی بانکه تمام کنی نعمت خود را بر من بار خدایا شنیدیم و اطاعت کردیم و اجابت کردیم

داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا واليك المصير آمنا بالله

خواننده ترا با احسان تو پس مر تراست سپاس آمرزش ترا ای پروردگار ما و بسوی تست بازگشت ایمان آوردیم بخدا

وحده لا شريك له وبرسوله محمد صلى الله عليه وآله وصدّقنا وأجبنا

تنها نیست شریکی مر او را و برسول او محمد درود فرستد خدا برا و وآل او و تصدیق کردیم و قبول کردیم

داعي الله واتّبعنا الرسول في موالاة مولانا ومولى المؤمنين أمير المؤمنين

خواننده خدا را و پیروی کردیم رسول را در دوستی سرور ما و سرور مومنان امیر اهل ایمان

علي بن أبي طالب عبد الله وأخي رسوله والصدّيق الأكبر والحجّة على

علی پسر ابی طالب بنده خدا و برادر رسول او و صدیق اکبر و حجت بر

بريّته المؤيّد به نبيّه ودينه الحقّ المبين علماً لدين الله وخازناً لعلمه

خلق خدا تقویت یافته باو پیغمبر او و دین او راست روشن نشان مر دین خدا را و خزانه دار مر علم او را

وعيبة غيب الله وموضع سرّ الله وأمين الله على خلقه وشاهده

و جامه دان علم غیب خدا و جای راز پنهان خدا و امانت دار خدا بر خلق او و گواه او بر

في بريّته اللهمّ ربّنا إنّنا سمعنا منادياً ينادي للإيمان أن آمنوا بربّكم

آفریدهای او بار خدایا پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده را که میخواند برای ایمان که ایمان بیاورید به پروردگار خود

فآمنّا ربّنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفّر عنّا سيّئاتنا وتوفّنا مع الأبرار ربّنا و

پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس بیامرز برای ما گناهان ما را و محو کن از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان ای پروردگار ما

آتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا يوم القيامة إنّك لا تخلف الميعاد

بده ما را آنچه وعده کرده ما را بر زبان پیغمبران خود و رسوا مکن ما را در روز قیامت بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

فإنّا يا ربّنا بمنّك ولطفك أجبنا داعيك واتّبعنا الرسول وصدّقناه

پس بدرستیکه ای پروردگار ما باحسان تو و لطف تو قبول کردیم دعوت کننده ترا و پیروی کردیم رسول را و تصدیق کردیم او را

وصدّقنا مولى المؤمنين وكفرنا بالجبت والطاغوت فولّنا ما تولّينا واحشرنا

و تصدیق کردیم مولای مومنان را و انکار کردیم جبت و طاغوت را پس متوجه کن ما را بآنچه دوست داشتیم و برانگیز ما را

مع أئمّتنا فإنّا بهم مؤمنون موقنون ولهم مسلّمون آمنّا بسرّهم وعلانيتهم

با امامان ما پس بدرستیکه ما بایشان گروندگانیم و یقین آورندگانیم و مر ایشان را گردن نهادگانیم ایمان آوردیم به پنهان و آشکار ایشان

وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ وَرَضِينَا بِهِمْ أَئِمَّةً وَقَادَةً وَسَادَةً

و حاضر ایشان و غائب ایشان و زنده ایشان و مرده ایشان و راضی شدیم بایشان حالیکه امامان و پیشوایان و سروران

وَحَسْبُنَا بِهِمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ اللهِ دُونَ خَلْقِهِ لَا نَبْتَغِي بِهِمْ بَدَلاً وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ

و بس است ما را ایشان میان ما و میان خدا نه خلق او نطلبیم بجای ایشان بدلی و نگیریم از

دُونِهِمْ وَلِيجَةً وَبَرِئْنَا إِلَى اللهِ مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْباً مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

غیر ایشان دوست خاصی و بری شدیم بسوی خدا از هر که برپا کرد از برای ایشان جنگ از جن و انس

مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ

از پیشینیان و پسینیان و انکار کردیم جبت و طاغوت را و بتهای چهارگانه را

وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَكُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ

و دوستان ایشان را و پیروان ایشان را و هر که دوستدار ایشان از جن و انس از ابتدای دهر

إِلَى آخِرِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا نُشْهِدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ

تا آخر آن بار خدایا بدرستیکه گواه میگیریم ترا بآنکه طاعت میکنیم بانچه طاعت کرد بآن محمد و آل محمد صلی الله

عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا وَمَا دَانُوا

برو و بر ایشان و سخن ما همانست که ایشان گفته‌اند و دین ما همانست که دین گرفتند ایشان آنچه گفتند

بِهِ دِنَّا وَمَا أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا وَمَنْ وَالَوْا وَالَيْنَا وَمَنْ عَادَوْا عَادَيْنَا وَمَنْ

ازا ما نیز دین خود کردیم آنچه انکار کردند ما انکار کردیم و کسی که دوست داشتند دوست داشتیم کسی که دشمن داشتند

لَعَنُوا لَعَنَّا وَمَنْ تَبَرَّؤُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ

که لعن کردند لعن کردیم او را و کسیکه بیزار شدند از وی بیزار شدیم از او و هر که رحم کردند برو ترحم کردیم ما برو

آمَنَّا وَسَلَّمْنَا وَرَضِينَا وَاتَّبَعْنَا مَوَالِيَنَا صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ

ایمان آوردیم و تسلیم کردیم و خوشنود شدیم و پیروی کردیم آقایان خود را رحمتهای خدا باد بر ایشان خدایا تمام کن

لَنَا ذَلِكَ وَلَا تَسْلُبْنَاهُ وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرّاً ثَابِتاً عِنْدَنَا وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَاراً

برای ما این اعتقاد را و جدا مکن آنرا از ما و بگردان آنرا قرار و ثابت نزد ما و مگردان آنرا عاریه گرفته شده

وَاَحْيِنَا مَا اَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ وَاَمِتْنَا اِذَا اَمَتَّنَا عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا

و زنده دار ما را مادامیکه زنده داری ما را بر آن و بمیران ما را وقتیکه بمیرانی ما را بر آن آل محمد را امام

فَبِهِمْ نَأْتَمُّ وَاِيَّاهُمْ نُوَالِيْ وَعَدُوَّهُمْ عَدُوَّ اللّٰهِ نُعَادِيْ فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ

پس با ایشان اقتدا میکنیم و ایشان را دوست میداریم و دشمن آل محمد را که دشمن خدا است دشمن میداریم پس گردان ما را

فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ فَاِنَّا بِذٰلِكَ رَاضُوْنَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

در دنیا و آخرت و بگردان ما را از مقربان پس بدرستیکه با این خوشنودیم ای مهربان ترین مهربانان

پس برو بسجده و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه شکرا لله بگو پس حضرت فرمود که هر که این عمل را بجا

آورد ثواب کسی نوشته باشد که در روز غدیر نزد حضرت رسول صلعم حاضر شده باشد یا

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المومنین علیه السلام بر ولایت آنحضرت بیعت کرده باشد

و درجه او در بهشت یا در درجه راست گویان و تصدیق کنندگان باشد که تصدیق خدا و حضرت

رسول و راستی ورزیده اند در اخلاص که دنده اند مانند سلمان و ابوذر و مقداد و عمار رضی الله عنهم باشد یا کسی

باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول و حضرت امیر المومنین و حسن و حسین صلوات الله علیهم یا مانند

کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه و در زیر خیمه آنحضرت بوده باشد از نجبا

و نقیبان و برگزیدگان صحابه آنحضرت الصابح شیخ مفید علیه الرحمه روایت کرده که سنت است این دعا را در روز عید غدیر بخواند

اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعَلِيٍّ وَلِيِّكَ وَالشَّاْنِ وَالْقَدْرِ الَّذِيْ

بار خدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و علی ولی تو و بحق شان و منزلتی که

خَصَصْتَهُمَا بِهٖ دُوْنَ خَلْقِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّعَلِيٍّ وَّاَنْ تَبْدَاَ

مخصوص کردانیدی محمد و علی را بآن غیر از خلق خود اینکه درود فرستی بر محمد و علی و اینکه ابتدا کنی

بِهِمَا فِيْ كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ الْاَئِمَّةِ الْقَادَةِ

به محمد و علی در هر خیر که زود تر باشد خداوندا درود بفرست بر محمد و آل محمد که امامان و پیشوایند

وَالدُّعَاةِ السَّادَةِ وَالنُّجُوْمِ الزَّاهِرَةِ وَالْاَعْلَامِ الْبَاهِرَةِ وَسَاسَةِ الْعِبَادِ

و خوانندگان بحق سروران و ستارگان روشن و نشانهای درخشنده و امر و نهی کنندگان بندگان

وَاَرْكَانِ الْبِلَادِ وَالنَّاقَةِ الْمُرْسَلَةِ وَالسَّفِينَةِ النَّاجِيَةِ الْجَارِيَةِ فِي اللُّجَجِ

وستونهای شهرها وناقه کذشته شده وکشتی نجات یابنده رونده در انتهای

الْغَامِرَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خُزَّانِ عِلْمِكَ وَاَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ

عظیم بسیار عمیق بارخدایا درود بفرست بر محمد وآل محمد خزانه داران علم تو وستونهای توحید تو

وَدَعَائِمِ دِينِكَ وَمَعَادِنِ كَرَامَتِكَ وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَخِيَرَتِكَ

وستونهای دین تو وکانهای کرامت تو وبرگزیده های تو از خلق تو واختیار کرده شده

مِنْ خَلْقِكَ الْاَتْقِيَاءِ الْاَنْقِيَاءِ النُّجَبَاءِ الْاَبْرَارِ وَالْبَابِ الْمُبْتَلٰى بِهِ النَّاسُ

از خلق تو وپرهیزکاران وبرگزیدگان ونجیبان ونیکان ودری که امتحان کرده اند بآن مردم

مَنْ اَتَاهُ نَجٰى وَمَنْ اَبَاهُ هَوٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَهْلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ

هرکه آمد در ان رستکار شد وهرکه اباکرد ازان افتاد خداوندا درود بفرست بمحمد وآل محمد که اهل ذکر اند آنانکه

اَمَرْتَ بِمَسْئَلَتِهِمْ وَذَوِي الْقُرْبٰى الَّذِينَ اَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَفَرَضْتَ حَقَّهُمْ

امر کردی بسوال ایشان وصاحبان قرابت آنانکه امر فرمودی بدوستی ایشان وفرض کردی حق ایشانرا

وَجَعَلْتَ الْجَنَّةَ مَعَادَ مَنِ اقْتَصَّ آثَارَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

وکردانیدی بهشت را جای بازکشت کسیکه پیروی کرد روش ایشانرا بارخدایا درود بفرست بر محمد وآل محمد

كَمَا اَمَرُوا بِطَاعَتِكَ وَنَهَوْا عَنْ مَعْصِيَتِكَ وَدَلُّوا عِبَادَكَ عَلٰى وَحْدَانِيَّتِكَ

چنانکه امر کردند ایشان بفرمانبری تو ومنع کردند از نافرمانی تو وراه نمودند بندگان ترا بر یکانگی تو

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ وَاَمِينِكَ وَرَسُولِكَ

بارخدایا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو وبرگزیده تو واختیار کرده تو وامانت دار تو وفرستاده تو

اِلٰى خَلْقِكَ وَبِحَقِّ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَيَعْسُوبِ الدِّينِ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ

بسوی خلق تو وبحق پیشوای مومنان ومهتر آنجهان وپیشوای نیکوکاران سفید دست وپا

الْوَصِيِّ الْوَفِيِّ وَالصِّدِّيقِ الْاَكْبَرِ وَالْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ

جانشین ووفاکننده ودرست کوی بزرکتر وجدا کننده میان حق وباطل

والشاهد لك والدال عليك والصادع بامرك والمجاهد في سبيلك

وگواه برای تو وراه نماینده بر تو وظاهر کننده فرمان ترا وجهاد کننده در راه تو

لم تأخذه فيك لومة لائم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تجعلني في

نگرفت اورا در حق تو سرزنش سرزنش کننده اینکه درود فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی مرا در

هذا اليوم الذي عقدت فيه لوليك العهد في أعناق خلقك

این روز که بستی تو در آن روز برای ولی خود عهدی در گردنهای خلق خود

وأكملت لهم الدين من العارفين بحرمته والمقرين بفضله ومن عتقائك

وکامل گردانیدی برای ایشان دین را از شناسندگان بحرمت او واقرار کنندگان بفضیلت او واز آزاد کردهای خود

وطلقائك من النار ولا تشمت بي حاسدي النعم اللهم فكما جعلته عيدك

ورها کرده‌های خود از آتش وشاد مکن بمن حاسدان نعمتها را بار خدایا پس چنانچه گردانیدی آنرا عید

الأكبر وسميته في السماء يوم العهد المعهود وفي الأرض يوم الميثاق

بزرگ ونامیدی آنرا در آسمان روز عهد عهد کرده شده ودر زمین روز پیمان

المأخوذ والجمع المسئول صل على محمد وآل محمد وأقرر به عيوننا و

گرفته شده وجمع سوال کرده شده درود بفرست بر محمد وآل محمد وخنک کن باو چشمهای ما را

اجمع به شملنا ولا تضلنا بعد إذ هديتنا واجعلنا لأنعمك من

فراهم آر باو پراکندگی ما را وگمراه مکن پس از آنکه راه نمودی ما را وبگردان ما را برای نعمتهای خود از

الشاكرين يا أرحم الراحمين الحمد لله الذي عرفنا فضل هذا اليوم وبصرنا

شکر کنندگان ای مهربان ترین مهربانی کنندگان حمد مر خدای که شناسانید ما را فضیلت این روز وبینا کرد ما را

حرمته وكرمنا به وشرفنا بمعرفته وهدانا بنوره يا رسول الله يا أمير المؤمنين

حرمت این روز وگرامی کرد ما را باین روز وشرف داد ما را بشناختن او وراه نمود ما را بنور او ای رسول خدا ای امیر مؤمنان

عليكما وعلى عترتكما وعلى محبيكما مني أفضل السلام ما بقي

بر شما باد وبر ذریت شما وبر دوستان شما از من بهترین سلام تا باقی

اللیل والنهار وبکما اتوجه الی الله ربی وربکما فی نجاح طلبتی

شب و روز و بوسیلهٔ شما متوجه میشوم بسوی خدا که پروردگار من و پروردگار شما است در روا کردن مطلب خود

وقضاء حوائجی وتیسیر اموری اللهم انی اسألک بحق محمد و

و بر آوردن حاجتهای خود و آسان کردن کارهای خود ای خداوند بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحق محمد و

آل محمد ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تلعن من جحد حق هذا

آل محمد اینکه درود و رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه لعن کنی بر هر که انکار کرده حق این

الیوم وانکر حرمته فصد عن سبیلک لاطفاء نورک فابی الله الا

روز را و انکار کرده حرمت آنرا پس باز داشت از راه تو بجهت فرو نشانیدن نور تو پس ابا کرده خدا

ان یتم نوره اللهم فرج عن اهل بیت محمد نبیک واکشف عنهم

اینکه تمام کند نور خود را بار خدایا گشایش بده از اهل بیت محمد پیغمبر خود و برطرف کن از ایشان

وبهم عن المؤمنین الکربات اللهم املأ الارض بهم عدلا کما

و بسبب ایشان از مؤمنان اندوهها را بار خدایا پر کن زمین را بسبب ایشان از عدل چنانچه

ملئت ظلما وجورا وانجز لهم ما وعدتهم انک لا تخلف المیعاد

پر کرده شده از ستم و جور و وفا کن مر ایشان را آنچه وعده کرده ایشان را بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

و بگو انشاء الله پس رو بسجده برو و صد مرتبه شکراً و صد مرتبه الحمد لله بگو بعد صد مرتبه آنچه تو اند بگو

الحمد لله علی اکمال الدین واتمام النعمة ورضا الرب الکریم والحمد

سپاس خدا را بر کامل گردانیدن دین و تمام کردن نعمت و خوشنودی پروردگار کریم و سپاس

لله رب العالمین والصلوة علی خیر خلقه محمد وعترته الطاهرین

مر خدا را که پروردگار عالمیانست و درود بر بهترین خلق او محمد و ذریت او که پاک باشند

بهتر خواهد بود چنانچه سید بن باقی و کفعمی روایت کرده اند اما شیخ مفید علیه الرحمه این سجده را

نقل نکرده است فصل پنجم در فضیلت و اعمال روز مباهله است تا آخر ماه و در

تعیین روز مباهله میان علما اختلاف است مشهور اقوی آنست که روز بیست و چهارم است و

بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم و بعضی بیست و یکم نیز گفته اند و اگر در هر یک از اینها اعمال
مستحبه را بعمل آورند بهتر است و آنچه مشهور است بیست و چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله
آنست که چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران که
اعظم ترسایان عرب بودند و ایشان بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت رسالت
پناه صلعم را در کتب جمیع انبیا مشاهده کردند و بنابر اکثر علمای ایشان غالب شد
و ایمان بنا و رسید و هفتاد نفر از علما و عقلای خود را فرستادند که صفاتیکه در کتب
سابقه برای حضرت رسالت دیده اند مشاهده نمایند بمدینه داخل شدند و
صفات را موافق یافتند و حضرت رسول صلی الله علیه و آله حجتها بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض باطله مضایقه
کردند در ایمان آوردن و حق تعالی این آیه کریمه را فرستاد فَمَنْ حَاجَّكَ
فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ
وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى
الْكَاذِبِينَ یعنی پس هر که با تو مجادله کند در امر عیسی علیه السلام بعد از آنچه آمده است بسوی
تو از علم و برهان و القا کردی بر ایشان و قبول نکردند پس بگو ای محمد بیائید بخوانیم پسران
خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی نفسها را
که بمنزله جان ما اند و آنها را که بمنزله جان شما اند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت
و دوری از رحمت خدا را بر آنها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول صلعم عبای
دوش مبارک خود گرفت و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را در زیر
عبا داخل کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبری را اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق بوده اند با او خداوندا
اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف کن شک گناه را و پاک کن ایشان را پاک کردنی پس
جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه را در شان ایشان آورد که إِنَّمَا يُرِيدُ
اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

یعنی نیست جز اینکه اراده دارد حق تعالی که زائل گرداند از شما اهل بیت بدی و شک را و پاک
گرداند شما را از گناهان پاک گردانیدنی پس حضرت رسول علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام
را با خود بیرون برد از مدینه برای مباهله و چون نصاری حقیت آنحضرت را دانسته بودند
بعد از ایستادن حضرت با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب در زمین و آسمان
ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند که من رویهای چند می بینم که اگر دعا کنند که
کوهی از جا کنده شود کنده خواهد شد جرأت نکردند بر مباهله و استدعای مسالمه و مصالحه کردند
و قبول کردند که هر سال جزیه بدهند و حضرت ایشانرا نفرین نکرد و بامر الهی جزیه بر ایشان
قرار داد و حضرت فرمود که بخدا سوگند که هلاک و عذاب آویخته شد بر اهل نجران و اگر مباهله
میکردم هر آینه همه ازین جماعت میمون و خوک میشدند و این وادی بر ایشان آتش میشد
و سرایت بنجران میکرد و همه رسایان نجران می سوختند و پیش از آنکه سال تمام شود جمیع
نصاری میمردند و یک نصرانی بر روی زمین زنده نمی ماند و باین سبب چندین امر بر عالمیان
ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را و عزیز
ترین اهل خود را در معرض مباهله بدر نمی آورد و اگر آن جماعت حقیت آنحضرت بر ایشان
ظاهر نشده بود مباهله میکردند و مذلت خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند دوم آنکه ظاهر
شد که آل عبا علیهم السلام بزرگوارترین خلق بودند که ایشانرا آنحضرت در دعا با خود شریک
گردانید سوم آنکه ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیت خود
ایشانرا در معرض نفرین بدر آورد زیرا که بسیار است که آدمی خود را به مهالک می افکند
اما اعزه عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانکه صاحب کشاف و غیر او از
متعصبان سنیان اعتراف [illegible] آنکه حسن و حسین علیهما السلام فرزند حقیقی
آنحضرت اند [illegible] ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است نزد خدا و رسول [illegible]
پنجم آنکه حضرت فاطمه بهترین زنان بوده از زوجات و سایر قرابات آنحضرت
و اقرب بوده و منزلت او نزد حق تعالی از همه بیشتر بوده ششم آنکه باتفاق عامه و خاصه

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در مباهله داخل بود و داخل ابنا و نسا نیست پس باید داخل
انفسنا باشد و حقیقت در اینجا مراد نمی تواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محالست پس اراده
کرده اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت صلعم در کمالات و صفات بمرتبه بود که بمنزله نفس و جان
آنحضرت بود پس هر کمالیکه در حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود باید که در آنحضرت باشد بغیر پیغمبری
پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه و جمیع پیغمبران بغیر آنحضرت و باید که مخصوص ترین خلق باشد
بآنحضرت و اعز خلق باشد نزد او و روایات مفصله این قصه شریفه و فوائد یکه از آن مستفاده میشود در
کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و از جمله امور یکه در روز
بست و چهارم واقع شده و موجب مزید فضل آن گردیده آنستکه در این روز حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام در رکوع نماز انگشتری خود را بسائل بخشید و این آیه کریمه نازل شده و امامت
آنحضرت را بر اصحاب بصیرت هویدا گردید إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ
الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ
یعنی نیست اولی بامر شما و مالک اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را
برپا میدارند و چنانچه باید بجا می آورند و زکوة میدهند در رکوع و این نص صریح است بر امامت
آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام و در این روز غسل سنت است و زیارت حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام را در این روز ذکر کرده اند و خواندن زیارت جامعه مناسب است و روزه
این روز مستحب است و تأسی بمولای خود امیر المؤمنین علیه السلام کردن در تصدق بر فقرا و ارباب
حاجات بآنچه مقدور و میسر باشد مطلوبست و اعمال این روز مبارک بسیار است **عمل**
اول شیخ طوسی رحمه الله از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که در این
روز پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت نماز بکند برای شکر نعمت مباهله و در هر رکعت
بعد از حمد هر یک از سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا
انزلناه را ده مرتبه بخواند اگر این نماز را بعمل آورد نزد خدا برابر است با صد
هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی که دارد از حاجتهای دنیا و آخرت از حق تعالی

سوال کند البته برآورده شود هر چند عظیم باشد ان شاء الله تعالی و این نماز همان نماز است که
در اعمال روز عید غدیر مذکور شد عمل دوم از اعمال این روز دعائیست که شیخ طوسی
و سید ابن طاوس قدس الله روحهما بسندهای معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
روایت کرده اند و آنحضرت از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که
آنحضرت فرمود که اگر گویم در این دعا اسم اعظم حق تعالی هست هر آینه راست گفته ام اگر مردم
بدانند که این دعا در اجابت چگونه تاثیری نماید البته بهر نحو که مقدور باشد سعی نمایند در تحصیل آن
هر چند که باید که قتال کنند و هر حاجت که عارض می شود این دعا را می خوانم و بعد از آن حاجت
خود را می طلبم و البته مستجاب میگردد و این دعائیست که در وقتی که آیه مباهله نازل شد جبرئیل از
جانب خداوند جلیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد و این دعا را آورد و گفت
برای مباهله بیرون رو و همراه خود علی بن ابیطالب علیه السلام را و سیدة نساء فاطمه زهرا را و نور دیده
و فرزندان پسندیده خود حسن و حسین صلوات الله علیهم را با خود ببر این دعا را بخوان با ترسایان
مباهله کن بر ایشان نفرین کن پس حضرت جعفر صادق علیه السلام گفت که هر گاه این دعا را بخوانند
جهد و سعی کنید در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود گردانید در حاجتها و از کسیکه اهل نباشد از سفیهان
و منافقان پنهان دارید با ایشان تعلیم منمائید که از علمهای مخزون است و هر کس قابل این گوهر گرانمایه نیست

اللّهمّ انّی اسئلک من بهائک بابهاه و کلّ بهائک بهیّ اللّهمّ انّی اسئلک
بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از نیکوئی تو بنیکوترآن و همه نیکوئی تو نیک است بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو
بهائک کلّه اللّهمّ انّی اسئلک من جلالک باجلّه و کلّ جلالک
به نیکوئی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از بزرگی تو به بزرگترآن و همه بزرگی تو
جلیل اللّهمّ انّی اسئلک بجلالک کلّه اللّهمّ انّی اسئلک من جمالک باجمله
بزرگ است بار خدایا بدرستیکه من میخواهم از تو به بزرگی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو از خوبی تو بخوبترآن
و کلّ جمالک جمیل اللّهمّ انّی اسئلک بجمالک کلّه اللّهمّ انّی ادعوک کما
و هر خوبی تو خوب است بار خدایا بدرستیکه من مطلبم از تو بخوبی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من عظمتك بأعظمها

امر کرده مرا پس قبول کن از من چنانچه وعده کرده مرا بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از بزرگی تو به بزرگترین آن

وكل عظمتك عظيمة اللهم إني أسألك بعظمتك كلها اللهم إني

و هر بزرگی تو بزرگست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو به بزرگی تو همه آن بار خدایا بدرستیکه من

أسألك من نورك بأنوره وكل نورك نير اللهم إني أسألك بنورك كله

سؤال میکنم از تو از نور تو بنورانی ترین آن و هر نور تو روشن است خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو بنور تو همه آن

اللهم إني أسألك من رحمتك بأوسعها وكل رحمتك واسعة اللهم إني أسألك

بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از بخشش تو بفراخ ترین آن و هر بخشش تو وسیع است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

برحمتك كلها اللهم إني أدعوك كما أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني

ببخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه امر کرده مرا پس قبول کن از من چنانچه وعده کرده مرا

أسألك من كمالك بأكمله وكل كمالك كامل اللهم إني أسألك بكمالك

سؤال میکنم از تو از کمال تو بکامل ترین آن هر کمال تو کامل است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بکمال تو

كله اللهم إني أسألك من كلماتك بأتمها وكل كلماتك تامة اللهم

همه آن بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از کلمات تو بتمام ترین آن هر یک از کلمات تو تمام است خداوندا

إني أسألك بكلماتك كلها اللهم إني أسألك من أسمائك بأكبرها وكل

بدرستیکه من میخواهم از تو بکلمات تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از نامهای تو به بزرگترین آن و هر

أسمائك كبيرة اللهم إني أسألك بأسمائك كلها اللهم إني أدعوك كما

نامهای تو بزرگست بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بنامهای تو همه آنها خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانچه

أمرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم إني أسألك من عزتك بأعزها وكل عزتك

امر کرده مرا پس قبول کن از من چنانچه وعده کرده مرا خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از عزت تو بعزیزترین آن

عزيزة اللهم إني أسألك بعزتك كلها اللهم إني أسألك من مشيتك

و هر عزت تو عزیز است بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بعزت تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو خواهش تو

كله اللهم اني اسألك من عطائك باهنئه وكل عطائك هني

همه آن بار خدا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بخشش تو بگواراترین آن و همه بخشش تو گوارا است

اللهم اني اسألك بعطائك كله اللهم اني اسألك من خيرك

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو به بخشش تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو از خیر تو

باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني اسألك بخيرك كله اللهم

بشتابنده‌ترین آن و همه خیر تو شتابنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو بخیر تو همه آن خداوندا

اني اسألك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني

بدرستیکه من سوال میکنم ترا از احسان تو به بهترین آن و هر احسان تو بهتر است خداوندا بدرستیکه من

اسألك بفضلك كله اللهم اني ادعوك كما

سوال میکنم از تو با احسان تو همه آن خداوندا بدرستیکه من میخوانم ترا چنانکه

امرتني فاستجب لي كما وعدتني اللهم صل على محمد

امر کرده مرا پس بپذیر برای من چنانکه وعده کرده با من خداوندا درود فرست بر محمد

وآل محمد وابعثني على الايمان بك والتصديق برسولك عليه وا

و آل محمد و برانگیز مرا با ایمان بتو و به تصدیق به پیغمبر تو بر او و

آله السلام والولاية لعلي بن ابي طالب والبراءة من عدوه والائتمام

آل او سلام باد و برانگیز مرا بر دوستی علی ابن ابی طالب و بیزاری از دشمن او و به پیروی

بالائمة من آل محمد عليهم السلام فاني قد رضيت بذلك يا رب

با امامان از آل محمد بر آنها سلام باد پس بدرستیکه من بتحقیق راضی شدم باین ای پروردگار من

اللهم صل على محمد عبدك ورسولك في الاولين وصل على محمد

خداوندا درود فرست بر محمد بنده خود و پیغمبر خود در پیشینیان و درود بفرست بر محمد

وآل محمد في الآخرين وصل على محمد وآله في الملأ الاعلى وصل على

و آل محمد در پسینیان و درود فرست بر محمد و آل او در ملاء اعلی و درود فرست

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فِي الْمُرْسَلِينَ اللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالشَّرَفَ وَالْفَضِيلَةَ

محمد و آل محمد در فرستادگان بار خدایا بده محمد را وسیله و بزرگی

وَالدَّرَجَةَ الْكَبِيرَةَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَقَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَبَارِكْ

و درجه بزرگ بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و قانع گردان مرا بآنچه روزی دادی مرا و برکت ده

لِي فِيمَا اَعْطَيْتَنِي وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي وَفِي كُلِّ غَائِبٍ هُوَ لِي اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

مرا در چیزیکه بخشیده بمن نگاهدار مرا در غیبت من و در هر غایبی که آن از برای منست خداوندا درود بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ

و آل محمد و سوال میکنم از تو بهتر بهتری که خوشنودی تست و بهشت و پناه میبرم بتو از بدتر بدی

سَخَطِكَ وَالنَّارِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِي مِنْ كُلِّ

که غضب تست و آتش دوزخ بار خدایا درود بفرست بمحمد و آل محمد و نگاهدار مرا از هر

مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَمِنْ كُلِّ عُقُوبَةٍ وَمِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَمِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَمِنْ

مصیبتی و از هر بلایی و از هر پاداشی و از هر آزمایشی و از هر ناخوشی و از

كُلِّ شَرٍّ وَمِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَمِنْ كُلِّ آفَةٍ نَزَلَتْ اَوْ تَنْزِلُ مِنَ

هر آفتی و از هر مکروهی و از هر مصیبتی و از هر آفتی که فرود آمده یا فرود آید

السَّمَاءِ اِلَى الْاَرْضِ فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَفِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هٰذَا

آسمان بسوی زمین درین ساعت و در هر ساعتی و درین شب و درین

الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الشَّهْرِ وَفِي هٰذِهِ السَّنَةِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْسِمْ لِي مِنْ

روز و درین ماه و درین سال خداوندا درود بفرست بر محمد و آل محمد و قسمت کن مرا از

كُلِّ سُرُورٍ وَمِنْ كُلِّ بَهْجَةٍ وَمِنْ كُلِّ اسْتِقَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ فَرَجٍ وَمِنْ كُلِّ

هر شادی و از هر خوشنودی و از هر پایداری و راستی و از هر گشایشی و از هر

عَافِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ سَلَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ كَرَامَةٍ وَمِنْ كُلِّ رِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ

عافیتی و از هر سلامتی و از هر کرامتی و از هر روزی فراخ حلال

طيب ومن كل نعمة ومن كل سعة نزلت وتنزل من السماء الى

پاک و از هر نعمتی و از هر گشایشی که فرود آمده و فرود آید از آسمان بسوی

الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا اليوم وفي هذا

زمین و درین ساعت و درین شب و درین روز و درین

الشهر وفي هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك

ماه و درین سال بار خدایا اگر باشد گناهان من کهنه کرده باشد روی مرا نزد تو

وحالت بيني وبينك وغيرت حالي عندك فاني اسألك بنور وجهك الذي

و حائل شده باشد میان ما و میان تو و تغییر داده حال مرا نزد تو پس بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنور روی تو که

لا يطفأ وبوجه محمد حبيبك المصطفى وبوجه وليك علي المرتضى وبحق

فرو نشانیده نشود و بروی محمد دوست تو که برگزیده است و بروی ولی تو علی مرتضی و بحق

اوليائك الذين انتجبتهم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ما مضى

دوستان تو آنانکه برگزیدهٔ آنها را اینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بیامرزی مرا آنچه گذشته است

من ذنوبي وان تعصمني فيما بقي من عمري واعوذ بك اللهم ان اعود في

از گناهان من و اینکه نگاهداری مرا در آنچه باقی مانده از عمر من و پناه می برم بتو بار خدایا از اینکه باز گردم در

شيء من معاصيك ابدا ما ابقيتني حتى تتوفاني وانا لك مطيع وانت عني

چیزی از گناهان تو دائم تا نگاهداری مرا تا بمیرانی مرا و من مر ترا فرمانبردار باشم و تو از من

راض وان تختم لي عملي باحسنه وتجعل لي ثوابه الجنة وان تفعل بي

خشنود باشی و اینکه ختم کنی برای من کردار مرا به بهترین آن و بگردانی برای ثواب آن بهشت را و اینکه بکنی بمن

ما انت اهله يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة صل على محمد وآل محمد

آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزکاری و ای سزاوار آمرزیدن درود بفرست بر محمد و آل محمد

وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين

و ببخشای مرا ببخشایش خود ای بخشنده ترین بخشندگان

بعد از ان هر حاجت که داری از حق تعالی طلب کن که ان شاء الله تعالی بر آورده است مؤلف گوید که خواندن این دعا در روز مباهله انسب است و شیخ طوسی علیه الرحمه نیز درین روز روایت نموده و از روایت مذکوره معلوم میشود که در همه وقت می توان خواند و در دعا اختلافی هست میان روایات و انچه درینجا ذکر شده است موافق روایت شیخ است و روایت دیگر را با ترجمه در رساله دیگر ایراد نموده ام و شبیه باین دعا در سحرهای ماه مبارک رمضان و روزهای آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار و از عظیم ترین دعاهاست عمل سوم آنست که شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند معتبر از حضرت موسی ابن جعفر صلوات الله علیهما روایت کرده اند که روز مباهله روز بیست و چهارم ماه ذی الحجه است و درین روز انچه خواهی از نماز بکن و هر دو رکعت نماز که بکنی بعد از ان هفتاد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّيْ وَأَتُوْبُ إِلَيْهِ بگو پس می ایستی و بموضع سجده خود نظر می کنی و این دعا را میخوانی و باید که با غسل باشی و بروایت دیگر فرمود که روز بیست و چهارم روز مباهله است باید که این روز را روزه بداری برای شکر حق تعالی برین نعمت عظمی و غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و انچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن و باید که با آرام دل و آرام تن باشی و اگر در یکی از مشاهد مشرفه باشی نزد آن ضریح مقدس حاضر شوی و الا بجای خلوتی بروی یا بر کوه بلندی بر آئی یا بصحرا بیرون بروی و باید که از منزل خود بیرون رود و غسل کند و بهترین جامه های خود را بپوشد و چون بمحل دعا خواندن داخل شود دو رکعت نماز بکند با آداب و شرائط و بعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کند پس بایستد و بجانب آسمان نظر کند و این دعا را بخواند و بعد از ان فرمود که پس هر دعایکه خواهی بکن باز دو رکعت نماز بکن و دعا بکن و دعا این است

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ

سپاس مر خدایرا که پروردگار عالمیان است سپاس مر خدایرا که پیدا کننده آسمانها و زمین است سپاس مر خدایرا که

لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ

مر او راست انچه در آسمانهاست و انچه در زمین است سپاس مر خدایرا که آفرید آسمانها و زمین را

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي

و پیدا کرد تاریکیها را و روشنی را پس آنانکه کافر شدند به پروردگار خود شریک میگردانند

عَرَّفَنِي مَا كُنْتُ بِهِ جَاهِلًا وَلَوْلَا تَعْرِيفُهُ اِيَّايَ لَكُنْتُ هَالِكًا اِذْ قَالَ

شناسانید مرا آنچه بودم بآن نادان اگر نبودی شناسانیدن خدا مرا هر آینه بودمی هلاک شونده چه گفت

وَقَوْلُهُ الْحَقُّ قُلْ لَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبٰى فَبَيَّنَ لِي

سخن او راست است که بگو ای محمد که نمیخواهم از شما بر پیغمبری مزدی مگر دوستی در باره خویشان

الْقَرَابَةَ وَقَالَ سُبْحَانَهُ اِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ

خویشی را و گفت خدای سبحانه جز این نیست که میخواهد خدا تا ببرد از شما پلیدی را ای اهل بیت

وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَبَيَّنَ لِي اَهْلَ الْبَيْتِ بَعْدَ الْقَرَابَةِ ثُمَّ قَالَ تَعَالٰى

و پاک کند شما را پاک کردنی پس بیان کرد برای من اهل بیت را پس از بیان قرابت پس گفت حق تعالی

مُبَيِّنًا عَنِ الصَّادِقِينَ الَّذِينَ اَمَرَنَا بِالْكَوْنِ مَعَهُمْ وَالرَّدِّ اِلَيْهِمْ بِقَوْلِهِ

بیان کنان از راستگویان آنانکه امر کرد ما را ببودن با ایشان و رجوع بسوی ایشان بقول خود

سُبْحَانَهُ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

سبحانه که ای آنانکه ایمان آورده اند بترسید از خدا و شوید با راست گویان

فَاَوْضَحَ عَنْهُمْ وَاَبَانَ عَنْ صِفَتِهِمْ بِقَوْلِهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ

پس واضح کرد از ایشان و آشکار کرد از صفت ایشان بقول خود بزرگ است ثنای او پس بگو ای محمد بیائید بخوانیم

اَبْنَاءَنَا وَاَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَاَنْفُسَنَا وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ

پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را و نفسهای خود را و نفسهای شما را پس زاری کنیم

فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللّٰهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ فَلَكَ الشُّكْرُ يَا رَبِّ وَلَكَ الْمَنُّ حَيْثُ

پس گردانیم لعنت خدا بر دروغگویان پس مر تراست شکر ای پروردگار و مر تراست منت

هَدَيْتَنِي وَاَرْشَدْتَنِي حَتّٰى لَمْ يَخْفَ عَلَيَّ الْاَهْلُ وَالْبَيْتُ وَالْقَرَابَةُ

که راه نمودی مرا و دلالت براه راست کردی مرا تا پوشیده نماند بر من اهل خانه و قرابت پیغمبر خدا

فعرّفني نساءهم وأولادهم ورجالهم اللّهم إنّي أتقرّب إليك بذكرهم

پس شناسانید مرا زنان ایشان را و فرزندان ایشان را و مردان ایشان را بار خدایا بدرستیکه من تقرب میجویم بسوی تو بذکر ایشان

المقام الّذي لا يكون أعظم منه فضلاً للمؤمنين ولا أكثر رحمة

مقامی که نمی باشد بزرگتر از آن از روی فضل برای مومنان و نه بیشتر از آن از روی رحمت

لهم تعرّفك إيّاهم شأنه وإبانتك فضل أهله الّذين هم أدحضت

برای ایشان بشناسانیدن تو ایشان را شأن آن مقام را و آشکار کردن تو فضیلت اهل آن را آنانکه بسبب ایشان باطل

باطل أعدائك وثبّت بهم قواعد دينك ولولا هذا المقام المحمود

باطل دشمنان خود را و ثابت کردانید بایشان ستونهای دین خود را و اگر نمی بود این مقام ستوده شده

الّذي أنقذتنا به ودللتنا على اتّباع المحقّين من أهل بيت نبيّك

که خلاص کردی ما را بآن و راه نمودی ما را به پیروی صاحبان حق از اهل بیت پیغمبر خود

الصّادقين عنك الّذين عصمتهم من لغو المقال ومدانس الأفعال

که راستگو باشند از جانب تو آنانکه نگاه داشتی ایشان را از بیهودگی گفتار و نابودهای کردار

لخصم أهل الإسلام وظهرت كلمة أهل الإلحاد وفعل أولي

هر آینه خصومت کرده شدندی اهل اسلام و ظاهر شدی سخن اهل الحاد و کردار صاحبان

العناد فلك الحمد ولك المنّ ولك الشّكر على نعمائك وأياديك

دشمنی پس مر تراست سپاس و مر تراست منت و مر تراست شکر بر نعمتهای تو و عطاهای تو

اللّهم فصلّ على محمّد وآل محمّد الّذين افترضت علينا طاعتهم

بار خدایا پس درود فرست بر محمد و آل محمد آنانکه فرض کردی بر ما فرمانبرداری ایشان را

وعقدت في رقابنا ولايتهم وأكرمتنا بمعرفتهم وشرّفتنا

و بستی در گردنهای ما دوستی ایشان را و گرامی کردی ما را بشناختن ایشان و مشرف داشتی ما را

باتّباع آثارهم وثبّتّنا بالقول الثّابت الّذي عرّفوناه فأعنّا على

به پیروی روشهای ایشان و ثابت داشتی ما را بسخن پایدار ایشان که شناسانیدند ما را آن سخن پس یاری کن ما را بر

الا مر بما بصرتناه و اجز محمداً عنا افضل الجزاء بما نصح لخلقك و

گرفتیم بجز که نمودید یا آنرا و جزا ده محمد را از جانب ما بهترین جزای بسبب آنچه نصیحت کرد بخلق تو را

بذل وسعه فى ابلاغ رسالاتك و خطر بنفسه فى اقامة دينك

و صرف کرده استطاعت خود را در رسانیدن پیغامهای تو و در خطر انداخته جان خود را در برپا داشتن دین تو

وعلى اخيه و وصيه والهادى من بعده الى دينه والمقيم

و بر برادر او و وصی او و رهنمای از پس او بسوی دین او قائم دارنده

سنته على امير المؤمنين صلوات الله عليه وصل على الائمة من

طریقه او علی امیر مومنان درودهای خدا بر او و درود بر امامان از

ابنائه الصادقين الذين وصلت طاعتهم بطاعتك وادخلنا بشفاعتهم

اولاد او که راستگویانند آنانکه پیوند کردی طاعت آنها را بطاعت خود و داخل کن ما را بشفاعت ایشان

دار الكرامة يا ارحم الراحمين اللهم هؤلاء اصحاب الكساء والعباء

در خانه کرامت ای مهربان ترین مهربانان بار خدایا اینها که مذکور شدند صاحبان گلیم و عبا اند

يوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا واسألك بحق ذلك المقام

در روز مباهله خداوندا بگردان ایشان را شفاعت کننده ما و میطلبم از تو بحق آن مقام

المحمود واليوم المشهود ان تغفر لى وتتوب على انك انت التواب

ستوده و روز حاضر شده اینکه بیامرزی مرا و بپذیری توبه مرا بدرستیکه توئی بسیار پذیرنده توبه

الرحيم اللهم انى اشهد ان ارواحهم وطينتهم واحدة وهى الشجرة

مهربان بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم بآنکه ارواح ایشان و طینت ایشان یکی است و آن درختی است

التى طاب اصلها وفرعها واغصانها واوراقها اللهم ارحمنا

که پاک است بیخ آن و شاخ کلان آن و شاخهای کوچک آن و برگهای آن خدایا ببخشای ما را

بحقهم واجرنا من مواقف الخزى فى الدنيا والآخرة بولايتهم

بحق ایشان و پناه ده ما را از جاهای رسوائی در دنیا و آخرت بدوستی ایشان

وَاَوْرِدْنَا مَوْرِدَ الْاَمْنِ مِنْ اَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ بِحُبِّهِمْ وَاِقْرَارِنَا بِفَضْلِهِمْ

و فرود آر ما را بجاهای امن از ترسهای روز قیامت بدوستی ایشان و باقرار ما بفضل ایشان

وَاتِّبَاعِنَا اٰثَارَهُمْ وَاهْتِدَائِنَا بِهُدَاهُمْ وَاعْتِقَادِنَا مَا عَرَّفُوْنَاهُ مِنْ تَوْحِيْدِكَ

و بپیروی ما اثرهای ایشان را و براه یافتن ما برهنمائی ایشان و باعتقاد ما بآنچه شناسانیدند ایشان ما را

وَوَقَّفُوْنَا عَلَيْهِ مِنْ تَعْظِيْمِ شَأْنِكَ وَتَقْدِيْسِ اَسْمَائِكَ وَشُكْرِ اٰلَائِكَ

و واقف گردانیدند ما را بر آن از تعظیم شان تو و پاک گردانیدن نامهای تو و سپاس نعمتهای تو

وَنَفْيِ الصِّفَاتِ اَنْ تَحُلَّكَ وَالْعِلْمِ اَنْ يُحِيْطَ بِكَ وَالْوَهْمِ اَنْ يَقَعَ عَلَيْكَ

و نفی صفتها از اینکه حلول نماید در تو و نفی علم از اینکه احاطه نماید بتو و نفی وهم از اینکه واقع شود بر تو

فَاِنَّكَ اَقَمْتَهُمْ حُجَجًا عَلٰى خَلْقِكَ وَدَلَائِلَ عَلٰى تَوْحِيْدِكَ وَهُدَاةً تُنَبِّهُ

پس بدرستیکه تو قائم گردانیدی ایشان را حجت بر خلق خود و دلیلها بر یگانگی خود و راه نمایان که آگاه می نمایند

عَلٰى اَمْرِكَ وَتَهْدِيْ اِلٰى دِيْنِكَ وَتُوَضِّحُ مَا اَشْكَلَ عَلٰى عِبَادِكَ وَ

بر امر تو و هدایت می نمایند بسوی دین تو و روشن مینمایند آنچه مشتبه شود بر بندهای تو

بَابًا لِلْمُعْجِزَاتِ الَّتِيْ يَعْجِزُ عَنْهَا غَيْرُكَ وَبِهَا تُبَيِّنُ حُجَّتَكَ وَتَدْعُوْ اِلٰى

و دری از برای معجزات آنچنانکه عاجز می شود از آن غیر تو و بآن آشکار می شود حجت تو و میخوانند بسوی

تَعْظِيْمِ السَّفِيْرِ بَيْنَكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ وَاَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَيْهِمْ حَيْثُ

بزرگی سفیر میان تو و میان خلق تو و توئی احسان کننده بر ایشان از آنجا که

قَرَّبْتَهُمْ مِنْ مَلَكُوْتِكَ وَاخْتَصَصْتَهُمْ بِسِرِّكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ لِوَحْيِكَ

نزدیک گردانیدی ایشان را بپادشاهی خود و خاص گردانیدی ایشان را براز خود و برگزیدی ایشان را از برای وحی خود

وَاَوْرَثْتَهُمْ غَوَامِضَ تَاْوِيْلِكَ رَحْمَةً لِخَلْقِكَ وَلُطْفًا بِعِبَادِكَ وَ

و وارث کردی ایشان را تاویلهای پوشیده خود جهت مهربانی بر خلق خود و لطف بر بندهای خود

حَنَانًا عَلٰى بَرِيَّتِكَ وَعِلْمًا بِمَا تَنْطَوِيْ عَلَيْهِ ضَمَائِرُ اُمَنَائِكَ وَمَا يَكُوْنُ

و مهربانی بر آفریدگان خود و جهت دانائی خود بچیزیکه محیط است بر آن ضمیرهای امینان تو و آنچه می باشد

مِنْ شَأنِ صَفْوَتِكَ وَطَهَّرْتَهُمْ فِي مَنْشَأِهِمْ وَمُبْتَدَأِهِمْ وَحَرَسْتَهُمْ

از آنچه برگزیده های تو و پاک کردانیدی ایشان را در ابتدای پیدایش ایشان و نگاه داشتی

مِنْ نَفْثِ نَافِثٍ إِلَيْهِمْ وَأَرَيْتَهُمْ بُرْهَاناً عَلَىٰ مَنْ عَرَّضَ بِسُوءٍ لَهُمْ فَاسْتَجَابُوا

از دمیدن دمنده بسوی ایشان و نمودی ایشان را حجتی بر آنکه متعرض شود به بدی با ایشان پس قبول کردند

لِأَمْرِكَ وَشَغَلُوا أَنْفُسَهُمْ بِطَاعَتِكَ وَمَلَؤُوا أَجْزَاءَهُمْ مِنْ ذِكْرِكَ وَعَمَرُوا

فرمان ترا و مشغول کردند نفسهای خود را بفرمانبری تو و پر کردند اجزای خود را از ذکر تو و معمور کردند

قُلُوبَهُمْ بِتَعْظِيمِ أَمْرِكَ وَجَزَّؤُوا أَوْقَاتَهُمْ فِيمَا يُرْضِيكَ وَأَخْلَوْا دَخَائِلَهُمْ

دلهای خود را ببزرگ داشتن امر تو و قسمت کردند وقتهای خود را در چیزیکه ترا خوشنود کند و خالی کردند

مِنْ مَعَارِيضِ الْخَطَرَاتِ الشَّاغِلَةِ عَنْكَ فَجَعَلْتَ قُلُوبَهُمْ مَكَامِنَ

از معارضه ها و وسواسهای باز دارنده از تو پس گردانیدی دلهای ایشان را جاهای پوشیدگی

لِإِرَادَتِكَ وَعُقُولَهُمْ مَنَاصِبَ لِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ وَأَلْسِنَتَهُمْ تَرَاجِمَةً

اراده خود و گردانیدی عقلهای ایشان را جاهای اثبات امر خود و نهی خود و گردانیدی زبانهای ایشان را بیان کنندگان

لِسُنَّتِكَ ثُمَّ أَكْرَمْتَهُمْ بِنُورِكَ حَتَّىٰ فَضَّلْتَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِ زَمَانِهِمْ وَ

از برای سنت خود پس اکرام کردی ایشان را بنور خود تا آنکه برتری دادی ایشان را از میان اهل زمان ایشان

الْأَقْرَبِينَ إِلَيْهِمْ فَخَصَصْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَأَنْزَلْتَ إِلَيْهِمْ كِتَابَكَ وَ

و نزدیکان بسوی ایشان پس مخصوص کردی ایشان را بوحی خود و فرستادی بسوی ایشان کتاب خود

أَمَرْتَنَا بِالتَّمَسُّكِ بِهِ وَالرَّدِّ إِلَيْهِمْ وَالْاِسْتِنْبَاطِ مِنْهُمْ اللَّهُمَّ فَإِنَّا

و امر کردی ما را بچنگ زدن با ایشان و رجوع کردن بسوی ایشان و فرا گرفتن از ایشان بار خدایا پس بدرستیکه

قَدْ تَمَسَّكْنَا بِكِتَابِكَ وَبِعِتْرَةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ الَّذِينَ أَقَمْتَهُمْ

بتحقیق چنگ زدیم بکتاب تو و بخویشان پیغمبر تو درود های خدا باد بر ایشان آنانکه قائم کردی ایشان را

لَنَا دَلِيلاً وَعَلَماً وَأَمَرْتَنَا بِاتِّبَاعِهِمْ اللَّهُمَّ فَإِنَّا قَدْ تَمَسَّكْنَا بِهِمْ

برای ما راه نما و نشان و امر کردی ما را به پیروی ایشان بار خدایا پس بدرستیکه بتحقیق چنگ زدیم بایشان

فارزقنا شفاعتهم حين يقول الخائبون فما لنا من شافعين ولا صديق

پس روزی کن ما را شفاعت ایشان هنگامی که گویند ناامید شدگان پس نیست برای ما از شفاعت کنندگان و نه دوست

حميم واجعلنا من الصادقين المصدقين لهم المنتظرين لايامهم الناظرين

خالص و بگردان ما را از راستگویان و تصدیق کنندگان مر ایشان را آنانکه منتظرند مر ایام دولت ایشان را

الى شفاعتهم ولا تضلنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة

بجانب شفاعت ایشان و گمراه مگردان ما را بعد از آنکه راه نمودی ما را و ببخش ما را از جانب خود رحمتی

انك انت الوهاب آمين رب العالمين اللهم صل على محمد نبيك

بدرستیکه توئی بسیار بخشنده مستجاب کن ای پروردگار عالمیان خداوندا درود فرست بر محمد پیغمبر

وعلى اخيه وصنوه امير المؤمنين وقبلة العارفين وعلم المهتدين

و بر برادر و خویش او امیر مومنان و پیشوای عارفان و نشان راه یافتگان

وثاني الخمسة الميامين الذين فخر بهم الروح الامين وباهل الله بهم

و دوم پنجتن صاحب یمن آنانکه افتخار نموده بایشان جبرئیل امین و مباهله فرموده خدا با

المباهلين فقال وهو اصدق القائلين فمن حاجك فيه من بعد ما

پنج کس با مباهله کنندگان پس گفت خدا و اوست راستگوترین گویندگان پس کسیکه خصومت و جدل نماید با تو بعد از آنچه

جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم

آمد ترا از علم پس بگو که بیائید تا بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان خود را و زنان شما را

وانفسنا وانفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين ذلك الامام

و نزدیکان خود را و نزدیکان شما را پس مباهله نمائیم پس بگردانیم لعنت خدا بر دروغگویان آن امامیکه

المخصوص بمؤاخاته يوم الاخاء والمؤثر بالقوت بعد ضر

مخصوص است به برادری آنحضرت روز برادر خواندگی و ایثار کننده غیر را بتوشه بعد ضرر

الطوى ومن شكر الله سعيه في هل اتى ومن شهد بفضله معادوه

گرسنگی و کسیکه ستایش نموده خدا کوشش او را در سوره هل اتی و کسیکه گواهی داده به بزرگی او دشمنان او

وَاَقَرَّ بِمَناقِبِهِ جاحِدُهُ مَوْلَى الْاَنامِ وَمُكَسِّرِ الْاَصْنامِ وَمَنْ لَمْ يَأْخُذْهُ

و اقرار کردند بخوبیهای او منکران او خداوند خلائق و شکننده بتان و کسیکه نگرفت او را

فِي اللهِ لَوْمَةُ لائِمٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ما طَلَعَتْ شَمْسُ النَّهارِ وَاَوْرَقَتِ

در راه خدا سرزنش سرزنش کننده درود فرستد خدا بر او و آل او مادامیکه طلوع کند آفتاب روز و برگ برآرند

الْاَشْجارُ وَعَلَى النُّجُومِ الْمُشْرِقاتِ مِنْ عِتْرَتِهِ وَالْحُجَجِ الْواضِحاتِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ

درختان و درود فرستد خدا بر ستارگان درخشان از فرزندان او و حجت های روشن از ذریت او

و این دعا بسیار معتبر است و متن اصح ادعیه است و دیگر از ایام متبرکه روز بیست و پنجم است و مشهور است

که درین روز سوره کریمه هل اتی در شأن حضرت امیر المؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین

صلوات الله علیهم نازل شده بسبب آنکه حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند و حضرت رسول

صلی الله علیه و آله بعیادت ایشان رفت و امر فرمود که حضرت امیر و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام

نذر کردند که اگر خدا ایشان را عافیت دهد سه روز روزه بگیرند و چون خدا عافیت کرامت فرمود آن

چهار بزرگوار با فضه خادمه ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند پس حضرت

امیر المؤمنین علیه السلام قدری پشم از شمعون یهودی گرفت باسه صاع از جو که حضرت فاطمه صلوات

الله علیها بریسد و ثلث آن پشم را بریسید و یک صاع از آن جو بمزد خود برداشت پس در روز اول حضرت

فاطمه علیها السلام قدر ثلث آن پشم را گرفت و رشت و بمزد آن صاعی از جو برداشت و آرد

کرد و پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیر با حضرت رسول صلعم نماز شام کرد و بخانه برگشت حضرت فاطمه

علیها السلام پنج گرده نان را حاضر کرد خواستند افطار نمایند مسکینی بر در خانه ندا کرد که

السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینی از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را

از مائده های بهشت طعام دهد پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را

بسائل دادم و سائر اهل بیت علیهم السلام با فضه با آنحضرت موافقت کردند و نانها همه را بسائل دادند

و بآب افطار کردند و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه علیها السلام بمزد رشتن

یک ثلث دیگر از پشم یک صاع دیگر را برداشت آرد کرد و نان پخت و چون خواستند افطار

کنند سائلی بر در خانه آمد و ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من یتیمی ام از اولاد مهاجرین
و پدرم در روز عقبه شهید شده است مرا طعام دهید تا خدا شما را از خوانهای بهشت طعام دهد حضرت
امیر مومنان اول نان جو خود را داد و بعد از آن فاطمه نیز را و بعد از آن دو گوشواره عرش خدا و بعد از آن
فضه سعادتمند همگی نانهای خود را به یتیم دادند و با آب افطار نمودند و در روز سوم روزه داشتند و با
حضرت سیدة النساء در روز سوم بقیه پشم را رشت و بقیه جو را گرفت و در آسیا خرد کرد
و با پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیر کبیر از نماز برگشت و حضرت فاطمه طعام را حاضر
ساخت که افطار نمایند ناگاه اسیری از اسیران کافران ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد
ما را اسیر می کنید و می بندید و طعام نمی دهید که بخوریم پس بنحو شبهای سابق همه گرده های نان را بسائل
دادند و با آب بجهت افطار نمودند چون صبح شد خداوند عالمیان سوره کریمه هل اتی را در شان
ایشان فرستاد و در آن سوره اشاره باین قصه نمود که یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَیَخَافُونَ یَوْمًا
کَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِیرًا وَیُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَی حُبِّهِ مِسْکِینًا وَیَتِیمًا وَأَسِیرًا
إِنَّمَا نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزَاءً وَلَا شُکُورًا إِنَّا
نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا یَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِیرًا یعنی وفا می کنند بنذر و می ترسند از روزیکه
شر آن اکثر خلق را فرا گرفته است و می خورانند طعام را با خواهش و محبت آن یا از برای محض
محبت خدا بمسکین و یتیم و اسیر و می گویند یعنی در دل خود و نیت ایشان است که ما طعام نمیدهیم
شما را مگر از برای رضای خدا نمی خواهیم از شما جزا و نه پاداشی و نه شکرگذاری ما می ترسیم از روز
قیامت که در نهایت شدت و هول است و چون در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذی الحجه
بود سوره هل اتی در مدح ایشان نازل شد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بخانه اهل بیت
علیهم السلام آمد و ایشان را با آن شدت گرسنگی و آن حالت غریب مشاهده نمود و گریست
و فرمود این چه حالتست که در شما مشاهده می نمایم و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را دید
از نقاهت بیماری و گرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون آید می لرزند و حضرت فاطمه علیها السلام
در محراب عبادت ایستاده بود و از گرسنگی شکم مبارکش به پشت چسبیده بود و چشمهایش فرو رفته بود

چون از نماز فارغ شد حق تعالی خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد که در ان کاسه ثرید گرم
در ان میان بود که هیچ کس چنین بوئی بهتر از بوی مشک از ان ساطع بود پس حضرت
فاطمه علیها السلام ان خوان را نزد رسول صلی الله علیه و آله و سلم آورد حضرت فرمود ای
فاطمه این از کجا آوردی گفت از جانب خدا آمده است خدا هر که را خواهد روزی میدهد بی حساب
حضرت فرمود الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل بیت خود شبیه مریم مادر عیسی دیدم پس
از ان تناول فرمودند و تا هفت روز از ان میخوردند و آخر غایب شد و حضرت صادق علیه السلام
فرمود که آن کاسه نزد ما است و حضرت صاحب الامر آنرا ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت از ان تناول خواهد
نمود و سنیان نیز این روایت را با مجمل مانده بطرق بسیار نقل کرده اند و تفصیل این
قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسب است که شیعیان اهل بیت علیهم السلام درین ایام با
نمایند بموالی خود و در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان سعی نمایند در اطعام ایشان و شیخ
مفید علیه الرحمه گفته است که مستحب است که این روز را روزه بدارد برای شکر نعمت نزول
سوره هل اتی در شان آل عبا علیهم السلام و ایضا مناسب است غسل زیارت و زیارت ائمه
علیهم السلام و زیارت جامعه خواندن درین روز مناسب است و چون بعضی از علما این
روز را روز مباهله میدانند دعای مباهله را نیز درین روز خواندن خوب است و در روز بیست و
بنا بر مشهور عمر علیه اللعنة را خنجر زدند و بر این سبب نهایت برکت دارد و در روز
بیست و هفتم مروان که آخر خلفای بنی امیه است بجهنم واصل شد و دولت ملعونه بنی امیه
بر طرف شد پس درین روز شکر این نعمت را باید کرد و بعضی گفته اند که حضرت امام علی
علیه السلام درین روز متولد شده است و روز بیست و نهم بنا بر مشهور عمر ملعون با سفل درکات
سقر منتقل شده است و بر این سبب فضیلت عظیم دارد و در روز آخر ذی الحجه که
آخر سال عرب است روایت کرده اند که سنت است که دو رکعت نماز بجا آورد
و در هر رکعت یک مرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد و ده مرتبه آیة الکرسی
بخواند و بعد از سلام این دعا بخواند

اللهم ما عملت في هذه السنة من عمل نهيتني عنه ولم ترضه ونسيته
خداوندا آنچه کردم در این سال از عملی که منع کرده مرا از آن و راضی نیستی بآن و فراموش کردم

ولم تنسه ودعوتني الى التوبة بعد اجترائي عليك اللهم فاني
و تو فراموش نکرده ای آنرا و خواندی مرا بسوی توبه پس از جرأت کردن من بتو بار خدایا پس بدرستیکه من

استغفرك منه فاغفر لي اللهم وما عملت من عمل يقربني اليك
طلب مغفرت میکنم از تو از آن پس بیامرز مرا بار خدایا و آنچه کردم از عملیکه نزدیک گرداند مرا بسوی تو

فاقبله مني ولا تقطع رجائي منك يا كريم يا ارحم الراحمين
پس قبول کن آنرا از من و قطع مکن امید مرا از خود ای خداوند کریم ای بخشنده ترین بخشندگان

باب ششم

اعمال ماه محرم است و در آن سه فصل است فصل اول در اعمال شب اول محرم است از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا برمیداشتند و این دعا را سه مرتبه میخواندند

اللهم انت الاله القديم وهذه سنة جديدة فاسألك فيها
خداوندا توئی خدای قدیم و این سال تو نو است پس درخواست میکنم از تو در این سال

العصمة من الشيطان والقوة على هذه النفس الامارة بالسوء والاشتغال
نگاهداشتن از شیطان و غلبه و توانائی بر این نفس بسیار امر کننده به بدی و مشغول شدن

بما يقربني اليك يا كريم يا ذا الجلال والاكرام يا عماد من لا عماد له
بچیزیکه نزدیک کند مرا بسوی تو ای کریم ای خداوند بزرگی و اکرام ای ستون کسیکه نیست ستونی برای او

يا ذخيرة من لا ذخيرة له يا حرز من لا حرز له يا غياث من لا غياث
ای ذخیره کسیکه نیست ذخیره برای او ای پناه کسیکه نیست پناهی برای او ای فریادرس کسیکه نیست فریادرسی

له يا سند من لا سند له يا كنز من لا كنز له يا حسن البلاء يا عظيم الرجاء
برای او ای تکیه گاه کسیکه نیست تکیه گاهی برای او ای گنج کسیکه نیست گنجی برای او ای نیکو احسان ای بزرگ امید

یا غالِبَ الضُّعَفاءِ یا مُنقِذَ الغَرقیٰ یا مُنجِیَ الهَلکیٰ یا مُنعِمُ یا مُجمِلُ یا مُفضِلُ

ای غالب کننده ضعیفان ای رهاننده غرق شدگان ای نجات دهنده هلاک شدگان ای نعمت دهنده ای نیکی کننده

یا مُحسِنُ اَنتَ الَّذی سَجَدَ لَکَ سَوادُ اللَّیلِ وَ نُورُ النَّهارِ وَ ضَوءُ القَمَرِ

ای احسان کننده توئی آنکسیکه سجده کرد مر ترا سیاهی شب و روشنی روز و فروغ ماه

وَ شُعاعُ الشَّمسِ وَ دَوِیُّ الماءِ وَ حَفیفُ الشَّجَرِ یا اَللهُ لا شَریکَ لَکَ اَللّٰهُمَّ

و پرتو آفتاب و آواز جریان آب و آواز حرکت درخت ای خداییست شریکی مر ترا بار خدایا

اجعَلنا خَیراً مِمّا یَظُنُّونَ وَ اغفِر لَنا ما لا یَعلَمُونَ وَ لا تُؤاخِذنا

بگردان ما را بهتر از آنچه گمان میبرند و بیامرز ما را آنچه نمیدانند و مواخذه مکن ما را

بِما یَقُولُونَ حَسبِیَ اللهُ لا اِلٰهَ اِلّا هُوَ عَلَیهِ تَوَکَّلتُ وَ هُوَ رَبُّ العَرشِ العَظیمِ

بآنچه میگویند کافی است مرا خدای که نیست معبودی بحق جز او بر او توکل نمودم و او پروردگار عرش بزرگ است

آمَنّا بِهِ کُلٌّ مِن عِندِ رَبِّنا وَ ما یَذَّکَّرُ اِلّا اُولُوا الاَلبابِ رَبَّنا لا تُزِغ

ایمان آوردیم ما باو همه چیز از نزد پروردگار ما است و پند نمی پذیرند مگر خداوندان عقول ای پروردگار ما مگردان

قُلُوبَنا بَعدَ اِذ هَدَیتَنا وَ هَب لَنا مِن لَدُنکَ رَحمَةً اِنَّکَ اَنتَ الوَهّابُ

دلهای ما بعد از آنکه راه نمودی تو ما را و ببخش ما را از جانب خود رحمتی بدرستیکه توئی بسیار بخشنده

و چون حضرت سید الشهدا صلوات الله علیه در دهم این ماه بسعادت شهادت فائز گردید و در اکثر این دهه محزون و غمگین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید باید که شیعیان ایشان در جمیع این ده روز بلوازم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و محزون و اندوهناک باشند و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان باشد بخوانند و بعضی از علما گفته اند که ترک بعضی لذتها بکنند و از حضرت امام رضا ع منقول است که ماه محرم ماهی بود که کافران در این ماه جنگ کردن را حرام میدانستند و منافقان این امت درین ماه خون ما را حلال دانستند و جنگ کردند با ما و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمه های ما زدند و اموال و اسباب ما را غارت کردند و حرمت حضرت رسالت پناه صلعم را در باب ما رعایت نکردند

بدرستیکه مصیبت امام حسین چشمهای ما را مجروح گردانید و آب دیده های ما را جاری ساخت و عزیزان ما را ذلیل گردانید و واقعهٔ کرب و بلا برای ما میراث گذاشت تا روز قیامت پس باید که بر مصیبت آنحضرت گریه کنندگان گریه کنند بدرستیکه گریه بر آنحضرت گناهان بزرگ را برطرف میکند پس فرمود که پدرم حضرت امام موسی علیه السلام چون ماه محرم داخل میشد کسی آنحضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر آنحضرت ظاهر میشد در مجموع دهه اول ماه چون روز دهم میشد روز مصیبت و گریه و اندوه او بود و می گفت امروز روز شهادت امام حسین علیه السلام است و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم حسین شهید شد آسمان خون و خاک سرخ بارید اگر بر آنحضرت آنقدر گریه کنی که آب دیده بر روی تو جاری گردد حق تعالی جمیع گناهان کوچک و بزرگ ترا بیامرزد پس فرمود که اگر خواهی که چون بمیری هیچ گناهی تو نباشد زیارت کن امام حسین علیه السلام را اگر خواهی که در غرفه های بهشت با حضرت رسول و آل او باشی لعنت کن قاتلان حسین علیه السلام را و اگر خواهی که ثواب شهیدان کربلا داشته باشی هر وقت که مصیبت آنحضرت را بیاد آوری بگو

یا لیتنی کنت معهم فافوز فوزا عظیما یعنی ای کاشکی می بودم با ایشان پس بدرستیکه رستگاری یافتم رستگاری بزرگ و اگر خواهی که در درجات عالیهٔ بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوهناک و از برای شادی ما شاد باش بدانکه روزه روز اول ماه محرم مستحب است و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که در روز اول ماه محرم حضرت زکریا علی نبینا و علیه السلام دعا کرد و از خدا فرزند طلبید حقتعالی دعای او را مستجاب گردانید و حضرت یحیی را باو عطا کرد پس کسی که این روز را روزه بدارد و دعا کند حقتعالی دعای او را مستجاب گرداند چنانکه دعای زکریا را مستجاب کرد و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که روز سوم محرم روز مبارکیست و در این روز حضرت یوسف از چاه بیرون آمد هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی کارهای صعب و دشوار او را آسان گرداند و بهتر آنست که روز نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه این دو روز را برای برکت و شماتت بر قتل آنحضرت روزه میداشتند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز روزه

آنها به حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسیده اند و از طریق اهل بیت علیهم السلام احادیث بسیار وارد شده است که روزهٔ این روز خصوصا روزهٔ روز عاشورا وارد شده است و ایضا بنی امیه علیهم اللعنة برای برکت آذوقهٔ سال در روز عاشورا در خانه ذخیره میکردند لهذا از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که ترک کند سعی در حوائج خود در روز عاشورا و پی کاری نرود حقتعالی حوائج دنیا و آخرت او را برآورد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریهٔ او باشد حقتعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او گرداند و دیده اش در بهشت بما روشن گردد و هر که روز عاشورا را روز برکت نامد و از برای منزل خود در آن روز چیزی ذخیره کند خدا آن ذخیره را بر او مبارک نگرداند و در روز قیامت با یزید و عبید الله بن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنة محشور گردد پس باید که در روز عاشورا آدمی مشغول کاری از کارهای دنیا نگردد و مشغول گریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانهٔ خود را که تعزیت آنحضرت را بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین اولاد و اقارب خود می باشند و در آن روز امساک کند از خوردن و آشامیدن بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اگر چه بشربت آبی باشد و روزهٔ تمام ندارد مگر آنکه در خصوص آن روز روزهٔ واجبی داشته باشد که بنذر یا شبه آن بر او واجب شده باشد که آن روز را باید روزه بگیرد و در آن روز آذوقه در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نگردد و هزار مرتبه بر قاتلان آنحضرت لعنت کند و بگوید

اللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَیْنِ

بارخدایا لعنت کن بر کشندگان حسین ؑ

و در روایتی وارد شده است از حضرت صادق علیه السلام که هر که در روز عاشورا هزار مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی او کند و هر که را خدا نظر رحمت بسوی او کند هرگز او را عذاب نکند و در شب عاشورا نیز باید که احیا کند بگریه و ناله و حزن برای تعزیت حضرت امام حسین علیه السلام و اصحاب او که در آن شب در صحرای کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بی حیا تا صباح احیا کردند به عبادت و نوحه سیاه دست

شهادت میکردند فصل دوم در زیارت مشهور آنحضرت در روز عاشورا و فضیلت
زیارت آنحضرت در شب و روز عاشورا بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست
که هرکه در شب عاشورا نزد قبر شریف آنحضرت باشد و آنحضرت را زیارت کند در روز قیامت
محشور گردد بخون خود آلوده و چنین است شهدای کربلا در میان محشور گردد و هرکه شب و روز عاشورا
زیارت کند آن حضرت را چنان باشد که در پیش روی آنحضرت شهید شده باشد و بسند
صحیح از آن حضرت منقولست که هرکه حضرت امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت
کند بهشت او را واجب گردد و اما زیارت مشهور شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان رحمهم الله
علیهم روایت کرده اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه هر دو و از محمد بن اسمعیل و علقمه بن محمد
حضرمی هر دو از مالک جهنی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هرکه زیارت کند
حضرت امام حسین صلوات الله علیه را در روز دهم محرم تا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات
کند خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار جهاد
که هریک را با رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام کرده باشد مالک گفت
فدای تو شوم چه ثوابست برای کسیکه در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را رفتن بسوی
آنحضرت فرمود که چون روز عاشورا در آید بیرون رود بسوی صحرا یا بالا رود بر بام بلند
خانه خود و اشاره کند بسوی آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن بر قاتلان
آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را در اول روز پیش از پیشین پس
ندبه و نوحه و گریه کند بر حضرت امام حسین علیه السلام و امر کند هرکه را در خانه او است
و از او تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه مصیبتی بر پا دارد و باظهار جزع بر آنحضرت
و ملاقات کنند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای خود بگریه کردن تعزیه گویند بعضی از ایشان
بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا که هرگاه این کار را بکنند حقتعالی جمیع آن ثوابها
با ایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی و کفیلی از برای ایشان باین ثواب فرمود
بلی پرسیدم که چگونه یکدیگر را تعزیه گویند فرمود که بگویند

عَظَّمَ اللهُ أُجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَجَعَلَنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ
عظیم گرداند خدا مزدهای ما را بسبب مصیبتهای ما که بسبب ماتم امام حسین است بر او باد سلام و بگرداند ما را و شما را از
الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
طلب کنندگان خون او با دوست او امام مهدی از آل محمد بر ایشان باد سلام

و اگر توانی در آن روز برای هیچ کار از خانه بیرون مرو که آن روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی
در آن روز برآورده نمی‌شود و اگر برآورده شود از برای او مبارک نیست و در آن خیری
و رشدی نخواهد دید و ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی که هر که در این روز از برای منزل خود چیزی
ذخیره کند از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای ایشان ذخیره کرده است
مبارک نخواهد بود از برای او و اگر کسی چنین کند از برای او نوشته شود ثواب هزار هزار حج و هزار
هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشد و از برای او خواهد بود
ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی و صدیقی و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از وقتیکه خدا دنیا را
خلق کرده است تا روز قیامت علقمة بن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر علیه السلام که تعلیم نما مرا
دعائیکه بخوانم در این روز هرگاه که خواهم آنحضرت را زیارت کنم از نزدیک و دعائی که هرگاه در شهرهای
دور خواهم که اشاره کنم بآن حضرت و زیارت کنم بخوانم فرمود که ای علقمه هرگاه بجا آوری
دو رکعت را بعد از آنکه اشاره کرده باشی بجانب آنحضرت بسلام و گفته باشی بعد
از اشاره و نماز آن قول را که مذکور خواهد شد پس دعا کرده خواهی بود بدعائی که
ملائکه می‌خوانند در وقتیکه زیارت آنحضرت می‌کنند و می‌نویسد خدا برای تو بآن
زیارت هزار هزار حسنه و محو می‌کند از تو هزار هزار گناه و بلند می‌کند از برای تو در بهشت
هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که شهید شده‌اند با حسین بن علی علیهما السلام تا آنکه
شریک شوی با ایشان در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر از آنها که با آنحضرت شهید شده‌اند
نوشته شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده
است از روزی که آنحضرت شهید شده است می‌گوئی

السلام علیک یا اباعبدالله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام

سلام بر تو باد ای اباعبدالله سلام بر تو باد ای فرزند پیغمبر خدا سلام

علیک یا ابن امیر المؤمنین وابن سید الوصیین السلام علیک

بر تو باد ای پسر امیر مومنان و پسر سرور اوصیا سلام بر تو باد

یا ابن فاطمة الزهراء سیدة نساء العالمین السلام علیک یا ثار

ای پسر فاطمه زهرا سردار زنان عالمیان سلام بر تو باد ای خون طلب

الله وابن ثاره والوتر الموتور السلام علیک وعلی الارواح التی حلت

خدا و پسر خون طلب او و کشته که نگرفته شده عوض خون او و ای اصحاب کشته که نگرفته شده عوض خون او سلام

بفنائک وانا خت برحلک علیکم منی جمیعا سلام الله ابدا ما بقیت

اندر صحن خانه تو خوابانیدند شتران در منزل تو شما باد از جانب من همه را سلام خدا همیشه تا باشم

وبقی اللیل والنهار یا اباعبدالله صلوات الله وسلامه علیک

و باقی شب و روز ای اباعبدالله رحمت های خدا و سلام او بر تو باد

لقد عظمت الرزیة وجلت المصیبة بک علینا وعلی جمیع

تحقیق که بزرگ شد ماتم و بزرگ شد مصیبت بسبب تو بر ما و بر همه

اهل الاسلام وجلت وعظمت مصیبتک فی السموات علی جمیع

اهل اسلام و بزرگ شد و عظیم شد مصیبت تو در آسمانها بر همه

اهل السموات فلعن الله امة اسست اساس الظلم والجور علیکم اهل البیت

اهل آسمانها پس لعنت کند خدا گروهی را که نهادند بنیاد ستم و جور را بر شما اهل بیت

ولعن الله امة دفعتکم عن مقامکم وازالتکم عن مراتبکم التی رتبکم

و لعنت کند خدا گروهی را که دور کردند شما را از جای شما و انداختند شما را از مرتبه های شما که مرتبه داد

الله فیها ولعن الله امة قتلتکم ولعن الله الممهدین لهم بالتمکین من قتالکم

خدا در مرتبه و لعنت کند خدا گروهی را که کشتند شما را و لعنت کند خدا مهیا کنندگان ایشان را

مِنْ قِتَالِكُمْ وَبَرِئْتُ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ اَشْيَاعِهِمْ وَاَتْبَاعِهِمْ

از مقاتله شما و بیزار شدم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و از یاران ایشان و پیروان ایشان

وَاَوْلِيَائِهِمْ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ اِنِّي سِلْمٌ

و دوستان ایشان ای ابا عبد الله رحمت خدا و سلام او بر تو من صلح کننده ام

لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ اِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِيَادٍ

هر کسی را که صلح کند با شما و جنگ کننده ام هر کسی که جنگ کند با شما تا روز قیامت و لعنت کند خدا آل زیاد

وَآلَ مَرْوَانَ وَلَعَنَ اللهُ بَنِي اُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَلَعَنَ

و آل مروان را و لعنت کند خدا بنی امیه را همه آنها را و لعنت کند خدا پسر مرجانه را و لعنت کند

اللهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَلَعَنَ اللهُ شِمْرًا وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ

خدا عمر پسر سعد را و لعنت کند خدا شمر را و لعنت کند خدا گروهی را که زین کردند اسبان را و لگام کردند

وَتَنَقَّبَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ

و نقاب بستند و آماده شدند برای جنگ تو فدای تو باد پدر و مادر من بتحقیق بزرگ شد مصیبت بسبب تو

فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذِي اَكْرَمَ مَقَامَكَ وَاَكْرَمَنِي بِكَ اَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ

پس سؤال میکنم از خدای که بزرگ کرده است مقام ترا و گرامی کرده است مرا بتو اینکه روزی کند مرا طلب

ثَارِكَ مَعَ اِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ

خون ترا با امام یاری داده شده از اهل بیت محمد درود فرستد خدا بر او و آل او خداوندا

اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ

بگردان مرا نزد خود خوش رو ببرکت امام حسین علیه السلام در دنیا و آخرت ای ابا عبد الله

صَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ وَاِلَى رَسُولِهِ وَاِلَى

رحمتهای خدا و سلام او بر تو بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی رسول او

اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَاِلَى فَاطِمَةَ وَاِلَى الْحَسَنِ وَاِلَيْكَ بِمُوَالَاتِكَ وَبِالْبَرَاءَةِ

امیر مؤمنان و بسوی فاطمه و بسوی حسن و بسوی تو بدوست داشتن تو و بیزاری

ممّن قاتلکم ونصب لک الحرب وبالبراءة ممّن اسّس اساس الظّلم

از کسانیکه کارزار کردند با تو و برپا کردند برای تو جنگ را و به بیزاری از کسانیکه بنیاد نهادند بنیاد ستم را

والجور علیکم وابرء الی الله والی رسوله صلّی الله علیه وآله وسلّم

و ظلم را بر شما و بری میشوم بجانب خدا و بجانب پیغمبرش درود فرستد خدا بر او و آل او و سلام

ممّن اسّس اساس ذلک وبنی علیه بنیانه وجری فی ظلمه وجوره

از آنانکه بنیاد نهادند بنیاد این را و بنا کردند بر آن بنیاد آنرا و روان شدند در ظلم خود و ستم خود

علیکم وعلی اشیاعکم برئت الی الله والیکم منهم واتقرّب الی الله ثمّ

بر شما و بر یاران شما بری شدم بسوی خدا و بسوی شما از آنها و نزدیکی میجویم بسوی خدا

الیکم بموالاتکم وموالاة ولیّکم وبالبراءة من اعدائکم والناصبین

بسوی شما بدوستی شما و بدوستی دوست شما و به بیزاری از دشمنان شما و از برپاکنندگان

لکم الحرب وبالبراءة من اشیاعهم واتباعهم واولیائهم

برای شما جنگ را و به بیزاری از یاران آنها و پیروان آنها و دوستان آنها

یا ابا عبد الله انّی سلم لمن سالمکم وحرب لمن حاربکم وولیّ لمن

ای ابا عبد الله بدرستیکه من صلحم کسی را که با شما صلح کند و جنگ میکنم با کسیکه با شما جنگ کند و دوستم مر کسی

والاکم وعدوّ لمن عاداکم فاسئل الله الّذی اکرمنی بمعرفتکم

که با شما دوستی نماید و دشمنم مر کسی که با شما دشمنی نماید پس سوال میکنم از خدائیکه اکرام کرد مرا به معرفت شما

ومعرفة اولیائکم ورزقنی البراءة من اعدائکم ان یجعلنی معکم

و معرفت دوستان شما و روزی کرد مرا به بیزاری از دشمنان شما اینکه بگرداند مرا با شما

فی الدنیا والآخرة وان یثبّت لی عندکم قدم صدق فی الدنیا

درین جهان و بجهان دیگر و اینکه ثابت دارد مرا نزد شما قدم راستی در دنیا

والآخرة واسئله ان یبلّغنی المقام المحمود الّذی لکم عند الله

و آخرت و سوال میکنم از خدا اینکه برساند مرا در مقام ستوده که مر شما راست نزد خدا

وان يرزقني طلب ثاري مع امام هدى ظاهر ناطق بالحق منكم
وانیکه روزی کند مرا طلب خون شما با امام هدایت یافته آشکارا گویا براستی که از شما است

واسأل الله بحقكم وبالشأن الذي لكم عنده ان يعطيني بمصابي بكم
وسؤال میکنم از خدا بحق شما و بمرتبه که شما را نزد او هست اینکه ببخشد مرا به مصیبت من بشما

افضل ما يعطي مصابا بمصيبته يا لها مصيبة ما اعظمها واعظم
بهتر از آنچه ببخشد به مصیبت زده به مصیبت او ای مصیبتی که بسیار عظیم و بسیار بزرگ است

رزيتها في الاسلام وفي جميع اهل السموات والارض اللهم اجعلني في
بلیه آنها در اسلام و در همه اهل آسمانها و زمین بار خدایا بگردان مرا در

مقامي هذا ممن تناله منك صلوات ورحمة ومغفرة اللهم اجعل
جای من که اینست از کسیکه میرسد او را از جانب تو درود و رحمت و آمرزش خداوندا بگردان

محياي محيا محمد وآل محمد ومماتي ممات محمد وآل محمد صلواتك وسلامك
زندگانی مرا زندگانی محمد و آل محمد و مردن مرا مردن محمد و آل محمد درودهای تو و سلام تو

عليهم اللهم ان هذا يوم تبركت به بنو امية وابن آكلة الاكباد
بر ایشان خداوندا بدرستیکه این روزیست که برکت جستند با آن بنی امیه و پسر خورنده جگرها

اللعين ابن اللعين على لسانك ولسان نبيك صلى الله عليه وآله في كل
لعنت کرده شده پسر لعنت کرده شده بزبان تو و زبان پیغمبر تو درود خدا بر او و آل او در هر

موطن وموقف وقف فيه نبيك صلواتك عليه وآله اللهم العن
وطن گاه و جای ایستادن که ایستاده شده در آن پیغمبر تو درودهای تو بر او باد و آل او خداوندا لعنت کن

ابا سفيان ومعاوية ابن ابي سفيان ويزيد بن معاوية وآل مروان
ابوسفیان معاویه پسر ابوسفیان و یزید پسر معاویه را و خانواده مروان را

عليهم منك اللعنة ابد الآبدين وهذا يوم فرحت به آل زياد وآل مروان
بر ایشان باد از جانب تو لعنت در جمیع روزگارها و این روزیست که شاد شدند بآن آل زیاد و آل مروان

وَابْدَأْ بِهِ اَوَّلاً ثُمَّ الثَّانِيَ ثُمَّ الثَّالِثَ ثُمَّ الرَّابِعَ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ بْنَ مُعٰوِيَةَ

و آغاز کن بآن اول را پس دوم را پس سوم را پس چهارم را بارخدایا لعنت کن یزید پسر معاویه را

خَامِساً وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللّٰهِ بْنَ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْراً وَآلَ

که پنجم است و لعنت کن عبید الله پسر زیاد و پسر مرجانه را و عمر پسر سعد و شمر و آل

آبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ پس بسجده میروی و می‌گوئی

ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان را تا روز قیامت

اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلٰى مُصَابِهِمْ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰى عَظِيمِ

بارخدایا مر تراست سپاس مثل سپاس شکر کنندگان مر ترا بر مصیبت ایشان سپاس خدا را بر بزرگی

رَزِيَّتِي اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْوُرُودِ وَثَبِّتْ

مصیبت من خداوندا روزی کن مرا شفاعت امام حسین براه با دسلام روز ورود و برحوض و ثابت دار

لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَاَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

برای من قدم راستی نزد خود با امام حسین و اولاد حسین و یاران حسین

اَلَّذِينَ بَذَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

آنانکه صرف کردند جانهای خود را نزدیک امام حسین برو باد سلام

علقمه گفت حضرت امام باقر علیه السلام فرمود که اگر توانی هر روز آن حضرت را باین کیفیت زیارت کنی بکن که جمیع ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی از اصحاب خود رفتیم بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق علیه السلام بیرون رفته بود و بنزد از حیره بمدینه رفته بیش از آن پس چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فارغ شدیم صفوان رو خود را گردانید بسوی قبر حضرت امام حسین علیه السلام و گفت زیارت کنید امام حسین صلوات الله علیه را از این مکان از بالای سر امیر المؤمنین علیه السلام که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چنین کرد و فقیکه من خدمت آنحضرت با این مکان تشریف آورده بودم پس خواند صفوان آن زیارت را

که علقمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام برای روز عاشورا روایت کرده است این دو رکعت نماز کردن و نزد سر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام وداع کرد بعد از نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را و رو بجانب قبر امام حسین علیه السلام کرد و آنحضرت را نیز وداع کرد

و از جمله دعاهای که بعد از دو رکعت خواند این دعا بود

یا اللّٰه یا اللّٰه یا اللّٰه یا مجیب دعوة المضطرین یا کاشف کرب المکروبین

ای خدا ای خدا ای خدا ای مستجاب کننده دعای درماندگان ای برطرف کننده اندوه اندوهناکان

یا غیاث المستغیثین و یا صریخ المستصرخین و یا من هو اقرب الیّ

ای فریادرس فریاد کنندگان و ای چاره ساز ناله کنندگان و ای کسیکه او نزدیکتر است بمن

من حبل الورید و یا من یحول بین المرء و قلبه و یا من هو بالمنظر

از رگ گردن و ای کسیکه حائل میشود میان مرد و دل او و ای کسیکه او به نظرگاه منزل

الاعلی و بالافق المبین و یا من هو الرحمن الرحیم علی العرش استوی

بلندتر است و بکرانه آشکار است و ای کسیکه اوست بخشاینده مهربان بر عرش مستولی شد

و یا من یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور و یا من لا یخفی علیه

و ای کسیکه میداند خیانت چشمهای خائن را و آنچه را که پنهان میکنند آنرا سینه‌ها و ای کسیکه پوشیده نیست بر او

خافیة و یا من لا تشتبه علیه الاصوات و یا من لا تغلطه الحاجات

پوشیدگی و ای کسیکه مشتبه نیست بر او آوازها و ای کسیکه بغلط نمی اندازد او را حاجتها

و یا من لا یبرمه الحاح الملحین و یا مدرک کل فوت و یا جامع کل

و ای کسیکه ابرام نمیکند او را مبالغه سؤال الحاح کنندگان و ای دریابنده هر فوتی و ای فراهم آورنده هر پراکنده

شمل و یا باری النفوس بعد الموت یا من هو کل یوم فی شأن یا قاضی

و ای آفریننده جانهای بعد از مرگ ای کسیکه هر روزی در کاری است ای برآورنده

الحاجات یا منفس الکربات یا معطی السؤلات یا ولی الرغبات

حاجتها ای گشاینده اندوهها ای بخشنده حاجتها ای خداوند خواهشها

يا كافي المهمات يا من يكفي من كل شيء ولا يكفي منه شيء في السموات

ای کفایت کننده مهمات ای کسیکه بس است از هر چیزی و بس نمی شود از وی چیزی در آسمانها

والارض اسألك بحق محمد وعلي وبحق فاطمة بنت نبيك وبحق الحسن

و زمین سوال میکنم از تو بحق محمد و علی و بحق فاطمه دختر پیغمبر تو و بحق حسن

والحسين وبحق التسعة من ولد الحسين عليهم السلام فاني بهم اتوجه

و حسین و بحق نه پیشوایان از فرزندان حسین بر ایشان رحمت خدا باد پس بتحقیق من بایشان

اليك في مقامي هذا وبهم اتوسل وبهم استشفع اليك وبحقهم اسألك

بسوی تو در مقام خود که اینست و بایشان وسیله می جویم بایشان شفاعت می جویم بسوی تو و بحق ایشان سوال میکنم از تو

واقسم واعزم عليك وبالشأن الذي لهم عندك وبالقدر الذي لهم

و سوگند میخورم و قسم میدهم بر تو و بمرتبه که مر ایشان راست نزد تو و بقدری که مر ایشان راست

عندك وبالذي فضلتهم على العالمين وباسمك الذي جعلته عندهم

نزد تو و بآنچه فضیلت دادی ایشان را بر عالمیان و بنام تو که گردانیدی آن نام را نزد ایشان

وبه خصصتهم دون العالمين وبه ابنتهم وابنت فضلهم من

و بآن مخصوص گردانیدی ایشان را سوای عالمیان بآن نام جدا کردی ایشان را و آشکار کردی فضل ایشان را

فضل العالمين حتى فاق فضلهم فضل العالمين ان تصلي على محمد وآل محمد

فضیلت عالمیان تا آنکه پیشی گرفت فضیلت ایشان بر فضل عالمیان اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد

ان تكشف عني غمي وهمي وكربي وتكفيني المهم من اموري وتقضي عني

اینکه بر داری از من اندوه مرا و ملال مرا و حزن مرا و کفایت کنی مرا آنچه در غم اندازنده باشد از کارهای من و ادا کنی از من

ديني وتجيرني من الفقر وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن المسألة الى

قرض مرا و جبر کنی مرا از ناداری و پناه دهی مرا از فاقه و بی نیاز گردانی مرا از سوال بسوی

المخلوقين وتكفيني هم من اخاف همه وعسر من اخاف عسره وحزونة

آفریدگان و کفایت کنی مرا اندوه کسیکه میترسم از اندوه او و دشواری کسیکه میترسم از دشواری او

فى جميع ذلك السقم ولا تشفه حتى تجعل ذلك له شغلا شاغلا عنى

درتمام اعضا بیماری و شفا مده او را تا بگردانی این بیماری برای او شغل بازدارنده او را از من

وعن ذكرى واكفنى يا كافى ما لا يكفى سواك فانك الكافى

واز یاد من وکفایت کن ای کفایت کننده چیزی که کفایت نکند غیر تو پس بدرستیکه تو کفایت کننده

لا كافى سواك ومفرج لا مفرج سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار

نیست کفایت کننده بغیر تو و گشاینده که نیست گشاینده بجز تو و فریادرسنده که نیست فریادرسنده غیر تو و پناه

لا جار سواك خاب من كان جاره سواك ومغيثه سواك ومفزعه

که نیست پناه غیر تو زیان کار است کسیکه باشد پناه او سوای تو و فریادرس او بغیر تو و زاری او

الى سواك ومهربه وملجأه الى غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك فانت

بسوی غیر تو و گریزگاه و پناه او بسوی غیر تو و خلاص او از آفریده غیر تو پس تو ئی

ثقتى ورجائى ومفزعى ومهربى وملجأى ومنجاى فبك استفتح وبك

اعتماد من و امید من و پناه من و گریزگاه من و پناه من و خلاص من پس بتو گشایش مطلبم و بتو

استنجح وبمحمد وآل محمد اتوجه اليك واتوسل واتشفع فاسألك

رستگاری میجویم و به محمد و آل محمد روی آرم بسوی تو و وسیله میگیرم و شفاعت میطلبم پس از تو

يا الله يا الله يا الله فلك الحمد ولك الشكر واليك المشتكى وانت المستعان

ای خدا ای خدا پس مر تراست حمد و مر تراست شکر و بسوی تست شکایت و توئی یاری خواسته شده

فاسألك يا الله بحق محمد وآل محمد ان تصلى على محمد وآل محمد وان تكشف

پس سوال میکنم ای خدا بحق محمد و آل محمد اینکه درود بفرستی به محمد و آل محمد و اینکه زائل کنی

عنى غمى وهمى وكربى فى مقامى هذا كما كشفت عن نبيك همه وغمه

از من غم مرا و اندوه مرا و حزن مرا در مقام من که اینست چنانچه زائل کردی از پیغمبر خود حزن او را و غم او را

وكربه وكفيته هول عدوه فاكشف عنى كما كشفت عنه وفرج عنى

و شدت او را و دفع نمودی از وی بیم دشمن او را پس زائل کن از من چنانچه زائل کردی از وی و گشایش ده از من

كما وجّهت عنه واكفني كما كفيته واصرف عنّي هول ما اخاف هوله

چنانچه گشودی از او و کفایت کن مرا چنانچه کفایت کردی او را و دور کن از من خوفی که می ترسم از ترس آن

ومؤونة ما اخاف مؤونته وهمّ ما اخاف همّه بلا مؤونة على نفسي من ذلك

و مشقت چیزیکه می ترسم مشقت آن را و اندوه چیزیکه می ترسم از اندوه آن بغیر مشقت بر ذات من از آن

واصرفني بقضاء حوائجي وكفاية ما اهمّني همّه من امر آخرتي

و بگردان مرا بر آوردن حاجتهای من و بر طرف کردن چیزیکه اندوهگین کرده است مرا اندوه او از کار آخرت من

ودنياي يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله عليكما منّي سلام الله ابدا ما بقيت

و دنیای من ای امیر مومنان و ای ابو عبد الله حسین بر شما باد از من سلام خدا همیشه تا زنده ام

وبقي الليل والنهار ولا جعله الله آخر العهد من زيارتكما ولا فرّق الله بيني

و باقی ماند شب و روز و نه گرداند این را خدا آخر عهد از زیارت شما و جدائی نیفکند خدا میان من

وبينكما اللهم احيني حيوة محمد وذريّته وامتني مماتهم وتوفّني على ملّتهم

و میان شما خداوندا زنده دار مرا بروش زندگی محمد و اولاد او و بمیران مرا مانند مردن ایشان بمیران مرا بر ملت ایشان

واحشرني في زمرتهم ولا تفرّق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا

و برانگیز مرا در جماعت ایشان و جدائی میفکن میان من و میان ایشان یک چشم زدن هرگز در دنیا

والآخرة يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله صلوات الله عليكما اتيتكما زائرا

و آخرت ای امیر مومنان و ای ابا عبد الله رحمتهای خدا بر شما آمدم نزد شما زیارت کننده

ومتوسّلا الى الله ربّي وربّكما ومتوجّها اليه بكما ومستشفعا بكما الى الله

و وسیله جوینده بسوی خدا پروردگار من و پروردگار شما و جانبگیرنده بسوی خدا بوسیله شما و شفاعت خواهنده بشما بسوی خدا

في حاجتي هذه فاشفعا لي فانّ لكما عند الله المقام المحمود والجاه الوجيه

در حاجت خود که این است پس شفاعت کنید برای من بدرستیکه مر شما راست نزد خدا مرتبه ستوده و قدر گرامی

والمنزل الرفيع والوسيلة انّي انقلب عنكما منتظرا لتنجّز الحاجة وقضائها

و منزلت بلند و وسیله بدرستیکه من برمیگردم از طرف شما انتظار کشنده برای روا شدن حاجت و ادای آن

ونجاحها من الله بشفاعتكما الى الله في ذلك فلا اخيب ولا يكون

و برآمدن آن از خدا بشفاعت شما برای من بسوی خدا در این پس محروم نشوم و نشود

منقلبي منقلباً خائباً خاسراً بل يكون منقلبي منقلباً راجحاً مفلحاً

بازگشت من بازگشت محروم زیان کار بلکه باشد بازگشت من بازگشت با عزت و رستگاری

منجحاً مستجاباً بقضاء جميع حوائجي وتشفعا لي الى الله انقلبت على

و پیروزی اجابت کرده شده برای من به برآمدن جمیع حاجتهای من شفاعت کنید برای من بسوی خدا برگشتم

ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا بالله مفوضاً امري الى الله ملجئاً ظهري

آنچه میخواهد خدا و نیست بازگشت و نه توانائی مگر بخدا در حالتیکه گذارنده کار خود را بسوی خدا پناه دهنده

الى الله ومتوكلاً على الله واقول حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس

بسوی خدا و توکل کننده بر خدا و میگویم کافی است مرا خدا و بس است می شنود خدا

لي وراء الله ووراءكم يا سادتي منتهى ما شاء ربي كان وما لم يشا

مرا بجز خدا و جز شما ای سروران من منتهای آنچه خواست پروردگار من میشود و آنچه نخواهد

لم يكن ولا حول ولا قوة الا بالله استودعكما الله ولا جعله الله آخر

نمی شود و نیست گردیدن از گناهان و نه توانائی بر طاعت مگر بخدا امانت می سپارم شما را

العهد مني اليكما انصرفت يا سيدي يا امير المؤمنين يا مولاي وانت

از آخر عهد من بسوی شما برگشتم ای سرور من ای پادشاه مومنان ای آقای من و تو

يا ابا عبد الله يا سيدي وسلامي عليكما متصل ما اتصل الليل والنهار

ای ابا عبد الله ای آقای من سلام من بر شما پیوسته است مادام که پیوسته شود روز

واصل ذلك اليكما غير محجوب عنكما سلامي ان شاء الله واسأله

و رسنده است این سلام من بسوی شما و محجوب نیست از شما سلام من اگر خدا خواهد و سوال نمایم

بحقكما ان يشاء ذلك ويفعل فانه حميد مجيد انقلبت يا سيدي

بحق شما این که بخواهد این را و بکند پس بدرستیکه خدا ستوده بزرگست برگردیدم

عنکما تائبا حامدا لله شاکرا راجیا للاجابة غیر آئس ولا قانط آئبا

از طرف شما در حالتی که توبه حمد کنان خدا را و شکر کنان امیدوارم قبول را غیر نومید غیر محروم برگردنده

عائدا راجعا الی زیارتکما غیر راغب عنکما و لا من زیارتکما بل راجع

عود کننده رجوع نماینده بسوی زیارت شما نه روگرداننده از شما و نه از زیارت شما بلکه برگردم

عائد ان شاء الله و لا حول و لا قوة الا بالله یا سادتی رغبت الیکما

و عود می نمایم بسوی شما اگر خدا خواهد نیست گردیدن از گناهان و نه توانائی بر طاعات مگر بخدا ای سروران من رغبت

و الی زیارتکما بعد ان زهد فیکما و فی زیارتکما اهل الدنیا

و بسوی زیارت شما بعد از آنکه ترک کرده بودند شما را و زیارت شما را اهل دنیا

فلا خیبنی الله مما رجوت و ما املت فی زیارتکما انه قریب مجیب

پس نا امید نکند مرا خدا از آنچه امید دارم و از آنچه آرزو دارم در زیارت شما بدرستیکه خدا نزدیک

سیف بن عمیره گفت من بصفوان گفتم که علقمه که این زیارت را از امام محمد باقر علیه السلام
از برای ما روایت کرد این دعا را نقل نکرد صفوان گفت که من وارد شدم با سید خود
امام جعفر صادق علیه السلام باین مکان پس کرد مثل آنچه ما کردیم در زیارت و این دعا را
خواند در هنگام وداع بعد از آنکه دو رکعت نماز را کرد و وداع را بجا آورد بعد از آن
صفوان گفت که حضرت صادق علیه السلام بمن گفت که تعاهد نما این زیارت را و
بخوان این دعا را و باین نحو زیارت بکن که من ضامنم بر خدا که هر که این زیارت را بکند و این دعا را
بخواند از نزدیک یا دور آنکه زیارتش مقبول و سعیش مزد داده شود و سلامش بآنحضرت
برسد و محجوب نگردد و هر حاجت که از خدا طلبد برآورده شود هر چند حاجتش بزرگ باشد
ای صفوان این زیارت را باین ضمانی از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن الحسین
علیهما السلام باین ضمانی و او از امام حسین علیه السلام باین ضمانی و او از امام حسن علیه السلام
باین ضمانی و او از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام باین ضمانی و امیر المؤمنین
علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله باین ضمانی و رسول خدا صلعم از جبرئیل

با همین ضامنی و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضامنی بتحقیق که حق تعالی قسم بذات مقدس خود خورده است
که هر که حضرت امام حسین علیه السلام را باین روش زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا
را بخواند زیارت او را قبول کنم و هر حاجت که بطلبد برآورم هر چند که بزرگ باشد و هر سوال که
بکند عطا کنم و از درگاه من ناامید برنگردد و او را برگردانم شاد و خوشحال به برآمدن حاجتش
و فائز شدن به بهشت و آزاد شدن از جهنم و از برای هر که شفاعت کند شفاعتش را قبول کنم مگر
کسیکه دشمن با اهل بیت باشد و گواه گرفت خدا بآنچه گواه گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت خود را پس
جبرئیل گفت یا رسول الله حق تعالی مرا بسوی تو فرستاده است برای بشارت و سرور و خوشحالی
تو و بشارت و شادی علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو تا روز
قیامت پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که ای صفوان هر گاه ترا حاجتی بسوی خدا بهم رسد
این زیارت را بکن هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را بطلب
که البته برآورده می شود و حق تعالی خلف وعدهٔ خود نمی فرماید مولف گوید که چون عبارت
حدیث تشویش عظیمی دارد و قابل احتمال بسیار است اگر اول زیارت السلام علیک یا ابا عبد الله
تا و آل نبیک علیهم السلام بخواند و نماز زیارت را بکند و باز همان زیارت را اعاده کند
بهتر است و اگر بعد صد مرتبه لعنت بار دیگر نماز بکند و بعد صد مرتبه سلام بار دیگر نماز بکند و متصل بسجده
بعد از سجده نیز نماز بکند شاید بهمه احتمالات عمل کرده باشد و اگر اول یکی از زیارات بعید العمل
آورد و نماز بکند و بعد از آن این اعمال را بعمل آورد ظاهرا کافی باشد و اگر زیارت امیر المومنین
علیه السلام را باین زیارت ضم کند بهتر است خصوصا هر گاه این زیارت را از نزد ضریح
مقدس امیر المومنین علیه السلام بعمل آورد و چون در حدیث بتجویز کردن این زیارت
در هر وقت وارد شده است اگر در غیر روز عاشورا بکند بجای اللهم ان هذا
یوم تبرکت به بنو امیة بگوید اللهم ان یوم قتل الحسین صلوات الله
علیه یوم تبرکت به بنو امیة

فصل سیوم

در سائر زیارات این روز است و از جمله آنها زیارتیست که بسند صحیح از عبد الله بن سنان

روایت کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در روز عاشورا آنحضرت را شکسته
رنگ و اندوهناک یافتم و آب از دیده های مبارکش مانند مروارید میریخت گفتم یا ابن رسول الله
گریه شما چیست خدا هرگز دیده های شما را گریان نکرداند حضرت فرمود که مگر غافلی نمیدانی که در مثل
این روز حضرت امام حسین علیه السلام شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمائی در روزه اش فرمود که
روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه کنی و افطار مکن نه از روی شماتت و مگذار تمام روزه مگیر و باید
افطار تو بعد از نماز عصر باشد یکساعت بشربتی از آب زیرا که در آن وقت جنگ برطرف شد از آل رسول
علیه السلام و در زمین سی نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بودند که صاحب مصیبت در اینها
حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و اگر آن حضرت صلعم در دنیا می بود بایست آنحضرت را برای
ایشان تعزیت بگویند پس آنحضرت چندان گریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد پس
فرمود که بهتر کاری که درین روز بکنی آنست که جامه های پاکیزه بپوشی و بندها را بگشائی و آستین ها را
تا آرنج بالا کنی بروش مصیبت زدگان پس بیرون روی بسوی بیابان یا مکانی که کسی ترا نه بیند
یا خانهٔ خالی از برای تقیه از سنیان در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و خضوع
و رکوع نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بگوئی و در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ قل یا ایها الکافرون
بخوانی و در رکعت دوم سورهٔ قل هو الله احد و در دو رکعت دیگر در رکعت اول بعد از حمد سورهٔ
احزاب بخوانی و در رکعت دوم سورهٔ اذا جاءک المنافقون و اگر اینها را ندانی هر سوره که توانی
بخوانی پس بگردانی روی خود را بجانب روضهٔ مقدسهٔ آنحضرت و بخاطر آوری شهادت آن امام
مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آنجناب را و سلام کنی بر او و صلوات فرستی بر او و لعنت
کنی بر قاتلان ایشان و بروایت دیگر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت که بهر لعنتی هزار حسنه
برای تو نوشته میشود و هزار گناه از تو محو می شود و هزار درجه در بهشت از برای تو بلند می شود

و بهتر این است که هزار مرتبه بگوید

اَللّٰهُمَّ الْعَنْ قَتَلَةَ الْحُسَيْنِ وَاَصْحَابَهُ

بار خدایا لعنت کن بر کشندگان حسین علیه السلام و کشندگان اصحابش

پس فرمود که بعد از آن از موضعی که ایستاده چند گام پیش روی و بگوئی

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ رِضًا بِقَضَائِهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ

بدرستیکه ما برای خدائیم و بسوی خدا گردنده ایم جهت خوشنودی بقضای او و گردن نهادن امر او را

و اگر هفت مرتبه چنین کند بهترست و فرمود که در جمیع این احوال باید که محزون غمناک

و گریان باشی پس بجای خود برگردی و بگوئی

اللّٰهُمَّ عَذِّبِ الْفَجَرَةَ الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ وَحَارَبُوا أَوْلِيَاءَكَ

بار خدایا عذاب کن فاجرانی را که مخالفت کردند پیغمبر ترا و جنگ کردند دوستان ترا

وَعَبَدُوا غَيْرَكَ وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْأَتْبَاعَ وَمَنْ

و پرستش کردند غیر ترا و حلال دانستند حرام کرده های ترا و لعنت کن پیشوایان را و تابعان ایشان را و هر که

كَانَ مِنْهُمْ فَخَبَّ وَأَوْضَعَ مَعَهُمْ أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا اللّٰهُمَّ وَ

بود از آنها پس شتافت و مرکب جهانید با آنها یا خوشنود شد بکردار آنها لعنت بسیار خداوندا

عَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي

تعجیل کن در گشایش کار آل محمد و بگردان رحمتهای خود را بر او و بر ایشان خلاص کن ایشانرا از دستهای

الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ وَالْكَفَرَةِ الْجَاحِدِينَ وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا وَأَتِحْ لَهُمْ

منافقان گمراه کنندگان و کافران انکار نمایندگان و فتح ده ایشانرا فتح آسان و آماده کن برای ایشان

رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا

راحت و گشایش نزدیک و بگردان برای ایشان از جانب خود بر دشمن خود و دشمن ایشان غلبهٔ یاری دهنده

پس دست بدعا بردارد و قصد کند دشمنان آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین را و بگوید

اللّٰهُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَئِمَّةِ وَكَفَرَتْ

بار خدایا بدرستیکه بسیاری از امت دشمنی کردند با حفظ کنندگان از امامان و کافر شدند

بِالْكَلِمَةِ وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّلَمَةِ وَهَجَرَتِ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ وَعَدَلَتْ

بکلمه حق و رو آوردند به پیشوایان ستمکاران و ترک کردند قرآن و سنت را و عدول کرد

عن الحبلين الذين امرت بطاعتهما والتمسك بهما فاماتت الحق

از دور بیسا ... تمیکه امر کردی بفرمانبرداری آن هر دو و چنگ زدن بهر دو و بمیرانیدند حق

وحادت عن القصد ومالأت الاحزاب وحرفت الكتاب وكفرت

و عدول کردند از راه راست و یاری کردند گروهها را و تحریف کردند کتاب را و کافر شدند

بالحق لما جاءها وتمسكت بالباطل لما اعترضها وضيعت حقك

بحق هرگاه آمد ایشان را و چنگ زدند بباطل هرگاه پیش آمد آنها را و ضایع کردند حق ترا

واضلت خلقك وقتلت اولاد نبيك وخيرة عبادك وحملة علمك

و گمراه کردند خلق ترا و کشتند فرزندان پیغمبر ترا و برگزیدهای بندهای ترا و بردارندهای علم

وورثة حكمتك ووحيك اللهم فزلزل اقدام اعدائك واعداء

و میراث داران حکمت ترا و وحی ترا بار خدایا پس بلغزان پاهای دشمنان خود را و دشمنان

رسولك واهل بيت رسولك اللهم واخرب ديارهم وافلل سلاحهم

پیغمبر خود را و دشمنان اهل بیت پیغمبر خود را بار خدایا و خراب کن خانهای آنها را و رخنه بینداز در سلاح

وخالف بين كلمتهم وفت في اعضادهم واوهن كيدهم واضربهم

و مخالفت بینداز میان سخن ایشان و سست کن بازوهای ایشان و سست کن کید ایشان و بزن ایشان را

بسيفك القاطع وارمهم بحجرك الدامغ وطمهم بالبلاء طما وقمهم

بشمشیر خود که برنده است و بزن ایشان را بسنگ خود که شکننده است و بپوشان ایشان را ببلا پوشانیدنی

بالعذاب قما وعذبهم عذابا نكرا وخذهم بالسنين والمثلات

بروب ایشان را بعذاب روفتنی و عذاب کن ایشان را عذابی سخت و بگیر ایشان را بقحط سالی و عقوبتها

التي اهلكت بها اعداءك انك ذو نقمة من المجرمين اللهم ان سنتك

که هلاک کردی بآن دشمنان خود را بدرستیکه تو صاحب انتقامی از گناهکاران بار خدایا بدرستیکه طریقه تو

ضائعة واحكامك معطلة وعترة نبيك في الارض هائمة اللهم

ضایع است و حکمهای تو معطل است و فرزندان پیغمبر تو در زمین سرگردانند بار خدایا

فَاَعِزِّ الْحَقَّ وَاَهْلَهُ وَاقْمَعِ الْبَاطِلَ وَاَهْلَهُ وَمُنَّ عَلَيْنَا بِالنَّجَاةِ وَاهْدِنَا

پس عزیز کن حق را و اهل حق را و مقهور ساز باطل و اهل باطل را و منت نه بر ما برستگاری و راه بنما ما را

اِلَى الْاِيمَانِ وَعَجِّلْ فَرَجَنَا وَانْظِمْهُ بِفَرَجِ اَوْلِيَائِكَ وَاجْعَلْهُمْ لَنَا وُدًّا

بجانب ایمان و زود کن گشایش ما را و پیوسته کن آن را بگشایش اولیای خود و بگردان ایشان را برای ما دوست

وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَفْدًا اَللّٰهُمَّ وَاَهْلِكْ مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخِيَرَتِكَ

و بگردان ما را برای ایشان وارد شونده بار خدایا و هلاک کن کسی را که گردانید روز کشته شدن پسر پیغمبر را و برگزیده ترا

عِيدًا وَاسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحًا وَمَرَحًا وَخُذْ آخِرَهُمْ كَمَا اَخَذْتَ اَوَّلَهُمْ وَضَاعِفِ

عید و آواز بر آورد بقتل او از روی شادی و خوشحالی و بگیر آخر جماعت را چنانچه گرفتی اول آنها را و مضاعف کن

اَللّٰهُمَّ الْعَذَابَ وَالتَّنْكِيلَ عَلَى ظَالِمِي اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ وَاَهْلِكْ اَشْيَاعَهُمْ

بار خدایا عذاب را و عقوبت را بر ستم کنندگان اهل بیت پیغمبر تو و هلاک گردان تابعان ایشان را

وَقَادَتَهُمْ وَاَبِرْ حُمَاتَهُمْ وَجَمَاعَتَهُمْ اَللّٰهُمَّ وَضَاعِفْ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتَكَ

و پیشوایان ایشان را و هلاک کن حمایت کنندگان آنها را و جماعت آنها را بار خدایا و مضاعف کن درود خود و رحمت خود

وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِتْرَةِ نَبِيِّكَ الْعِتْرَةِ الضَّائِعَةِ الْخَائِفَةِ الْمُسْتَذَلَّةِ

و برکتهای خود بر اولاد پیغمبر خود که اولاد تلف شده ترسان خوار کرده شده

بَقِيَّةٍ مِنَ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزَّاكِيَةِ الْمُبَارَكَةِ وَاَعْلِ اللّٰهُمَّ كَلِمَتَهُمْ

باقی مانده از درخت پاک پاکیزه مبارک و بلند کن بار خدایا کلمه ایشان را

وَاَفْلِجْ حُجَّتَهُمْ وَاكْشِفِ الْبَلَاءَ وَاللَّاْوَاءَ وَحَنَادِسَ الْاَبَاطِيلِ وَالْعَمَى

و غلبه بده حجت ایشان را و برطرف کن بلا و سختی و تاریکیهای باطلها را و نابینایی را

عَنْهُمْ وَثَبِّتْ قُلُوبَ شِيعَتِهِمْ وَحِزْبِكَ عَلَى طَاعَتِكَ وَوِلَايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ

از ایشان و ثابت دار دلهای شیعیان ایشان را و گروه خود را بر طاعت خود و دوستی ایشان و یاری ایشان

وَمُوَالَاتِهِمْ وَاَعِنْهُمْ وَامْنَحْهُمُ الصَّبْرَ عَلَى الْاَذَى فِيكَ وَاجْعَلْ لَهُمْ

و دوست داشتن ایشان و یاری ده ایشان را و بخش ایشان را صبر بر آزار کشیدن در راه تو و بگردان برای ایشان

أَيّاماً مَشْهُودَةً وَأَوْقاتاً مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً تُوشِكُ فِيها فَرَجَهُمْ وَتُوجِبُ

روزهای مشهود و وقتهای ستوده شده با سعادت که نزدیک گردانی در آن وقتها گشایش ایشان را و واجب گردانی

فِيها تَمْكِينَهُمْ وَنَصْرَهُمْ كَما ضَمِنْتَ لِأَوْلِيائِكَ فِي كِتابِكَ الْمُنْزَلِ فَإِنَّكَ

در آن وقتها دسترس ایشان و یاری ایشان را چنانچه ضامن شدی برای دوستان خود در کتاب خود که فرستاده شده است پس بدرستیکه تو

قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَعَدَ اللهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ

فرموده و قول تو راست است وعده کرده خدا آنانکه ایمان آوردند از شما و عمل کردند عملهای نیک که

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ

هر آینه خلیفه گرداند ایشان را در زمین چنانچه خلیفه گردانید آنان را که پیش ایشان بودند و هر آینه تمکین دهد

لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي

مر ایشان را دین ایشان که پسندید برای ایشان و هر آینه تبدیل نماید ایشان را از پس ترس ایشان ایمنی که پرستند مرا

لا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً اللّٰهُمَّ فَاكْشِفْ غُمَّتَهُمْ يا مَنْ لا يَمْلِكُ كَشْفَ الضُّرِّ إِلّا هُوَ

و شریک نگردانند بمن چیزی را بار خدایا برطرف کن غم ایشان را ای کسیکه مالک نیست برطرف کردن ضرر را جز او

يا واحِدُ يا أَحَدُ يا حَيُّ يا قَيُّومُ وَأَنَا يا إِلٰهِي عَبْدُكَ الْخائِفُ مِنْكَ وَالرّاجِعُ

ای یگانه ای یکتا ای زنده ای پایدار و من ای خدای من بنده توام که ترسانم از تو و بازگشت کننده ام

إِلَيْكَ السّائِلُ لَكَ الْمُقْبِلُ عَلَيْكَ اللّاجِئُ إِلى فِنائِكَ الْعالِمُ بِأَنَّهُ لا مَلْجَأَ

بسوی تو سوال کننده ام ترا و رو آورنده ام بر تو پناه برنده ام بسوی درگاه تو و دانایم باینکه نیست پناهی

مِنْكَ إِلّا إِلَيْكَ اللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعائِي وَاسْمَعْ يا إِلٰهِي عَلانِيَتِي وَنَجْوايَ وَاجْعَلْنِي

از تو مگر بسوی تو بار خدایا پس قبول کن دعای مرا و بشنو ای خدای من سخن آشکار مرا و راز مرا و بگردان مرا

مِمَّنْ رَضِيتَ عَمَلَهُ وَقَبِلْتَ نُسُكَهُ وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

از کسانیکه راضی شدی از عمل ایشان و پذیرفتی عبادت ایشان را و رهانیدی ایشان را برحمت خود بدرستیکه توئی غالب بزرگوار

اللّٰهُمَّ وَصَلِّ أَوَّلاً وَآخِراً عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بار خدایا درود بفرست در اول و آخر بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد

وارحم محمداً وآل محمد بأكمل وأفضل ما صليت وباركت وترحمت على

و به بخشا بر محمد و آل محمد بکامل تر و فاضل تر از آنچه درود فرستادی و برکت دادی و ترحم کردی بر

أنبيائك ورسلك وملائكتك وحملة عرشك بلا إله إلا أنت اللهم

پیغمبران خود و فرستادگان خود و فرشتگان خود و بردارندگان عرش خود بکلمه مبارکه توحید بار خدایا

لا تفرق بيني وبين محمد وآل محمد صلواتك عليه وعليهم واجعلني

جدائی میفکن میان من و میان محمد و آل محمد درود های تو باد بر او و بر ایشان و بگردان مرا

يا مولاي من شيعة محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وذريتهم

ای مولای من از یاران محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ذریت آنها

الطاهرة المنتجبة وهب لي التمسك بحبهم والرضا بسبيلهم والأخذ

که پاک و برگزیده اند و بخش مرا چنگ زدن بدوستی ایشان و خوشنودی براه ایشان و اختیار

بطريقهم إنك جواد كريم

بطریقه ایشان بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری

پس بسجده برو و طرف روی خود را بر خاک بگذار و بگو

يا من يحكم ما يشاء ويفعل ما يريد أنت حكمت فلك الحمد محموداً مشكوراً

ای کسیکه حکم میکند هرچه میخواهد و میکند هرچه میخواهد تو حکم کردی پس مر تراست سپاس ستوده و شکر کرده شده

فعجل يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فإنك ضمنت إعزازهم بعد الذلة و

پس زود کن ای مولای من گشایش ایشان را و گشایش ما را با ایشان پس بدرستیکه تو ضامن شدی عزیز کردن ایشان را بعد از ذلت و

تكثيرهم بعد القلة وإظهارهم بعد الخمول يا أصدق الصادقين و

بسیار کردن ایشان را بعد از کمی و آشکار کردن ایشان را بعد از گمنامی ای راستگو ترین راستگویان و

يا أرحم الراحمين فأسألك يا إلهي وسيدي متضرعاً إليك بجودك

ای مهربان ترین مهربانان پس سؤال میکنم از تو ای خدا و آقای من در حالتیکه زاری کننده ام بسوی تو بجود تو

وكرمك بسط أملي والتجاوز عني وقبول قليل عملي وكثيره والزيادة

و کرم تو فراخی امید خود و درگذشتن از جرم خود و پذیرفتن کردار کم و بسیار خود و افزونی

است که خداوند عالمیان میفرماید منم خداوند و پادشاه پادشاهان دلهای پادشاهان بدست من است پس گروهی که اطاعت من کنند دلهای پادشاهان را بر ایشان رحمت میگردانم و هر گروهی که معصیت من کنند دلهای پادشاهان را بر ایشان غضب میگردانم پس خود را مشغول بدشنام دادن پادشاهان نکنید و توبه کنید بسوی من تا دلهای ایشان را بر شما مهربان گردانم

فِی اَیّامی وَتَبْلیغی ذٰلِکَ الْمَشْهَدَ وَاَنْ تَجْعَلَنی مِمَّنْ یَدْعو فَیُجیبُ اِلیٰ طاعَتِهِمْ

در ایام خود و رسانیدن جمع و این مشهد و اینکه بگردانی مرا از کسانیکه دعوت کرده میشوند بسوی اطاعت ایشان پس اجابت میکنند

وَمُوالاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ وَتُرِیَنی ذٰلِکَ قَریباً سَریعاً فی عافِیَةٍ اِنَّکَ عَلیٰ کُلِّ

و دوستی ایشان و یاری ایشان و بنمائی مرا این مرتبه را نزدیک و بسرعت در عافیت بدرستیکه تو بر همه

شَیْءٍ قَدیرٌ پس سر خود را بسوی آسمان بلند کن بگو اَعوذُ بِکَ اَنْ اَکونَ مِنَ

چیز توانائی پناه می برم بتو از اینکه باشم از

الَّذینَ لایَرْجونَ اَیّامَکَ فَاَعِذْنی یا اِلٰهی بِرَحْمَتِکَ مِنْ ذٰلِکَ

آن جماعت که امید ندارند روزهای ترا پس پناه ده مرا ای خدای من بمهربانی خود از این

چون چنین کنی این عمل بهتر است از برای تو از حجهای بسیار و عمرهای بسیار که مال بسیار

در آنها صرف نمائی و بدن خود را در آنها در تعب افکنی و از اهل و عیال خود و فرزندان خود جدا

شوی و بدانکه کسیکه این نماز را در این روز بکند و این دعا را بخواند از روی اخلاص و این

عمل را بیقین و تصدیق بجا آورد حقتعالی ده خصلت باو عطا کند که از جمله آنها اینست که او را

از هر دو بلا حفظ کند مانند غرق شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال اینها و امر دو

دشمنی بر او مسلط نکرد و نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی خود و فرزندانش تا چهار پشت

و شیطان او و دوستان یاوران شیطان را مسلط نکردانند بر او و بر نسل او تا چهار پشت

زیارت دیگر زیارتیست که مشتمل است بر زیارت شهدا و متضمن تعزیت حضرت

رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است و مناسب است که در این روز

خوانده شود و اگر در آخر روز خوانده شود شاید انسب باشد و زیارت اینست

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ

سلام بر تو باد ای وارث آدم برگزیده خدا سلام بر تو باد ای وارث

نوحٍ نَبِیِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اِبْراهیمَ خَلیلِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ

نوح نبی خدا سلام بر تو باد ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو باد

یا وارث موسى كليم الله السلام عليك يا وارث عيسى روح الله

ای وارث موسی هم سخن خدا سلام برتو باد ای وارث عیسی روح خدا

السلام عليك يا وارث محمد حبيب الله السلام عليك يا وارث علي

سلام برتو باد ای وارث محمد دوست خدا سلام برتو باد ای وارث علی

امير المؤمنين السلام عليك يا وارث الحسن الشهيد سبط رسول الله

امیر مومنان سلام برتو باد ای وارث حسن شهید فرزندزاده پیغمبر خدا

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن البشير النذير وابن

سلام برتو باد ای پسر پیغمبر خدا سلام برتو باد ای پسر بشارت دهنده ترساننده و پسر

سيد الوصيين السلام عليك يا ابن فاطمة سيدة نساء العالمين السلام

سردار اوصیا سلام برتو باد ای پسر فاطمه سرور زنان عالمیان سلام

عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا خيرة الله وابن خيرته السلام

برتو باد ای اباعبدالله سلام برتو باد ای برگزیده خدا و پسر برگزیده او سلام

عليك يا ثار الله وابن ثاره السلام عليك ايها الوتر الموتور السلام

برتو باد ای خون طلب خدا و پسر خون طلب او سلام برتو باد ای وتر موتور سلام

عليك ايها الامام الهادي الزكي وعلى ارواح حلت بفنائك

برتو باد ای امام رهنما پاک و بر ارواحی که فرود آمدند بگرد خانه تو

واقامت في جوارك ووفدت مع زوارك السلام عليك مني ما بقيت

و جا گرفته اند در همسایگی تو و وارد شده اند با زیارت کنندگان تو سلام برتو باد از جانب من تا وقتیکه باقی ام

وبقي الليل والنهار فلقد عظمت بك الرزية وجل المصاب في المؤمنين

و باقیست شب و روز پس بتحقیق بزرگ شده است بسبب تو مصیبت عظیم شده است مصیبت در مومنان

والمسلمين وفي اهل السموات اجمعين وفي سكان الارضين

و در مسلمانان و در اهل آسمانها همه ایشان و در ساکنان زمین ها

فانا لله وانا اليه راجعون وصلوات الله وبركاته وتحياته عليك وعلى

پس بدرستیکه ما منقادیم خدا را و بسوی او بازگشت داریم و درودهای خدا و برکتهای او و تحفه های او بر تو باد و بر

آبائك الطيبين المنتجبين وعلى ذراريهم الهداة المهديين السلام عليك

پدران تو که پاکان و برگزیدگانند و بر فرزندان ایشان که راه نمایان راه یافتگانند سلام بر تو باد

يا مولاي وعليهم وعلى روحك وعلى ارواحهم وعلى تربتك وعلى تربتهم

ای آقای من و بر ایشان و بر روح تو و بر ارواح ایشان و بر تربت تو و بر تربت ایشان

اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا وريحانا السلام عليك يا مولاي

خداوندا ملاقات کن ایشان را برحمت و خشنودی و روح و بوی خوش جنت سلام بر تو باد ای آقای من

يا ابا عبد الله يا ابن خاتم النبيين ويا ابن سيد الوصيين ويا ابن

ای اباعبدالله ای پسر آخر پیغمبران و ای پسر سرور اوصیا و ای پسر

سيدة نساء العالمين السلام عليك يا شهيد يا ابن الشهيد يا اخا الشهيد

سرور زنان عالمیان سلام بر تو باد ای شهید ای پسر شهید ای برادر شهید

يا ابا الشهداء اللهم بلغه عني في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا

ای پدر شهیدان خداوندا برسان او را از جانب من در این ساعت و در این روز و در این

الوقت وفي كل وقت تحية كثيرة وسلاما سلام الله عليك ورحمة

وقت و در هر وقت درود بسیار و سلام بسیار سلام خدا بر تو باد و رحمت

الله وبركاته يا ابن سيد العالمين وعلى المستشهدين معك سلاما

خدا و برکتهای او ای پسر سرور عالمیان و بر آنانکه دریافتند شهادت را با تو سلامی

متصلا ما اتصل الليل والنهار السلام على الحسين بن علي الشهيد

پیوسته مادامیکه پیوسته شود شب و روز سلام بر حسین پسر علی شهید

السلام على علي بن الحسين الشهيد السلام على عباس بن امير المؤمنين

سلام بر علی پسر حسین شهید سلام بر عباس پسر پادشاه مومنان

امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که هر که ظلمی بر کسی کند حق تعالی برانگیزد کسی را که ظلم کند بر او یا بر فرزندان او یا فرزندان فرزندان او و در حدیث دیگر است که هر که ...

الشهید السلام علی الشهداء من ولد امیر المؤمنین السلام علی

شهید سلام بر شهیدان از فرزندان امیر المؤمنین علیه السلام سلام بر

الشهداء من ولد الحسن السلام علی الشهداء من ولد الحسین السلام

شهیدان از فرزندان امام حسن سلام بر شهیدان از اولاد حسین ع سلام

علی الشهداء من ولد جعفر و عقیل السلام علی کل مستشهد معهم من

بر شهیدان از اولاد جعفر و عقیل سلام بر هر که دریافته شهادت را با ایشان از

المؤمنین اللهم صل علی محمد و آل محمد و بلغهم عنی تحیة کثیرة و سلاما

اهل ایمان بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد و برسان ایشان را تحیت بسیار و سلام

السلام علیک یا رسول الله احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین السلام

سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا نیکو کرداند خدا برای تو عزا را در حق فرزند تو حسین سلام

علیک یا فاطمة احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین علیه السلام

بر تو باد ای فاطمه نیکو کرداند خدا برای تو عزا را در حق فرزند تو حسین سلام بر تو باد

یا امیر المؤمنین احسن الله لک العزاء فی ولدک الحسین السلام

ای امیر مؤمنان نیکو کرداند خدا مر ترا صبر را در حق فرزند تو حسین سلام

علیک یا ابا محمد الحسن احسن الله لک العزاء فی اخیک الحسین یا مولای

بر تو باد ای ابو محمد حسن نیکو کرداند خدا مر ترا صبر در حق برادر تو حسین ای آقای من

یا ابا عبد الله انا ضیف الله و ضیفک و جار الله و جارک و لکل

ای ابو عبد الله من مهمان خدا و مهمان توام و پناه گیرنده خدا و پناه گیرنده توام و از برای هر

ضیف و جار قری و قرای فی هذا الوقت ان تسئل الله سبحانه و تعالی

مهمانی و پناه گیرنده ضیافتی است و احسانی و ضیافت و احسان من در این وقت است که بطلبی از خدای سبحانه و تعالی

ان یرزقنی فکاک رقبتی من النار انه سمیع الدعاء قریب مجیب

اینکه روزی کند مرا رهائی گردن من از آتش بدرستیکه خدا شنونده دعا است و نزدیک و اجابت کننده

وشیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در شب بیست و یکم ماه محرم زفاف حضرت فاطمه بحضرت
امیر المؤمنین علیهما السلام واقع شد باید که آن روز را بشکر این نعمت عظمی شیعیان
روزه بدارند و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که در روز هفدهم ماه محرم اصحاب
فیل بجهت خراب کردن کعبه آمده بودند برگشتند و عذاب بر ایشان نازل شد و در روز
بیست و پنجم این ماه حضرت امام زین العابدین علیه السلام بعالم اعلی رحلت نمودند و بعضی

در اعمال ماه صفر سیم این ماه مشهور است بنحوست و دو وجه می تواند داشت اول آنکه موافق
قول علمای شیعه وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم در این ماه واقع
شده است دوم آنکه در سه ماه متوالی که اشهر حرم اند عرب قتال نمیکردند و در این ماه
شروع بقتال میکردند لهذا نحس شمرده اند و در احادیث شیعه ندیده ام چیزی که دلالت بر نحوست کند
و در روایت غیر معتبره عامه وارد شده است و سید ابن طاوس رضی الله عنه در بعضی از کتب
معتبره روایت کرده است که در روز سوم این ماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند در رکعت
اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخوانند و در رکعت دوم سوره توحید و بعد از سلام صد مرتبه بگویند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و صد مرتبه اَللّٰهُمَّ الْعَنْ

بار خدایا درود و رحمت فرست بر محمد و آل محمد — بار خدایا لعنت کن

آلَ اَبِی سُفْیَانَ و صد مرتبه اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ

اولاد ابی سفیان را — طلب آمرزش میکنم از خدا و بازگشت میکنم بسوی او

و در روز بیستم این ماه مشهور است بروز اربعین یعنی روز چهلم شهادت حضرت سید الشهدا
صلوات الله علیه و در کتب معتبره از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده اند
که علامات مؤمن پنج چیز است نماز پنجاه و یک رکعت فریضه و نافله در شب و روز و زیارت
اربعین و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجده بر خاک گذاشتن و بسم الله الرحمن
الرحیم بلند گفتن و کیفیت زیارت اربعین بسند معتبر منقول است از صفوان جمال که گفت مولای من حضرت
صادق علیه السلام بمن گفت در زیارت اربعین [illegible]

السَّلامُ عَلیٰ وَلِیِّ اللهِ وَحَبیبِهِ السَّلامُ عَلیٰ خَلیلِ اللهِ وَنَجیبِهِ السَّلامُ عَلیٰ

سلام باد بر ولی خدا و دوست او سلام باد بر دوست خدا و برگزیده او سلام باد بر

صَفِیِّ اللهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ السَّلامُ عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ السَّلامُ عَلیٰ

برگزیده خدا و پسر برگزیده او سلام باد بر حسین ستم رسیده شهید سلام باد بر

اَسیرِ الْکُرُباتِ وَقَتیلِ الْعَبَراتِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّکَ وَابْنُ

گرفتار اندوهها و کشته سرشکها بار خدایا بدرستیکه من گواهی میدهم بآنکه او دوست تو و پسر

وَلِیِّکَ وَصَفِیُّکَ وَابْنُ صَفِیِّکَ الْفائِزُ بِکَرامَتِکَ اَکْرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ وَحَبَوْتَهُ

دوست تو و برگزیده تو و پسر برگزیده تو واصل بکرامت تست گرامی کردی او را بشهادت و مخصوص کردی او را

بِالسَّعادَةِ وَاجْتَبَیْتَهُ بِطیبِ الْوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَیِّداً مِنَ السّادَةِ

بسعادت و برگزیدی او را بپاکی ولادت وگردانیدی او را سروری از سروران

وَقائِداً مِنَ الْقادَةِ وَذائِداً مِنَ الذّادَةِ وَاَعْطَیْتَهُ مَواریثَ الْاَنْبِیاءِ

و پیشوای از پیشوایان و رانندهٔ از رانندگان و بخشیدی او را میراث پیغمبران

وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلیٰ خَلْقِکَ مِنَ الْاَوْصِیاءِ فَاَعْذَرَ فِی الدُّعاءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ

وگردانیدی او را حجت بر خلق خود از جمله وصیت کرده شدگان پس مبالغه کرد در خواندن خلق و عطا کرد نصیحت را

وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فیکَ لِیَسْتَنْقِذَ عِبادَکَ مِنَ الْجَهالَةِ وَحَیْرَةِ الضَّلالَةِ

و صرف کرد جان خود را در راه تو تا برهاند بنده‌های ترا از نادانی و حیرانی و گمراهی

وَقَدْ تَوازَرَ عَلَیْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْیا وَباعَ حَظَّهُ بِالْاَرْذَلِ الْاَدْنیٰ وَشَریٰ

و بتحقیق تعاون کرد بر او کسی که فریفته است او را دنیا و فروخته بهرهٔ خود را بچیزی زبون تر و کمتر و فروخته است

آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْاَوْکَسِ وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّیٰ فی هَواهُ وَاَسْخَطَکَ وَاَسْخَطَ

آخرت خود را بثمنی بسیار ناقص و کم و تکبر نموده و افتاده است در خواهش خود و بغضب آورد ترا و بغضب آورد

نَبِیَّکَ وَاَطاعَ مِنْ عِبادِکَ اَهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزارِ

پیغمبر ترا و اطاعت کرده از بنده‌های تو اهل مخالفت و نفاق را و بردارندگان گناهان را

الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِراً مُحْتَسِباً حَتَّى سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ

که مستوجب آتش و دوزخ اند پس مجاهده نمود با ایشان در راه تو صبرکنان اجرجویان تا ریخته شد در فرمان برداری تو

دَمُهُ وَاسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبِيلاً وَعَذِّبْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً السَّلَامُ

خون او و مباح کرده شد حریم او بار خدایا لعنت کن ایشان را لعنتی سخت و عذاب کن ایشان را عذابی دردناک سلام

عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ

بر تو ای پسر پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای پسر سرور وصیت شدگان گواهی میدهم اینکه تو

أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيداً وَمَضَيْتَ حَمِيداً وَمُتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً

امانت دار خدائی و پسر امانت دار اوئی زندگانی کردی در حالت نیکبختی و گذشتی در حالت ستودگی و مردی در حالتی که ناپیدا شدی و ستم رسیده

شَهِيداً وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ لَكَ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ

شهید و گواهی میدهم به اینکه خدا وفا کننده است برای تو آنچه وعده کرده است ترا و هلاک کننده است کسی که خوار کرده ترا و عذاب کننده

مَنْ قَتَلَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ

کسی که کشته ترا و گواهی میدهم به اینکه تو وفا کردی بعهد خدا و مجاهده نمودی در راه خدا تا آنکه آمد ترا

الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ

مرگ پس لعنت کند خدا کسی را که کشت ترا و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد بر تو و لعنت کند خدا گروهی را که شنید

بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنِّي وَلِيٌّ لِمَنْ وَالاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ

این خبر پس خوشنود شد بآن بار خدایا بدرستیکه من گواه میگیرم ترا به اینکه من دوستم مر کسی را که دوست دارد او را و دشمنم مر کسی را که دشمنی کرد با او

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُوراً فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ

پدر و مادرم فدای تو باد ای پسر پیغمبر خدا گواهی میدهم به اینکه تو بودی نوری در پشتهای بلند

وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبِسْكَ الْمُدْلَهِمَّاتُ

و رحمهای پاک ناپاک نکرد ترا نادانی بناپاکیهای خود و نپوشانید ترا تاریکیها

مِنْ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ

از جامه های خود و گواهی میدهم به اینکه تو از ستونهای دین و ستونهای مسلمین و جای پناه مؤمنین هستی

واشهد انك الامام البر التقي الزكي الهادي المهدي واشهد

و گواهی میدهم که امامان از فرزندان تو

ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة الوثقى

اینکه امامان از اولاد تو سخن پرهیزکاری و نشانهای هدایت و دست آویز محکم

والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وبايابكم موقن بشرايع

و حجت بر اهل دنیا اند و گواهی میدهم که من بشما ایمان دارم و ببازگشتن شما یقین دارم

ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع ونصرتي

دین خود و خاتمه های عمل خود و دل من مر دل شما را تسلیم شده است و امر من مر امر شما را تابع است و یاری کردن من

لكم معدة حتى يأذن الله لكم فمعكم معكم لا مع عدوكم صلوات الله

برای شما مهیا کرده شده است تا اذن دهد خدا مر شما را پس با شما ام با شما ام نه با دشمن شما درود خدا

عليكم وعلى ارواحكم واجسادكم وشاهدكم وغائبكم وظاهركم

بر شما باد و بر جانهای شما و تنهای شما و حاضر شما و غایب شما و آشکار شما

وباطنكم آمين رب العالمين

و پنهان شما قبول کن ای پروردگار عالمیان

دو رکعت نماز [illegible]

[illegible]

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن علي المرتضى

سلام بر تو باد ای پسر پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای پسر علی مرتضی

وصي رسول الله السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين

وصی رسول خدا سلام بر تو باد ای پسر فاطمه زهرا سیده زنان عالمیان

السلام عليك يا ابا محمد الحسن الزكي السلام عليك يا حجة الله في ارضه

سلام بر تو باد ای ابا محمد حسن پاکیزه سلام بر تو باد ای حجت خدا در زمین او

وَشَاهِدَةٌ عَلٰى خَلْقِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الشَّهِيدُ اَلسَّلَامُ

و گواه او بر خلق او سلام بر تو باد ای ابو عبد الله شهید سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتَ

بر تو ای مولای من و ای پسر مولای من گواهی میدهم بدرستیکه تو برپا داشتی نماز را و دادی

الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ

زکوة را و امر کردی بکار خوب و نهی کردی از کار زشت و مجاهده نمودی در راه خدا

حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ اَتَيْتُكَ

تا آمد ترا مرگ و گواهی میدهم بدرستیکه تو بر حجتی هستی از جانب پروردگار خود آمدم ترا

يَا مَوْلَايَ زَائِرًا وَافِدًا رَاغِبًا مُقِرًّا لَكَ بِالذُّنُوبِ هَارِبًا اِلَيْكَ

ای مولای من حالتیکه زیارت کننده ام وارد شونده ام خواهش نماینده ام اقرار کننده ام نزد تو بگناهان گریزانم

مِنَ الْخَطَايَا لِتَشْفَعَ لِي عِنْدَ رَبِّكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ

از گناهان تا شفیع شوی از برای من نزد پروردگار خود ای پسر پیغمبر خدا درود فرستد خدا بر تو

حَيًّا وَمَيِّتًا فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقَامًا مَعْلُومًا وَشَفَاعَةً مَقْبُولَةً

در حالت زندگی و مردگی پس بدرستیکه ترا نزد خدا مقامیست معلوم و شفاعتیست مقبول کرده شده

لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ حَرَمَكَ وَغَصَبَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ

و لعنت کند خدا کسی را که ستم کرد بر تو و لعنت کند کسی را که محروم گردانید ترا و غصب کرد حق ترا و

قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ خَذَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ دَعَوْتَهُ فَلَمْ يُجِبْكَ وَ

کشته است ترا و لعنت کند خدا کسی را که یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که خواندی او را و اجابت نکرد ترا و

لَمْ يُعِنْكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللّٰهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ اَبِيكَ

یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا کسی را که مانع شد ترا از حرم خدا و حرم پیغمبر او و حرم پدر ترا

وَاَخِيكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ مَاءِ الْفُرَاتِ لَعْنًا كَثِيرًا

و برادر تو و لعنت کند خدا کسی را که مانع شد ترا از آشامیدن آب فرات لعنت بسیار

يَتْبَعُ بَعْضُهَا بَعْضًا اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

که در پی می آید بعض آن بعض را بار خدایا ای پدید آکننده آسمانها و زمین دانای پنهان و آشکار

أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا

تو حکم میکنی میان بنده های خود در آنچه بودند که در او اختلاف میکردند و عنقریب خواهند دانست آنانکه ستم کرده اند

أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ وَارْزُقْنِيهِ

که بکدام جای بازگشت میکردند بار خدایا مگردان این وقت را آخرین عهد از زیارت او و روزی کن او را بمن

أَبَدًا مَا بَقِيتُ وَحَيِيتُ يَا رَبِّ وَإِنْ مُتُّ فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

همیشه مادام که باقی ام و زنده ام ای پروردگار من و اگر بمیرم پس حشر کن مرا در گروه او ای بخشنده ترین بخشندگان

و اگر زیارت آخر روز عاشورا در این روز نیز بخوانند مناسب است و بدانکه مشهور آنست که سبب تأکید زیارت آنحضرت در این روز آنست که حضرت امام زین العابدین علیه السلام با سایر اهل بیت در این روز بعد از مراجعت از شام وارد کربلای معلی شدند و سرهای مقدس شهدا را به بدنهای مطهر ایشان ملحق کردند و این بسیار بعید است از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است و بعضی گفته اند که در این روز اهل بیت علیهم السلام وارد مدینه طیبه شدند و این نیز بسیار بعید است و بعضی گفته اند که شاید امام زین العابدین علیه السلام باعجاز طی الارض مخفی بکربلا رفته باشند از شام و سرها را به بدنها ملحق کرده باشند و این ممکن است و آثار داله در این باب بنظر نرسیده بلکه بعضی از روایات منافاتی فی الجمله با این دارد و وجهی که از احادیث ظاهر می شود آنست اول کسیکه از صحابه حضرت رسالت پناه صلعم بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن عبد الله انصاری بود و او در این روز بکربلا رسید و آنحضرت را با شهدا زیارت کرد و چون جابر از اکابر صحابه بود و اساس این امر عظیم را گذاشت می تواند بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت در این روز شده باشد و شاید وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد چون فرموده اند که در این روز زیارت کنیم باید کرد و تفحص سبب آن ضرور نیست و مشهور میان علمای امامیه آنست که وفات حضرت سید انبیا صلعم در بیست و هشتم ماه صفر واقع شد و شیخ طوسی و جمعی دیگر گفته اند

که شهادت امام حسن مجتبی علیه السلام نیز درین روز واقع شد پس قیام مراسم تعزیت این دو بزرگوار
و زیارت ایشان از نزدیک و دور مناسبست بدانکه در میان عوام بلکه خواص مشهورست چهارشنبه
آخر ماه صفر شهرت دارد و در کتب معتبرهٔ عامه و خاصه چیزی که دلالت برین کند بنظر نرسیده و
احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا چهارشنبهٔ آخر ماه وارد شده است و چون ایام ماه صفر سابقا
مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد ممکن است که چهارشنبهٔ آخر آن از سایر چهارشنبه ها نحوستش بیشتر باشد
اگر دران روز از قبیل احتراز از طیره استدفاع بلایا بصدقات و ادعیه و استعاذات که از
ائمه صلوات الله علیهم وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر جناب مقدس الهی که آن کفارهٔ
طیره است مناسبست و اگر بلای متوجه باشد باینها دفع می شود نه آنکه بروش جهال عجم
متابعت مجوسان کنند و بلهو و لعب و سرور و سور و ساز و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب
مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات ربانی گردد

باب هشتم

در فضائل ایام و اعمال ماه ربیع الاول است و در آن دو فصل است **فصل اول** در فضیلت
و اعمال روز اول است تا روز شانزدهم شیخ مفید و شیخ طوسی و دیگران رضی الله عنهم گفته اند
که حضرت رسالت پناه صلعم در شب اول ماه ربیع الاول اراده هجرت نمود از مکهٔ معظمه بسوی مدینهٔ
مشرفه و دران شب بغار رفت و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام جان شریف خود را
فدای جان مقدس حضرت رسول صلعم کرده و در جای آن حضرت خوابید و از شمشیرهای کین
قبائل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع است بلکه بر جمیع عالمیان بیکبارگان ظاهر گردید حق تعالی
با ملائکه سموات بآن حضرت مباهات نمود و این آیهٔ کریمه

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ

در شان او نازل شد چنانچه تفصیلش در حیات القلوب مذکورست و چون حق تعالی آن دو جان
مقدس را از کید کافران حفظ کرد گفته اند که روزش را که روز اول ماه ربیع الاول است
مستحب است که برای شکر این نعمت عظمی روزه بدارند هر چند علما درین روز زیارتی ذکر نکرده اند

عیدیست و آن روز نهم ماه ربیع الاول بود گفتیم سبحان الله عیدهای مومنان چهار است
عید فطر و عید اضحی و عید غدیر و روز جمعه آن پیغمبر گفت که احمد بن اسحق از حضرت امام علی
علیه السلام روایت میکند که امروز روز عیدیست و بهترین عیدهاست نزد اهل بیت رسالت
و شیعیان ایشان با گفتیم حضرت طلب تا به نزد او بیم چون آن خبر او را خبر کرد بیرون آمد
با ما بنگی بسته و عبای خود پیچیده بود و بوی مشک از او ساطع بود با گفتیم که این چه حالت
که در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم که امروز عیدیست گفت بلی
و ما را بخانه خود در آورد و بر روی کرسی نشاند گفت روزی با جمعی از برادران خود به نزد مولای خود
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رفتیم در سر من رای مثل این روز که شما به نزد من آمده اید
چون بخدمت آنحضرت رسیدیم دیدیم که حضرت مجلس خود را آراسته و مجمره در
پیش خود گذاشته است و بدست مبارک خود عود در آن مجمره می اندازد و مجلس خود را معطر
گردانیده است و به غلامان و خدمتکاران خود جامه های فاخره پوشانیده است گفتیم یا ابن
رسول الله پدران و مادران ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز فرحی تازه شده است
حضرت فرمود که امروز حرمتش از هر روز نزد اهل بیت عظیم تر است بدرستیکه خبر داد مرا
پدرم علیه السلام که حذیفه بن یمان در روز نهم ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا
گفت که دیدم حضرت امیرالمؤمنین و حضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم اکبر با
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله طعام تناول می نمودند و آنحضرت بروی ایشان تبسم
می نمود و با امام حسن و امام حسین علیهما السلام میگفت که بخورید گوارا باد بر شما برکت
و سعادت این روز بدرستیکه این روزیست که حقتعالی هلاک میکند در این روز دشمن خود و دشمن
شما را و مستجاب میگرداند درین روز دعای مادر شما را بخورید که این روزیست که حق تعالی
قبول میکند اعمال شیعیان و محبان شما را در این روز بخورید که این روزیست که ظاهر شود
راستی گفته خدا که میفرماید فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا یعنی اینست خانه های
ایشان که خالی مانده است بسبب ستمهای ایشان بخورید که این روزیست که شکسته شود

درین روز شوکت دشمن جد شما و یاری کننده دشمن جد شما و یاری کننده دشمن شما بخورید که این روزیست
که هلاک میشود و درین روز فرعون اهل بیت من و ستم کننده ایشان و غصب کننده حق ایشان
بخورید که این روزیست که حق تعالی عملهای دشمنان شما را باطل و هبا کرد و اند حذیفه گفت که من گفتم
یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک این حرمتها نماید حضرت فرمود که ای حذیفه
جبتی از منافقان بر ایشان سرکرده خواهد شد و دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را
بسوی خود دعوت خواهد نمود و تازیانه ظلم و ستم را بر دوش خود خواهد گرفت و مردم را از راه خدا
منع خواهد کرد و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند مرا متصرف
خواهد شد و خود را پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی ابن ابیطالب خواهد کرد و مالهای
خدا را به ناحق بر خود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف خواهد کرد و مرا و برادر و وصی و وزیر من
علی را به دروغ نسبت خواهد داد و دختر مرا از حق خود محروم خواهد کرد و امید پس دختر من او را نفرین خواهد
کرد و حق تعالی نفرین او را در آن روز مستجاب خواهد کرد حذیفه گفت یا رسول الله چرا دعا نمیکنی
که حق تعالی او را در حیات تو هلاک کند حضرت فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرأت کنم بر
قضای خدا و از و طلب کنم تغییر امری را که در علم او گذشته است و لیکن از حق تعالی سوال کردم که
فضیلت دهد آن روز را که در آن روز او بجهنم میرود بر سایر روزها تا آنکه احترام آن سنتی گردد
در میان دوستان من و شیعیان اهل بیت من پس حق تعالی وحی کرد بسوی من که ای محمد
در علم سابق من گذشته است که در یابد ترا و اهل بیت ترا محنتها و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان
غصب کنندگان از بندگان من آن منافقان که تو خیرخواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند
و تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف بودی و ایشان دشمنی
ترا بدل گرفتند و تو ایشان را خشنود کردی و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشان را برگزیدی
و ایشان ترا در بلیه گذاشتند و قسم یاد میکنم بحول و قوت و پادشاهی خود که البته بگشایم
بر روی کسیکه غصب کند حق علی را که وصی تست بعد از تو هزار در از پست ترین طبقات جهنم که آنرا
فیلوق می گویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از فرجه خود بر و مشرف شود

واو را لعنت کند و آن منافق را در روز قیامت عبرتی گردانم برای فرعونها که در زمانهای پیغمبران دیگر بوده‌اند و برای سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان ایشان را بسوی جهنم برم با دیده‌های کبود و رو های ترش با نهایت مذلت و خواری و پشیمانی ایشان را ابد الآباد در عذاب خود بدارم ای محمد نمیرسد علی بمنزلت تو مگر با آنچه میرسد باو از بلاها از فرعون او و غصب کننده حق او که جرأت میکنند بر من و کلام مرا بدل میکنند و شرک بمن می‌آورد و مردم را منع میکند از راه رضای من و گوساله از برای امت تو برپا میکند که آن ابوبکر است و کافر میشود بمن و در عرش عظمت و جلال من بدرستیکه من امر کرده‌ام ملائکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان و محبان دین شما عید کنند آن روزی را که آن ملعون کشته میشود و امر کرده‌ام ایشان را که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم و امر کرده‌ام ملائکه نویسندگان اعمال را که از این روز تا سه روز قلم از مردم بردارند و ننویسند گناهان ایشان را برای کرامت تو و وصی تو ای محمد این روز را عیدی گردانیده‌ام برای تو و اهل بیت تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مومنان و شیعیان ایشان و سوگند یاد میکنم بعزت خود و بعزت و جلال خود و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که عید کند این روز را از برای من ثواب آنها که بدور عرش احاطه کرده‌اند و قبول کنم شفاعت او را در خویشان او و زیاده کنم مال او را اگر گشادگی دهد بر خود و بر عیال خود در این روز و هر سال در این روز هزار هزار کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد گردانم و اعمال ایشان را قبول کنم و گناهان ایشان را بیامرزم حذیفه گفت که پس برخاست حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و بخانه ام سلمه رفت و من برگشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه بعد از وفات رسول دیدم که او چه فتنه‌ها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار کرد و از دین برگشت و دامان بیحیائی در راه برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف کرد و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر داد و سنت آنحضرت را بدل کرد و شهادت حضرت امیر المومنین را رد کرد و فاطمه دختر رسول خدا را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را از خود راضی کرد و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و حرمت اهل بیت رسالت نگرد

و جمیع سنتهای رسول خدا را برطرف کرد و تدبیر کشتن امیرالمؤمنین علیه السلام کرد و جور و ستم در میان مردم علانیه کرد و هرچه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هرچه حرام کرده بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر دینار و درهم بسازند و خرج کنند و بر شکم فاطمه علیها السلام زد و بر منبر حضرت رسالت صلی الله علیه به جور بالا رفت و بر حضرت امیرالمؤمنین افترا بست و با آنحضرت معارضه کرد و رای آنحضرت را به سفاهت نسبت داد حذیفه گفت که پس حق تعالی دعای برگزیده خود و دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب گردانید و قتل او را بر دست کشنده او رحمه الله جاری ساخت پس رفتیم بخدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که آنحضرت را تهنیت و مبارکباد بگوییم بآنکه آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل گردید چون حضرت مرا دید گفت ای حذیفه آیا در خاطر داری آن روزی را که آمدی نزد سید من رسول خدا و من و دو سبط او حسن و حسین نزد او نشسته بودیم و با او طعام میخوردیم پس ترا دلالت کرد بر فضیلت این روز گفتم بلی ای برادر رسول خدا حضرت فرمود که بخدا سوگند که این روزیست که حق تعالی دیدهای آل رسول را روشن گردانید و من برای این روز هفتاد و دو نام میدانم حذیفه گفت که یا امیرالمؤمنین میخواهم که آن نامها را از تو بشنوم حضرت فرمود که این روز استراحت است که مؤمنان از غم منافقان رستند و روز زایل شدن کرب و غم است و روز غدیر دوم است و روز تخفیف گناهان شیعیان است و روز اختیار نیکویی برای مؤمنان است و روز برداشتن قلم از شیعیان است و روز شکستن بنای کفر و عدوان است و روز عافیت است و روز برکت است و روز طلب خونهای مؤمنان است و روز عید بزرگ خداست و روز مستجاب شدن دعاست و روز موقف اعظم است و روز وفای به عهد است و روز شرط است و روز کندن جامه سیاه است و روز ندامت ظالم است و روز شکسته شدن شوکت مخالفان است و روز نفی هموم است و روز فتح است و روز عرض اعمال است و روز ظهور قدرت خداست و روز عفو گناهان شیعیان است و روز فرح شیعیان است و روز توبه است و روز انابت است بسوی حق تعالی و روز زکوة بزرگ است و روز فطر دوم است و روز اندوه اعداست و روز گنگ شدن زبانهای مخالفان است و روز [illegible]

مومنانست و روز عید اهل بیت است و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعون است و روز مقبول شدن اعمال شیعیانست و روز پیش فرستادن تصدقاتست و روز زیارتی باد مثوباتست و روز قتل منافق است و روز وقت معلوم است و روز سرور اهل بیت است و روز شهود است و روز قهر بر دشمن است و روز خراب شدن بنیان ضلالت است و روز یست که ظالم انگشت ندامت بدندان میگزد و روز تنبیه است و روز شرف است و روز خنک شدن دلهای مومنانست و روز شهادتست و روز در گذشتن از گناه مومنان است و روز تازگی بوستان اهل ایمانست و روز شیرینی کام ایشانست و روز خوشی دلهای مومنانست و روز برطرف شدن پادشاهی منافقانست و روز توفیق اهل ایمانست و روز رهائی مومنانست از شر کافران و روز تظاهر است و روز مفاخرتست و روز قبول اعمالست و روز تبجیل و تعظیم است و روز نحله و عطایاست و روز شکر حق تعالی است و روز یاری مظلومانست و روز زیارت کردن مومنانست و روز محبت کردن ایشانست و روز رسیدن برحمتهای الهی است و روز پاک گردانیدن اعمال است و روز فاش کردن اسرار است و روز برطرف شدن بدعتهاست و روز ترک گناهان کبیره است و روز ندا کردن بحق است و روز عبادتست و روز موعظت و نصیحت و روز انقیاد پیشوایان دین است حذیفه گفت که پس از خدمت امیر المومنین برخاستم و گفتم اگر در دنیا هم از افعال خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز و دانستن فضیلت این را هر آینه منتهای آرزوی من خواهد بود پس محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون این حدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک برخاستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد و شکر میکنیم خداوندی را که نصیحت ترا از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را بما رسانید پس بخانه‌ها خود برگشتیم و این روز را عید کردیم صاحب کتاب وافر الفوائد گفته است که این حدیث را بخط علی بن محمد بن طی رحمه الله نوشته دیدیم و در کتب دیگر که تتبع کردیم حدیثی دیدیم موافق این و بتفصیل الشیخ ابن ادریس نیز این روایت نقل کردیم و سزاوار است شیعیان را که این روز را تعظیم نمایند و اظهار سرور و شادی در این روز بکنند شیخ ابراهیم بن علی الکفعمی در مصباح گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه ذکر کرده است

که هرکه در روز نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و مستحب است در این
روز اطعام برادران مومن و خوشنود گردانیدن ایشان و توسعت دادن بر عیال خود و دیگران و پوشیدن
جامه های نو و شکر و عبادت حق تعالی و این روز برطرف شدن غمهاست و در روز روزه و تهنیت
است **مولف گوید** که از نقل این بزرگواران معلوم شد که بر فضیلت این روز و وقوع این
قضیه مبارکه که در آن احادیث بسیار وارد شده است و در اعصار سابقه میان شیعه مشهور بوده است
و برخلافش روایتی بنظر این قاصر نرسیده است و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه
نمیکند و اگر کسی استبعاد کند که چنین واقعه عظیمی که سبب چندین جمعی گردد چون می تواند بود که مضبوط
نماند جوابش آنست که این واقعه از واقعه وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و شهادت
حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه عظیم تر نیست و در هریک از اینها خلاف میان خاصه و عامه
است و در واقعه اول اتفاق دارند عامه برخلاف آنچه مختار شیعه است و اگر گویند که باعثی بر افترای
ایشان در اینجا نیست جواب میگوییم که شبهه در هر دو جاست و باعث قوی در اینجا هست زیرا که
ممکن است که برای رفع شماتت شیعیان اخفای آن نموده باشند و علی ای حال چون مدار
علمای خاصه و عامه آنست که در مستحبات باحادیث ضعیفه متمسک میشوند بنابر احادیث صحیحه که از ائمه
طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین وارد شده است که هرکه ثوابی از خدا باو برسد بر عملی و آنرا بجا آورد آن
ثواب داده میشود هرچند چنان نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال این روز را که نوعی از شادی وارد
شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار نداشته باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد بود و
بعضی میگویند که عمر ابن سعد علیه اللعنه در این روز بجهنم واصل شد اگر چنین باشد این شرافت نیز برای
آن کافی است و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در روز دهم این ماه حضرت رسول خدا صلی الله
علیه و آله خدیجه کبری رضی الله عنها را تزویج نموده و مستحب است برای شکر این مواصلت
عظیم البرکه شیعیان روزه بدارند و گفته است که در روز دوازدهم این ماه حضرت رسول صلی الله علیه
و آله داخل مدینه طیبه شد و از شر دشمنان ایمن گردید و باین جهت روز مبارکی است و ایضا دولت
بنی مروان که از بقیه بنی امیه و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام بودند در این روز بنهایت رسید

و زائل کردید و این نیز فضیلت دیگرست برای این روز و اکثر شیعیان ولادت با سعادت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم درین روز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی رحمة الله علیه از علمای
امامیه نیز در کتاب کافی چنین قائل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق فحوای بعضی از روایات
این را اظهر میدانند و اگرچه خلاف مشهور میان علمای امامیه است اما اگر روزه و غسل و زیارت
و سائر اعمال که در روز هفدهم مذکور خواهد شد درین روز بعمل آورند باحتیاط اقربست و سید ابن
طاوس رحمه الله از بعضی علمای عجم روایت کرده است که سنت است که در روز دوازدهم
این ماه دو رکعت نماز بجا آورد و در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت
دوم سه مرتبه قل هو الله احد بخواند و ایضا شیخ مفید و شیخ طوسی رضی الله عنهما روایت کرده اند که
یزید پلید علیه اللعنة در روز چهاردهم این ماه بدرکات اسفل جهنم منتقل شده باید که شیعیان این روز
را بر خود مبارک دانند و شکر حق تعالی برای این نعمت عظمی ادا کنند و بعضی روزه این روز
را سنت دانسته اند

فصل دوم

در فضائل و اعمال روز هفدهم این ماهست و مشهور میان علمای شیعه
آنست که ولادت کثیر السعادت حضرت صلی الله علیه و آله و سلم در روز جمعه هفدهم ماه ربیع الاول
واقع شده و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت بآسمانها نیز در شب هفدهم
واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارکست و در هر دو زیارت حضرت رسالت پناه
و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما مناسبست و علما ذکر کرده اند روزه آن روز فضیلت
بسیار دارد و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که این روز شریفی است و پیوسته فرقه محقه شیعه از
قدیم الایام الی الآن تعظیم آن میکرده اند و حق آن را می شناخته اند و روزه میداشته اند و از
ائمه هدی علیهم السلام روایت کرده اند که هر که این روز را روزه دارد ثواب روزه یکساله برای
او نوشته شود و مستحب است که تصدقات بارباب حاجات بدهند و مومنان و مومنات
را شاد کنند و بزیارت مشاهد مشرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله و ضریح منور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و شیخ مفید و شیخ شهید و سید
ابن طاوس رضی الله عنهم گفته اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم

پس از زیارت کنی غسل بکن و بپوش پاکیزه‌ترین رختهای خود را و روی خود بسوی قبر مبارک آنحضرت
بایست و دل خود را متوجه بحضرت گردان و بگو

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً
گواهی میدهم که نیست معبودی بحق مگر خدای یگانه که نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ
بنده اوست و فرستاده اوست و بدرستیکه او سید پیشینیان و پسینیان است و بدرستیکه او سید پیغمبران
وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَئِمَّةِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
و فرستاده شدگانست بار خدایا درود فرست بر او و بر اهل بیت او که امامان پاکان پاکیزگانند
پس بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللهِ
سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای دوست خدا
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای برگزیده خدا سلام باد بر تو
يَا رَحْمَةَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللهِ اَلسَّلَامُ
ای رحمت خدا سلام باد بر تو ای برگزیده خدا سلام باد بر تو ای دوست خدا سلام باد
عَلَيْكَ يَا نَجِيبَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ
بر تو ای نجیب خدا سلام باد بر تو ای آخر پیغمبران سلام باد بر تو ای سرور
الْمُرْسَلِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِماً بِالْقِسْطِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ الْخَيْرِ اَلسَّلَامُ
فرستادگان سلام باد بر تو ای قائم بعدل سلام باد بر تو ای گشاینده و آغاز نماینده خیر سلام
عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَالتَّنْزِيلِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَلِّغاً عَنِ اللهِ اَلسَّلَامُ
بر تو ای کان وحی و قرآن سلام باد بر تو ای تبلیغ نماینده احکام از جانب خدا سلام باد
عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَشِّرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَذِيرُ
بر تو ای چراغ روشن هدایت سلام باد بر تو ای بشارت دهنده بثواب سلام باد بر تو ای بیم دهنده

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُنْذِرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ

سلام باد بر تو ای ترسانندهٔ بعذاب سلام باد بر تو ای نور خدا نوری که روشنی گرفته میشود باو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ

سلام باد بر تو و بر اهل بیت تو که پاکان پاکیزگانند راه نمایان براه نموده شدگانند

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَعَلَى اَبِيكَ عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ

سلام باد بر تو و بر جد تو عبد المطلب و بر پدر تو عبد الله سلام باد

عَلَى اُمِّكَ آمِنَةَ بِنْتِ وَهْبٍ اَلسَّلَامُ عَلَى عَمِّكَ حَمْزَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ اَلسَّلَامُ

بر مادر تو آمنه دختر وهب سلام باد بر عموی تو حمزه سرور شهیدان سلام باد

عَلَى عَمِّكَ وَكَفِيلِكَ اَبِي طَالِبٍ اَلسَّلَامُ عَلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ الطَّيَّارِ فِي

بر عم تو و کفیل تو ابو طالب سلام باد بر پسر عم تو جعفر که پرواز کننده است در

جِنَانِ الْخُلْدِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَحْمَدُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ

باغهای بهشت سلام باد بر تو ای محمد سلام باد بر تو ای احمد سلام باد بر تو

يَا حُجَّةَ اللهِ عَلَى الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالسَّابِقُ فِي طَاعَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ

ای حجت خدا بر پیشینیان و پسینیان و سبقت گیرنده در طاعت پروردگار عالمیان و

الْمُهَيْمِنُ عَلَى رُسُلِهِ وَخَاتَمَ الْاَنْبِيَاءِ وَالشَّاهِدُ عَلَى خَلْقِهِ وَالشَّفِيعُ اِلَيْهِ

گواه بر فرستادگان خدا و خاتم انبیا و شاهد بر خلق او و شفاعت کننده بسوی او

وَالْمَكِينُ لَدَيْهِ وَالْمُطَاعُ فِي مَلَكُوتِهِ الْاَحْمَدُ مِنَ الْاَوْصَافِ الْمُحَمَّدُ لِسَائِرِ الْاَشْرَافِ

و صاحب منزلت نزد او و اطاعت کرده شده در عالم غیب او ستوده از جهت صفتها ستایش کرده شده

الْكَرِيمُ عِنْدَ الرَّبِّ وَالْمُكَلَّمُ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ الْفَائِزُ بِالسِّبَاقِ وَالْفَائِتُ

گرامی نزد پروردگار و سخن کننده از عقب پرده ها رسنده بسبقت و فائت

عَنِ اللَّحَاقِ تَسْلِيمَ عَارِفٍ بِحَقِّكَ مُعْتَرِفٍ بِالتَّقْصِيرِ فِي قِيَامِهِ بِوَاجِبِكَ

از لحوق شدن سلام آن کسیکه شناسای حق تست اعتراف نماینده بکوتاهی در قیام خود بحق لازم

وطعام مردم بخورانند و افشاى سلام بكنند و نماز كنند در شب در وقتيكه مردم همه در خواب باشند پس فرمود افشاى سلام كردن آنست كه تخل نورزد به سلام كردن بر احدى از مسلمانان و از حضرت امام جعفر صادق عليه السلام منقول است كه از جمله تواضع آنست كه سلام كنى بهر كه برخورى

از حضرت رسول صلى الله عليه وآله منقول است كه هر كه ابتدا كند بسخن پيش از سلام جواب او مگوئيد و كسى را بطعام خود مطلبيد تا آنكه سلام كند و در حديث ديگر فرمود كه عاجزترين مردم كسى است كه از دعا عاجز باشد و بخيل ترين مردم كسى است كه بسلام كردن بخل كند

غير منكر ما انتهى اليه من فضلك موقن بالمزيدات من ربك مؤمن

غير منكر چيزرا كه رسيده است باو از فضل تو يقين كننده بافزونى عطايا از جانب پروردگار تو ايمان آرنده

بالكتاب المنزل عليك محلل حلالك محرم حرامك اشهد يا رسول الله

بكتابى كه فرستاده شده بر تو حلال كننده حلال ترا حرام دانسته حرام ترا گواهى ميدهم اى پيغمبر خدا

مع كل شاهد وانا احملها عن كل جاحد انك قد بلغت رسالات ربك

باهر گواهى دهنده و بر ميدارم آنرا از هر كوشش كننده بانكه تو رسانيدى رسالتهاى پروردگار خود را

ونصحت لامتك وجاهدت فى سبيل ربك وصدعت بامره واحتملت

نصيحت فرمودى مر امت خود را وجهاد كردى در راه خداى خود وآشكارا كردى فرمان او را وتحمل نمودى

الاذى فى جنبه ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة

اذيت را در مقابل آن وخواندى بسوى راه او بحكمت و وعظ نيكو

الجميلة وادّيت الحق الذى كان عليك وانك قد رؤفت بالمؤمنين

خوب وادا نمودى حقى را كه بود بر تو وبدرستيكه تو بتحقيق مهربانى كردى بمومنان

وغلظت على الكافرين وعبدت الله مخلصا حتى اتيك اليقين فبلغ

وسخت بودى بر كافران وپرستيدى خدارا درحالت اخلاص تا آمد ترا مرگ پس رسانيد

الله بك اشرف محل المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع درجات

خدا ترا به بزرگتر مكان بزرگ كرده شدگان وبلندترجاهاى مقربان وبالاتر مرتبه

المرسلين حيث لا يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق ولا يسبقك سابق

فرستاده شدگان جائيكه لاحق نميشود ترا لاحقى وبرترى نميشود ترا برترى وپيشى نميگيرد ترا پيشى گيرنده

ولا يطمع فى ادراكك طامع الحمد لله الذى استنقذنا بك من الهلكة

وطمع نميكند در يافت مرتبه تو طمع كننده حمد مر خدايرا كه نجات داد ما را بسبب تو از هلاكت

وهدانا بك من الضلالة ونورنا بك من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله

وراه نمود ما را بسبب تو از گمراهى وروشن كرد ما را بسبب تو از تيرگى پس مزد دهد ترا خدا اى پيغمبر خدا

من مبعوث افضل ما جازى نبيا عن امته ورسولا عمن ارسل اليه بابى

از برانگیخته شده بهتر از آنچه جزا داده پیغمبر را از امت او و فرستاده را از جانب کسیکه فرستاده شده بسوی او پدرم

انت وامى يا رسول الله زرتك عارفا بحقك مقرا بفضلك مستبصرا

فدای تو باد و مادرم ای پیغمبر خدا زیارت کردم ترا در حالیکه شناسایم بحق تو و اقرار کننده ام به بزرگی تو و بینایم

بضلالة من خالفك وخالف اهل بيتك عارفا بالهدى الذى انت عليه

بگمراهی کسیکه مخالفت نمود ترا و مخالفت نمود اهل بیت ترا در حالیکه شناسایم براه راستی که تو بران راهی

بابى انت وامى ونفسى واهلى ومالى وولدى انا اصلى عليك كما صلى الله

پدرم فدای تو باد و مادرم و نفس من و اهل من و مال من و فرزندان من من درود میفرستم بر تو چنانچه درود فرستاده خدا

عليك وصلى عليك ملائكته وانبياؤه ورسله صلوة متتابعة وافرة متواصلة

بر تو و درود فرستاده اند بر تو فرشتگان او و پیغمبران او و فرستادگان او درودی پی در پی بسیار بهم پیوسته

لا انقطاع لها ولا امد ولا اجل صلى الله عليك وعلى اهل بيتك الطيبين

نیست انقطاعی مر آنرا و نه نهایتی و نه مدتی درود فرستد خدا بر تو و بر اهل بیت تو که پاکان

الطاهرين كما انتم اهله اللهم اجعل جوامع صلواتك ونوامى

و پاکیزگانند چنانچه شما سزاوار آن هستید بار خدایا بگردان رحمتهای کامله خودرا و فزون شونده

بركاتك وفواضل خيراتك وشرائف تحياتك وتسليماتك وكراماتك

برکتهای خودرا و خیرهای فاضل خودرا و درودهای بزرگ خودرا و تسلیمات خودرا و کرامتهای خودرا

ورحماتك وصلوات ملائكتك المقربين وانبيائك المرسلين وائمتك

و رحمتهای خودرا و استغفار فرشتگان مقربین خود و پیغمبران مرسل خودرا و امامان

المنتجبين وعبادك الصالحين واهل السموات والارضين ومن سبح

برگزیدگان خودرا و بنده های صالح خودرا و اهل آسمانها و زمینها را و هرکه تسبیح کند

لك يا رب العالمين من الاولين والآخرين على محمد عبدك ورسولك

ترا ای پروردگار عالمیان از پیشینیان و پسینیان بر محمد بنده خود و فرستاده خود

وشاهدك ونبيك ونذيرك وامينك ومكينك ونجيك وحبيبك

وگواه خود و پیغمبر خود و بیم دهنده خود و امانت دار خود و منزلت داده خود و برگزیده خود و دوست خود

وخليلك وصفيك وصفوتك وخاصتك وخالصتك ورحمتك وخير

و خلیل خود و پسندیده خود و خالص خود و خاصه خود و دوست خود و رحمت خود و بهتر

خيرتك من خلقك نبي الرحمة وخازن المغفرة وقائد الخير والبركة ومنقذ

برگزیده های خود از خلق تو پیغمبر رحمت و خزانه دار آمرزش کشنده خیر و برکت رهاننده

العباد من الهلكة باذنك وداعيهم الى دينك القيم بامرك اول النبيين

بنده ها از هلاکت باذن تو و خواننده ایشان بسوی دین تو که پاینده است بامر تو اول پیغمبران

ميثاقا وآخرهم مبعثا الذي غمسته في بحر الفضيلة والمنزلة الجليلة والدرجة

از روی پیمان و آخر ایشان از روی بعثت آنکه فرو بردی او را در دریای فضیلت و منزلت بزرگ و پایه

الرفيعة والمرتبة الخطيرة واودعته الاصلاب الطاهرة ونقلته منها الى

بلند و مرتبه بزرگ و امانت سپردی او را در پشتهای پاک و نقل فرمودی او را از آنها بسوی

الارحام المطهرة لطفا منك له وتحننا منك عليه اذ وكلت لصونه

زهدانهای پاک از راه لطف خود مر او را و مهربانی از جانب خود بر او از آنجهت که موکل ساختی بنگاهداری او

وحراسته وحفظه وحياطته من قدرتك عينا عاصمة حجبت بها عنه مدانس

و پاسبانی و محافظت و حراست او از قدرت خود چشمی نگاهدارنده که بازداشتی آن از چرکهای

العهر ومعائب السفاح حتى رفعت به نواظر العباد واحييت به ميت البلاد

زنا و عیبهای سفاح تا آنکه بلند کردی باو دیده های بنده ها و زنده کردی باو شهرهای مرده را

بان كشفت عن نور ولادته ظلم الاستار والبست حرمك به حلل

باین که برطرف کردی از نور ولادت او تاریکیهای پرده ها را و پوشانیدی حرم خود را باو جامه های

الانوار اللهم فكما خصصته بشرف هذه المرتبة الكريمة وذخر هذه

نورها را بار خدایا پس چنانچه خاص گردانیدی او را به بزرگی این مرتبه بزرگ و ذخیره کردن

الْمَنْقَبَةِ الْعَظِيمَةِ صَلِّ عَلَيْهِ كَمَا وَفَى بِعَهْدِكَ وَبَلَّغَ رِسَالاتِكَ وَقَاتَلَ

این منقبت عظیم درود بفرست بر او چنانچه وفا کرد بعهد تو و رسانید رسالتهای ترا و مقاتله کرد

اَهْلَ الْجُحُودِ عَلَى تَوْحِيدِكَ وَقَطَعَ رَحِمَ الْكُفْرِ فِي اِعْزَازِ دِينِكَ وَلَبِسَ

با اهل انکار بر توحید تو و برید قرابت کفر را در عزیز کردن و غالب کردن دین تو

ثَوْبَ الْبَلْوَى فِي مُجَاهَدَةِ اَعْدَائِكَ وَاَوْجَبْتَ لَهُ بِكُلِّ اَذًى مَسَّهُ

جامهٔ محنت را در جهاد کردن با دشمنان تو و واجب گردانیدی مر او را بهر رنجی که مساس کرد او

اَوْ كَيْدٍ اَحَسَّ بِهِ مِنَ الْفِئَةِ الَّتِي حَاوَلَتْ قَتْلَهُ فَضِيلَةً تَفُوقُ الْفَضَائِلَ

یا کری که احساس کرد او از گروهی که قصد کردند کشتن او را فضیلتی که بالا باشد همه فضائل را

وَتَمَلَّكَ بِهَا الْجَزِيلَ مِنْ نَوَالِكَ وَقَدْ اَسَرَّ الْحَسْرَةَ وَاَخْفَى الزَّفْرَةَ وَتَجَرَّعَ

و مالک شد بآن عطاهای بزرگ ترا و بتحقیق پنهان داشت حسرت را و مخفی داشت تعمد کرد او فرو خورد

الْغُصَّةَ وَلَمْ يَتَخَطَّ مَا مَثَّلَ لَهُ وَحْيُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِهِ

غصه و تجاوز نکرد چیزی که ثابت کرده برای او وحی تو بار خدایا درود بفرست بر او و بر اهل بیت او

صَلَوٰةً تَرْضَاهَا لَهُمْ وَبَلِّغْهُمْ مِنَّا تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلامًا وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ

درودی که بپسندی آنرا برای ایشان و برسان ایشان را از جانب ما تحیت بسیار و سلام و بده ما را از خود

مِنْ مُوَالاتِهِمْ فَضْلاً وَاِحْسَانًا وَرَحْمَةً وَغُفْرَانًا اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

بسبب دوستی ایشان تفضل و جود و احسان و مهربانی و آمرزش بدرستیکه تو خداوند جود بزرگ

پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام بهر سوره که خواهی و چون فارغ شوی تسبیح

حضرت فاطمه علیها السلام بخوان پس بگو

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ

خداوندا بدرستیکه تو گفتی مر پیغمبر خود را که محمد است درود فرستد خدا بر او و بر آل او و اگر بدرستیکه ایشان

جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوَّابًا

نزد تو آمدند پس طلب آمرزش نمودند از خدا و طلب آمرزش نماید از برای ایشان پیغمبر هر آینه یافتند خدا را بسیار

رحيماً و لم احضر زمان رسولك عليه و آله السلام اللهمّ زرته راغباً

مهربان حاضر نبودم در زمان پیغمبر تو براو و آل او سلام باد خدایا زیارت کردم پیغمبر ترا از روی رغبت

تائباً من سيّئ عملي و مستغفراً لك من ذنوبي و مقرّاً لك بها و انت اعلم بها

توبه کننده از بدی کردار خود و طلب آمرزش کننده از تو از گناهانم و اقرار نماینده مر ترا بگناهانم و حال آنکه تو داناتری بآن

منّي و متوجّهاً اليك بنبيّك نبيّ الرحمة صلواتك عليه و آله فاجعلني

از من و در حالت توجه بسوی تو به پیغمبر تو پیغمبر بخشایش درودهای تو براو و آل او پس بگردان مرا

اللهمّ بمحمّد و اهل بيته عندك وجيهاً في الدنيا و الآخرة و من المقرّبين

بار خدایا بحرمت محمد و اهل بیت او نزد خود خوش رو در دنیا و آخرت و از جمله مقربان

يا محمّد يا رسول الله بابي انت و امّي يا نبيّ الله يا سيّد خلق الله انّي

ای محمد ای پیغمبر خدا پدرم فدای تو باد و مادرم ای پیغمبر خدا ای سرور خلق خدا بدرستیکه

اتوجّه بك الى الله ربّك و ربّي ليغفر لي ذنوبي و يتقبّل منّي عملي و يقضي لي

توجه می نمایم بسبب تو بسوی خدا که پروردگار تو و پروردگار منست تا بیامرزد برای من گناهانم و بپذیرد از من کردارم را و براورد برای

حوائجي فكن لي شفيعاً عند ربّك و ربّي فنعم المسؤل المولى و نعم الشفيع

حاجتهای مرا پس باش برای من شفاعت کننده نزد پروردگار خود و پروردگار من پس نیکو سؤال کرده شده است اختیار و نیکو شفاعت کننده

انت يا محمّد عليك و على اهل بيتك السلام اللهمّ و اوجب لي منك المغفرة

توئی ای محمد بر تو و بر اهل بیت تو سلام باد بار خدایا واجب گردان برای من از جانب خود آمرزش

و الرحمة و الرزق الواسع الطيّب النافع كما اوجبت لمن اتى نبيّك

و بخشایش و روزی فراخ پاک سودمند چنانچه واجب کردی برای کسیکه آمد نزد پیغمبر تو

محمّداً صلواتك عليه و آله و هو حيّ فاقرّ له بذنوبه و استغفر له رسولك

محمد درود باد براو و بر آل او در حالیکه زنده بود پس اقرار کرد بگناهان خود و طلب آمرزش کرد برای او پیغمبر تو

عليه السلام فغفرت له برحمتك يا ارحم الراحمين اللهمّ و قد امّلتك و

براو باد سلام پس آمرزیدی او را برحمت خود ای مهربان ترین مهربانان بار خدایا و بتحقیق امیدوار شدم بتو

رجوتك وقمت بين يديك ورغبت اليك عمن سواك وقد املت

امید کردم بتو وایستادم در برابر تو ورغبت کردم بسوی تو درحالت بازآمدن از غیر تو وامیدوار شدم

جزيل ثوابك واني مقر غير منكر وتائب اليك مما اقترفت وعائذ بك

ثواب بزرگ ترا و بدرستیکه من اقرار کننده ام ومنکر نیستم وتوبه کننده بسوی تو از چیزیکه کسب کرده ام وپناه برنده ام بتو

في هذا المقام مما قدمت من الاعمال التي تقدمت الي فيها ونهيتني عنها

درین مقام از آنچه پیش ازین کردم از کردارها که تقدم کردی بسوی من دران ومنع کردی مرا از ان

واوعدت عليها العقاب واعوذ بكرم وجهك ان تقيمني مقام الخزي و

ووعید کردی بران بعقاب وپناه میبرم به بزرگواری ذات تو ازینکه ایستاده کنی مرا در مقام رسوائی و

الذل يوم تهتك فيه الاستار وتبدو فيه الاسرار والفضائح وترعد

مقام خواری روزیکه دریده شود درآن روز پرده ها وآشکار شود درآن روز رازها وفضیحتها ولرزان شود

فيه الفرائص يوم الحسرة والندامة يوم الآزفة يوم الآزفة يوم

درآن روز گوشت دوشها روز حسرت وپشیمانی روز بازگشت روز نزدیک روز

التغابن يوم الفصل يوم الجزاء يوما كان مقداره خمسين الف سنة

زیان کشیدن روز جدا کردن حق از باطل روز پاداش روزیکه هست مقدار آن پنجاه هزار سال

يوم النفخة يوم ترجف الراجفة تتبعها الرادفة يوم النشر يوم العرض

روز دمیدن صور روزیکه بلرزد زمین لرزنده پی آن میرسد از پی رسنده روز پراکندگی روز نمودن اعمال

يوم يقوم الناس لرب العالمين يوم يفر المرء من اخيه وامه وابيه

روزیکه می ایستند مردم برای پروردگار عالمیان روزیکه بگریزد مرد از برادر خود ومادر خود وپدر خود

وصاحبته وبنيه يوم تشقق الارض واكناف السماء يوم تاتي كل نفس

وزن خود وپسران خود روزیکه شکافته شود زمین وکناره های آسمان روزیکه بیاید هر نفسی

تجادل عن نفسها يوم يردون الى الله فينبئهم بما عملوا يوم لا يغني مولى

جدل کنان از جانب خود روزیکه برگردانیده شوند بسوی خدا پس خبر دهد ایشانرا بآنچه عمل کرده اند روزیکه بی نیاز نکند دوستی

عن مولی شیئا ولا هم ینصرون الا من رحم الله انه هو العزیز الرحیم

از دوستی چیزی را و نه ایشان یاری داده میشوند مگر کسیکه رحم کند او را خدا بدرستیکه او غالب مهربان است

یوم یردون الی عالم الغیب والشهادة یوم یردون الی الله مولاهم الحق

روزیکه برگردانیده میشوند بسوی دانای پنهان و آشکار روزیکه برگردانیده میشوند بسوی خدا مولای ایشان

یوم یخرجون من الاجداث سراعا کانهم الی نصب یوفضون وکانهم

روزیکه بر می آیند از قبرها شتابان گویا که ایشان بسوی علمی بر پا کرده شده می شتابند و گویا که ایشان

جراد منتشر مهطعین الی الداع الی الله یوم الواقعة یوم ترج الارض

ملخ پراکنده اند شتابنده بسوی طلب کننده بسوی خدا روز واقعه روزیکه میلرزد زمین

رجا یوم تکون السماء کالمهل وتکون الجبال کالعهن ولا یسأل حمیم

لرزیدن سخت روزیکه میشود آسمان همچو مس گداخته و می شوند کوهها همچو پشم و نمی پرسد خویشی

حمیما یوم الشاهد والمشهود یوم تکون الملائکة صفا صفا اللهم

از حال خویشی روز حاضر و حاضر کرده شده روزیکه می شوند فرشتگان صف صف بار خدایا

ارحم موقفی فی ذلک الیوم بموقفی فی هذا الیوم ولا تخزنی فی ذلک

رحم کن ایستادن مرا در آن روز بایستادن من درین روز و رسوا مکن مرا در آن

الموقف بما جنیت علی نفسی واجعل یا رب فی ذلک الیوم مع اولیائک

جای ایستادن بآنچه خطا کردم بر نفس خود و بگردان ای پروردگار من در آن روز با دوستان خود

منطلقی وفی زمرة محمد واهل بیته علیهم السلام محشری واجعل حوضه

راه رفتن مرا و در جماعت محمد و اهل بیت او بر ایشان باد سلام برانگیخته شدن مرا و بگردان حوض او

موردی وفی الغر الکرام مصدری واعطنی کتابی بیمینی حتی افوز بحسناتی

آبخور من و در بزرگان کریمان جای بازگشت من بده نامه عمل مرا بدست راست من تا رستگار شوم بنیکیهای خود

وتبیض به وجهی وتیسر به حسابی وترجح به میزانی وامضی مع الفائزین

و سفید کنی بآن روی مرا و آسان کنی بآن حساب مرا و سنگین کنی بآن ترازوی عمل مرا و بگذرم با رستگاران

من عبادك الصالحين الى رضوانك وجنانك اله العالمين اللهم

از بنده های نیکو کاران تو بسوی رضوان تو وبهشتهای تو ای خدای عالمیان بار خدایا

انی اعوذ بك من ان تفضحنی فی ذلك الیوم بین یدی الخلائق بجریرتی او

بدرستیکه من پناه میبرم بتو از اینکه رسوا کنی مرا در آن روز برو بروی آفریدگان بگناه من یا

ان القی الخزی والندامة بخطیئتی او ان تظهر فیه سیئاتی علی حسناتی

اینکه ببینم خواری و پشیمانی را بگناه خود یا اینکه ظاهر کردانی در آن روز بدیهای مرا بر نیکیهای من

وان تنوه بین الخلائق باسمی یا کریم یا کریم العفو العفو الستر الستر

و اینکه بلند کنی میان آفریدگان بنام من ای کریم ای کریم میخواهم بخشش بخشش را میخواهم پوشش

اللهم واعوذ بك من ان یکون فی ذلك الیوم فی مواقف الاشرار

بار خدایا پناه میبرم بتو از اینکه باشد در آن روز در جاهای ایستادن بدان

موقفی او فی مقام الاشقیاء مقامی واذا میزت بین خلقك فسقت

جای ایستادن من یا در جای بدبختان جای من و چون جدا کنی میان آفریدگان خود پس برانی

کلا باعمالهم زمرا الی منازلهم فسقنی برحمتك فی عبادك الصالحین

همه را بسبب عملهای ایشان گروه گروه بسوی جاهای نزول آنها پس بران مرا بمهربانی خود در میان بندگان نیکوکار

وفی زمرة اولیائك المتقین الی جناتك یا رب العالمین ثم

و در گروه دوستان خود که پرهیزکارانند بسوی بهشتهای خود ای پروردگار عالمیان

السلام علیك یا رسول الله السلام علیك ایها البشیر النذیر السلام

سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا سلام باد بر تو ای بشارت دهنده ترساننده سلام باد

علیك ایها السراج المنیر السلام علیك ایها السفیر بین الله وبین خلقه

بر تو ای چراغ روشن سلام باد بر تو ای برسالت آمده میان خدا و میان خلق او

اشهد یا رسول الله انك کنت نورا فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة

گواهی میدهم ای پیغمبر خدا بدرستیکه تو بودی نوری در پشتهای بلند مرتبه و رحمهای پاک

لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک من مدلهمات ثیابها واشهد

نجس نکردانید ترا جاهلیت بپلیدیهای خود و نپوشانید ترا جاهلیت از تیره رختهای خود و گواهی میدهیم

یا رسول الله انی مؤمن بک وبالائمة من اهل بیتک موقن بجمیع ما اتیت

ای پیغمبر خدا بدرستیکه من ایمان آورنده ام بتو و با امامان از اهل بیت تو و یقین دارنده ام بهمه آنچه آوردی

به راض مؤمن واشهد ان الائمة من اهل بیتک اعلام الهدی و

از آن راضی و ایمان آورنده ام و گواهی میدهم بدرستیکه امامان از اهل بیت تو نشانهای هدایت اند و

العروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارة

دست آویزان محکم و حجت بر اهل دنیا اند بارخدایا مگردان این آخر عهد از زیارت

نبیک علیه وآله السلام وان توفیتنی فانی اشهد فی مماتی علی ما اشهد

پیغمبر خود برا و و خانواده او سلام باد و اگر بمیرانی مرا پس بدرستیکه من گواهی میدهم در مرگ خود بر آنچه گواهی میدهیم

علیه فی حیوتی انک انت الله لا اله الا انت وحدک لا شریک لک وان

بران در زندگی خود اینکه بدرستیکه تو خدائی نیست معبود بحق بجز تو یگانه نیست انبازی مر ترا و بدرستیکه

محمدا عبدک ورسولک وان الائمة من اهل بیته اولیاؤک و

محمد بنده تو و پیغمبر تست و بدرستیکه امامان از اهل بیت او دوستان تو اند و

انصارک وحججک علی خلقک وخلفاؤک فی عبادک واعلامک فی

یاوران تو اند و حجتهای تو اند بر خلق تو و خلیفهای تو اند در بندهای تو و نشانهای تو اند در

بلادک وخزان علمک وحفظة سرک وتراجمة وحیک اللهم صل

شهرهای تو و خازنان علم تو اند و حافظان راز تو اند و بیان کنندگان وحی تو اند خداوندا درود و رحمت

علی محمد وآل محمد وبلغ روح نبیک محمد وآله فی ساعتی هذه وفی کل

بر محمد و آل محمد و برسان بروح پیغمبر خود محمد و آل او در ساعت من این ساعت و در هر

ساعة تحیة منی وسلاما والسلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته

ساعتی درود از جانب من و سلام و سلام بر تو باد ای پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او

لاجعله الله آخر تسليمي عليك

نگرداند آنرا خدا آخر سلام کردن من بر تو

مولف گوید که این زیارت اگرچه سندش بنظر فقیر نرسید لهذا در تحفة الزائر ایراد نکرده ام اما زیارت جامع کاملیست و در همه اوقات میتوان بجا آورد و اگر کسی نتواند زیارت مختصر که بعد ازین ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد بعمل آورد و علما ذکر کرده اند که زیارت حضرت امیر المومنین علیه السلام درین روز سنت است و خصوص این زیارت را درین روز ذکر کرده اند و از بعضی از روایات خصوص این روز معلوم میشود و بهترین زیارات است از جهت لفظ و معنی و بسند بسیار معتبر منقول است و در همه ایام و اوقات از نزدیک و دور میتوان کرد خصوصا درین روز چنانچه شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس رضی الله عنهم روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام زیارت کرد حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه را در هفدهم ماه ربیع الاول باین زیارت و تعلیم فرمود زیارت را براوی ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی فرمود که چون بیائی بمشهد امیر المومنین علیه السلام غسل زیارت بکن و پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بقدری بوی خوش خود را خوشبو کن و بر تو باد بآرام دل و آرام تن پس چون برسی بباب السلام یعنی درگاه روضه مقدسه که ضریح مقدس نمایان شود پس رو بقبله بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو و بگو

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى خِيَرَةِ اللهِ السَّلَامُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السِّرَاجِ

سلام باد بر پیغمبر خدا سلام باد بر برگزیده خدا سلام باد بر بشارت دهنده ترساننده چراغ

الْمُنِيرِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللهِ الْمُرْسَلِينَ وَعِبَادِ

روشن و رحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر پیغمبران خدا که فرستاده شده اند و بندهای

اللهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَةِ اللهِ الْحَافِّينَ بِهَذَا الْحَرَمِ وَ

خدا که نیکانند سلام باد بر فرشتگان خدا که احاطه کننده اند باین حرم و

بِهَذَا الضَّرِيحِ اللَّائِذِينَ بِهِ پس نزدیک قبر برو و بگو السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ

باین قبه و پناه برنده اند باین قبر سلام بر تو باد ای وصی وصیت کردگان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِمَادَ الْأَتْقِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ

سلام بر تو باد ای ستون پرهیزکاران سلام بر تو باد ای دوست دوستان سلام

عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا آيَةَ اللّٰهِ الْعُظْمَى السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو باد ای سرور شهیدان سلام بر تو باد ای نشان بزرگ خدا سلام بر تو باد

يَا خَامِسَ أَهْلِ الْعَبَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ الْأَتْقِيَاءِ السَّلَامُ

ای پنجم اهل عبا سلام بر تو باد ای پیشوای سپید رویان و دست و پا سفیدان پرهیزکاران سلام

عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْأَوْلِيَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُوَحِّدِينَ النُّجَبَاءِ السَّلَامُ

بر تو باد ای پناه اولیا سلام بر تو باد ای زینت اهل توحید که نجیبان اند سلام

عَلَيْكَ يَا خَالِصَ الْأَخِلَّاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْأُمَنَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو باد ای برگزیده دوستان سلام بر تو ای پدر امامان که امینانند سلام بر تو باد

يَا صَاحِبَ الْحَوْضِ وَحَامِلَ اللِّوَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَسِيمَ الْجَنَّةِ وَلَظَى السَّلَامُ

ای صاحب حوض کوثر و بردارنده علم سلام بر تو باد ای قسمت کننده بهشت و دوزخ سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَمِنَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَهْفَ الْفُقَرَاءِ

بر تو باد ای کسیکه مشرف شد باو مکه و منا سلام بر تو باد ای دریای علوم و پناه فقیران

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وُلِدَ فِي الْكَعْبَةِ وَزُوِّجَ فِي السَّمَاءِ بِسَيِّدَةِ النِّسَاءِ وَكَانَ

سلام بر تو باد ای کسیکه زاده شده در کعبه و تزویج کرده شده در آسمان بسرور زنان و حال آنکه بودند

شُهُودُهَا الْمَلَائِكَةَ السَّفَرَةَ الْأَصْفِيَاءَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الضِّيَاءِ

گواهان او فرشتگان نویسندگان برگزیدگان سلام باد بر تو ای چراغ روشنائی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَصَّهُ النَّبِيُّ بِجَزِيلِ الْحِبَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ بَاتَ عَلَى فِرَاشِ

سلام باد بر تو ای کسیکه خاص گردانید او را پیغمبر ببخشش بزرگ سلام باد بر تو ای کسیکه شب گذرانید بر

خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ وَوَقَاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْأَعْدَاءِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ

خاتم پیغمبران نگاهداشت پیغمبر را بجان خود از شر دشمنان سلام باد بر تو ای کسیکه برگردانیده شد برای او آفتاب

فسامي شيعتون الصفا السلام عليك يا من انجى الله سفينة نوح باسمه

پس ترسند از شمعون الصفا سلام باد بر تو ای کسیکه نجات داد خدا کشتی نوح را بنام او

واسم اخيه حيث التطم الماء حولها وطمى السلام عليك يا من تاب الله به

و نام برادر او جائیکه بر هم خورد آب گرد کشتی و بلند شد سلام باد بر تو ای کسیکه قبول توبه کرد خدا

وباخيه على آدم اذ غوى السلام عليك يا فلك النجاة الذي من ركبه

و برادر او بر آدم چون از راه صلاح خود رفت سلام باد بر تو ای کشتی رستگاری آنکه هر که سوار شد بر آن

نجا ومن تأخر عنه هوى السلام عليك يا من خاطب الثعبان وذئب

نجات یافت و هر که خود را پس داشت هلاک شد سلام باد بر تو ای کسیکه خطاب کرد اژدها را و گرگ

الفلا السلام عليك يا امير المؤمنين ورحمة الله وبركاته السلام

بیابان را سلام باد بر تو ای امیر مومنان و رحمت خدا و برکتهای او سلام

عليك يا حجة الله على من كفر واناب السلام عليك يا امام

بر تو باد ای حجت خدا بر کسیکه کافر شد و برگشت سلام باد بر تو ای پیشوای

ذوي الالباب السلام عليك يا معدن الحكمة وفصل الخطاب السلام

صاحبان خرد سلام باد بر تو ای کان حکمت و خطاب مفصل سلام

عليك يا من عنده علم الكتاب السلام عليك يا ميزان الحساب السلام

بر تو باد ای کسیکه نزد اوست علم قرآن سلام باد بر تو ای میزان روز حساب سلام

عليك يا فاصل الحكم الناطق بالصواب السلام عليك ايها المتصدق

بر تو باد ای جدا کننده حکم گویا براستی سلام بر تو باد ای تصدق کننده

بالخاتم في المحراب السلام عليك يا من كفى الله المؤمنين القتال به

انگشتر در محراب سلام بر تو باد ای کسیکه کفایت کرد خدا از مومنان جنگ را باو

يوم الاحزاب السلام عليك يا من اخلص لله الوحدانية واناب

در روز احزاب سلام بر تو باد ای کسیکه خالص گردانید برای خدا یگانه بودن را و بازگشت

السلام علیک یا قاتل خیبر و قالع الباب السلام علیک یا من دعاه

سلام باد بر تو ای کشنده مشرکان خیبر و کننده در سلام بر تو باد ای کسیکه طلب کرد اورا

خیر الانام للمبیت علی فراشه فاسلم نفسه للمنیة واجاب السلام علیک

بهترین خلق برای خوابیدن بر فرش خواجه پس سپرد نفس خود را بمرگ و قبول کرد سلام بر تو باد

یا من له طوبی وحسن مآب ورحمة الله وبرکاته السلام علیک یا ولی

ای کسیکه مر اوراست خوشی و نیکوئی بازگشت و رحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر تو ای متولی

عصمة الدین ویا سید السادات السلام علیک یا صاحب المعجزات

نگهبانی دین و ای سرور سروران سلام باد بر تو ای صاحب معجزه ها

السلام علیک یا من نزلت فی فضله سورة العادیات السلام علیک

سلام باد بر تو ای کسیکه نازل شد در فضیلت او سوره و العادیات سلام باد بر تو

یا من کتب اسمه فی السماء علی السرادقات السلام علیک یا مظهر

ای کسیکه نوشته شده است اسم او در آسمان بر سراپرده ها سلام بر تو باد ای ظاهر کننده

العجائب والآیات السلام علیک یا امیر الغزوات السلام علیک

عجائب و آیات سلام بر تو باد ای سرور جنگها سلام بر تو باد

یا مخبرا بما غبر وبما هو آت السلام علیک یا مخاطب ذئب الفلوات

ای خبر دهنده بآنچه گذشت و بآنچه آینده است سلام باد بر تو ای خطاب کننده گرگ بیابانها

السلام علیک یا خاتم الحصی ومبین المشکلات السلام علیک

سلام باد بر تو ای مهر کننده سنگریزه و بیان کننده مشکلها سلام بر تو باد

یا من عجبت من حملاته فی الوغا ملائکة السموات السلام علیک یا من

ای کسیکه تعجب در آمده است از حملهای او در روز جنگ فرشتگان آسمانها سلام بر تو باد ای کسیکه

ناجی الرسول فقدم بین یدی نجواه الصدقات السلام علیک یا

راز گفت با پیغمبر پس مقدم کرد پیش از خود صدقه ها را سلام بر تو باد ای

وَالِدِ الأَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السَّادَاتِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ

پدر امامان که نیکان و سروران بودند و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو باد ای پیرو پیغمبر

الْمَبْعُوثِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

برانگیخته شده سلام بر تو باد ای وارث علم بهترین میراث برده شدگان و رحمت خدا و برکتهای او

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ الْمَكْرُوبِينَ السَّلامُ

سلام بر تو باد ای پیشوای پرهیزکاران سلام بر تو باد ای فریادرس اندوه زدگان سلام باد

عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْبَرَاهِينِ السَّلامُ عَلَيْكَ

بر تو ای پناه مومنان سلام باد بر تو ای ظاهر کننده حجتها سلام بر تو باد

يَا طه وَيس السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللهِ الْمَتِينِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَصَدَّقَ

ای طاها و یاسین سلام بر تو باد ای رسن خدا که محکم است سلام بر تو باد ای کسیکه صدقه داد

فِي صَلوتِهِ بِخَاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ الصَّخْرَةِ عَنْ فَمِ

در نماز خود بانگشتر خود بر درویش سلام بر تو باد ای برکننده سنگ از دهن

الْقَلِيبِ وَمُظْهِرَ الْمَاءِ الْمَعِينِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللهِ النَّاظِرَةَ وَيَدَهُ

چاه و ظاهر کننده آب شیرین سلام بر تو باد ای چشم خدا که بیننده است و دست او

الْبَاسِطَةَ وَلِسَانَهُ الْمُعَبِّرَ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ أَجْمَعِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

که کشاده است و زبان او که تعبیر کننده احکام است از و در خلق او همه خلق سلام بر تو باد ای وارث

عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ وَصَاحِبَ لِوَاءِ الْحَمْدِ وَسَاقِيَ

علم پیغمبران و جای امانت علم پیشینیان و پسینیان و صاحب نشان حمد و آب دهنده

أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ وَقَائِدَ

دوستان خود از حوض تتمه پیغمبران سلام باد بر تو ای پادشاه دین و پیشوای

الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَوَالِدَ الأَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلامُ عَلَى

پیشانیهای روشنان و دست و پا سفیدان و پدر امامان پسندیدگان و رحمت خدا و برکتهای او سلام باد بر

اسم الله الرضی و وجهه المضیئ وجنبه القوی وصراطه السوی السلام

نام خدا که پسندیده است و روی خدا که تابنده است و پهلوی خدا که توانا و راه خدا که راست سلام

علی الامام التقی المخلص الصفی السلام علی الکوکب الدری السلام علی

بر امام پرهیزکار اخلاص مند برگزیده سلام بر ستاره تابنده سلام بر

الامام ابی الحسن علی ورحمة الله وبرکاته السلام علی امام الهدی و

امام ابو الحسن علی و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر امام هدایت و

مصباح الدجی وعلم التقی ومنار الهدی وذی النهی وکهف الوری والعروة

چراغ تاریکی و علم پرهیزکاری و مناره هدایت و صاحب عقلها و پناه جهانیان و دستاویز

الوثقی والحجة علی اهل الدنیا ورحمة الله وبرکاته السلام علی نور الانوار

محکم و حجت بر اهل دنیا و رحمت خدا و برکتهای او و سلام باد بر نور نورها

وحجة الجبار ووالد الائمة الاطهار وقسیم الجنة والنار المخبر عن الآثار

و حجت خدای بزرگ و پدر امامان پاک و قسمت کننده بهشت و دوزخ خبر دهنده از آثار

المدمر علی الکفار مستنقذ الشیعة المخلصین من عظیم الاوزار السلام

هلاک کننده کفار رهاننده شیعیان اخلاص مند از گناهان بزرگ سلام باد

علی المخصوص بالطاهرة التقیة ابنة المختار المولود فی البیت ذی الاستار

بر کسیکه خاص کرده شده بزن پاکیزه پرهیزکار دختر پیغمبر مختار زاییده شده در خانه صاحب پرده‌ها

المزوج فی السماء بالبرة الطاهرة الرضیة المرضیة ابنة الاطهار ورحمة الله

تزویج کرده شده در آسمانها بزن نیکوکار پاک پسندیده و دختر پاکان رحمت خدا

وبرکاته السلام علی النبأ العظیم الذی هم فیه مختلفون وعلیه یعرضون

و برکتهای او و سلام باد بر خبر بزرگ آنچنان خبری که ایشان در آن اختلاف دارند و بر او عرض کرده شوند

وعنه یسئلون السلام علی نور الله الانور وضیائه الازهر ورحمة الله

و از او سؤال کرده میشوند سلام بر نور خدا که روشن است و روشنی او که تابنده تر و رحمت خدا

وبركاته السلام عليك يا ولي الله وحجته وخالصة الله وخاصته اشهد

وبركاتهاى او سلام بر تو باد اى دوست خدا و حجت او و اختيار كرده خدا و برگزيده او گواهى ميدهم

يا ولي الله لقد جاهدت في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله

اى دوست خدا اينكه بتحقيق جهاد كردى در راه خدا حق جهاد او و پيروى كردى راه پيغمبر خدا را

صلى الله عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت حرام الله وشرعت احكامه

درود و رحمت خدا بر او و آل او و حلال كردى حلال خدا را و حرام كردى حرام خدا را و ظاهر كردى احكام او را

واقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت

و برپا داشتى نماز را و دادى زكوة را و امر كردى بكار نيكو و باز داشتى از كار زشت و جهاد كردى

في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا عند الله عظيم الاجر حتى اتاك

در راه خدا صبر كننده پند دهنده كوشش كننده اميد ثواب دارنده نزد خدا بزرگ مزد را تا آمد

اليقين فلعن الله من دفعك عن حقك وازالك عن مقامك ولعن

مرگ پس لعنت كند خدا كسى را كه باز داشت ترا از حق تو و زائل كرد ترا از مكان تو و لعنت كند

الله من بلغه ذلك فرضي به اشهد الله وملائكته وانبيائه ورسله

خدا كسى را كه رسيد او را اين خبر پس راضى شد باين گواه ميگيرم خدا را و فرشتگان او و پيغمبران او را

اني ولي لمن والاك وعدو لمن عاداك السلام عليك ورحمة الله وبركاته

بدرستيكه من دوستم مر كسى كه دوست دارد ترا و دشمنم مر كسى كه دشمن دارد ترا سلام بر تو باد و رحمت خدا و بركتهاى او

پس ضريح را بچسبان و قبر را ببوس اشهد انك تسمع كلامي وتشهد مقامي و

گواهى ميدهم بدرستيكه تو ميشنوى سخن مرا و مى بينى جاى مرا

اشهد لك يا ولي الله بالبلاغ والاداء يا مولاي يا حجة الله يا امين الله

گواهى ميدهم براى تو اى دوست خدا برسانيدن حكم خدا و اداكردن اى مولاى من اى حجت خدا اى امين خدا

يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا قد اثقلت ظهري ومنعتني

اى دوست خدا بدرستيكه ميان من و ميان خداى عز وجل گناهانيست كه بتحقيق سنگين كرده است پشت مرا و باز داشته

مِنَ الرُّقَادِ وَذِكْرُهَا يُقْلِقُ أَحْشَائِي وَقَدْ هَرَبْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْكَ

از خواب و یاد آن گناهان مضطرب میکند احشای مرا و بتحقیق که گریختم بسوی خدای عزیز و بزرگ و بسوی تو

فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكَ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ

پس بحق کسیکه امانت گذار کرده است ترا بر رازهای خود و گردانید ترا راعی کار خلق خود و قرین کرد طاعت ترا بطاعت خود

وَمُوَالاتَكَ بِمُوَالاتِهِ كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعاً وَمِنَ النَّارِ مُجِيراً وَعَلَى الدَّهْرِ

و دوستی ترا بدوستی خود باش برای من بسوی خدا شفاعت کننده و از آتش پناه دهنده و بر روزگار

ظَهِيراً پس بینداز خود را بر قبر حبیبانت و سر را بسوی سر و بگو يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا حُجَّةَ اللَّهِ يَا بَابَ حِطَّةِ اللَّهِ

پشتیبان ای ولی خدا ای حجت خدا ای دروازه منزل خدا

وَلِيُّكَ وَزَائِرُكَ وَاللَّائِذُ بِقَبْرِكَ وَالنَّازِلُ بِفِنَائِكَ وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ فِي

دوست تو و زیارت کننده تو و پناه آورنده بقبر تو و فرود آینده بفضای خانه تو و فرود آورنده بار خود را در

جِوَارِكَ يَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لَهُ إِلَى اللَّهِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي

جوار تو سوال میکند از تو اینکه شفاعت کنی برای او بسوی خدا در قضای حاجت او و روا کردن مطالب او در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْجَاهَ الْعَظِيمَ وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ

دنیا و آخرت پس بدرستیکه ترا نزد خدا قدر و منزلت بزرگست و شفاعت پذیرفته شده است پس گردان مرا ای مولای من

مِنْ هَمِّكَ وَأَدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ

از کسانیکه فکر آنها بر تست و داخل کن مرا در گروه خود و سلام بر تو باد و بر دو همخواب تو که آدم و نوح اند

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ

و سلام باد بر تو و بر دو پسر تو حسن و حسین و بر امامان پاک

مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

از اولاد تو و رحمت خدا و برکتهای او

پس از روی تضرع و خشوع هر حاجت که داری از حق تعالی طلب نما مولف گوید که هر که از دور زیارت کند در هذا الحرم و

بهذا الضریح قصد ضریح حضرت امیر المومنین علیه السلام میکند و زیارتها و دعاها متصل بیکدیگر میباید ... نزدیک رفتن

بوسیدن باشد یعنی عوض آنها در کار نیک چیزی بعمل آورد و سید ابن طاوس رحمه الله گفته که مستحبست در بین دو رکعت بکند در ...
بعد از سوره فاتحه ده مرتبه انا انزلناه و ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام گوید بجای خود بنشیند این دعا بخواند

اَنْتَ حَیٌّ لَا تَمُوتُ وَخَالِقٌ لَا تُغْلَبُ وَبَدِیءٌ لَا تَنْفَدُ وَقَرِیبٌ لَا تَبْعُدُ وَ

تو زنده که نمی میری و آفریننده که مغلوب نمیشوی و اولی که انقطاع نداری و نزدیکی که دور نمی شوی و

قَادِرٌ لَا تُضَادُّ وَغَافِرٌ لَا تَظْلِمُ وَصَمَدٌ لَا تُطْعَمُ وَقَیُّومٌ لَا تَنَامُ وَعَالِمٌ لَا تُعَلَّمُ

توانائی که خصومت کرده نمیشوی و آمرزنده که ستم نمیکنی و بی نیازی که چیزی نمیخوری و پاینده که نمیخوابی و داننده که تعلیم کرده نمیشوی

وَقَوِیٌّ لَا تَضْعُفُ وَعَظِیمٌ لَا تُوصَفُ وَوَفِیٌّ لَا تُخْلِفُ وَغَنِیٌّ لَا تَفْتَقِرُ

و زورمندی که سست کرده نمیشوی و بزرگ هستی که وصف کرده نمیشوی و وفاکننده که خلاف وعده نمیکنی و توانگری که محتاج نمیشوی

وَحَکِیمٌ لَا تَجُورُ وَمَنِیعٌ لَا تُقْهَرُ وَمَعْرُوفٌ لَا تُنْکَرُ وَوَکِیلٌ لَا تَخِیبُ وَغَالِبٌ

و حکیمی که ستم نمیکنی و صاحب عزتی که مغلوب نمیشوی و شناخته شده که انکار کرده نمیشوی و وکیلی که ناامید نمیشوی و غالبی که

لَا تُغْلَبُ وَفَرْدٌ لَا تَسْتَشِیرُ وَوَهَّابٌ لَا تَمَلُّ وَسَرِیعٌ لَا تَذْهَلُ وَجَوَادٌ

غلبه کرده نمیشوی و یگانه هستی که مشورت نمیکنی و بسیار بخشنده که تنگ نمیشوی و شتابنده که فراموش نمیکنی و بخشنده که

لَا تَبْخَلُ وَعَزِیزٌ لَا تَذِلُّ وَحَافِظٌ لَا تَغْفُلُ وَقَائِمٌ لَا تَزُولُ وَمُحْتَجِبٌ لَا تُرَی

بخل نمیورزی و ارجمند هستی که خوار نمیشوی و یادکننده که غافل نمیشوی و پاینده که برطرف نمیشوی و در پرده شونده که دیده نمیشوی

وَدَائِمٌ لَا تَفْنَی وَبَاقٍ لَا تَبْلَی وَوَاحِدٌ لَا تُشْتَبَهُ وَمُقْتَدِرٌ لَا تُنَازَعُ اَللّٰهُمَّ

و پایداری که فانی نمیشوی و پاینده که کهنه نمیشوی و یگانه که مشتبه نمیشوی و توانائی که نزاع کرده نمیشوی بارخدایا

اِنِّی اَسْاَلُکَ بِعِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ وَقُدْرَتِکَ عَلَی الْخَلْقِ اَجْمَعِینَ اَنْ تُحْیِیَنِی

بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بعلم غیبی که نزد تست و توانائی تو بر خلائق همه آنها که زنده داری مرا

مَا عَلِمْتَ الْحَیٰوةَ خَیْرًا لِی وَاَنْ تَتَوَفَّانِی اِذَا کَانَتِ الْوَفَاةُ خَیْرًا لِی وَاَسْاَلُکَ

تا وقتیکه دانی زندگی را بهتر از برای من و بمیرانی مرا وقتیکه باشد مرگ بهتر از برای من و سؤال میکنم از تو

الْخَشْیَةَ فِی الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ وَاَسْاَلُکَ اللّٰهُمَّ کَلِمَةَ الْحَقِّ فِی الْغَضَبِ

ترس را در پنهان و آشکارا و سؤال میکنم از تو بارخدایا سخن حق را در حالت خشم

والرضا واسالك نعيما لا ينفد واسالك الرضا بعد القضاء واسالك

وخوشنودی وسوال میکنیم از تو نعمتی را که منقطع نمی شود وسوال میکنیم از تو رضا بعد از قضا وسوال میکنیم

برد العيش بعد الموت واسالك لذة النظر الى وجهك الكريم امين

خنکی زیستن بعد از مرگ وسوال میکنیم از تو لذت نظر بسوی روی رحمت تو که گرامی است قبول کن

رب العالمين اللهم اني اسالك بمنك الكريم وفضلك العظيم ان

ای پروردگار عالمیان ای خداوندا بدرستیکه من سوال میکنیم از تو باحسان تو که بزرگ است وفضل تو که عظیم است

تغفرلي وترحمني يا لطيف لطف بي في كل ما تحب وترضى اللهم اني

بیامرز مرا وببخشای مرا ای لطف کننده لطف کن بحال من در هرچه که دوست میداری ومی پسندی ای خداوندا

اسالك فعل الخيرات وترك المنكرات وحب المساكين ومخالطة

سوال میکنیم از تو کردن کارهای نیک گذاشتن کارهای زشت را ودوستی مسکینان را وآمیزش

الصالحين وان تغفرلي وترحمني واذا اردت بقوم فتنة فتوفني غير مفتون

صالحان را وانکه بیامرز مرا وببخشا مرا وهرگاه خواهی بگروهی آشوبی پس بکش مرا بی آشوب

واسالك حبك وحب من يحبك وحب كل عمل يقربني الى حبك

وسوال میکنیم از تو دوستی تو ودوستی کسی را که دوست میدارد ترا ودوستی هر کردار که نزدیک گرداند مرا

اللهم بحق محمد صلى الله عليه واله حبيبك وبحق ابراهيم خليلك

بار خدایا بحق محمد درود فرستد خدا برو وآل او حبیب تو وبحق ابراهیم دوست تو

وصفيك وبحق موسى كليمك وبحق عيسى روحك واسالك بصحف ابراهيم

وبرگزیده تو وبحق موسی هم سخن تو وبحق عیسی روح تو وسوال میکنیم از تو بصحیفه های ابراهیم

وتوراة موسى وانجيل عيسى وزبور داود وفرقان محمد صلى الله عليه واله

وتورات موسی وانجیل عیسی وزبور داود وقران محمد درود فرستد خدا برو وآل او

واسالك بكل وحي اوحيته وبحق كل قضاء قضيته وبكل سائل اعطيته

وسوال میکنیم از تو بهر وحی که پیغام کردی آنرا وبحق هر حکمی که قرار دادی آنرا وبحق هر سائلی که بخشیدی او را

وَاَسْاَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ اَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ وَاَسْاَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي اسْتَقَلَّ بِهَا

وسوال میکنم از تو بهر نامیکه فرو فرستادی آنرا در کتاب خود وسوال میکنم ترا بنامهای تو که قرار گرفت بانها

عَرْشُكَ وَاَسْاَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى النَّارِ فَاسْتَنَارَتْ وَاَسْاَلُكَ

عرش تو وسوال میکنم ترا بنامهای تو که گذاشتی آنهارا بر آتش پس روشن شد وسوال میکنم ترا

بِاَسْمَائِكَ الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى اللَّيْلِ فَاَظْلَمَ وَاَسْاَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى

بنامهای تو که نهادی آنرا بر شب پس تاریک شد وسوال میکنم ترا بنامهای تو آن نامهای که گذاشتی آنهارا

النَّهَارِ فَاَضَاءَ وَاَسْاَلُكَ بِاَسْمَائِكَ الَّتِي وَضَعْتَهَا عَلَى الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَ

روز پس روشن شد سوال میکنم ترا بنامهای تو که گذاشتی آنهارا بر زمین پس قرار گرفت و

اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي مَلَاَ اَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَاَسْاَلُكَ

سوال میکنم از تو بنام تو که یگانه و بی نیاز است آن نامیکه پر کرده است ستونهای هر چیز را وسوال میکنم از تو

بِاسْمِكَ الطُّهْرِ الطَّاهِرِ الْمُبَارَكِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ

نام تو که پاک پاکیزه مبارک زنده پایدار است نیست معبودی جز او بخشنده مهربان

وَاَسْاَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِاَسْمَائِكَ

وسوال میکنم از تو بجای بستن عزت از عرش تو و بجای رسیدن رحمت از کتاب تو و بنامهای تو

الْعِظَامِ وَجَدِّكَ الْاَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ اَنْ تَرْزُقَنَا حِفْظَ الْقُرْاٰنِ

که بزرگ اند وعظمت تو که بلند مرتبه است وسخنهای تو که تام اند اینکه روزی کنی مارا حفظ قرآن

وَالْعَمَلَ بِهِ وَالطَّاعَةَ لَكَ وَالْعَمَلَ الصَّالِحَ وَاَنْ تُثْبِتَ ذٰلِكَ فِي اَسْمَاعِنَا

وعمل کردن بران و فرمان برداری برای تو و کردار نیک اینکه ثابت داری آنرا در گوشهای ما

وَاَبْصَارِنَا وَاَنْ تَخْلِطَ ذٰلِكَ بِلَحْمِي وَدَمِي وَمُخِّي وَشَحْمِي وَاَنْ تَسْتَعْمِلَ بِذٰلِكَ

وچشمهای ما و اینکه بیامیزی آنرا بگوشت من و خون من و مغز من و پیه من و اینکه استعمال کنی بآن

بَدَنِي وَقُوَّتِي فَاِنَّهُ لَا يَقْوٰى عَلٰى ذٰلِكَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

تن مرا و قوت مرا پس بدرستیکه شان این است که توانا نیست برین کار مگر تو یگانه نیست شریکی مر ترا

یا الله الواحد الرب القدیر یا الله الخالق البارئ المصور یا الله الباعث

ای خدای یگانه پروردگار توانا ای خدای آفریننده پیدا کننده صورت دهنده ای خدای برانگیزنده

الوارث یا الله الفتاح العزیز العلیم یا الله الملک القادر المقتدر

وارث ای خدای بسیار گشاینده غالب دانا ای خدا پادشاه توانا صاحب اقتدار

اغفر لی وارحمنی انک انت ارحم الراحمین اللهم انت قلت وقولک الحق

بیامرز مرا و ببخشا مرا بدرستیکه تو بخشنده ترین بخشندگانی بار خدایا تو گفتی و حال آنکه گفته تو راست است

ادعونی استجب لکم فاسالک یا الله باسمک الذی دعاک به آدم صلی الله

که بخوانید مرا استجاب میکنم شما را پس میخوانم ترا ای خدا بنام تو آن نام که خواند ترا بآن نام آدم درود فرستد خدا

علیه فاوجبت له الجنة واسالک باسمک الذی دعاک به شیث بن آدم

بر او پس واجب گردانیدی برای او بهشت را و میخوانم ترا بنام تو که خواند ترا بآن نام شیث پسر آدم

فجعلته وصی ابیه بعده ان تستجیب دعاءنا وان ترزقنا انفاذ کل وصیة

پس گردانیدی ورا وصی پدر او بعد از او اینکه مستجاب گردانی دعای ما را و اینکه روزی کنی ما را اجرا کردن هر وصیتی

لاحد عندنا وان تقبل وصیتنا امامنا واسالک باسمک الذی دعاک

که کسی را نزد ما باشد و اینکه معین کنی وصیت ما را امام ما و سوال می نمایم ترا بنامیکه خواند ترا

به ادریس فرفعته مکانا علیا ان ترفعنا الی احب البقاع الیک وتمن

بآن نام ادریس پس بالا بردی ورا بمکانی بلند اینکه بلند گردانی ما را بسوی دوست ترین بقعه ها بسوی تو و منت نهی

علینا بمرضاتک وتدخلنا الجنة برحمتک واسالک باسمک الذی دعاک به

بر ما و احسان کنی بر ما بخشنودی خود و درآوری ما را در بهشت برحمت خود و سوال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بآن نام

نوح فنجیته من الغرق واهلکت القوم الظالمین ان تنجینا مما نخاف فیه

نوح ع پس رهانیدی او را از غرق و هلاک کردی گروه ستمکاران را از اینکه نجات دهی ما را از آنچه ما در آن میترسیم

من البلاء واسالک باسمک الذی دعاک به هود علیه السلام فنجیته

از فتنه و سوال میکنم ترا بنام تو که خواند ترا بآن نام هود بر او سلام باد پس نجات دادی ورا

فصل ششم

مِنَ الرَّجْمِ الْعَقِيمِ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَعَذَابِهِمَا وَاَسْأَلُكَ

از باد عقیم اینکه نجات دهی ما را از بلای دنیا و آخرت و عذاب دنیا و آخرت و سوال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَالِحٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ خِزْيِ

بنام تو آنچنان نامی که دعا کرد با آن صالح پس نجات دادی ورا از خواری آن روز اینکه نجات دهی مرا از خواری

الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَعَذَابِهِمَا وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ فَنَجَّيْتَهُ

دنیا و آخرت و عذاب دنیا و آخرت و سوال میکنم ترا بنام تو آن نامیکه خواند ترا با آن نام لوط پس نجات دادی اورا

مِنَ الْمُؤْتَفِكَةِ وَالْمَطَرِ السَّوْءِ اَنْ تُنَجِّيَنَا مِنْ مَخَازِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَسْأَلُكَ

از شهر زیر و زبر شده و باران بد اینکه نجات دهی ما را از خوارهای دنیا و آخرت و سوال می کنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ شُعَيْبٌ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الظُّلَّةِ اَنْ تُنَجِّيَنَا

بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا با آن نام شعیب پس نجات دادی ورا از عذاب روز ظله اینکه نجات دهی مرا

مِنَ الْعَذَابِ اِلٰى رَوْحِكَ وَرَحْمَتِكَ وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

از عذاب بسوی روزی خود و رحمت خود و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا با آن نام

اِبْرَاهِيمُ فَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا اَنْ تُخَلِّصَنَا كَمَا خَلَّصْتَهُ وَاَنْ

ابراهیم پس گردانیدی آتش را براو سرد و سلامت اینکه برهانی ما را چنانچه رهانیدی او را و اینکه

تَجْعَلَ مَا نَحْنُ فِيهِ بَرْدًا وَسَلَامًا كَمَا جَعَلْتَهَا عَلَيْهِ وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

بگردانی چیزیرا که ما در وئیم سرد و سلامت چنانچه گردانیدی آتش را برابراهیم و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا

اِسْمٰعِيلُ عِنْدَ الْعَطَشِ فَاَخْرَجْتَ مِنْ زَمْزَمَ الْمَاءَ الرَّوِيَّ اَنْ تَجْعَلَ مَخْرَجَنَا

اسمعیل نزد تشنگی و برآوردی از چاه زمزم آب سیراب کننده اینکه بگردانی برآمدن ما را

اِلَى الْخَيْرِ وَاَنْ تَرْزُقَنَا الْمَالَ الْوَاسِعَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

بسوی خیر و اینکه روزی دهی ما را مال فراخ برحمت خود و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه خواند ترا با آن

يَعْقُوبُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَوَلَدَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتَجْمَعَ

یعقوب پس برگردانیدی براو بینائی چشم اورا و فرزند اورا و روشنی چشم اورا اینکه رهانی ما را و جمع کنی

بَيْنَنَا وَبَيْنَ اَوْلَادِنَا وَاَهَالِيْنَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهِ يُوْسُفُ فَاَخْرَجْتَهُ

میان ما و میان فرزندان ما و خویشان ما و سوال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامی که خواندند ترا بآن نام یوسف پس آوردی او را

مِنَ السِّجْنِ اَنْ تُخْرِجَنَا مِنَ السِّجْنِ وَتُمَلِّكَنَا نِعْمَتَكَ الَّتِيْ اَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيْنَا وَاَسْاَلُكَ

از زندان اینکه بر آری ما را از زندان و مالک کردانی ما را نعمت خود آنچنان نعمتی که انعام کردی بآن بر ما

بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهِ الْاَسْبَاطُ فَتُبْتَ عَلَيْهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ اَنْبِيَاءَ اَنْ تَتُوْبَ

بنام تو آنچنان نامی که خواندند ترا بآن نام پسرهای یعقوب پس مقبول کردی توبه ایشان را و کردانیدی ایشان را پیغمبران اینکه توبه

عَلَيْنَا وَتَرْزُقَنَا طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَالْخَلَاصَ مِمَّا نَحْنُ فِيْهِ وَاَسْاَلُكَ

ما را قبول کنی و روزی کنی ما را طاعت خود و عبادت خود و رستگاری از آنچه ما در آن هستیم و سوال میکنم از تو

بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهِ اَيُّوْبُ اِذْ حَلَّ بِهِ الْبَلَاءُ فَقَالَ رَبِّ اِنِّيْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ

بنام تو آن نامی که خواندند ترا بآن نام ایوب وقتیکه نازل شد به او بلا پس گفت ای پروردگار من بتحقیقیکه رسیده مرا رنج و تو

اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَكَشَفْتَ عَنْهُ ضُرَّهُ وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ اَهْلَهُ

مهربان تر مهربانانی پس مستجاب کردی او را و بر طرف کردی از و رنج او را و برگردانیدی بر او مردم او را

وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْكَ وَذِكْرَى لِلْعَابِدِيْنَ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَقُوْلُ كَمَا قَالَ

و مانند آنها با آنها از روی مهربانی از جانب خود و یاد آوری برای عبادت کنندگان خداوندا بتحقیقیکه من میگویم چنانچه گفت

رَبِّ اِنِّيْ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَخَلِّصْنَا

که ای پروردگار من بتحقیقیکه رسیده مرا رنج و تو مهربان تر مهربانانی پس مستجاب کن برای ما و رحم کن بما و خلاص کن ما را

وَرُدَّ عَلَيْنَا اَهْلَنَا وَمَالَنَا وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْكَ وَاجْعَلْنَا مِنَ

و بازگردان بر ما اهل ما را و مال ما را و مانند آنها با آنها از روی مهربانی خود و بگردان ما را از

الْعَابِدِيْنَ لَكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِهِ مُوْسٰى وَهٰرُوْنُ فَقُلْتَ عَزَّ

عبادت کنندگان برای خود و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامی که خواندند ترا بآن نام موسی و هرون پس گفتی و تو عزیز ترین

مِنْ قَائِلٍ قَدْ اُجِيْبَتْ دَعْوَتُكُمَا اَنْ تَسْتَجِيْبَ دُعَاءَنَا وَتُنَجِّيَنَا كَمَا نَجَّيْتَهُمَا

گویندگانی که بتحقیق اجابت کرده شده دعای شما اینکه مستجاب کنی دعای ما را و نجات دهی ما را چنانچه نجات دادی ایشان را

وَنَقُولُ كَمَا قَالَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْ لِي

ومیگوییم چنانچه گفت یونس که نیست معبودی بحق بجز تو تنزیه میکنیم ترا بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس اجابت کن مرا

وَنَجِّنِي مِنْ غَمِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَا ضَمِنْتَ أَنْ تُنَجِّيَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

و نجات ده مرا از غم دنیا و آخرت چنانچه ضامن شدی این که نجات دهی مومنانرا و سوال میکنم از تو بنام تو

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ زَكَرِيَّا وَقَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

آن نامیکه خواند ترا بآن نام زکریا و گفت که ای پروردگار من مگذار مرا تنها و حال آنکه تو بهترین وارثانی

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْتَ لَهُ زَوْجَهُ وَجَعَلْتَهُمْ يُسَارِعُونَ

پس مستجاب کردی برای او و بخشیدی مر او را یحیی و اصلاح آوردی برای او زوج او را و گردانیدی ایشانرا که سرعت کننده بودند

فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَكَ رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَكَ خَاشِعِينَ فَإِنِّي أَقُولُ

در خیرها و میخواندند ترا از روی خواهش و ترس و بودند مر ترا زاری کنندگان پس بدرستیکه من میگویم

كَمَا قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ فَاسْتَجِبْ لِي وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي

چنانکه گفت او ای پروردگار من مگذار مرا تنها و حال آنکه تو بهترین وارثانی پس اجابت کن برای من و نیکو کن برای من حال مرا

وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَخَلِّصْنِي مِمَّا أَنَا فِيهِ وَهَبْ لِي كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ

و همه چیزها را که انعام کردی بآن بر من و رها کن مرا از آنچه من در آنم و ببخش مرا بزرگی دنیا و

الْآخِرَةِ وَأَوْلَادًا صَالِحِينَ يَرِثُونِي وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَدْعُوكَ رَهَبًا وَرَغَبًا

آخرت و فرزندان نیکوکاران که میراث برند از من بگردان ما را از آن کسان که میخوانند ترا در حالت ترس و رغبت

وَمِنَ الْخَاشِعِينَ الْمُطِيعِينَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَحْيَى

و از زاری کنندگان اطاعت کنندگان مر ترا و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه خواند ترا بآن نام یحیی

فَجَعَلْتَهُ بِرِدَّ الْقِيٰمَةِ وَلَمْ يَعْمَلْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يَهُمَّ بِهَا أَنْ تَعْصِمَنِي مِنْ قِرَافِ الْمَعَاصِي

پس گردانیدی او را معصوم که وارث شود قیامت و حال آنکه نکرده باشد گناهی و قصد نکرده باشد بگناه اینکه نگهداری مرا از کسب گناهان

حَتَّى نَلْقَاكَ طَاهِرِينَ لَيْسَ لَكَ قِبَلَنَا مَعْصِيَةٌ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

تا ملاقات کنیم ترا در حالت پاکیزگی نباشد ترا جانب ما گناهی و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامی که

دَعَتْكَ بِهِ مَرْيَمُ فَنَطَقَ وَلَدُهَا بِحُجَّتِهَا اَنْ تُوَفِّقَنَا وَتُخَلِّصَنَا بِحُجَّتِنَا عِنْدَكَ

خواند ترا بآن نام مریم پس ناطق شد فرزند او بحجت او اینکه توفیق بدهی مارا و برهانی مارا بحجت ما نزد تو

وَعِنْدَ كُلِّ مُلِمَّةٍ حَتّٰى تُظْهِرَ حُجَّتَنَا عَلٰى ظَالِمِينَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى

ونزد هر حادثهٔ نازله تا ظاهر کنی حجت مارا بر ستمکاران ما و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه

دَعَاكَ بِهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ فَاَحْيَا بِهِ الْمَوْتٰى وَاَبْرَاَ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ

خواند ترا بآن نام عیسی پسر مریم پس زنده کرد بآن نام مرده را و شفا داد کور مادرزاد را و صاحب برص را

اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتُبَرِّئَنَا مِنْ كُلِّ سُوْءٍ وَآفَةٍ وَاَلَمٍ وَتُحْيِينَا حَيٰوةً طَيِّبَةً فِى الدُّنْيَا

اینکه خلاص کنی مارا و پاک سازی مارا از هر بدی و آفتی و رنجی و زنده داری مارا بزندگانی پاک در دنیا

وَالْاٰخِرَةِ وَاَنْ تَرْزُقَنَا الْعَافِيَةَ فِى اَبْدَانِنَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ

و آخرت و اینکه روزی دهی مارا عافیت در بدنهای ما و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه خواندند ترا

بِهِ الْحَوَارِيُّونَ فَاَعَنْتَهُمْ حَتّٰى بَلَغُوا عَنْ عِيسٰى مَا اَمَرَهُمْ بِهِ وَصَرَفْتَ عَنْهُمْ

بآن نام حواریون پس یاری کردی ایشانرا تا رسیدند از عیسی آنچه فرموده بود ایشانرا و برگردانیدی از ایشان

كَيْدَ الْجَبَّارِينَ وَتَوَلَّيْتَهُمْ اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتَجْعَلَنَا مِنَ الدُّعَاةِ اِلٰى

مکر جباران را و متولی کار ایشان شدی اینکه خلاص کنی مارا و بگردانی مارا از دعوت کنندگان بسوی

طَاعَتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ بِهِ جِرْجِيسُ فَرَفَعْتَ عَنْهُ اَلَمَ

طاعت خود و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه خواند ترا بآن نام جرجیس پس برطرف کردی از او رنج

الْعَذَابِ اَنْ تَرْفَعَ عَنَّا اَلَمَ الْعَذَابِ فِى الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَنْ لَا تَبْتَلِيَنَا

عذاب را اینکه برطرف کنی از ما رنج عذاب را در دنیا و آخرت و اینکه مبتلا نسازی مارا و

اِنِ ابْتَلَيْتَنَا فَصَبِّرْنَا وَالْعَافِيَةُ اَحَبُّ اِلَيْنَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِى دَعَاكَ

اگر مبتلا سازی پس صبر ده مارا و عافیت دوست تر است بسوی ما از ابتلا و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه خواند ترا

بِهِ الْخِضْرُ حَتّٰى اَبْقَيْتَهُ اَنْ تُفَرِّجَ عَنَّا وَتَنْصُرَنَا عَلٰى مَنْ ظَلَمَنَا وَتَرُدَّنَا

بآن نام خضر تا باقی داشتی او را اینکه بگشائی از ما و یاری دهی مارا بر هر که ستم کند مارا و برگردانی مارا

الی ما منک واسألک باسمک الذی دعاک به حبیبک محمد صلی الله علیه

بسوی پناه خود و سوال میکنم از تو بنام تو آن نامی که خواند ترا بآن نام دوست تو محمد درود فرستد خدا بر او

وآله فجعلته سید المرسلین وایدته بعلی سید الوصیین ان تصلی علیهما

و آل او پس گردانیدی او را سرور پیغمبران و تقویت بخشیدی او را بعلی سرور اوصیا اینکه درود بفرستی بر محمد

وعلی ذریتهما الطاهرین وان تقیلنی فی هذا الیوم عثرتی وتغفرلی

و بر فرزندان آنها که پاکان اند و اینکه درگذری در این روز از لغزش من و بیامرزی مرا

ما سلف من ذنوبی وخطایای ولا تصرفنی من مقامی هذا الا بسعی

آنچه گذشته است از گناهان من و خطاهای من و برنگردانی مرا از جای من که این است مگر بسعی

مشکور وذنب مغفور وعمل مقبول ورحمة ومغفرة ونعیم موصول

شکر کرده شده و گناه آمرزیده شده و کرده پسندیده و بخشش و آمرزش و نعمتی پیوسته شده

بنعیم الاخرة برحمتک یا حنان یا منان یا ذا الجلال والاکرام انک

بنعمت آخرت برحمت خود ای بسیار مهربان ای بسیار نعمت دهنده ای خداوند بزرگی و گرامی که تو

علی کل شیء قدیر ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

بر همه چیز توانائی و نیست قوت و توانائی بر کاری مگر بخدای بلند قدر بزرگ مرتبه

باب نهم در اعمال ماه ربیع الثانی و جمادی الاولی و جمادی الثانیه است و در آن سه فصل

فصل اول در اعمال ماه ربیع الثانی سید بن طاوس رحمه الله روایت کرده است که در اول این ماه [illegible]

اللهم انت الله کل شیء وخالق کل حی ورب کل شیء اسألک بالعروة

بار خدایا تو معبود هر چیزی و آفریننده هر زنده و پروردگار هر چیزی سوال میکنم از تو بدستاویز

الوثقی والغایة والمنتهی وبما خالفت به بین الانوار والظلمات

محکم و منتها و نهایت و بآنچه مخالفت افکندی میان روشنیها و تاریکیها

والجنة والنار والدنیا والاخرة وباعظم اسمائک فی اللوح المحفوظ

و بهشت و دوزخ و دنیا و آخرت و به بزرگترین نامهای تو در لوح محفوظ

هو العزیز الحکیم الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه ذلکم

او که غالب صاحب حکمت خدا نیست معبودی مگر او جمع میکند شما را در روز قیامت نیست شکی در ان همانست

الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه وهو علی کل شیء وکیل

خدا پروردگار شما نیست معبود بحق مگر او آفریننده هر چیز پس عبادت کنید او را و او بر هر چیز نگهبانست

اتبع ما اوحی الیک من ربک لا اله الا هو واعرض عن المشرکین

پیروی کن انچه وحی کرده شده است بسوی تو از پروردگار تو نیست معبود بحق مگر او و روی بگردان از مشرکان

قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا الذی له ملک السموات والارض

بگو ای محمد که ای مردمان بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همه آن خدا اینکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین

لا اله الا هو یحیی ویمیت فامنوا بالله ورسوله النبی الامی الذی

نیست معبود بحق بجز او زنده میکند و میمیراند پس ایمان بیارید بخدا و رسول او که پیغمبر نانویسنده است آنکه

یؤمن بالله وکلماته واتبعوه لعلکم تهتدون وما امروا الا لیعبدوا

ایمان می آرد بخدا و کلمه های او و پیروی کنید او را که شاید شما راه یابید و مامور نشده اند مگر اینکه پرستند

الها واحدا لا اله الا هو سبحانه عما یشرکون فان تولوا فقل

خدای یگانه را نیست معبود بحق مگر او پاکست او از انچه شریک میکنند مشرکان پس اگر برگردانند پس بگو

حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم

کفایت میکند مرا خدا نیست معبود بحق مگر او بر او کار گذاشتم و او پروردگار عرش بزرگ است

حتی اذا ادرکه الغرق قال امنت انه لا اله الا الذی امنت به

تا وقتیکه دریافت فرعون را غرق گفت ایمان آوردم هر آئینه نیست خدا جز او آنکه ایمان آورده اند باو

بنوا اسرائیل وانا من المسلمین قل هو ربی لا اله الا هو علیه توکلت

بنی اسرائیل و من نیز از مسلمانان هستم بگو او پروردگار من نیست معبود بحق بجز او بر او کار گذاشتم

والیه متاب ینزل الملائکة بالروح من امره علی من یشاء من عباده

و بسوی اوست بازگشت من فرو میفرستد فرشتگان را بروح از امر خود بر هر که خواهد از بنده های خود

اَنْ اَنْذِرُوْا اَنَّهٗ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنَا فَاتَّقُوْنِ وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهٗ یَعْلَمُ

اینکه بیم دهید بندگان را بدرستیکه نیست معبود بحق بغیر از من پس بترسید مرا و اگر آشکارا و بلند بگوئی پس بدرستیکه خدا میداند

السِّرَّ وَاَخْفٰى اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ

راز و پنهان تر از آن را خدا نیست معبود بحق مگر او مر او راست نامهای نیک و من اختیار کردم ترا پس بشنو

لِمَا یُوْحٰى اِنَّنِیْٓ اَنَا اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّآ اَنَا فَاعْبُدْنِیْ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِیْ اِنَّمَا

چیزی را که وحی کرده میشود بدرستیکه من خدایم نیست معبود بحق جز من پس عبادت کن مرا و بر پا دار نماز را برای یاد من نیست

اِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَیْءٍ عِلْمًا وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ

خدای شما مگر خدا اینکه نیست معبود بحق بجز او فرا گرفته است همه چیز را از روی علم و نفرستادیم پیش از تو

مِنْ رَّسُوْلٍ اِلَّا نُوْحِیْٓ اِلَیْهِ اَنَّهٗ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنَا فَاعْبُدُوْنِ وَذَا النُّوْنِ اِذْ

پیغمبری را مگر آنکه وحی میکردیم بسوی او اینکه نیست معبود بحق بجز من پس پرستید مرا و یاد کن صاحب ماهی را که یونس است

ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَّقْدِرَ عَلَیْهِ فَنَادٰى فِی الظُّلُمٰتِ اَنْ

وقتیکه رفت غضبناک پس گمان برد این را که تنگ نمیگیریم بر وی پس ندا کرد در تاریکیها این را که

لَّآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ سُبْحٰنَكَ اِنِّیْ كُنْتُ مِنَ الظّٰلِمِیْنَ فَتَعٰلَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ

نیست معبود بحق بجز تو تنزیه میکنم ترا بدرستیکه من بودم از ستمکاران پس بلند است خدای پادشاه راست

لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِیْمِ اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ

نیست معبود بحق بجز او که پروردگار عرش بزرگ است نیست معبود بحق بجز او که پروردگار عرش بزرگ است

وَهُوَ اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِی الْاُوْلٰى وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ

و اوست خدا اینکه نیست معبود بحق بجز او و مر او راست ستایش در آغاز یعنی دنیا و انجام یعنی عقبی مر او راست حکم

وَاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ اِلَّا

و بسوی او برگردانیده میشوید و مخوان با خدا خدای دیگر را نیست معبودی بجز او همه چیز نابود شونده است مگر

وَجْهَهٗ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ یٰٓاَیُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَیْكُمْ

ذات خدا و مر او راست حکم و بسوی او برگردانیده میشوید ای گروه مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما

هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْاَرْضِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى

آیا هست هیچ آفریننده غیر از خدا که روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست معبودی بحق بجز او پس بکجا

تُؤْفَكُوْنَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى تُصْرَفُوْنَ غَافِرِ الذَّنْبِ

برگردانیده میشوید این است خدا پروردگار شما مر اوست پادشاهی نیست معبودی بحق بجز او پس بکجا برگردانیده [illegible]

وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيْدِ الْعِقَابِ ذِى الطَّوْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اِلَيْهِ الْمَصِيْرُ ذٰلِكُمُ

و پذیرنده توبه سخت عقوبت است صاحب بزرگی و نفع است نیست معبودی بحق بجز او بسوی اوست بازگشت این است

اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَىْءٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ

خدا پروردگار شما پدید آرنده هر چیز نیست معبودی بحق بجز او پس بکجا برگردانیده میشوید این است خدا [illegible]

اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِيْنَ هُوَ الْحَىُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَادْعُوْهُ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ

خدای پروردگار عالمیان وست زنده نیست معبودی بحق بجز او پس بخوانید او را خالص کنندگان برای او دین را

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ

حمد مر خدا را که پروردگار عالمیان است پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان هر دو اگر هستید

مُوْقِنِيْنَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِىْ وَيُمِيْتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَائِكُمُ الْاَوَّلِيْنَ فَاَنّٰى لَهُمْ

صاحب الیقین نیست معبودی بحق بجز او زنده میکند و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران پیشینه شما [illegible]

اِذْ جَاءَتْهُمْ ذِكْرٰىهُمْ فَاعْلَمْ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ

هرگاه بیاید ایشان را [illegible] پس بدانکه نیست معبودی بحق بجز خدا و طلب آمرزش کن برای گناه خود و مر [illegible]

وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللّٰهُ الَّذِىْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ

و زنان مومنه او است خدائی که نیست معبودی بحق بجز او که دانای نهانست و آشکارا وست بخشاینده

الرَّحِيْمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِىْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ

مهربان اوست خدا که نیست خدائی بجز او پادشاه پاک سالم امن دهنده

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

ایمن سازنده غالب صاحب عظمت بزرگوار منزه است خدا از آنچه شریک میکنند [illegible]

وعلى الله فليتوكل المؤمنون اللهم اني اسألك عفواً ليس بعده

و بر خدا باید که توکل نمایند مؤمنان بار خدایا من سؤال میکنم از تو عفوی را که نباشد بعد از آن

عقوبة ورضاً ليس بعده سخط وعافية ليس بعدها بلاء وسعادة

عقابی و خشنودی را که نباشد بعد از آن خشمی و عافیتی که نباشد بعد از آن رنجی و نیک بختی

ليس بعدها شقاء وهدى لا يكون بعده ضلالة وايماناً لا يداخله

که نباشد بعد از آن بدبختی و هدایتی که نباشد بعد از آن گمراهی و ایمانی که در نیاید او را

كفر وقلباً لا يداخله فتنة اللهم اني اسألك السعة في القبر والحجة

کفر و دلی که در نیاید او را فتنه بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو فراخی در قبر و حجت

البالغة والقول الثابت وان تنزل علي الامان والفرح والسرور

رسا و قول پایدار و اینکه نازل کردانی بر من امان و گشایش را و شادی را

ونضرة النعيم اللهم صل على محمد وآل محمد وعرفني بركة هذا

و تازگی نعیم را بار خدایا درود و رحمت بر محمد و آل محمد و شناسان مرا برکت این

الشهر ويمنه وارزقني خيره واصرف عني شره واجعلني فيه من

ماه و میمنت آنرا و روزی کن مرا خیر او را و دفع کن از من بدی او را و بگردان مرا در این ماه از

الفائزين برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انت وهاب الخير فهب لي

رستگاران به رحمت خود ای مهربانترین مهربانان بار خدایا تو بسیار بخشنده خیری پس ببخش مرا

شوقاً الى لقائك واشفاقاً من عذابك وحياء منك وتوقيراً واجلالاً

خواهشی بسوی ملاقات خود و ترسیدن از عذاب خود و شرم از خود و توقیر و بزرگ داشتن

حتى يوجل من ذلك قلبي ويقشعر منه جلدي ويتجافى له جنبي

تا آنکه بترسد از این دل من و بلرزد از آن پوست من و برخیزد از خوابگاه پهلوی من

وتدمع منه عيني ولا اخلو من ذكرك في ليلي ونهاري يا ارحم

و اشک بریزد از آن چشم من و خالی نشوم از یاد تو در شب خود و در روز خود ای مهربانترین

الرّاحمين اللّهمّ انّى اُثنى عليك وما عسى ان تبلغ مدحى وثنائى
مهربانان بار خدایا بدرستیکه من ثنا میکنم بر تو ونیست قریب بآنکه برسد مدح کردن من و ستایش من
مع قلّة عملى وقصر رأيى وانت الخالق وانا المخلوق وانت المالك
با کمی کردار من و کوتاهی بینش من تو آفریننده و من آفریده شده ام و تو مالکی
وانا المملوك وانت الرّبّ وانا العبد وانت العزيز وانا الذّليل
و من مملوکم و تو پروردگاری و من بنده ام و تو عزیزی و من خوارم
وانت القوىّ وانا الضّعيف وانت الغنىّ وانا الفقير وانت المعطى
و تو توانائی و من ناتوانم و تو بی نیازی و من محتاجم و تو بخشنده
وانا السّائل وانت الحىّ الّذى لا يموت وانا خلق اموت فاغفرلى
و من طلب کننده ام و تو زنده که نمی میرد و من آفریده ام که می میرم پس بیامرز مرا
وارحمنى واعطنى سؤلى فى دنياى وآخرتى وتجاوز عنّى وعن جميع
و ببخشای مرا و بده مسئولات مرا در دنیای من و آخرت من و درگذر از من و از همه
المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم و
مردان مؤمن و زنان مؤمنه و مردان مسلم و زنان مسلمه زندگان از ایشان و
الاموات اللّهمّ صلّ على محمّد عبدك ورسولك ونبيّك وصفيّك
مردگان بار خدایا درود بفرست بر محمد بنده خود و پیغمبر خود و نبی خود و برگزیده خود
وخيرتك من خلقك اللّهمّ ارفع درجته وكرّم مقامه واجزل ثوابه
و مختار خود از خلق خود بار خدایا بلند کن درجه او را و بزرگ گردان جای او را و عظیم گردان ثواب او را
وافلج حجّته واظهر عذره وعظّم نوره وادم كرامته والحق به امّته
و ظاهر گردان حجت او را و آشکار گردان عذر او را و تعظیم کن نور او را و پایدار کن بزرگی او را و ملحق کن باو امت او را
وذرّيّته واقرر بذلك عينه اللّهمّ اجعل محمّدا اكرم النّبيّين تبعا
و فرزندان او را و روشن کن چشم او را بار خدایا بگردان محمد را گرامی ترین پیغمبران از راه تابعان

وَاَعْظَمِهِمْ مَنْزِلَةً وَاَشْرَفِهِمْ كَرَامَةً وَاَعْلاهُمْ دَرَجَةً وَاَفْسَحِهِمْ فِى

و بزرگترین آنها از روی منزلت و شریفترین آنها از روی کرامت و بلندترین آنها از روی درجه و گشاده ترین آنها در

الْجَنَّةِ مَنْزِلاً اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُحَمَّداً دَرَجَةَ الْوَسِيلَةِ وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ

بهشت از روی خانه بارخدایا برسان محمد را بدرجه وسیله و بزرگ کن بنیاد او را و عظیم کن

نُورَهُ وَبُرْهَانَهُ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِى اُمَّتِهِ وَتَقَبَّلْ صَلٰوةَ اُمَّتِهِ عَلَيْهِ

نور او را و برهان او را و قبول کن شفاعت او را در حق امتش و قبول کن درود امت او را بر او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَّغَ رِسَالاتِكَ وَتَلا آيَاتِكَ وَنَصَحَ لِعِبَادِكَ وَجَاهَدَ

بارخدایا درود بفرست بر محمد چنانکه تبلیغ کرد رسالتهای ترا و خواند آیتهای ترا و نصیحت کرد مر بندگان ترا و جهاد کرد

فِى سَبِيلِكَ حَتّٰى اَتٰاهُ الْيَقِينُ اَللّٰهُمَّ زِدْ مُحَمَّداً مَعَ كُلِّ شَرَفٍ شَرَفاً وَمَعَ كُلِّ

در راه تو تا آمد او را مرگ بارخدایا زیاده کن محمد را با هر بزرگی بزرگی و با هر

فَضْلٍ فَضْلاً وَمَعَ كُلِّ كَرَامَةٍ كَرَامَةً وَمَعَ كُلِّ سَعَادَةٍ سَعَادَةً حَتّٰى

فضیلتی فضیلتی و با هر بزرگی بزرگی و با هر نیک بختی نیک بختی تا آنکه

تَجْعَلَ مُحَمَّداً فِى الشَّرَفِ الْاَعْلٰى مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلٰى اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

بگردانی محمد را در مرتبه بلند از مرتبه های بلند بارخدایا درود بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَسَهِّلْ لِى مَحَبَّتِى وَبَلِّغْنِى اُمْنِيَّتِى وَوَسِّعْ عَلَىَّ فِى رِزْقِى

و آل محمد و آسان کن برای من محبت مرا و برسان مرا بآرزوی من و وسعت بده بر من در روزی

وَاقْضِ عَنِّى دَيْنِى وَفَرِّجْ عَنِّى غَمِّى وَهَمِّى وَكَرْبِى وَيَسِّرْ لِى اِرَادَتِى

و برطرف کن از من وام و بگشای از من غم و اندوه و حزن مرا و آسان کن برای من اراده مرا

وَاَوْصِلْنِى اِلٰى بُغْيَتِى سَرِيعاً عَاجِلاً يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و برسان مرا بسوی حاجت من بزودی و شتاب ای مهربان ترین مهربانان

و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است در روز دهم ماه ربیع الآخر سال دویست و سی و دو از هجرت نبوی صلعم حضرت امام حسن عسکری متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکیست و مستحب است که شکر

این نعمت عظمی روزه اند مولف گوید که زیارت آنحضرت و سایر اعمال خیر در این ماه بر کت است

فصل دوم

در اعمال ماه جمادی الاولی ست سید ابن طاوس رضی الله عنه از بعضی کتب معتبره نقل کرده که در روز اول این ماه مستحب ست که این دعا را بخوانند

اللهم انت الله وانت الرحمن الرحيم وانت الملك القدوس وانت السلام
بار خدایا توئی خدا و توئی بخشاینده مهربان و توئی پادشاه بسیار پاک و توئی سالم از نقص

المؤمن وانت المهيمن وانت العزيز وانت الجبار وانت المتكبر وانت
امان دهنده و توئی ایمن سازنده و توئی غالب و توئی بسیار جبر کننده و توئی صاحب بزرگی و توئی

الخالق وانت البارئ وانت المصور وانت العزيز الحكيم وانت الاول
آفریننده و توئی پیدا کننده و توئی صورت دهنده و توئی غالب صاحب حکمت و توئی آغاز همه

والآخر والظاهر والباطن لك الاسماء الحسنى اسئلك يا رب بحق
و انجام همه آشکار و پنهان همه مر تراست نامهای نیکو سوال میکنم از تو ای پروردگار من بحق

هذه الاسماء وبحق اسمائك كلها ان تصلي على محمد وعلى آل محمد و
این نامها و بحق نامهای تو همه آن اینکه درود بفرستی بر محمد و بر آل محمد و

آتنا اللهم في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة واختم لنا بالسعادة
بده ما را خدایا در دنیا نیکی و در آخرت نیکی و ختم کن ما را به نیک بختی

والشهادة في سبيلك وعرفنا بركة شهرنا هذا ويمنه وارزقنا خيره و
و شهید شدن در راه تو و بشناسان ما را برکت ماه ما که این ماه است و میمنت او و روزی کن ما را خیر او

اصرف عنا شره واجعلنا فيه من الفائزين برحمتك عذاب النار يا ارحم
و برگردان از ما شر او و بگردان ما را در آن از رستگاران بحق رحمت خود از عذاب آتش ای

الراحمين انك على كل شيء قدير پس این آیات بخوانند الحمد لله رب العالمين
مهربانان بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی حمد مر خدا را که پروردگار عالمیان

الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم

حمد مر خدای را که آفرید آسمانها و زمین و پیدا کرد تاریکیها و روشنی را پس

الذین کفروا بربهم یعدلون هو الذی خلقکم من طین ثم قضی

آنانکه کافر شدند به پروردگار خود برابر میکنند و دیگری را اوست آن کسیکه آفرید شما را از گل بعد از آن مقدر کرد

اجلا واجل مسمی عنده ثم انتم تمترون وهو الله فی السموات وفی

اجلی را و اجل معین نزد اوست انگاه شما شک می آورید اوست خدا در آسمانها و در

الارض یعلم سرکم وجهرکم ویعلم ما تکسبون الحمد لله الذی

زمین میداند نهان شما و آشکار شما و میداند آنچه کسب میکنید شما حمد مر خدا را که

انزل علی عبده الکتاب ولم یجعل له عوجا قیما لینذر باسا شدیدا من

فرو فرستاد بر بنده خود قرآن را و نکرد اندر آن هیچ کجی در حالتی راستی تا بیم دهد عذاب سخت را از

لدنه الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض وله الحمد فی

جانب او حمد مر خدا را که مر او راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین ست مر او راست حمد در

الآخرة وهو الحکیم الخبیر الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل

آخرت و اوست صاحب حکمت آگاه حمد مر خدا را که پیدا کننده آسمانها و زمین ست گرداننده

الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع یزید فی الخلق ما یشاء

فرشتگان فرستادگان صاحب بالها دو دو و سه سه چهار چهار افزاید در خلق آنچه خواهد

ان الله علی کل شیء قدیر ما یفتح الله للناس من رحمة فلا ممسک

بدرستیکه خدا بر همه چیز تواناست آنچه می گشاید خدا برای مردم از بخشایش پس نیست گیرنده

لها وما یمسک فلا مرسل له من بعده وهو العزیز الحکیم الحمد لله

مر آن را و آنچه بسته کند پس نیست باز کننده مر آن را از پس آن بستن اوست غالب صاحب حکمت حمد مر خدا را

الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله

که راه نمود ما را به این و نبودیم ما که راه یابیم اگر نبود آنکه راه می نمود ما را خدا

لقد جاءت رسل ربنا بالحق الحمد لله الذي وهب لي على الكبر

هر آئینه بتحقیق آمدند فرستادگان پروردگار ما براستی حمد مر خدا را که بخشید مرا بر پیری

اسمعيل واسحاق ان ربي لسميع الدعاء الحمد لله بل اكثرهم

اسمعیل و اسحاق را بدرستیکه پروردگار من هر آئینه شنوای دعاست حمد مر خدا را بل اکثر ایشان

لا يعلمون الحمد لله الذي نجانا من القوم الظالمين الحمد لله الذي

نمیدانند حمد مر خدا را که نجات داد ما را از گروه ستمکاران حمد مر خدای را که

فضلنا على كثير من عباده المؤمنين الحمد لله سيريكم اياته

که زیادتی فضل داد ما را بر بسیاری از بندهای خود که مؤمنانند حمد خدا را بزودی خواهد نمود شما را آیات خود را

فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون الحمد لله الذي اذهب عنا

پس خواهید شناخت شما آنرا و نیست پروردگار تو غافل از آنچه میکنید حمد مر خدا را که برد از ما

الحزن ان ربنا لغفور شكور الحمد لله الذي صدقنا وعده

اندوه را بدرستیکه پروردگار ما آمرزنده قدرشناس است حمد مر خدا را که راست کرد با ما وعده خود

واورثنا الارض نتبوأ من الجنة حيث نشاء فنعم اجر العاملين

و میراث داد ما را زمین جا میگیریم از بهشت هر جا خواهیم پس نیکوست مزد عمل کنندگان

وترى الملائكة حافين من حول العرش يسبحون بحمد ربهم

و می بینی فرشتگان را طواف کنندگان از گرد عرش تسبیح میکنند بحمد پروردگار خود

وقضي بينهم بالحق وقيل الحمد لله رب العالمين فلله الحمد رب

و حکم کرده شود میان ایشان براستی و گفته شد حمد مر خدا را که پروردگار عالمیانست پس خدا راست حمد که پروردگار

السموات ورب الارض رب العالمين وله الكبرياء في السموات

آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عالمیان و مر اوراست بزرگی در آسمان

والارض وهو العزيز الحكيم الحمد لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن

و زمین و اوست غالب صاحب حکمت حمد مر خدا را که اختیار نکرد فرزند را و نباشد

لا شریک له فی الملک ولم یکن له ولیّ من الذلّ وکبّره تکبیرا

مر او را شریک در پادشاهی و نشد مر او را یاری دهنده از خواری و تکبیر بگو او را تکبیر گفتنی

اللّهمّ اغفر لی ما سلف من ذنوبی وتدارکنی فیما بقی من عمری

بار خدایا بیامرز مرا آنچه گذشته از گناهان من و دریاب مرا در آنچه باقی مانده از عمر من

وقوّ ضعفی للّذی خلقتنی له وحبّب الیّ الایمان وزیّنه فی قلبی

قوت بده ناتوانی مرا برای چیزی که آفریده مرا برای آن و دوست گردان بسوی من ایمان را و زینت ده آنرا در دل من

وقد دعوتک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللّهمّ اصبحت

بتحقیق دعا کردم ترا چنانچه فرمودی مرا پس مستجاب کن برای من چنانچه وعده کردی مرا بار خدایا صبح کردم

لک عبدا لا استطیع دفع ما اکره ولا املک ما ارجو واصبحت

حالیکه برای تو بنده‌ام توانائی ندارم دفع چیزی را که ناخوش دارم و مالک نیستم چیزی را که امید دارم و صبح کردم

مرتهنا بعملی فلا فقیر افقر منّی الیک یا ربّ العالمین اسألک ان تستعملنی

گرو کرده شده بکردار خود پس نیست محتاجی محتاجتر از من بسوی تو ای پروردگار عالمیان سؤال میکنم از تو اینکه بکار واداری مرا

عمل من استیقن حضور اجله لا بل عمل من قد مات ورأی عمله

بمثل کار کسیکه یقین دارد حاضر شدن اجل خود را نه بلکه بمثل کار کسیکه بتحقیق مرد پس دید کار خود را

ونظر الی ثواب عمله انّک علی کلّ شیء قدیر اللّهمّ هذا مکان العائذ

و نظر کرد بسوی ثواب عمل خود و بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی بار خدایا این جای کسی است که پناه برنده است

برحمتک من عذابک وهذا مکان العائذ بعفوک من غضبک

برحمت تو از عذاب تو و این مکان کسی است که پناه برنده است به بخشش تو از غضب تو

اللّهمّ اجعلنی ممّن دعاک فاجبته وسألک فاعطیته وامّلک فبلّغته

بار خدایا بگردان مرا از آنکه خواندند ترا پس اجابت کردی آنها را و سؤال کردند ترا پس بخشیدی آنها را و امید داشتند پس رسانیدی آنها را

وتوکّل علیک فکفیته وتقرّب الیک فادنیته وافتقر الیک فاغنیته

و توکل کردند بر تو پس کفایت کردی آنها را و نزدیکی خواستند بسوی تو پس نزدیک کردی آنها را و محتاج شدند بسوی تو پس غنی کردی آنها را

وَاسْتَغْفَرَكَ فَغَفَرْتَ لَهُ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَارْضَيْتَهُ وَهَلْ يُنَبَّأُ

و طلب آمرزش کردند از تو پس آمرزیدی آنها را و راضی شدی از آنها و راضی کردی آنها را و آگاه

مَرْضَاتِكَ وَاسْتَعْمَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ وَلِذَلِكَ فَرِّغْهُ أَبَداً مَا أَحْيَيْتَهُ

خوشنودی خود و بکار فرمودی آنها را بطاعت خود و از برای همین فارغ کردی آنها را همیشه تا وقتی که زنده داشتی آنها را

فَتُبْ عَلَيَّ يَا رَبِّ وَأَعْطِنِي سُؤْلِي وَلَا تَحْرِمْنِي شَيْئاً مِمَّا سَأَلْتُكَ وَاكْفِنِي

پس قبول توبه من بکن ای پروردگار من بده مرا مسئول مرا و نا امید مکن مرا از چیزی که سوال کردم از تو و کفایت کن از من

شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا

شر آنچه میکنند ظالمان در زمین و طلب آمرزش میکنم از خدا که نیست معبودی بحق بجز

هُوَ الَّذِي لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا هُوَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ

او آن کسیکه نمی آمرزد گناهان را کسی بجز او بار خدایا درود بفرست بر محمد و بر آل

مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي عَلَى الدُّنْيَا وَارْزُقْنِي خَيْرَهَا وَكَرِّهْ إِلَيَّ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ

محمد و یاری کن مرا بر کار دنیا و روزی کن مرا خیر آن را و ناخوش گردان بسوی من کفر و فسوق

وَالْعِصْيَانَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الرَّاشِدِينَ اللَّهُمَّ قَوِّنِي لِعِبَادَتِكَ

و گناه را و بگردان مرا از راه یافتگان بار خدایا قوت بده مرا برای عبادت خود

وَاسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَبَلِّغْنِي الَّذِي أَرْجُو مِنْ رَحْمَتِكَ يَا

و بکار بدار مرا در طاعت خود و برسان مرا آنچه امید آن دارم از رحمت تو ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرِّيَّ يَوْمَ الظَّمَاءِ وَالنَّجَاةَ يَوْمَ

مهربان ترین مهربانان بار خدایا بدرستیکه سوال میکنم از تو سیرابی را در روز تشنگی و رستگاری را در روز

الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَالْفَوْزَ يَوْمَ الْحِسَابِ وَالْأَمْنَ يَوْمَ الْخَوْفِ وَأَسْأَلُكَ

ترس بزرگتر و فیروزی یافتن در روز حساب و امن بودن در روز ترس و سوال میکنم از تو

النَّظَرَ إِلَى وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَالْخُلُودَ فِي جَنَّتِكَ فِي دَارِ الْمُقَامِ مِنْ

نظر را بسوی روی تو که بزرگوار است و همیشه بودن در بهشت تو در جای اقامت از

فضلك و السجود يوم يكشف عن ساق و الظل يوم لا ظل الا ظلك

فضل تو و سجده کردن را روزیکه برهنه کرده بشود از ساق و سایه را روزیکه سایه نیست بجز سایهٔ تو

و مرافقة انبيائك و رسلك و اوليائك اللهم اغفر لي ما قدمت

و همراهی پیغمبران تو و فرستادگان تو و دوستان تو بار خدایا بیامرز مرا آنچه پیش کردم

من ذنوبي و ما اخرت و ما اسررت و ما اعلنت و ما اسرفت

از گناهان خود و آنچه آخر کردم و آنچه نهان داشتم و آنچه آشکار کردم و آنچه اسراف کردم

على نفسي و ما انت اعلم به مني و ارزقني التقى و الهدى و العفاف

بر نفس خود و آنچه تو داناتری بآن از من و روزی کن مرا پرهیزکاری و راه یافتن و نگاهداشتن خود را

و الغنى و وفقني للعمل بما تحب و ترضى اللهم اصلح لي ديني الذي

و توانگری و توفیق ده مرا برای عمل کردن بچیزیکه دوست میداری و خوشنود میشوی بار خدایا نیکو کن برای من دین مرا

هو عصمة امري و اصلح لي دنياي التي فيها معاشي و اصلح

آن حفظ امر من است و نیکو کن برای من دنیا مرا که در آن معاش من است و نیکو کن

لي اخرتي التي اليها منقلبي و اجعل الحيوة زيادة لي في

برای من آخرت مرا آنچنان آخرتی که بسوی آن بازگشت من است و بگردان زندگانی را زیاده برای من در

كل خير و اجعل الموت راحة لي من كل سوء اللهم اني

هر خیر و بگردان موت را آسایش برای من از هر بدی بار خدایا بدرستیکه

اسألك يا رب الارباب و يا سيد السادات و يا مالك الملوك

سوال میکنم از تو ای پروردگار پروردگاران و ای سرور سروران و ای مالک پادشاهان

ان ترحمني و تستجيب لي و تصلحني فانه لا يصلح من صلح من عبادك

اینکه رحم کنی بر من و مستجاب کنی برای من و نیکو کنی مرا پس بدرستیکه شان این است که نیکو نشد آنکسی که نیکو شد از بندگان تو

الا انت فانك انت ثقتي و رجائي و مولاي و ملجأي

بجز تو پس بدرستیکه تو مورد کار سپردن منی و امید منی و یاور منی و پناه منی

ولا راحم لی غیرک ولا مغیث لی سواک ولا مالک سواک ولا مجیب

ونیست مهربانی مرا غیر تو ونه فریادرسی مرا غیر از تو ونه مالکی سوای تو ونه اجابت کننده

الا انت انا عبدک وابن عبدک وابن امتک الخاطئ الذی

غیر از تو من بندهٔ تو وپسر غلام تو وپسر کنیز تو خطاکاری که

وسعته رحمتک وانت العالم بحالی وحاجتی وکثرة ذنوبی

فراخ است برای او بخشش تو وتو بی دانا بحال من واحتیاج من وبسیاری گناهان من

والمطلع علی اموری کلها فاسألک یا لا اله الا انت ان تغفر لی

وآگاه بر کارهای من همه آن پس سؤال میکنم از تو ای آنکه نیست معبود بحق بجز تو اینکه بیامرزی برای من

ما تقدم من ذنبی وما تأخر اللهم لا تدع لی ذنبا الا غفرته

آنچه پیش گذشته از گناه من وآنچه متأخر است بار خدایا مگذار برای من گناهی مگر آنکه بیامرزی آن را

ولا هما الا فرجته ولا حاجة هی لک رضا الا قضیتها ولا عیبا

ونه اندوهی مگر آنکه بگشائی آن را ونه حاجتی که آن حاجت مر ترا خشنودی است مگر آنکه روا کردانی آن را ونه عیبی

الا اصلحته اللهم واتنا فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة

مگر آنکه اصلاح کنی آن را بار خدایا وبده ما را در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی

وقنی عذاب النار اللهم اعنی علی اهوال الدنیا وبوائق الدهور

ونگاه دار مرا از عذاب آتش بار خدایا یاری کن مرا بر ترسندهای دنیا وفتنهٔ روزگاران

ومصیبات اللیالی والایام اللهم واحرسنی من شر ما یعمل

ومصیبتهای شبها وروزها بار خدایا در پناه دار مرا از شر آنچه میکنند

الظالمون فی الارض فانه لا حول ولا قوة الا بک اللهم انی

ستمکاران در زمین پس بدرستیکه نیست قوت ونه توانائی مگر بتو بار خدایا بدرستیکه من

اسألک ایمانا ثابتا وعملا متقبلا ودعاء مستجابا ویقینا صادقا

سؤال میکنم از تو ایمان پایدار وکردار پذیرفته ودعای مستجاب ویقین صادق را

ونقشت او ... در ... باز شد ... از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام ... از حضرت امام محمد باقر ...

است واز حضرت ... منقولست که از ... زندگانی است ... دیگر منقولست ... ننگی ... حضرت رسول صلی الله علیه وآله ... بآواز بلند ... از خدا سؤال کرد ... کشادگی ...

وقولاً طيباً وقلباً شاكراً وبدناً صابراً ولساناً ذاكراً اللهم انزع

وسخن پاک را و دل شکر گذار را و تن شکیبا را و زبان ذکر کننده بارخدایا برکن

حب الدنيا ومعاصيها وذكرها وشهوتها من قلبي اللهم انك

دوستی دنیا و گناهان آنرا و یاد آنرا و خواهش آنرا از دل من بارخدایا بدرستیکه تو

بكرمك تشكر اليسير من عملي فاعف لي الكثير من ذنوبي وكن

بکرم خود راضی میشوی باندکی از عمل من پس عفو کن مرا بسیاری از گناهان من و باش

لي ولياً ونصيراً ومنيعاً وحافظاً اللهم هب لي قلباً اشد رهبة

برای من دوست و یاری دهنده و بازدارنده و حفظ کننده بارخدایا بخش مرا دلی که باشد سخت ترسنده

لك من قلبي ولساناً ادوم لك ذكراً من لساني وجسماً اقوى

مر ترا از دل من و زبانی که مداومت کننده باشد مر ترا و ذکر از زبان من و تنی که توانا باشد

على طاعتك وعبادتك من جسمي اللهم اني اعوذ بك من زوال

بر طاعت تو و پرستش تو از تن من بارخدایا بدرستیکه من پناه میبرم از زائل شدن

نعمتك ومن فجاءة نقمتك ومن تحول عافيتك ومن حلول

نعمت تو و از ناگاه در رسیدن غضب تو و از گردیدن عافیت تو و از در آمدن

غضبك واعوذ بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن

خشم تو و پناه میبرم بتو از کوشش بلا و دریافت شقاوت و از

شماتة الاعداء وسوء القضاء في الدنيا والآخرة اللهم اني

سرزنش دشمنان و بدی قضا در دنیا و آخرت بارخدایا بدرستیکه من

اسألك باسمك الكريم وعرشك العظيم وملكك القديم يا واهب

سوال میکنم از تو بنام تو که روا کرده است و بعرش تو که بزرگست و بپادشاهی تو که دیرینه است ای بخشنده

العطايا ويا مطلق الاسارى ويا فكاك الرقاب ويا كاشف العذاب

عطاها و ای رها کننده اسیران و ای بسیار جدا کننده گردنها و ای برطرف کننده عذاب

اسألك ان تخرجني من الدنيا سالماً غانماً وان تدخلني الجنة

سؤال میکنم از تو آنکه بیرون بری مرا از دنیا بسلامت با غنیمت و آنکه در آوری مرا در بهشت

برحمتك آمناً وان تجعل اول شهري هذا صلاحاً واوسطه

برحمت خود با ایمنی و آنکه بگردانی اول ماه مرا که این ماه است صلاحی و میان آنرا

فلاحاً وآخره نجاحاً انك انت علام الغيوب

فیروزی و آخر آنرا رستگاری بدرستیکه توئی بسیار داننده غیبها

مؤلف گوید که کلینی بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از حضرت رسالت صلعم زنده بود پس بنا بر مشهور وفات حضرت رسول در بیست و هشتم ماه صفر بود باید که وفات حضرت فاطمه در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی باشد پس زیارت آنحضرت در این ایام مناسبست خصوصا در روز چهاردهم که ظاهرتر است شیخ مفید علیه الرحمه گفته که در شب پانزدهم این ماه حضرت امام زین العابدین علیه السلام متولد شده است و روز شریفیست و مستحب است که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادت و تصدق بجا آورند و شیخ طوسی گفته است که فتح بصره برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیز در این روز میسر شد مؤلف گوید که زیارت هر دو امام علیهما السلام در این روز مناسبست و اگر زیارت جامعه در این ایام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی بهتر است

فصل سوم در اعمال ماه جمادی الثانیه سید ابن طاوس رضی الله عنه روایت کرده که در این ماه هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکند بدو تسلیم و سلام در رکعت اول بعد از سوره فاتحه یکمرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دوم یکمرتبه الهیکم التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد و در رکعت سوم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء نصر الله و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید

سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر و هفتاد مرتبه

تنزیه میکنم خدا را و سپاس مر خدا راست و نیست معبودی بحق بجز خدا و خدا بزرگتر است

اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد پس سه مرتبه بگوید اللّهمّ اغفر للمؤمنین و المؤمنات
خداوندا درود و رحمت بفرست بر محمّد و آل محمّد بار خدایا بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را

پس سر بسجده بگذارد و سه مرتبه بگوید

یا حیّ یا قیّوم یا ذا الجلال و الاکرام یا الله یا رحمن یا رحیم یا ارحم الرّاحمین
ای زنده ای پاینده ای صاحب بزرگی و گرامی کردن ای خدا ای مهربان ای بخشاینده ای مهربان‌ترین مهربانان

پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید هر که چنین کند خدا جوش را و مالش را و فرزندانش را و دین و دنیای او را حفظ کند و اگر در آن سال بمیرد بشهادت بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ بزرگوار محمّد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که ولادت با سعادت حضرت فاطمه صلوات الله علیها در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شده و شهادت آنحضرت در سوم این ماه نیز واقع شده و شیخ طوسی و سید ابن طاوس و دیگران چنین ذکر کرده‌اند اگرچه در وفات منافی روایتی است که سابقا ذکر کردیم اما چون مشهور است و روایت معتبر دارد باید که در روز سوم مراسم تعزیت آنحضرت قیام نمایند و زیارت آنحضرت بکنند و لعن بسیار بر ظالمان آنحضرت و غاصبان حق او بکنند خصوصا ابوبکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در بیستم ماه زیارت آنحضرت بکنند چنانچه شیخ مفید گفته است و اظهار سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدقات و اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرت بدو طریق وارد شده است اول آنکه سید ابن طاوس روایت کرده است که هر که آنحضرت را زیارت بکند باین زیارت که بگوید

السّلام علیک یا سیّدة نساء العالمین السّلام علیک یا والدة الحجج علی النّاس اجمعین السّلام علیک ایّتها المظلومة الممنوعة حقّها
سلام بر تو باد ای بهترین زنان عالمیان سلام بر تو باد ای مادر حجتها بر مردم همه سلام بر تو باد ای ستم رسیده منع کرده شده از حق خود

پس بگوید اللّهمّ صلّ علی امتک و ابنة نبیّک و زوجة وصیّ نبیّک
بار خدایا درود و رحمت بفرست بر کنیز خود و دختر پیغمبر خود و زن وصی پیغمبر خود

صَلٰوةً تُزْلِفُهَا فَوْقَ زُلْفَى عِبَادِكَ الْمُكْرَمِينَ مِنْ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَاَهْلِ الْاَرَضِينَ

درودی که منزلت مرا و را بالاتر از منزلت بنده‌های تو که گرامی کرده شده اند از اهل آسمانها و اهل زمینها

پس طلب آمرزش کند از خدای تعالی از گناهان و را با مرزد و او را داخل بهشت کرداند و این زیارت مختصر

و همه وقت می‌توان کرد ... زیارت بسیار طیب است که علما ذکر کرده اند در کتب زیارات بسند معتبر رسیده و آن زیارت این است

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللّٰهِ

سلام بر تو باد ای دختر پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای دختر پیغمبر خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللّٰهِ

سلام بر تو باد ای دختر دوست خدا سلام بر تو باد ای دختر دوست خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ اَمِينِ اللّٰهِ

سلام بر تو باد ای دختر برگزیده خدا سلام بر تو باد ای دختر امانت دار خدا

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ اَفْضَلِ

سلام بر تو باد ای دختر بهترین خلق خدا سلام بر تو باد ای دختر بهتر

اَنْبِيَاءِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا سَيِّدَةَ

پیغمبران خدا سلام بر تو باد ای دختر بهترین خلق سلام بر تو باد ای سرور

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللّٰهِ

زنان عالمیان از پیشینیان و پسینیان سلام بر تو باد ای زن ولی خدا

وَخَيْرِ خَلْقِهِ بَعْدَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا اُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

و بهترین خلق او بعد از رسول خدا سلام بر تو باد ای مادر حسن ع و حسین ع

سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا اُمَّ الْمُؤْمِنِينَ

دو سرور جوانان بهشت سلام بر تو باد ای مادر مومنان

اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا

سلام بر تو باد ای صدیقه شهیده سلام بر تو باد ای

الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الصّادِقَةُ الرَّشيدَةُ اَلسَّلامُ
پسندیده خدا و کسیکه خدا از وراضیست سلام بر تو باد ای راستگو راه یاب سلام

عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْفاضِلَةُ الزَّكِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْحَوْراءُ الْاِنْسِيَّةُ
بر تو باد ای صاحب عقل پاک سلام بر تو باد ای حور آدمیان

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ
سلام بر تو باد ای پاک پاکیزه سلام بر تو باد ای محدثه

الْعَليمَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ
دانا سلام بر تو باد ای صاحب عصمت ستمرسیده سلام بر تو باد

اَيَّتُهَا الطّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَغْصُوبَةُ
ای پاک پاک کرده شده سلام بر تو باد ای قهر کرده شده غصب کرده شده

اَلسَّلامُ عَلَيْكِ اَيَّتُهَا الْغَرّاءُ الزَّهْراءُ اَلسَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةُ بِنْتَ مُحَمَّدٍ
سلام بر تو باد ای نورانی تابنده روی سلام بر تو باد ای فاطمه دختر محمد

رَسُولِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْكِ يا مَوْلاتي وَابْنَةَ
پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او و درود فرستد خدا بر تو ای مالکه من و دختر

مَوْلايَ وَعَلى رُوحِكِ وَبَدَنِكِ وَاَشْهَدُ اَنَّكِ مَضَيْتِ عَلى بَيِّنَةٍ
آقای من و بر روح تو و بدن تو و گواهی میدهم براینکه گذشتی از دنیا به برهان

مِنْ رَبِّكِ وَاَنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ اللهَ وَمَنْ جَفاكِ فَقَدْ جَفا
از جانب پروردگار خود و براینکه هر که ترا شاد کرد پس تحقیق شاد کرد خدا را و هر که جفا کرد بر تو پس تحقیق جفا کرد

رَسُولَ اللهِ وَمَنْ آذاكِ فَقَدْ آذى رَسُولَ اللهِ وَمَنْ وَصَلَكِ
پیغمبر خدا و هر که ایذا بتو رساند پس تحقیق ایذا کرد پیغمبر خدا را و هر که پیوست بتو

فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللهِ وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللهِ لِاَنَّكِ
پس تحقیق پیوست به پیغمبر خدا و هر که برید از تو پس تحقیق برید از پیغمبر خدا از جهت آنکه تو

بضعة منه وروحه التي بين جنبيه كما قال عليه افضل الصلوة

پاره از رسول خدا و روح او آن روحی که میان دو پهلوی اوست چنانچه گفت آنحضرت بر او بهترین درود

واكمل السلام اشهد الله وملائكته اني ولي لمن والاك وعدو

و کامل‌تر سلام که گواه میگیرم خدا و فرشتگان او را بر اینکه من دوستم مرکسی که دوست دارد ترا و دشمنم

لمن عاداك وحرب لمن حاربك انا يا مولاتي بك وبابيك وبعلك

مر کسی را که دشمنی کند با تو و جنگم با هر کسی که محاربه کند با تو من ای مالکه من بتو و بپدر تو و شوهر تو

والائمة من ولدك موقن بولايتهم مؤمن وبطاعتهم ملتزم اشهد

و با امامان از فرزندان تو یقین دارنده ام بدوستی ایشان ایمان دارنده ام و بطاعت ایشان لازم گیرنده ام گواهی

ان الدين دينهم والحكم حكمهم وهم قد بلغوا عن الله عز

بر اینکه دین دین ایشانست و فرمان فرمان ایشانست و ایشان تحقیق تبلیغ کردند از جانب خدا که عا

وجل ودعوا الى سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة لا تأخذهم

و بزرگست و خواندند بسوی راه خدا بحکمت و پند نیک نمیگیرد ایشان را

في الله لومة لائم وصلوات الله عليك وعلى ابيك وبعلك

در راه خدا سرزنش سرزنش کننده و درود خدا بر تو باد و بر پدر تو و شوهر تو

وذريتك الائمة الطاهرين اللهم صل على محمد واهل بيته وصل

و فرزندان تو که امامان پاکند ای خدا درود فرست بر محمد و اهل بیت او و درود فرست

على البتول الطاهرة الصديقة المعصومة التقية النقية الرضية

بر بتول پاک بسیار صدق کننده نگاهداشته شده از خطا پرهیزکار پاک پسندیده

الرشيدة المظلومة المقهورة المغصوبة حقها الممنوعة ارثها

راه یافته ستم رسیده قهر کرده شده گرفته شده حق او باز داشته شده میراث

المكسورة ضلعها المظلوم بعلها المقتول ولدها فاطمة بنت رسولك

شکسته پهلوی او ستم رسیده شوهر او کشته شده فرزند او فاطمه دختر پیغمبر تو

وبضعة لحمه وصميم قلبه وفلذة كبده والنخبة منك له والتحفة

و پارهٔ گوشت او و خالص دل او و پارهٔ جگر او و برگزیده از جانب تو برای او و تحفه

خصصت بها وصيه وحبيبة المصطفى وقرينة المرتضى وسيدة

که خالص گردانیدی بآن وصی او را و دوست او را که برگزیده است و قرین او را که پسندیده است و بزرگ

النساء ومبشرة الاولياء وحليفة الورع والزهد وتفاحة

زنان و بشارت دهندهٔ دوستان هم عهد پارسائی و زاهدی و سیب

الفردوس والخلد التي شرفت مولدها بنساء الجنة وسللت

بهشت و جنت آنکه شرف دادی مولد او را بزنان بهشت و بر آوردی

منها انوار الائمة وارخيت دونها حجاب النبوة اللهم صل

از او نورهای امامان را و افکندی نزد او پردهٔ نبوت را بار خدایا درود بفرست

عليها صلوة تزيد في محلها عندك وشرفها لديك ومنزلتها

بر او درودی که بیفزاید در منزلت او نزد تو و بزرگی او پیش تو و قدر او

من رضاك وبلغها منا تحية وسلاما وآتنا من لدنك في حبها

از رضای تو و برسان او را از جانب ما تحیت و سلام و بده ما را از نزد خود در دوستی او

فضلا واحسانا ورحمة وغفرانا انك ذو العفو الكريم

زیادتی و عطا و نیکی و بخشایش و آمرزش بدرستیکه تو صاحب بخشش بزرگی

وسید ابن طاوس علیه الرحمه گفته است که پس نماز زیارت بکن اگر توانی نماز آنحضرت را بجا آوری

آن دو رکعت است و در هر رکعت بعد از فاتحه شصت مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان اگر نتوانی

دو رکعت بکن در رکعت اول بعد از فاتحه یک مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم

یک مرتبه قل یا ایها الکافرون بخوان بعد از نماز تسبیح آنحضرت را بگو و این دعا بخوان

اللهم اني اتوجه اليك بنبينا محمد وباهل بيته صلواتك عليهم

بار خدایا بدرستیکه من متوجه میشوم بسوی تو بوسیلهٔ پیغمبر ما محمد و بوسیلهٔ اهل بیت او و درود های خدا بر ایشان باد

وَاسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ الْعَلِيمِ الَّذِي لَا يَعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ وَاسْأَلُكَ

بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَكَ عَظِيمٌ وَبِاَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي اَمَرْتَنِي اَنْ

اَدْعُوَكَ بِهَا وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الَّذِي اَمَرْتَ بِهِ اِبْرَاهِيمَ

اَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَاَجَابَتْهُ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ

كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى اِبْرَاهِيمَ فَكَانَتْ بَرْدًا وَبِاَحَبِّ الْاَسْمَاءِ اِلَيْكَ

وَاَشْرَفِهَا وَاَعْظَمِهَا لَدَيْكَ وَاَسْرَعِهَا اِجَابَةً وَاَنْجَحِهَا طَلِبَةً وَبِمَا اَنْتَ

اَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ وَاَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ وَاَرْغَبُ اِلَيْكَ

وَاَتَضَرَّعُ وَاُلِحُّ عَلَيْكَ وَاَسْأَلُكَ بِكُتُبِكَ الَّتِي اَنْزَلْتَهَا عَلَى اَنْبِيَائِكَ

وَرُسُلِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ مِنَ التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ

الْعَظِيمِ فَاِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْاَعْظَمَ وَبِمَا فِيهَا مِنْ اَسْمَائِكَ الْعُظْمٰى اَنْ تُصَلِّيَ

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُفَرِّجَ عَنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَعَنِّي

وتفتح ابواب السماء لدعائی وترفعه فی علیین وتأذن فی هذا الیوم

و بگشائی درهای آسمان بجهت دعای من و بلند کنی آن دعا را در علیین اذن دهی در این روز

وفی هذه الساعة بفرجی واعطاء املی وسؤلی فی الدنیا والاخرة

و در این ساعت بگشایش من و بخشیدن امید مرا و سوال مرا در دنیا و آخرت

یا من لا یعلم احد کیف هو وقدرته الا هو یا من سد الهواء

ای کسیکه نمیداند احدی چگونه است او و قدرت او را مگر او ای کسیکه بست هوا را

بالسماء وکبس الارض علی الماء واختار لنفسه احسن الاسماء یا

بآسمان و انباشت زمین را برآب و اختیار کرد برای ذات خود نیکوترین نامها را ای

من سمی نفسه بالاسم الذی یقضی به حاجة من یدعوه اسألک بحق

کسیکه نامید ذات خود را بنامیکه روا میشود بآن نام حاجت کسیکه میخواند او را سوال میکنم از تو بحق

ذلک الاسم فلا شفیع اقوی لی منه ان تصلی علی محمد وآل محمد و

آن نام پس نیست شفاعت کننده قویتر برای من از آن نام اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد

تقضی لی حوائجی وتسمع بمحمد وعلی وفاطمة والحسن والحسین وعلی

اینکه روا کنی برای من حاجتهای مرا و بشنوانی با محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی

بن الحسین ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن

پسر حسین و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر

موسی ومحمد بن علی وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة المنتظر لاذنک

موسی و محمد پسر علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و حجت بسیار انتظار کشنده مر اذن

صلواتک وسلامک ورحمتک وبرکاتک علیهم صوتی لیشفعوا

درودهای تو و سلام تو و رحمت تو و برکتهای تو بر ایشان باد آواز مرا تا شفاعت کنند

لی الیک وتشفعهم فی ولا تردنی خائبا بحق لا اله الا انت

برای من بسوی تو و شفیع کنی ایشان را در حق من و بر مگردانی مرا ناامید بحق نیست معبودی بجز تو

پس حاجتهای خود را طلب کن که بر آورده است باب سیم در اعمال هر ماه است بدانکه وارد شده که چون ماه نو را ببینی خواه در شب اول و خواه دوم و خواه سوم مستحب است که دعاهای منقول را بخوانند و بهترین آنها دعای صحیفهٔ کامله است که دعای چهل و سوم است و هفت مرتبه سورهٔ حمد خواندن برای دفع درد چشم منقولست و اندک پنیر خوردن گفته اند مستحب است و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نیکو لقمه است پنیر دهان را شیرین و خوشبو میکرداند و اشتهای طعام می آورد و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول ماه بخورد حاجت او رد نمی شود و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سورهٔ فاتحه سورهٔ انعام بخواند و از حقتعالی سوال کند که او را از هر ترسی و دردی ایمن گرداند نه بیند در آن ماه امری که مکروه او باشد و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقولست که چون ماه تازه در آید روز اول ماه دو رکعت نماز بکن در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد سی مرتبه سورهٔ انا انزلناه بخوان پس تصدقی بکن چون چنین کنی سلامتی آن ماه را از حق تعالی خریده و در روایت دیگر وارد است که مستحب است که بعد از این دو رکعت این دعا بخوانند

بسم الله الرحمن الرحیم

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِی الْاَرْضِ اِلَّا عَلَی اللهِ رِزْقُهَا وَیَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ
و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر بر خداست روزی او و میداند قرارگاه او را و

مُسْتَوْدَعَهَا کُلٌّ فِی کِتَابٍ مُبِیْنٍ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَاِنْ یَمْسَسْکَ اللهُ
جای امانت او را همه در لوح محفوظ است بنام خدای بخشاینده مهربان و اگر مساس کند ترا خدا

بِضُرٍّ فَلَا کَاشِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ وَاِنْ یُرِدْکَ بِخَیْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ یُصِیْبُ
برنجی و آسیبی پس نیست برطرف کننده آنرا غیر او و اگر اراده کند ترا بخیر پس نیست رد کننده مر نیکی او را میرساند

بِهِ مَنْ یَشَاءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَهُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِیْمُ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
آنرا بهر که خواهد از بندهای خود و او ست آمرزنده مهربان بنام خدای بخشاینده مهربان

که بر او مست کذار حق تعالی ثواب روزه یکسال برای او بنویسد اکر این سه روز را در اول ماه و میان
ماه یا آخر ماه بعمل آورد خوبست و فی الجمله متابعت سنت کرده است و ثواب روزه سال در
بیابد حقتعالی فرموده است که من جاء بالحسنة فله عشر امثالها یعنی هر که حسنه بدرکاه خدا بیاورد برای
او هست ده برابر آن و این مضمون در احادیث بسیار وارد شده است اما بهتر آنست که پنجشنبه
باشد که اول مذکور شد و از جمله روزهای سنت هر ماه روزهای ایام البیض است یعنی سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم و احادیث در فضیلت این سه روز از طرق عامه و خاصه منقولست و در بعضی
از روایات وارد شده است که چون حضرت آدم علیه السلام مرتکب آن ترک اولی کردید و از بهشت
او را بزمین فرستادند بدنش سیاه بود تا بعد از قبول توبه [illegible] سیاهی از بدن او باقی مانده بود چون
ملائکه این حالت را در او دیدند خروش بر آوردند و کریستند و استغاثه کردند بدرکاه حقتعالی پس وحی شد
که امروز را روزه بدار و آن روز سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث آن سیاهی
برطرف شد پس روز چهاردهم ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار چون روزه داشت ثلث دیگر
دیگر برطرف شد پس روز پانزدهم باز ندا رسید از آسمان چون روزه داشت تمام سیاهی
برطرف شد پس باز ندا رسید از آسمان که ای آدم این سه روز را برای تو و فرزندان تو
مقرر کردم هر که در هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود روزه داشته
باشد و این با آنچه گفته است که روز پنجشنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده است
منافات ندارد که هر دو سنت باشد و روز پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میان بهتر باشد اما
اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
روایت کرده است که جبرئیل بمن نازل شد و گفت که بگو بعلی علیه السلام که روزه بدارد از هر ماه سه روز تا آنکه
برای تو بنویسند روزه اول را روزه ده هزار سال و روزه دوم را روزه سی هزار سال و روزه
روز سوم را روزه صد هزار سال حضرت امیر علیه السلام گفت یا رسول الله این ثواب خاص من است
یا برای همه کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها را روزه بدارد این ثواب
برای او خواهد بود گفت کدام روزهاست آنها فرمود که سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه

روزهای مرغوب در روزه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است برای کسیکه حاجتی داشته باشد
چنانچه در ربیع الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت ذکر کرده‌ام و مشهور میان علما آنست که
هر پنجشنبه و جمعه را روزه گرفتن سنت است مگر آنکه موافق یکی از ایام محرمه یا مکروهه واقع شود
بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که کسیکه اراده عمل خیری داشته باشد مثل
تصدق کردن و روزه داشتن و مثل اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز
جمعه مضاعف است و ابن جنید گفته که مستحب است در جمعه تنها روزه گرفتن و اگر ملحق سازد
بآن یکروز پیش یا یک روز بعد اجازت و گفته است استحباب روزه روز دوشنبه و پنجشنبه منسوخ
است و روزه روز شنبه نهی از آن وارد شده است علامه گوید که اکثر آنچه ابن جنید گفته خلاف
مشهور میان علماست و شیخ طوسی علیه الرحمه در مصباح گفته است که ترغیب در روزه روز جمعه
وارد شده است و بهتر آنست که آنرا تنها روزه ندارد مگر آنکه یک روز پیش روزه بدارد و گمان فقیر
آنست که نهی از تنها گرفتن روزه روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این حدیث را
از ابوهریره علیه اللعنه نقل کرده‌اند و بعضی از علما نهی از روزه روز جمعه را حمل کرده‌اند بر
کراهیت آن در صورتیکه آدمی ضعیف گرداند از فرائض و نوافل و دعاهای روز جمعه و این حمل
بد نیست و اما روزه روز شنبه چنانچه ابن جنید گفته نهی از روزه آن واقع شده است و بهتر ترک است خصوصا اگر
بقصد برکت روز شنبه باشد مگر آنکه با روز متبرکی از روزهای سال موافق شود مثل عید غدیر و مبعث و مولد
و امثال اینها و نهی از روزه شنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم در روزه آن بخاطر ندارم مگر آنکه
شیخ مفید روایت کرده است که هرکه در یکی از ماههای حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم
پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد حقتعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال بنویسد

باب یازدهم

در بیان زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است بغیر آنچه سابق مذکور شد
بدانکه زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی در همه اوقات از نزدیک و دور مستحب موکد است و
بعد از غسل باشد افضل است خصوصا در شب و روز جمعه و سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر

به تفصیل ذکر کرده‌ام و درین مقام بذکر چند زیارت بعیده زیارت جامع و دعائی به صلوات فرستادن
بر ایشان اکتفا می‌نمایم اما زیارت حضرت رسالت پناه صلعم از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که خدا را ملکی چند هست که سیر میکنند در زمین هر که از امت من بر من سلامی میفرستد بمن
میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ملکی از ملائکه از خدا سؤال نمود
که هر چه بندگان خدا گویند او بشنود و حقتعالی باو عطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت
و هر که از مؤمنان بگوید صلی الله علی محمد و آله و سلم البته آن ملک میگوید علیک یعنی بر تو باد سلامی
پس آن ملک میگوید یا رسول الله فلان شخص سلام رسانیده است بشما پس حضرت میفرماید علیه السلام یعنی
بر او باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلعم فرمود
که هر که در هر جای زمین بر من سلام کند بمن میرسد هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و در حدیث حسن
از حضرمی منقولست که حضرت صادق علیه السلام مرا امر فرمود که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه
و آله بسیار نماز کنم تا توانم و فرمود که همیشه میسر نمی‌شود که باین مکان شریف بیائی و فرمود که حضرت
رسول صلعم میفرمود گفتم بلی فرمود که بدرستیکه سلامی که از نزدیک میکنی بآنحضرت میشنود و اگر دور
باشی سلام تو بآنحضرت میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر که بیاید بمدینه و سلام
کنید بر رسول خدا هر چند صلوات مؤمنان از هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از
آنحضرت منقولست که صلوات بفرستید بر محمد صلعم در پهلوی قبر آنحضرت هر چند صلوات مؤمنان
در هر جا که بفرستند بآنحضرت میرسد و این حدیث احتمال نماز هدیه دارد که در نزدیک قبر
نماز کنند و ثوابش را هدیه روح مقدس آنحضرت کنند و احادیث صلوات و سلام بر آن
حضرت و زیارت آنحضرت در شهرهای دور بسیار است و بسند صحیح منقولست که ابن
ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات
و سلام بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله باید فرستاد فرمود که می‌گوئی

السَّلَامُ عَلَیْكَ یَا رَسُولَ اللهِ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَیْكَ

سلام باد بر تو ای پیغمبر خدا و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر تو باد

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ

ای محمد بن عبدالله سلام بر تو باد ای برگزیده خدا سلام بر تو باد ای دوست خدا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ

سلام بر تو باد ای برگزیده خدا سلام بر تو باد ای امانت دار خدا گواهی میدهم بدرستیکه تو

رَسُولُ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ

پیغمبر خدائی و گواهی میدهم بدرستیکه محمد پسر عبدالله هستی و گواهی میدهم بدرستیکه تو نصیحت کردی مر امت خود را

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللَّهُ

و جهاد کردی در راه پروردگار خود و پرستیدی او را تا آمد ترا مرگ پس جزا دهد ترا خدا

يَا رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

ای پیغمبر خدا بهتر آنچه جزا داده پیغمبری را از امت او بار خدایا درود بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

و آل محمد بهتر درودیکه فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگی

و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول صلی الله علیه وآله و قبر حضرت امیرالمؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و قبرهای حجتهای خدا را صلوات الله علیهم اجمعین و او در شهر خود باشد پس غسل کند در روز جمعه و جامه پاکیزه بپوشد و بیرون رود به صحرا پس چهار رکعت نماز بگذارد و بخواند در آنها هر سوره که میسر شود پس بایستد رو بقبله و بگوید

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام باد بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر تو باد

أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضَى وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ وَالسِّبْطَانِ

ای پیغمبر فرستاده شده و وصی پسندیده و فاطمه زهرا و دو نبیره

الْمُنْتَجَبَانِ وَالْأَوْلَادُ الْأَعْلَامُ وَالْأُمَنَاءُ الْمُنْتَجَبُونَ جِئْتُ انْقِطَاعاً

برگزیده و فرزندان نشانهای هدایت و امینان برگزیدگان آمدم در حالتیکه بریدم از دیگران

إليكم وإلى آبائكم وولدكم الخلف على بركة الحق فقلبي لكم مسلّم

بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزندان شما باز مانده رشید بر برکت حق پس دل من برای شما اطاعت کننده است

ونصرتي لكم معدّة حتى يحكم الله لدينه فمعكم معكم لا مع عدوّكم

و یاری من مر شما را مهیا کرده شده است تا حکم کند خدا برای دین خود پس با شمایم با شمایم نه با دشمن شما

إني لمن القائلين بفضلكم مقرّ برجعتكم لا أنكر لله قدرة ولا أزعم

بدرستیکه من هر آینه از اقرار کنندگانم بفضل شما اقرار کننده ام بباز گشت شما انکار نمی کنم از برای خدا قدرتی را و گمان نمی کنم

إلا ما شاء الله سبحان الله ذي الملك والملكوت يسبّح الله بأسمائه جميع

مگر آنچه خواهد خدا تنزیه میکنم خدا را که خداوند پادشاهی عالم سفلی و عالم علوی است تسبیح میکنند خدا را باسمای او همه

خلقه والسلام على أرواحكم وأجسادكم والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

آفریدگان او و سلام بر روحهای شما و بدنهای شما و سلام بر شما و رحمت خدا و برکتهای او

در روایت دیگر وارد شده است که این زیارت را بر بام خانه خود بکن و زیارت حضرت فاطمه علیها السلام سابقا مذکور شد و اما زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بسند معتبر از سدیر صراف منقولست که گفت که حضرت صادق علیه السلام بمن گفت که چه باک است از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین علیه السلام را در هر هفته پنجشنبه یا در هر روز یکمرتبه گفتم فدای تو شوم میان من و میان آنحضرت فرسخهای بسیار است فرمود که بالا میروی بر بام خانه خود پس ملتفت میشوی بجانب راست و چپ خود و پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی پس رو بجانب قبر آنحضرت می گردانی و می گوئی

السلام عليك يا أبا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله

سلام بر تو باد ای ابو عبد الله سلام بر تو باد ای پسر رسول خدا

السلام عليك ورحمة الله وبركاته

سلام بر تو باد و رحمت خدا و برکتهای او

تا نوشته شود برای تو ثواب حجی و عمره سدیر گفت که بسیار است که من در یک روز زیاده از

بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند صحیح از آنحضرت منقولست که ناحیه اش بعید و خانه اش دور باشد از پایین بالا رود و بر بام خانه خود رود و دو رکعت نماز بگذارد و اشاره کند بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در حدیث معتبر منقولست از سلیمان بن عیسی که گفت بپدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق علیه السلام که چگونه ترا زیارت کنم هرگاه قادر بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی اگر قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانه خود و دو رکعت نماز بکن متوجه شو بسوی من بدرستیکه هر که مرا زیارت کند در حیات من چنانست که مرا زیارت کرده است بعد از موت من و کسیکه مرا زیارت کند بعد از من چنانست که مرا زیارت کرده باشد در حیات مولف گوید که این حدیث دلالت میکند بر آنکه در زمانها حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه او در همه موضع زیارت توان کرد و اگر در سامره کند در قرب زیارت بهتر است و بعضی از زیارات مخصوصه آنحضرت مذکور خواهد شد انشاء الله تعالی و در حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق علیه السلام بسدیر فرمود که بسیار زیارت میکنی قبر حسین بن علی علیه السلام گفت از بسیاری شغل میسر نمیشود فرمود که میخواهی ترا چیزی تعلیم نمایم که هرگاه نتوانی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود گفتم بلی فدای تو شوم فرمود که غسل بکن در خانه خود و بالا رو بر بام خانه خود و اشاره کن بجانب آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حنان بن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق علیه السلام نزد آنحضرت جماعتی از اصحاب او بودند پس فرمود که ای حنان زیارت حضرت امام حسین علیه السلام میکنی هر ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود هر سال یکمرتبه گفت نه فرمود چه بسیار جفا کار شده اید با آقای خود گفت یا ابن رسول الله مانع من کمی توشه و دوری مسافت است فرمود که میخواهی که شما را دلالت کنم بر زیارتی که مقبول باشد هر چند زیارت کننده دور باشد گفت چگونه زیارت کنم یا ابن رسول الله فرمود که غسل کن در روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش پاکترین جامه های خود را و بالا رو بر بلندترین جاهای خانه خود و یا برو بصحرا و رو بجانب قبر کن بگو

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ وَ ابْنَ مَوْلَایَ وَ سَیِّدِی وَ ابْنَ سَیِّدِی اَلسَّلَامُ

سلام بر تو باد ای آقای من و پسر آقای من و سرور من و پسر سرور من سلام

علیک یا مولای یا قتیل ابن القتیل الشهید ابن الشهید السلام علیک

بر تو باد ای آقای من ای کشته شده پسر کشته شده شهید پسر شهید سلام بر تو باد

ورحمة الله وبرکاته انا زائرک یا ابن رسول الله بقلبی ولسانی وجوارحی

ورحمت خدا و برکتهای او من زیارت کننده توام ای پسر پیغمبر خدا بدل خود و زبان خود و اعضای خود

وان لم ازرک بنفسی والمشاهدة لقبتک فعلیک السلام یا وارث

واگرچه زیارت نکردم ترا بنفس خود و معاینه کردن قبه روضه ترا پس بر تو سلام ای وارث

آدم صفوة الله و وارث نوح نبی الله و وارث ابراهیم خلیل الله

آدم برگزیده خدا و وارث نوح پیغمبر خدا و وارث ابراهیم دوست خدا

و وارث موسی کلیم الله و وارث عیسی روح الله وکلمته و وارث

و وارث موسی هم سخن خدا و وارث عیسی روح خدا و سخن خدا و وارث

محمد حبیب الله ونبیه ورسوله و وارث علی امیر المؤمنین ووصی

محمد دوست خدا و پیغمبر او و فرستاده او و وارث علی سردار مومنان و وصی

رسول الله وخلیفته و وارث الحسن بن علی وصی امیر المؤمنین

پیغمبر خدا و جانشین او و وارث حسن پسر علی وصی سرور مومنان

لعن الله قاتلیک وجدد علیهم العذاب فی هذه الساعة وفی کل

لعنت کند خدا کشندگان ترا و تازه نماید برایشان عذاب را در این ساعت و در هر

ساعة انا یا سیدی متقرب الی الله جل عزه والی جدک رسول الله و

ساعت من ای سرور من تقرب جویم بسوی خدا که بزرگ است و غالب و بسوی جد تو که پیغمبر خداست

الی ابیک امیر المؤمنین والی اخیک الحسن والیک یا مولای علیک

بسوی پدر تو که امیر مومنانست و بسوی برادر تو حسن و بسوی تو ای آقای من بر تو باد

سلام الله ورحمته وبرکاته بزیارتی لک بقلبی ولسانی وجمیع جوارحی

سلام خدا و رحمت او و برکتهای او بزیارت خود مر ترا بدل و زبان خودم تمام اعضای خودم

فَكُنْ يَا سَيِّدِي شَفِيعِي لِقَبُولِ ذٰلِكَ مِنِّي وَأَنَا بِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ

پس باش ای سرور من شفاعت کننده من بجهت قبول این زیارت از من و من بیزارم از دشمنان تو

وَاللَّعْنَةِ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللّٰهِ وَإِلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ فَعَلَيْكَ

و لعنت کردن ایشان او بر ایشان تقرب میجویم بسوی خدا و بسوی شما همه پس بر تو باد

صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَرِضْوَانُهُ وَرَحْمَتُهُ

درودهای خدا و خوشنودی او و رحمت او

پس اند کی میکرد می بجانب جیب خود و میکرد الی بسوی قبر علی بن الحسین علیه السلام که او نزد پای پدر خود مدفون است و سلام میکنی به این مثل این سلام پس عا می کنی و می طلبی حاجتهای دنیا و آخرت خود را پس چهار رکعت نماز میگذاری که نماز زیارت هشت رکعت است یا شش رکعت یا چهار رکعت یا دو رکعت و بهتر هشت رکعت است پس میکنی بجا قبر امام علیه السلام و میگوئی

أَنَا مُوَدِّعُكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي

من وداع کننده توام ای آقای من و پسر آقای من سرور من و پسر سرور من

وَمُوَدِّعُكَ يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُوَدِّعُكُمْ

و وداع کننده توام ای سرور من و پسر سرور من ای علی پسر حسین و وداع کننده شمایم

يَا سَادَتِي يَا مَعْشَرَ الشُّهَدَاءِ فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللّٰهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ

ای سروران من ای جماعت شهیدان پس بر شما باد سلام خدا و رحمت او و برکتهای او و خشنودی او

مولف گوید که چون عبارت این حدیث تشویش و اضطرابی دارد و چند احتمال دارد و بهتر است که همین زیارت را با وداع چنانچه نزد قبر شریف میخوانند و بقبله نیز میکنند و میخوانند تا آنکه بهمه احتمالات عمل کرده باشد و در زیارت علی بن الحسین بجای وارث و در همه جا این وارث میخوانند یا از وارث قصد وراثت امامت و خلافت نکنند زیرا که آنحضرت امام نبوده است بدانکه این حدیث دلالت میکند بر آنکه از دور که زیارت کنند نماز زیارت را بعد از زیارت باید کنند و احادیث بسیار دلالت کرده بر آنکه پیش باید کرد و دور نیست که مخیر باشد و اگر این زیارت را کنند

بهمین نحو که وارد شده است بکنند و ازین احادیث معلوم شد که غسل از برای زیارت بعید مستحبست و از بعضی مفهوم میشود که بی غسل نیز می توان کرد و از بعضی عمومات مستفاد میشود که بهر جائی میتوان کرد چنانکه اکثر علما گفته اند و اگر در بام خانه یا در صحرا واقع سازد احوط و اولی است و بحدیث معتبر از حسین ابن ثویر منقولست که بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم که من بسیار است که از زیارت امام حسین علیه السلام باز میمانم چه کنم فرمود که مرتبه بگو صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْكَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ که سلامت بآنحضرت میرسد از نزدیک و دور و شیخ طوسی علیه الرحمة ذکر کرده است که زیارت میتوان کرد ائمه صلوات الله علیهم را از نزدیک و دور چنانچه از نزدیک ایشان را زیارت میکنند اما در جائیکه اَتَیْتُكَ زَائِرًا باشد نگوید بلکه بگوید

قَصَدْتُكَ بِقَلْبِی زَائِرًا اِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُوْرِ مَشْهَدِكَ وَ وَجَّهْتُ اِلَیْكَ

قصد کردم ترا بدل خود در حالت زیارت ازینجهت که عاجز شدم از حاضر شدن قبر تو و متوجه ساختم بسوی تو

سَلَامِی لِعِلْمِی اَنَّهُ یَبْلُغُكَ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْكَ فَاشْفَعْ لِی عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَ عَزَّ

سلام خود را از جهت علم من بآنکه آن سلام میرسد بتو درود فرستد خدا بر تو پس شفاعت کن مرا نزد پروردگار خود که بزرگست و غالب

و دعا کن آنچه خواهی و بعضی از اکابر علما روایت کرده اند از ابو الحسن فارسی که گفت من بسیار زیارت حضرت امام حسین علیه السلام می رفتم پس چند بسبب پیری و کمال توفیق زیارت آنحضرت را نیافتم پس شبی حضرت رسول را در خواب دیدم که حضرت امام حسن و حضرت امام حسین علیهما السلام در خدمت آنحضرت بودند چون من نزدیک ایشان رسیدم حضرت امام حسین علیه السلام گفت یا رسول الله این مرد بسیار زیارت میکرد و اکنون ترک کرده است حضرت رسول متوجه من گردید و فرمود که آیا ترک زیارت مثل حسین ع می توان کرد گفتم یا رسول الله قلت مال و پیری مرا مانع از درک این سعادت گردیده است حضرت فرمود که هر شام بر بام خانه خود برو و بجانب شهادت بسوی قبر آنحضرت اشاره بکن و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلٰی جَدِّكَ وَ اَبِیْكَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ وَ عَلٰی اُمِّكَ وَ اَخِیْكَ

سلام بر تو باد و بر جد تو و پدر تو سلام بر تو باد و بر مادر تو و برادر تو

السلام علیک و علی الائمة من بنیک السلام علیک یا صاحب
سلام بر تو باد و بر امامان از پسران تو سلام بر تو باد ای صاحب
الدمعة الساکبة السلام علیک یا صاحب المصیبة الراتبة لقد اصبح
اشک ریزنده سلام بر تو باد ای صاحب مصیبت سخت هر آینه تحقیق گردید
کتاب الله فیک مهجورا و رسول الله فیک موتورا السلام علیک و رحمة الله
کتاب خدا درباره تو متروک و پیغمبر خدا در توجه خون ناگرفته مانده سلام بر تو باد و رحمت خدا
و برکاته السلام علی انصار الله و خلفائه السلام علی امناء الله و احبائه
و برکتهای او سلام باد بر یاوران خدا و خلفای او سلام باد بر امنای خدا و دوستان او
السلام علی محال معرفة الله و معادن حکمة الله و حفظة سر الله و حملة کتاب الله
سلام باد بر جاهای شناخت خدا و کانهای حکمت خدا و نگاهدارندگان راز خدا و بردارندگان کتاب خدا
و اوصیاء نبی الله و ذریة رسول الله صلی الله علیه و آله و رحمة الله و برکاته
و وصیت کردهای پیغمبر خدا و اولاد پیغمبر خدا و فرستاده خدا درود بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او
پس حاجت که خواهی از خدا سؤال کن پس از آن چنین کنی زیارت تو از نزدیک و در هر مشهد مستحب است
و اما زیارت سایر ائمه از نزدیک و در بهترین آنها زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران
به سند معتبر روایت کرده اند که شخصی از حضرت امام علی نقی علیه السلام سؤال نمود که التماس دارم که مرا
تعلیم نمائی سخنی بلیغ کامل که آن را بخوانم هرگاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه رسیدی بایست و بگو
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا صلی الله
گواهی میدهم بآنکه نیست معبودی بجز خدا تنها نیست شریکی مر او را و گواهی میدهم بآنکه هر آینه محمد درود خدا بر او و آل او
علیه و آله عبده و رسوله
بنده او و فرستاده او است
و باید که غسل کرده باشی پس چون داخل شوی قبر را ببینی بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس اندکی راه برو با آرامی و آرام تن
و گامها را نزدیک بیکدیگر بگذار پس بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیک قبر برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد تکبیر تمام شود

السلام عليكم يا اهل بيت النبوة وموضع الرسالة ومختلف الملائكة

سلام باد بر شما ای اهل خانه نبوت و جایگاه رسالت و محل آمدن فرشتگان

ومهبط الوحي ومعدن الرحمة وخزان العلم ومنتهى الحلم واصول الكرم

و جای فرود آمدن وحی و مکان رحمت و خزانه داران علم و نهایت بردباری و اصلهای کرم

وقادة الامم واولياء النعم وعناصر الابرار ودعائم الاخيار وساسة

و پیشروان امتها و کارگزاران نعمتها و بنیادهای نیکوکاران و ستونهای نیکان و [illegible]

العباد واركان البلاد وابواب الايمان وامناء الرحمن وسلالة

بندگان و رکنهای شهرها و درهای ایمان و معتمدان خداوند رحمن و فرزندهای

النبيين وصفوة المرسلين وعترة خيرة رب العالمين ورحمة الله وبركاته

پیغمبران و برگزیدگان فرستادگان و خویشان برگزیدگان پروردگار عالمیان و رحمت خدا و برکاتها

السلام على ائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام التقى وذوي النهى

سلام بر پیشوایان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانهای پرهیزکاری و صاحبان عقلها

واولي الحجى وكهف الورى وورثة الانبياء والمثل الاعلى والدعوة

و صاحبان خرد و پناه خلق و وارثان پیغمبران و مثل برتر و دعوت

الحسنى وحجج الله على اهل الدنيا والآخرة والاولى ورحمة الله وبركاته

نیکو و حجتهای خدا بر اهل دنیا و اهل سرای آخرت و اولی و رحمت خدا و برکتهای او

السلام على محال معرفة الله ومساكن بركة الله ومعادن حكمة الله

سلام بر مکانهای شناخت خدا و منزلهای برکت خدا و کانهای حکمت خدا

وحفظة سر الله وحملة كتاب الله واوصياء نبي الله وذرية رسول الله

و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و اوصیای پیغمبر خدا و ذریه رسول خدا

صلى الله عليه وآله ورحمة الله وبركاته السلام على الدعاة الى الله

درود فرستد خدا بر او و آل او و رحمت خدا و برکتهای او و سلام بر دعوت کنندگان بسوی خدا

وَالْأَدِلَّاءِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ وَالْمُسْتَقِرِّينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ

و دلالت نمایندگان بر خشنودی خدا و طلب آرامش کنندگان در امر خدا و کاملان در دوستی

اللَّهِ وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ وَعِبَادِهِ

خدا و خالص گردانندگان در یگانه پرستی خدا و آشکار کنندگان امر خدا و نهی او و بندگان او

الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

که گرامی داشته شدگانند آنانکه سبقت نمیگیرند بر خدا بسخن و ایشان بامر او عمل می نمایند و رحمت خدا و برکتهای او

السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ وَ

سلام بر پیشوایان دعوت کنندگان پیشروان راه نمایندگان سروران سالاران

الذَّادَةِ الْحُمَاةِ وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأُولِي الْأَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخِيَرَتِهِ وَحِزْبِهِ

و دفع کنندگان مضرت و حمایت نمایندگان اهل ذکر و صاحبان امر و باقیماندگان خدا و برگزیدگان خدا و گروه او

وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنْ

و ظرف علم او و حجت او و راه او و نور او و رحمت خدا و برکتهای او و گواهی میدهم که

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ

نیست معبودی بحق مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست شریکی مر او را همچنانکه گواهی داد خدا از برای خود و گواهی دادند

وَأُولُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ

و صاحبان علم از خلق او نیست معبودی بجز او که عزیز و حکیم است و گواهی میدهم باینکه حضرت محمد بنده

الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ

برگزیده او و رسول پسندیده اوست و فرستاده او را براهنمائی و دین ثابت تا غالب گرداند او را بر دین

كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمُ الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ

همه و اگرچه ناخوش دارند مشرکان و گواهی میدهم که شمائید پیشوایان راه یافتگان

الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ

نگاهداشته شدگان از خطا و تعظیم کرده شدگان مقربان پرهیزکاران راست گویان برگزیدگان

المطيعون لله القوامون بامره العاملون بارادته الفائزون بكرامته

اطاعت کنندگان خدا را بر پا دارندگان امر او و عمل نمایندگان باراده او و رسندگان بنوازش او

اصطفاكم بعلمه وارتضاكم لغيبه واختاركم لسره واجتباكم بقدرته

برگزید شما را برای علم خود و پسندید شما را از برای غیب خود و اختیار کرد شما را برای راز خود و انتخاب کرد شما را بقدرت خود

واعزكم بهداه وخصكم ببرهانه وانتجبكم لنوره وايدكم بروحه ورضيكم

و عزیز نمود شما را بهدایت خود و مخصوص کرد شما را بحجت خود و برگزید شما را برای نور خود و نصرت کرد شما را بروح خود و پسندید شما را

خلفاء في ارضه وحججا على بريته وانصارا لدينه وحفظة لسره وخزنة لعلمه

جانشینان در زمین خود و حجتها بر آفریدگان خود و یاری کنندگان از برای دین خود و نگهبانان برای راز خود و خزینه داران علم خود

ومستودعا لحكمته وتراجمة لوحيه واركانا لتوحيده وشهداء على

و محل ودیعه حکمت خود و بیان کنندگان وحی و ستونها برای یگانه پرستی خود و گواهان بر

خلقه واعلاما لعباده ومنارا في بلاده وادلاء على صراطه عصمكم الله

خلق خود و نشانها برای بندگان خود و علامت نمایان در شهرهای خود و دلالت نمایندگان براه خود نگاهداشت شما را خدا

من الزلل وآمنكم من الفتن وطهركم من الدنس واذهب عنكم الرجس و

از لغزش و ایمن گردانید شما را از فتنه ها و پاک گردانید شما را از آلایش و دور گردانید از شما پلیدی را

طهركم تطهيرا فعظمتم جلاله واكبرتم شانه ومجدتم كرمه وادمتم

پاک گردانید شما را پاک کردنی پس تعظیم نمودید بزرگواری او را و بزرگ شمردید شان او را و تعظیم کردید کرم او را و مداومت کردید

ذكره ووكدتم ميثاقه واحكمتم عقد طاعته ونصحتم له في السر والعلانية

یاد او را و استوار ساختید پیمان او را و محکم نمودید عقد فرمانبرداری او را و خالص نمودید از برای او در پنهان و آشکار

ودعوتم الى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة وبذلتم انفسكم في مرضاته

و خواندید مردم را بسوی راه او بحکمت و موعظت نیکو و دادید جانهای خود را در راه خوشنودی او

وصبرتم على ما اصابكم في جنبه واقمتم الصلوة وآتيتم الزكوة وامرتم

و شکیبائی کردید بآنچه رسید شما را در جنب او و بر پا داشتید نماز را و دادید زکوة را و امر نمودید

بالمعروف ونهيتم عن المنكر وجاهدتم في الله حق جهاده حتى أعلنتم

با نچه پسندیده است و نهی فرمودید از نچه ناپسندیده است و جهاد کردید در راه خدا چنانچه حق جهاد است

دعوته وبينتم فرائضه وأقمتم حدوده ونشرتم شرائع أحكامه وسننتم

دعوت او را و بیان نمودید واجبات او را و برپا داشتید حدود او را و پهن کردید احکام شرعیهٔ او را و جاری نمودید

سنته وصرتم في ذلك منه إلى الرضا وسلمتم له القضاء وصدقتم

طریقهٔ او را و گردیده اید در این باب رضای او خشنود و گردن نهادید از برای قضای او و تصدیق نمودید

من رسله من مضى فالراغب عنكم مارق واللازم لكم لاحق والمقصر

از پیغمبران او هر که را که گذشته است پس اعراض کنندهٔ از شما از دین بیرون رونده است و ملازم شما رسنده است و تقصیر کننده

في حقكم زاهق والحق معكم وفيكم ومنكم وإليكم وأنتم أهله ومعدنه

در حق شما نابود شونده و حق با شما و در میان شما و از جانب شما و بسوی شماست و شمائید اهل آن و کان آن

وميراث النبوة عندكم وإياب الخلق إليكم وحسابهم عليكم

و میراث پیغمبری نزد شماست و بازگشت خلق بسوی شماست و حساب خلق بر شماست

وفصل الخطاب عندكم وآيات الله لديكم وعزائمه فيكم ونوره

و خطاب فیصل نزد شماست و آیتهای خدا نزد شماست و عزیمتهای خدا در میان شماست و نور او

وبرهانه عندكم وأمره إليكم من والاكم فقد والى الله ومن عاداكم

و حجت او نزد شما و امر او بسوی شماست هر که دوستی کند با شما پس بتحقیق دوستی کرده خدا را و هر که دشمنی کند با شما

فقد عادى الله ومن أحبكم فقد أحب الله ومن أبغضكم فقد

پس بتحقیق دشمنی کرده با خدا و هر که دوست دارد شما را پس بتحقیق دوست داشته خدا را و هر که دشمن دارد شما را

أبغض الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله أنتم السبيل الأعظم

دشمن داشته خدا را و هر که چنگ زند بشما پس بتحقیق چنگ زده بخدا شمائید راه عظیم تر

والصراط الأقوم وشهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة

و شمائید راه راست تر و گواهان خانهٔ فنا و شفیعان سرای بقا و رحمت

الموصولة والآية المخزونة والأمانة المحفوظة والباب المبتلى به

بهم پیوسته و نشانهٔ بزرگی در خزانه نهاده شده و امانت حفظ کرده شده و درگاهی که امتحان کرده شدند به آن

الناس من أتاكم نجا ومن لم يأتكم هلك إلى الله تدعون

مردمان هر که بیاید بسوی شما پس تحقیق نجات یافت و هر که نیاید بسوی شما پس تحقیق هلاک شد بسوی خدا میخوانید

وعليه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون وبأمره تعملون وإلى سبيله

و بر او دلالت می‌کنید و با او می‌گروید و مر او را اطاعت می‌کنید و به امر او عمل می‌کنید و بسوی راه او

ترشدون وبقوله تحكمون سعد والله من والاكم وهلك من عاداكم

راه می‌نمایید و بگفته او حکم می‌کنید نیک بخت شد قسم بخدا هر که دوستی نمود با شما و هلاک شد هر که دشمنی نمود

وخاب من جحدكم وضل من فارقكم وفاز من تمسك بكم وأمن من لجأ

و ناامید شد هر که انکار کرد شما را و گمراه شد هر که مفارقت نمود از شما و رستگار شد هر که چنگ زد بشما و ایمن شد هر که پناه آورد

إليكم وسلم من صدقكم وهدي من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة مأواه

بسوی شما و سالم ماند هر که تصدیق نمود شما را و راه یافت هر که چنگ زد بشما هر که متابعت نمود شما را پس بهشت جای او است

ومن خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم مشرك

و هر که مخالفت نمود شما را پس آتش قرارگاه او است و هر که انکار کند شما را کافر است و هر که جنگ کند با شما مشرک است

ومن رد عليكم في أسفل درك من الجحيم أشهد أن هذا سابق لكم

و هر که رد کند بر شما در پست‌ترین طبقه است از جهنم گواهی میدهم که تحقیق این فضیلت سبقت گرفته برای شما

فيما مضى وجار لكم فيما بقي وأن أرواحكم ونوركم وطينتكم

در آنچه گذشته و جاری است از برای شما در آنچه باقی مانده و تحقیق که ارواح شما و نور شما و طینت شما

واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله أنوارا فجعلكم

یکی است پاکیزه است و پاک است بعضی از آنها از بعض دیگر آفرید شما را خدا نورها پس گردانید شما را

بعرشه محدقين حتى منّ علينا بكم فجعلكم في بيوت أذن الله

بعرش خود احاطه کنندگان تا آنکه منت گذاشت بر ما بشما پس قرار داد شما را در خانه‌هایی که رخصت داد خدا

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي أُشْهِدُ اللهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي

فدای شما باد پدر من و مادر من و اهل من و مال من و خویشان من گواه میگیرم خدا را و گواه میگیرم شما را بآنکه

مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ

ایمان آورده‌ام بشما و بآنچه ایمان آورید شما بآن و کافرم به دشمن شما و بآنچه اعتقاد ندارید شما بآن بینایم

بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ مُوَالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ

بحال شما و بگمراهی هرکه مخالفت نمود با شما دوستی کننده‌ام با شما و با دوستان شما و دشمنم با دشمنان شما

وَمُعَادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ

و عداوت کننده‌ام با ایشان صلحم با هرکه صلح کرد با شما و جنگم با هرکه جنگ کرد با شما تصدیق نماینده‌ام تحقیق شما

مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ

باطل کننده‌ام آنچه را باطل کردید اطاعت کننده‌ام شما را شناسای حق شما اقرار کننده‌ام بفضل شما بردارنده‌ام علم شما را

مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ

پناه گیرنده‌ام با مان شما اعتراف نماینده‌ام بشما و ایمان ورزنده‌ام به بازگشت شما تصدیق نماینده‌ام رجعت شما

لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ

امر شما را چشم براهم دولت شما را گیرنده‌ام بفرموده شما عمل کننده‌ام بامر شما پناه جوینده‌ام بشما

زَائِرٌ لَكُمْ عَائِذٌ بِكُمْ لَائِذٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ

زیارت کننده‌ام شما را پناه برنده‌ام بشما پناه گیرنده‌ام بقبرهای شما شفیع آورنده‌ام بسوی خدای عز و جل شما را

وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي

و تقرب جویم بوسیله شما بسوی خدا و پیش دارنده‌ام شما را در پیش مطالب و حاجتها و اراده خود در

كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ

همه احوال خود و کارهای خود ایمان ورزنده‌ام بنهان و آشکار شما و بحاضر شما و غائب شما

وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ

و ظاهر شما و باطن و اول شما و آخر شما و تفویض کننده‌ام همه اینها را بسوی شما و تسلیم

وخضع كل جبار لفضلكم وذل كل شيء لكم واشرقت الارض بنوركم

و فروتنی نمود هر سرکشی از برای فضیلت شما و خوار شد هر چیز از برای شما و روشن شده زمین بنور شما

وفاز الفائزون بولايتكم بكم يسلك الى الرضوان وعلى من جحد

و فیروزی یافتند فیروزی یابندگان بمحبت شما بسبب شما راه برده میشود بسوی خشنودی خدا و بر کسیکه انکار نمود

ولايتكم غضب الرحمن بابي انتم وامي ونفسي واهلي ومالي ذكركم

بامامت شما غضب خداست پدرم فدای تو باد و مادرم و جانم و اهلم و مالم ذکر شما

في الذاكرين واسماؤكم في الاسماء واجسادكم في الاجساد وارواحكم

در میان یاد کنندگان و نامهای شما در میان نامها و کالبدهای شما در میان کالبدها و روحهای شما

في الارواح وانفسكم في النفوس وآثاركم في الآثار وقبوركم في القبور

در میان روحها و نفسهای شما در میان نفسها و آثار شما در میان اثرها و قبرهای شما در میان قبرها

فما احلى اسماءكم واكرم انفسكم واعظم شأنكم واجل خطركم واوفى

پس چه شیرین است نامهای شما و چه گرامی است نفسهای شما و چه بزرگست شأن شما و چه بزرگست قدر شما و چه وفا کرده شده است

عهدكم واصدق وعدكم كلامكم نور وامركم رشد ووصيتكم

پیمان شما و چه راست است وعده شما سخن شما نور است و فرمان شما رستگاریست و وصیت شما

التقوى وفعلكم الخير وعادتكم الاحسان وسجيتكم الكرم وشأنكم

پرهیزکاریست و کار شما خیر است و عادت شما نیکوئی است و طبیعت شما کرم است و امر شما

الحق والصدق والرفق وقولكم حكم وحتم ورأيكم علم وحلم وحزم

حق و راستی و ملایمت و گفتار شما حکم است و حتم است و رای شما دانش و بردباری و دوراندیشی است

ان ذكر الخير كنتم اوله واصله وفرعه ومعدنه ومأواه ومنتهاه

اگر مذکور شود خیر شمائید اول آن و اصل آن و فرع آن و معدن آن و ماوای آن و منتهای آن

بابي انتم وامي ونفسي كيف اصف حسن ثنائكم واحصي جميل بلائكم

فدای شما باد پدرم و مادرم و جانم چگونه وصف کنم خوبی ثنای شما و شمارم نعمت نیکوی شما

وبكم أخرجنا الله من الذل وفرج عنا غمرات الكروب وأنقذنا بكم

و حال آنکه نیستید بیرون آورد ما را خدا بسبب شما از خواری و گشود از ما سختیهای اندوه را و رهانید ما را بسبب شما

من شفا جرف الهلكات ومن النار بأبي أنتم وأمي ونفسي بموالاتكم

از کنار گودال مهلکه ها و از آتش پدرم فدای شما باد و مادرم و جانم بدوستی شما

علمنا الله معالم ديننا وأصلح ما كان فسد من دنيانا وبموالاتكم تمت الكلمة

تعلیم نمود خدای تعالی معالم دین ما را و اصلاح نمود آنچه را که فاسد شده بود از دنیای ما و بدوستی شما تمام شد کلمه دین

وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة وبموالاتكم تقبل الطاعة المفترضة

و عظیم شد نعمت و به الفت بدل شد جدائی و بدوستی شما مقبول میشود طاعت فرض شده

ولكم المودة الواجبة والدرجات الرفيعة والمقام المحمود والمكان

و از برای شماست دوستی و محبتی که واجب است و مرتبه‌های بلند و مقام ستوده و آن مقامی

المعلوم عند الله عز وجل والجاه العظيم والشأن الكبير والشفاعة

که معلوم است نزد خدا غالب و بزرگ و منزلت عظیم و شان بزرگ و شفاعت

المقبولة ربنا آمنا بما أنزلت واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين

پذیرفته ای پروردگار ما ایمان آوردیم بآنچه فرو فرستادی و پیروی کردیم پیغمبر را پس بنویس ما را در زمره گواهی دهندگان

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك أنت

ای پروردگار ما میل مده دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش ما را از جانب خود رحمتی بدرستیکه تو

الوهاب سبحان ربنا إن كان وعد ربنا لمفعولا يا ولي الله إن بيني

بسیار بخشنده پاک و منزه است پروردگار ما بدرستیکه هست وعده پروردگار ما هر آینه بجا آورده شده ای ولی خدا بدرستیکه میان من

وبين الله عز وجل ذنوبا لا يأتي عليها إلا رضاكم فبحق من ائتمنكم

و میان خدای عز و جل گناهانی است که محو نمیکند آنها را مگر خشنودی شما پس بحق آنکه امین گردانید شما را

على سره واسترعاكم أمر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته لما استوهبتم

بر راز خود و نگاهبان کرد شما را بر امر خلق خود را و پیوسته گردانید طاعت شما را بطاعت خود که اینکه طلب بخشش کنید از خدا بخشایش

اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات الله علیه عن جمیع المؤمنین

خداوندا برسان آقای من صاحب زمان را درودهای خدا بر او باد از همه مردان مؤمن

والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها

و زنان مؤمنه که در مشرقهای زمین و مغربهای آن و بیابان آن و دریای آن و زمین هموار آن و کوه آن

حیهم ومیتهم وعن والدی وولدی وعنی من الصلوات والتحیات زنة

زنده ایشان و مرده ایشان از جانب پدر و مادر من و فرزندان من از من از درودها و دعاها بوزن

عرش الله ومداد کلماته ومنتهی رضاه وعدد ما احصاه کتابه

عرش خدا و مداد کلمه های او و نهایت خشنودی او و شمار چیزی که احاطه کرده بران کتاب او

واحاط به علمه اللهم انی اجدد له فی هذا الیوم وفی کل یوم عهدا

و احاطه نموده بآن علم او خداوندا بدرستیکه تازه میکنم برای صاحب الزمان در این روز و در هر روز پیمانی

وعقدا وبیعة له فی رقبتی اللهم کما شرفتنی بهذا التشریف وفضلتنی

و قراری و بیعتی مر آنحضرت را در گردن خود بار خدایا چنانچه مشرف کردی مرا باین شرف و زیادتی دادی

بهذه الفضیلة وخصصتنی بهذه النعمة فصل علی مولای وسیدی

باین فضیلت و خاص کردی مرا باین نعمت پس درود بفرست بر آقای و سید من

صاحب الزمان واجعلنی من انصاره واشیاعه والذابین عنه واجعلنی

صاحب زمان و بگردان مرا از یاوران او و مطیعان او و دفع کنندگان از او و بگردان مرا

من المستشهدین بین یدیه طائعا غیر مکره فی الصف الذی نعت اهله

از شهادت یافتگان در برابر او بطوع و رغبت بدون اکراه در صفیکه تعریف کردی اهل آنرا

فی کتابک فقلت صفا کانهم بنیان مرصوص علی طاعتک وطاعة رسولک

در کتاب خود پس گفتی صفی که گویا ایشان بنائی هستند محکم اندر طاعت تو و طاعت پیغمبر تو

وآله علیهم السلام اللهم هذه بیعة له فی عنقی الی یوم القیمة

و آل او بر ایشان سلام باد بار خدایا این بیعتی مر صاحب الزمان را در گردن من است تا روز قیامت

و بسند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر که چهل صباح این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت بمیرد خدا اورا از قبر بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد و حق تعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از او محو کند و آن عهد اینست

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ وَمُنْزِلَ

بارخدایا پروردگار نور بزرگ و پروردگار کرسی بلند و پروردگار دریای پر کرده و فرستنده

التَّوْرٰاةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الْقُرْاٰنِ الْعَظِيمِ

توریت و انجیل و زبور و پروردگار سایه و آفتاب و فرستنده قرآن بزرگ

وَرَبَّ الْمَلٰائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْاَنْبِيٰاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ

و پروردگار فرشتگان مقرب و پروردگار پیغمبران و فرستادگان بارخدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يٰا حَيُّ يٰا قَيُّومُ

از توجه تو که بزرگ است و بنور روی تو که روشن است و بپادشاهی تو که دیرین است ای زنده ای پایدار

اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اَشْرَقَتْ بِهِ السَّمٰاوٰاتُ وَالْاَرَضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي

سؤال میکنم از تو بنام تو آنچنان نامیکه تابان شده است بآن آسمانها و زمین ها و بنام تو آنچنان نامیکه

يَصْلَحُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَالْاٰخِرُونَ يٰا حَيّاً قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَيٰا حَيّاً بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يٰا حَيّاً

شایسته میشوند بآن پیشینیان و پسینیان ای زنده پیش از هر زنده و ای زنده بعد از هر زنده ای زنده

حِينَ لٰا حَيَّ يٰا مُحْيِيَ الْمَوْتٰى وَمُمِيتَ الْاَحْيٰاءِ يٰا حَيُّ لٰا اِلٰهَ اِلّٰا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ

هنگامیکه هیچ زنده نماند ای زنده کننده مردگان و میراننده زندگان ای زنده که نیست معبودی بجز تو بارخدایا برسان

مَوْلٰانَا الْاِمٰامَ الْهٰادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقٰائِمَ بِاَمْرِكَ صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَعَلٰى

آقای ما امام راهنمای راه یافته شده بپادارنده بحکم تو درودهای خدا بر او باد و بر

اٰبٰائِهِ الطّٰاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنٰاتِ فِي مَشٰارِقِ الْاَرْضِ

پدران او که پاکانند از جانب همه مردان مؤمن و زنان مؤمنه در مشرقهای زمین

وَمَغٰارِبِهٰا سَهْلِهٰا وَجَبَلِهٰا وَبَرِّهٰا وَبَحْرِهٰا وَعَنِّي وَعَنْ وٰالِدَيَّ مِنَ الصَّلَوٰاتِ

و مغربهای آن هموار آن و کوه آن و بیابان آن و دریای آن و از جانب من و از جانب پدر و مادر من از درودها

والتحيات زنة عرش الله ومداد كلماته وما احصاه علمه واحاط كتابه

و دعاها بوزن عرش خدا و درازی سخنان او و آنچه احاطه کرده آنرا علم او و نوشته است کتاب او

اللهم انی اجدد له فی صبیحة یومی هذا وما عشت من ایامی عهدا وعقدا

بار خدایا بدرستیکه من تازه میکنم مر آنحضرت را در صبح روز خود که این روز است و آنچه زنده باشم از روزهای خود عهدی را و قراری را

وبیعة له فی عنقی لا احول عنها ولا ازول ابدا اللهم اجعلنی من انصاره

و بیعتی را که مر او راست در گردن من بر نگردم از آن و زائل نشوم هرگز بار خدایا بگردان مرا از یاران او

واعوانه والذابین عنه والمسارعین الیه فی قضاء حوائجه والممتثلین

و یاری دهندگان او و دفع کنندگان از او و شتابندگان بسوی او در بر آوردن حاجتهای او و فرمانبرداران

لاوامره والمحامین عنه والسابقین الی ارادته والمستشهدین بین یدیه

امرهای او و حمایت کنندگان او و سبقت کنندگان بسوی اراده او و شهادت یافتگان روبروی او

اللهم ان حال بینی وبینه الموت الذی جعلته علی عبادک حتما مقضیا فاخرجنی

بار خدایا اگر حائل شود میان من و میان او مرگی که گردانیدی آنرا بر بندهای خود واجب پس بیرون آر مرا

من قبری مؤتزرا کفنی شاهرا سیفی مجردا قناتی ملبیا دعوة الداعی

از قبر من در حالتی که پوشیده باشم کفن خود را و بر آورده باشم شمشیر خود را برهنه کرده باشم نیزه خود را لبیک گوینده باشم دعوت خواننده را

فی الحاضر والبادی اللهم ارنی الطلعة الرشیدة والغرة الحمیدة واکحل

در ساکن شهر و بادیه بار خدایا بنما مرا صورت نیکو و پیشانی نورانی ستوده و سرمه کش

ناظری بنظرة منی الیه وعجل فرجه وسهل مخرجه واوسع منهجه

چشم مرا بنظری از من بسوی او و زود کن گشایش کار او را و سهل کن بر آمدن او را و وسیع کن راه او را

واسلک بی محجته وانفذ امره واشدد ازره واعمر اللهم به بلادک

و ببر مرا بطریق و جاده او و جاری کن امر او را و قوی کن پشت او را و آباد گردان بار خدایا بسبب او شهرهای خود را

واحی به عبادک فانک قلت وقولک الحق ظهر الفساد فی البر والبحر

و زنده گردان باو بندهای خود را بدرستیکه تو گفتی و گفته تو حق است که ظاهر شد فساد در بیابان و دریا

بما كسبت ايدي الناس فاظهر اللهم لنا وليك وابن بنت نبيك

بآنچه کسب کرده است دستهای مردم پس ظاهر گردان بار خدایا برای ما ولی خود را و پسر دختر نبی خود

المسمى باسم رسولك حتى لا يظفر بشيء من الباطل الا مزقه ويحق الحق

که نامیده شده است بنام رسول تو تا ظفر نیابد بچیزی از باطل مگر پاره کند آنرا و درست گرداند حق را

ويحققه واجعله اللهم مفزعا للمظلوم من عبادك وناصرا لمن لا يجد

و تحقیق آن نماید و بگردان او را بار خدایا پناه برای ستمدیده‌ها از بنده‌های خود و یاری برای کسیکه نیابد

له ناصرا غيرك ومجددا لما عطل من احكام كتابك ومشيدا لما ورد

برای خود یاوری غیر تو و تازه کننده مر چیزیرا که معطل مانده از احکام کتاب تو و محکم کننده مر چیزیرا که وارد شده

من اعلام دينك وسنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله اللهم ممن حصنته

از نشانه‌های دین تو و طریقه‌های پیغمبر تو درود فرستد خدا بر او و آل او و بگردان او را بار خدایا از کسانی که

من بأس المعتدين وسر نبيك محمدا صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه

از ترس تجاوز کنندگان و شاد گردان پیغمبر خود محمد را درود فرستد خدا بر او و بر آل او بدیدن او و کسیکه پیروی کرد

على دعوته وارحم استكانتنا بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن الامة بحضوره

بر دعوت او و رحم کن بر فروتنی ما بعد از او بار خدایا بگشا این غم را از امت بحاضر شدن او

وعجل لنا ظهوره انهم يرونه بعيدا ونريه قريبا برحمتك يا ارحم الراحمين

و تعجیل کن برای ما آشکار شدن او بدرستیکه منافقان می‌بینند او را دور و ما می‌بینیم نزدیک برحمت خود ای مهربان‌ترین مهربانان

پس سه مرتبه دست بران است خود میزنی و در هر مرتبه میگوئی

العجل يا مولاي يا صاحب الزمان

زود و شتاب ای آقای من ای صاحب زمان

و اما دعائی که مشتمل است بر عقائد حقه و تاسف بر غیبت حضرت قائم صلوات الله علیه به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقول است که این دعا را در جمیع عیدها بخوانند یعنی روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر

مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيماً وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِدْءاً وَوَزِيراً وَبَعْضٌ أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ

از درخت سخن کردنی و گردانیدی برای او از برادر او یار و وزیر و بعضی را پیدا کردی او را از غیر

أَبٍ وَآتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَكُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً

پدر و دادی او را حجتها و قوت بخشیدی او را بروح القدس یعنی جبرئیل و هر کدام از انبیا را قرار دادی برای او شریعتی

وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَاجاً وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ

و مقرر کردی برای او راهی و اختیار کردی برای او وصیان نگاهبانی بعد نگاهبانی از مدتی

إِلَى مُدَّةٍ إِقَامَةً لِدِينِكَ وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِكَ وَلِئَلَّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ

تا مدتی از جهت قائم داشتن مر دین ترا و حجت بر بنده های تو و تا آنکه زائل نگردد حق از قرارگاه خود

وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ وَلَا يَقُولَ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِراً

و غلبه ننماید باطل بر اهل خودش و نگوید کسی که چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری که بیم دهنده باشد

وَأَقَمْتَ لَنَا عَلَماً هَادِياً فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى إِلَى أَنِ انْتَهَيْتَ

و چرا برپا نکردی برای ما علمی راهنما تا پیروی میکردیم آیات ترا پیش از آنکه خوار گردیم و رسوا شویم تا آنکه رسانیدی

بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ

کار را بسوی دوست خود و برگزیده خود محمد درود فرستد خدا بر او و آل او پس شد چنانچه برگزیدی او را سید هر که

خَلَقْتَهُ وَصَفْوَةَ مَنِ اصْطَفَيْتَهُ وَأَفْضَلَ مَنِ اجْتَبَيْتَهُ وَأَكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ

آفریدی او را و برگزیده هر که برگزیدی او را و برتر از هر که اختیار کردی او را و بزرگتر هر که اعتماد کردی بر او

قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَبَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ

مقدم کردی بر پیغمبران خود و برانگیختی او را بسوی جن و انس از بنده های خود و سیر فرمودی او را در مشرقهای

وَمَغَارِبَكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَعَرَجْتَ بِرُوحِهِ إِلَى سَمَائِكَ وَأَوْدَعْتَهُ

و مغربهای خود و مسخر گردانیدی برای او براق را و بالا بردی روح او را بسوی آسمان خود و سپردی او را

عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ وَحَفَفْتَهُ

علم آنچه شده است و آنچه خواهد شد تا آخر شدن آفرینش تو آنگاه یاری کردی او را به ترس و فراگرفتی او را

مَن عاداه وانصُر من نصره واخذل من خذله وقال من كنت انا نبيّه

هر که دشمن باشد او را و یاری کن کسی را که یاری کند او را و خوار کن کسی که خوار کند او را و گفت کسی که من نبی اویم

فعلیٌّ امیره وقال انا وعلیٌّ من شجرةٍ واحدةٍ وسائر الناس من اشجارٍ

پس علی امیر او و گفت من و علی از یک درخت ایم و باقی مردم از درختهای

شتّی واحلّه محلّ هرون من موسی فقال له انت منّی بمنزلة هرون من

مختلف و جای داد او را جای هارون از موسی پس گفت مر او را که تو از من بمنزلهٔ هارونی از

موسی الا انه لا نبیّ بعدی وزوّجه ابنته سیّدة نساء العالمین واحلّ

موسی مگر اینکه نیست پیغمبر بعد من و تزویج کرد او را دختر خود که سرور زنان عالمیانست حلال کرد

له من مسجده ما حلّ له وسدّ الابواب الا بابه ثمّ اودعه علمه وحکمته

برای او از مسجد خود آنچه حلال بود مر او را و بست درها مسجد را مگر در او را آنگاه امانت داد او را علم خود و حکمت خود را

فقال انا مدینة العلم وعلیٌّ بابها فمن اراد الحکمة فلیأتها من بابها

پس گفت که من شهر علمم و علی دروازهٔ آن شهر است پس کسیکه خواهد حکمت را پس باید که بیاید از در او

ثمّ قال له انت اخی ووصیّی ووارثی لحمک من لحمی ودمک من دمی

آنگاه گفت مر او را که تو برادر و وصی و وارث منی گوشت تو از گوشت منست و خون تو از خون منست

وسلمک من سلمی وحربک حربی والایمان مخالطٌ لحمک ودمک کما خالط

و صلح تو صلح منست و جنگ تو جنگ منست و ایمان آمیخته است گوشت ترا و خون ترا چنانچه آمیخته است

لحمی ودمی وانت غداً علی الحوض خلیفتی وانت تقضی دینی وتنجز عداتی

گوشت مرا و خون مرا و تو فردا قیامت بر حوض کوثر خلیفهٔ منی و تو ادا کنی دین مرا و وفا کنی وعدهای مرا

شیعتک علی منابر من نورٍ مبیضّةً وجوههم حولی فی الجنة وهم جیرانی ولولا

شیعیان تو بر منبرها از نور اند سفید کرده شده رویهای ایشان گرد من در بهشت ایشان همسایگان منند

انت یا علی لم یعرف المؤمنون بعدی کان بعده هدی من الضلالة

تو ای علی شناخته نمی شدند مومنان بعد از من بود علی بعد پیغمبر راه نما از گمراهی

ونوراً من العمى وحبل الله المتين وصراطه المستقيم لا يسبق بقرابة في رحم

و نوری از نابینایی و ریسمان خدا که محکم است و راه او که راست است سبقت گرفته نمی‌شود بخویشی در رحم

ولا بسابقة في دين ولا يلحق في منقبة من مناقبه يحذو حذو الرسول

و نه به پیشی در دین و ملحق کرده نمی‌شود در منقبتی از منقبتهای او پیروی میکند عقب پیغمبر

صلى الله عليهما وآلهما ويقاتل على التأويل ولا تأخذه في الله لومة لائم

درود فرستد خدا بر ایشان و آل ایشان و مقاتله می‌نماید بر تأویل نمی‌گیرد او را در راه خدا سرزنش ملامت‌کننده

قد وتر فيه صناديد العرب وقتل أبطالهم وناوش ذؤبانهم فأودع

بتحقیق که ریخت در راه خدا خون بزرگان عرب و کشت دلیران ایشان را و جنگ کرد با گرگان ایشان

قلوبهم أحقاداً بدرية وخيبرية وحنينية وغيرهن فأضبت على عداوته

در دلهای ایشان کینه‌ها از جنگ بدر و خیبر و حنین و غیر آنها پس مشتمل گردید بر دشمنی

وأكبت على منابذته حتى قتل الناكثين والقاسطين والمارقين ولما قضى

و اقبال نمودند بر جنگ کردن با او تا آنکه کشت عهدشکنان را که اهل جمل اند و ستمکاران را که اهل شام اند

نحبه وقتله أشقى الآخرين يتبع أشقى الأولين لم يمتثل أمر الرسول صلى الله

مدت عمر خود را و کشت او را بدبخت‌ترین پسینیان تابع بدبخت‌ترین پیشینیان اطاعت کرده نشد فرمان پیغمبر رحمت خدا

عليه وآله في الهادين بعد الهادين والأمة مصرة على مقته مجتمعة على

بر او و بر آل او در راه‌نمایان بعد از راه‌نمایان امت مصر بودند بر دشمنی او و فراهم آمده بودند

قطيعة رحمه وإقصاء ولده إلا القليل ممن وفى لرعاية الحق فيهم

قطع رحم او و دور کردن فرزندان او مگر کمی از کسان که وفا کردند مر رعایت حق را در فرزندان او

فقتل من قتل وسبي من سبي وأقصي من أقصي وجرى القضاء لهم

پس کشته شد هر که کشته شد و اسیر شد هر که اسیر شد و دور کرده شد هر که دور کرده شد و جاری شد قضا برایشان

بما يرجى له حسن المثوبة إذ كانت الأرض لله يورثها من يشاء من

بچیزی که امید داشته میشود مر او را نیکی ثواب چونکه باشد زمین مر خدا را وارث میکند آنرا هر که خواهد از

عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَسُبْحَانَ رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَ

بنده های خود و خوشی آخرت مر پرهیزکاران راست و منزه است و تسبیح مر پروردگار ما را بدرستیکه هست وعده پروردگار ما هر آینه کرده شده و

لَنْ يُخْلِفَ اللّٰهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَعَلَى الْاَطَائِبِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

خلاف نمیکند خدا وعده خود را و اوست صاحب حکمت پس بر بسیار پاکان از اهل بیت محمد و علی

صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمَا فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ وَاِيَّاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ وَلِمِثْلِهِمْ فَلْتُذْرَفِ

رحمت کند خدا بر هر دو پس باید که بگریند گریه کنندگان و ایشان را پس باید که گریه و زاری کنند زاری کنندگان و برای مانند

الدُّمُوعُ وَلْيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ وَيَضِجَّ الضَّاجُّونَ وَيَعِجَّ الْعَاجُّونَ اَيْنَ الْحَسَنُ اَيْنَ الْحُسَيْنُ

اشکها و نوحه و فریاد کنند فریاد کنندگان و ناله کنند ناله کنندگان و آه بر دارند بزاری کنندگان کجاست حسن کجاست حسین

اَيْنَ اَبْنَاءُ الْحُسَيْنِ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ اَيْنَ السَّبِيلُ

و کجاست پسران حسین نیکوکار پس نیکوکار و راست گو بعد از راستگو و کجاست راه

بَعْدَ السَّبِيلِ اَيْنَ الْخِيَرَةُ بَعْدَ الْخِيَرَةِ اَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ اَيْنَ الْاَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ

بعد از راه و کجاست برگزیده بعد از برگزیده و کجایند آفتابهای درخشان کجایند ماه های تابان

اَيْنَ الْاَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ اَيْنَ اَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ اَيْنَ بَقِيَّةُ اللّٰهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ

کجایند ستاره های فروزان کجایند نشانهای دین و بنهای علم کجاست باقی گذاشته خدا که نباشد خالی از

الْعِتْرَةِ الطَّاهِرَةِ اَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلَمَةِ اَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِاِقَامَةِ الْاَمْتِ

ذریت پاک کجاست آماده شده برای بریدن بنیاد ستمکاران کجاست انتظار کشیده شده برای راست کردن کجی

وَالْعِوَجِ اَيْنَ الْمُرْتَجَى لِاِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ اَيْنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ

و بلندی کجاست امید داشته شده برای برطرف کردن ستم و زیادتی کجاست ذخیره کرده شده برای تازه کردن واجبها

وَالسُّنَنِ اَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِاِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ اَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِاِحْيَاءِ

و سنتها کجاست اختیار کرده شده برای برگردانیدن ملت و شریعت کجاست آرزو کرده شده برای زنده کردن

الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ اَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَاَهْلِهِ اَيْنَ قَاصِمُ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ

کتاب و حدود آن کجاست زنده کننده علامتهای دین و اهل آن کجاست شکننده شوکت تجاوز کنندگان

أين هادم أبنية الشرك والنفاق أين مبيد أهل الفسوق والعصيان
کجاست ویران کننده بنیادهای شرک و نفاق کجاست هلاک کننده اهل فسق و معصیت
والطغيان أين حاصد فروع الغي والشقاق أين طامس آثار الزيغ
و سرکشی کجاست برنده شاخهای گمراهی و مخالفت کجاست محو کننده اثرهای میل
والأهواء أين قاطع حبائل الكذب والافتراء أين مبيد العتاة و
و خواهشها کجاست قطع کننده ریسمانهای دروغ و افترا کجاست هلاک کننده سرکشان
المردة أين مستأصل أهل العناد والتضليل والإلحاد أين معز
سرتابان کجاست برارنده اهل دشمنی و گمراه کردن و از دین در گذشتن کجاست عزیز کننده
الأولياء ومذل الأعداء أين جامع الكلم على التقوى أين باب الله
دوستان و خوار کننده دشمنان کجاست جمع کننده پرهیزکاران کجاست دروازه خدا
الذي منه يؤتى أين وجه الله الذي إليه يتوجه الأولياء أين السبب
که از آن در آمده میشود کجاست روی خدا که بسوی او متوجه میشوند اولیا کجاست سبب
المتصل بين أهل الأرض والسماء أين صاحب يوم الفتح وناشر راية الهدى
پیوسته میان اهل زمین و آسمانها کجاست صاحب یوم فتح و برافرازنده علم هدایت
أين مؤلف شمل الصلاح والرضا أين الطالب بذحول الأنبياء وأبناء
کجاست جمع نماینده پراکندگی شایستگی و خوشنودی کجاست طلب کننده خونهای پیغمبران و پسران
الأنبياء أين الطالب بدم المقتول بكربلاء أين المنصور على من اعتدى
پیغمبران کجاست طلب کننده خون کشتگان کربلا کجاست کسیکه یاری کرده شده بر کسیکه ستم کرده
عليه وافترى أين المضطر الذي يجاب إذا دعا أين صدر الخلائق
بر او و افترا کرد کجاست مضطر که اجابت کرده میشود هرگاه بخواند کجاست سر گروه خلائق
ذو البر والتقوى أين ابن النبي المصطفى وابن علي المرتضى وابن
صاحب نیکی و پرهیزکاری و کجاست پسر پیغمبر برگزیده و پسر علی پسندیده و پسر

خديجة الغرّاء وابن فاطمة الزهراء الكبرى بأبي انت وامّي ونفسي لك

خدیجه صاحب شرف و پسر فاطمه زهرا بزرگ مرتبه فدای تو شود پدر من و مادر من و جان من برای

الوقاء والحمى يا ابن السادة المقرّبين يا ابن النجباء الاكرمين يا ابن الهداة

حفظ و حمایت ای پسر سروران مقربین ای پسر برگزیدگان بزرگواران ای پسر راهنمایان

المهتدين يا ابن الخيرة المهذّبين يا ابن الغطارفة الانجبين يا ابن

راه یافتگان ای پسر برگزیدگان نیکو اخلاق ای پسر سروران بسیار برگزیده ای پسر

الخضارمة المنتجبين يا ابن القماقمة الاكرمين يا ابن الاطائب

بخشندگان برگزیدگان ای پسر مهتران بسیار گرامی ای پسر پاکان

المطهّرين يا ابن البدور المنيرة يا ابن السرج المضيئة يا ابن الشهب

پاک کرده شدگان ای پسر ماههای روشن ای پسر چراغهای روشن ای پسر شهابهای

الثاقبة يا ابن الانجم الزاهرة يا ابن السبل الواضحة يا ابن الاعلام

درخشنده ای پسر ستارگان روشن ای پسر راههای روشن ای پسر علمهای

اللائحة يا ابن العلوم الكاملة يا ابن السنن المشهورة يا ابن المعالم

نمایان ای پسر علمهای کامل ای پسر سنتهای مشهوره ای پسر نشانهای

المأثورة يا ابن المعجزات الموجودة يا ابن الدلائل المشهودة يا ابن الصراط

راه نشانه وارد ای پسر معجزه محقق ای پسر دلیلها دیده شده ای پسر راه

المستقيم يا ابن النبأ العظيم يا ابن من هو في امّ الكتاب لدى الله عليّ

راست ای پسر خبر بزرگ ای پسر کسیکه او در لوح محفوظ نزد خدا بلند و

حكيم يا ابن الآيات والبيّنات يا ابن الدلائل الظاهرات يا ابن البراهين

حکیم ای پسر نشانها و دلیلها ای پسر دلیلهای آشکار ای پسر برهانهای

الواضحات الباهرات يا ابن الحجج البالغات يا ابن النعم السابغات يا ابن طه

روشن غالب ای پسر حجتهای رسا ای پسر نعمتهای کامل ای پسر طه

بِشَدِيدِ الْقُوَى وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى وَبَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ

ای سخت قوتها وزائل گردان از بنده خود بسبب آن بسر اندوه و سوزش را و سرد کن سوزش تشنگی او را ای کسیکه

عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى وَيَا مَنْ إِلَيْهِ الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ

بر عرش غالب شده و ای کسیکه بسوی اوست بازگشت و انتها بار خدایا و ما بندهای توئیم

التَّائِقُونَ إِلَى وَلِيِّكَ الْمُذَكِّرِ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذاً وَأَقَمْتَهُ

که مشتاقانیم بسوی دوست تو که یاد دهنده است بتو و به پیغمبر تو آفریدی تو او را برای ما پناه و ملجا و برپا کردی او را

لَنَا قِوَاماً وَمَعَاذاً وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا إِمَاماً فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَاماً وَزِدْنَا

برای ما پایداری و پناهی و گردانیدی او را برای مؤمنان از ما پیشوا پس برسان او را از جانب ما درود و سلام و بیفزای ما را

بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَاماً وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرّاً وَمُقَاماً وَأَتْمِمْ نِعْمَتَكَ

باین ای پروردگار ما عزت و اکرام و بگردان قرارگاه او را برای ما جای قرار و جای اقامت و تمام کن نعمت خود را

بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا حَتَّى تُورِدَنَا جِنَانَكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ

بمقدم داشتن خود او را پیش ما تا برسانی ما را به بهشتهای خود و برفاقت شهیدان از

خُلَصَائِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ

خالصان خود بار خدایا درود بفرست بر حجت خود و ولی امر خود و درود بفرست بر جد او محمد

رَسُولِكَ السَّيِّدِ الْأَكْبَرِ وَصَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ وَحَامِلِ اللِّوَاءِ

پیغمبر خود سرور بزرگتر و درود بفرست بر علی پدر او سرور شیر صولت و بردارنده علم

فِي الْمَحْشَرِ وَسَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ نَهَرِ الْكَوْثَرِ وَالْأَمِيرِ عَلَى سَائِرِ الْبَشَرِ

در محشر و آب دهنده دوستان خود از نهر کوثر و امیر بر همه آدمیان

الَّذِي مَنْ آمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفِرَ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ خَطَرَ وَكَفَرَ صَلَّى اللَّهُ

آنکه هر که ایمان آورد باو پس بتحقیق ظفر یافته و هر که ایمان نیاورد باو پس بتحقیق مشرف بر هلاک گردید و کافر شد درود فرستد خدا

عَلَيْهِ وَعَلَى أَخِيهِ وَعَلَى نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ الْغُرَرِ مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ

براو و بر برادر او و بر اولاد هر دو که صاحبان میمنت و شرافت اند تا زمانیکه طلوع کند آفتاب و تا زمانیکه بتابد ماه

وَعَلَى الْجَدَّةِ الصِّدِّيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى

و بر جدهٔ او بسیار صدق و بزرگ فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی و بر

مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَرَةِ وَعَلَيْهِ أَفْضَلَ وَأَكْمَلَ وَأَتَمَّ وَأَدْوَمَ وَأَكْثَرَ

هر که برگزیدی از پدران او که نیکان بودند و بر او بهتر و کامل تر و تمام تر و دائم تر و بیشتر

وَأَوْفَرَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَائِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ عَلَيْهِ

و فراوان تر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از برگزیدگان خود و اختیار کرده‌ها از خلق خود و درود فرست بر او

صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا وَلَا نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ

درودی که نهایت نباشد مر شمار او را و آخر نباشد مدد او را و آخر شدن نباشد مر منتهای او را بار خدایا و بپا دار به او

الْحَقَّ وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ وَأَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَذْلِلْ بِهِ أَعْدَاءَكَ

حق را و زایل گردان بسبب و باطل را و براه آر با دوستان خود را و خوار گردان با دشمنان خود را

وَصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدِّي إِلَى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا

و وصل کن بار خدایا میان ما و میان او پیوستگی که برساند بسوی همراهی آنانکه پیش از او گذشته‌اند و بگردان ما را

مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ

از آنکه بگیرند بحجزهٔ ایشان و باشد در سایهٔ ایشان و یاری کن ما را بر ادا کردن حقهای او بسوی او

وَالِاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَالِاجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ

و سعی کردن در طاعت او و پرهیز کردن از نافرمانی او و احسان کن با ما برضامندی او

وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ

و ببخش ما را مهربانی او و رحمت او و دعای او و خیر او که دریابیم بآن وسعتی از رحمت تو

وَفَوْزاً عِنْدَكَ وَاجْعَلْ صَلَوَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً

و رستگاری نزد تو و بگردان نمازهای ما را بسبب و مقبول کرده و گناهان ما را باو آمرزیده شده

وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَّةً

و دعای ما را باو مستجاب و بگردان روزیهای ما را باو گشاده و اندوههای ما را باو برطرف کرده شده

وَحَوائِجَنا بِهِ مَقضِيَّةً وَاَقبِل اِلَينا بِوَجهِكَ الكَريمِ وَاقبَل تَقَرُّبَنا اِلَيكَ

و حاجتهای ما را با و برآورده شده متوجه شو بسوی ما بروی خود که کریم ست و قبول کن تقرب ما را بسوی خود

وَانظُر اِلَينا نَظرَةً رَحيمَةً نَستَكمِلُ بِهَا الكَرامَةَ عِندَكَ ثُمَّ لا تَصرِفها

و نگاه کن بسوی ما نگاه مهربانی که بکمال رسانیم با ان دیدن گرامی بودن را نزد تو انگاه مگردان

عَنّا بِجودِكَ وَاسقِنا مِن حَوضِ جَدِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ بِكَاسِهِ

از ما نظر را بجشش خود و آب ده ما را از حوض جدا و درود فرستد خدا بر او و آل و بجام او

وَبِيَدِهِ رِيّاً رَوِيّاً هَنيئاً سائِغاً لا ظَمَاءَ بَعدَهُ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ

و دست او سیراب سیر گوارا آسان که تشنگی نباشد بعد از ان ای مهربان ترین مهربانان

و اما طریق صلوات فرستادن بر ایشان شیخ طوسی رحمه الله بسند معتبر روایت کرده است که عبد الله بن محمد گفت که من سوال کردم از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام که املا نماید بر من کیفیت صلوة فرستادن بحضرت رسول صلعم و اوصیای آنحضرت صلوات الله علیهم اجمعین و با خود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی الیس من املا فرمود بی آنکه از کتابی املا کند باین نحو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما حَمَلَ وَحيَكَ وَبَلَّغَ رِسالاتِكَ وَصَلِّ عَلىٰ

بار خدایا رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه بر داشت وحی را و رسانید رسالت ترا و رحمت کن

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَحَلَّ حَلالَكَ وَحَرَّمَ حَرامَكَ وَعَلَّمَ كِتابَكَ وَصَلِّ عَلىٰ

محمد و آل محمد چنانچه حلال گردانید حلال ترا و حرام گردانید حرام ترا و تعلیم کرد کتاب ترا و رحمت کن

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما اَقامَ الصَّلوٰةَ وَآتَى الزَّكوٰةَ وَدَعا اِلىٰ دينِكَ

محمد و آل محمد چنانچه بر پا داشت نماز را و ادا کرد زکوة را و خواند بسوی دین تو

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما صَدَّقَ بِوَعدِكَ وَاَشفَقَ مِن وَعيدِكَ

و رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه تصدیق نمود بوعده تو و ترسید از وعید تو

وَصَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما غَفَرتَ بِهِ الذُّنوبَ وَسَتَرتَ بِهِ العُيوبَ

و رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه آمرزیدی باو گناهان را و پوشیدی باو عیبها را

وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ

وگشایش دادی باو اندوهها را و رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه دفع کردی باو بدبختی را

وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَأَجَبْتَ بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلٰى

و برطرف کردی باو غمها را و مستجاب کردی باو دعا را و نجات دادی باو از بلا و رحمت کن بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ بِهِ الْعِبَادَ وَأَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ

محمد و آل محمد چنانچه رحم کردی باو بنده‌ها را و زنده کردی باو شهرها را و شکستی باو جباران را

وَأَهْلَكْتَ بِهِ الْفَرَاعِنَةَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا أَضْعَفْتَ بِهِ

و هلاک گردانیدی باو فرعون صفتان را و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانچه مضاعف گردانیدی باو

الْأَمْوَالَ وَحَذَّرْتَ بِهِ الْأَهْوَالَ وَكَسَرْتَ بِهِ الْأَصْنَامَ وَرَحِمْتَ بِهِ

مالها را و ترسانیدی باو از هولهای قیامت و شکستی باو بتان را و مهربان شدی باو

الْأَنَامَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَعَثْتَهُ بِخَيْرِ الْأَدْيَانِ وَأَعْزَزْتَ بِهِ

بر خلق و رحمت کن بر محمد و آل محمد چنانچه برانگیختی او را به بهترین دینها و اعزاز فرمودی باو

الْإِيمَانَ وَتَبَّرْتَ بِهِ الْأَوْثَانَ وَعَظَّمْتَ بِهِ الْبَيْتَ الْحَرَامَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ

ایمان را و هلاک کردی باو بتان را و بزرگی دادی باو کعبه را و رحمت کن بر محمد

وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

و اهل بیت او که پاکان برگزیدگان اند و سلام بفرست سلام فرستادنی بار خدایا درود بفرست بر امیر مؤمنان

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخِي نَبِيِّكَ وَوَلِيِّهِ وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ

علی بن ابی طالب که برادر پیغمبر تست و دوست او و وصی اوست و وزیر اوست و محل امانت علم او

وَمَوْضِعِ سِرِّهِ وَبَابِ حِكْمَتِهِ وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ وَالدَّاعِي إِلٰى شَرِيعَتِهِ وَخَلِيفَتِهِ

و جای اسرار اوست و دروازه حکمت اوست و گویا بحجت اوست و خواننده بسوی شرع اوست و جانشین او

فِي أُمَّتِهِ وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ قَاصِمِ الْكَفَرَةِ وَمُرْغِمِ الْفَجَرَةِ الَّذِي جَعَلْتَهُ

در امت اوست و گشاینده اندوه از روی اوست شکننده کافران و بینی بخاک مالنده فاجران آنکه گردانیدی او را

مِنْ نَبِيِّكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ

پیغمبر خود بجای هارون نسبت بموسی بار خدایا دوست دار هر که او را دوست دارد و دشمن باش هر که او را دشمن دارد

وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَالْعَنْ مَنْ نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ

و یاری ده هر که او را یاری کند و بگذار هر که او را بگذارد و لعنت کن کسی که دشمنی با او کند از پیشینیان

وَالْآخِرِينَ وَصَلِّ عَلَيْهِ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ

و پسینیان و درود بفرست بر او بهتر از آنچه درود فرستادی بر یکی از وصیت یافتگان پیغمبران خود

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ حَبِيبَةِ حَبِيبِكَ

ای پروردگار عالمیان بار خدایا درود بفرست بر بسیار صدق فاطمه پاک دوست دوست تو

وَنَبِيِّكَ وَأُمِّ أَحِبَّائِكَ وَأَصْفِيَائِكَ الَّتِي انْتَجَبْتَهَا وَفَضَّلْتَهَا وَاخْتَرْتَهَا عَلَى

و پیغمبر تو و مادر دوستان و برگزیدگان تو آنکه برگزیدی او را و بزرگی بخشیدی او را و اختیار کردی او را بر

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ ظَلَمَهَا وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّهَا وَكُنِ

زنان عالمیان بار خدایا باش طلب کننده حق او از کسانیکه ستم کردند و سبک شمردند حق او را

الثَّائِرَ اللّٰهُمَّ بِدَمِ أَوْلَادِهَا اللّٰهُمَّ وَكَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ الْأَئِمَّةِ الْهُدَى

خون طلب خدایا بخون فرزندان او بار خدایا و چنانچه گردانیدی او را مادر امامان هدایت

وَحَلِيلَةَ صَاحِبِ اللِّوَاءِ وَالْكَرِيمَةَ عِنْدَ الْمَلَإِ الْأَعْلَى فَصَلِّ عَلَيْهَا وَعَلَى أُمِّهَا

و زوجه صاحب علم که علی است و گرامی نزد فرشتگان عالم بالا پس درود بفرست بر او و بر مادرش

صَلَاةً تُكْرِمُ بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتُقِرُّ بِهَا أَعْيُنَ ذُرِّيَّتِهَا

درودیکه گرامی داری بآن روی پدر او احمد رحمت کند خدا بر او و آل او و روشن کنی بآن چشمهای فرزندانش

وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ

و برسان ایشان را از جانب من درین ساعت بهتر درود و سلام بار خدایا رحمت کن بر حسن

وَالْحُسَيْنِ عَبْدَيْكَ وَوَلِيَّيْكَ وَابْنَيْ رَسُولِكَ وَسِبْطَيِ الرَّحْمَةِ وَسَيِّدَيْ

و حسین دو بنده خود و دو دوست خود و دو پسر پیغمبر خود و دو نبیره رحمت و دو آقای

شباب اهل الجنة افضل ما صليت على احد من اولاد النبيين

جوانان اهل بهشت بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی از فرزندان پیغمبران

والمرسلين اللهم صل على الحسن ابن سيد النبيين ووصي امير المؤمنين

و فرستادگان بار خدایا رحمت کن بر حسن پسر بهتر پیغمبران و وصیت کرده شده امیر مؤمنان

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الوصيين

سلام باد بر تو ای پسر پیغمبر خدا سلام بر تو باد ای پسر سید اوصیا

اشهد انك يا ابن امير المؤمنين امين الله وابن امينه عشت مظلوما

گواهی میدهم بدرستیکه تو ای پسر امیر مومنان امانت دار خدا و پسر امانت دار او زندگانی کردی در حال مظلومیت

ومضيت شهيدا واشهد انك الامام الزكي الهادي المهدي اللهم

و در گذشتی در حال شهادت و گواهی میدهم بدرستیکه تو امام پاک راه نماینده راه یافته شده بار خدایا

صل عليه وبلغ روحه وجسده عني في هذه الساعة افضل التحية

رحمت کن بر او و برسان روح او را و تن او را از من درین ساعت بهترین تحیت

والسلام اللهم صل على الحسين بن علي المظلوم الشهيد قتيل الكفرة

و سلام بار خدایا رحمت کن بر حسین ابن علی ستم رسیده شهید مقتول کافران

وطريح الفجرة والسلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله

و انداخته فاجران و سلام باد بر تو ای ابو عبدالله سلام باد بر تو ای پسر پیغمبر خدا

السلام عليك يا ابن امير المؤمنين اشهد موقنا انك امين الله وابن امينه

سلام باد بر تو ای پسر امیر مومنان گواهی میدهم در حالت یقین بدرستیکه تو امانت دار خدا و پسر امانت دار اوی

قتلت مظلوما ومضيت شهيدا واشهد ان الله تعالى الطالب بثارك

کشته شده در حال ستم رسیدگی و رفتی شهید و گواهی میدهم بدرستیکه خدای بزرگ طلب کننده خون تست

ومنجز ما وعدك من النصر والتأييد في هلاك عدوك واظهار دعوتك

و وفا کننده است بآنچه وعده کرد ترا از یاری و قوت بخشی در هلاک دشمن تو و آشکار کردن دعوت تو

واشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله وعبدت الله

و گواهی میدهم بدرستیکه تو وفا کردی بعهد خدا و جهاد کردی در راه خدا و پرستیدی خدا را

مخلصا حتى اتاك اليقين لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة خذلتك

در حالت خالص تا آمد ترا مرگ لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که ترک یاری کردند

ولعن الله امة ألبت عليك وأبرأ الى الله تعالى ممن كذبك واستخف بحقك

و لعنت کند خدا گروهی را که ... و بیزاری میجویم بسوی خدا از کسیکه تکذیب کرد ترا و سبک شمرد حق ترا

واستحل دمك بابي انت وامي يا ابا عبد الله لعن الله قاتلك ولعن الله

و حلال دانست خون ترا فدای تو باد پدر من و مادر من ای ابا عبد الله لعنت کند خدا کشنده ترا و لعنت کند خدا

خاذلك ولعن الله من سمع واعيتك فلم يجبك ولم ينصرك ولعن الله

فروگذارنده ترا و لعنت کند خدا کسی را که شنید فریاد ترا پس اجابت نکرد ترا و یاری نکرد ترا و لعنت کند خدا

من سبى نساءك وانا الى الله منهم برئ وممن والاهم ومالاهم و

کسی را که اسیر کرد زنان ترا و من بسوی خدا از آنها بیزارم و از آنها که دوست داشتند آنها را و همراه آنها شدند

اعانهم عليه اشهد انك والائمة من ولدك كلمة التقوى وباب

یاری کردند ایشان را بر او گواهی میدهم بدرستیکه تو و امامان از فرزندان تو سخن پرهیزکاری اند و دروازه

الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن

هدایت و دست آویز محکم و حجت بر اهل دنیا و گواهی میدهم بدرستیکه بشما ایمان دارم

وبايابكم موقن ولكم تابع بذات نفسي وشرائع ديني وخواتيم عملي و

و به بازگشت شما یقین دارم و مر شما را پیروی کننده ام بذات نفس خود و شریعتهای دین خود و خاتمه های کردار خود

منقلبي في دنياي وآخرتي اللهم صل على علي بن الحسين سيد العابدين

و جای بازگشت خود در دنیای خود و آخرت خود بار خدایا رحمت کن بر علی بن الحسین آقای عبادت کنندگان

الذي استخلصته لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى الذين يهدون

آنکسیکه خالص گردانیدی او را برای خود و بیرون آوردی از او پیشوایان هدایت آنانکه هدایت میکنند

بالحق وبه يعدل اخترته لنفسك وطهرته من الرجس واصطفيته

براستی و براستی داد میدهند اختیار کردی او را برای نفس خود و پاک گردانیدی او را از پلیدی و برگزیدی او را

وجعلته هاديا مهديا اللهم فصل عليه افضل ما صليت على احد من

و گردانیدی او را راه نماینده راه یافته شده بار خدایا پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی

ذرية انبيائك حتى تبلغ به ما تقر به عينه في الدنيا والاخرة انك

فرزندان پیغمبران خود تا برسانی او را بچیزی که روشن گردانی بآن چشم او را در دنیا و آخرت بدرستیکه تو

عزيز حكيم اللهم صل على محمد بن علي باقر العلم وامام الهدى وقائد

غالب حکیمی بار خدایا رحمت کن بر محمد پسر علی باقر علم و امام رهنما و پیشوای

اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم كما جعلته علما لعبادك

پرهیزکاران و برگزیده از بنده های تو بار خدایا و چنانچه گردانیدی او را نشان برای بنده های خود

ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما لوحيك وامرت

و منار برای شهرهای خود و موضع امانت حکمت خود و ترجمه کننده برای وحی خود و امر کردی خلق را

بطاعته وحذرت من معصيته فصل عليه يا رب افضل ما صليت

برای فرمان بردن او و ترسانیدی مردم را از معصیت او پس رحمت کن بر او یا رب بهتر از آنچه رحمت کردی

على احد من ذرية انبيائك واصفيائك ورسلك وامنائك يا رب العالمين

بر یکی از نسل پیغمبران خود و برگزیدگان خود و فرستادگان خود و امینان خود ای پروردگار عالمیان

اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعي اليك بالحق النور

بار خدایا رحمت کن بر جعفر پسر محمد لقب صادق خزانه دار علم دعوت کننده بسوی تو براستی نور

المبين اللهم وكما جعلته معدن كلامك ووحيك وخازن علمك

آشکار خدایا چنانچه گردانیدی او را کان سخن خود و وحی خود و خزانه دار علم خود

ولسان توحيدك وولي امرك ومستحفظ دينك فصل عليه افضل ما

و زبان توحید خود و کارپرداز امر خود و نگاهدارنده دین خود پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه

صليت على احد من اصفيائك وحججك انك حميد مجيد اللهم صل على الامين

[illegible] ای بر یکی از برگزیده ها خود و حجتهای خود بدرستیکه تو ستوده بزرگی بار خدایا رحمت کن بر امانت دار

المؤمن موسى بن جعفر البر الوفي الطاهر الزكي النور المبين المجتهد

[illegible] موسی پسر جعفر نیکوکار و نیکوکردار پاک پاکیزه [illegible] بیان کننده جهد کننده

المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم وكما بلغ عن ابائه ما استودع

احتساب کننده صبر کننده بر اذیت در راه تو بار خدایا و چنانچه رسانید از پدران خود آنچه امانت سپرده شده بود

من امرك ونهيك وحمل على المحجة وكابد اهل العزة والشدة فيما كان

از امر تو و نهی تو و [illegible] بر راه راست و سختی کشید از اهل غلبه و شدت در آنچه بود

يلقى من جهال قومه رب فصل عليه افضل واكمل ما صليت على احد

میرسید از [illegible] ای پروردگار من پس رحمت کن براو زیاده تر و کامل تر از آنچه رحمت کردی بر یکی

ممن اطاعك ونصح لعبادك انك غفور رحيم اللهم صل على علي بن موسى

از آنها که اطاعت کردند ترا و نصیحت کردند مر بنده ترا بدرستیکه تو آمرزنده مهربانی بار خدایا رحمت کن بر علی پسر موسی

الذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته

آنکه پسندیدی او را و راضی گردانیدی باو هر که را خواستی از خلق خود خداوندا چنانچه گردانیدی او را

حجة على خلقك وقائما بامرك وناصرا لدينك وشاهدا على عبادك

حجت بر خلق خود و قائم بامر خود و یاری دهنده برای دین خود و گواه بر بنده های خود

وكما نصح لهم في السر والعلانية ودعا الى سبيلك بالحكمة والموعظة

و چنانچه نصیحت کرد مر ایشانرا در پنهان و آشکار و خواند بسوی راه تو بحکمت و پند

الحسنة فصل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وخيرتك

نیک پس رحمت کن براو بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و برگزیدگان خود

من خلقك انك جواد كريم اللهم صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى

از خلق خود بدرستیکه تو صاحب جود و صاحب کرمی بار خدایا رحمت کن بر محمد پسر علی پسر موسی نشانه پرهیزکاری

وَنُورِ الْهُدٰى وَمَعْدِنِ الْوَفَاءِ وَفَرْعِ الْاَزْكِيَاءِ وَخَلِيفَةِ الْاَوْصِيَاءِ وَاَمِينِكَ

و روشنی هدایت و کان وفا و شاخ پاکان و جانشین وصیت شدگان

عَلٰى وَحْيِكَ اَللّٰهُمَّ وَكَمَا هَدَيْتَ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ مِنَ الْحَيْرَةِ

بر وحی تو بار خدایا و چنانچه هدایت کردی باو از گمراهی و رهانیدی باو از حیرت

وَاَرْشَدْتَ بِهِ مَنِ اهْتَدٰى وَزَكَّيْتَ بِهِ مَنْ تَزَكّٰى فَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا

و راه نمودی باو کسی را که راه یافت و پاک گردانیدی باو کسی را که پاک [illegible]

صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَبَقِيَّةِ اَصْفِيَائِكَ اِنَّكَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و باقی برگزیدگان خود بدرستیکه تو غالب صاحب حکمتی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَصِيِّ الْاَوْصِيَاءِ وَاِمَامِ الْاَتْقِيَاءِ وَخَلَفِ اَئِمَّةِ

بار خدایا رحمت کن بر علی پسر محمد وصیت کرده شده وصیت کرده شدگان و پیشوای پرهیزکاران [illegible]

الدِّينِ وَالْحُجَّةِ عَلَى الْخَلَائِقِ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ كَمَا جَعَلْتَهُ نُورًا يَسْتَضِيءُ بِهِ

دین و حجت خدا بر آفریدگان همه بار خدایا چنانچه گردانیدی او را نوری که روشنی طلبند باو

الْمُؤْمِنُونَ فَبَشَّرَ بِالْجَزِيلِ مِنْ ثَوَابِكَ وَاَنْذَرَ بِالْاَلِيمِ مِنْ عِقَابِكَ وَحَذَّرَ

مومنان پس بشارت داده به بزرگ از ثواب تو و بیم فرمود بالم رساننده از عقوبت تو و ترسانید

بَاْسَكَ وَذَكَّرَ بِآيَاتِكَ وَاَحَلَّ حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَبَيَّنَ شَرَائِعَكَ وَ

از عذاب تو و یاد داده آیات ترا و حلال کرده حلال ترا و حرام کرده حرام ترا و آشکار نمود [illegible]

فَرَائِضَكَ وَحَضَّ عَلٰى عِبَادَتِكَ وَاَمَرَ بِطَاعَتِكَ وَنَهٰى عَنْ مَعْصِيَتِكَ

فریضه های ترا و تحریص کرده بر پرستش تو و امر کرده بطاعت تو و نهی کرد از گناه تو

فَصَلِّ عَلَيْهِ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ وَذُرِّيَّةِ اَنْبِيَائِكَ يَا اِلٰهَ

پس رحمت کن بر او بهتر از آنچه رحمت کردی بر یکی از دوستان خود و فرزندان پیغمبران خود ای خدای

الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَرِّ التَّقِيِّ الصَّادِقِ الْوَفِيِّ النُّورِ الْمُضِيءِ خَازِنِ عِلْمِكَ

عالمیان بار خدایا رحمت کن بر حسن پسر علی نیکوکار پرهیزکار راست گو با وفا نور [illegible] خزانه دار [illegible]

مِنْ مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامْلَأْ بِهِ الْاَرْضَ

از مشرقهای زمین و مغربهای زمین و صحرای آن و دریاهای آن و پر کن باو زمین را

عَدْلًا وَاَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ السَّلَامُ وَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ مِنْ

از عدل و آشکار کن باو دین پیغمبر خود را باو و بر آل او سلام باد و بگردان مرا بار خدایا از

اَنْصَارِهِ وَاَعْوَانِهِ وَاَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَاَرِنِي فِي اٰلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ

یاران او و یاری دهندگان او و پیروان او و یاری دهندگان او و بنما بمن در حق آل محمد آنچه آرزو دارند

وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ اِلٰهَ الْحَقِّ اٰمِينَ

و در دشمنان ایشان آنچه از آن حذر میکنند ای خدای حق مستجاب کن

باب دوازدهم

در بیان نمازهای واجب که مخصوص روزی و ماهی نیست و نمازهای سنت که مختص بوقتی نیست و اعمالی که بغیر ماههای عربی تعلق دارد و در آن هشت فصل است **فصل اول** در بیان نماز آیات است بدانکه این نماز واجب است نزد کسوف آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرد و خواه بعض و نزد زلزله که زمین بلرزد و مشهور آنست که هر آیتی که از جانب آسمان حادث میشود که موجب خوف غالب خلق گردد این نماز واجب میشود مانند بادهای سیاه و سرخ که بر خلاف عادت باشد خواه زرد باشد خواه سیاه باشد و صاعقه‌های عظیم و رعدهای بسیار شدید و تاریک شدن هوا و امثال اینها و این قول اقوی است و کیفیت این نماز آنست که قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا زلزله یا آیات دیگر بجا آورم واجب است آنکه واجب است از برای رضای خدای بعد از آن الله اکبر بگوید و حمد و یک سوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد و سنت است که در سر برداشتن الله اکبر بگوید یا حمد و سوره بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و در رکوع پنجم سر بردارد و سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید و بعد از آن بسجود رود و دو سجده بجا آورد پس برخیزد و یک رکعت دیگر بجا آورد مثل رکعت اول و در سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید و اگر در هر رکوعی از اول حمد بعضی از سوره بخواند و برکوع رود و بعد از سر برداشتن باقی سوره را

بخواند اعاده حمد می کند و اگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد که در رکوع اول خواند

سپس آن آیه بکند و همچنین در رکعت دوم بیک حمد و سوره همچنین که تفریق کند اکتفا می تواند کرد و بهتر

آنست که بطریق اول بکند و بده حمد و ده سوره بجا آورد و اگر وقت تنگ باشد و اول وقت نماز کسوف

و خسوف ابتدای گرفتن است و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن است و اظهر نزد فقیر و جمعی از

محققین آنست که تا تمام منجلی نشود وقت باقیست و نماز زلزله و آیات که وقتش وفا بنماز نکند موافق مشهور

تمام عمر ادا است و اگر کسی ترک کرده نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علما آنست

که قضا میکند آن نماز را مطلقا و بعضی گفته اند بر ناسی که فراموش کرده باشد قضا نیست با وام که تمام

قرص نگرفته باشد و عمل بمشهور احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور میان علما آنست

که قضای کسوفین بر او واجب نیست مگر آنکه تمام قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند واجب است قضا مطلقا و

قول اول اقوی است و ثانی احوط است و مستحب است که این نماز را بجماعت کنند و طول بدهند بقدر زمان

کسوف و خسوف و هرگاه از نماز فارغ شود و انجلا نشده باشد اشهر و اقوی آنست که اعاده نماز مستحب است

و بعضی واجب دانسته اند و مستحب است خواندن سوره های طولانی با وسعت وقت و برابر ساختن

رکوع و سجود با قرائت و مستحب است قنوت خواندن پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم

و اگر در ایام زلزله این آیت را بخوانند مناسب است

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا

بدرستیکه خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را از اینکه زائل شوند و اگر زائل شوند نگاه نمیدارد آنها را

مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

هیچکس بعد از او بدرستیکه او هست بردبار آمرزنده

و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر که در وقت خواب بخواند این آیه را خانه بر سرش خراب

نشود

فصل دوم

در بیان نماز استسقاست یعنی نماز طلب باران در وقتیکه باران کم

آید و آب چاهها و چشمه ها کم شود و کیفیت این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد و بجماعت باید کرد

و در قنوتها طلب رحمت و استغفار از گناهان و طلب باران باید کرد و در قنوتها بهترین دعاها که نوزده ...

نَصَرَ عَبْدَهُ وَاَعَزَّ جُنْدَهُ وَهَزَمَ الْاَحْزَابَ وَحْدَهُ فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

یاری نمود بندهٔ خود را و غالب کردانید لشکر خود را و کریزانید طایفه‌ها را تنهائی پس او راست پادشاهی و مر او راست حمد

وَهُوَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ نُورُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ

و او بر همه چیز تواناست بار خدایا تو نور آسمانها و زمین هستی و هر که

فِیهِنَّ فَلَکَ الْحَمْدُ وَاَنْتَ قَیَّامُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَنْ فِیهِنَّ فَلَکَ

در آنهاست پس او راست حمد و توئی بر پا دارندهٔ آسمانها و زمین هر که در آنها پس تراست

الْحَمْدُ وَاَنْتَ الْحَقُّ وَوَعْدُکَ الْحَقُّ وَقَوْلُکَ الْحَقُّ وَاِنْجَازُکَ الْحَقُّ وَالْجَنَّةُ

سپاس توحقی و وعدهٔ تو حق است و گفتهٔ تو حق است و وفای وعدهٔ تو حق است و بهشت

حَقٌّ وَالنَّارُ حَقٌّ اَللّٰهُمَّ لَکَ اَسْلَمْتُ وَبِکَ اٰمَنْتُ وَعَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَبِکَ

حق است و دوزخ حق است بار خدایا ترا گردن نهادم و بتو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم و بتو

خَاصَمْتُ وَاِلَیْکَ حَاکَمْتُ یَا رَبِّ یَا رَبِّ یَا رَبِّ اغْفِرْ لِی مَا قَدَّمْتُ وَمَا

مخاصمه کردم و بسوی تو محاکمه کردم ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بیامرز مرا آنچه پیش فرستادم

اَخَّرْتُ وَاَسْرَرْتُ وَاَعْلَنْتُ اَنْتَ اِلٰهِی لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

و بعد کردم و آنچه پنهان کردم و آنچه آشکار کردم توئی خدای من نیست معبودی بحق بجز تو رحمت کن بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی وَتُبْ عَلَیَّ اِنَّکَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ

محمد و بیامرز مرا و رحم کن بر من و توبه مرا بپذیر بدرستیکه توئی توبه بسیار پذیرنده مهربان

مؤلف گوید که این نماز از نمازهای مشهور است و عامه و خاصه در کتب خود روایت کرده‌اند و بعضی این نماز را از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند و از روایت اختصاص معلوم نمی‌شود و ظاهر آنست که در سایر ایام توان کرد

فصل چهارم در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است ابن بابویه و عیاشی و شیخ و دیگران رضی الله عنهم بسندهای صحیح و حسن و معتبر بسیار از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت نماز بگذارد و بعینه دو سلام و در هر رکعت الحمد و پنجاه مرتبه قل هو الله احد بخواند چون فارغ گردد میان او و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شود و

وشیخ از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که هر که چهار رکعت نماز حضرت امیر المومنین علیه السلام را بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده بود و حاجتهای او برآورده شود و در هر رکعت سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند

وچون فارغ شود باید دعا بخواند که تسبیح آنحضرت است

سُبْحَانَ مَنْ لَا تَبِيدُ مَعَالِمُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ سُبْحَانَ مَنْ
منزه است کسیکه پاک نمی شود نشانهای او منزه است کسیکه کم نمی شود خزانه های او منزه است کسیکه

لَا اضْمِحْلَالَ لِفَخْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا انْقِطَاعَ
نیست کم شدن مر فخر او را منزه است کسیکه منقطع نمی شود آنچه نزد او ست منزه است کسیکه انقطاعی ندارد

لِمُدَّتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُشَارِكُ أَحَداً فِي أَمْرِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ
مدت او منزه است کسیکه شریک نمی کند هیچیک را در کار خود منزه است کسیکه نیست معبود بحق غیر او

پس این دعا بخواند يَا مَنْ عَفَا عَنِ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يُجَازِ بِهَا ارْحَمْ عَبْدَكَ يَا اللَّهُ
ای کسیکه عفو کرد از بدیها و سزا نداد بآن رحم کن بر بنده خود ای خدا

يَا اللَّهُ نَفْسِي نَفْسِي أَنَا عَبْدُكَ يَا سَيِّدَاهُ أَنَا عَبْدُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَا رَبَّاهُ
ای خدا النفس مرا النفس مرا من بنده توام ای آقای من من بنده توام در برابر تو ای پروردگار من

بِكَ إِلَهِي بِكَيْنُونَتِكَ يَا أَمَلَاهُ يَا رَحْمَانَاهُ يَا غِيَاثَاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ
بتو ای معبود من بوجود تو ای امید من ای بخشاینده من ای فریاد رس من بنده تو بنده تو

لَا حِيلَةَ لَهُ يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ يَا مُجْرِيَ الدَّمِ فِي عُرُوقِ عَبْدِكَ يَا سَيِّدَاهُ
نیست چاره مر او را ای نهایت خواهش من ای روان کننده خون در رگهای من بنده توام ای آقای من

يَا مَالِكَاهُ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ أَيَا هُوَ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ عَبْدُكَ عَبْدُكَ
ای مالک من ای آنکه او ست ای آنکه او ست ای آنکه او ست ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من

لَا حِيلَةَ لِي وَلَا غِنَى بِي عَنْ نَفْسِي وَلَا أَسْتَطِيعُ لَهَا ضَرّاً وَلَا نَفْعاً وَلَا أَجِدُ
نیست چاره مرا و نیست بی نیازی مرا از نفس من و استطاعت ندارم برای نفس خود ضرری و نه نفعی و نمی یابم

جوانات و ... داده است تا از قطره از باران آسمان کراهت نداشته باشند و در حدیث دیگر وجود کرد زراعت کنید و درخت بنشانید والله که مردم کاری از این حلال تر و پاکیزه تر نکنند والله که زراعت خواهید کرد و درخت خواهید نشاند بعد از ...

مِنْ أَصابِعِهِ تَقَطَّعَتْ أَسبابُ الخَدائِعِ عَنّي وَاضْمَحَلَّ كُلُّ مَظْنُونٍ عَنّي

یعنی اگر ... هم او را قطع شده است سببهای مکرها و فریبها از من و کداخته شده است هر گمان برده شده از من

أَفْرَدَنِي الدَّهْرُ إِلَيْكَ فَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ هذَا المَقامَ يا إِلهي بِعِلْمِكَ هذا

تنها کرده است مرا روزگار بسوی تو پس ایستادم در برابر تو در این جا ای خدای من بدانست تو این

كانَ كُلُّهُ فَكَيْفَ أَنْتَ صانِعٌ بِي وَلَيْتَ شِعْرِي كَيْفَ تَقُولُ لِدُعائِي أَتَقُولُ

شد همه آن پس چگونه تو کنی بمن کاش من میدانستم که چگونه میگوئی مر دعای مرا آیا میگوئی

نَعَمْ أَمْ تَقُولُ لا فَإِنْ قُلْتَ لا فَيا وَيْلِي يا وَيْلِي يا وَيْلِي يا عَوْلِي يا عَوْلِي

آری یا میگوئی نه پس اگر بگوئی نه پس ای وای من ای وای من ای وای من ای نوحه من ای نوحه من

يا عَوْلِي يا شِقْوَتِي يا شِقْوَتِي يا شِقْوَتِي يا ذُلِّي يا ذُلِّي يا ذُلِّي إِلى مَنْ وَمِمَّنْ

ای نوحه من ای بدبختی من ای بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من ای خواری من ای خواری من بسوی که و از که

أَوْ عِنْدَ مَنْ أَوْ كَيْفَ أَوْ ماذا أَوْ إِلى أَيِّ شَيْءٍ أَلْجَأُ وَمَنْ أَرْجُو وَمَنْ يَجُودُ

یا نزد که یا چگونه یا چه چیز یا بسوی کدام چیز پناه برم و بکه امید داری نمایم و یا که ببخشد

عَلَيَّ بِفَضْلِهِ حِينَ تَرْفُضُنِي يا واسِعَ المَغْفِرَةِ وَإِنْ قُلْتَ نَعَمْ كَما هُوَ الظَّنُّ

بر من بفضل خود هنگامیکه ترک کنی مرا ای گشاده آمرزش و اگر گوئی آری چنانچه آن گمان

بِكَ وَالرَّجاءُ لَكَ فَطُوبى لِي أَنَا السَّعِيدُ وَأَنَا المَسْعُودُ فَطُوبى لِي وَأَنا

بتو هست و امید از تو هست پس خوشحال من من نیک بخت خواهم بود و من سعادتمند خواهم بود پس خوشحال من من

المَرْحُومُ يا مُتَرَحِّمُ يا مُتَرَئِّفُ يا مُتَعَطِّفُ يا مُتَجَبِّرُ يا مُتَمَلِّكُ يا مُقْسِطُ لا عَمَلَ

مهربانی کرده شده هم ای رحم کننده ای مهربان ای مهربانی کننده ای صاحب عظمت ای پادشاه ای عدالت کننده نیست عملی

لِي مَعَ نَجاحِ حاجَتِي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ فِي مَكْنُونِ غَيْبِكَ

مرا با روای حاجت من سؤال میکنم از تو بنام تو آن نامیکه گردانیدی آنرا در پنهان شده غیب خود

وَاسْتَقَرَّ عِنْدَكَ فَلا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلى شَيْءٍ سِواكَ اللّهُمَّ بِهِ وَبِكَ وَبِكَ وَبِهِ

و قرار گرفت نزد تو پس بر نمی آید از تو بسوی چیزی که غیر تست بار خدایا بآن نام و بتو و بتو و بآن نام

فَاِنَّهُ اَجَلُّ وَاَشْرَفُ اَسْمَائِكَ لَا شَيْءَ لِي غَيْرُ هٰذَا وَلَا اَحَدٌ اَعْوَدُ عَلَيَّ مِنْكَ

پس بتحقیق که بزرگترین و شریف ترین نامهای تست نیست چیزی مرا غیر آن نام و نیست هیچکس نافع تر برای من از تو

يَا كَيْنُونُ يَا مُكَوِّنُ يَا مَنْ عَرَّفَنِي نَفْسَهُ يَا مَنْ اَمَرَنِي بِطَاعَتِهِ يَا مَنْ نَهَانِي عَنْ

ای هست ای هست کننده ای کسیکه شناسانید نفس خود را ای کسیکه امر کرد مرا بطاعت خود ای کسیکه منع کرد مرا

مَعْصِيَتِهِ وَيَا مَدْعُوُّ وَيَا مَسْئُولُ يَا مَطْلُوبًا اِلَيْهِ رَفَضْتُ وَصِيَّتَكَ الَّتِي

از گناه خود و ای خوانده شده و ای سوال کرده شده ای طلب کرده شده بسوی او ترک کردم وصیت ترا آنکه

اَوْصَيْتَنِي بِهَا وَلَمْ اُطِعْكَ وَلَوْ اَطَعْتُكَ فِيمَا اَمَرْتَنِي لَكَفَيْتَنِي مَا قُمْتُ اِلَيْكَ فِيهِ

وصیت کرده بودی مرا بآن اطاعت نکردم ترا و اگر اطاعت میکردم ترا در آنچه فرمودی بمن هر آینه کفایت میکردی مرا آنچه برخاستم بسوی تو در آن

وَاَنَا مَعَ مَعْصِيَتِي لَكَ رَاجٍ فَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَا رَجَوْتُ يَا مُتَرَحِّمًا لِي اَعِذْنِي

و من با وجود گناه خود ترا امیدوارم پس حائل مشو میان من و میان آنچه امید دارم ای مهربان بر من پناه ده مرا

مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَمِنْ كُلِّ جِهَاتِ الْاِحَاطَةِ

از برابر من و از عقب من و از بالای من و از پائین من و از جمیع طرفهای احاطه

بِي اَللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ سَيِّدِي وَبِعَلِيٍّ وَلِيِّي وَبِالْاَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

بمن بار خدایا بحق محمد آقای من بحق علی یار و دوست من بحرمت امامان من که راه یابندگانند بر ایشان باد سلام

اجْعَلْ عَلَيْنَا صَلَوَاتِكَ وَرَاْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ وَاَوْسِعْ عَلَيْنَا مِنْ رِزْقِكَ

بگردان بر ما رحمتهای خود را و مهربانی خود را و رحمت خود را و فراخ کن بر ما از روزی خود

وَاقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَجَمِيعَ حَوَائِجِنَا يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و ادا کن از ما وام و همه حاجات ما را ای خدا ای خدا ای خدا بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی

پس حضرت فرمود که هر که این نماز بکند و این دعا بخواند هیچ گناهی میان او و خدا نماند مگر آنکه

آمرزیده شود **فصل پنجم** در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه صلوات الله علیها

سید ابن طاوس علیه الرحمه بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده

است که فرمود که مادرم حضرت فاطمه علیها السلام دو رکعت نماز میکرد که جبرئیل علیه السلام

علیه السلام تعلیم او کرده و در رکعت اول بعد از حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دوم صد مرتبه سوره
توحید میخواند و چون سلام می گفت این دعا را می خواند

سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِیفِ سُبْحَانَ ذِی الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِیمِ
منزه است صاحب عزت بلند بلند قدر منزه است صاحب بزرگی متکبر بزرگ

سُبْحَانَ ذِی الْمُلْکِ الْفَاخِرِ الْقَدِیمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ
منزه است صاحب پادشاهی فخر کننده تنزیه میکنم کسی را که پوشید حسن و جمال را

سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّی بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ سُبْحَانَ مَنْ یَرَی أَثَرَ النَّمْلِ فِی الصَّفَا
تنزیه میکنم کسی را که متلبس شد بنور و وقار تنزیه میکنم کسی را که می بیند نشان رفتار مور را در سنگ صاف

سُبْحَانَ مَنْ یَرَی وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَکَذَا وَلَا هَکَذَا غَیْرُهُ
تنزیه میکنم کسی را که می بیند بزیر آمدن مرغ را در هوا تنزیه میکنم کسیکه او چنین است و نیست چنین غیر او
و سید گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد این نماز تسبیح مشهور حضرت
فاطمه علیها السلام را که بعد هر نماز خوانده میشود بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد
و آل محمد بفرستد و شیخ رحمه الله در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده است گفته است که
چون سلام بگوئی تسبیح فاطمه علیها السلام را بخوان بعد از آن این دعا را بخوان یعنی دعائیکه پیش گذشت و گفته
است که سزاوار است برای کسیکه این نماز را بکند و از آن فارغ شود آنکه پاها و ذراعهای خود را برهنه کند و بچسباند
و جمیع مساجد سبعه را بخاک بچسباند که جامه در میان مانع نباشد و دعا کند و حاجت خود را از حق تعالی طلب نماید

یَا مَنْ لَیْسَ غَیْرُهُ رَبٌّ یُدْعَی یَا مَنْ لَیْسَ فَوْقَهُ إِلَهٌ یُخْشَی یَا مَنْ لَیْسَ
ای کسیکه نیست بغیر او پروردگاری که خوانده شود ای کسیکه نیست بالاتر از او خدائی که ترسیده شود ای کسیکه

دُونَهُ مَلِکٌ یُتَّقَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ وَزِیرٌ یُؤْتَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ حَاجِبٌ
سوای او پادشاهی که ترسیده شود ای کسیکه نیست او را وزیری که نزد او آمده شود ای کسیکه نیست او را دربانی

یُرْشَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ بَوَّابٌ یُغْشَی یَا مَنْ لَا یَزْدَادُ عَلَی کَثْرَةِ السُّؤَالِ
که رشوت داده شود ای کسیکه نیست مر او را دربانی که پوشیده شود ای کسیکه زیاده نمیکند بسیاری سؤال مر او را جز

صادق علیه السلام منقول است میوه ها ایشان برطرف شد و آنحضرت خاک بر بن چمن کردند اول آب بریزند و بعد از آن بر میوه ها هم بپرسند و بعد از آن سبب میوه ها سبب خاک بریزند بعد از آن آب کار برد اول خاک بر بریزند و ندو میوه که همچون درخت باب تا آنحضرت

لا کرماً وجوداً وعلی کثرة الذنوب الا عفواً وصفحاً صلّ علی محمد

مگر کرم و بخشش را و بر بسیاری گناهان مگر بخشایش و در گذشتن را درود و بفرست بر محمد

وآل محمد وافعل بی کذا وکذا

و آل محمد و بکن بمن چنین و چنین

پس بجای وافعل بی کذا حاجتهای خود را یاد کند **فصل ششم** در بیان فضیلت و کیفیت واحکام نماز جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواترات است و عامه و خاصه سندهای بسیار روایت کرده اند و مخالفان نیز این نماز را مستحب دانند مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با حضرت امیر المومنین علیه السلام و اقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر صلعم نسبت داده اند و بعد از نوافل شبانه روزی بحسب صحت سند و کثرت ثواب نمازی باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام منقول است که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المومنین از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بر دست حضرت امیر المومنین علیه السلام شده بود و حضرت رسول صلعم بقدر یک تیر پرتاب باستقبال او شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب آنحضرت دوید حضرت او را در برگرفت و دست در گردن او در آورد و ساعتی با او سخن گفت پس بر ناقه عضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت و چون ناقه براه افتاد فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی بخشش کنم نسبت بتو میخواهی ترا عطیه دهم میخواهی ترا بر گزینم مردمان گمان کردند که مال جزیلی از غنایم خیبر باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم فرمود حضرت صادق علیه السلام فرمود که صفتش این است که آن چهار رکعت است بدو تشهد و بدو سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت میخواند و در رکعت دوم سوره والعادیات و در رکعت سوم سوره اذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از فراغ از قرارت پانزده مرتبه بگوید

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ

تنزیه مر خدای را و حمد مر خدای را که نیست معبودی مگر خدا و خدا بزرگست

ودر رکوع همچنین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون سر از رکوع برمیدارد ده مرتبه و در سجدهٔ اولی ده مرتبه و بعد از سر برداشتن ده مرتبه و در سجدهٔ دوم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش از آنکه برخیزد ده مرتبه و در هر چهار رکعت چنین میکند که مجموع سی صد مرتبه میشود و هزار و دویست مرتبه تسبیح بوده باشد و بروایت معتبر دیگر حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه در آن هست و اگر هر روز یکبار بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده آمرزیده میشود و اگر در هر جمعه بکنی یا در هر ماهی یک مرتبه یا در سالی یک مرتبه بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایت معتبر دیگر اگر بقدر کف دریاها و بعدد ریگ بیابان گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر از جنگ گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا ترا بیامرزد و بروایت دیگر اگر توانی هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر نتوانی سالی یکبار و اگر نتوانی در تمام عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره و صغیره و تازه و کهنه و عمد و خطای ترا بیامرزد و اما دعاها که در این نماز مستحبست کلینی بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده است که در سجدهٔ آخر نماز جعفر چون از تسبیحات فارغ شوی بگو

سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ

منزه است کسیکه پوشیده عزت و تمکین را منزه است کسیکه رو آورد ببزرگواری و گرامی گشت بان

سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ

پاک است کسیکه سزاوار نیست تنزیه مگر او را پاک است کسیکه احاطه کرده هر چیز را علم او

سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْاَمْرِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي

پاک است خداوند منت و نعمتها پاک است خداوند قدرت و فرمان بار خدایا بدرستیکه من

اَسْئَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ

سؤال میکنم بحرمت جایهای بستن عزت از عرش تو و نهایت رحمت از کتاب تو و بنام تو

الاعظم وكلماتك التامة التي تمت صدقا وعدلا صل على محمد واهل بيته

که بزرگترست و سخنان تو که تمام اند آن کلماتی که تمام شده اند براستی و عدل درود بفرست بر محمد و اهل بیت او

پس حاجت خود را ذکر کند شیخ در مصباح این دعا را روایت کرده است با این زیادتی

سبحان ذي القدرة والكرم سبحان ذي العزة والفضل سبحان ذي

پاکست خداوند قدرت و بزرگواری پاکست خداوند غلبه و احسان پاکست خداوند

القوة والطول اللهم اني اسألك

توانائی و طاقت بار خدایا بدرستیکه سؤال میکنم

تا آخر دعا و الصا شیخ و سید از مفضل بن عمر روایت کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نماز جعفر را بجا آوردند پس این دعا خواندند یا رب یا رب بقدر یک نفس که فرو کند یا رباه یا رباه بقدر یک نفس یا رب یا رب بقدر یک نفس رب رب بقدر یک نفس یا الله یا الله بقدر یک نفس یا حی یا حی بقدر یک نفس یا رحیم یا رحیم هفت مرتبه یا ارحم الراحمین هفت مرتبه پس این دعا خواندند

اللهم اني افتتح القول بحمدك وانطق بالثناء عليك وامجدك ولا غاية

بار خدایا بدرستیکه من ابتدا میکنم سخن را بسپاس تو و گویا میشوم بستایش کردن تو و ببزرگی یاد میکنم ترا و نیست نهایتی

لمدحك واثني عليك ومن يبلغ غاية ثنائك وامد مجدك واني

برای مدح تو و ثنا میگویم بر تو و که میرسد بنهایت ثنای تو و انتهای بزرگی تو و کجاست

لخليقتك كنه معرفة مجدك واي زمن لم تكن ممدوحا بفضلك موصوفا

مر آفریده ترا کنه شناسائی بزرگی تو و کدام روزگار بود که نبودی ستوده شده بفضل خود و صفت کرده شده

بمجدك عوادا على المذنبين بحلمك تخلف سكان ارضك عن طاعتك

ببزرگی خود و بسیار رجوع کننده بر گناهکاران به بردباری خود و تخلف نمودند ساکنان زمین تو از فرمانبرداری تو

فكنت عليهم عطوفا بجودك جوادا بفضلك عوادا بكرمك

پس بودی تو بر ایشان مهربان بخشش خود و بخشش کننده بفضل خود و بسیار نفع رساننده بفضل خود

يا لا اله الا انت المنان ذو الجلال و الاكرام

اى آنكه نيست خدا مگر تو بسيار نعمت دهنده اويد بزرگى و بخشش كردن

پس حضرت فرمود اى مفضل كاه تو را حاجت ضرورى رو باشد نماز جعفر را بكن و بعد از آن دعا بخوان حوائج خود را از خدا طلب كن برآورده ميشود انشاء الله تعالى و دعا را ذكر بعد از نماز بر ترتيب شيخ و سيد ابن طاووس رحمة الله عليهما

سُبحان من لبس العزّ و تردّى به سُبحان من تعطّف بالمجد و تكرّم به

تنزيه ميكنم آنكه پوشيد عزت و رداى كرد بآن تنزيه مركسى كه رداى خود ساخت بزرگى و بزرگى قدر شد بآن

سُبحان من لا ينبغى التّسبيح الّا له جلّ جلاله سُبحان من احصى كلّ شىء

پاكست كسيكه سزاوارست تسبيح كردن مگر برآ او بزرگست بزرگى او منزه است كسيكه شمار آورد همه چيز را

بعلمه و خلقه بقدرته سُبحان ذى المنّ و النّعم سُبحان ذى القدرة

بدانش خود و پيدا كرد آنرا بقدرت خود و تنزيه مركسى را كه صاحب احسان و نعمتهاست تنزيه مركسى كه صاحب توانائى

و الكرم اللّهمّ انّى اسألك بمعاقد العزّ من عرشك و منتهى الرّحمة

و كرم است خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم از تو بجاهاى بستن عزت از عرش تو و انتهاى رحمت

من كتابك و باسمك الاعظم و كلماتك التّامّات الّتى تمّت صدقا

از كتاب تو و بنام تو كه بزرگترست و سخنان تو كه تمام اند آن سخنان كه تمام شده اند از روى راستى

و عدلا ان تصلّى على محمّد و آل محمّد الطّيّبين الطّاهرين و ان تجمع لى خير

و عدالت اينكه درود بفرستى بر محمد و آل محمد كه پاكان و پاكيزگانند و اينكه جمع كنى براى من خير

الدّنيا و الآخرة بعد عمر طويل اللّهمّ انت الحىّ القيّوم العلىّ العظيم

دنيا و آخرت بعد عمر دراز بار خدايا توئى زنده پاينده بلند مرتبه بزرگوار

الخالق الرّازق المحيى المميت المبدئ البديع لك الكرم و لك المجد

آفريننده روزى دهنده زنده كننده ميراننده پيدا كننده حاصل كننده مر تراست كرم و مر تراست بزرگى

و لك المنّ و لك الجود و لك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد

و مر تراست احسان و مر تراست بخشش و مر تراست فرمان در حالتيكه تنهائى نيست شريكى مر ترا اى تنها اى يگانه

یا صمد یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد یا اهل التقوی ویا اهل

ای آنکه همه باو محتاج اند ای کسیکه نزائیده و زائیده نشده و نیست مراو را همتا هیچ یکی ای سزاوار پرهیزکاری ای سزاوار

المغفرة یا ارحم الراحمین یا عفو یا غفور یا ودود یا شکور انت ابر بی

آمرزش ای مهربان ترین مهربانان ای عفو کننده ای آمرزکار ای دوست ای جزا دهنده تو نیکوکارتری بمن

من ابی وامی وارحم بی من نفسی ومن الناس اجمعین یا کریم یا جواد اللهم

از پدر من و مادر من و مهربان تری بمن از نفس من و از مردم همه ای صاحب کرم ای بخشنده بارخدایا

انی صلیت هذه الصلوة ابتغاء مرضاتک وطلب نائلک ومعروفک

بدرستیکه من نماز گزاردم این نماز را از جهت خشنودی تو و طلب احسان تو و عطای تو

ورجاء رفدک وجائزتک وعظیم عفوک ورضوانک وقدیم غفرانک

و امیدواری عطای تو و بخشش تو و عفو بزرگ تو و خشنودی تو و آمرزش دیرینهٔ تو

اللهم فصل علی محمد وال محمد وارفعها فی علیین وتقبلها منی واجعل

خداوندا پس درود بفرست بر محمد و آل محمد و بلند کن این نماز را در علیین و قبول کن آن را از من و بگردان

نائلک ومعروفک ورجاء ما ارجو منک فکاک رقبتی من النار والفوز

عطای خود و احسان خود و امید چیزی را که امیدوارم از تو جدا گردیدن گردن من از آتش و ظفر یافتن

بالجنة وما جمعت من انواع النعیم ومن حسن الحور العین واجعل

به بهشت و آنچه فراهم آوردی از انواع نعمت و از حسن سیاه چشمان فراخ چشم و بگردان

جائزتی منک العتق من النار وغفران ذنوبی وذنوب والدی

عطا مرا از جانب خود آزادی از آتش و آمرزش گناهان من و گناهان پدر و مادر من

وما ولدا وجمیع اخوانی واخواتی المؤمنین والمؤمنات والمسلمین

و آنچه از ایشان ولادت یافت و همه برادران و خواهران من از مردان مومن و زنان مومنه و مردان مسلم

والمسلمات الاحیاء منهم والاموات وان تستجیب دعائی وترحم

و زنان مسلمه زندگان ایشان و مردگان و اینکه مستجاب گردانی دعای مرا و رحم کنی

صَرْخَتِي وَنِدَائِي وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا خَاسِرًا وَاَقْلِبْنِي مُنْجَحًا مُفْلِحًا مَرْحُومًا مُسْتَجَابًا

بفریاد من و بانگ من و رد مکن مرا نا امید زیان کار و بگردان مرا بمطلب رسیده رستگار رحم کرده شده پذیرفته شده

دُعَائِي مَغْفُورًا لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ قَدْ عَظُمَ الذَّنْبُ

دعای من آمرزیده شده برای من ای مهربان ترین مهربانان ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ بتحقیق عظیم شده است گناه

مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْكَ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ

از بنده تو پس باید که نیکو شود عفو از جانب تو ای نیکو درگذشتن ای فراخ آمرزش ای گشاینده

الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ يَا فَيَّاحًا بِالْخَيْرَاتِ يَا مُعْطِيَ الْمَسْئُولَاتِ يَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ

هر دو دست برحمت ای بسیار عطا دهنده بنیکوئیها ای بخشنده سوالها ای بسیار جدا کننده جسدها

مِنَ النَّارِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَاَعْطِنِي سُؤْلِي

از آتش درود بفرست بر محمد و آل محمد و جدا کن تن مرا از آتش و بخش مرا حاجتهای مرا

وَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَارْحَمْ صَرْخَتِي وَتَضَرُّعِي وَنِدَائِي وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا

و بپذیر دعای مرا و رحم کن بر آواز من و زاری من و بانگ من و روا کن برای من حاجتهای مرا همه آن

لِدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَدِينِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ اَذْكُرْ وَاجْعَلْ لِي فِي ذَلِكَ

برای دنیای من و آخرت من و دین من آنچه ذکر کردم از آن و آنچه ذکر نکردم و بگردان برای من در این

الْخِيَرَةَ وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا خَاسِرًا وَاَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجَحًا مُسْتَجَابًا لِي دُعَائِي مَغْفُورًا

بهبود و مگردان مرا نا امید زیان کار و بگردان مرا رستگار رسیده بمطلب اجابت کرده شده برای من دعای من آمرزیده شده

لِي مَرْحُومًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا اَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللهِ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

برای من بخشیده شده ای مهربان ترین مهربانان ای محمد ای ابو القاسم ای پیغمبر خدا ای امیر مومنان

اَنَا عَبْدُكُمَا وَمَوْلَاكُمَا غَيْرُ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ بَلْ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ

من بنده شما و غلام شما هستم در حالیکه عار ندارم و نه بزرگی می نمایم بلکه زاری کننده خوار

عَبْدٌ مُقِرٌّ مُتَمَسِّكٌ بِحَبْلِكُمَا مُعْتَصِمٌ مِنْ ذُنُوبِي بِوَلَايَتِكُمَا اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ بِكُمَا

بنده اقرار کننده چنگ زننده بریسمان محبت شمایم پناه برنده از گناهان خود بدوستی شما نزدیکی میجویم بسوی خدا تعالی بشما

که هر سوره که خواهد بخواند ابن بابویه گفته است که همه را با سوره توحید می توان کرد و ظاهر
نیست اگرچه اول و سوم افضل است ششم مشهور آنست که تسبیحات بعد از سجده دوم رکعت اول و سوم
نشسته میخوانند و بعضی گفته اند بعد از برخاستن رکعت یک بیش از قرائت میخوانند و عمل مشهور اولی
هفتم بعضی گفته اند که چهار رکعت را بیک سلام میکنند و مشهور اقوی آنست که دو سلام است چنانچه گذشت
هشتم مشهور میان علما آنست که تسبیحات این نماز که پیش از رکوع خوانند بعد از قرائت میخوانند
و ابن بابویه موافق بعضی از روایات قائل شده است که مخیر است میان آنکه پیش از قرائت بخوانند یا
بعد از قرائت و عمل مشهور اقوی و اولی است فصل هفتم در بیان فضیلت اعمال نوروز است بدانکه
میان علما در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار است بعضی گفته اند که دهم ایار است از ماههای
رومی و بعضی گفته اند نهم شباط است و مشهور آنست که اول انتقال شمس است ببرج حمل
چنانچه در این ازمنه معمول است و این مطالب در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی داده ام این رساله
ذکر گنجایش آنها ندارد و بگمان فقیر همین نوروز که در این ازمنه مشهور است اقرب بصواب
است بحساب و اگر بنای اعمال بر این بگذارند ظاهرا بهتر است و اما فضائل و اعمال این روز
باسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص اصحاب حضرت صادق علیه السلام بوده است منقول است
که گفت در روز نوروز بخدمت امام جعفر صادق علیه السلام رفتم فرمود که آیا می شناسی این روز را
گفتم فدای تو شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم می کنند و در این روز تحفه ها و هدیه ها
برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق پروردگار خانه کعبه معظمه
است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بفهمی گفتم ای سید من
و آقای من دانستن این را از برکت شما محبوب تر است نزد من از آنکه مردگان من زنده شوند
و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی بدرستیکه روز نوروز روزیست که حق سبحانه
و تعالی در این روز پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را بیگانگی
بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند و در بندگی و پرستیدن هیچ چیز را شریک او نگردانند
و ایمان بیاورند به پیغمبران و رسولان و حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین ائمه معصومین

صلوات الله علیهم اجمعین و این اول روزی است که دران آفتاب طلوع کرده است و بادهای
آبستن کننده درختان وزیده است و کلها و شکوفه های زمین آفریده شده است و درین روز
کشتی حضرت نوح علی نبینا علیه السلم بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفته است و این روزیست
که حق تعالی حیات بخشید جمعی را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون و بیک دفعه خداوند تعالی
همه را میرانید پس از مدتها که استخوان شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر آن استخوانها گذشت و از
پروردگار خود سوال کرد که باو بنماید که چگونه این استخوانهای پوسیده را زنده میکرداند پس حق تعالی
وحی فرستاد بسوی او که آب بریز بر این استخوانهای ایشان در همان جاهای خود که هستند پس
چنین کرد و همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس قدیم است و باین سبب سنت شده که درین
روز آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود بریزند و غسل کنند و حق تعالی در قران مجید اشاره باین قصه
نموده است در آنجا که فرموده

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ

آیا ندیدی بسوی آنانکه برآمدند از خانه های خود و ایشان هزاران بودند از جهت حذر از مرگ

فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ

پس گفت ایشان را خدا بمیرید آنگاه زنده گردانید

مفسران گفته اند که آن پیغمبر حضرت حزقیل علیه السلام بود و حضرت فرموده که ایشان سی هزار کس بودند
و فرموده که درین روز جبرئیل علیه السلم بر حضرت رسول بوحی نازل شده است یعنی روز نوروز
موافق روز مبعث بوده که بیست هفتم ماه مبارک رجب است و فرموده که این روزیست که حضرت
رسول بتهای کفار قریش را در مکه شکست و حضرت ابرهیم علیه السلام نیز درین روز بتهای
کافران را شکست و اول اشاره است بانکه سنی و شیعه روایت کرده اند بطرق بسیار که شبی
رسالتپناه صلی الله علیه و آله حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت
امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا رفت و بتهای کافران را بزیر آورد و شکست پس مراد
این است که شب این روز بود و فرموده که درین روز حضرت رسول امر کرد اصحاب را

ملهم بیعت کنند با امیر المؤمنین و اقرار کنند که او پادشاه مومنان است یعنی روز عید غدیر این روز
بوده یا آن روز که سر کرده های اصحاب را گفت بروید و بر علی سلام کنید و بگوئید السلام
علیک یا امیر المؤمنین این روز بوده فرمود که درین روز حضرت رسول حضرت امیر را فرستاد بسوی
جنیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که درین روز حق خلافت با امیر المؤمنین
علیه السلام برگشت و بار دیگر بعد از کشته شدن عثمان علیه اللعن با آنحضرت بیعت کردند و درین روز
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر یافت و سر گروه
ایشان که ذو الثدیه می گفتند کشته شد و درین روز قائم آل محمد صلوات الله علیه و سلامه ظاهر خواهد شد
و درین روز امامان دیگر بنا بر رجعت خواهند کرد و درین روز قائم علیه السلام ظفر خواهد یافت بر دجال
و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را بردار خواهد کشید و در هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه
ما انتظار فرج می کشیم زیرا که آن از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست آن روز را عجمان حفظ کردند
و حرمت آن را رعایت کردند و شما عربان آن را ضایع کردید پس حضرت فرمود به معلی که چون روز نوروز
شود غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و به بهترین خوشبوهای خود را خوشبو گردان
و در آن روز روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافله های فارغ شوی چهار رکعت نماز
بگذار یعنی هر دو رکعت بیک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه
بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت سوم بعد
از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله احد و در رکعت چهارم بعد از حمد سوره

قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس

بخوان و بعد از نماز سجده شکر برو و این دعا را بخوان

اللهم صل علی محمد و آل محمد الاوصیاء المرضیین و علی جمیع انبیائک

بار خدایا درود بفرست بر محمد و آل محمد وصیت کرده شدگان پسندیدگان و بر همه پیغمبران خود

و رسلک بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک و صل علی

و فرستادگان خود به بهترین درودهای خود و برکت ده بر ایشان به بهترین برکتهای خود و درود بفرست

و در حدیث معتبر منقول است که چون حضرت صادق علیه السلام اراده سفر

چون حضرت رسول صلی الله علیه و آله اراده سفر

أرواحهم وأجسادهم اللهم بارك على محمد وآل محمد وبارك لنا في
روحهای ایشان و بدنهای ایشان خدایا برکت ده بر محمد و آل محمد و برکت ده ما را در
يومنا هذا الذي فضلته وكرمته وشرفته وعظمت خطره اللهم
روز ما که این است آن روز که فضیلت دادی او را و بزرگ گردانیدی او را و بزرگ کردی قدر او را خداوندا
بارك لي فيما أنعمت به علي حتى لا أشكر أحداً غيرك ووسع علي
برکت ده مرا در آنچه انعام کردی آن بمن تا شکر نکنم هیچکس را غیر از تو و فراخ کن بر من
في رزقي يا ذا الجلال والإكرام اللهم ما غاب عني فلا يغيبن عني
روزی مرا ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن بار خدایا آنچه ناپدید شود از من پس البته ناپدید نشود از من
عونك وحفظك وما فقدت من شيء فلا تفقدني عونك عليه
یاری تو و حفظ تو و آنچه گم کردم از چیزی پس نابود مکن از من یاری خود را بر آن
حتى لا أتكلف ما لا أحتاج إليه يا ذا الجلال والإكرام
تا آنکه رنج نکشم از برای چیزی که احتیاج ندارم بسوی آن ای خداوند بزرگی و گرامی داشتن

چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده شود و بسیار بگو یا ذا الجلال والاکرام و در بعضی کتب معتبره روایت کرده‌اند که در وقت تحویل این دعا بسیار بخوانند یعنی سیصد و شصت [illegible]

يا محول الحول والأحوال حول حالنا إلى أحسن الحال و در روایت دیگر
ای گرداننده سال و حالها بگردان حال ما را بسوی بهترین حال
يا مقلب القلوب والأبصار يا مدبر الليل والنهار يا محول الحول
ای بدل کننده دلها و چشمها ای تدبیر کننده شب و روز ای گرداننده سال
والأحوال حول حالنا إلى أحسن الحال
و حالها بگردان حال ما را بسوی بهترین حال
و ایضا بعضی روایت کرده‌اند که این عبارت نیز در
روز نوروز و بعد [illegible] ایام سال بخوانند [illegible]

و فرزند نیاورد و از این آب باین نیت بیاشامد فرزند از او بوجود آید و اگر فرزندان هر دو پسر خواهند یا دختر و از این آب بیاشامند مقصود ایشان بعمل آید چنانچه حق تعالی میفرماید یهب لمن یشاء

إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا

یعنی می بخشد حق تعالی هر که را خواهد دختران و می بخشد هر که را خواهد پسران یا جفت میگرداند برای ایشان پسران و دختران را یعنی هر دو را بایشان عطا میکند و هر که را میخواهد عقیم و بی فرزند میگرداند پس حضرت فرمود که اگر کسی درد سر داشته باشد و از این آب بیاشامد صداع او زایل گردد بقدرت الهی و اگر چشم درد داشته باشد و در چشمهای خود قطره از این آب بچکاند و بیاشامد چشمهای خود را از این آب بشوید باذن خدای تعالی شفا یابد و آشامیدن این آب دندانها را محکم گرداند و دهان را خوشبو گرداند و لعاب بن دندان را کم کند و بلغم را کم کند و تخمه و امتلاء سبب خوردن طعام و آشامیدن آب بجسم نرساند و از بادهای قولنج و غیر آن متأذی نگردد و درد پشت و درد شکم بهم نرساند و از زکام آزار نکشد و درد دندان بهم نرساند و درد معده و کرم معده را زائل گرداند و محتاج بحجامت نگردد و از مرض بواسیر و خارش بدن و آبله و دیوانگی و خوره و پیسی و رعاف و قی نجات یابد و کور و لال و کر و زمین گیر نشود و آب سیاه بر دیده اش نزول نکند و درد دیگر موجب افطار روزه و نقصان نماز او باشد او را عارض نگردد و از وسوسه جنیان و شیاطین متأذی نگردد پس حضرت رسالت پناه صلعم فرمود که جبرئیل گفت که هر که از این آب بیاشامد و بجمیع دردهائی که مردم می باشند مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها گردد پس جبرئیل گفت بحق خداوندی که ترا براستی فرستاد که هر که این آیات را از این آب بخواند حق تعالی سینه اش را مملو گرداند از نور روشنی و الهام خود را بر دل او وارد سازد و حکمت را بر زبان او جاری گرداند و پر کند دل او را از فهم و بینائی و باو عطا کند از کرامتها آنچه باحدی از عالمیان عطا نکرده باشد و هزار مغفرت و هزار رحمت باو برسد و غش و خیانت و غیبت و حسد و بغی و کبر و بخل و حرص و غضب را از دل او بردارد و از عداوت و دشمنی مردم و بد گفتن ایشان نجات یابد و موجب شفای جمیع امراض او گردد مؤلف گوید این روایت مشهور بعد العدد

دنیا و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که چون کسی بسفری برون رود بگوید اللهم انت الصاحب في السفر والحامل على الظهر

پسر عم علیه اللعنه می‌شود و این سند بسیار ضعیف است و فقیر بخط شیخ شهید علیه الرحمه دیدم که این روایت را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده بود و با این خواص و سورها اما آیات و اذکار را باین روش روایت کرده است که میخوانی بر آب باران نیسان فاتحة الکتاب و آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و سبح اسم ربک الاعلی الذی و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد هر یک هفتاد مرتبه و میگوئی هفتاد مرتبه لا اله الا الله و هفتاد مرتبه الله اکبر و هفتاد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و هفتاد مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و در خواص آن مذکور است که اگر کسی در زندان باشد و از آن آب بیاشامد از حبس نجات یابد و سردی بر طبع او غالب نگردد و اکثر آن خواص که مذکور شد در این روایت نیز مذکور است و آب باران مطلقا مبارک است و منفعت بسیار دارد خواه در نیسان بیارد خواه در غیر آن چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقولست که بیاشامید از آب آسمان که پاک کننده بدن شماست و دردها را دفع میکند چنانچه حق تعالی می‌فرماید وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ یعنی میفرستد حق تعالی بر شما از آسمان آبی برای آنکه پاک گرداند شما را بآن و ببرد از شما وسوسهٔ شیطان را و دلهای شما را محکم گرداند و ثابت گرداند بآن قدمهای شما را و در عمل نیسان بهتر آنست که اگر جمعی خوانند هر یک مجموع آن سوره‌ها و اذکار را هفتاد مرتبه بخوانند و از برای آنها که می‌خوانند فائده‌اش عظیم‌تر و ثوابش بیشتر است و در این سالها بعد از بیست و سه روز که از نوروز بگذرد تقریبا داخل ماه رومی می‌شود و ماه نیسان سی روز است و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که در هفتم حزیران البته حجامت بکن و اگر میسر نشود در چهاردهم بکن و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و آن نیز سی روز است و حزیران ماه نحسی است چنانچه در حدیث معتبر منقول است که در خدمت حضرت صادق علیه السلام ماه حزیران مذکور شد حضرت فرمود که ماهی است که حضرت موسی علیه السلام در این ماه نفرین کرد بر بنی اسرائیل

ولما توجه تلقاء مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل ولما ورد ماء مدین وجد علیه امة من الناس یسقون ووجد من دونهم امرأتین تذودان قال ما خطبکما قالتا لا نسقی حتی یصدر الرعاء وابونا شیخ کبیر فسقی لهما ثم تولی الی الظل فقال رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر فجاءته احداهما تمشی علی استحیاء قالت ان ابی یدعوک لیجزیک اجر ما سقیت لنا فلما جاءه وقص علیه القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمین قالت احداهما یا ابت استأجره ان خیر من استأجرت القوی الامین قال انی ارید ان انکحک احدی ابنتی هاتین علی ان تأجرنی ثمانی حجج فان اتممت عشرا فمن عندک وما ارید ان اشق علیک ستجدنی ان شاء الله من الصالحین قال ذلک بینی وبینک ایما الاجلین قضیت فلا عدوان علی والله علی ما نقول وکیل

کفنش با او باشد و در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هرگاه نظرش بران کفن افتد برای او حسنه نوشته شود و باید که در ان وقت امیدوار رحمت حق تعالی و شفاعت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیه علیهم بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت و مردی اوست گفتند یا رسول الله صلی الله علیه و آله چگونه وصیت کند فرمود که چون نزدیک وفاتش شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید

اَللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنَ الرَّحِيمَ

خداوندا ای آفریننده آسمانها و زمین داننده نهان و آشکار بخشاینده مهربان

اِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ اَنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ

بدرستیکه من عهد میکنم بسوی تو بدرستیکه من گواهی میدهم اینکه نیست خدائی مگر تو در حالتیکه یگانه نیست شریکی

لَكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَاَنَّ السَّاعَةَ

مر ترا و بدرستیکه محمد درود فرستد خدا بر او و آل او بنده توست و رسول توست و بدرستیکه قیامت

آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَاَنَّكَ تَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَاَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ

آینده است نیست شکی در ان و بدرستیکه تو مبعوث کردانی هر که را در قبرهاست و بدرستیکه حساب حق

وَاَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَمَا وَعَدَ اللّٰهُ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَاْكَلِ وَالْمَشْرَبِ

و بدرستیکه بهشت حق است و آنچه وعده کرده خدا در ان از نعمت از خوردنی و آشامیدنی

وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَاَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَاَنَّ الْاِيمَانَ حَقٌّ وَاَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَفْتَ

نکاح حق است و بدرستیکه آتش حق است و بدرستیکه ایمان حق است و بدرستیکه دین چنانست که صفت کردی تو

وَاَنَّ الْاِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَاَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ وَاَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا اَنْزَلْتَ

و بدرستیکه اسلام چنانست که قرار داده و بدرستیکه قول چنانست که گفته و بدرستیکه قرآن چنانست که فرستادی

وَاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَاِنِّي اَعْهَدُ اِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا اَنِّي رَضِيتُ بِكَ

و بدرستیکه توئی خدای حق آشکار و بدرستیکه من عهد میکنم بسوی تو در خانه دنیا بدرستیکه من راضی شدم

رَبّاً وَبِالاِسْلامِ دِیناً وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ نَبِیّاً وَبِعَلِیٍّ اِماماً

از روی پروردگار و باسلام از روی دین و به محمد درود فرستد خدا بر او و اولادش از روی پیغمبر بودن و بعلی

وَبِالْقُرْآنِ کِتاباً وَاَنَّ اَهْلَ بَیْتِ نَبِیِّکَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ اَئِمَّتِی اَللّٰهُمَّ

و بقرآن از راه کتاب و بدرستیکه خانواده پیغمبر تو بر وی و آل او و بر ایشان باد سلام پیشوایان من اند خداوندا

اَنْتَ ثِقَتِی عِنْدَ شِدَّتِی وَرَجائِی عِنْدَ کُرْبَتِی وَعُدَّتِی عِنْدَ الاُمُورِ

تو اعتماد منی نزد سختی من و امید منی نزد سختی من و سامان منی نزد امور

الَّتِی تَنْزِلُ بِی وَاَنْتَ وَلِیِّی فِی نِعْمَتِی وَاِلٰهِی وَاِلٰهُ آبائِی صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

که فرود آید بمن و تو یاور و مددکار منی در نعمت من و خدای منی و خدای پدران منی درود بفرست بر محمد

وَآلِهِ وَلا تَکِلْنِی اِلی نَفْسِی طَرْفَةَ عَیْنٍ اَبَداً وَآنِسْ فِی قَبْرِی وَحْشَتِی

و آل او و وامگذار مرا بسوی نفس خودم یک چشم بر هم زدن همیشه مونس باش در قبر من وحشت مرا

وَاجْعَلْ لِی عِنْدَکَ عَهْداً یَوْمَ اَلْقاکَ مَنْشُوراً

و بگردان برای من نزد خود عهدی روزی که ملاقات کنم ترا گشاده

پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که این عهد و پیمان میت است با خدا و هر که

میخواهد وصیت کند و وصیت لازم و واجب است بر هر مسلمان و صحیفه اعتقادات خود را چنانچه

در کتاب حلیة المتقین ذکر کرده‌ام درست کند و بهر گواهان بسپارند و در میان کفن او گذارند

و چون تا احتضار ظاهر شود این دعا را مکرر بخواند

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِیَ الْکَثِیرَ مِنْ مَعْصِیَتِکَ وَاقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ مِنْ طاعَتِکَ

خداوندا بیامرز مرا بسیار از نافرمانی تو و قبول کن از من اندک از بندگی تو

تا جان کندن بر او آسان گردد و باید که اولاد و خویشان او در آن وقت بر بالین او حاضر

گذارند و بر او دعا و قرآن بخوانند و تلقین و اعتقادات بر او بخوانند و اعتقاد به توحید

خدا و صفات کمالیه الهی و رسالت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امامت ائمه هدی

و اعتقاد بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر و سایر اعتقادات حق را کرر بر او بگوید

و اگر تواند خواند خود بخواند و اگر نه بر او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و اگر عربی نداند مضامینش را بر او
القا کنند که در این وقت شیطان بر او دست نیابد که او را از دین برگرداند و باید که کلمهٔ طیبهٔ
لا اله الا الله بسیار بگوید و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که آخر
سخن او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
علیه السلام مرویست که تلقین کنید مردگان خود را لا اله الا الله بدرستیکه گناهان را
در هم می شکند مجلس مومن است در حال حیات و نزد مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که
در هنگام مردن این کلمهٔ طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در این حال پای او را
جانب قبله کرده باشند تا ملائکهٔ رحمت باو رو آورند و در این وقت حائض و جنب نزد او نباید که ملائکه
از ایشان نفرت می کنند و اگر بغیر ایشان کسی نباشد جائز است که برای ضرورت پرستاری
او نمایند و چون نزدیک شود که جانش برآید بیرون روند و در احادیث معتبره وارد شده است
که اگر جان کندن بر او دشوار شود او را ببرند بآن جائی که همیشه نماز میکرده است یا بجانماز
او را بر روی جای نمازی که بر آن نماز میکرده است زیرا که اگر امید شفا هست شفا می یابد و الا
جانش بآسانی بر می آید و از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که زنهار در حال احتضار
دست بر او مگذارید و اگر دست و پا را حرکت دهد مانعش مشوید چنانچه جاهلان میکنند و نزد او
قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر حضرت رسول و آل او بفرستید و در حدیث دیگر
منقولست که فرزندی از حضرت صادق علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر
علیه السلام در کنار خانه نشسته بودند هر که نزدیک او میرفت منع میکردند و می فرمودند که دست بر او
مگذارید که او در این حالت در نهایت ناتوانیست هر که دست بر او می گذارد در خیال آنست که
او در گشته است و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر گاه
کسی را در وقت جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین او کنید و کلمات فرج این است
لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله
نیست خدایی بجز خداوند بردبار بزرگوار نیست خدایی بجز خداوند بلند بزرگ منزه است خدا

حسن از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون مؤمن را بقبر میبرند ازندا میکنند که اول
عطائی که ترا دادیم بهشت و اول عطائی که دادیم آنهارا که با جنازهٔ تو آمده اند آمرزش گناهانست
و در حدیث دیگر فرموده که اول تحفه که بمؤمن میرسد در قبر آنست که می آمرزند هر کسرا که
همراه جنازهٔ او بوده است و در حدیث دیگر فرمود که هر که همراه جنازهٔ مؤمنی بکند تا او را دفن کنند
حق تعالی در قیامت هفتاد ملک را برای او بگمارد که همراه او بیایند و استغفار برای او کنند از
موقف حساب و فرمود که هر که یک طرف جنازه را بگیرد بیست و پنج گناه کبیرهٔ او آمرزیده شود
و اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید و باید که جنازه را چهار کس وا دو بهتر آنست
که برای کسیکه تشییع جنازه کند اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست
خود بردارد پس پای راست میت را بدوش راست خود بردارد پس از پشت جنازه بیاید و پای
چپ میت را که در جانب راست جنازه است بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میت را
که در جانب راست جنازه است بدوش چپ بردارد و چون خواهد که بار دیگر تشییع جنازه
کند از پیش جنازه برود و ملک از جانب پشت جنازه برگردد و باز بهمان روش تشییع بجا
آورد و اکثر علما بعکس گفته اند که اول ابتدا بدست راست جنازه می کنند پس بپای راست
پس بپای چپ پس بدست چپ و اول موافق احادیث معتبره اولست و اگر هر دو را
بعمل آورند بهتر است و افضل آنست که عقب جنازه یا پهلوها را راه روند و پیش جنازه نروند
و ظاهر اکثر احادیث آنست که اگر جنازهٔ مؤمن باشد پیش آن راه رفتن خوبست و در
جنازهٔ خلاف مذهب خوب نیست زیرا که ملائکه او را استقبال بعذاب می کنند با جنازه
سواره رفتن مکروه است و از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله منقولست که هر که جنازه را ببیند این بخواند

اللّٰهُ اَكْبَرُ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ زِدْنَا

خدا بزرگتر است این است آنچه وعده کرده ما را خدا و رسول او و راست گفته خدا و رسول او خداوندا بیفزا ما را

اِيمَانًا وَتَسْلِيمًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَقَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ

ایمان و تسلیم سپاس خدا را که عزیز است بقدرت و غالب است بر بندگان بمرگ

هیچ ملکی در آسمان نماند مگر آنکه گریه کند از برای ترحم بر او و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چهار نفر جنازه این دعا بخواند

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

بنام خدا و بیاری خدا خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و بیامرز مردان مومن و زنان مومنه را

و منقولست که حضرت امام زین العابدین ع هرگاه جنازه را میدید میگفت

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ لَمْ یَجْعَلْنِیْ مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ

سپاس مر خدا را که نگردانید مرا از گروه هالکان

و زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی گفته اند که جنازه را بسیار تند بردن مکروه است و مجمره بردن با جنازه کراهت دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و اسراف است و در شب خوب است و مکروه است کسی را که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل گفتن

فصل دوم در غسل دادن میت

بدانکه احکام میت از غسل دادن و کفن کردن و نماز کردن و دفن کردن و احکام مس میت همه واجب کفائی است یعنی بر همه واجب است اگر یکی بکند از همه ساقط میشود و اگر همه ترک کنند همه معاقب می شوند و مشهور میان علما آنست که ولایت این معنی تعلق بوارث میت دارد و ولی رخصت او دیگری متوجه اینها نمی تواند شد و مردان در تنها اولی اند از زنان و شوهر اولی است از دیگران و احوط آنست که ولی بنفس خود غسل بدهد و نماز و سایر احکام میت واجب است برای شیعه اثناعشری و در سنی و سایر فرقه مخالفان خلاف است و ظاهر او واجب نباشد مگر در حال تقیه و شهیدی که در جهاد با امام کشته شده باشد و در معرکه مرده باشد او را غسل نمی دهند و کفن نمی کنند بلکه نماز میکنند با جامه که پوشیده است دفن می کنند و بعضی گفته اند که در جهاد حقی که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب آنست که هرگاه از میت عضوی یافته شود که در آن استخوان باشد می شویند و کفن می کنند و دفن میکنند و بعضی سه کفن را در این حالت واجب دانسته اند و اگر عضوی باشد که دل در آن باشد نماز هم می باید کرد و احوط آنست که اگر سینه را تنها بیابند با چنین کنند و همچنین اگر جمیع استخوانهای

میت را بیابند و عضوی که بی استخوان باشد مشهور آنست که در لته‌ای بپیچند و دفن میکنند و بعضی
لته پیچیدن واجب ندانسته‌اند و بچه که در شکم ساقط شود و هرگاه چهار ماه یا زیاده داشته باشد غسل میدهند
و کفن و دفن می‌کنند و بر او نماز نیست و بعضی گفته‌اند که سه جامه کفن میکنند و حنوط می‌کنند و اگر
چهار ماه نداشته باشد مشهور آنست که در لته‌ای می‌پیچند و دفن میکنند و در روایت در لته پیچیدن مذکور
نیست و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار کرده‌اند در غسل و کفن نه چهار ماه و این احوط است
و اگر عضوی استخوان داری از زنده بریده باشند احوط آنست که غسل و کفن و دفن بکنند اگرچه
اظهر عدم وجوب است و اگر طفلی در شکم مادر مرده باشد و مادر زنده باشد اگر توانند درست بیرون
می‌آورند و الا پاره پاره میکنند و بیرون می‌آورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد شکم مادر را
می‌شکافند از جانب چپ و طفل را بیرون می‌آورند و بهتر آنست که شکمش را بدوزند و دفن کنند و واجب
است که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن الا چند موضع اول زن و شوهر که بقول اشهر و اقوی یک
دیگر را غسل می‌توانند داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهد و نظر بعورت نکند و بهتر آنست که
بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را دوم جائز است که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن
کسی در عدت کسی نبوده باشد و در غسل دادن کنیز آقا را خلاف است سوم جائز است که غسل دهد مرد
اجنبی دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه و بعضی پنج ساله نیز تجویز کرده‌اند چهارم هرگاه مردی فوت
شود و مردی نباشد که او را غسل دهد و زن محرم او را غسل میتواند داد و از زیر جامه و همچنین است هرگاه زن
فوت شده باشد و ظاهر آنست که در حال اختیار نیز محارم یکدیگر را غسل می‌توانند داد اما احوط آنست که تا ممکن باشد
زنان زن را و مردان مرد را غسل دهند و اما کیفیت غسل بهتر آنست که پیش از غسل کفن را مهیا کند و اول
حبره را بعد از آن ستر سری بعد از آن پیراهن را پهن کند و نصف بالای پیراهن را برگردانند و لنگ را و بعد از آن
ران پیچ را بجای خود پهن کند پس متوجه غسل شود و اگر میسر باشد که میت را در وقت غسل بر روی تختی یا تخته بخوابانند بهتر است
و مستحب است که در وقت غسل پای میت بسوی قبله باشد بطریق حال احتضار و بعضی واجب دانسته‌اند و در
سایر احوال باید چنین باشد مگر در حال نماز و حال دفن و باید که رختهایش را بکنند و اگر خواهند با پیراهن غسل دهند اگر خواهند
لنگ به نهند و پیراهن را بکنند و بر هر تقدیر واجب است که در وقت غسل دادن عورتین میت را بپوشانند و مشهور است

که واجب است که اول ازاله نجاست از بدن میت بکنند و سنت است که برای حرمت میت پیراهن او را از طرف
پا بیرون بکنند و اگر تنگ باشد با اذن وارث بشکافند و سنت است که در زیر سقفی یا خیمه غسل دهند که رو به
آسمان نباشد و سنت است که در وقتی که غسل داده شود یکی آب بریزد و دیگری گرداند میت را و مستحب است
که انگشتان میت را نرم کند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست بردارد و واجب است
که میت را سه غسل بدهند اول با آب سدر بعد از آن با آب کافور بعد از آن با آب خالص سنت است که اول
دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه بشویند بنا بر بعضی از روایات پس عورت میت را بشویند و احوط آنست
که چون خواهد عورت را بشوید لته بر دست ببندد که دستش بعورت نرسد و اگر بدست چپ بشوید
بهتر است و سنت است که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و آب بسیار بریزد
تا خوب پاک شود پس دست بالای شکمش بگذارد و نرمی هموار پایین کشد که اگر فضله باشد بیرون آید
و اگر چیزی بیرون آید باز مخرج را بشوید و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن بچه باشد دست بر
شکمش نکشد و علما گفته اند که سنت است که سر و ریش را پیش از غسل بکف سدر بشوید و سنت است که
دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسی که دست بر میت بگذارد و پس وضو دهد میت را و روش
وضوی زندگان با آب خالص و بعضی واجب دانسته اند و نیت کند وضو میدهم این میت را
قربة الی الله پس دستهایش را بشوید و سر و پاهایش را مسح کند پس ابتدا کند بغسل و احوط
آنست که آب ریزنده و گرداننده اگر دو کس باشند هر دو نیت کنند و بهتر آنست که نیت هر
غسل را در اول بکنند و از برای غسل کافور و قراح نیز نیت جدا بکنند پس اول نیت میکنند که
این میت را غسل میدهم بآب سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجب است از برای رضای
خدا یا قربة الی الله پس سر میت را بآب سدر میشوید و احوط آنست که اول نجاسات سر از آن
بریزد و بعد از آن بجانب راست و سنت است که سر او و ریش او را سه مرتبه بشوید پس میت را بر
پهلوی چپ بخواباند و جانب راست را بشوید و سنت است که سه مرتبه بشوید و بر ...
که میریزد قطع نکند تا بپا برساند و اگر آنکه میت را میگرداند در هنگام ریختن دست بر پشت و
شکم بمالد و هموار که آب خوب برسد بهتر است و سنت است ... تا آنکه بر آن سدر چنان که

که آب بزیر آنکه وخورند وران سائر اعضا خوب جاری شود پس میت را بر گردانند و بر پهلوی
راست بخواباند وپهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشویند ودر آب سدر گفتنی است که
ومشهور آنست که حدی ندارد وبعضی گفته‌اند که باید بقدر یک سدر باشد وبعضی یک رطل وبعضی یک رطل ونیم گفته
اند که نزدیک به بیست وپنج درم وزیاده بوده باشد وگویا این تا وبهر برای شستن فرج سائر
اعضا بیش از غسل بوده باشد واحوط آنست که در آب غسل آنمقدار داخل کنند که مضاف نشود
و آب نگویند ودر بعضی از روایات در شستن سر جانب شستن نصف سر نیز وارد شده است شاید
بد نباشد اگرچه خلاف مشهور است پس میت را به پشت بخواباند وبطن فهار آنشویند که ترسید از آنها
بطرف شود واندک کافور را ریزه می کنند وداخل آب بکنند وغسل دهنده سینه‌ها … تا مرفق بشوید
وبهتر آنست که دستهای میت را نیز با نصف ذراع سه مرتبه بآب کافور بشوید وفرج را نیز سه مرتبه بشوید بهمان
نحوی که گفته باد دستها دست پیچید دست بر شکم میت بکشند بهموار وبهتر آنست که شکم میت بشکم می کشند
سر میت را بلند کنند که فضلات از انفظ بیرون شود ولیکن احتیاطا آب … نیز نده وگردانند هرچند … که این
میت را غسل سیوم بآب کافور از برای آنکه وجهت از برای … پس سر را بشویند وسنت است که
سه مرتبه بشویند ودر هر مرتبه ابتدا از جانب راست سر بکند وگردانند بهموار … بمالد پس جانب راست را
سه مرتبه وجانب چپ را سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشویند پس میت را بر پشت بخواباند و
باز دست خود را تا مرفق بشوید وظهار را خوب بشوید که اثری از سدر وکافور در آنها نماند و
اگر … وبگیر برای آب قراح مهیا کند بهتر است واحوط آنست که آب غسل قراح را از …
که آب سدر وکافور در آن ریخته شده است بردارند وآب تازه بردارند که اینها مطلقا در آن داخل
نشده باشد پس دستهای میت را با نصف ذراع سه مرتبه با آب خالص بشویند واستنجا باد فرج
میت را نیز بآب خالص سه مرتبه بشویند واگر درین وقت نیز باز دیگر میت را وضو دهند شاید
بهتر باشد پس احتیاط نیت کند که غسل سیوم این میت را بآب قراح از جهت آنکه واجب است
قربة الی الله پس سر را سه مرتبه وجانب راست را سه مرتبه وجانب چپ را سه مرتبه بشویند که یکمرتبه
واجب است ودو مرتبه سنت وبهتر آنست که گرداننده بجدار او وقت آب ریختن سر بکشد

بر بدن میت و پیش از این غسل و در اثنای این غسل دست بر شکم میت بکشند و چون از هر سه غسل فارغ
شوند اگر خوف خروج نجاسات بوده باشد قدری از پنبه در دبر میت داخل کنند و همچنین در دهان و بینی
قدری از پنبه داخل کنند اگر خوف بیرون آمدن خون یا نجاستی بوده باشد پس سنت است که بدن را
بجامه خشک کنند و بعد از آن او را بر روی جامه های کفن بگذارند و سنت است که هر مرتبه که میت را از
جائی بجائی گردانند این دعا خوانند

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ عَبْدِكَ الْمُؤْمِنِ وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوْحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ
خداوندا بدرستیکه این بدن بنده مؤمن تست و بتحقیق بر آوردی روح او را از آن بدن و تفرقه انداختی
بَیْنَهُمَا فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ واگر زن باشد بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا بَدَنُ اَمَتِكَ الْمُؤْمِنَةِ
میان آنها پس میطلبیم عفو ترا عفو ترا — خداوندا بدرستیکه این بدن کنیز مؤمنه تست

واگر رو بها بگوید بهتر است و در سایر احوال غسل مکرر بگوید
رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ
ای پروردگار من میطلبیم عفو ترا عفو ترا

تا خدا او را بیامرزد و سنت است که هر چه از عیوب میت بر او ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی
گناهان او را بیامرزد و چنانکه از ما و ... شده و مستحب است که غسل دهنده از جانب راست
بایستد و گودالی برابر قبله بکنند و تخته سر ... باشد که آب غسل در آن گودال رود و مکروه است
که آب غسل را بجائی که در آن بول و غایط کنند بریزند و اگر چاهی باشد که ... خانه در آن ریزند ضرر
ندارد و مکروه است میت را بآب گرم غسل دادن مگر در حال ضرورت و مکروه است که میت
را در میان پاهای خود بگیرد و ایضا مکروه است که ناخن میت را بگیرند و یا موی او را بگیرند و یا شانه
کنند و اگر بگیرند ناخن و موی را ... در اثنای غسل جدا شود باید که در میان کفن گذارد و با میت دفن
کنند و در حدیث معتبر منقول است که ... از حضرت امام محمد باقر پرسیدند که حضرت صادق علیه السلام را غسل دادند
فرمودند که ... سه مرتبه با آب قراح غسل دهند
و احوط آنست که سه مرتبه غسل دهند و اگر بیش از سه هم ... آنست که ... او را

غسل دهند و اگر آب بهم نرسد یا میت را غسل نتوان داد که خوف آن باشد که بدن میت از هم بپاشد

تیمم دهند او را ظاهر آنست که یک تیمم کافی است و سه تیمم احوط است و بهتر آنست که تیمم را چنین بدهد که نیت کند

که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سه گانه به آب سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجب است از برای

رضای خدا و تیمم دیگر را قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور احتیاطا قربة الی الله و همچنین

قراح را و چون نیت کند دست خود را بر خاک زند و بر پیشانی میت کشد و دیگر بر پشت دست راست

میت و بعد از آن بر پشت دست چپ و اگر دو ضرب تیمم بدهد یکی برای رو و یکی برای دستها

خوب است و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور ندهند و حنوط نکنند **فصل سوم** در کفن کردن

میت است واجب است که میت را سه کفن کنند و اکثر علما گفته اند که اول آنها لنگ است که از ناف

تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفته اند که سنت است که سینه را بپوشاند و بعضی گفته اند که سینه

را بپوشاند و تا پا برسد دوم پیراهن است و سوم سرتاسری که جمیع بدن را بپوشاند و بعضی از علما

گفته اند که پیراهن است و دو سرتاسری و جایز است که بجای پیراهن یک سرتاسری دیگر

بکنند که مجموع سه سرتاسری باشد و این قول اظهر است و احادیث معتبره بر این دلالت دارد

و احوط آنست که با اینها لنگ نیز بکنند و با ضرورت یک سرتاسری کافی است و باید که کفن حریر

محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن زنان نیز حریر محض نبوده باشد احوط آنست که کفن از پوست

نبوده باشد و بهتر آنست که از مو و پشم نیز نبوده باشد و مستحب است که از پنبه سفید بوده باشد

و سنت است که سرتاسری بالا از جمله دو سرتاسری حبره باشد و آن جامه بوده که از یمن

می آوردند و الحال معلوم نیست که چه بوده است که اگر بجای آن قطنی سفید بکنند بد نباشد و علما

گفته اند که سنت است که اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست میت اندازند و

بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ میت و بهتر آنست که چنین کنند اگرچه

سندش بنظر نرسیده و سنت آنست که خرقه طولی که عرضش یک شبر و نیم طولش اقلا سه

ذراع و نیم باشد تا ربع دست زیاده کنند برای ران پیچ با آنکه سنت آنرا [illegible]

و بر کفل میت ببندند و پنبه بسیار بر دبر و فرج میت بگذارند و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند

و اگر پنبه قدری کافور بپاشند شاید بهتر باشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند و از زیر
بخیه بر کمر تن بسته اند بیرون آورند و محکم ببندند که فرج را و پنبه که گذاشته اند فرا گیرد و پاها را
بهم آورند و رانها را با یکدیگر با آن خرقه سخت ببندند تا زانوها و بهر جا که منتهی شود سرش را بخیه
پیچیده اند فرو برند و سنت است که عمامه از برای مرد پیدا کنند که بدور سرش بگردانند و موافق مشهور
بزیر حنک بگردانند و سرهای عمامه را از هر دو طرف بدر آورند و بر سینه میت بیندازند جانب چپ بر جانب
راست و سر راست را بر جانب چپ بدل عمامه مرد از برای زن مقنعه پیدا کنند و پارچه بر سینه
زن ببندند که پستانهای او بکمر و بپشتش گره زنند و کرده است که کفن از کتان باشد یا پیراهنی
که تازه کنند شستن و شسته باشد اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن کنند در کار نیست بدین
و پاک بودن باکی نیست اما تکمه ها و بندهایش را ببرند و سنت است که میت را کفن کنند در
پیراهنی که در آن نماز بسیار کرده است و اگر در پیراهن بعضی از علما و صلحا نیز کفن کنند شاید بهتر باشد
و مستحب است که در جامه که در آن احرام بسته است در حج یا عمره کفن کنند و مستحب است که کفن خوب و پاکیزه
و مناسب میت باشد چنانچه در حدیث وارد شده است که نیکو کنید کفنهای مردگان
خود را که زینت ایشانست و با آن کفنها در قیامت مبعوث میشوند و سنت است که در میت
کفن منقش و تصویر نکنند و کفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد و سنت است موافق
مشهور که بر کفن شهادتین و اقرار بائمه معصومین ع بنویسند و دعای جوشن کبیر و غیر آن در بعضی
روایات وارد شده است و سنت است که بتربت حضرت امام حسین ع بنویسند و علما
گفته اند که سنت است که کفن را بر ریسمانی که از وی بیرون آورند بدوزند و باب دهان تر نکنند
و سنت است که در وقتیکه غسل دهنده خواهد که میت را کفن کند بشوید دستهایش تا دوش یا مرفق
بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن کردن و واجب است حنوط کردن میت را یعنی آنکه بر هفت
موضع سجده او یعنی پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشتان مهین پاها کافور بمالند
اگر چه اندکی باشد بهتر آنست که سر بینی را نیز بمالند و بر سینه اش بریزند و اگر اول
با این کردن پیشانی باید و بندهائی است در مرفقها و زیر بغلها و پیچ ران نبند نکنند

و سایر بیدها را با النداحوط است و بهتر آنست که کافور حنوط و کافور خام جداگانه باشد و مقدار اقلش
بقدر یک اشرفی باشد که چهار دانگ و نیم مثقال است و بهتر ازین آنست که مثقال باشد و بهتر
ازین آنست که سیزده درم و ثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلی الله علیه و آله که تقریبا
هفت مثقال صیرفی بوده باشد و بهتر آنست که کافور غسل ازین مقدار را نباشد و سنت مؤکده
سنت که دو جریدهٔ تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است که تا این تر باشد
میت را عذاب نمی کنند و بهتر آنست که چوب درخت خرما بوده باشد و اگر یافت نشود چوب
درخت سدر و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر یافت نشود چوب درخت انار و اگر هم
نرسد هر چوب تر که خوب است و باید که تر باشد و تازه از درخت بریده باشند و خشک
هر چند از درخت خرما باشد اما کهنه بریده باشند فایده نمیکند و باید که هر یک بقدر شبر
بوده باشد یا یک ذراع است و بعضی گفته اند که بقدر استخوان ذراع که از یک شبر
بیشتر است و ظاهرا همه خوبست و بعضی گفته اند که یکی را از اینها به پهلوی راست طرف شانهٔ میت
بانند و یکی را از جانب راست بگذارند و سر آن را بچنبر گردن گذارند و ملصق به بدن سازند و
دیگری را از جانب چپ در میان پیراهن و ازار بگذارند و سر آن را نیز بچنبر گردن گذارند و بعضی
گفته اند که سنت است که بر جریدتین شهادتین بنویسند به تربت شریف و اگر تقیه باشد و جریده
نتوان در کفن گذاشت در میان قبر بیندازند و اگر بعد از پر کردن قبر بخاطرشان بیاید
در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میت از اصل مال اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث
و اگر چیزی نداشته باشد رختهایی او را تطهیر کنند و با آنها کفن کنند و اگر آنهم نباشد
برهنه دفن کنند و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میت می توان کرد و خالی
از قوتی نیست و سنت مؤکد است که مؤمنان او را کفن کنند چنانچه در حدیث معتبر از حضرت
امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست که ضامن جامهٔ او
شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند از برای مؤمنی قبری چنانست که او را خانهٔ موافق
نیکو جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجب است هر چند زن مالدار باشد همچنین کفن بنده

بر صاحبش واجب است و اگر از میت نجاستی بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده
باشد تا در قبر نگذاشته اند آن را می شویند و اگر بقبر برده باشند مشهور آنست که آن موضع را مقراض
میکنند و کفن را از یکدیگر می گذارند تا بدن میت پوشیده شود و بعضی گفته اند که اگر ممکن بوده باشد
شستن در اندرون قبر با لگن و آفتابه ببرند و بشویند بهتر است خصوصاً هرگاه بدن میت نجس
شده باشد و تطهیر آن لازم باشد کفن را نیز بآن عنوان بشویند و این احوط است و جمعی گفته اند که
مکروه است کفن را با آهن بریدن و گفته اند از مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن نیز سنت است
که پاهایش بجانب قبله باشد و میتی که در غیر جهاد یا با امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله
می کنند و غسل میدهند و اگر سر جدا باشد در هر غسلی اول سر را می شویند و آخر بدن را و بعضی گفته اند
که اگر خون بند نشود گل بر آن می ریزند و از حضرت صادق علیه السلام منقولست در حکم چنین
کسی که اول خون را می شویند و آب بر او می ریزند در غسل و دست بر بدنش نمی مالند و بر
جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم می بندند و همچنین اگر گردنش بریده شده باشد و جدا
نشده باشد کافوری باشد بر موضع جراحت و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه می بندند که خون
بیرون نیاید و اگر سر از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را می شویند و بعد از آن بدن را
پنبه بر بالای گردن میگذارند و بعد از آن سر را بر روی گردن میگذارند و در میان کفن
می پیچند و در هنگام دفن سر را با بدنش میگیرند و در لحد میگذارند و رویش را بجانب قبله میگردانند

فصل چهارم در نماز میت است و این نماز واجب است بر همه مسلمانان که علم بفوت
شخصی هم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا آورد از دیگران ساقط می شود و واجب است
نماز بر هر شیعه اثنا عشری که بالغ باشد بخلاف و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش سالش
تمام شده باشد نماز واجب است و ظاهر المقصد قربت آشنا توان کرد و کمتر از شش ماهه را
اگر زنده متولد شده باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز نکردن است و جائز
نیست نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان که عداوت اهل بیت داشته باشند و غالیان که
ائمه علیهم السلام را خدا دانند یا گویند که خدا در ایشان حلول کرده است و بر وجه و تقیا

رود پس بگوید لا اله الا الله و الله اکبر است که هر که بر ... پر کند آن رود و خانه را از برای او از حسنات و در حدیث دیگر فرمود که هر که لا اله الا الله و الله اکبر بگوید در بلندیها آنچه در پیش روی اوست تا منتهای زمین ... و در حدیث معتبر دیگر منقول است ...

که چندان اجسام میسر است و در غیر ایشان از مخالفان خلاف است و ظاهر امخیر است میان آنکه
نماز نکند یا بکند و چهار تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت بر او بکند و در موضع تقیه کسی نباید کرد و اولی
ترین مردم بنماز میت وارث او ست بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت
نمی توان کرد و با نفراد می توان کرد و احوط آنست که تا توانند از ایشان رخصت گرفتن بی رخصت
نکنند و شوهر از همه خویشان اولی است نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث اگر
خود قابلیت پیش نمازی نداشته باشد هر که را اعتقاد داشته باشد و بهتر داند مقدم دارد
و جائز است که زن پیش نمازی زنان بکند و با ماموان در یک صف بایستد و مرد باید که
پیش بایستد اگر چه ماموم یک نفر باشد و اگر زنان با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان
بایستند و اگر حائض باشد سنت است که در صف جدا بایستد و واجب است که نماز گذارنده رو بقبله
بایستد و سر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط
در منفرد آن است که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجب است که میت را بر پشت بخوابانند
و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حائض و بی وضو این نماز می توانند کرد
و احوط آنست که سائر شروط نماز یومیه را در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورت
و نجس نبودن جامه و بدن و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگر چه اظهر آنست که هیچ یک در کار نیست
مگر چیزی چند که حرام باشد و ازاله آنها منافی افعال نماز باشد مانند طلا و حریر برای مردان
و جامه غصبی و سنت است که با وضو باشد و اگر آب بهم نرسد یا مانعی در اشته باشد یا وقت
تنگ باشد سنت است که تیمم کند و ظاهر بعضی اخبار آنست که بدون عذر نیز تیمم مستحب است
و می باید که از جنازه بسیار دور نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها در میان باشد
و نماز بر میت نمی توان کرد تا او را غسل و کفن بکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را
بقبر بگذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت است که پیش نماز برابر میان مرد باشد
و سینه زن بنابر مشهور و سنت است که کفش را بکنند و اگر موزه در پا داشته باشد در کار نیست
کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است و واجب است که نیت کند و بهتر آنست که چنین نیت کند

که نماز بر این میت را حاضر کنیم ... آنکه واجب است قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنت
است که در هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر تکبیر اول سنت نمی دانند
دست برداشتن را و اول اقوی است و در وجوب دعا در میان تکبیرها خلاف است و احوط
وجوب است و ظاهر آنست که هر دعائی مجزی باشد و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول بگوید
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله و بعد از دوم اللهم صل
گواهی میدهم آنکه نیست خدائی بغیر خدا بحق و گواهی میدهم که محمد فرستاده خداست خداوندا رحمت فرست
علی محمد و آل محمد و بعد از سوم اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات و بعد از چهارم
بر محمد و آل محمد خداوندا بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را
اللهم اغفر لهذا المیت و تکبیر پنجم بگوید و فارغ شود و مجزی است و موافق مشهور
خداوندا بیامرز این مرده را بهتر آنست که چنین کند و بعد از نیت بگوید
الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا
خدا بزرگتر است گواهی میدهم آنکه نیست خدائی بغیر خدا بحق و تنها است نیست شریکی او را و گواهی میدهم
عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة
بنده او و فرستاده او ست فرستاد او را براستی بشارت دهنده و ترساننده در پیش قیامت
الله اکبر اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد
خدا بزرگتر است خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد
وارحم محمدا و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی
و رحم کن محمد و آل محمد را مانند بهتر از آنچه رحمت فرستادی و برکت دادی و رحم نمودی بر
ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء والمرسلین
ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرگواری و رحمت فرست بر همه پیغمبران و مرسلان
الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات
خدا بزرگتر است خداوندا بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه و مردان مسلمان و زنان مسلمه

اللهم رب السموات السبع وما اظللن و رب الارضین السبع وما اقللن و رب الریاح وما ذرین و رب الشیاطین وما اضللن ... نصلی علی محمد و آل محمد

الاحیاء منهم والاموات تابع بیننا وبینهم بالخیرات انک مجیب

زنده‌های ایشان و مرده‌ها متابعت بینداز میان ما و میان آنها به نیکی‌ها بدرستیکه تو اجابت کننده

الدعوات انک علی کل شیء قدیر پس بگوید الله اکبر اللهم ان هذا عبدک

دعاهائی بدرستیکه تو بر همه چیز توانائی خدا بزرگترست خداوندا بدرستیکه این بنده

وابن عبدک وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم

و پسر بنده تست و پسر کنیز تست فرود آمد نزد تو و تو بهترین فرود شدگانی خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم

منه الا خیرا وانت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان

از و مگر نیکی و تو داناتری باو از ما خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن در احسان او و اگر هست

مسیئا فتجاوز عنه واغفر له اللهم اجعله عندک فی اعلی علیین واخلف

گنه کار پس درگذر از و و بیامرز او را خداوندا بگردان او را نزد خود در بلندترین جاها و خلیفه باش

علی اهله فی الغابرین وارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین پس بگوید الله اکبر وفا

بر اهل او در باقی ماندگان و رحم کن بر او برحمت خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان خدا بزرگترست

می‌شود و اگر زن باشد می‌گوید اللهم ان هذه امتک وابنة عبدک وابنة امتک

خداوندا بدرستیکه این کنیز تست و دختر بنده تست و دختر کنیز تست

نزلت بک وانت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منها الا خیرا وانت اعلم

فرود آمده است بتو و تو بهترین فرود شدگانی خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم از و مگر نیکی و تو داناتری

بها منا اللهم ان کانت محسنة فزد فی احسانها وان کانت مسیئة

باو از ما خداوندا اگر هست احسان کننده پس زیاد کن در احسان او و اگر هست گناه کار

فتجاوز عنها واغفر لها اللهم اجعلها عندک فی اعلی علیین واخلف

پس درگذر از و و بیامرز او را خداوندا بگردان او را نزد خود در بلندترین جاها و خلیفه باش

علی اهلها فی الغابرین وارحمها برحمتک یا ارحم الراحمین

بر اهل او در باقی ماندگان و رحم کن او را برحمت خود ای بخشنده‌ترین بخشندگان

واگر بعد از هر چهار تکبیر این دعا بخواند خوب است

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

گواهی میدهم اینکه نیست معبودی بحق مگر خدای یگانه درحالیکه نیست شریکی او را و گواهی میدهم بدرستیکه محمد بنده او و پیغمبر او

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذَا

خداوندا درود فرست بر محمد و اولاد محمد و بیامرز مردان مومن را و زنان مومنه را خداوندا بدرستیکه این

الْمُسَجَّى قُدَّامَنَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَقَدْ قَبَضْتَ رُوحَهُ إِلَيْكَ وَقَدِ احْتَاجَ

چادر پوش که در پیش است بنده تست و پسر بنده تست و بتحقیق گرفتی روح او را بسوی خود و بتحقیق محتاج

إِلٰى رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِهِ اَللّٰهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْراً

بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از عذاب او خداوندا بدرستیکه ما نمی دانیم از ظاهر او مگر نیکی

وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِسَرِيرَتِهِ اَللّٰهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِناً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ

و تو داناتری به پنهان او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن در احسان او و اگر

مُسِيئاً فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهِ

گنهکار پس درگذر از گناهان او

واگر زن باشد بگوید

اَللّٰهُمَّ إِنَّ هٰذِهِ الْمُسَجَّاةَ قُدَّامَنَا أَمَتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ وَقَدْ قَبَضْتَ رُوحَهَا

خداوندا بدرستیکه این چادر پوش که درپیش روی ماست کنیز تست و دختر بنده تست و بتحقیق گرفتی روح او را

إِلَيْكَ وَقَدِ احْتَاجَتْ إِلٰى رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنْ عَذَابِهَا اَللّٰهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ

بسوی خود و بتحقیق محتاج است بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از عذاب او خداوندا ما نمی دانیم

مِنْهَا إِلَّا خَيْراً وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِسَرِيرَتِهَا اَللّٰهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ

از ظاهر او مگر نیکی و تو داناتری بباطن او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن

فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِهَا

در نیکی او و اگر هست گنهکار پس درگذر از گناهان او

بلکه موافق جمع بین الاحادیث بهتر است و اگر بعد از تکبیر این دعا را بخواند بهتر خوب است

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله

گواهی میدهم اینکه نیست معبودی مگر خدا در حالیکه یگانه است نیست شریکی او را و گواهی هم میدهم بدرستیکه محمد بنده او و پیغمبر او

اللهم صل علی محمد وآل محمد وعلی الائمة الهداة واغفر لنا ولاخواننا

خداوندا درود بفرست بر محمد و اولاد محمد و بر امامان راهنما و بیامرز ما را و برادران ما را

الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا للذین آمنوا ربنا انک

که سبقت کردند ما را بایمان و مگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه ایمان آوردند پروردگارا بدرستیکه تو

رؤف رحیم اللهم اغفر لاحیائنا وامواتنا من المؤمنین والمؤمنات والف

آمرزنده مهربانی خداوندا بیامرز زنده‌های ما را و مرده‌های ما را از مردان مؤمن و زنان مؤمنه والفت ده

قلوبنا علی قلوب اخیارنا واهدنا لما اختلف فیه من الحق باذنک انک تهدی

دلهای ما را بر دلهای بهتران ما و راه نما ما را بسوی چیزیکه اختلاف کرده شده در آن از حق باذن تو بدرستیکه تو راه می‌نمایی

من تشاء الی صراط مستقیم اللهم عبدک ابن عبدک ابن امتک اتی الیک

کسی را که میخواهی بسوی راه راست خداوندا بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز تو و تو وارد شده بسوی تو

افتقر الی رحمتک واستغنیت عنه اللهم فتجاوز عن سیئاته وزد فی حسناته

محتاج است بسوی رحمت تو و بی نیازی تو از او خداوندا پس درگذر از گناهان او و افزون کن در نیکیهای او

واغفر له وارحمه ونور له فی قبره ولقنه حجته والحقه بنبیه صلی الله علیه

و بیامرز او را و رحم کن او را و نور بخش او را در قبر او و بیاموز او را حجت او را و ملحق کن او را به پیغمبر او درود خدا بر او

وآله ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده

و آل او و محروم مگردان ما را از اجر او و میازما ما را بعد او

و اگر زن باشد از اول این دعا بخواند تا

الی صراط مستقیم

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلَّذِيْنَ تَابُوْا وَاتَّبَعُوْا سَبِيْلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيْمِ

خداوندا بیامرز جماعتی را که توبه کردند و پیروی کردند راه ترا و نگاهدار ایشانرا از عذاب دوزخ

و اگر مذهب میت معلوم نباشد بگوید

اللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ النَّفْسَ اَنْتَ اَحْيَيْتَهَا وَاَنْتَ اَمَتَّهَا اَللّٰهُمَّ وَلِّهَا مَا تَوَلَّتْ وَاحْشُرْهَا مَعَ مَنْ اَحَبَّتْ

خداوندا بدرستیکه این نفس تو زنده کردی آنرا و تو میرانیدی اورا خداوندا متوجه کن اورا
بانچه متوجه بوده و محشور گردان ویرا باکسیکه دوست میداشت

و اگر میت طفل و نابالغ باشد بگوید

اللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِاَبَوَيْهِ وَلَنَا سَلَفًا وَفَرَطًا وَاَجْرًا

خداوندا بگردان اورا برای پدر و مادرش برای ما پیشرو پیش رسنده و مزد
و مشهور در همه آنست که دعاها سه تکبیر اول را میخواند بنحویکه گذشت و این دعا را بعد از تکبیر
چهارم میخواند و برسنی اگر نماز کنند تکبیر پنجم را نمیگوید و سنت ست که بر جای خود بایستد
تا جنازه را بردارند خصوصا پیش نماز و نماز جنازه را در مسجدی توان کرد و مشهور آنست که
اگر در مسجد نکنند بهتر ست و بر یک جنازه دو مرتبه نماز کردن خلاف ست در جواز
آن و در نیت که کسیکه نماز نکرده باشد تواند کرد و کسیکه در اثنای نماز برسد بقصد جماعت
ملحق میشود و دعاها که خود پیش را می باید خواند میخواند و چون پیش نماز فارغ شود بقیه را
با دعاهای مختصر بخواند اگرچه جنازه را بردارند و اگر دور شود یا که دور شود تکبیرها را پی در پی
بگوید و اگر میتی را بی نماز دفن کرده باشند احوط آنست که بر قبر او نماز کنند هر چند مدت گذشته
باشد و همه وقت نماز جنازه می توان کرد مگر آنکه وقت حاضره تنگ باشد حاضره را مقدم
میدارد و بهتر آنست که با وسعت وقت نیز اول حاضره را مقدم دارد مگر آنکه خوف فوت نماز
جنازه بوده باشد یا خوف ضایع شدن میت **فصل پنجم** در آداب دفن میت و آن بعد از آن
سنت است که تا میت را در قبر بگذارند نشینند و واجب ست کفایةً دفن کردن میت

و قدر واجب آنست که میت را در گودی پنهان کنند بحیثیتی که بوی بد او از مردم مستور گردد
و جسد او از درندگان ایمن باشد و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله واجب است بقول
مشهور و بعضی مستحب دانسته‌اند و مستحب است کندن قبر بقدر قامتی یا تا چنبر گردن و سنت است
کندن لحد از طرف قبله و مستحب است که آنقدر فراخ باشد که کسی در آن تواند نشست و اگر
زمین سست باشد و لحد نتوان کند بعضی گفته‌اند که مانند لحد بسازند و اگر نتوانند قبر را شق کنند
بآنکه از میان قبر بقدر جسد میت فرو برند آنقدر که توان نشست و دو طرف را [illegible] باشد که
خشت بر روی آن توان گذاشت که خاک بر میت ریخته نشود و احوط آنست که در مانند سردابه و
تابوت و صندوق نگذارند و شخصی که در دریا بمیرد اگر ممکن باشد بخشکی برسانند و الا در مانند خم گذارند
و سرش را ببندند و در دریا بیندازند اگر ممکن باشد و الا او را سنگین کنند و رو بقبله در آب
اندازند و چون جنازه نزدیک قبر رسد سنت است که او را نزد پای قبر بگذارند اگر مرد باشد
و اگر زن باشد برابر قبله بگذارند و مشهور آنست که زمانی میگذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند
و مرتبه چهارم او را بقبر می برند و آنچه در روایات معتبره وارد شده است آنست که چون
میت را نزدیک قبر رسانی او را بناگاه در قبر مبر و کار را بر او سنگین مکن و پائین تر از قبر بدو
ذراع یا سه ذراع بگذار و ساعتی صبر کن تا تهیه خود را بگیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای
عظیم است و دعا کن خدا او را پناه دهد از اهوال قبر و سنت است که سر میت را
پیش کنند و از جانب پای قبر سرازیر بقبر فرو برند و جمعی از علما گفته‌اند که زن را از جانب
قبله میگیرند و بعرض قبر می برند و سرازیر نمی‌کنند چنانچه در بعضی از روایات وارد شده است
و سنت است که شخصی که بقبر میرود که میت را بقبر گذارد بندهای قبا را بگشاید و بالاپوش و ردا
را بیندازد و سر و پایش برهنه باشد و جایز است یک کس برود و یا زیاده خواه طاق باشد
و خواه جفت و اکثر علما گفته‌اند که مکروه است که اگر میت مرد باشد خویش او را بقبر برد و از بعضی
از احادیث ظاهر میشود لیکن پدر را مکروه است که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر
اقارب را باکی نیست و اگر میت زن بوده باشد احوط آنست که محرم او را بقبر [illegible]

واگر محرم نبوده باشد زن صالحه برد واگر زن نبوده باشد مرد صالح برد و در رفتن و
بیرون آمدن سنت است که از پیش پای قبر باشد سنت است چون میت را نزدیک قبر بگذارد بگوید
اللّهمّ عبدک ابن عبدک وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به
خداوندا بنده تو پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمد بتو و تو بهتر از کسانیکه فرود آمده شود باو

و چون میت را بردارد که بقبر برد بگوید
بسم الله وبالله وعلی ملّة رسول الله صلی الله علیه وآله اللّهمّ الی
بنام خدا و بیاری خدا و بر مذهب رسول خدا درود فرستد خدا بر او و آل او خداوندا بسوی
رحمتک لا الی عذابک اللّهمّ افسح له فی قبره ولقّنه حجّته وثبّته بالقول
رحمت تو نه بسوی عذاب تو خداوندا فراخی کن برای او در قبر او و بیاد ده او را حجت او را و ثابت گذار او را بقول
الثابت وقنا وایّاه عذاب القبر
ثابت و نگاهدار ما را و او را از عذاب قبر

و چون در قبر بگذارد سنت است که بندهای کفن را بگشاید و روی میت را باز کنند و طرف
راست روی او را بر زمین برساند و اگر زیر سر را از خاک بلند تر کنند بد نیست و خشتی پشت
بگذارد که بر پشت نیفتد و سنت است که مهری از تربت حضرت امام حسین در برابر روی
او بگذارد و اگر تربت آنحضرت در کفن نیز بگذارد بهتر است و بگوید
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
پس سوره فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آیة الکرسی
بخواند و اگر حاضران هم بخوانند بهتر است پس بگوید
بسم الله وبالله وفی سبیل الله وعلی ملّة رسول الله صلی الله علیه وآله
بنام خدا و بیاری خدا و در راه خدا و بر مذهب رسول خدا درود فرستد خدا بر او و اولاد
اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد اللّهمّ افسح فی قبره والحقه بنبیّه
خداوندا درود فرست بر محمد و اولاد محمد خداوندا فراخی کن او را در قبر او و لاحق کن او را به پیغمبر او

صلى الله عليه وآله اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان

درود بفرستد خدا براو و اولاد او خداوندا اگر هست نیکوکار پس زیاده کن احسان او و اگر هست

مسيئا فاغفر له وارحمه وتجاوز عنه پس بگوید اللهم جاف الارض

گنه کار پس بیامرز او را و ترحم کن او را و درگذر از او خداوندا دور دار زمین را

عن جنبيه وصاعد عمله ولقه منك رضوانا پس بگوید اللهم عبدك

از دو پهلوی او و بالا ببر عمل او را و بنما او را از خود خوشنودی خداوندا بنده تو

وابن عبدك وابن امتك نزل بك وانت خير منزول به اللهم افسح

و پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمده بتو و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا گشاده

له في قبره ولقنه حجته والحقه بنبيه وقه شر منكر ونكير

برای او در گور او و بیاموز او را حجت او را و برسان او را به پیغمبر او و نگاه دار او را از شر منکر و نکیر

بسم الله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله صلى الله عليه وآله

بنام خدا و در راه خدا و بر مذهب رسول خدا درود بفرستد خدا براو و اولاد

اللهم عبدك ابن عبدك نزل بك وانت خير منزول به اللهم

خداوندا بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا

افسح له في قبره والحقه بنبيه اللهم انا لا نعلم منه الا خيرا وانت

گشاده گردان برای او در گور او و برسان او را به پیغمبر او خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم از او مگر نیکوئی و تو

اعلم به منا و در روایت دیگر است اللهم يا رب عبدك ابن عبدك نزل بك

داناتری باو از ما خداوندا ای پروردگار بنده تو پسر بنده تو فرود آمده بتو

وانت خير منزول به اللهم ان كان محسنا فزد في احسانه وان كان مسيئا

و تو بهترین کسانیکه فرود آیند باو خداوندا اگر باشد نیکوکار پس زیاده کن در نیکوئی او و اگر باشد گناهکار

فتجاوز عنه والحقه بنبيه محمد صلى الله عليه وآله وصالح شيعته

پس درگذر از او و برسان او را به پیغمبر او که محمد است درود فرستد خدا براو و آل او و نیکوکاران شیعه او

الْمُرْسَلِيْنَ وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَسَيِّدُ الْوَصِيِّيْنَ وَاِمَامٌ اَفْتَرَضَ اللّٰهُ

فرستاده شدگان و بدرستیکه علی امیر مومنان است و سرور اوصیا و امامی که واجب کرده است خدا

طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِيْنَ وَاَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ

طاعت او را بر عالمیان و بدرستیکه حسن و حسین و علی پسر حسین و محمد پسر

عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوْسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوْسٰى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی

وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوٰتُ

و علی پسر محمد و حسن پسر علی و حجت مهدی درودهای

اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَئِمَّةُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَحُجَجُ اللّٰهِ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعِيْنَ وَاَئِمَّتُكَ

خدا بر ایشان پیشوایان مومنان و حجتهای خدا بر خلق همه و پیشوایان تو

اَئِمَّةُ هُدًى اَبْرَارٌ يَا فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ اِذَا اَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقَرَّبَانِ رَسُوْلَيْنِ

پیشوایان هدایت نیکان ای فلان پسر فلان هرگاه بیایند ترا دو فرشتگان و مقرب درگاه دو فرستاده

مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ تَبَارَكَ وَتَعَالٰى وَسَئَلَاكَ عَنْ رَبِّكَ وَعَنْ نَبِيِّكَ

از نزد خدا که بزرگ است و بلند و سوال کنند ترا از پروردگار تو و از پیغمبر تو

وَعَنْ دِيْنِكَ وَعَنْ كِتَابِكَ وَعَنْ قِبْلَتِكَ وَعَنْ اَئِمَّتِكَ فَلَا تَخَفْ

و از دین تو و از کتاب تو و از قبله تو و از امامان تو. پس مترس

وَقُلْ فِيْ جَوَابِهِمَا اللّٰهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّيْ وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ

و بگو در جواب ایشان خدا که بزرگست بزرگواری او پروردگار منست محمد درود خدا بر او و فرزندان

اٰلِهٖ نَبِيِّيْ وَالْاِسْلَامُ دِيْنِيْ وَالْقُرْاٰنُ كِتَابِيْ وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِيْ وَ

اولاد او پیغمبر من است و اسلام دین منست و قرآن کتاب من است و کعبه قبله من است و

اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيُّ بْنُ اَبِيْ طَالِبٍ اِمَامِيْ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبٰى

امیر المومنین علی پسر ابوطالب امام من است و حسن پسر علی برگزیده

إمامي والحسين بن علي الشهيد بكربلاء إمامي وعلي زين العابدين
امام من است وحسین پسر علی شهید در کربلا امام من است وعلی زینت عابدان
إمامي ومحمد بن علي باقر علم النبيين إمامي وجعفر الصادق إمامي
امام من است ومحمد پسر علی باقر علم پیغامبران امام من است وجعفر صادق امام من است
وموسى الكاظم إمامي وعلي الرضا إمامي ومحمد الجواد إمامي
وموسی کاظم امام من است وعلی بن موسی الرضا امام من است وامام محمد تقی امام من است
وعلي الهادي إمامي والحسن العسكري إمامي والحجة المنتظر إمامي
وعلی نقی راهنما امام من است وحسن عسکری امام من است وحجت خدا انتظار برده شده امام من است
هؤلاء صلوات الله عليهم أجمعين أئمتي وسادتي وقادتي وشفعائي
این جماعت درودهای خدا بر ایشان همه پیشوایان من اند وسروران من وپیشوایان من وشفاعت کنندگان من
بهم أتولى ومن أعدائهم أتبرأ في الدنيا والآخرة ثم اعلم
با ایشان تولی مینمایم واز دشمنان ایشان تبرا میجویم در دنیا وآخرت بعد از آن بدان
يا فلان بن فلان أن الله تبارك وتعالى نعم الرب وأن محمدا صلى الله عليه
ای فلان پسر فلان بدرستیکه خدای بلند وبلند خوب پروردگاری است وبدرستیکه محمد درود فرستد خدا بر او
وآله نعم الرسول وأن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب وأولاده
وآل او خوب رسولی است وبدرستیکه امیر المؤمنین علی پسر ابو طالب واولاد او
الأئمة الأحد عشر نعم الأئمة وأن ما جاء به محمد صلى الله عليه
امامان یازده گانه خوب امامان اند وبدرستیکه آنچه آورده است آنرا محمد درود فرستد خدا بر او
وآله حق وأن الموت حق وسؤال منكر ونكير في القبر حق
وآل او حق است وبدرستیکه مرگ حق است وسوال منکر ونکیر در قبر حق است
والبعث حق والنشور حق والصراط حق والميزان حق وتطاير
وبعث حق است وزندگی بعد مرگ حق است وپل صراط حق است ومیزان حق است وپریدن

و مکروه ست فرش قبر بچوب و تخته کردن یا میت را با تابوت که دشتن مگر آنکه زمین آب
برآرد یا نم بسیار داشته باشد و چون از میت باز گردند بگوید

اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُوْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ دَرَجَتَهٗ

بدرستیکه ما بندهٔ خداییم و بدرستیکه بسوی او رجوع کنندگانیم و سپاس خدای را که پروردگار عالمیانست خداوندا بلند کن درجهٔ او را

فِيْ اَعْلٰى عِلِّيِّيْنَ وَاخْلُفْ عَلٰى عَقِبِهٖ فِي الْغَابِرِيْنَ وَعِنْدَكَ نَحْتَسِبُهٗ يَا رَبَّ الْعَالَمِيْنَ

در مرتبهٔ بلند علیین و خلیفه باش بر عقب او در باقیماندگان و نزد تو حساب میکنیم از ای پروردگار عالمیان

پس سنت ست که حاضران بپشت کف خاک در قبر بریزند و اگر بشکم دست کفها را پر کنند
و بریزند نیز خوبست و سنت ست که سه مرتبه بریزند و در وقت ریختن بگویند

اَللّٰهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَتَصْدِيْقًا بِكِتَابِكَ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ

خداوندا از راه ایمان تو و تصدیق به کتاب تو چیزیست که وعده کرده ست ما را خدا

وَرَسُوْلُهٗ وَصَدَقَ اللّٰهُ وَرَسُوْلُهٗ وَمَا زَادَنَا اِلَّا اِيْمَانًا وَّتَسْلِيْمًا

و پیغمبر او و راست گفت خدا و رسول او و نیفزود ما را مگر ایمان و قبول کردن

و در حدیث ست که هر که چنین کند و اینها بجا آورد حق تعالی بعدد هر ذرهٔ از خاک حسنه از برای
او بنویسد و مکروه ست که خویشان میت خاک بر قبر بریزند که موجب قساوت قلبست و دوری
از رحمت الهی و سنت ست که بغیر خاک قبر میت نریزند که ما بیست بر میت و سنت ست
که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند و بعضی چهار انگشت گشاده و بعضی هم آورده گفته اند ظاهر
هر دو خوب باشد و دور نیست که یک شبر نیز مجوز باشد و مستحب ست که قبر را چهار گوشه کنند
و در پیش هموار کنند و خرپشته نکنند چنانکه سنیان می کنند و بعد از آن آب بر قبر بریزند
و در خبر ست که تا تری در قبر هست میت را عذاب نمی کنند و سنت ست که آب ریزنده
رو بقبله بایستد و ابتدا از پیش سر کند و بر یک جانب قبر بریزد تا به پیش پا و بگرداند بجانب
دیگر و بریزد تا پیش سر و بعد از آن بمیان قبر بریزد و سنت ست که آب قطع نکند و متصل بریزد
تا تمام شود و مستحب ست که بعد از آب ریختن دست بر قبر گذارند در حالیکه انگشتان ایشان گشاده باشد

و قوت کنند تا اثر انگشتان ایشان در گل بماند و در ویقید باشند و از بعضی روایات مفهوم
میشود که نزدیک سر او بنشینند و این دعا بخوانند

اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَاَصْعِدْ اِلَيْكَ رُوحَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ
خداوندا دور گردان زمین را از دو پهلوی او و بالا ببر بسوی خود روح او را و ملاقات ده او را از جانب خود
رِضْوَانًا وَاَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ
خوشنودی و ساکن کن در قبر او از رحمت خود چیزی را که بی نیاز کند او را از رحمت کسی که سوای تست

و هفت مرتبه انا انزلناه بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت ضمیر مونث بیاورند
و سنت است که ولی میت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر میت
بنشیند و باواز بلند آن تلقین که گذشت بار دیگر بکند و اگر دیگری را نایب کند نیز خوب است و در
اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکنند منکر نکیر میگویند بیا برویم که تلقین حجتش کردند
احتیاج به پرسیدن نیست پس میگردند و سوال نمی کنند و مکروه است عمارت بر قبر
کردن و بر سر قبر بسیار ماندن و گچ مالیدن بر قبر مگر قبور ائمه و انبیا و بعضی گفته اند که قبور علما و صلحا
نیز این حکم دارد و مکروه است تازه کردن قبر بعد از مندرس شدن و در خبر است که حق تعالی
دوست میدارد دلهای شکسته و قبرهای مندرس شده را و مکروه است در حال اختیار
دو میت را در یک قبر گذاشتن و میت را از بلدیکه در آنجا مرده است بشهرهای دیگر بردن
مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم السلام و بعضی استثنا کرده اند نقل بمقبره علما و صلحا و شهدا
را نیز و مکروه است بر روی قبر نشستن و راه رفتن مگر بجهت زیارت قبور که ضرور شود
و مشهور آنست که جایز نیست نبش قبور مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر مال صاحب قیمت
افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن کرده باشند یا در کفن غصبی کفن کرده باشند
دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاک کرده باشند و از هم نپاشیده باشد و مشهور آنست که جایز
نیست نقل مردگان بعد از دفن و بعضی استثنا کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات
ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین و مشهور آنست که از برای میت گریبان چاک کردن و جامه

دیدن برای غیر پدر و مادر و بر ایشان جایز است بلکه از بعضی اخبار ظاهر میشود که مستحب
باشد خصوصاً پدر و بعضی تجویز کرده اند زنان را مطلقا و احوط ترک است و جایز نیست
خراشیدن رو و کندن و بریدن مو و احوط آنست که طپانچه بر رو و زانو و غیر آن نزنند
و بعضی از علما موافق روایتی قایل شده اند که زنی که موی سر خود را در مصیبتی ببرد واجب است
که کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و بعضی گفته اند که گناه دارد و کفاره
بر او نیست و دور نیست که سنت باشد و احوط دادن کفاره است و بعضی تراشیدن مو را نیز
الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره و همچنین اکثر علما قایل شده اند که واجب است کفاره قسم بر زنی
زنی که موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را بخراشد که خون بر آید و بر مردی که در مرگ فرزند خود یا
خود جامه چاک کند و کفاره یمین ان شاء الله تعالی مذکور خواهد شد و بعضی واجب میدانند و احوط عمل بمشهور
است و لازم است اصحاب مصیبت را که صبر کنند بلکه بقضای الهی راضی باشند و بدانند که حق تعالی
صابران را اجر بی حساب کرامت میفرماید و باید که در مصیبت بسیار بگوید

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

هر آئینه ما متعلقیم بخدا او هر آئینه بسوی اوست بازگشت ما را

تا ثواب آن گذشته او آمرزیده شود و هر گاه که آن مصیبت بخاطرش آید این کلمه را بگوید تا گناهان ما بین
این دو کلمه آمرزیده شود و بسند معتبر منقولست که هر که مصیبتی را بخاطر آورد اگر چه بعد از مدتی باشد و بگوید

إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللّٰهُمَّ أْجُرْنِي

بدرستیکه ما برای خدائیم و بدرستیکه ما بسوی او رجوع کنندگانیم و سپاس خدای پروردگار عالمیان خداوندا مزد ده مرا

عَلَى مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ عَلَيَّ أَفْضَلَ مِنْهَا

بر مصیبت من و خلیفه باش بر من بهتر از آن

ثواب همان مصیبت بار دیگر باو داده شود و سنت است که دیگران تعزیت ایشان بکنند و ایشان را
بصبر و شکیبائی امر کنند پیش از دفن و بعد از دفن و مبالغه در بعد از دفن بیشتر است و اقل تعزیت
آنست که بروند تا صاحب عزا ایشان را ببیند و منقولست از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که هر که

صبر فرمایند و ثنای او در صحرای محشر که همه کس ببینند خدا او را حله نیکوی از حله‌های
بهشت بپوشاند که موجب سرور او گردد و هر که مصیبت زده را صبر فرماید حق تعالی او را ثواب
آن صاحب مصیبت بکرامت فرماید بی آنکه از اجر او چیزی کم شود و فرمود که ثواب تعزیت بردن
بهشت است و مستحب است که صاحب مصیبت تغیر وضع خود بکند تا او را بشناسند و جائز است گریه
کردن که نیکیهای میت را بشمارند و نوحه کردن بحق جائز است که دروغ نگویند و چیزها بدل
برای میت اظهار نکنند و بهتر آنست که نوحه کنند و مستحب است که تا سه روز دیگران
خصوصا همسایگان برای صاحب مصیبت طعام بفرستند و زیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن که
چهار ماه و ده روز برای شوهر ماتم میگیرد با آنکه جامه‌های رنگین نمی پوشد و زینت نمیکند و سنت
مؤکد است زیارت قبور مؤمنان خصوصا خویشان چون داخل قبرستان شود بگوید

السَّلَامُ عَلَی أَهْلِ الدِّیَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُسْلِمِینَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ

سلام بر صاحبان دیار از مؤمنان و مسلمانان شما برای ما پیش روانید و ما

إِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ و در حدیث دیگر السَّلَامُ عَلَی أَهْلِ الدِّیَارِ مِنَ

اگر خواهد خدا بشما لاحق شوندگانیم سلام بر شما ای اهل دیار

الْمُسْلِمِینَ وَالْمُؤْمِنِینَ رَحِمَ اللهُ الْمُسْتَقْدِمِینَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِینَ وَإِنَّا

از مسلمانان و مؤمنان بیامرزد خدا پیشینیان را از ما و پسینیان را و بدرستیکه ما

إِنْ شَاءَ اللهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ و در حدیث دیگر السَّلَامُ عَلَیْكُمْ یَا أَهْلَ الدِّیَارِ مِنَ

اگر خواهد خدا بشما لاحق شوندگانیم سلام بر شما ای اهل دیار از

قَوْمٍ مُؤْمِنِینَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ أَنْتُمْ لَنَا سَلَفٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ رَحِمَ اللهُ

گروه مؤمنان و رحمت خدا و برکتهای او بر شما باد شما برای ما پیش روندگانید و ما بشما پیرواییم بیامرزد خدا

الْمُسْتَقْدِمِینَ مِنْكُمْ وَالْمُسْتَأْخِرِینَ وَإِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ

پیشینیان را از شما و پسینیان و بدرستیکه ما برای خداایم و بدرستیکه ما بسوی او رجوع کنندگانیم

و در احادیث بسیار وارد شده است که هر که نزد قبر برادر مؤمن خود هفت مرتبه انا انزلناه بخواند

از ترس بزرگ روز قیامت ایمن کرده و بروایت دیگر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد و سنت است که در وقت خواندن دست بر قبر گذارد و رو بقبله باشد و سنت است که این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَصَاعِدْ اِلَيْكَ اَرْوَاحَهُمْ وَلَقِّهِمْ

خداوندا دور گردان زمین را از پهلوهای ایشان و بلند کن بسوی خود ارواح ایشان را و ملاقات ده ایشان را

مِنْكَ رِضْوَانًا وَاَسْكِنْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَتُونِسُ

از جانب خود خوشنودی و ساکن گردان بسوی ایشان از رحمت خود چیزی که وصل کنی بآن تنهائی ایشان را و انس دهی

بِهِ وَحْشَتَهُمْ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و بروایت معتبر دیگر این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ

بآن وحشت ایشان را بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خداوندا رحم کن

غُرْبَتَهُ وَصِلْ وَحْدَتَهُ وَاٰنِسْ بِهِ وَحْشَتَهُ وَاٰمِنْ رَوْعَتَهُ وَاَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ

غریبی او را و وصل کن تنهائی او را و آرام کن بآن ترسیدگی او را و ایمن کن ترس او را و ساکن کن بسوی او از

رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَغْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَاَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ

رحمت خود آنچه بی نیاز شود بآن از رحمت شخصی که سوای تست و برسان او را بشخصی که دوست میداشت

و بروایت دیگر مستحب است که نزد قبر سوره حمد و معوذتین و قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک را سه مرتبه بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در قبرستان بگذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند و ثوابش را بمردگان قبرستان بخشد بعدد آن مردگان اجر و ثواب یابد و بروایت دیگر هر که آیة الکرسی بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح کند برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنجشنبه و جمعه زیارت قبور مستحب است و در احادیث معتبره وارد شده است که بر هر که مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را بیاد آورد که صعب ترین مصیبتهاست و در اخبار بسیار وارد شده است که هر که در وقت مصیبت دست بر ران خود زند ثواب او حبط میشود و نباید که شیون و فریاد کند و واویلا و واثکلاه بگوید و در حدیث معتبر منقولست که هر که یک فرزند از و برود و صبر کند بهتر است برای او از آنکه هفتاد فرزند از و بماند که همه بعد از او شوند

و در راه خدا جهاد کند و منقول است که هر که را دوست میدارد بهترین فرزندان او میگیرد و منقول است که ثواب مومن از مردن فرزندش بهشت است خواه صبر کند و خواه نکند و بسند معتبر منقول است که حضرت صادق در مصیبت این دعا میخواندند

الحمد لله الذي لم يجعل مصيبتي في ديني والحمد لله الذي لو شاء جعل مصيبتي اعظم مما كانت والحمد لله على الامر الذي شاء ان يكون فكان

سپاس مر خدا را که نگردانید مصیبت مرا در دین من و سپاس خدا را که اگر میخواست میکرد مصیبت مرا بزرگتر از آنچه هست سپاس مر خدا را بر امری که میخواهد اینکه بشود پس شد و باید که مردگان را فراموش نکنند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه گردیده و امید ایشان بفرزندان و خویشان و برادران مومن امیدوارند و احسان ایشان را چشم براه اند خصوصاً دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه و در مشاهد مشرفه و پدر و مادر را زیاده از دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای ایشان بعمل آورد که در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکوکار گردد بسبب اعمال خیری که از برای ایشان بعمل آورد و بسا فرزندی که در حال حیات پدر و مادر نیکوکار باشد و بعد از فوت ایشان عاق گردد بسبب آنکه اعمال خیر برای ایشان کم بعمل آورد و عمده خیرات برای پدر و مادر و سایر خویشان است که قرض ایشان را ادا کند و ایشان را از حقوق خدا و خلق بری گرداند و حج و سایر عبادتی که از ایشان فوت شده باشد سعی کند باستیجار یا بتبرع بعمل آورد و در حدیث صحیح منقول است که حضرت صادق علیه السلام در هر شب برای فرزند خود و در هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت نماز میکردند در رکعت اول انا انزلناه و در رکعت دوم انا اعطینا میخواندند و بسند صحیح منقول است از حضرت صادق علیه السلام که بسا باشد که میت در تنگی و شدتی باشد و حق تعالی آنرا وسعت دهد و تنگی را از او بردارد پس باو بگویند که این فرج که ترا داده اند بسبب نمازی است که فلان برادر مومن برای تو کرد راوی پرسید که دو میت را در دو رکعت نماز شریک میتوان کرد فرمود بلی و فرمود

که میت شاد می شود و فرح می یابد بدعا و استغفاری که برای او کنند چنانچه زنده شادی میشود و
بهدیه که برای او برند و فرمود که بر میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه و حج و تصدق و
سائر عملهای خیر و دعا و ثواب آن اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته می شود و در
حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب او را مضاعف
میکرداند و میت باین عمل منتفع میگردد و در روایتی وارد شده است که هر گاه شخصی بجهت
میتی تصدق بکند حقتعالی جبرئیل را امر فرماید که با هفتاد هزار ملک بنزد قبر او میروند
و هر یکی طبقی در دست دارند از نعمتهای الهی و هر یک باو میگویند السلام علیک ای دوست
خدا این هدیه فلان مومن است برای تو پس قبر او روشن میشود و حق تعالی هزار شهر در
بهشت باو کرامت میفرماید و هزار حوری باو تزویج می نماید و هزار حله باو می پوشاند و
هزار حاجت او را روا میگرداند و در حدیث معتبر منقول است که شش چیز بمومن میرسد بعد از
وفات اول فرزندیکه از جهت او استغفار کند دوم مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او
بماند و مردم بعد از و بخوانند سوم درختی که بکارد و مردم از آن نفع یابند چهارم آبی
که جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید که خلق خدا منتفع گردند ششم سنتی است که مردم بآن
عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتب مانند آن باب چهاردهم در بیان
احکام زکوة و خمس و اعتکاف است و در آن سه فصل است فصل اول در زکوة آیات
و احادیث بر وجوب آن و عقاب ترک کنندگان آن بسیار است از آن جمله حقتعالی میفرماید

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي
سَبِيلِ اللّٰهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمٰى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ
فَتُكْوٰى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هٰذَا مَا كَنَزْتُمْ
لِاَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ

یعنی آن کسانیکه جمع میکنند طلا و نقره را و حقوق الهی را منع میکنند و در راه الهی صرف نمایند پس بشارت ده ایشان را بعذابی دردناک در آن روز که سرخ کنند این طلا و نقره را در آتش جهنم و داغ کنند بآنها پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشان را و بایشان گویند این مالهائیست که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنها را و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که ندهد قیراطی از زکوة را کافر است و یک نیست و نه مومن است و نه مسلمان و در وقت مردن استغاثه میکنند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حق تعالی فرموده است

حَتّٰی اِذَا جَاءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُوْنِ لَعَلِّیْ اَعْمَلُ صَالِحًا فِیْمَا تَرَکْتُ

یعنی تا وقتیکه بیاید یکی از ایشان را مرگ گوید پروردگارا برگردانید مرا بدنیا شاید عمل شایسته بکنم در آن مالی که بعد از خود گذاشتم و از حضرت سید المرسلین صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام بطرق صحیحه منقولست که کسیکه طلا و نقره داشته باشد و زکوة آنرا ندهد حقتعالی او را در روز قیامت حشر خواهد نمود در زمینی نرم هموار که یابند نشود و بر آن مسلط سازد براو ماری را که زهرش از مارهای دیگر عظیمتر است و در عقب او دود و او از وی گریزد تا چون او را برسد و داند که از آن خلاصی ندارد دست خود را بدهان او دهد پس بدندان بگزد او را مانند شتر نری که بر چیزی دندان فرو برد پس طوق گردد در گردن

او و این است معنی قول حق تعالی

سَیُطَوَّقُوْنَ مَا بَخِلُوْا بِهٖ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ

یعنی زود طوق کرده شوند در گردن ایشان چیزی را که بخل ورزیدند در دنیا بآن در راه خدا او و اند در روز قیامت و هر کس شتری یا گاوی یا گوسفندی داشته باشد و زکوة آنرا ندهد حق تعالی حبس کند او را در صحرای نرم هموار و پامال کنند او را هر حیوانی که ... بسمهای خود و بگزند او را بدندانهای خود ... و هر کس نخلستانی یا زراعتی داشته باشد یا باغ خرما و انگور داشته باشد و زکوة آنها را ندهد او را با ایشان قطعه آن زمین را طوق ...

طوق کرده در گردن او اندازند و آن همه آتش گردد تا روز قیامت و بروایت معتبر دیگر
هر که زکوة مالش را ندهد حق تعالی آن مال را اژدهائی کرده اند در گردن او که دائم غوشت او را
خورد و گوشتش را بدندان کند تا از حساب خلائق فارغ شوند و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت صادق علیه السلام فرموده که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نشود مگر بسبب
ندادن زکوة و حق تعالی می فرماید

مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ
سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ

یعنی مثل جماعتی که صرف می نمایند مالهای خود را در راه خدا از زکوة و خمس و جهاد و حج و غیرهما
مانند دانه ایست که برویاند از آن هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد برابر
میشود و حق تعالی مضاعف میکرداند باضعاف این از برای هر که خواهد و آیات و اخبار درین باب بسیارست
و آنچه مذکور شد برای کسیکه ایمان بفرموده خدا و رسول صلی الله علیه و آله داشته باشد کافیست
و اما جنسی که در آنها زکوة واجب میشود پس نه جنس است اول طلا هرگاه مقدار بیست اشرفی باشد
و سکه داشته باشد و یکسال بماند که بدل نکنند و تغیر ندهند مقدار چهل و یک آن از زکوة می باید داد و بعد
از آن هر چهار اشرفی که زیاده می شود بعد از سال چهل و یک می باید داد دوم نقره است هرگاه بدویست درم
برسد که تخمیناً دوازده هزار و ششصد دینار عجمی باشد موافق نرخ آنکه سکه داشته باشد یکسال
بحال خود بماند بعد از سال چهل و یک می باید داد و همچنین هر چند چهل درهم زیاده شود که دوازده
هزار و پانصد و بیست دینار باشد چهل یک آن را می باید داد سوم شتر است و نصاب آن دوازده
است اول پنج شتر است و در آن یک گوسفند است دوم ده شتر است و در آن دو
گوسفند است سوم پانزده شتر است و در آن سه گوسفند است چهارم بیست شتر است و در آن
چهار گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است و در آن پنج گوسفند است و گوسفندیکه می دهند باید هفت ماهه یا بیشتر باشد
و کمتر نباشد اگر میش باشد و بزیکساله باید بوده باشد ششم بیست و شش شتر است و در آن یک شتر است باید که یکساله
باید بوده باشد و اگر نداشته باشد شتر نر دو ساله باید بدهند هفتم سی و شش شتر است باید که

بر مساجد واجب است و اگر مزارعت بگیرد به نصف یا ثلث یا ربع یا ده چهار مثلاً زکوة حصه مالک

بر مالک واجب است و زکوة حصه عامل بر عامل اگر حصه هر یک بتنهائی به نصاب رسیده باشد

پس اگر زراعت و باغ آب باران یا آب روان یا آب قنات یا آب ریشه خورده باشند

ده یک میدهند و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخ آب خورده باشند بیست یک میدهند

و اگر از هر دو خورده باشند بیشتر اعتبار دارد و اگر هر دو مساوی باشند پانزده یک میدهند

واحوط واقوی آنست که بغیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت را بدر نکنند در دادن

زکوة و چون اکثر علما برآنند که تعلق زکوة بانگور در وقت غوره شدن است پس احوط آنست

که اول ارباب خبرت را بیاورد که تخمین کنند میوه باغ را که چه مقدار است و باغ و مقر سازد که

نسبت زکوة خواهم داد تا آنچه خورد و از غوره و انگور حلال باشد یا آنکه آنچه بردارد و بکشد و حساب

یا آنچه بردارد عشر غوره را بدهد و همچنین گندم و جو وقتیکه دانه بسته بود و بعضی از علما گفته اند که زکوة

واجب است در حبوبات مانند برنج و ماش و نخود و عدس و امثال اینها هرگاه به نصاب جو

و گندم برسند بهمان شرائط و مقداری که گذشت و مشهور آنست که زکوة در اینها سنت است

و در مادیان که در علف صحرا چرا کنند و سال بر او بگذرد زکوة سنت است پس اگر پدر و مادرش

عربی باشند در سالی دو اشرفی چهار دانگی میدهد و اگر یابو باشد که یکی از پدر و مادرش عربی

نباشند یک اشرفی میدهد و در زکوة تجارت جمعی بوجوب قائل شده اند و مشهور آنست که سنت است

و آن مالی است که مالک شود آنرا بعنوان معاوضه و در وقت مالک شدن قصد اکتساب و تجارت بآن

داشته باشد و میباید که قیمت آن بیکی از نصاب طلا و نقره برسد و در تمام سال نصاب باشد و در

تمام سال از مایه کم نشود که یا بمایه یا بیشتر بخرند و اگر چند سال بگذرد که مایه در کمی باشد سنت است که زکوة

یکسال را بدهد و اگر مایه باقی باشد هر سال چهل یک را میدهد و اگر معاوضه کند در اثنای سال بقصد

تجارت خلاف است و احوط آنست که باز بدهد و سنت است که در وقت درو کردن اگر فقیر حاضر

باشد هر فقیر را دسته گندم بدهد هر قدر در دستش در آید و در وقت چیدن خرما و انگور یک مشت بدهد و

حساب نکنند و بعضی واجب دانسته اند و احوط آنست که ترک نکنند اما مستحق زکوة پس هشت طائفه اند

اول و دوم فقرا و مساکین و ایشان کسانی اند که مؤنت سال اینانه خود و عیال خود نداشته باشند و قادر بر کسبی نباشند که معاش خود و عیال خود بآن توانند گذرانید و احوط آنست که صالح باشند و گدا و سائل بکف نباشند سوم کسی ست که امام علیه السلام نصب میکند برای گرفتن زکوة و حصه باو میدهد و در زمان آن نمی باشد غالباً و سهم چنین چهارم که مؤلفة قلوبهم اند در زمان نمی باشند غالباً پنجم صرف کردن در آزادی بندگان ست مثل آنکه آقای غلام خود را مکاتب کرده باشد که مالی بدهد و آزاد شود و او عاجز باشد از ادای آن اگر مرا آقا زکوة واجب شده باشد باید که قدری از زکوة را بمال کتابت او حساب کند والا دیگران از زکوة حصه باو بدهند که با آقا بدهد و آزاد شود یا غلامی که از دست آقا در تعب و شدت باشد از مال زکوة بخرند و آزاد کنند ششم قرضداران اند که قرض کرده باشند و در معصیت صرف نکرده باشند در ادای قرض ایشان می توان داد هفتم فی سبیل الله است یعنی صرف در راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله و یاری حاجیان و زائران ائمه معصومین علیهم السلام و بنای مساجد و پلها و امثال اینها و بعضی گفته اند که مخصوص جهاد است در زمانیکه جهاد حق باشد و این احوط است هشتم ابن السبیل ست و آن کسی ست که بغربت افتاده باشد و خرج رفتن بجا نداشته باشد بمقدار راه باو بدهند که بخانه خود برسد اگر سفرش معصیت نباشد و باید کسیکه باو زکوة میدهند غیر مؤلفه شیعه اثنا عشری باشد و احوط آنست که اجتناب از گناهان کبیره کند خصوصاً شراب خوردن دیگر شرط است که واجب النفقه آنکس نباشد مثل پدر و مادر و جد و جده هر چند بالا روند و فرزندان و فرزندزادگان هر چند پائین روند و زن و بنده و بهتر آنست که زکوة را به خویشان پریشان بدهند غیر آنها که مذکور شدند اگر شرائط را داشته باشند و غیر سید زکوة بسید نمی تواند داد و غیر سید احوط آنست که بشریف ندهد و بهتر آنست که زکوة به مجتهد و مجتهدین یا عالمی که مصارف زکوة را داند که مصرف برساند فصل دوم در خمس ست بدانکه خمس در هفت چیز واجب میشود اول غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگ کاه باشد خواه بیرون دوم معادن مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و قیر و نفط و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن برود و پنج یک آنرا باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد

مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند مشهور آنست که حکم معدن دارد و احوط آنست
که بهر حال خمس آن را بدهند و رعایت نصاب در آن نکنند **پنجم** فاضل مؤنت سالیانه است
از ارباح تجارتها و زراعتها و جمیع کسبها و مشهور آنست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمی باشد
و خرج سالیانه را که بیرون کنند قدر وسط مناسب حال آن شخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف
کرده باشد خمس آنچه اسراف کرده است بیرون میکند و اگر بر خود تنگ گرفته باشد آن را هم بیرون
میکند علی المشهور و احوط آنست که از هر چه زیاده آمده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنست که
هر چه حاصل شود و خرج بکند و زیادتی را روز بروز خمس بدهد و اگر در اثنای سال اخراجات ضرور
واقع شود مثل خرج که خدای و حج بیت الله و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت
ائمه معصومین علیهم السلام و امثال اینها همه را بقدر وسط بیرون میکند و همچنین تعدیات و زیاد
ظلمه میکنند جمیع را بیرون میکند و خمس بقیه را میدهد و ابو الصلاح رح قائل شده است
که در میراث و هبه و هدیه نیز خمس واجب است و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر از شخصی
جایزه عظیمی باو برسد یا میراثی از جائیکه گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین
باو برسد خمس می باید داد و عمل باین روایت احوط است **ششم** زمینی است که یهود
و نصرانیان و مجوسان از مسلمانی بخرند خمس آن زمین را خمس قیمت آن را بار ظهای ذمی میگیرند
و اگر خانه یا باغ بخرند مشهور میان علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند و اکثر قدمای علما متعرض
این نوع خمس نشده اند **هفتم** مال حلالی است که مخلوط شده باشد بحرام و صاحب آن را
نداند و مقدار حرام را نداند خمس آن را میدهد بفقرای سادات و غیر ایشان و بعضی آن را مخصوص
سادات میدانند و بعضی گفته اند بسادات نمی توان داد و ظاهرا بهر دو توان داد و اگر بسید
بدهد بهتر است و اگر مقدار حرام را داند و صاحبش را نیز داند آن مقدار را واجب است
که بصاحبش بدهد و اگر صاحب داند و مقدار را نداند با صاحب باید که صلح کند و بعضی گفته اند
که در صورت خمس را بصاحب بدهد و بعضی گفته اند آن مقدار را که علم دارد بصاحب میدهد
و باقی را با صاحب صلح میکند احتیاطا و این احوط است و اگر مقدار داند و صاحب را نداند

سعی میکند تا صاحب را بهم رساند و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکند و این صورت و صورت
اول مسمی است برد مظالم و اگر خمس را بدهد یا تصدق کند کل را یا بعض را و بعد از ان صاحب پیدا شود
خلاف است آیا باید باز بصاحب بدهد یا نه و احوط آنست که بدهد و اما مستحق خمس مشهور میان علما
آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیت کریمه است حصه خدا و حصه حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ذو
القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول خدا از امام زمان علیه السلام است و نصف دیگر
حصه میشود که به یتیمان سادات و مسکینان سادات و ابنای سبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق
مشهور کسی است که منسوب باشد از جانب پدر به عبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن السبیل در زکوة گذشت
و در یتیم احوط آنست که پریشان باشد و ابن السبیل را آنقدر میدهند که بشهر خود برود و از احادیث معتبره ظاهر
میشود که در زمان حضور امام علیه السلام جمیع خمس را بخدمت آنحضرت می برده اند و حضرت نصف را خود میداشتند
و نصف را بآن سه فرقه سادات میداده اند که مذکور شدند و بهر یک بقدر کفایت ایشان در یک
سال میداده اند و آنچه زیاده می آمده خود بر میداشتند و اگر وفا نمیکرد از حصه خود تتمه را میداده اند و ایشان
بمنزله عیال امام علیه السلام بوده اند و در زمان غیبت احوط آنست که حصه سادات را بعالم عادل امین
بدهند که بسادات برساند بقدر احتیاج ایشان و اما نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است در زمان
غیبت خلاف است و مشهور آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل تتمه به نیابت آنحضرت بسادات
بدهد و اگر چیزی زیاده آید حفظ کند و بعد از ان خود بعالم دیگر بدهد که اگر سید پریشانی بیاید باو بدهد و الا از
برای آنحضرت ضبط کند و این فرض درین زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان بسیار اند و خمس
دهندگان کم اند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه علیهم السلام این حصه را بر شیعیان حلال کرده اند و این
سخن بی وجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر علیه السلام روایت صریحی نرسیده است که بر شیعیان حلال
کرده باشند بلکه خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بود نایبان آنحضرت
ابی عثمان عمری و پسرش ابو محمد و حسین بن روح و علی بن محمد سمری رضی الله عنهم حصه آنحضرت را بلکه جمیع
خمس را از شیعیان میگرفتند و بفرموده حضرت بمردم میدادند و ظاهر آنست که درین زمان نیز نایب
عام آنحضرت که علمای ربانی و محدثان و حاملان علوم ایشانند باید که بگیرند و بسادات که عیال آنحضرت اند

برسانند و الا باید سادات که اشرف خلق اند یا از گرسنگی بمیرند یا سائل بکف شوند و از همه کس
ذلیل تر شوند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرام است و خمس العوض آن با ایشان داده
اند و بسبب اختلافی که در میان علما بهم رسیده است و بعضی از علمای عصر که اعتبار اجرات داده اند
بر ترک خمس باعث این شده است که اکثر سادات به فقر و فاقه مبتلا اند و حقوق ایشان و اجداد ایشان
در ذمه اغنیا می ماند و بر تقدیری که امام بر ایشان حرام کرده باشد و در زمانها که تقیه و خوف و تعدیات از
خلفای جور بر ایشان واقع شده حلال کرده باشد ایشان چگونه بر خود تجویز میکنند که عیال
و خویشان و اقارب امام خود را در فقر و اضطرار ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت
امید شفاعت از ایشان داشته باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال مردم در قیامت
وقتی خواهد بود که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت صادق
علیه السلام فرمود که من یک درهم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است
و نمیگیرم مگر از برای آنکه شما پاک شوید از گناه و از حقوق ما و حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود
که هر که احسانی با یکی از اولاد من بکند من مکافات میدهم او را در روز قیامت اکثر علما برآنند
که اگر صاحب مال خود حصه امام علیه السلام را با سادات بدهد بری الذمه میشود مگر آنکه در ایام
[illegible] از [illegible] در این حکم و از **فصل سوم** در بیان فضیلت و کیفیت
اعتکاف اعتکاف ماندن است در مسجد جامع بجهت عبادت و آن سنت مؤکده است و بمقتضای
آیات و اخبار [illegible] خصوصاً در دهه آخر ماه مبارک رمضان چنانچه سید المرسلین صلی الله علیه
و آله همیشه در دهه آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف می نمودند مگر یک سال که در آن جنگ بدر واقع
شد و در سال دیگر بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضای سال گذشته
و ده روز ادا و از آن حضرت منقول است که اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان برابر است
با حج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه آن مانند عهد و قسم و اجاره و اذن [illegible] واجب
میشود و اگر بنذر واجب شده باشد و فوت شده باشد احوط آنست که پسر بزرگ قضا کند
و بعضی گفته اند که [illegible] شروع کردن واجب میشود و بعضی گفته اند روز سوم واجب میشود

یا بیشتر و مشهور آنست که دو شب میان داخل اند و بعضی گفته اند شب اول نیز داخل است و احوط آنست که نزدیک بغروب آفتاب نیت اعتکاف بکند تا شام روز سوم و اگر تا صبح روز چهارم قصد کند نهایت احتیاط است و شرط است در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب خواه سنت و در سنت باید رخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه سنت شرط است مانند شوهر زن را و مالک بنده را و احوط آنست که فرزند بی رخصت پدر و مادر اعتکاف سنت نکند و مهمان بی رخصت مهماندار و بر عکس واقع نسازد و نیت در اعتکاف شرط است و ظاهر آنست قصد قربت کافی است و واجب است که بیرون نرود از مسجدی که در آن اعتکاف میکند بدون ضرورت مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند یا عیادت بیمار مومن یا حاضر شدن در جنازه مومن یا قضای حاجت مومن یا برای حاجات ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد و در غسل جمعه بنا بر قول باستحباب آن و سایر اغسال مستحبه اگر در مسجد نتوان کرد اشکالی هست و مشهور آنست که نمی توان کرد و همچنین جایز است بیرون رفتن از برای تحصیل آب و نان و سایر ضروریات اگر کسی نداشته باشد که برای او تحصیل نماید و همچنین جایز است بیرون رفتن از جهت گواهی دادن و گواه شدن اگر دیگری نباشد و نتوان در مسجد بجا آوردن و چون بدر رود در جائی ننشیند تا برگردد بمسجد و بهتر آن است که در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد و از راههای نزدیکتر بمطلب برود و به بیت الخلا نزدیکتر برود اگر ممکن باشد و توقف بسیار زیاده از ضرورت واقع نسازد و چون وقت نماز شود نماز را در جای دیگر غیر آن مسجد که محل اعتکاف است نکند مگر در مکه معظمه که در همه جا می تواند کرد و اگر وقت تنگ شود در جای دیگر میتواند کرد و اگر سهوا از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمی شود مگر آنکه زمان بسیار بکشد و کذا در امتداد مکث ننماید و هم چنین اگر جبرا او را بیرون برند و احوط آنست که جزو بدن را نیز از مسجد بیرون نکند و بعضی منع کرده اند از رفتن ببام مسجد و ظاهر آنست اگر داخل مسجد باشد [illegible] و بدانکه حرام است بر معتکف جماع کردن با زنان در روز و شب و همچنین حرام است بوسیدن بشهوت و دست بر بدن او مالیدن بشهوت و احوط اجتناب است از همه اگر [illegible] شهوت نباشد و حرام است

طلب منی کردن اگرچه بگفتگو باشد هرگاه عادتش آن باشد که از و منی آید بسبب آن و احوط
آنست که لعبت و ست بذکر نمالد و حرام است بوی خوش کردن و گل بوئیدن هر گلی که باشد
علی المشهور و باید که جدل و نزاع باکسی نکند و احوط آنست که مباحثهٔ علمی نیز نکند مگر بقدر اظهار حق و خرید و فروش
نکند مگر برای ضروریات خود و عیال خود و احوط آنست که وکیلی از برای خود قرار دهد که اینها
را بکند و احوط آنست که مطلقا معاملات خود را واقع نسازد و عقد نکاح را و جمیع اینها که در اعتکاف
حرام است در روزها و شبها همه حرام است مگر در خوردن و آشامیدن که در شب جائز
است نه در روز و هرچه روزه را باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل می کند اگر در روز
بفعل آورد و در شب افطار می تواند کرد و مفطرات غیر جماع و استمنا را واقع میتواند ساخت
و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب اگر کسی جماع کند اعتکاف او باطل می شود و کفاره
میدهد اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول و دوم اعتکاف سنت خلافست و احوط آنست
که کفاره بدهد اگرچه جماع در شب واقع شود و احوط آنست که هرچه روزه را باطل میکند اگر اینها را
در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفارهٔ بنده آزاد کردن است اگر تواند والا دو ماه
پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین را طعام دادن و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها
و اول احوط است بلکه اظهر پس اگر جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز ماه
مبارک واقع شود دو کفاره میدهد یکی از مرتبه و دیگری مخیره و بعضی گفته اند که اگر در روز غیر ماه
رمضان واقع شود باز دو کفاره میدهد و آن بیوجه است و بیع و شرا و سائر محرمات
غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره باینها واجب نمیشود و در بطلان با استمنا
کفاره بسبب آن خلافست و احوط اتمام است و کفاره اگر در شب واقع شود و اگر در روز
واقع شود استمنا باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف
بسیار است و با آنچه ضرور بود اکتفا کردیم **خاتمه** در بیان کفارات است بدانکه کفاره
بر دو نوع است **اول** کفارات احرام حج و عمره و آنها را در رسالهٔ حج بیان کرده ام **دوم**
سائر کفارات و آنها بسیار است [illegible] متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت

بعضی گفته اند کفاره اش کفاره ظهار است اول بنده آزاد کردن و با عجز از آن دو ماه روزه
داشتن و با عجز از آن شصت مسکین را اطعام کردن و اگر عاجز شود ده مسکین اطعام یا کسوت دهد
و اگر عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و بعضی گفته اند کفاره اش کفاره نذر است و
ابن بابویه گفته است که سه روز را روزه بدارد و ده مسکین اطعام بدهد و بعضی گفته اند که
گناه کرده است و کفاره ندارد و در حدیث صحیح وارد شده است که صفار بحضرت امام حسن عسکری
نوشت که شخصی سوگند یاد کرد به بیزاری از خدا و حضرت رسول و مخالفت کرد توبه و کفاره او
چیست حضرت فرمودند که ده مسکین را اطعام دهد هر مسکینی را یک مد و طلب آمرزش میکند و بعضی
از علما باین مضمون قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و ایضاً خلاف کرده اند که این کفاره
برای اصل سوگند خوردن است یا برای مخالفت سوگند کردن و باید که چنین سوگند یاد نکنند و اگر بکند
بمحض سوگند عمل بقول اول بکند اگرچه ظاهر است که عمل بروایت مجزی است نهم بعضی از علما
قائل شده اند که زنی که در مصیبت موی سر خود را ببرد کفاره افطار ماه مبارک رمضان بدهد
بترتیب بر قول بعضی و بتخییر بر قول بعضی و بعضی گفته اند گناه دارد و کفاره ندارد و در روایتی
وارد شده است که کفاره افطار ماه مبارک رمضان لازم است و احوط عمل بروایت است
و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند به بریدن در وجوب کفاره دهم هرگاه زنی
در مصیبت موی سر خود را بکند یا روی خود را بخراشد یا مردی جامه خود را در مرگ فرزند خود
یا زوجه خود چاک کند کفاره قسم لازم میشود بنا بر قول بعضی و روایتی بر این مضمون وارد شده است
و احوط است هر چند وجوبش ثابت نیست یازدهم هرگاه مرد زن دائمه یا متعه یا کنیز خود را
در ایام حیض جماع کند در قول بعضی کفاره واجب دانسته اند و بعضی سنت و مشهور میان علما
آنست که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی تصدق میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و در آخر
حیض ثلث اشرفی و احوط عدم ترک کفاره است دوازدهم کسیکه بخوابد و نماز خفتن نکرده
باشد تا نصف شب بگذرد و بعضی گفته اند که واجب است که آن روز را روزه بدارد و مشهور استحباب است
و بعضی عامد و ناسی را نیز ملحق کرده اند و مشهور آنست که بر تقدیر وجوب ...

قادر شود بر بنده آزاد کردن و نه او را تجربه بیست بهتر آنست که ترک کند به چند وجه

آزاد کند خصوصاً هرگاه کمتر از یک ماه و یک روز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قائل

شده اند که هرگاه هر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز شود از گرفتن آن هیجده روز

روزه میدارد و اگر نتواند برای هر روزی مدی از طعام میدهد و اگر نتواند استغفار میکند

و اشهر و اقوی آنست که از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل آن میشود دیگر کفاره ظهار که

بعضی گفته اند که تا کفاره ندهد وطی زن او حلال نمیشود هر چند عاجز باشد و اگر بعد از عجز و استغفار

بر کفاره قدرت بهم رساند احوط آنست که باز کفاره را بعمل بیاورد و چون اکثر مردم جاهل

اند بکفارات و احکام آنها و بر ایشان لازم می شود و نمیدانند و مشغول الذمه بحقوق الهی

میمانند قدری از احکام آنها را درین رساله کثیر الفائده ایراد نمود و ملتمس از برادران دینی

آنست که هر که ازین رساله منتفع گردد در حالت حیات و یا بعد از وفات این شکسته بال

رحمت و مغفرت این مستحق دعا را یاد کند

ختم بفضل الله سبحانه وتاييده في شهر الله

المعظم شهر رمضان من سنة سبع ومائة والف من الهجرة

المقدسة على يد مؤلفه الراجي رحمة الله الكريم المنان

في محروسة اصبهان صينت عن طوارق الحدثان مع وفور

الاشتغال واختلال الاحوال وتوزع البال الحمد لله اولا و

اخرا والصلوة على سيد المرسلين محمد

وآله الاطيبين الاقدسين

ولعنة الله على

اعدائهم

اجمعين